المحقق الطباطبائي

في ذكراه السنوية الأولى

المجلد الثالث

(بخش فارسی)

إعداد

اللجنة التحضيرية

المحقق الطباطبائي

في ذكراه السنوية الأولى

المجلد الثالث

(بخش فارسی)

اعداد

اللجنة التحضيرية

هويّـة الكتـاب

الكتاب :	المحقّق الطباطبائي في ذكراه السنوية الأُولىٰ ـ ج٣
اعداد :	اللجنة التحضيرية
الناشر :	مؤسّسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ـ قم المشرفة
الطبعة :	الأُولىٰ ـ شعبان ـ ١٤١٧ هـ
الفلم والألواح الحسّاسة (الزنك) :	تيز هوش
المطبعة :	ستارة
الكمّية :	٢٠٠٠ نسخة
السعر :	٥٠٠٠ ريال

المحقق الطباطبائي

في ذكراه السنوية الأولى


بسم الله الرحمن الرحيم

دربارۀ محقق طباطبائی

یک عمر تلاش و اخلاص بی‌سروصدا

استاد محمّد تقی جعفری

تهران ـ ایران

اولین آشنایی اینجانب با علامه فقید حجة الاسلام والمسلمین مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی طاب ثراه در نجف اشرف در اثناء سال ۱۳۶۵ هجری قمری بود. این آشنایی در موقعی که اینجانب در نجف به دروس حکیم وعارف شهیر مرحوم آقای شیخ مرتضیٰ طالقانی در مدرسه آیة الله فقیه بزرگ سید کاظم یزدی قدس الله سره حاضر شدم شروع شد.

به جهت ارتباط علمی و انس فراوانی که در دوران تحصیل در نجف اشرف با ایشان داشتم، محاسن زیادی از ایشان مشاهده کرده بودم که شخصیت ایشان را تا مقام یك عالم با تقویٰ و با فضیلت بالا برده بود. عناصر اصلی شخصیت علامه فقید طباطبائی، بهرهٔ زیاد معظم له از لطافت و ذوق ادبی، هوش سرشار

و سرعت انتقال در مطالب علمی و دینی بود. از طرفی دیگر آرامشی ظاهر، و درونی پر تلاش و هیجان در وی یافته بودم؛ هیجانی در حقائق مذهبی و ارائه آنها بر مبنای منابع قابل پذیرش. از محاسن با اهمیت شخصیت آن مرحوم که متأسفانه تا حدودی کمیاب است این بود که معمولاً در صدد ابراز معلومات وافری که اندوخته بود برنمی‌آمد. اگرکسی روزها با آن بزرگوار همنشینی می‌کرد، نمی‌توانست ازکمیت و کیفیت معارفی که در درون داشت اطلاع پیدا کند به اصطلاح اصول مقام ثبوتی آن فقید خیلی بیش از مقام اثباتی او بود. پرکاری و هدف‌گیری‌های مخلصانه در شناخت واقعیات و ابراز آنها از ارکان اصلی ساختار آن شخصیت بود.

مبانی جهد آن مرحوم در فرهنگ عمومی اسلامی، به ویژه آثار مکتوب شیعه، متعدد و متنوع بود. از جمله زمینه اولی اهتمام ایشان به فرهنگ اسلامی را باید تولد وی در نجف در دودمان علم و تقویٰ و قرارگرفتن در اشکالی گوناگون از مراکز علمی و مجالس معرفتی که طبیعتاً در آغاز جوانی، مقتضی مهمی برای ورود به حوزه علمی و علاقه شدید به فرهنگ اسلامی و شناخت و معرفی آثار شیعه، در نظر گرفت.

اما تلاش پیگیر ایشان را درباره آثار مکتوب شیعه، ارتباط آموزشی قابل توجه ایشان با دو محقق ومتتبع بزرگ عالم شیعه که هر دو از اعاظم علمای حوزه بزرگ نجف اشرف بودند (فقیدین مرحومین آقای شیخ عبدالحسین امینی و آقای حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی) باید به حساب آورد. بدیهی است آن دو عالم فرزانه نیز برای کارهای بزرگ خود ـ الذریعة إلیٰ تصانیف الشیعه وکتاب الغدیر که آثاری با اهمیتند ـ نیز انگیزه یا انگیزه‌هایی داشتند که برای جهان شیعه اهمیت فراوانی داشت؛ از آنجمله خلاف واقع‌هایی که بعضی از نویسندگان غیر شیعه به راه

انداخته بودند که شیعه برای خود تألیفات ندارد، و یا مبانی مکتبی تشیع چنین است و چنان!!

از اینجاست که تمایز علامه محقق طباطبائی در میان محققان و پژوهشگران ـ همانگونه که از آثار قلمی ایشان هویداست ـ آشکار می‌گردد و آن چهرهٔ بارز مردی است محقق و علاقمند به ارائه واقعیات، مخصوصاً آن قسمت از واقعیات که پرده‌های تاریك اغراض غیرعلمی و غیردینی آنها را از دیدگاه انسانهای حقیقتجو پنهان داشته است. او به عنوان تلاشگری مخلص وبی‌سروصدا وعاشق به خود حقیقت که آن را در مبانی عالی مکتب شیعه یافته بود، شناخته شده است.

حسن انتخاب موضوعاتی که شخصیت علمی و دینی او را سخت به خود جلب کرده بود ویژگی خاصی به آثار محقق طباطبائی می‌داد. ومی‌دانیم که محور همهٔ موضوعاتی که این مرد علم و تقوی را به خود مشغول داشته بود، معشوق همه پاکان اولاد آدم علی بن ابی طالب و اولاد معصوم آن حضرت علیهم‌السلام بود و بدان جهت که پای عشق و علاقه الهی درکار بود سوز وگداز و خلوص نیت در آثار ایشان باکمال وضوح احساس می گردد. امتیازی بزرگ که در تألیفات آن فقید دیده می‌شود، تحلیل و تحقیق‌هایی است که در باب منطق و روش، در حد بسیار خوبی صورت گرفته است، مخصوصاً استناد به منابع و مآخذی که استدلالها را بر پایه ای محکم استوار می‌سازد. از اینرو اینجانب با داشتن توفیق مطالعهٔ این آثار، مطالعه و اهتمام به کارهای ایشان را برای دوستان پیشنهاد می‌کردم.

مقدار بسیار مهم از تحقیقات آن بزرگوار، سابقهٔ بررسی مشروح نداشته است. بدیهی است اگر فضلای محقق ومتخصص به تتمیم و تکمیل آثار تألیفی و تحقیقی آن مرحوم اقدام نمایند، خدمت شایان تمجیدی به معارف اسلامی

مخصوصاً به معارف شیعه انجام داده اند. امیدواریم حوزه علمیه قم که بحمدالله و منّه از نظر تحقیق در معارف اسلامی گامهای مؤثری برمی‌دارد، این کار ضروری را به عهده گیرد. رحمت و مغفرت خداوندی را به روح آن بزرگوار مسئلت می‌نماییم.

محمّد تقی جعفری

شهریور ماه ۱۳۷۵

نشستی کوتاه
با استاد محمدتقی دانش‌پژوه*

از آنجا که زندگی دو فرزانه عالم کتاب و کتابشناسی، مرحوم محقق طباطبائی و استاد محمدتقی دانش‌پژوه، با روزهایی پرتلاش و گرم در کنار هم سپری شده و هر دو شاهد همّت عالی یکدگر بوده‌اند، جای آن داشت که گوش به سخنان استاد دانش‌پژوه بسپاریم و مرحوم محقق طباطبائی را آنگونه که یک دوست صمیمی و همکار شناخته بشناسیم. اما دریغ که استاد دانش‌پژوه در بستر بیماری است و گفتگوی وی با زحمت زیادی توأم بود و این بیماری تا آنجا به وی امان نداده که خانواده و دوستان ایشان نتوانستند خبر فوت همراه صمیمی وی در راه جان دادن به جانهای خفتهٔ در لابلای نسخه‌های خطی، محقق طباطبائی را به

(*) در حین تنظیم و چاپ این گفتار خبردار شدیم که استاد دانش‌پژوه در ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۲۷ آذرماه دنیای دانش را تنها گذاشته دار فانی را وداع کرده‌اند و فرهنگ اسلامی را پس از فوت سید عبدالعزیز طباطبائی با ضربه‌ای دوباره بس سنگین در ماتم فرو بردند. روانش شاد و خدایش بیامرزاد.

وی ابلاغ دارند ؛ لذا از آنجا که بیم آن می‌رفت که حال ایشان وخیمتر گردد خانوادهٔ ایشان از ما خواستند تا ایشان را متوجه این واقعه نسازیم . از خداوند بهبودی کامل ایشان را خواستاریم .

این صمیمیت را می‌توان در آثار قلمی ایشان و در صدر فهرستهایی که تهیه کرده‌اند مشاهده نمود :

استاد محمدتقی دانش‌پژوه در نشریه دانشگاه تهران می‌نویسد : « از ۲۸ بهمن ماه ۱۳۴۵ تا ۹ فروردین ۱۳۴۶ یک هفته‌ای که در بغداد وکاظمین و نجف و کربلا و ۲۱ روز در شهر مدینه و سپس در مکه بسر بردم و رویهم رفته ۲۳ کتابخانه که نزدیک به ۲۷ هزار مجلد کتاب در آنها هست دیدم . اینک سیاههٔ پاره‌ای از مخطوطات این کتابخانه‌ها راکه از فهرستهای دستی آنها رونویس شده است در اینجا می‌بینیم . از دوست دانشمندم آقای سید عبدالعزیز طباطبائی که در این سفر افتخار همراهی او را داشته‌ام و در تهیهٔ این سیاهه کمکهای شایانی به من کرده است ، بسیار سپاسگزارم ..» (انتشارات دانشگاه تهران دفتر پنجم ، کتابخانه‌های عراق و عربستان سعودی، محمدتقی دانش‌پژوه ، ص۴۰۵) .

محقق طباطبائی نیز در اتوبیوگرافی خویش دربارهٔ همراهی خود با استاد دانش‌پژوه در کتابخانه‌های متعدد در عربستان سعودی می‌نویسد : «إنّ جامعة طهران أوفدت بعثة إلى الحجاز عام ۱۳۸۶ هـ. لتصوير المخطوطات وفيها زميلنا خبير المخطوطات المفهرس المشهور الاستاذ محمّد تقي دانش پژوه فمر بالنجف الأشرف و صحبته إلى الحجاز و تجولنا في مكتبات الحرمين الشريفين : مكتبة عارف حكمت ، و مكتبة المدينة المنورة، و المكتبة المحمودية، و مكتبة الحرم النبوي الشريف ، و مكتبة مظهر ، وكان في رباط مظهر ، مقابل البقيع في المدنية المنورة، و مكتبة الحرم المكي و مكتبة مكة المكرمة في مكة المكرمة .» (الغدير في التّراث الإسلامي ، سيد عبدالعزيز طباطبائی، دار المؤرخ العربی

بیروت ، ص ۲۴۱) .

و نیز در نشریه دانشگاه تهران به همراهی‌شان در کارها اشاره می‌کند : « در مرداد ۱۳۴۳ دوست دانشمندم آقای دانش‌پژوه به تبریز رفته و از کتابخانه‌های آنجا دیدن کرده و به اندازهٔ ممکن نسخه‌های نفیس را دیده و یادداشتهای باارزش و سودمندی فراهم نموده است ...پس از آن در تیر ماه ۱۳۴۵ این جانب از طرف کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین در نجف برای دیدن کتابخانه‌ها و عکس‌برداری از بعضی مخطوطات به تبریز رفتم و کتابخانه‌های آنجا را دیدم و از مقداری از کتابهای خطی یادداشت برداشتم ، از جمله کتابخانهٔ خاندان محترم ثقةالاسلام بود که آقای دانش‌پژوه سال پیش یکبار آنرا دیده بود و یادداشتهایی از ۳۳کتاب و مجموعهٔ آن فراهم کرده بود ... این جانب نیز با فرصت بیشتری بقیهٔ کتابهای این کتابخانه را دیده و همهٔ آن را فهرست کردم » (انتشارات دانشگاه تهران دفتر هفتم، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ثقةالاسلام در تبریز، از سید عبدالعزیز طباطبائی ، ص ۵۳۱) .

چنانکه دکتر ایرج افشار اشاره دارد صمیمیت ایشان تا آنجا بود که یاد و نام محقق طباطبائی همیشه در حین فهرستنویسی در کتابخانه‌ها با استاد دانش‌پژوه همراه بوده : « در طول سالهایی که با محمدتقی دانش‌پژوه به دنبال نسخه‌های خطی این سو و آن سو می‌بودیم غالب جاها یاد طباطبائی به میان می‌آمد و معلوم می‌شد عاشقانه بدان گوشه‌ها سر زده بوده است » (کلک ، فروردین ۱۳۷۵، شماره ۷۵-۷۳ ، ص ۱۱۱) .

و اینک گوش می‌سپاریم به جملاتی چند از استاد دانش‌پژوه :

« آشنائی من با ایشان در تهران آغاز شد ، و پس از آن در قم ایشان را دیدم ، بعدها در اماکن مشرفه ، در عراق با ایشان بیشتر آشنا شدم .

در طول زندگی همهٔ سرگذشتمان با هم خاطره است، در همانجا در عراق بود که من مرید ایشان شدم چه هیچ آخوندی مثل او چنان پر اطلاع ندیده بودم، او بی‌نظیر است، برای معرّفی وی به خودشان مراجعه کنید، او بهتر می‌تواند تلاش خود را بازگو کند[1]، البته ایشان نیاز به معرفی ندارند، من سفارش می‌کنم که طلّاب قدرش را بدانند».

مدتی پیش که بزرگداشتی برای استاد دانش‌پژوه در تهران برپا شده بود مرحوم پدرم با اشتیاق تمام عزم تهران نمود و فکر می‌کنم این آخرین دیدار آندو بود.

علی طباطبائی یزدی

(۱) اینها بدان خاطر است که استاد دانش‌پژوه از درگذشت ایشان بی‌خبرند.

پیرامون شخصیت محقق طباطبائی

استاد عبدالحسین حائری
تهران ـ ایران

بنده خدمت ایشان ارادت داشتم، و ایشان را دوست داشتم، و هنوز هم دوست دارم.

آغاز آشنایی با ایشان را دقیقاً نمی‌توانم بگویم، ولی حدوداً سال ۴۳ یا ۴۴ بود. همان سالی بود که مرحوم علامه امینی ایران بودند، وچون ما با پسرهای علامهٔ امینی آشنا بودیم، ایشان یك یا دو جلسه با حاج آقا رضا آمدند، و بعد از آن ما همدیگر را یافتیم، و ایشان خیلی به من لطف پیدا کردند و من به ایشان ارادت.

در مورد چنین اشخاصی نمی‌توان دقیق سخن گفت چون... ایشان بیش از آنست که در این گفتار بگجند.

ما با هم بسیار مأنوس بودیم و گاهی که ایشان به عراق می‌رفتند و

برمی‌گشتند به من کتابهایی می‌دادند که من آرزو داشتم چنین کتابهایی داشته باشم ، و من توجه نمی‌کردم وایشان هم یادآور نمی‌شدند که این کتاب را من از ایشان خواسته بودم ، و بعدها این موضوع به یادم می‌آمد . معمولاً این کتابها متون بود یا کتابشناسی و کتب فهارسی بود که در عراق بود و از جمله فهرست . . . عراق بود که ایشان آوردند و در ایران نبود .

به اینجا درکتابخانه زیاد تشریف می‌آوردند و گاه تا اواخر وقت عصر در کتابخانه نزد من می‌ماندند که نتیجهٔ آن خاطرات بسیار شیرینی است که دارم ، شاید ایشان تنها روحانی واقعی و غیر از بنده بودند که در رستوران مجلس نهار صرف می‌کردند .

همیشه مسائل مشکل کتابشناسی در پیش بود ، و همیشه این مشکلات را با ایشان در میان می‌گذاشتم ، و ایشان در اشکالات علمی برای ما امیدی بود . بهر حال از جمله مراجع مطمئن من یا تنها مرجع مطمئن انسانی من ایشان بودند .

صحبتهای ما پیرامون عراق و شیخ آقا بزرگ تهرانی و طرز کار ایشان وکارهای علمی ایشان وکارهایی که همراه با شیخ آقا بزرگ تهرانی انجام می‌دادند بود . یادم هست که ایشان کار پرباری را در تکمیل ذریعه داشتند که حدود ۱۲۰۰۰ فیش پاکنویس شده را شامل می‌شد . از جمله خصوصیات ایشان که در این یادداشتها منعکس است این بود که ایشان چیزی را برداشت ناکرده نمی‌گذاشتند ، و در این مورد اصرار داشتند . همیشه از سفر که برمی‌گشتند از من می‌خواستند اگر چیزی را به عنوان تکمیل بر ذریعه ، اخذ و یا نقد بر ذریعه پیدا کرده‌ام برای ایشان بازگو کنم ؛ چون می‌دانست من هم شبیه خودشان مقداری به مسائل کتابشناسی ور می‌رفتم و بعید نبود که به چیز تازه‌ای برخورد کنم .

خود ایشان به فهرستهای من نگاه می‌کردند و اصلاحاتی را انجام می‌دادند ، بدون اینکه من از وی بخواهم . و من بسیار خوشحال می‌شدم . از

جمله اصلاحات ایشان در مورد ملاحم و فتن است که در جلد چهارم معرفی کردم و مؤلف آن را نشناختم؛ ایشان با دقت در نسخه مؤلف، آن را شناختند و گفتند از ابن ابی الدنیا است ومن در چاپ بعد نقل کردم.

در باب میزان تسلط ایشان باید گفت که از مسلمترین امورکه جای شك در آن نیست تسلط کامل ایشان بر میراث فرهنگی مخطوط اسلام وتشیع است. متأسفانه ما اکنون گرفتار یك مسئله بسیار مهم هستیم و آن اهمیت و لزوم داشتن اطلاعات وسیع دربارهٔ آثار اسلامی برای کتابشناسی و عدم توجه کافی به این اهمیت و ضرورت. از طرف دیگر فهرست‌نویسی به معنی کتابشناسی با لیست نویسی برای کتاب خلط شده؛ و چطور خلطی!! تکلیف اصلی یک فهرست نویس این است که با کتاب خطی کار کند، آنها را شناسایی کند، و در درجهٔ نخست استناد آنها را به مؤلف دقیقاً مشخص سازد، که هرکس اندکی اطلاعات دارد می‌داند که فهرست نویس باید علمای اسلام را بشناسد، مؤلفات علمای اسلام را بشناسد. پژوهنده‌ای که به این کار دست می‌زند، هر اندازه دارای اطلاعات عمیقتر و دقیقتری باشد، نوشته‌هایش پر بارتر خواهد بود و به حقیقت مدّعا و حقیقت کار نزدیکتر.

من پیشنهاد می‌کنم اکثر مجموعه‌های فهرست شده بازسازی و از نو فهرست شود. ای کاش امثال آقای طباطبائی که مسلماً اندکند روی آثار اسلامی و شیعی کار کنند. و تا جایی که ممکن است باید پیگیری شود.

پیشنهاد شخص بنده این است: اکنون که فکر کامپیوتری کردن آثار مخطوط در پیش است، بهتر است پیش از آن مرحلهٔ بازنگری و دقیق کردن فهرستها ـ خاصه کتابشناسی مجموعه‌ها ـ انجام پذیرد.

برای تأیید عرضم به عنوان نمونه می‌توانم موردی را بیاورم که اشاره به آن همیشه بین من و آقای طباطبائی جنبهٔ شوخی پیدا کرده بود و مکرر از آن یاد می‌کردیم.

در یکی از فهرستهای کتابخانه مجلس کتابی بـا عـنوان مـحراب القـلوب معرفی شده . فهرست راکه بازکنید می بینید نوشته شده « محراب القلوب ترجمهٔ کشف الغمّة لعلی بن عیسیٰ اربلی ، مترجم علی بن فیص اربـلی »!! ایـن عـین چیزی است که در فهرست ما می بینید . من بلا فاصله فهمیدم که بـاید چـیزی اشتباه شده باشد . با بررسی نسخه معلوم شد این کتاب ترجمه کشف الغمهٔ حسن بن علی زواری است که با نام کشف المناقب چاپ شده و برگ اول آن افتاده و فهرست نویس هیچگونه زحمتی به خود نداده و بررسی کافی نکرده . التبه گروه فهرستنویسان بوده نمی‌دانم نام محراب القلوب و فیص را از کجا آورده‌اند . این تحریف اولین ضرری که به جهان علم زد این بود که کتابی با این نام وارد ذریعه شد . شما در جلد بیستم الذریعة کتابی می‌بینید با نام محراب القلوب که وجود خارجی ندارد تألیف علی بن فیض اربلی است . یك علی بن فیض هم به علما اضافه شد . واین همان مصداق کامل غلط اندر غلط است . تبدیل علی بن عیسیٰ به علی بن فیض . به این دلیل است که در پشت جلد بـطور شکسـته بگـونه‌ای نوشته شده که انصافاً فیص خوانده می‌شود .

در اینجا از فرصت استفاده می‌کنم و نکته‌ای راکه در وجه اهمیت معرفی آثار اسلام وبخصوص آثار شیعه به نظر می‌رسد عرض کنم . ما مسلمانان باید یك تاریخ علم در اسلام را خودمان و با پژوهش خودمان بنویسیم و برای تدوین و نوشتن آن باید کتابها و مؤلفین آن را بشناسیم . ما مسلمانان باید یک تاریخ علم در اسلام برای خودمان و با پژوهش خودمان بنویسیم و برای تدوین و نوشتن آن باید کتابها و مؤلفین آن را بشناسیم . ما بسیاری از مؤلفین را می‌شناسیم که در شرح حالشان از ایشان کتابهایی نام برده شده در حالیکه ما ایـن کـتابها را در فـهارس نمی‌بینم و نیز کتابهایی داریم که مؤلف ندارند یعنی ما مؤلف آنها را نمی‌شناسیم . پس باید این حلقه‌های مفقوده از بین بروند و این تنها کار کسانی است کـه کـار

کتابشناسی دارند، مثل مرحوم فقید ما، نه مثل امثال بنده که واقعاً اهل آن نیستند. در این زمان که عده‌ای شاید به فکر افتاده‌اند که کار را به صورت حقیقی انجام دهند و درد شیعه را با معرفی آثار گم‌شده‌شان کم کنند انصافاً فقدان ایشان ضربه بسیار بزرگی زد. قبل از اینکه مرحوم علامه محقق طباطبائی رحمة‌الله علیه دو کتاب ترجمهٔ امام حسن علیه‌السلام وترجمهٔ امام حسین علیه‌السلام را از طبقات ابن سعد به چاپ برسانند چه کسی از وجود چنین بخشهایی خبر داشت؟ و چقدر امثال این هست که ایشان آگاه بود و یکی از سری کارها و پژوهش‌های ایشان دربارهٔ تحریفات موجود درکتابهای چاپ بلاد عربی بود و خیانتهایی راکه در چاپ کتب اسلامی در مورد مطالب مربوط به شیعه شده است می‌خواست بر ملا سازد. این خدمات ظاهراً فقط برعهدهٔ ایشان و امثال ایشان بود. بسیار حیف شد در این هنگام که امکان نشر اینگونه تحقیقات هست ایشان ما را تنها گذاشتند. وجود ایشان در این امور بسیار لازم بود وفقدانش در این زمان ضرر بسیار بسیار بسیار بالایی بر ما وارد ساخته. با چشم پوشی از دنیای کتابشناسی نیز ایشان مردی بینظیر بودند که در فقدانشان بسیار متأسفیم. بد نیست در اینجا به مناسبت درگذشت دوست عزیزم این خاطره را نیز نقل کنم.

جوانی نزد من آمد، در حالیکه دو ساعت قبل به من خبر فوت ایشان را داده بودند ومن بسیار متأثر بودم. مرد جوان که خود از افاضل است پیش من نشست و گفت: من یك پیغام ازآقای طباطبائی برای شما آورده‌ام این راکه شنیدم خشکم زد و گفتم شما ایشان راکی دیده‌اید؟ گفت: دیشب. من گفتم: لازم نیست چیزی به من بگوئی من خبر فوت ایشان را شنیدم. از این پیش‌آمد همهٔ جماعت که اینجا دور میز بودند همگی متأثر شدند و آن جوان محترم با صدای بلند های های گریه می‌کرد بطوریکه درکتابخانه از این های های گریه‌ها تعجب می‌کردند. رحمة‌الله علیه رحمة واسعة.

علّامهٔ طباطبائی و نهج‌البلاغه

سید جمال‌الدین دین‌پرور
تهران ـ ایران

غروب ستاره‌ها طلوع آنها را تداعی می‌کند.

دشت خونین شفق، طلایهٔ طلوع آفتاب و گسترهٔ ظهر پر فروغ را به یاد می‌آورد.

نخلهای بلند، که در تاریکی شب همچنان بالنده و تناور ایستاده‌اند، نور و انرژی خورشید را ذخیره دارند.

و آن «بر شیرین» پس از مرگ نخلها و امدار نخل به خاک افتاده است.

کجا آن نخلهای بلند می‌میرند که از شهدشان کام جان هزاران انگبین می‌گیرند، و کجا دفتر ایّام توان فرسایش نخلستانی را دارد که هر روز نهال تازه از آن می‌شکوفد و به بار می‌نشیند.

و چرا باغبان پیر بر مرگ نخلها اشک تحسّر بریزد، در حالی که شاهد جوانه‌های نورسته و همیشه با طراوت آن است.

بگذار به جای استقبال از لشکر یأس و اشک، به پیشباز کاروان اندیشه و دانش برویم که گنجینه‌های ذیقیمت فرهنگ را هدیه می‌کنند، و عطر و حلاوت جانبخش به ارمغان می‌آورند.

بگذار به جای دست به دست سودن و دریغ خوردن، به استضائه و استخراج کان‌های پربار برخیزیم، و آنچه ذخیره شده به عرضه و نشر آن بپردازیم و زایندگی و شکوفایی آنرا دامن همّت به کمر زنیم.

به هر حال یاد آن عالم جلیل و محقق متتبّع، فقید مرحوم علّامه سید عبدالعزیز طباطبائی رحمة‌الله علیه به هنگام سالگرد غرویش، موجی از تأثر را در دلها می‌لغزاند، و از نظر عاطفی هاله‌یی از اندوه را سایه می‌زند.

ولی آثار برجای مانده از آن عزیز، نام و خاطره و آثار معنوی آنرا زنده می‌دارد و یارانش را به ادامهٔ راهش وامی‌دارد.

از میان تتبّعات و تحقیقات مرحوم طباطبائی، بخش مهمّی مربوط به نسخ نهج‌البلاغه و شروح و ترجمه‌های آن است که به حق در این زمینه می‌توان آخرین تتبّعات و تحقیقات را در آثار ایشان یافت.

آن روانشاد، نه تنها به جمع آثار می‌پرداخت، بلکه در شناسایی و بررسی نیز استاد بود، نکتهٔ مهم در کارهای مرحوم طباطبائی این بود که به نقل قولها بسنده نمی‌نمود، بلکه خود باکبر سن به مسافرتهای زیادی اقدام می‌کرد که نسخه‌ها و صاحبان آن را از نزدیک مشاهده، و با آنها گفتگو نموده، و اصل نسخه را ببیند و مشخصات آنرا یادداشت نماید.

در این راستا مسألهٔ اخلاقی مهمی نیز قابل توجه است؛ تواضع و فروتنی راز بزرگ پیشرفت در علم و تحقیق است، ایشان حتی از شاگردان خود ابائی نداشت که کتاب و نسخه‌ای را بگیرد و بپرسد، و باز درس دیگر از زندگی این عالم جلیل قدرشناسی از کسانی است که در راه تحقیق و تتبّع به ایشان کمک

کرده بودند، لذا در آثار خود از آنان نام می‌برد، و صریحاً و بدون مسامحه از آنان با احترام یاد می‌کند، و بدین ترتیب بر روی یکی از روشهای غلط بعضی خط بطلان می‌کشد، و از «سرقات شعریه» جدّاً پرهیز می‌کند.

همانطورکه می‌دانید بر نهج‌البلاغه شروح و ترجمه‌های زیادی به لغات مختلف نوشته‌اند، و این نکته همواره مورد نظر علماء و علاقمندان بوده است که اولین شارح نهج‌البلاغه کیست؟ در این مورد شش نظریه وجود دارد که بدانها اشاره می‌شود:

۱ ـ «علی بن ناصر»، مؤلّف «اعلام نهج‌البلاغه» معاصر علّامهٔ شریف رضی.

۲ ـ «شریف مرتضی»، در شرح خطبهٔ «شقشقیه».

۳ ـ «شریف رضی»، چون در خلال خطبه‌ها خود بعضی از آنها را تفسیر کرده است.

۴ ـ «قطب الدین راوندی»، مؤلّف «منهاج البراعة».

۵ ـ «ظهیرالدین بیهقی»، مؤلّف «معارج نهج‌البلاغه».

۶ ـ «امام وبری خوارزمی»، از اعلام قرن ششم.

مرحوم علامه طباطبائی با بیان جالب و مستدل خود، پنج نظریه را به ترتیب زیر رد می‌کند.

۱ ـ علی بن ناصر، از اعلام قرن هفتم است زیرا درکتاب خود به نام «زبدةالتاریخ» تاریخ وفات اتابک را ۶۲۲ می‌نویسد و خدا می‌داند پس از آن چه قدر زیسته است، پس نمی‌تواند معاصر مرحوم شریف رضی باشد.

۲ ـ شریف مرتضی هم جزء اولین شارحان نهج‌البلاغه نیست، ولو اینکه بعضی از خطبه‌های نهج‌البلاغه را شرح کرده باشد، زیرا ثابت نشده که خطبه‌ها را از نهج‌البلاغه گرفته باشد، بلکه خود ایشان از نظر روایت طرق خاص ومستقلی دارد.

۳ ـ شریف رضی را هم نمی‌توان اولین شارح نهج‌البلاغه معرفی کرد زیرا نهج‌البلاغه اسم کل این کتاب است با همه مطالب گرد آمده در آن.

۴ ـ قطب راوندی در سال ۵۵۶ از شرح خود فارغ شده است، در حالیکه سید فضل‌الله راوندی، و امام‌وبری، و بیهقی شروح خود را در حدود ۵۵۲ نوشته‌اند.

۵ ـ «وبری» قبل از بیهقی بوده است، زیرا بیهقی در شرح خود از وبری مطالبی نقل می‌کند.

و در نتیجه نظریهٔ ششم به صواب نزدیکتر است، یعنی «امام وبری، احمد بن محمد الخوارزمی» همانطور که قبلاً اشاره شد، در مطبوعات معاصر اول کسی که این نکته را اعلام کرده مرحوم محقق طباطبائی بود، ولی ایشان روی همان حسن اخلاق و جنبه‌های معنوی که داشتند بالصّراحه اعلام می‌دارند که اول کسی که این مطلب را منعکس کرده است ابن یوسف حدائقی شیرازی می‌باشد.

ایشان اضافه می‌کند:

به نظر من اقدم شارحان و اول آنها سید فضل الله راوندی است زیرا می‌دانیم که ایشان در آغاز جوانی برای تحصیل علم از کاشان به بغداد سفر کرده، و در آنجا نسخه اصلی نهج‌البلاغه را به خط مؤلف یافته، و از روی آن برای خود نسخه‌ای برداشته، و در ربیع‌الاول سال ۵۱۱ از نوشتن آن فارغ گردیده، آنگاه در تعلیق و شرح و تفسیر آن اقدام نموده است، بنابراین اولین شارح نهج‌البلاغه که بر امام وبری هم مقدم است، ایشان می‌باشد.

معجزه‌گر مخطوطات تشیع

استاد محمدتقی سبط
سانفرانسیسکو - آمریکا

یا ایّتها النفسُ المطمئنّة ارجعی الی ربّک راضیةً مرضیة فادخُلي في عبادي و الدخلی. جنّتي

« قرآن کریم »

در سوگ فقدان حجة الاسلام حاج سید عبدالعزیز طباطبائی طاب ثراه

در ملک ادب حکم‌گزاران همه رفتند
شوبار سفر بند که یاران همه رفتند
این گَرد شتابنده که در دامن صحراست
گوید چه نشینی که سواران همه رفتند

« ملک الشعراء بهار »

چندی قبل آقای سید جعفر طباطبائی آقازاده مکرم خلد آشیان حجةالاسلام حاج سید عبدالعزیز طباطبائی طی تماس تلفنی از قم از این ناتوان خواستند که مقاله‌ای درباره آن فقید سعید تهیه و ارسال دارم تا در کتابی که قرار

است به مناسبت سالروز فقدان آن بزرگوار به همت ارادتمندان و دوستان ایشان چاپ شود درج گردد. با تشکر فراوان ، اینک آنچه را که طی بیش از چهل سال دوستی از آنمرحوم می‌دانم می‌نگارم تا بدینوسیله عرض ارادتی به آن روحانی عالم و زاهد شده باشد .

به خاطر دارم اولین بار در سفری که در خدمت والد خود (مرحوم حاج سید مرتضی سبط) به زیارت عتبات عالیات مشرف شده بودم در نجف اشرف در منزل مرحوم سید جواد طباطبائی والد آقا عزیز[۱] با ایشان آشنا گردیدم . نوجوانی بود که به کسب دانش و فضیلت اشتغال داشت و به زندگانی بسیار محدود خانوادگی خود که معمولاً لازمه زهد و تقوای خانواده‌های روحانی است می‌ساخت . آن آشنایی تبدیل به دوستی و ارادت گردید و تا ایام اخیر حیات ایشان که بر حسب تصادف در تهران بودم ادامه یافت . روزها یکی دو بار تلفن به قم نموده و از جریان کسالت و بیمارستان باخبر می‌شدم و متأسف از اینکه به علت گرفتاری ، توفیق سفر به قم برای زیارت عتبه مقدسه و دیدار طباطبائی نصیبم نگردید .

باید عرض کنم طباطبائی ... خودساخته و پژوهشگری بود که پس از کسب مدارج عالیه علوم اسلامی از نجف اشرف به ایران آمد و در شهر قم اقامت گزید تا مراحل استفاضه و افاضه استمرار یابد . او داعیه علمای مهاجر از عراق به ایران را نداشت و هرگز به دنبال تعینات واهی خود را از لذت تحقیق و تدقیق محروم نساخت ، وقت گرانبها را تلف نمی‌نمود و آنقدر در رشته تخصصی خود کوشا بود که شاید بتوان گفت در قلمرو گسترده دست نوشته‌های فارسی و عربی (مخطوطات) عنوان افتخارآمیز « **معجزه‌گر مخطوطات تشیع** » را در سالهای

---

(۱) حجة الاسلام حاج سید عبدالعزیز طباطبائی در میان دوستان خود تنها با نام کوچک ایشان آقا عزیز شناخته می‌شد .

اخیر به خود اختصاص داد . او میراث غنی و ارزشمندی را در این زمینه از خود به یادگار گذارده که گواه صادق این ادعاست .

طباطبائی انسانی وارسته بود . آثار فکری و قلمی‌اش بسیار است . فرزانه‌ای پاکدل ، مردی که عمری به اسلام و مذهب حَقه اثنی عشری خدمت کرد ، از هوش و ذوق و توانائی بسیار برخوردار و پژوهشگری استثنائی بود .

در سراسر عمر پربرکت خود لحظه‌ای را به بیهودگی نگذراند . پارسائی راستین بود و با ولایت مولی الموالی امیرالمؤمنین علیه السلام پیوندی ناگسستنی داشت . لذت روحی او هنگامی بود که در کتابخانه‌های عراق ، ایران ، عربستان سعودی ، سوریه ، لبنان ، اردن ، ترکیه و انگلستان از مراجع مورد لزوم یادداشت و نسخه‌برداری و عکسبرداری تهیه می‌نمود . او اکتفا به کتابخانه‌های عمومی نداشت بلکه اگر دست نوشته و یا کتابی تاریخی و نسخه منحصربفردی در جائی و نزد کسی سراغ داشت کوشش می‌نمود به آن دست یافته بهره‌برداری نماید .

آثار باقیه آن شادروان که یکی از بهترین مستندات و مرجع برای محققان به شمار می‌رود از چهل افزون است . تنها اگر دو کتاب از تألیفات ایشان را « علی ضفاف الغدیر » و «الغدیر فی التراث الاسلامی » را بررسی کنیم به ژرفای نوشته‌های طباطبائی که اصل سالها کوشش و تحقیق اوست پی می‌بریم .

طباطبائی روزها در مجمع روحانی « مؤسسه آل البیت » قم حضور می‌یافت و دوستان خود را محظوظ می‌ساخت . او نثری محکم و دل‌نشین و در عین حال ساده داشت و به هیچ کار جز خواندن و نوشتن نمی‌پرداخت . رفتار و گفتارش همواره با نوعی فروتنی توأم بود . اگر فعالیتهای ثمربخش و مداوم بیش از چهل ساله تحقیق و تتبع او را اینک به صورت تألیفات گرانبهائی در دسترس عموم قرار دارد در نظر بگیریم کارنامه‌ای تام و تمام از آنچه این طلبه فوق‌العاده باهوش و زحمتکش در سراسر عمر پربرکت طلبگی خود به انجام رسانیده به دست داده‌ایم .

آری ، طباطبائی عمر پرباری داشت ، آرمانش در زندگی تحقیق و تدقیق در دست نوشته‌های تاریخی به منظور شکوفا ساختن تمدن و میراث فرهنگی اسلام و اثبات حقانیت شیعه بود . شخصیتی خودساخته که مدارج علمی را تنها در اثر تحصیل و کوشش مداوم و شور و شوق عظیم به دانش اسلامی پیمود .

در جهان تشیع مردان بزرگ و فرهیخته‌ای آثار فراوان و قابل ملاحظه‌ای از خود به یادگارگذاشته‌اند که شاید هنوز قدر و منزلت آنان به درستی شناخته نشده و به گمان من یکی از آنها استاد سید عبدالعزیز طباطبائی است . شاید بتوان آن بزرگوار را در چند واژه خلاصه کرد : یک عمر یاد گرفتن و مطالعه و پژوهش از روزگار نوجوانی تا واپسین حیات و ثمره دریافت خود را بی‌دریغ نثار همگان کردن .

روحیه طلبگی و عشق به دانش از او پژوهشگری بلند پایه پدید آورد که بخش تازه‌ای به کتابشناسی و دست نوشته‌ها افزود و ثابت کرد میراث فرهنگی شیعه گنجینه‌های گرانبهائی هستند که باید آن راکشف و به دنیا عرضه نمود . آری طباطبائی انسان والائی بود که نویسنده را به تکریم و تجلیل شخصیت او وامی‌دارد .

او طلبه‌وار زیست و به قول سعدی علیه الرحمه :

نگویم آب و گل است این وجود روحانی

بدین کمال نباشد جمال انسانی

و بالاخره سید عبدالعزیز طباطبائی یکی ازکارشناسان مسلم شیعه در کتابشناسی ، دست نوشته‌شناسی ، نسخه‌شناسی ، تاریخ ، ترجمه ، حدیث و رجال به شمار می‌رود ، و دریغا که این استاد فرزانه با عمری کوتاه در بهمن ماه ۱۳۷۴ از قفس این خاکدان پرکشید و به گلشن رضوان پیوست .

آخر که فسانه می‌شوی ای بخرد   افسانه نیک شو نه افسانه بد

رحمة الله علیه رحمة واسعة و اسکنه فسیح جناته .

جهان کتابشناسی یکی از فرزندان رشید خود را از دست بداد

دکتر علی نقی منزوی
تهران ـ ایران

اگر به گفتهٔ شادروان استاد دکتر غلامحسین صدیقی کتاب شناسی را ما در تاریخ علم و منبع آن بدانیم، مرحوم سیّد عبدالعزیز طباطبائی یزدی گنجینه‌ای بود که هر گوشه آن چنین منابع تاریخ علم را در بر می‌داشت او با مرگ خود رفیقان راه خود را از چنین منبع بزرگ محروم ساخت. هر چند او طبق نوشته یادنامه‌های بسیار که دوستان برای او تهیه و منتشر کرده‌اند بشارت داده، که کثیری از این آگاهیهای علمی و تاریخ خود را تدوین نیز نموده و در کتابخانهٔ عظیم ایشان چون گنجینهٔ زر برای خانوادهٔ علم دوست خود باقی نهاده‌اند و من از خداوند متعال می‌خواهم به فرزندان برومند و دانش دوست آن مرحوم توفیق

پاکنویس کردن و گردآوری و طبع آنها را عنایت فرماید.

سیّد عبدالعزیز از روی شکسته نفسی در مصاحبه با آقای علی محمّد بیرجندی که نسخهٔ زیراکس شدهٔ آن را در دست دارم مرقوم داشته‌اند که: من در تألیف خود ذریعه هیچ نقشی نداشته‌ام، تنها هر سال تابستان که از نجف به ایران مسافرت می‌کردم هر کتاب که توجهم را جلب می‌کرد یادداشت کرده پس از بازگشت به نجف در اختیار استاد بزرگوار قرار می‌دادم. لیکن من (منزوی) خود گواه هستم که هنگامی که در خانهٔ مرحوم پدرم در نجف زندگی می‌کردم یا سفرهایی که به آنجا می‌رفتم این برادر نستوه و فرزند روحی پدرم صاحب ذریعه را می‌دیدم هر سفر که از خارج بازمی‌گشت خانهٔ ما یکی از نخستین مراکز مراجعه علمی او بود، ساعتها که گهگاه تا بعد از نیمه شب ادامه می‌یافت در خدمت مرحوم صاحب ذریعه نشسته دیده‌ها و اطلاّعات جدید خود را بایشان بازگو می‌نمود. و یادداشتهای خود را تحویل ایشان می‌داد و مرحوم پدرم مرا مأمور رونویسی برخی از آنها می‌فرمود و پس از انتقال ما (پسران صاحب ذریعه) به تهران که مشغول پاکنویس و طبع مجلات آن دایرةالمعارف بزرگ کتاب شناسی شیعه بودیم ایشان با لطف خاص و محبّت برادرانه که نسبت به من و برادرم جناب احمد منزوی داشته‌اند همه‌گونه کمك علمی به ما می‌فرمودند و گاه تا مدتی از شب گذشته در منزل من در خیابان بوذرجمهری و نیز در خیابان شهباز با مهربانی رنج همکاری با ما را تحمّل می‌فرمودند و گه‌گاه یادداشتهای خود را با گشاده‌رویی تمام در اختیار ما می‌نهادند و ما پس از استجازه کتبی از محضر والدمان از نجف آنها را در ذریعه می‌گنجانیدیم.

بخاطر دارم در یکی از نامه‌های مرحوم پدرم مرقوم داشته بودند تو و احمد اجازه دارید هر یادداشتی راکه جناب آقای سید عبدالعزیز راجع به کتب شیعه به شما تحویل می‌دهند و مورد یقین ایشان است وارد ذریعه بنمایید.

بخاطر دارم اتفاق افتاد که من روزی به عیادت مرحوم آقای سید محمد علی قاضی طباطبائی در بیمارستان مهر رفته بودم ، در آنجا ذکر خیر مرحوم طباطبائی پیش آمد ، مرحوم قاضی فرمودند : طباطبائی بسیاری از کتب من را برای درج در ذریعه لیست برداشته‌اند و به آقا رسانیدند و صاحب ذریعه رسید آن را با تشکر به من مرقوم داشتند ، اشارت آن مرحوم (شهید محراب) ظاهراً به کتاب کنوز العلوم (ذریعه ج ۱۸ ، ص ۱۷۴) و مختار القواعد (ذریعه ج ۲۰ ص ۱۷۲) و مانند آنها بوده است مرحوم طباطبائی همین لیست برداری را از کتابخانهٔ ثقت الاسلام نیز انجام داده اند (ذریعه ج ۱۹ ص ۲۴ و ۲۵۷) و کتابخانهٔ امیرالمؤمنین (امینی در نجف) (ذریعه ج ۲۰ ص ۱۶۹) و نمونه های دیگر آن در مجلدات ذریعه بسیار زیاد است . اینها اندکی از هزاران کمك است که ایشان چه در نجف به مرحوم والدم مؤلف ذریعه و چه در تهران به من و برادرم احمد منزی در اصلاح و افزایشها که در ذریعه به دستور مرحوم پدرمان انجام می‌دادیم و به مرحوم پدر در چند جای ذریعه و طبقات چاپ نجف مانند : نقباء البشر قرن ۱۴ صفحه ۱۶۷۷ از این کار ما قدردانی فرمودند و من در پایان جلد ۲۵ ص ۳۴۹ وظیفه اخلاقی و انسانی خود دیدم از مرحوم سیّد عبدالعزیز طباطبائی در ردیف علمای بزرگ و کتاب شناسان سترگ چون مرحوم آیت الله مرعشی در قم و مخصوصاً مرحوم استاد معلم حبیب آبادی مؤلّف کتاب عظیم القدر مکارم الآثار و جناب آقای سیّد محمّد علی روضاتی و آقای شیخ عبدالحسین حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس و مرحوم حسن نراقی و اکبر ثبوت و سید محمّد جزائری شکر و سپاسگزاری نمایم .

آری من گفتهٔ مرحوم طباطبائی راکه در نشریهٔ میراث جاویدان خواندم که من در تألیف خود ذریعه نقش نداشته شکسته نفسی می‌دانم ، نه تنها ایشان نقش برجسته در گسترش کار ذریعه داشتند بلکه تمام کسانی که من می‌شناختم و

نامشان را در پایان مجلّد ۲۵ ذریعه آورده از ایشان تشکّر کرده‌ام و نیز کسانی که نمی‌شناختم واز راههای دور کتباً وحتیٰ با تلفن به مرحوم مؤلف ذریعه کتابی را معرفی نمودند همگی را دارای نقش و نقش مؤثر می‌شناسم. من خود شاهد حضور مرحوم طباطبای در منزل ما در نجف بودم که برای کمك تشریف می‌آوردند و در تهران نیز به منزل من برای رسانیدن اطلاعات علمی تشریف آورده با تحمّل بالا آمدن از بیست پلّه با قلب خود و جثهٔ سنگین همه مشکلات را تحمل می‌نمودند. آخرین تشریف فرمایی ایشان به منزل این ناچیزکمتر از یك ماه قبل از حادثه مولمهٔ ایشان بود من همیشه از یادداشتهای ایشان درکنار صفحات ذریعه و طبقات استفاده کرده‌ام. ایشان در سال آخر حیاتشان نیز یکبار تمام دوره ذریعه مرا همراه خود برای استنساخ یادداشتها به قم بردند و پس از سه ماه بوسیلهٔ فرزند یا داماد محترمشان (تردید از من است) دوره را بازگردانیدند.

در مسئلهٔ تحریف و تغییر چهار صفحه از جلد سیزدهم ذریعه توسط یک کتابفروش که دورهٔ ذریعه را بدون اجازهٔ خانوادهٔ مؤلف آن کتاب دزدانه چاپ کرده، مرحوم طباطبائی با خانوادهٔ صاحب ذریعه همدردی کامل فرموده، در ملاقاتهای متعدد به نصیحت کردن عامل این جرم پرداخت و او را از عذاب آخرت برحذر می‌داشت لیکن عامل جرم به عذر اینکه کاری از دستم ساخته نیست و ده‌ها هزار نسخهٔ محرفهٔ مسروقه در دست مردم افتاده، ایشان را مجاب می‌کرد. اینک بدینوسیله به خوانندگان محترم اعلام می‌شود که در جلد سیزدهم ذریعه چهار صفحهٔ آن تغییر یافته. صفحات ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵ باید با نسخه چاپ اول نجف اصلاح شود.

کمکهای ایشان برای بدست آوردن نیمهٔ دوم قرن ۱۳، ۱۴ طبقات که در کتابخانهٔ ما صاحب الذریعه در نجف تحت نظر دولت فعلی محبوس مانده است فراموش شدنی نیست من به هنکام ترک نجف به عنوان متولی منصوب از طرف

واقف که در وقف نامه در نجف چاپ شده است ضمن وکالت کتبی اختیار کتابخانه را به مرحوم آیت الله العظمی خویی ﷺ که سالها شاگردی ایشان را داشتم واگذار نمودم. که کتابخانه در نجف تحت نظر آن مرحوم اداره شود پس از فوت معظم له من برای حضرت آیت الله العظمیٰ سیستانی پیغام فرستادم، و اکنون به این وسیله پیغام را تأکید می‌نمایم که کتابخانه را از برکت نظارت خود محروم نفرمایند.

چون اخیراً شنیدیم که آقای سید محمّد حسین جلالی داماد مرحوم حاج سید عبدالعزیز طباطبائی یک نسخهٔ فتوکپی از آن دو کتاب در شیکاگو دارند مرحوم طباطبائی به خواهش این ناچیز ضمن نامه‌ای از آقای جلالی خواستند تا یک فتوکپی از آن را برای ما به منظور چاپ در تهران بفرستند. آقای جلالی یک فتوکپی ناقص را فرستادند که هم ناقص و هم ناخوانا بود و هنوز ما به امید روزی هستیم که کابوس دولت کنونی از نجف برداشته شود و ما بدان نسخه دسترسی یابیم آقای سید حسین جلالی این نامه ابو الزوجهٔ خود را در آغاز کتابچهٔ (ذکری السیّد الطباطبائی ص۸) به طبع رسانیده‌اند.

من و برادرم احمد منزوی و تمام فامیل صاحب ذریعه در انتظار طبع کتب هستیم که ایشان به عنوان مستدرك ذریعه نوشته‌اند و در (ترجمهٔ ذاتیّه) که خود مرقوم داشته‌اند و آقای جلالی در شیکاگو منتشر کرده است و مخصوصاً دو عنوان مستدرك الذریعه واضواء علیٰ الذریعة نام برده اند و من خود مقداری از آنها را در منزل مرحوم طباطبائی در قم زیارت کرده ام روز شماری می‌کنیم و توفیق فرزندان ایشان را و مخصوصاً آقای سید جعفر طباطبائی و آقای سیّد علی طباطبائی که این چند کلمه رابه دستور ایشان قلمی کرده ام از خداوند متعال خواستاریم. با تقدیم سلام ارادتمند. ع.

فضل و فضیلت محقق طباطبائی

دکتر
جعفر شهیدی
تهران ـ ایران

آشنایی من با مرحوم طباطبائی به پنجاه وسه یا چهار سال پیش در نجف اشرف باز می‌گردد، آغاز این آشنایی در یکی از شبهای زیارتی و در ماشینی بود که از نجف به کربلا می‌رفت، و پس از آن بود که ارتباط ما افزون گشت و به رابطه‌ای صمیمی منجر شد. ذکاوت، هوش و ارادهٔ خاصی را در همان آشنایی‌های ابتدایی در وی مشاهده می‌کردم.

وقت مرحوم طباطبائی چنان در مطالعه و یا نوشتن می‌گذشت که می‌توان گفت هیچگاه وقت را هدر نمی‌داد. بطوریکه در مجلس های خصوصی نیز سعی وی بر آن بود تا بحث های علمی به میان آورد. درپی آن روزها، ایشان درسهای

سطح را به پایان رسانده و به درس خارج رفتند که با تأسف فراوان، من بر اثر بیماری نتوانستم در نجف بمانم و ارتباط ما از سال ۱۳۲۸ که به تهران آمدم قطع شد، تا اینکه ایشان عزم قم نمودند. پس از آن در آمدن به تهران و در مجلسها ایشان را زیارت می‌کردم و می‌دیدم چون گذشته مشغول تحقیق و تتبع هستند.

از خصوصیات ایشان علاقه و اهتمام شدید وی به نشر آثار مذهب شیعه است. ایشان در بین رفقا معروف بودند که از ولایتی‌های دو آتشه است و واقعاً هم چنین بود. مسلم است کسی که عمر خویش را در کار خاندان عصمت و طهارت بگذراد آنان نیز نظر لطفشان را از وی دریغ نخواهند گرفت و به همین دلیل بود که ایشان بحمد الله موفق شدند در زندگانی بسیار کوتاهشان ـ که باید سالها می‌ماندند ولی بهر حال لا رادّ لقضاء الله والموت والحیاة بید الله ـ آثار بسیار گرانسنگی را از خود به یادگار گذاشتند. در آثار ایشان آنچه که توفیق مطالعه آن را داشته‌ام دقت و ظرافت نمودی خاص دارد. تحقیق وتدقیق ایشان در سفر های علمی که به کتابخانه های خارج کشور داشته اند دنباله رو دو مرد بزرگ مرحوم علامه امینی و دیگر مرحوم علامه شیخ آغا بزرگ طهرانی بودند و ایشان سعی داشتند تا جنبه های هر دو را در خود جمع کنند.

انگیزه اهتمام ایشان انگیزه‌ای علمی بود و در درجه‌ای ارادت و علاقه خاص ایشان به ائمه و پابندی محکمی بود که به مذهب شیعه داشتند و همین بود که ایشان در تکمیل کارهای علامه امینی و علامه آقا بزرگ تهرانی گام برداشت و بیشتر کارش را روی این محور قرار داد. چه ایشان خواهان عدالت بودند وگرایشی که به اهل بیت داشتند از آن جهت بوده که ایشان را مظهر کامل عدالت می‌دانستند.

ان شاء الله بازماندگان سعی کنند آثار باقی مانده ایشان را به صورت مطلوبی چاپ کنند.

البته اگر خود مرحوم علامه زنده بودند امکان تبدیلهایی در این آثار ارزشمند وجود داشت ولی برای حفظ این امانت باید به همان صورت موجود به چاپ رسد و اگر محققانی روی آنها کار می‌کنند به صورت ذیل و ضمیمه کار نمایند.

انشاء الله خداوند درجات ایشان را که عالی است متعالی سازد.

یاد دوستیِ چهارده ساله

آصف فکرت
مشهد ـ ایران

فقیر در اوائل ۱۳۶۲ش با دانشمند فقید شادروان آیة الله سیّد عبدالعزیز طباطبائی آشنا شدم. از اقامت من در ایران شش ماه گذشته بود و به تازگی سعادت تشرّف به آستان قدس یافته و پذیرفته بودم که همهٔ نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی را در دفاتری که به همین منظور تهیّه شده بود، ثبت کنم. شادروان سید نیز، در همان موقع برای نگارش فهرست مخطوطات فقهی آن کتابخانه دعوت شده بود و از حُسنِ اتفاق محلّ کار ما یک اتاق تعیین گردید.

یک سلسله علل معنوی ما را به هم نزدیک ساخت:

ایشان ـ چند سالی می‌گذشت ـ از خانه و کتابخانه و درس و تحقیق در عراق، هجرت کرده بود و نگارنده نیز ناگزیر آکادمی علوم افغانستان و خانه و کاشانهٔ کابل را ترک گفته و در آستانهٔ مقدسه پناه جُسته بود.

آشنایی فقیر با خطوط قدیمه وصعب القراءة بسیار مورد تحسین ایشان واقع می‌شد و در نتیجه بسیاری از نسخه‌های نفیس کهن را با هم می‌دیدیم و در همین همکاریها استفادهٔ فراوانی از محضر ایشان داشتم.

سید یک جهان بینی اسلامی ـ جهانی داشت. از جمله به افغانان خوشبین و علاقمند بود. عالمانی از اعاظم افغان، در حوزه، همدرس ایشان بودند، و پیوند دوستانهٔ سید با برخی از این عالمان تا آخر عمر گرامی‌شان استوار بود.

زمینهٔ کارش ـ تحقیق در مخطوطات معارف اسلامی ـ سیّد را با افغانستان و آسیای مرکزی پیوند می‌داد و ایشان این پیوند را گرامی می‌شمرد. رشتهٔ این پیوند از ابو خالد کابلی ـ صحابی امام سجّاد علیه‌السلام ـ تا عزّ الدین حسین وشیخ بهائی و تا امروز امتداد داشت، ازکِش می‌گفت و از سمرقند که رجالی چون کشّی وعیاشی پرورده بودند واز بلخ و ایلاقِ بلخ که ابن بابویه من لا یحضره الفقیه را در آنجا نگاشته بود؛ ازکابل که احمد بن عبدالرّضا عمدة الاعتماد فی کیفیة الاجتهاد را در آنجا تألیف کرده بود؛ از قندهار که همدرسانی از آنجا داشت و سرانجام از هرات وگازرگاه و خیابان و مدرسهٔ میرزایان که شیخ بهائی در آن درس خوانده بود.

افزون بر علماء حوزه برخی از دانشوران افغان را در انجمنهای علمی جهانی دیده بود و از برخی بیشتر یاد می‌فرمود؛ از مرحوم استاد عبد الحی حبیبی و مقاله‌ای که در هزارهٔ شیخ طوسی نوشته بود و از فضایل بلخ و دیگر آثارش و از دکتر روان فرهادی وشرح منازل السائرین و صد میدان.

ایشان پس از چندی اقامت در مشهد به قُم بازگشت و من ثبت مخطوط را به پایان رساندم و گرچه فهرست‌نگار و نسخه شناس نبودم، خواستم فائده شش مجلّد دفتر ثبت را عام بسازم وفهرست الفبائی را ترتیب دادم که با وجود مسائلی که برای آن فهرست پیش آمد، سر انجام در ۱۳۶۹ انتشار یافت. مرحوم آقا عزیز بسیار شادمان شد و به یاد دارم که سه یا چهار نسخه تهیه فرمود. گفتم که این

فهرست مختصر با همه نادرستیها و کاستیها چگونه مطلوب شما شد ؟ فرمود بسیاری از محققان سالها ست که طالب اطلاعات موجود در این فهرست بوده‌اند و نیازی به شرح مبسوط در چند برگ در باب یک کتاب ومؤلّف آن ندارند ، بلکه می‌خواهند بدانند چه نسخه‌هایی با چه مشخصاتی از کتاب مورد نظرشان در کتابخانه هست و این مطلوب از این فهرست حاصل می‌شود و پس از این همهٔ کتابخانه‌های ایران به تألیف فهرستهای مختصر الفبائی اقدام خواهند کرد.

ایشان در آغاز نگارش مصنّفات شیعه علاقهٔ جدّی به این کار نشان نداد ؛ امّا چون مسودات جلد اول و دوم را ملاحظه فرمود ، نظرات اصلاحی خویش را به تفصیل بیان فرمود ، و ویرایش آن دو مجلد را به عهده گرفت که فقیر در مقدمهٔ آن کتاب مفصّلاً به این موضوع اشاره نموده است ، هنگام انتشار چهار مجلد از مصنّفات شیعه بسیار تحسین و تقدیر فرمود وابراز داشت که اکنون کار مراجعه به الذریعه آسان شد و کسانی که فارسی بدانند آسانتر می‌توانند به مطلوب خویش دست یابند .

چون نسخه‌ای از کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای قرآن مجید به دست ایشان رسید وضع وترتیب نگارش را بسیار پسندید و فرمود که در قُم توصیه خواهم کرد این روش را در فهرست نگاری شان رعایت کنند .

آخرین سخن ایشان .

دو روز پیش از وفات تلفن کردند . نخست از مصنّفات پرسید و از پایان کار خوش حال شد والحمد . . . گفت . در مورد نسخه ای از ترجمهٔ منظم کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام و ناظم آن ـ عبدالله هروی ـ واین که فهرست نگار او را ظاهراً انصاری گفته ، سخنانی گفتند و فقیر نیز نظر خویش را گفت . سخنان امروز سید مفصل‌تر مهربان‌تر و شادتر از همیشه بود . چون به خانه رفتم ، فرزندم گفت که حاج آقا طباطبائی تلفن زدند و به تفصیل احوال همه را به نام پرسیدند و او

خوشحال بود که حاج آقا از سلامت بهتری برخوردارند. امّا سیّد در واقع وداع کرده بود با همهٔ ما.

سیّد خوش سیما، نورانی، با وقار و پرجاذبه بود آهسته سخن می گفت و نگاه بر زمین داشت، پیوسته سخنانش با تبسمی مهربان و نوازشگر همراه بود. سادگی را در همه چیز رعایت می‌کرد و از تکلّف و تجمل بیزار بود. در مدتی که تنها بود هرگز وقت خویش را به پختن غذا وتهیئه آن صرف نمی‌کرد و نان ماست خوراک روزگار مجرّدی ایشان بود؛ مگر اینکه مهمان یا با غذای مدرسه سهیم می‌شد. البتّه سفرهٔ پرمائده وکریمانه‌اش برای مهمانان معروف و زبانزد بود.

صلهٔ ارحام را با مهربانی رعایت می‌کرد. در هر سفر مشهد مکرر به سیدهٔ محترمه عمه ای که مقیم مشهد بود سرمی زد. از دیگر اقوام وآشنایان نیز به وجه درست عیادت می کرد.

دوستانی که از اهل کتاب و تحقیق داشت، اگر باهم آشنا نبودند، می‌کوشید آنان را به هم مأنوس و آشنا بسازد و این آشنائیها غالباً ثمرات خوبی داشت. بسیاری از کارهای تحقیقی نگارنده نتیجهٔ چنین آشنائیها بود. از بردباری، شکیبایی وحُسن خلق ایشان حتی در زمان بیماری هم کاسته نشده بود. در سفر دو سال پیش به مشهد که سخت بیمار بود، شخصی مکرّر تعارف می کرد. به من فرمود این شخص انتشاراتی دارد و کارهایی برای کودکان انجام می‌دهد. دلش می خواهد سری به آنجا بزنیم. رفتیم و ایشان با حوصله و دقت به توضیحات ناشرگوش داد و به خصوص از بخش کامپیوتر به دقت بازدید کرد و چون در موردی به روایت «گُفتن نماز درگوش نوزاد» (افزون برگفتن اذان) اشاره شد، سید مدّت طولانی انتظارکشید تا مسؤول کامپیوتر توانست آن حدیث و مأخذ را بر صفحهٔ کامپیوتر ظاهر کند.

از طلب و تقاضا اکراه و پرهیز داشت؛ امّا چون پای دیگری در میان می‌بود

ـ به خصوص اگر ذیحق تشخیص می‌داد ـ تقاضا سهل است که التماس هم می‌نمود.

به ائمه علیهم‌السلام محبّت و ارادتی مخلصانه وعاشقانه داشت. کتب، رسالات ومقالات متعددی که از ایشان به جا مانده، گواه این مطلب است. محل کار مشترک ما درکتابخانهٔ مرکزی آستان قدس در جایی بود که اول و آخر وقت از دو صحن می‌گذشتیم. سید در هر صحن سه بار ـ هنگام ورود به صحن، قرارگرفتن در برابر ایوان بزرگ وهنگام خروج ـ روبه سوی مرقد مطهر اتحاف صلوات و درود می‌نمود.

البتّه زیارت شبهای جمعهٔ ایشان ترتیب خاصی داشت.

پیوسته پاس حرمت استادان خویش را می‌داشت. از علامه امینی می‌گفت و از شیخ آقا بزرگ و شرح زحماتی که آن دو، با امکانات محدود، در به ثمر رسانیدن کارهای مشترک خویش متحمّل شدند. آقای دکتر علی نقی منزوی با حق‌شناسی یاد می‌کرد که سید به احترام پدر من، همین اواخر با وجود بیماری قلب، با پیمودن راه دشوار تا به طبقهٔ سوم به عیادتم آمد.

رعایت آرامش و آسایش اهل خانهٔ خویش را می‌داشت. اخیراً پزشک گفته بود که بالا رفتن از پلّه تا محل کار وکتابخانه برای شما زیان دارد. بهتر است در طبقهٔ پایین اقامت کنید ولی سیّد می‌گفت نمی‌شود؛ چون خانواده طبقهٔ دوم را دوست ندارند و اذیّت می‌شوند.

فضل علمی سیّد برکسی پوشیده نیست و آثار با ارزشی از خود به جای نهاده است که طبعاً در مقالات ارادتمندان از آنها یاد شده است، منقولات مکرّر و فراوانی که از یادداشتهای ایشان در مآخذ و فهرستها گواه اعتماد صاحب نظران بر تحقیقات ایشان است.

عکسها وفیلمهای بسیاری از مخطوطات با ارزش و منحصر به فرد

کتابخانه‌های جهان داشت و آنها را بدون هیچ آداب و ترتیبی به دسترس استفادهٔ اهل تحقیق و مراکز پژوهشی می‌نهاد.

فضل علمی‌شان بر کسی پوشیده نیست و منقولات مکرّر و فراوان از یادداشتهای ایشان در مآخذ و فهرستها گواه اعتماد صاحب نظران بر تحقیقات سید است.

فقیر به فرزندان گرامی و دوستان دانشور ایشان ـ به ویژه مؤسسهٔ آل البیت سفارش می‌کند: یادداشتهای پراکندهٔ ایشان که اجل مهلت انتشار آن را نداد، بسیار است و با ارزش. در تدوین و انتشار آنها همّت نمایید. به خصوص تهذیب الذریعه که تکمیل و نشر آن یکی از آرزوهای آن مرحوم بود. از فرزندان برومند مرحوم آیة الله سیّد عبدالعزیز طباطبائی یزدی که از فقیر خواستند این چند سطر را بنگارم سپاسگزارم.

آصف فکرت

بنیاد پژوهشهای اسلامی

۲۹ جمادی الاخری ۱۴۱۷

ویژگی‌های اخلاق محقق طباطبائی ﷺ

مهدی فقیه ایمانی
اصفهان ـ ایران

قال الامام الصادق علیه السلام :

خیر الناس من بعدنا من ذاکر بأمرنا ودعا إلیٰ ذکرنا .

وقال أیضاً :

رحم الله امرءٍ أحیا أمرنا . [بحار الانوار، ج ۱ ، ص ۲۰۰]

با توجه به آشنایی کامل و رابطه دوستی صمیمانه‌ای که در طول سالیان دراز بین اینجانب و مرحوم علامه محقق حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالعزیز طباطبائی طاب ثراه برقرار بود بر خود لازم دانستم وتکلیف اخلاقی خود دیدم که به شکلی در وجه نازل و ضعیف هم که باشد نسبت به آن یگانه موالی اهل بیت و نمایشگر راه و رسم خاندان رسالت ـ در افاضات علمی و

روش اخلاقی ـ اداء حقی نمایم، تا ضمناً برای کسانیکه در رابطه با مقام روحانیت و شئون دینی برخوردار از امکانات مختلف علمی و مسائل مربوطه اند سرنخی باشد و مؤثر.

پس با درپیش بودن مراسم سالگرد آن عالم جلیل القدر کم نظیر بلکه بی‌نظیر مناسب دیدم چند سطری پیرامون گوشه ای از دوران حیات پر برکت معظم‌له انجام وظیفه نمایم تا فرصتی بعد.

آری، یک بعد وجودی مرحوم علامه محقق طباطبائی آثار قلمی آن مرحوم است که در قالب کتاب یا مقاله تنظیم و بحسب ظاهر بخش کمی از آنها چاپ شده و در اختیار علما ومحققین وحوزه های علمیه قرارگرفته است وخودگویای مقام علمی آن مرحوم و بیانگر رشته‌های تخصصی و روش تحقیقی و پرمایگی و ابتکارات مربوطه می‌باشد و دیگر چندان محلی برای بحث و سخن در این باب به نظر نمی‌رسد.

امّا آنچه برای اینجانب و همچنین برای خوانندگان ارجمند ارزنده، آموزنده و قابل توجه است بعد اخلاقی، والائی و سعهٔ نظر آنمرحوم می‌باشد؛ چنانکه دائماً منزل و کتابخانهٔ شخصی ایشان بدون هیچگونه تشریفاتی مرجع مؤلفین و محققین از طبقات مختلف بوده وهرکس هرگونه سؤال تحقیقی و خواستهٔ اطلاعاتی در زمینه کتاب یاکتابها ومقالات تألیفی خود داشت با مراجعه به آن منبع اطلاعات با دست خالی برنمی‌گشت و چه بسا به درجاتی بیش از آنکه پی می‌گرفت نائل می‌شد.

چه بسیار مسائل عقیدتی، تاریخی، حدیثی و رجالی راکه مرحوم علامه طباطبائی ـ با صرف وقت زیاد و زحمت تحقیقی و بررسی همه جانبه ـ بصورت مقاله یا جزوه و یا رساله‌ای نوشته بود، و چون کسی مسئله را مطرح کرده و مورد سؤال قرار می‌داد و خواستار پاسخگویی می‌شد، آن مقاله راکه حاصل مقداری

از عمرش بود بدون هیچگونه بخل و تنگنظری و درجازدن در اختیارش قرار می‌داد تا مشکلش حل گردد.

بیشتر کتابهای موجود در کتابخانه شخصی بزرگ خود را که از کشورهای مختلف گردآوری نموده و در جاهای دیگر نایاب بود و بیش از هر چیز برای مراجعین تازگی و ارزش داشت ـ دقیقاً از آغاز تا انجام بررسی نموده و هرگونه مطلب یا حدیث یا نظریه سرنوشت‌سازی در آن کتاب بود، در ورق سفید اول آن کتاب با تعیین صفحه درج و یادداشت کرده تا افراد مراجعه کننده بدون دردسر صرف وقت و فشار فکری و حتی بدون نیاز به دیدن فهرست آن کتاب با مروری بر یادداشتهای ایشان فوراً خواسته خود را با اضافاتی بدست آوردند و نقص کارشان به راحتی تکمیل می‌شود.

ضمناً آنچه باید یادآور شد آنستکه به استثنای تعدادی کم، عموم مراجعین و کمک خواهان در رابطه با کتابهای مربوط به اهل بیت و فضائل و مناقب ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام به علامه طباطبائی مراجعه و نظرخواهی می‌کردند. نیز آنچه برای اینجانب بطور فوق العاده جالب و شگفت انگیز بود این بود که مرحوم علامه طباطبائی به هنگام مراجعه‌اش با برخورد آقامنشانه کتاب مورد نیاز را در اختیار حقیر قرارمی‌داد و می‌فرمود آن را همراه خود به اصفهان ببر و پس از رفع نیاز برگردان. وی نه تنها با من چنین سعهٔ نظر و برخورد روحانی و انسانی از خود نشان می‌داد که با دیگر واردین از دور یا نزدیک هم چنین بود بدون آنکه توقعی داشته باشد و حتیٰ قبض رسید امانی بخواهد.

آری مرحوم علامه طباطبائی یکی از مصادیق واقعی و بی‌چون چرای حدیث شریف خیر الناس من بعدنا من ذاکر بأمرنا ودعا إلی ذکرنا بود که بیشترین سهم عمر و دیگر سرمایه‌های مادی و معنویش صرف مذاکره و گفتگو و فعالیت

درباره اهل بیت و نشر و اشاعه فضائل و مناقب ایشان می‌شد [۱].

و هم او مصداق دیگر فرمایش امام صادق علیه‌السلام بود که فرمودند رحم الله امرءٍ أحیا أمرنا پس خدای او را مورد رحمتش قرار دهد و نام نیکش را برای همیشه باقی بدارد.

چگونه می توان مرحوم علامه طباطبائی را با آن روح انسانی وسعه نظر فراموش کرد و راه و رسمش را نادیده انگاشت که اگر ماهم از یادش غفلت کنیم به فرمودهٔ امام صادق علیه‌السلام خیر الناس بودنش بقوت خود باقیست. درپایان فراموش نکنیم که طبق صدها حدیث وارد از ناحیه ائمه معصومین علیهم‌السلام در رابطه با مراتب ایمانی تقوا و علم و انواع عبادات مقامات مختلفی را مطرح فرموده اند که مثلاً عالم دینی از چه درجه و مقامی برخوردار است و رفتن به حج چه ثوابی دارد وخدمت به بندگان خدا هریک در چه درجه‌ای است آنگاه عالیترین مقام و موقعیت، مقام کسی اعلام شده که پیرامون شئون اهل بیت مذاکره کند ومردم را با آنان آشنا سازد و آثار خاندان رسالت را برپا دارد.

---

(۱) توضیحاً یک نمونه از خدمات ابتکاری ومحققانه آنمرحوم وکمک به اهل تحقیق وتألیف، بررسی وپیگیری آثار قلمی اهل تسنن پیرامون تاریخ زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام وفضائل ومناقب ائمة معصومین علیهم‌السلام بود که تعداد ۵۷۵ کتاب را بامشخصات وویژگی های هریک در مجله وزین وارزشمند تراثنای مؤسسه آل البیت قم به همت عالی حجة الاسلام والمسلمین آقای شهرستانی تأسیس شده. از شمارهٔ تا شمارهٔ ۲۶ آمارگیری ومعرفی نموده وبا ترتیب حرفی معمولی اگر تعقیب می شد یادیگری تعقیب نماید شاید از تعداد هفتصد هم تجاوز کند.

ناگفته نماندکه بموجب الفضل ما شهدت به الاعداء، کتابهای معرفی شده هم سند حقانیت شیعه در پیروی از اهل بیت است که مخالفین ایشان آنهمه کتاب ورساله در فضائل ومناقبشان وشرح شئون علمی وعملی واخلاقی وآثار وجودی ایشان نوشته اند، وهم برگه جرم و سند محکومیتی است برای اهل تسنن بویژه مؤلفین آن کتب که چرا از چنین شخصیتهایی که خود پیرامون آنان اینچنین نوشته اند پیروی نکرده ونمی‌کنند؟! واگر محتوایی دروغ دارند چرا نوشته‌اند واگر راست است چرا بدان عمل نکرده‌اند؟!

همچنانکه ملاحظه شد از طرف امام ششم حضرت صادق روحی له الفداء بهترین افراد بعد از اهل بیت باکلمهٔ «خیر الناس من بعدنا من ذاکر بأمرنا ودعا الی ذکرنا» دعوت کننده به امر ولایت و پیروی ائمه معصومین معرفی شده و مرحوم علامه طباطبائی با خدماتشان بهترین نمونه ومصداق این روایت بودند. رحمه‌الله ثبتنا الله علیٰ ولایتهم و وفقنا لمذاکرة امرهم واحیاء آثارهم.

۱۴/جمادی الثانی/ ۱۴۱۷

چراغی که هرگز خاموش نمی‌شود

محمد سمامی
قم ـ ایران

اوائل ماه ربیع الاول ۱۳۸۲ از خواندن ادبیات و منطق که فارغ شدم جهت تحصیل کتاب شرایع و شرح لمعه و معالم در صدد یافتن استاد بودم . البته اساتید زیادی به تدریس این کتب اشتغال داشتند ولی در آن وقت استادی را که از آغاز این کتب را تدریس کند سراغ نداشتم در آن زمان درنجف اشرف تعطیلی تابستان رسم نبود . تعطیلات منحصر به پنجشنبه و جمعه و وفیات و موالید و پنج روز قبل ازنیمه شعبان و نیمه رجب و اول رجب و عیدقربان و اربعین و آنهم جهت اشخاصی بود که عازم پیاده به کربلابودند و دهه اول محرم ،البته بعضی ازاساتید در ایام تعطیلی هم تدریس خصوصی داشتند لذا تحصیل استادی که بخواهد از اول کتاب تدریس کند لازم به تحقیق و جستجو بود.یکی از دوستان که در بیرونی مرحوم آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی (متوفی ۱۰ صفر ۱۳۸۲ هجری

قمری) مراجعه نمودم او مرا به مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی معرفی کرد. مرحوم طباطبائی به من گفت جهت تدریس فرصت ندارم ولی برایت استادی معرفی میکنم و بقول خودش عمل کرد.

قبل از این تاریخ با مرحوم طباطبایی برخورد نداشتم ولی دورادور او را میشناختم و در مجالس باسلام و احوال پرسی مختصری اکتفا میشد. از این تاریخ ببعد مرتب آن مرحوم از وضع تحصیلی من جویا میشد و هر وقت که در راه به او برخورد میکردم با من گرم میگرفت و همچون برادری مهربان جویای اوضاع تحصیلی و اشتغالاتم میگردید. روز بروز مودت و الفت و محبت فی مابین فزونتر میگردید ، تا اینکه شبی از ماه رمضان همان سال مرا به منزل شیخ آقابزرگ تهرانی برد و به او معرفی کرد و از این تاریخ به بعد در اوقات فراغت به اتفاق ایشان (مرحوم طباطبایی) به نزد شیخ آقابزرگ تهرانی میرفتیم .ایشان مطالبی از آن مرحوم سؤال میکردند و بعضی اوقات هم مطالبی تذکر میدادند ، بنده از گفتگوی آنها بدون آنکه حرفی بزنم استفاده می کردم کم کم بدین وسیله به کتب تراجم و فهارست آشنا شدم و جسته و گریخته در اوقات فراغت به مطالعه کتاب طبقات أعلام الشیعه و الذریعه می پرداختم بعضی از نکات و مطالب را از مرحوم آقابزرگ تهرانی سئوال میکردم و ایشان جواب کافی و مقنع میدادند وگاهی هم از مرحوم طباطبایی .

در این اوقات مرحوم طباطبایی به مرحوم علامه امینی علاقه شدیدی داشت . در هفته چندین بار به منزلشان میرفت و در بعضی از کارهایشان از قبیل تهیه فیلم و استنساخ بعضی از کتب نادره یاری میکرد ، باشاره مرحوم امینی جهت دیدار و استفاده کتابخانه ترکیه و ظاهریه دمشق مسافرت نمود و از این دو کتابخانه بهره فراوان برد دربازگشت از سفر سوریه و ترکیه تعدادی فیلم از نسخ نایاب و نادره تهیه و همراه آورده بود که از جمله آنها معالم العلماء ابن شهرآشوب

و فهرست منتخب الدین و رجال و تبیان شیخ طوسی و خلاصه علامه بود.

نگارنده در مقابله بعضی از کتابها به ایشان کمک میکردم و در نجف تا هنگام مهاجرت به ایران (اواخرسال ۱۳۹۱) مرتب رفت آمد داشتم و چندین سفر با هم به بغداد و پیاده به کربلا با اصحاب بیرونی مرحوم میرزاعبدالهادی شیرازی مشرف شدم .

قضا را چنین تقدیر بود که این جانب به ایران مهاجرت و ایشان در نجف ماند ، در خلال این مدت نامه ردوبدل میگردید تا آنکه مرحوم طباطبایی در ذیحجه ۱۳۹۶ به ایران مهاجرت نمود. این جانب با شنیدن خبر ورودشان به تهران رفتم مدت دوروز درتهران با آن مرحوم بودم سپس به اقامتگاه خود که رامسر بود بازگشتم و پس از مدتی کوتاه به آبادان منتقل شدم. مرحوم طباطبایی به آبادان آمد و بمدت سه روز در آبادان بود.

با شروع جنگ شهر آبادان آماج حملات موشکی و توپخانه ناجوانمردانه ارتش بعث عراق قرار گرفت مردم بی دفاع ناچارا شهر راترک و به مدافعین و رزمندگان غیور اسلامی واگذار نمودند. اینجانب ابتدا به نیت اقامت موقت به قم منتقل که بمرور این اقامت تبدیل به دائمی گردید. اغلب اوقات فراغ را در نزد ایشان صرف مقابله کتاب و یا تحقیق و مطالعه و پرسش میگذراندم .

مرحوم طباطبایی دارای کتابخانه بسیارنفیس و کم نظیراختصاصی بود. اغلب کتب چاپی رجال و تراجم شیعه و سنی را تهیه کرده بود که تعدادی از این کتب نایاب و بعضی کم یاب بود و بدین جهت بعضی از محققین از این کتابخانه استفادهای شایان بردند.

در بهمن ماه ۱۳۷۰ که بعلت عارضه قلبی در بیمارستان بستری بودم نامبرده روزی دونوبت بوسیله تلفن جویای حالم میشدند و چندین نوبت هم به ملاقاتم آمد و پس از خروج از بیمارستان مرتب جویای حالم بود و محبت میکرد.

عصرهای روز جمعه در کتابخانه منزلشان همه هفته مرتب مجلس روضه خوانی داشت دوستان اهل فضل و دانش در این مجالس شرکت می کردند و اغلب مطالبی پیرامون حدیث و تراجم بزرگان دور میزد اغلب حاضرین اهل تحقیق و تتبع و مولف بودند. نگارنده هم معمولا در این مجلس شرکت میکردم پس از آنکه دچارعارضه قلبی شدم کمتر در این مجالس جهت اجتناب از نشست و برخواست شرکت مینمودم.

عصر جمعه ۲۶ رجب ۱۴۱۵ ساعت ۵ بعدظهر برخلاف معمول زودتر به منزلشان رفتم .ایشان را در مجلس نیافتم ابتدا تصورکردم مشغول کاری هستند پس از مدتی از حالشان جویا شدم فرزندشان بمن گفتند سرماخوردگی مختصری پیداکرده و استراحت میکنند. چون بایشان بسیارنزدیک و در ملاقاتشان مانعی نداشتم لذا به اطاقشان رفتم متوجه شدم رنگشان پریده و در اثر ناراحتی در طلاطم است. سبب ناراحتی و اضطراب را پرسش نمودم؟ در جواب گفتند سینه ام تنگ و نفس کشیدن برایم دشوار شده مضافاً سوزشی در سینه‌ام احساس میکنم . چون سابقه بیماری قلبی داشتم لذا یقین نمودم که ناراحتی شان قلبی است فوراً به داماد و سیدعلی(فرزندش) گفتم وسیله ای تهیه کرده و ایشان را سریعاً به بیمارستان برسانید. ابتدا ایشان رفتن به بیمارستان را صلاح نمیدید ولی بلاخره وی را قانع کردیم .از سوی دیگر به بیت آیت ا...العظمی گلپایگانی اطلاع دادم که بیمارستان توصیه کرده از ایشان مراقبت کامل بعمل آورند.

ساعت ۶ بعدالظهر روز جمعه ۷۳/۳/۵ به بیمارستان آیت ا...العظمی گلپایگانی منتقل و در بخش اورژانس بستری گردید.من هم در معیت ایشان به بیمارستان رفتم پس از آنکه نوار قلب از ایشان گرفتند معلوم شد که سکته خفیفی بوده بلافاصله تدارکات لازم بعمل آمد و از جهتی آقاهادی گلپایگانی نوه آیت‌الله العظمی گلپایگانی با پزشک قلب حاضر گردید و ایشان را به بخش

سی‌سی‌یو منتقل نمودند. مدت ۵ روز در این بخش بستری بودند و بعد از آن به بخش عمومی منتقل شدند که به تجویز اطباء از بیمارستان خارج و به منزل جهت استراحت منتقل گردیدند.

نگارنده روز یکشنبه ۷۳/۳/۷ به خارج مسافرت نمودم که در این سفر مرتباً بوسیله تلفن از سلامتی ایشان مطلع بودم در بازگشت از سفر حالشان بسیار خوب و جای هیچگونه نگرانی نبود. از این پس مرتب از ناراحتی سینه و تنگی نفس شکایت داشتند. چندین بار به اطباء متخصص مراجعه کردند.

در تاریخ ۱۶ رجب ۱۴۱۶ جهت مراجعه به دکترمتخصص سینه به تهران رفتند در تهران دچار سکته قلبی شدیدی شدند که بلافاصله به بیمارستان مهر منتقل گردیدند. باتلاش پزشکان حاذق خطر مرتفع شد.

برای ملاقاتشان به بیمارستان رفتم و وی راکه در بخش سی سی یو بستری بودند ملاقات کردم و مدتی در خدمتشان بودم که بسیارشاداب و بشاش بودند و به من اظهار نمودند این سکته بسیار شدیدی بوده که با مراقبت اطباء خطر رفع گردید. چهارشنبه ۷۴/۹/۲۹ مطابق ۲۷ رجب با تجویز دکتر مربوطه به قم مراجعه کردند باشنیدن خبر بازگشتشان به قم بدیدنشان رفتم حالشان را خوب دیدم و اطمینان دادند که فعلا جای هیچگونه نگرانی نیست .

ماه رمضان را قصدداشتند که به مشهد مقدس مشرف شوند ولی دکتر معالجشان از مسافرت و هرگونه حرکت منعشان نمود خانواده‌شان به مشهد مشرف شدند ایشان بتنهایی در منزل بودند هر روز چند دقیقه‌ای جویای حالشان میشدم حالشان بسیار خوب و مشغول تنظیم نوشته‌های خود بودند در ضمن شخصی را هم جهت انجام و تبییض آثارشان معین کرده بودند که روزی چند ساعت زیر نظرشان کارها را انجام می داد.

روز شنبه ۶ رمضان ۱۴۱۶ مطابق با ۷۴/۱۱/۱۷ (موافق ۱۹۹۶/۱/۲۷)

ساعت ۱۰ شب آیت الله حاج شیخ محی الدین مامقانی به ملاقاتشان رفته بود. حالشان چندان مساعد نبود ولی تادباً طوری وانمود کردند که جای نگرانی نیست پس از آنکه ایشان رفتند بلا فاصله به من تلفن کردند که متاسفانه در منزل نبودم لذا به آقای شهرستانی تلفن کرده و ماشینی جهت رفتن به بیمارستان طلب کردند. قبل از رسیدن ماشین دامادشان آقای مصباح ایشان را به بیمارستان منتقل نمود. در منزل یکی از دوستان بودم که تلفن بصدا در آمد میزبان تلفن را برداشت و متوجه شدم که صحبت از بیمارستان و بستری شدن است بلافاصله گوشی را به من داد سید جعفر (پسرش) بود بمن گفت : پدرم گفته است که بشما خبر دهم در بیمارستان بستری شده‌ام و جای نگرانی نیست . اکنون حالشان رو به بهبودی است . بسرعت هر طوری که بود خود را به بیمارستان آیت ا...العظمی گلپایگانی رساندم ساعت ۱۲/۳۰ بود . ایشان را که در اورژانس بستری دیدم . دامادشان آقای مصباح و فرزندشان آقای سید جعفر درکنارشان بودند ، به ایشان سلام کرده و احوال پرسی نمودم به زحمت با من صحبت می کرد. ازپرستار حاضر در اورژانس سوال کردم در جواب گفت : فشارشان به ۲۰ رسیده بود که اکنون پایین آمده ، نواری از ایشان گرفتیم قلب بسیار نامنظم است و نفس کشیدنشان دشوار است . چون انتقال ایشان به بخش سی سی یو منوط به دستور پزشک متخصص بود و در آن وقت پزشک متخصص در بیمارستان نبود لذا به آقای سید جواد شهرستانی تلفن کردم و ایشان همت کرده به پزشک متخصص قلب اطلاع ، و وی را به بیمارستان فرستادند . قبل از حرکت ، پزشک تلفنی دستور داد که ایشان را به بخش سی سی یو منتقل نمایند . در تمام این مدت درکنارشان بودم ایشان را بوسیله صندلی چرخدار به اطاق سی سی یو حرکت دادند فاصله اورژانس تا سی سی یو کمتر از ۳ دقیقه بود ولی در این مدت بسختی نفس میکشید و چندین بار سرفه خفیفی نمود وقتیکه او را روی تخت (اتاق سی سی یو) خواباندند نفسشان

بزحمت بالا و پایین میرفت وگاهی هم لحظاتی قطع میشد . در این هنگام پزشک عمومی و ۴ دستیار جهت دادن تنفس مصنوعی به بالینشان آمدند من از اطاق خارج شدم و بوسیله تلفن به آقای شهرستانی اطلاع دادم که ایشان با تعدادی از دوستان به بیمارستان آمدند که پزشک قلب در این وقت بسرعت خود را به بخش رسانید هرکاری راکه توانستند انجام دادند ولی متاسفانه قلب کم‌کم از حرکت باز ایستاد . در ساعت ۲ بامداد قلب آرام و سکون یافت . همگی باچشم اشک آلود از بخش خارج شدیم و با دیگر دوستان بیمارستان را ترک کردیم .

۴ بعد ظهر روز یکشنبه ۷ رمضان جنازه‌شان از مسجدامام حسن بروی دوش دوستان ویاران به سمت حرم مقدس حضرت معصومه(س) بطور باشکوهی تشیع شد.و در صحن نو آیت ا...سید موسی شبیری زنجانی (ازدوستان‌دیرین‌ایشان) برجنازه‌اش نمازگذارد و سپس پیکر را جهت زیارت و تودیع به حرم بردند . نیم ساعت مانده بغروب جسدش در میان حسرت و اندوه صدها نفر از دوستان در محلی که بدستور حجة الاسلام آقای رفسنجانی رئیس جمهور محترم (دردومین مقبره ضلع جنوب غربی صحن جدید)معین شده بود در آغوش خاک قرارگرفت اما خاطره و آثارش هیچگاه فراموش نخواهد شد.

قم رجب ۱۴۱۷

شمعِ جمع

سید محمد طباطبائی
قم ـ ایران

عن مولانا أبي جعفر عليه السلام، قال:

«عالمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أفْضَلُ من سبعينَ ألف عابد»

از مهمترین خصوصیات و صفات نیکی که در مرحوم پدرم بود ـ به اقرار همهٔ کسانیکه با او مراوده داشتند ـ این بود که ایشان مقدار زیادی از وقت خود را در اختیار دیگران قرار می‌داد و از بذل معلومات و اطلاعات خویش دریغ نمی‌کرد. اشخاصی که با او در ارتباط بودند از یک صنف و گروه خاصی نبودند. محقق، مؤلف یا ناشر کتاب، در شرایط مختلف سنی و علمی و ...

امّا وجه اشتراک آنها این بود که هرکدام به نحوی در احیاء و نشر معارف اهل بیت عليهم السلام نقش خاص خود را ایفا می‌کرد و در آن زمینهٔ خاص، مرحوم پدرم با نیت خالصانه تا جائیکه در توان داشت با او همکاری می‌کرد.

حال اگرچه می‌گویند :

خوشتر آن باشد که سر دلبران　　گفته آید در حدیث دیگران

ولی من می‌خواهم به سهم خودم، مشاهدات خود را ـ یعنی آنچه خود از نزدیک شاهد آن بودم ـ به گونه‌ای مختصر، در حد توانم بخشی از آنها را بیان کنم.

به طور کلی می‌توان مراجعین ایشان را به سه دسته تقسیم کرد:

۱ ـ مؤلفین و محققین.

۲ ـ افرادی که وابسته به مرکز فرهنگی یا مؤسسه‌ای بودند.

۳ ـ ناشرین کتاب.

الف ـ مؤسسات و مراکز فرهنگی:

مؤسسات فراوانی در داخل کشور از وجود ایشان بهره می‌جستند که در اینجا به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

ـ مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام لأحیاء التراث:

این مؤسسه مهمترین مرکزی بود که بیشترین ارتباط را بین مؤسسات دیگر با مرحوم پدرم داشت و ایشان برای آن ارزش و اهمیت خاصی قائل بودند. از بدو تأسیس آن، ایشان به جهت آشنائی و ارتباط تنگاتنگی که با جناب آقای شهرستانی ـ دام ظله ـ داشتند، با این مؤسسه همکاری می‌کردند و اهمیت فوق العاده‌ای برای آن قائل بودند. این مسئله کاملاً ملموس بود که پدرم برای ایشان و مؤسسهٔ آل البیت حساب خاصی را در نظر گرفته بود*. و با اشتیاق زائدالوصفی

(*) ناگفته نماند که این مسئله طرفینی بود و جناب آقای شهرستانی نیز متقابلاً برای ایشان احترام خاصی قائل بودند و هم‌اکنون هم از بعد از درگذشت پدرم اهتمام ایشان در زنده نگه داشتن یاد ایشان و نشر آثارشان قابل تقدیر است. جزاه الله خیر الجزاء ووفقه لمرضاته.

در راستای هدف مشترک «احیاء تراث» گام می‌برداشت.

همیشه سعی می‌نمود نظر شخصیتهای علمی خارجی که با ایشان مرتبط بودند را به مؤسسه و فعالیتهای آن جلب کند. بارها جلسات مهم علمی آن در خانهٔ ما تشکیل می‌شد، و من شاهد بودم که در آن روزها پدرم شور و شوق خاصی داشت.

این ارتباط به حدی بود که در بعضی موارد دیده می‌شد برخی افراد یا مراکز فرهنگی، هنگامیکه از مؤسسه یا مجلهٔ آن «تراثنا» یاد می‌کردند بلافاصله به دنبال آن، از ایشان و همکاری او در این زمینه گفتگو می‌کردند. به عنوان نمونه مجلهٔ «آینده» که یکی از مجلات وزین ادبی کشورمان محسوب می‌شود در یکی از شماره‌هایش در مورد مجلهٔ «تراثنا» چنین می‌نویسد:

«ناشر آن (مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث) است و کتابشناس متبحّر آقای عبدالعزیز طباطبائی از فضلائی است که در انتشار آن اهتمامی بلیغ دارد»*.

و همچنین مجلهٔ «النور» که به زبان عربی است و در لندن چاپ می‌شود، در یکی از شماره‌هایش مقاله‌ای را به معرفی مؤسسهٔ آل البیت عليهم السلام و شرح فعالیت‌های آن اختصاص می‌دهد، که یکی عناوین مندرجه در آن مقاله «المحقق الطباطبائي» می‌باشد و پس از شرح حال مختصری از ایشان به بیان فعالیتهای تحقیقی و همکاری او با مؤسسه آل البیت عليهم السلام می‌پردازد. این مقاله در دو صفحه می‌باشد که یک صفحه اختصاص به ایشان دارد**.

قابل توجه است که بیش از یک چهارم کتاب‌هایی که در این مقاله از آنها نام برده شده، توسط این مؤسسه به چاپ رسیده است.

(*) مجلهٔ آینده. شمارهٔ ۶ ـ ۹، ۱۳۶۸ صفحهٔ ۶۷۱.

(**) النور. العدد ۴۶ شوال ۱۴۱۵ هـ آذار (مارس) ۱۹۹۵م.

ـ مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة:

این مؤسسه که بخشی از «دائرة المعارف فقه شیعه بر مذهب اهل بیت علیهم السلام» می‌باشد از چند سال پیش آغاز به کار کرد که کار مهم و اصلی آن تحقیق کتاب «الغدیر» اثر جاویدان علامه امینی قدس سره می‌باشد که تحقیق آن مستقیماً تحت اشراف و زیر نظر مرحوم پدرم بود و علاوه بر تصحیح و تنظیم متن کتاب، ایشان تعلیقاتی هم بر آن داشتند که جلد اول تا سوم آن چاپ شده است. تا قسمتی از جلد چهارم را هم ایشان تصحیح کردند که متأسفانه اجل محتوم مهلت اتمام آن را نداد.

بنده چون مدتی در این مؤسسه مشغول کار بودم از نزدیک شاهد قضایا بوده و رابط بین مؤسسه و ایشان بودم. قرار بود که مقدمهٔ مفصلی هم برای آن بنویسند که متأسفانه بعلت کثرت اشتغال و رفت و آمد و... موفق به این کار نشدند ولی در عین حال علاقه زیاد ایشان به علامهٔ امینی و الغدیر سبب می‌شد که با جدیت فراوانی آن را دنبال کنند و حتی در مسافرتها نیز کار را دنبال می‌کردند.

ـ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی:

این بنیاد از مؤسسات فعال و موفق کشورمان محسوب می‌شود که آثار فراوانی از مؤلفین و محققین شیعه را منتشر کرده است که بر کسی پوشیده نیست.

چندین سال است که مرحوم پدرم با این بنیاد و مسئول محترم آن جناب آقای الهی ـ دامت توفیقاته ـ ارتباط داشتند و به جهت همین ارتباط دوستانه و صمیمانه‌ای که با جناب آقای الهی داشته‌اند بعضی از مؤلفین و محققین معاصر به واسطهٔ ایشان، آثار خود را برای چاپ به بنیاد تحویل می‌دادند. و تعدادی از آثار منتشر شده توسط این بنیاد هم به پیشنهاد ایشان بوده که در جلسات بنیاد مطرح و به تصویب می‌رسیده است. مرحوم پدرم علاقهٔ فراوانی بـه کـتابخانهٔ آسـتان قدس رضوی داشتند. و من شاهد بودم که کتابهای زیادی را به این کتابخانه اهداء می‌کردند.

و همیشه به کسانی که نسخه‌های خطی قابل توجهی داشتند پیشنهاد می‌کردند که به کتابخانهٔ آستان قدس بدهند و یا بفروشند. چون معتقد بودند که این کتابخانه، آبروی شیعه محسوب می‌شود و خود آن مرحوم نیز مدتی در آن به کار فهرست‌نویسی مشغول بوده‌اند. و از آنجا که این بنیاد هم وابسته به آستان قدس رضوی است عنایت خاصی به آن داشتند.

از مؤسسات دیگری چون:

دائرة المعارف بزرگ اسلامی - بنیاد بعثت - بنیاد معارف اسلامی - دفتر تبلیغات اسلامی - انتشارات جامعه مدرسین و بنیاد نهج‌البلاغه نیز می‌توان نام برد که هریک به نحوی با ایشان مرتبط بوده و از وجودشان بهره می‌جستند که به جهت رعایت اختصار به ذکر نام آنها اکتفا می‌کنیم و آثار معرفی شده در پایان این گفتار تا اندازه‌ای شاهد بر مدعا خواهد بود انشاءالله.

ب ـ محققان و پژوهشگران:

در این خصوص سخن فراوان است. بخش عمده‌ای از مراجعین ایشان را این گروه تشکیل می‌دادند. نگاهی اجمالی به کتابهائی که در این مقاله معرفی شده‌اند و تأمّل در عبارات محققین آنها این مطلب را تأیید می‌کند فقط اشاره می‌کنم که ایشان نه تنها «مرجع اهل تحقیق» بلکه «محقق پرور» نیز بودند به این معنا که دیده می‌شد بعضی از مراجعینی که سابقهٔ تحقیق نداشتند، و فقط علاقه به تحقیق داشتند و به قول معروف خمیرهٔ این کار در وجود آنها بود، گامهای اولیه را در این راه با تشویق و ترغیب ایشان برداشتند و موفق هم شدند.

برای نمونه در کلمات یکی از محققین این عبارت به چشم می‌خورد*:
لولاه لما کانَ هذا ولا غیره ...

جالب این است که برخورد پدرم با این افراد چنان گرم و صمیمانه و با خوشروئی بود که آنها اصلاً توقع نداشتند و همین برخورد خوب نیز باعث می‌شد که آنها احساس کمبود نکنند و ناامید نشوند. عزم را جزم کردند و موفق هم شدند.

من به گوش خود می‌شنیدم که پدرم به آنها می‌گفت: کتابخانه‌ام در اختیار شماست. هر وقت که می‌خواهید بیائید. من هم در خدمت شما هستم.

هر کتابی که احتیاج داشتند به آنها عاریه می‌داد، حتی اگر به شهر دیگری می‌خواستند ببرند نسخهٔ خطی، نسخهٔ عکسی، میکروفیلم و ... چنانچه لازم بود، در اختیارشان قرار می‌داد.

نکتهٔ قابل توجه این است که به جهت ارتباطات فراوان با محققین و مؤسسات، می‌دانستند که چه شخصی یا چه مرکزی روی چه کتابی مشغول تحقیق هستند و کار می‌کنند، اما در عین حال اگر مراجعه کننده می‌خواست روی همان کتاب کار کند ـ با اینکه ظاهراً کار تکراری می‌شد ـ اما به او سفارش می‌کردند که: تو کار خودت را بکن و راه را ادامه بده!

چون نتیجهٔ کار مساوی نخواهد شد و یکی بر دیگری تفوق پیدا خواهد کرد و ایشان هم این هدف را دنبال می‌کردند که آثار شیعه با تحقیق بهتر و کامل‌تری در حد امکان چاپ و منتشر شود. گفتنی‌ها در این خصوص بسیار است و اجازه بدهید از زبان دیگران بشنویم من فقط اجمالاً اشاره‌ای در این زمینه کردم و بقول شاعر: «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

(*) نگاه کنید: مکتبة العلامة الحلی، قسم التعلیقات، ص ۲۶۶.

ج ـ ناشرین کتاب:

ناشرین داخلی و خارجی فراوانی با ایشان در ارتباط بودند و با بعضی از آنها پدرم سابقهٔ دوستی و مراودهٔ زیادی داشتند.

در خصوص ناشرین خارجی باید بگویم که عمده سفارشی که پدرم به آنها می‌کرد این بود که کتابها و آثار شیعه را چاپ کنند و حتی سفارش می‌نمود که بالخصوص چه کتابی را چاپ کنند و اگر لازم بود نسخه‌ای از آن را در اختیارشان قرار می‌داد.

از آنجا که در کشور ما هر ساله نمایشگاه بین‌المللی کتاب برگزار می‌شود، این خود محل مناسبی برای دیدار و گفتگو با ناشرین خارجی - بالخصوص لبنانی - ایجاد می‌کرد و از آنجائی که کتابهایی که پدرم سفارش کرده بود، فروش خوبی می‌کرد سال بعد ناشرین آن کتابها با شوق و ذوق بیشتری به ایشان مراجعه کرده و مشورت می‌کردند. در طول سال هم این ارتباط بصورت تلفنی یا مکاتبه‌ای برقرار بود.

گاهی به جهت همین ارتباط هم، بین ناشرین و مؤلف یا محقق کتاب واسطه می‌شدند.

کنگره‌های بین‌المللی:

در کنگره‌های متعدد داخلی و خارجی شرکت داشتند که از میان کنگره‌های بین‌المللی که در داخل کشورمان تشکیل شده است، ایشان در چهار کنگره نقش فعالی داشتند که عبارتند از:

-کنگره هزارهٔ شیخ طوسی، که در سال ۱۳۴۹ شمسی در مشهد مقدس برگزار شد و مرحوم پدرم قبل از تشکیل کنگره، از نجف به ایران آمد و با هیئت برپا

کنندهٔ آن همکاری نزدیک داشته و عضو «لجنة الکتاب» کنگره بودند[*]. و مقاله ایشان در این کنگره «شخصیت علمی و مشایخ شیخ طوسی ﷺ» تنها اثری است که به زبان فارسی به یادگار گذاشته‌اند.

ـ کنگره هزار علامه شریف رضی ـ که در سال ۱۴۰۶ هـ از طرف بنیاد نهج‌البلاغه در تهران برگزار شد و مقاله ایشان تحت عنوان «دستنویس‌های بدست آمده از نهج البلاغه هم در یادنامه علامه شریف رضی و هم مستقل و مجزا به چاپ رسیده است.

ـ کنگره هزارهٔ شیخ مفید که در سال ۱۴۱۳ هـ در قم برگزار شد. و مقاله ایشان تحت عنوان «الشیخ المفید و عطاؤه الفکري الخالد» در جلد اول «المقالات و الرسالات» به طبع رسید.

ـ کنگرهٔ کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، که از طرف بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی در شهریور ۱۳۷۴ در مشهد مقدس برگزار گردید.

و از کنگره‌هایی که در خارج از کشور تشکیل شده است، از دو کنگرهٔ زیر می‌توان نام برد:

ـ کنگرهٔ امام حسین علیه السلام (Hossein Day) که در شوال ۱۴۰۴ هـ در لندن برگزار شد.

ـ و کنگرهٔ امام علی علیه السلام که به مناسبت گذشت چهارده قرن از واقعهٔ غدیر خم در سال ۱۴۰۶ هـ در لندن برگزار شد.

اکنون در اینجا از بیش از هشتاد کتاب و رساله نام می‌بریم که گوشه‌هایی از مسائل مطرح شده را منعکس می‌کنند. عبارات ذکر شده از محققین و مؤلفین خود سندی گویا برمطالب فوق الذکر می‌باشد. کتابهایی که در این مقاله، معرفی

(*) نگاه کنید به «عرض لاعمال مؤتمر الطوسي في المخطوطات».

می‌شوند کتابهایی هستند که نامی از ایشان در آنها برده شده است. اعم از اینکه مؤلف یا محقق کتاب صراحتاً از ایشان تشکر و قدردانی کرده باشد که نص عبارت آنها را در اینجا نقل کرده‌ایم و یا اینکه مطلبی، حکایتی و ... از ایشان نقل کرده باشند و یا متذکر شده باشند که نسخه‌ای از کتاب را مرحوم پدرم در اختیار آنها قرار گذاشته است. البته بیشتر، از قسم اول هستند و هدف اولیه از آوردن آنها همین بوده است.

در پایان این گفتار ذکر چند نکته را لازم می‌دانم:

اولاً اینکه این تعداد کتاب معرفی شده، کتابهایی هستند که نگارنده با توجه به فرصت محدود برای نوشتن این مقاله موفق به جمع‌آوری آنها شده‌ام و یقیناً کتابهای دیگری هستند - حداقل دو برابر این تعداد - که انشاءالله در فرصتی دیگر معرفی خواهند شد.

ثانیاً کتابهایی هستند که مؤلفین و محققین آنها در ارتباط با ایشان بوده و از ایشان بهره‌مند شده‌اند اما به دلایلی در آثار آنها اسمی از ایشان برده نشده.

لذا این مقدار معرفی شده به قول منطقیین نه جامع افراد است و نه مانع اغیار.

و ثالثاً از آنجا که بعضی از شخصیت‌های یاد شده خود از اعلام و استوانه‌های علم و تحقیق هستند ذکر این مطلب را لازم می‌دانم که هدف، جسارت و اسائهٔ ادب به آنها نیست. خود استاد این فن هستند و مرحوم پدرم هم متقابلاً با عباراتی محترمانه و در خور خودشان از آنها یاد کرده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از همکاری و راهنمایی‌های محقق ارجمند جناب آقای فارس تبریزیان الحسون در این زمینه تشکر و قدردانی کنم. جزاه‌الله خیر الجزاء.

اینک معرفی کتابها به ترتیب حروف الفباء:

إرشاد الأذهان الى احكام الايمان:

للعلامة الحلّي، تحقيق: فارس تبريزيان الحسون، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين ۱۴۱۰ هـ.

محقق محترم کتاب در ج ۱ ص ۲۰۲ می‌نویسد:

«وختاماً أرىٰ لزاماً على أن أذكر واتشكّر من:

سماحة سيدي حجة الاسلام والمسلمين العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي لما تفضّل به عليّ من الارشادات القيّمة والمساعدات الكثيرة من اول قدم وضعتها في طريق التحقيق».

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد:

تأليف الشيخ المفيد العكبري البغدادي، الطبعة الاولىٰ ۱۴۱۳ هـ، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.

در مقدمهٔ این کتاب شریف (ج ۱ ص ۱۱) آمده است:

«وقد تفضل مشكوراً العلامة المحقق حجةالاسلام والمسلمين السيد عبدالعزيز الطباطبائي مشكوراً بتزويد المؤسسة بعناوين جملة من الخطوطات القيمة والمهمة، والتي تتمع بمواصفات كثيرة، اهمها مقابلتها على نسخة منقولة من نسخة مقروءة على الشيخ رحمه الله كما أُثبت ذلك في موارد متعددة».

الأربعون حديثاً في حقوق الإخوان:

للسيد محي‌الدين محمد بن عبدالله الحسيني المعروف بابن زهرة الحلبي، تحقيق: نبيل رضا علوان، قم المشرفة ۱۴۱۵ هـ.

محقق محترم در انتهای مقدمه کتاب ص۳۶ ذیل عنوان « شکر و تقدیر » می‌نویسد :

وفي الختام اتقدم بالشكر الوافر لسماحة حجة الاسلام والمسلمين العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي...

إقبال الأعمال:

تأليف : السيد رضي الدين علي بن موسى بن جعفر بن طاووس ، تحقيق : جواد القيومي الاصفهاني ، مكتب الاعلام الاسلامي ، الطبعة الاولىٰ ۱۴۱۴ هـ ، ۳ جلد .

محقق گرانمایهٔ کتاب در انتهای مقدمه ج ۱ ص۲۲ آورده است :

وفي الختام نشكر شكراً جزيلاً لسماحة العلامة المحقق حجةالاسلام السيد عبدالعزيز الطباطبائي ، الذي شملني عنايته الأبوية في تحقيق هذا الكتاب و سائر ما منّ الله جل جلاله عليّ بتحقيقها ، جزاهالله عنّي خيرالجزاء ووفّقه لما يحبّ و يرضىٰ .

الأمالي:

تأليف : الشيخ الصدوق ، مؤسسة البعثه ، الطبعة الأولىٰ ۱۴۱۷ هـ .

در صفحهٔ ۴۵ کتاب در انتهای بخش ترجمهٔ مؤلف ذیل عنوان « شکر وثناء » آمده است :

يتقدّم قسم الدراسات الاسلامية في مؤسسة البعثة بوافر الشكر والتقدير ومزيد الامتنان لسماحة العلامة السيد موسى الزنجاني ، وبخالص الدعاء بالرحمة والمغفرة لفقيد العلم السيد عبدالعزيز الطباطبائي رحمه الله لتفضّلهما بنسختيهما الخاصّتين من الكتاب والمقابلتين بالنسخ المخطوطة ، مع الاستفادة من ملاحظاتهما القيمة المثبتة عليهما .

الأمالي:

لشيخ الطائفة ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي ، مؤسسة البعثة ، دارالثقافة قم ، الطبعة الاولىٰ ۱۴۱۴ هـ.

در صفحه ۸ اين كتاب شريف در انتهاى مقدمهٔ ناشر كتاب (بنياد بعثت) آمده است:

« واخيراً نقدّم وافر امتناننا مع خالص دعائنا لسماحة العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي وسماحة العلامة السيد موسى الزنجاني، لتفضّلهما بالمراجعة النهائية للكتاب وتسجيل ملاحظاتهما القيّمة عليه. وفّق الله العاملين على احياء التراث الاسلامي المجيد وسدّد خطاهم».

الامامة والتبصرة من الخيرة:

لابن بابويه القمي ، تحقيق : السيد محمدرضا الحسيني الجلالي ، مؤسسة ال البيت عليهم السلام لاحياء التراث ط الاولىٰ ۱۴۰۷ هـ.

محقق گرانمايهٔ كتاب در صفحهٔ ۱۲۹ ذيل عنوان « خاتمة » مى‌نويسد:

« وقبل أن أختم الحديث أرىٰ لزاماً ان أذكر السيّد الجليل العلّامة المحقق السيّد عبدالعزيز الطباطبائي دام ظله حيث كان المشجّع على الخوض في العمل والمعين على رفع العقبات عن طريق انجازه، والباعث للهمم الى نشره. كان الله له حيثما كان.

الأنوار القدسية بانضمام غديرية لم تطبع:

نظم العلامة الشيخ محمد حسين الاصفهاني ، صحّحه وعلق عليه : الشيخ علي

النهاوندي، طبع مؤسسة المعارف الاسلامية سنة ١٤١٥ هـ.

كلمة المصحّح:

... وقد من الله تبارك وتعالىٰ عليّ بأن خطر ببالي ان أصححه وأعلق عليه مع العلم بأنه لم يكن امراً سهلاً وفي هذا المجال رأيت بعيني التوفيق الرباني حيث لقيت الأستاذ السيد عبدالعزيز الطباطبائي دام ظله ووجدت عنده النسخة المخطوطة من هذا الأثر بقلمه الشريف، وفي ظل ارشاداته وحسن اخلاقه عزمت على قصدي وقويت في عملي جزاه الله خيراً...

وفي الختام اشكر الاستاذ السيد عبدالعزيز الطباطبائي...

ايضاح الاشتباه:

المؤلف: الحسن بن يوسف بن المطهر (العلامة الحلى)، تحقيق: الشيخ محمد الحسون، مؤسسه النشر الاسلامى، ط الاولى ١٤١١ هـ

محقق گرانقدر در بخشى از مقدمه كتاب، ٢٣ عنوان كتاب ذكر مى‌كند كه نسبت آنها به علامهٔ حلى مشكوک است و مورد ترديد مى‌باشد. در پنج مورد از اين عناوين (شماره‌هاى ٤، ٥، ١٢، ١٧ و ٢١) به رأى محقق طباطبائى دركتاب «مكتبة العلامة الحلى» اشاره شده كه در آن زمان بصورت دستنويس بوده است. با عباراتى چون:

ذكره السيد الطباطبائى فى مكتبة العلامة الحلى و قال: توجد نسخة منه فى ...

بناء المقالة الفاطميّة في نقض الرسالة العثمانيّة:

لابن طاووس، تحقيق: السيد علي العدناني الغريفي، مؤسسة آل البيت عليهم السلام

لاحياء التراث، الطبعة الاولىٰ ۱۴۱۱ هـ.

محقق گرانقدر کتاب در انتهای مقدمه ص ۴۷ می‌نویسد:

«وفي الختام لا يفوتني أن أقدّم شكري وتقديري للمحقق الخبير الأُستاذ السيد عبدالعزيز الطباطبائي على توفيره النسختين ج وق وتمكيني من بعض المصادر الموجودة في مكتبته العامرة و...»

به سوی أم القری:

تألیف رسول جعفریان، نشر مشعر، ۱۳۷۳.

مؤلف گرانمایه، دو سفرنامه را به سفرنامه حج خود ضمیمه کرده که اولی از میرزا علی اصفهانی است که در سال ۱۳۳۱ ق نگاشته شده است. در مقدمه این سفرنامه، ص ۱۵۳ کتاب آمده است:

مؤلف در جایی از متن نامی از خود به میان نیاورده است جز آنکه می‌دانیم و مؤلف نیز مکرر یادآور شده که جناب آقا سید محمد طباطبائی فرزند ارشد آیةالله العظمی سید محمد کاظم طباطبائی صاحب کتاب العروةالوثقی در این سفر همراه آنان بوده است. وی در جای‌جای رساله از ایشان با عظمت یاد کرده و گویا این سفرنامه را برای ایشان نوشته است. آنچه مسلم است که نسخهٔ اصل رساله در اختیار خاندان طباطبائی و متعلق به آقا سید محمد بوده است. جناب استاد آقای سید عبدالعزیز طباطبائی از سر لطف این رساله را در اختیار ما گذاشتند.

پیَمبران و خمسهٔ طیّبه:

تألیف: فخرالدین نصیری امینی (فخری)، تهران - ۱۴۱۱ هـ.

در جلد دوم صفحهٔ ۱۴۹۰ از این کتاب، نامه‌ای از محقق طباطبائی به مؤلف چاپ شده و در پائین آن نوشته شده: دستخط حجة الاسلام سید عبدالعزیز طباطبائی دامت افاضاته. آنچه قابل توجه است این است که در میان این چند جلد ضخیم گنجینهٔ خطوط*، چه قسمتی نظرشان را جلب کرده و عشق به مولیٰ امیرالمؤمنین علیه‌السلام حتی در این نامهٔ ایشان نمایان است.

بعد از عرض سلام و آرزوی توفیق برای مؤلف آمده است:

داستان ابو مسعود رازی که عازم حج بود و به اصفهان که رسید دید مردم اصفهان به امیرالمؤمنین علیه‌السلام جسارت می‌کنند و دشنام می‌دهند! از قافله جدا شده و از حج منصرف شد و گفت برای من کار مهم‌تری پیش آمد و من در اصفهان ماندنی شدم و در اصفهان ماندو بطور عاقلانه با این جریان مبارزه کرد و از دشنام جلوگیری کرد، که شاگرد و ملازم وی احمد بن یحیی رازی این قصه را بطور مشروح در سالهٔ قدیمه‌ای که در ذیل گنجینه آورده‌اید ثبت کرده است. جزاکم الله خیراً ....

التحرير الطاووسي:

تأليف: الشيخ حسن بن زين‌الدين صاحب المعالم، تحقيق: فاضل الجواهري، مكتبة آية‌الله المرعشي النجفي ۱۴۱۱ هـ.

محقق محترم کتاب در انتهای مقدمه ص۱۴ می‌نویسد:

وكذا اتقدم بالشكر الى العلامة المحقق سماحة حجةالاسلام والمسلمين السيد عبدالعزيز الطباطبائي الذي كانت افاداته وارشاداته الأساس الذي اعتمدت عليه في عملي هذا...

(*) شایان ذکر است که ۳ جلد گنجینهٔ خطوط علما و دانشمندان که در برگیرندهٔ نمونهٔ دستخط علما و شعرا و خوشنویسان و مطالب ارزندهٔ دیگر است، مجموعاً بیش از دو هزار و هشتصد صفحه را شامل می‌شود.

تخميس لاميّة العجم في رثاء الحسين عليه السلام :

للطغرائي ، تحقيق : أسد مولوي ، مجلة تراثنا [۶] ۱۴۰۷ هـ ، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث .

محقق محترم در صفحه ۲۰۲ اين مجله ، تحت عنوان « الشاعر المُخَمِّس » به شرح حال شاعر می‌پردازد و به مصادر ترجمه‌اش اشاره می‌کند و در انتها می‌نويسد :

هذا ما استفدناه من المجموعة المخطوطة التي جمعها العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي في تراجم المنسيّين والمغمورين من السابقين ، وهي مجموعة ضخمة قوامها أُضابير عديدة ، وفّقه الله لتبييضها وطبعها فإنّ فيها فائدة للباحثين كبيره .

وقد تفضّل مشكوراً بإعارتنا مصوّرته من مجموعة ابن الشهرزوري التي ننقل عنها هذا التخميس .

ترجمة الامام الحسن عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق :

تأليف : الحافظ ابي القاسم علي بن الحسن المعروف بابن عساكر ، تحقيق : الشيخ محمد باقر المحمودي ، مؤسسة المحمودي ، بيروت ط الاولیٰ ۱۴۰۰ هـ .

در صفحهٔ ۲۱۶ اين كتاب ، در پاورقی مربوط به روايتی كه از محمد بن سعد نقل شده است بعد از ذكر كامل آن آمده است :

أقول : هكذا رواه لي عن كتاب الصحابة الطباطبائي ـ وفّقه الله ـ والحذف فيه جليّ .

ترجمة الامام علي بن ابيطالب ﷺ من تاريخ دمشق لابن عساكر:

تحقيق: الشيخ محمدباقر المحمودي، مؤسسة المحمودي بيروت، الطبعة الثانية ١٣٩٨ هـ.

محقق گرانمایه کتاب در موارد فراوانی ازکتاب (بیش از صد مورد) از محقق طباطبائی نام می‌برد. ابتدا در مقدمه کتاب، در شرح مربوط به نسخه‌های کتاب ومسائل مربوط به آنها، مثلاً در صفحه ۸ آورده است:

نعم فتح الله لنا باباً آخر لتعيين الاختلالات الموجودة في النسخة المطبوعة، وهو وصول النسخة المخطوطة التي كتبها العلامة الطباطبائي اعزه الله ... فجزاه الله خير الجزاء ...

و در پایان همان صفحه آمده است:

وليعلم أن الأصل الذي استنسخناه حرفياً ثم حقّقناه هو نسخة العلامة الأميني و مصوّرة ومخطوطة العلامة الطباطبائي، ولكن لم نكتب من الأصل الأول إلا قريباً من مأة وخمسين حديثاً من أوّل الترجمة، وبقية الترجمة كلها كتبناها عن مصورة و مخطوطة الطباطبائي ثم قابلنا ما كتبناه معهما، كما قابلنا مقداراً من أواسط الترجمة مع العلامة الطباطبائي على فيلم النسخة التركية الموجود في النجف الأشرف في مكتبة السيد الحكيم أعلى الله مقامه.

و در پاورقیهای صفحات متعددی ازکتاب به اسم ایشان برخورد می‌کنیم. برای نمونه نگاه کنید به صفحات: ۱۸۴ - ۱۹۹ - ۲۱۱ - ۲۱۹ - ۲۴۱ - ۲۴۳ و ۲۶۵ و ...

ترجمهٔ فارسی شرایع الإسلام:

تألیف: محقق حلی ﷺ، ترجمه: ابوالقاسم ابن احمد یزدی، بکوشش: محمدتقی دانش‌پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم ۱۳۷۲.

دانشمند توانا جناب آقای دانش‌پژوه (دام بقاه) در دیباچهٔ چاپ دوم کتاب، که در ابتدای جلد چهارم آن چاپ شده است پس از بحث پیرامون مختصر نافع و نسخه‌های آن، به بحث دربارهٔ کتاب شرایع می‌پردازد و در صفحهٔ ۷ اشاره می‌کند که:

من در فهرستهای خود و در دیباچهٔ مختصر نافع از برخی از نسخه‌های آن یاد کرده‌ام، اینک از دو نسخهٔ آن نام می‌برم.

۱ ـ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای است از شرایع ... و سپس شرح مفصلی دربارهٔ این نسخه و مشخصات آن داده و عباراتی از ابتدا و انتهای آن را نقل می‌کند.

در پایان ـ در پاورقی صفحهٔ بعد ـ یعنی صفحه ۸ کتاب ـ می‌نویسد:

«از دانشمند گرامی آقای سید عبدالعزیز طباطبائی بسیار سپاسگزارم که این نکته‌ها را از روی این نسخه برای من نوشتند».

تذکرة المعاصرین:

تألیف: محمد علی بن ابی طالب حزین لاهیجی ۱۱۰۳ ـ ۱۱۸۰، تصحیح و تعلیقات: معصومهٔ سالک، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۵.

در مقدمهٔ کتاب صفحهٔ ۱۷ آمده است:

به هنگام تصحیح اشعار عربی سید علیخان مدنی و محمد مسیح بن اسماعیل فسائی در تذکرهٔ حزین به علت بد خط بودن و پاک‌شدگی

بسیاری از کلمات و حتی عبارات با دشواری بسیاری روبرو شدم که با مساعدت استاد محقق حضرت آیةالله آقا سید عبدالعزیز طباطبائی این مشکل برطرف شد. در همین جا شایسته است که از ایشان سپاسگزاری شود.

التشريف بالمنن في التعريف بالفتن:

تأليف: السيد ابن طاووس، مؤسسة صاحب الأمر (عج)، الطبعة الاولىٰ ۱۴۱۶ هـ.

در انتهای مقدمهٔ کتاب ص۵۵ که به قلم آقایان محمد الباقری و محمد الحسون می‌باشد ذیل عنوان «شکر و تقدیر» آمده است:

«وفي الختام لا يسعنا إلّا أن نقدّم جزيل شكرنا وتقديرنا لشيخ المحققين البحاثه الكبير سماحة حجةالاسلام والمسلمين السيد عبدالعزيز الطباطبائي اليزدي، حيث هيّأ لنا مصوّرة نسخة الأصل...».

تفسير الحبري:

جَمعهُ: الحسين بن الحكم بن مسلم الحبري، حققه: السيد محمدرضا الحسيني، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث ط الاولىٰ ۱۴۰۸ هـ بيروت.

محقق گرانمایه کتاب در صفحهٔ ۲۱۵ ذیل عنوان «كلمة الختام» می‌نویسد:

و أرىٰ ـ وانا أختم هذه المقدّمة ـ أن اتقدّم بوافر الشكر والتقدير والاحترام إلى كل الذوات الخيّرة التي أسهَمَتْ ـ من قرب أو بعد ـ في انجاز هذا العمل.

وأخصّ بالذكر منهم ...، وفضيلة العلّامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي الذي حثّني على إنجاز العمل لهذه الطبعة الثانية، وكان عوناً في اجتيازها العقبات، واستفدت من مكتبته العامرة، فجزاه الله خيراً.

تفسیر کنز الدقائق:

تألیف: شیخ محمد بن محمدرضا قمّی مشهدی، تحقیق: حسین درگاهی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ ش.

محقق گرانمایه در مقدمه کتاب ص۱۲ می‌نویسد:

نگارنده در انجام یافتن و به ثمر رسیدن این امر، از همیاری و همکاری کسانی بهره برده و این را خود از جلوه‌های همان عنایات و توجهات می‌داند. و نیز بر خود می‌داند که در اینجا، جهت سپاسگذاری، یادی از آنان کرده باشد:

استاد محقق جناب آقای سید عبدالعزیز طباطبائی، که بی‌منّت و تکلّف ـ همچنانکه سنّت سنیّه‌شان می‌باشد ـ اطلاعات خود را در اختیار گذاشتند.

تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة:

تألیف: الشیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی، الطبعة الثانیة ۱۴۱۴ ه‍، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

در مقدمه کتاب ص۱۰۲ که بـه قـلم مسئول مـحترم مـؤسسه جـناب آقـای شهرستانی ـ دام ظله ـ می‌باشد، ذیل عنوان «مراحل العمل» آمده است:

«اول ما قامت به المؤسسة هو تجمیع النسخ الخطیّة بمعونة العلّامة المحقق سماحة حجةالاسلام والمسلمین السید عبدالعزیز الطباطبائي والذي تفضّل مشكوراً بإرشادنا لمظّانها وهي كالتالي ...».

الثاقب في المناقب:

تأليف: محمد بن علي الطوسي المعروف بابن حمزة، تحقيق: نبيل رضا علوان، دارالزهراء ـ بيروت الطبعة الاولیٰ ۱۴۱۱ هـ.

محقق ارجمند کتاب در مقدمه ص ۲۰ تحت عنوان «شکر و تقدیر» می‌نویسد:

> **أتقدم بالشكر الجزيل الوافر لسماحة حجةالاسلام والمسلمين أستاذنا المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي «دام ظله» لما القاه، من تشجيع في الاستمرار في تحقيق هذا الكتاب وإرشادي الى امكان وجود نسخ خطية جيّدة...**

جامع الأحاديث:

تأليف: ابومحمد جعفر بن احمد بن على القمي، تحقيق: السيد محمد الحسيني النيسابوري، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۴۱۳هـ

محقق محترم در مقدمهٔ کتاب به بیان دیگر آثار مؤلف آن می‌پردازد. سومین اثر معرفی شده کتاب «فضائل جعفر بن ابی‌طالب» می‌باشد که در صفحهٔ ۱۸، پس از شرح مختصری بر آن می‌نویسد:

> **لكن لم يطّلع المترجمون له على هذا الكتاب و قد أرشدنا اليه العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي، فله الشكر.**

جامع الاخبار او معارج اليقين فى اصول الدين:

تأليف: الشيخ محمد بن محمد السبزوارى، تحقيق: علاء آل جعفر، مؤسسة

آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث ، الطبعة الاولی ، ۱۴۱۴ ه

محقق محترم در بخشی از مقدمهٔ کتاب تحت عنوان « ما هی النسخة الحقیقیة للکتاب ؟ » به بحث پیرامون نسخهٔ اصلی این کتاب می‌پردازد و در انتها برای تأیید مدعای خود می‌نویسد :

کما أنی وجدت فی نسخة من الذریعة لدی سماحة السید عبدالعزیز الطباطبائی تصحیحات نقلها من نسخة العلامة الطهرانی الخاصّة المصححة بیده رحمه الله حیث اضاف علی ما کتبه عن جامع الاخبار المبوب (المکتوب ۱۹۰۱) و بذا فإن ما یبدو لی أن الاصل فی کتابنا هو المرتب علی الفصول لا الابواب و الفصول ، و الله اعلم .

جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابیطالب :

تألیف : شمس الدین ابی البرکات محمد بن احمد الدمشقی الباعونی الشافعی ، تحقیق : العلامه الشیخ محمدباقر المحمودی ، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة ، الطبعة الاولی ، ۱۴۱۵ ه

محقق گرانمایه این کتاب ، در موارد زیادی به تعلیقات محقق طباطبائی بر کتاب فضائل الصحابهٔ احمد بن حنبل ارجاع داده است . برای نمونه در جلد اول صفحه ۲۵۳ در پاورقی دوم آمده است :

و رواه ایضاً احمد بن حنبل فی .... و أخرجه الطباطبائی دام عزه فی تعلیقه اشارةً عن مصادر ، قال : و أخرجه دانیال فی الجزء الثالث من مشیخته .

و نگاه کنید به صفحات : ۶۳ - ۶۷ - ۷۵ - ۸۵ - ۱۰۱ - ۱۰۸ - ۲۰۷ ... و همچنین در صفحه ۱۳۵ پاورقی دوم می‌خوانیم :

بقدر ما وضعناه بین المعقوفات فی الموضعین و ... فی أصلی من خط العلامة الطباطبائی - بیاض ، سینبه المؤلف علیه ، و یعتذر منه .

الحديقة الهلالية (شرح دعاء الهلال من الصحيفة السجادية :

تأليف : العلامة الشيخ محمد بن الحسين العاملى المعروف بالشيخ البهائى .

تحقيق : السيد على الموسوى الخراسانى ، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث ، ط الاولى ۱۴۱۱ ﻫ

در صفحه ۵۸ كتاب ذيل عنوان « منهج التحقيق » آمده است :

اعتمدت فى عملى على نسخة الاصل ، التى هى بخط المصنف قدس سره ، والتى ارشدنى اليها سماحة العلامة المتتبع السيد عبدالعزيز الطباطبائى دام مجده مشكوراً ...

حياة الامام الحسين بن علي عليه السلام :

تأليف : باقر شريف القرشي ، الطبعة الاولىٰ ۱۳۹۴ ﻫ .

نام محقق طباطبائى رحمه الله در چند مورد از پاورقيها و ارجاعات اين كتاب به چشم مى‌خورد و از آن جمله است ج ۱ ص ۴۵ :

۲ ـ المعجم الكبير الطبراني مخطوط بخط العلامة السيد عزيز الطباطبائي اليزدي .

خاتمةُ مستدرك الوسائل :

للمحدّث النوري ، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث ، الطبعة الاولىٰ ۱۴۱۵ ﻫ .

در صفحهٔ ۹۳ كتاب در آخر مقدمه ذيل عنوان « النسخ المعتمدة في تحقيق الكتاب » آمده است :

۳ ـ المطبوعة الحجرية : وهي نسخة محفوظة في مكتبة العلامة الحجة

السيد عبدالعزيز الطباطبائي نقل فيها جميع ما سبق لأستاذه الشيخ آغا بزرگ الطهراني اثباته من حواشٍ وتعليقات على نسختِهِ من خاتمة مستدرك الوسائل، وحيث كان الطهراني -كما هو المعروف- من التلامذة المختصين بالمحدث النوري ﵀ والذي يُعَدُّ من كبار الأساتذة المختصين والبارعين في هذا المضمار، فأضفىٰ علىٰ هذه النسخة أهمية متميزة عن غيرها من النسخ الحجرية الأُخرىٰ وقيمة أكبر لا تخفىٰ علىٰ ذوي الاختصاص.

خصائص الأئمة ﵈:

للشريف الرضي، تحقيق: الدكتور محمد هادي الأميني، بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى ۱۴۰۶ ه‍.

محقق محترم كتاب در صفحه ۱۴ مى‌نويسد:

اما منهجي في تحقيق الكتاب، فقد فتّشت عن نسخ الكتاب و قلّبت فهارس خزائن الكتب، إلى أن وقفت على أقدم نسخة مخطوطة منه كتبت في القرن السادس الهجري وهي من مخطوطات إحدى مكتبات الهند وتوجه مصورتها بالميكروفيلم في مكتبة العلّامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي في مدينة قم فتفضّل بها عليّ مشكوراً و....

الخلاصة في علم الكلام:

تأليف: قطب الدين السبزواري، تحقيق: السيد محمدرضا الحسيني الجلالي، تراثنا [۳۴] ۱۴۱۴ ه‍، مؤسسة آل‌البيت ﵈ لاحياء التراث ص۱۲۵ - ۲۲۶.

محقق گرانقدر اين رساله در صفحه ۱۴۵ - ۱۴۶ مجله مى‌نويسد:

ولا يفوتني قبل الانتهاء من هذا البحث ان أشيد بمتابعة سماحة السيد

الطباطبائي حفظه‌الله حول مؤلف هذا الكتاب ولما تمّ انجاز ماقدمناه، تفضل بقراءته وابداء ملاحظاته وقد استفدنا من مكتبة الزاخرة بالمصادر التي راجعناها فنسأل من الله له الأجر الوافر والعمر المديد.

و در صفحهٔ ۱۴۸ ـ ۱۴۹ می‌نویسد:

فنسخة مكتبة المتحف البريطاني ... وقد تفضّل علينا بصورتها العلامة المحقق الشهير المتتبّع السيد عبدالعزيز الطباطبائي دام علاه.

دور علماء الشيعة في مواجهة الاستعمار:

تأليف: سليم الحسيني، مركز الغدير للدراسات الاسلامية، قم ط الاولیٰ ۱۴۱۵ هـ.

فصل چهارم این کتاب که نزدیک به صد صفحه و بیش از $\frac{1}{3}$ کتاب را تشکیل می‌دهد، اختصاص به دیدگاههای مرحوم آیة‌الله العظمی سید محمدکاظم یزدی صاحب عروة‌الوثقی در خصوص مسائل سیاسی و انقلابی، دارد. و بهمین جهت مؤلف کتاب به مرحوم پدرم مراجعه کرده و هم از اطلاعات ایشان در این زمینه استفاده می‌کرد و هم از مدارک و اسنادی که مرحوم والد در اختیارشان قرار می‌داد و چند نمونه درکتاب چاپ شده است (برای نمونه صفحه ۹۰ عکس نامه سید یزدی ﷺ به شیخ عبید). در پاورقی بعضی صفحات این جمله بچشم می‌خورد: السيد عبدالعزيز الطباطبائي / مجموعة وثائق السيد اليزدي المخطوطة صص ۹۰ ـ ۹۱ ـ ۹۴ ـ ۹۷ ـ ۱۰۴ ـ ۱۰۶ ـ ۱۳۴ ـ ۱۳۵ ـ ۱۹۰ ـ ۱۹۱ ـ ۱۹۲ ـ ۱۹۵

و در بعضی صفحات: مقابلة مع السيد عبدالعزيز الطباطبائي بتاريخ ...

صص ۲۶ ـ ۸۶ ـ ۹۳ ـ ۱۲۲ ـ ۱۲۵ ـ ۱۵۹ ـ ۱۸۰

در صفحهٔ ۱۲۲ در پاورقی می‌نویسد:

مقابلة مع السيد عبدالعزيز الطباطبائي في ۲۱ رمضان ۱۴۱۴ هـ

والسيد الطباطبائي احد أحفاد السيد كاظم اليزدي، ومن محققي الشيعة في الوقت الحاضر، وهو عميد أسرة اليزدي ويحتفظ بمجموعة وثائقية نادرة لمراسلات السيد اليزدي المتبادلة مع علماء الدين ورؤساء العشائر و السياسة في تلك الفترة. وقد تفضّل مشكوراً بتزويدي بنسخ من هذه الوثائق التاريخية.

الذريعة الىٰ تصانيف الشيعة:

تأليف: الشيخ آقا بزرگ الطهراني، مؤسسة اسماعيليان. قم. ط الثالثة ـ ١۴٠٨.

مرحوم آقا بزرگ طهرانی ﷺ در چند مورد از ايشان، در ذريعه نام می‌برد:

١ ـ در جلد هيجدهم صفحهٔ ١٧۴ شمارهٔ ١٢١۶:

كنوز العلوم ... كما نقل السيد عبدالعزيز الطباطبائي.

٢ ـ در جلد نوزدهم:

الف ـ صفحهٔ ٢۴ شمارهٔ ١٢١:

ما لابد منه في النجوم ... كما حكاه لي السيد عبدالعزيز الطباطبائي.

ب ـ صفحهٔ ٢۵٧ شماره ١١٣۵:

مثنوى فرسنامه ... كما حدثني به السيد عبدالعزيز الطباطبائي.

٣ ـ در جلد بيستم:

الف ـ صفحهٔ ١۶۶ شمارهٔ ٢٣١۵:

مخبراليقين ... علىٰ ما حدّثني به السيد عبدالعزيز الطباطبائي اليزدي.

ب ـ صفحهٔ ١٧٢ شمارهٔ ٢۴۴٧:

مختار القواعد ... كما حدثني به السيد عبدالعزيز الطباطبائي.

۴ ـ جلد بيست وپنجم:

بخش استدراكات صفحهٔ ٣۴٩ آمده است:

وعلينا الآن أن نشكر حضرات الأساتذة الكرام الذين ساعدونا في تهيئة هذه الاستدراكات. ونذكر بعد الذين قدّمنا اسمائهم سابقاً ... ثم السيد عبدالعزيز الطباطبائي اليزدي....

رجال الطوسي:

تأليف: شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي ﷺ، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين ١٤١٥ هـ.

محقق محترم در مقدمهٔ كتاب ص١٣ مى‌نويسد:

وفي الختام نتقدم بالشكر الجزيل لسماحة العلامة المحقق حجةالاسلام والمسلمين السيد عبدالعزيز الطباطبائي وفّقه الله لمراضيه، الذي شملني برعايته الأبويّة في تحقيق هذا الكتاب وسائر كتب التي منّ الله عليّ بتحقيقها، جزاه الله عن الاسلام والمسلمين خير الجزاء انّه سميع مجيب.

الرسائل العشر:

لشيخ الطائفة الاماميّة أبي جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي ﷺ، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

اين كتاب در برگيرندهٔ ده رساله از شيخ طوسى است كه شش رساله از آن را محقق توانا جناب آقاى استادى تصحيح كرده است كه از اين شش رساله، چهار رساله با اعتماد بر نسخه‌هايى كه به خط مرحوم محقق طباطبائى مى‌باشند تصحيح شده است. اين رساله‌ها بترتيبى كه در فهرست كتاب آمده است عبارتند از:

١ ـ رسالة في الفرق بين النبي والامام للشيخ الطوسي

صححها الشيخ رضا الاستادي واعتمد في تصحيحه على نسخة بخط الاستاذ السيد الطباطبائي اليزدي استنسخها من نسخة منها توجه في مكتبة ملك بطهران.

٢ ـ المفصح في الامامة للشيخ الطوسي

صححها الشيخ الاستادي واعتمد في تصحيحه على نسخةٍ بخط السيد الطباطبائي من نسخة ناقصة وحيدة منها توجه في مكتبة المرحوم الميرزا محمد العسكري بسامراء بخطه.

٣ ـ رسالة في عمل اليوم والليلة للشيخ الطوسي

صححها الشيخ الاستادي واعتمد في تصحيحه على نسخة بخط السيد الطباطبائي استنسخها من نسخة بخط المرحوم الميرزا محمد العسكري بمكتبته.

٤ ـ رسالة في تحريم الفقاع للشيخ الطوسي

صححها الشيخ الاستادي واعتمد في تصحيحه على نسختين احديهما بخط السيد الطباطبائي والأُخرىٰ بمكتبة السيد الروضاتي باصبهان ورمزها «ن».

رسالة أبي غالب الزراري إلى ابنه في ذكر آل أعين

لابي عبدالله الغضائري، تحقيق: السيد محمدرضا الحسيني، مركز البحوث والتحقيقات الاسلامية ـ قم ١٤١١ هـ.

محقق گرانقدر كتاب در صفحهٔ ٨٩ در بخشى از توضيحات مربوط به نسخهٔ كتاب مى‌نويسد:

وبينما كنت أضع اللمسات الأُخيرة على هذا العمل لأُقدّمه الى المطبعة إذ شرّفني سماحة العلامة الشريف السيد الطباطبائي، حاملاً معه نسخة

مصوّرة من الرسالة، بعثها العلامة الشريف السيد الروضاتي من اصفهان.

وتثميناً لمبادرة السيّدين الشريفين و تقديراً لمساعيهما في الحفاظ على تراثنا القيّم، وبذله لطالبيه، كان الله لهما ورعاهما....

و در پاورقی صفحهٔ ۹۸ در مورد عدم ذکر ترجمه مؤلف در فهرست شیخ طوسی:

بل ذكر السيد الطباطبائي الذي قابل الفهرست باكثر من نسخة إنّه لم يجد ترجمته في شيءٍ من مخطوطاته.

رسالة في اعجاز سورة الكوثر للزمخشري:

تحقيق: حامد الخفاف، تراثنا [۱۳] ۱۴۰۸ ص۲۴۶ - ۱۹۵، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث.

محقق محترم اين رساله در صفحهٔ ۲۱۰ مجله ذيل عنوان «منهج التحقيق» می‌آورد:

اعتمدت في تحقيق الرسالة على نسخة واحدة قام باستنساخها سماحة العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي عن النسخة المخطوطة في المكتبة الظاهرية بدمشق في تاريخ ۱۷ ربيع الاول سنة ۱۳۸۳ هـ حيث تفضّل عليّ بها مشكوراً و... وتوجد في النسخة حواشي كتبها الناسخ، نقلت منها في ثلاثة موارد فقط رمزاً لها بـ«هـ م» اي هامش المخطوط، حفظاً للأمانة العلميّة.

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام:

تحقيق: محمد مهدی نجف، کنگرهٔ جهانی حضرت رضا عليه السلام ۱۴۰۴ هـ.

محقق گرانمایه در انتهای مقدمه ص ۲۰ ذیل عنوان «شکر و تقدیر» می‌نویسد:

کما و أقدم جزیل شکري لکلٍ من ... وحجة الاسلام والمسلمین السید عبدالعزیز الطباطبائي ...

عبرات المصطفین في مقتل الحسین علیه السلام:

تألیف: العلامة الشیخ محمد باقر المحمودي، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة ۱۴۱۵ هـ.

مؤلف گرانقدر در مواردی از این کتاب، در ذکر مأخذ و منبع روایات به نقل محقق طباطبائی استناد کرده است. از آن جمله است: (در جلد اول)

۱ ـ در صفحهٔ ۸۸ پاورقی دوم:

هکذا ذکره ابن حجر في عنوان «اهل البیت والأزواج» من کتاب زوائد البزار الورق ۲۷۶ / ب / من نسخة المکتبة الآصفیة في حیدرآباد برقم (۷۲۹۵) علی ما رواه عنها العلامة الطباطبائي دام عزّه.

۲ ـ در صفحهٔ ۱۵۰:

قال حماد بن زید رأیت ثابت البناني حیث حدّث بهذا الحدیث: «ندبة فاطمة أباها» بکیٰ حتی اضطرب اضلاعه!

پ ۱ ـ هکذا رواه لنا عنه العلامة الطباطبائي دام عزّه.

۳ ـ در صفحهٔ ۲۱۰ در مورد روایتی دربارهٔ بکاء امیرالمؤمنین علیه السلام در صفین بر امام حسین علیه السلام و فاجعه کربلا:

وقد أورده الطباطبائي دام عزه عن کتاب سبل الهدی والرشاد ـ للدمشقي ـ الورق ۵۴۷.

عجالة المعرفة في اصول الدين:

تأليف: محمد بن سعيد بن هبةالله بن الحسن الراوندي، تحقيق: السيد محمدرضا الحسيني الجلالي، تراثنا [٢٩] - ١٤١٢ هـ، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.

محقق گرانقدر اين رسالهٔ شريف در صفحهٔ ٢١٧ از اين شمارهٔ تراثنا، بعد از بيان مراحل و اسلوب تحقيق اين رساله به حسب ترتيب لازم، آورده است:

ونرىٰ لزاماً علينا أن نقدّم وافر التقدير الىٰ سماحة العّلامة المحقّق السيد الطباطبائي، حيث أسعفنا بمعلومات قيّمة عن المؤلّف، ووضع تعقليقاته القيّمة على كتاب «الفهرست» لمنتجب الدين - الذي حقّقه قبل سنوات - فاستفدنا منها.

عرض لأعمال مؤتمر الطوسي في المخطوطات:

صدر عن لجنة نشر آثار مؤتمر الطوسي، دانشكده الهيات و معارف اسلامى دانشگاه مشهد، «از يادنامهٔ كنگرهٔ هزاره شيخ طوسىٰ».

در اين كنگره - يعنى كنگره هزارهٔ شيخ طوسى كه در سال ١٣٤٩ شمسى در مشهد مقدس برگزار شد - محقق طباطبائى نقش مهمّ و فعّالى را ايفاكردهاند. آنچه در اين كتاب اشاره شده است عبارتند از:

الف - در صفحهٔ ٧٧٩ آمده است (كه شاهد بر مدّعاى فوق است):

والعلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي (النجف الأُشرف) الذي كان من اوائل من لبّوا دعوة المؤتمر واعان المكتب التحضيري في اعماله بكل الوسائل، ساعده على ذلك تضلّعه واطلاعه الواسع بالمخطوطات عامّة وبما يرجع الى شيخ الطوسي خاصّة، فقد كان منذ سنين مهتماً بجمعها

ونشرها، وقد وضع كافة معلوماته بكل سماحة في خدمة المؤتمر، وما يزال يسافر لهذا الغرض، يفتش ويكشف عن نسخ عتيقة يقفنا عليها أو يرسل صوراً عنها ما تسنیٰ له ذلك.

ب ـ صفحهٔ ۷۷۷، در ردیف کسانی که با ارائه مقاله کنگره را قبل از انعقاد در جهت اطلاع از نسخه‌های خطی شیخ طوسی مساعدت کرده‌اند:

شمارهٔ ۱۰:

مذاکرات عن مخطوطات الطوسي في النجف وغيره: سيد عبدالعزيز الطباطبائي.

ج ـ در صفحهٔ ۷۸۲ نام ایشان بعنوان عضوی از اعضاء لجنة الکتاب که مسئولیت آن با دکتر صلاح المنجد بود، ذکر شده است. در این صفحه آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم:

تقترح لجنة الكتاب على المؤتمر الاهتمام بما يلي:

.....

۴ ـ تكليف السيد العزيز الطباطبائي وضع مسرد علمي عام للشروح والحواشي والاختصارات والترجمات لآثار الشيخ الطوسي.

عمدة عيون صحاح الاخبار:

للحافظ ابن البطریق، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی و الشیخ ابراهیم البهادری، الناشر: ممثلیة السید الخامنئی فی الحج، ط الثالثه، ۱۴۱۲ هـ

این کتاب را مرحوم پدرم پس از چاپ تصحیح کرده بودند که از ایشان نقل شده است که فرموده بودند: من هزار غلط از این کتاب گرفته‌ام. ولی متأسفانه نامی از ایشان در روی جلد یا اول کتاب برده نشده است. فقط در انتهای مقدمهٔ

کتاب ، صفحه ۴۰ اشاره شده است که :

« و لما نفدت النسخ و كثر الطلب ، اعيد طبعه بوصف جديد و طباعة أنيقة يمتاز عن الطبعة السابقة بمزيد من الدقة فى التصحيح و التطبيق على المصادر المطبوعة و المخطوطة و قد ازدانت اخيراً بمراجعة العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائى دامت بركاته فنقدم الى الجميع بالشكر و التقدير . »

الغارات أو الاستنفار والغارات :

لابي اسحاق ابراهيم بن محمد بن سعيد بن هلال المعروف بابن هلال الثقفي ، حققه وعلق عليه : السيد عبدالزهراء الحسيني الخطيب ، دارالأضواء ـ بيروت ط الاولیٰ ۱۴۰۷ هـ.

محقق گرانقدر در مقدمهٔ کتاب صفحهٔ (هـ) می‌نویسد :

ثم أحبرني العلامة الباحث الخبير السيد عبدالعزيز الطباطبائي بوجود مخطوطة من هذا الكتاب في المكتبة الظاهرية بدمشق و أنّ لديه مصوّرةً منها ، ولما علم برغبتي في تحقيق الكتاب تفضّل بإرسالها إليّ...

غدیر در آئینهٔ کتاب :

تألیف : محمد انصاری ، نشر الهادی ، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ

مؤلف در مقدمهٔ کتاب صفحهٔ ۱۴ ذیل عنوان «کتابشناسی مستقل» می‌نویسد :

اولین قدم به عنوان کتابشناسی غدیر را علامهٔ فقید سید عبدالعزیز طباطبائی در کتاب «الغدير في التراث الاسلامي» برداشته ، و بحق

کاری عظیم در احیای فرهنگ غدیر به انجام رسانده است.

و بعد به شرح این کتاب می‌پردازد و به دیگر آثار محقق طباطبائی ﷺ در زمینهٔ غدیر اشاره می‌کند و در صفحهٔ ۱۸ تحت عنوان «تشکر و درخواست» می‌نویسد:

بر خود لازم می‌دانم تشکرات قلبی خود را نثار روح علامهٔ فقید سید عبدالعزیز طباطبائی رحمةالله علیه نمایم، که در تهیهٔ کتاب حاضر استفادهٔ وافری از کتاب و کتابخانه و نیز راهنمائی‌های ایشان برده‌ام.

الغدير في حديث العترة الطاهرة:

تأليف: السيد محمد جواد الشبيري، تراثنا [۲۱] ۱۴۱۰ هـ، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ص۱۲ - ۱۰۰.

نویسندهٔ محترم مقاله در صفحهٔ ۸۸ این مجله تحت عنوان «اعتذار وشکر» می‌نویسد:

زرت في شهر رمضان المبارك سماحة حجة الاسلام والمسلمين السيد عبدالعزيز الطباطبائي في بيته، فاقترح عليّ كتابة مقال حول «الغدير في حديث العترة الطاهرة» فاعتذرت رغم شوقي الشديد، وذلك لما يتطلّب أمرٌ من هذا النوع من شروط وجدتها غير متوفّرة فيّ، فحثّني وشجّعني ووعدني بتوفير ما يلزم فلم يبق لي عذر، فامتثلت أمره، فشرعت متوكلاً على الله ... الى آخره.

الغدير في الكتاب والسنّة والأدب:

تأليف: العلامة الشيخ عبدالحسين احمد الأميني النجفي، تحقيق: مركز الغدير للدراسات الاسلامية، الطبعة الاولىٰ المحققه ۱۴۱۶ هـ. قم المقدسة.

در مقدمهٔ کتاب صفحهٔ ۱۲ آمده است:

۶ ـ اشتملت هذه الطبعة علىٰ ملاحظات قيّمة وتعليقات مهمّة واستدراكات على المؤلف للمحقق الخبير سماحة السيد عبدالعزيز الطباطبائي الذي واكب العمل واشرف على سيره منذ خطواته الاولىٰ، فكان لجهود سماحته الدور المشكور في التقاط المؤيّدات وإضافتها مؤشّرة في مواقعها من الكتاب. وقد ميّزنا تعليقات سماحته واستدراكاته بكلمة (الطباطبائي).

فاطمه عليها السلام در آئينهٔ كتاب:

تأليف: اسماعيل انصارى زنجانى خوئينى، نشر الهادى، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ.

مؤلف در مقدمهٔ كتاب ص ۲۰ ذيل عنوان «تشكر ودرخواست» مى‌نويسد:

«بر خود لازم مى‌دانم بدين وسيله از استاد گرانقدر علامه سيد عبدالعزيز طباطبائى دام‌ظله كه در تدوين اين فهرست از محضر ايشان و از كتابخانهٔ كم‌نظيرشان استفاده برده‌ام قدردانى نمايم».

فتح الأبواب بين ذوي الألباب وبين ربّ الأرباب في الاستخارات:

تأليف: السيد الجليل أبي القاسم علي بن موسى ابن طاووس الحسني الحلّي، تحقيق: حامد الخفّاف، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث ۱۴۰۹ هـ.

محقق محترم در صفحهٔ آخر مقدمه كتاب صفحهٔ ۱۰۰ مى‌نويسد:

وإن كان هناك من كلمة اخيره اقولها، فإني أتقدم بالشكر الجزيل الىٰ سماحة العلامة المحقق حجة الاسلام والمسلمين السيد عبدالعزيز الطباطبائي، الذي شملني برعايته الأبوية، حيث كانت أبواب مكتبته العامرة مشرعة أمامي حتى في ايام سفره وترحاله، للاستفادة منها عند الحاجة، فجزاه الله خيرالجزاء، وكان له حيثما كان.

فرائد السمطين في فضائل المرتضىٰ والبتول والسبطين:

تحقيق: محمد مهدي الآصفي، مطبعة النعمان، النجف سنة ۱۳۸۳ هـ.

محقق گرانقدر در مقدمهٔ كتاب ص۸ بعد از ذكر نسخ خطى كتاب كه پنج نسخه مى‌باشد و بيان تحمل مشقت بسيار براى يافتن آنها و مقابله آنها با يكديگر مى‌فرمايد:

«ولا أنسىٰ فضل العلامة الجليل الحاج السيد عبدالعزيز الطباطبائي في الاهتمام بمقابلة جزء من الكتاب على النسخ المذكورة».

شايان ذكر است كه مرحوم والد اين كتاب را پس از چاپ مجدداً تصحيح كرده و حواشى و تعليقاتى بر آن زده‌اند كه با اين اضافات دركتابخانه آن مرحوم موجود مى‌باشد.

فقه القرآن في التراث الشيعي:

تأليف: الشيخ محمد على الحائري‌الخرم آبادي، مجلة تراثنا [۱۷] ۱۴۰۹ هـ ص۱۴۵ ـ ۱۳۱، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.

نويسندهٔ محترم مقاله در صفحهٔ ۱۴۲ مجله، كه به توضيح در مورد كتاب «آيات الاحكام الفقهية، للمولى ملك على التونى» مى‌پردازد ـ در انتها مى‌نويسد:

ورأيت هذه التعليقة للعلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي، على الكواكب المنتثرة لشيخه الطهراني، بأن: «ملك على التوني، هو والد محمد باقر، الذي الّف (روضة الأُصول المفاخرية في شرح الفصول النصيرية) باسم السلطان حسين الصفوي، وفرغ منه في شعبان ۱۱۱۶هـ.

فهارس اعيان الشيعة:

صنّفه وقدم له: السيد حامد علي الحسيني، وزارة الثقافة والارشاد الاسلامي ۱۴۱۶ هـ.

مصنف گرانمایه کتاب در انتهای مقدمه ص۹ ذیل عنوان «ثناء و شکر» می‌نویسد:

واسجل شكري وعرفاني بالجميل لكلّ من آزرني وأعانني علىٰ إنجاز هذه الفهارس واخراجها وهم كثيرون، واخصّ بالذكر منهم العلامة الكبير المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي، والعلامة الجليل المحقق السيد محمدرضا الحسيني الجلالي، الذين لولاهما لما استطعت أن أنجز هذا العمل، فكم لهما من أياد جميله ... وكم سهرا معي إلىٰ أواخر الليل يرشداني الى ما احتاج اليه فكان لملاحظاتهما الأثر الواضح في هذا الكتاب، وكان من المفروض أن يكون إهداء الكتاب اليهما عرفاناً بجميلهما، فلهما الشكر الموصول والدعاء الوافر والتقدير والاحترام الفائق.

الفهرست:

لشیخ الطائفة الامامیة ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، به کوشش محمود رامیار، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱ ش

در مقدمه کتاب، صفحهٔ ۱۴ پس از بیان اینکه این کتاب از روی چاپ اسپرنگر هندوستان افست شده است آمده است:

ضمناً برای رفع مشکل اغلاط این چاپ، قرار شد فهرستی از اغلاط آن بدست داده شود و نسخهٔ موجود تا حد مقدور تصحیح و تنقیح گردد.

حتی دوست فاضل و دانشمند آقای سید عبدالعزیز طباطبائی بدین کار دست یازید و ۲۴ صفحهٔ اول آن را تصحیح نمود. فرصت کوتاه بود و شتابی در پیش، که حتی المقدور کتاب زودتر آماده شود. بدین جهت به پیشنهاد معظم له انجام این کار فعلاً به بعد موکول گردید.

شایان ذکر است که این کتاب به دست مرحوم والد تصحیح و تحقیق شده و هم‌اکنون آماده طبع می‌باشد.

فهرست میکروفیلمهای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران:

تألیف: محمد تقی دانش‌پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

در صفحهٔ ۸۱۰ این کتاب ـ بخش اضافات و تصحیحات ـ آمده است:

فتوح الشام وحلب وحمص ومافيها لأبي القاسم المغربي

بگفتهٔ آقای سید عبدالعزیز طباطبائی گویا همان سیرهٔ ابن هشام است.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی:

نگارنده: احمد منزوی، مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ای ـ تهران.

مؤلف این فهرست در موارد فراوانی، از فهرست کتابخانهٔ امیرالمؤمنین عليه السلام در نجف که به قلم محقق طباطبائی رحمه الله می‌باشد استفاده نموده است، عبارت ذیل را در موارد زیادی از این کتاب شش جلدی دیده می‌شود:

شماره ـ نجف ـ امیرالمؤمنین ... [ف. خطی، سید عبدالعزیز طباطبائی]

برای نمونه: ر ج در جلد چهارم شماره‌های: 37965, 37966, 37872 37489 ,37456

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ آیة‌الله فاضل خوانساری:

تألیف: سید جعفر حسینی اشکوری، مؤسسهٔ فرهنگی آیة‌الله فاضل خوانساری، چاپ اول ۱۴۱۶ ﻫ.

مؤلف در صفحهٔ ۶۱ کتاب ذیل عنوان «تشکر و قدردانی» نگاشته است:

و نیز از استاد گرامی جناب حجةالاسلام والمسلمین حاج سید عبدالعزیز طباطبایی که با خواندن این فهرست و تذکر دادن نکات دقیق ما را مرهون خدمات خویش گردانیده‌اند متشکرم.

لازم به ذکر است که مرحوم والد بر این کتاب تقریظی نوشته‌اند که در اول کتاب چاپ شده است.

کتاب الأربعین عن الأربعین في فضائل علی امیرالمؤمنین ﷺ:

تألیف: الحافظ عبدالرحمن بن أحمد النیسابوري الخزاعي، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودي، وزارة الثقافة والإرشاد الاسلامي، ۱۴۱۴ ﻫ.

محقق گرانقدر در بخشی از کتاب که به شرح حال مشایخ مصنف می‌پردازد، مطلبی از ابن نجّار در ص۲۸ نقل می‌کند سپس می‌نویسد:

أقول: وما وضعناه بین المعقوفین نقلاً عن ابن النجار مأخوذ من تعلیقة الطباطبائي دام عزه وتوفیقه.

و در پاورقی همان صفحه در انتهای مطلب ذکر شده دربارهٔ سید قصبی جرجانی می‌نویسد:

هکذا أفاده العلامة الطباطبائي في تعلیقه علی ترجمة السید القصبي هذا من کتاب النابس ص۶۲.

و در صفحهٔ آخر کتاب ص۸۸:

وقد كنّا قبل سنة من هذا التاريخ رتّبنا الكتاب من نسخة مرسلة حينما لم يكن لدينا علم بوجود النسخة المسندة وبعد مراجعتنا إلىٰ وطننا نبّهنا العلامة الطباطبائي دام توفيقه على أنّه توجد للكتاب نسخة مسندة ثمينة وبعد أيام أجاب ملتمسنا من تهيئة النسخة المشار اليها وقدم الينا النسخة فشكراً ثم ذخراً له على عنايته بنشر التراث والحمد لله رب العالمين.

کتابخانهٔ ابن طاووس و احوال و آثار او:

تألیف: إتان گلبرگ، مترجمان: سید علی قرائی ـ رسول جعفریان، کتابخانهٔ آیةالله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش.

در چندین مورد از این کتاب به نام «عبدالعزیز طباطبائی» برخورد می‌کنیم که مؤلف کتاب «اتان گلبرگ»، به تحقیقات کتابشناسی ایشان در «اهل البیت في المکتبة العربیة» اشاره می‌کند از آن جمله است:

۱ ـ در صفحهٔ ۶۶ ذیل عنوان کتاب «الابانة في معرفة (اسماء) کتب الخزانة» آورده است:

این کتاب فهرست کتابخانهٔ ابن طاووس بوده است. عبدالعزیز طباطبائی در «اهل البیت» ۱/۴، ۱۴۰۶ ص ۹۱ ش ۱ عنوان آنرا اقلید الخزانة یاد می‌کند.

۲ ـ در صفحهٔ ۱۹۴ ذیل «کتاب الاربعین في مناقب امیرالمؤمنین» بعد از چند سطر می‌نویسد:

اطلاعات بیشتری را عبدالعزیز طباطبائی در کتاب المناقب بدست داده است. او نقلی را از کتاب «مقتل الحسین خوارزمی» نقل کرده که

خوارزمی ضمن آن به یک مجموعه خودش دربارهٔ فضائل علی ﷺ با عنوان الاربعون اشاره کرده است. طباطبائی عنوان کامل آنرا چنین شناسانده «کتاب الأربعین في فضائل امیرالمؤمنین» و یادآور شده (بدون ذکر شاهدی) که این گویا مشتمل بر بیش از چهل حدیث می‌باشد (طباطبائی، اهل البیت، تراثنا ۱/۱، ۱۴۰۵، ص۲۱).

۳ـ در صفحهٔ ۲۵۱ مؤلف ارجاع داده است: نک: طباطبائی، اهل‌البیت، تراثنا ۲/۵ ص۱۰۸ ـ ۱۱۳.

۴ـ در صفحهٔ ۴۲۲ در مورد کتاب المواليد و نسبت آن به جهضمی. بدنبال ذکر مطالبی آمده است:

و در نهایت عبدالعزیز طباطبائی (اهل البیت ۲/۱، ۱۴۰۶ ص۵۳) اظهار می‌دارد که این تألیف در مجموعه‌ای در تهران با عنوان «تاریخ الأئمة» باقی مانده است. در این نسخه از جهضمی بعنوان مؤلف یاد شده است.

۵ و ۶ و ۷ ـ در صفحات ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۸۴ باز مؤلف به ایشان و اهل البیت در تراثنا ارجاع داده است.

کتاب سليم بن قيس الهلالي:

تأليف: سليم بن قيس الهلالي العامري الكوفي، تحقيق: الشيخ محمدباقر الانصاري الزنجاني الخوئيني، نشر الهادی، قم ط الاولیٰ ۱۴۱۵ هـ.

محقق محترم این کتاب شریف در ص۳۹ در بخش «شکر و تقدیر» اشاره می‌کند:

... والى الأستاذ العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي ـ دامت افاضاته ـ حيث شجّعني على العمل في الكتاب وانتفعت بارشادته كما سمح لي بالإستفادة من مكتبته الغنيّة بكتب التراث بكلّ رحاب.

کتاب الليل والنهار:

لابن فارس، تحقيق: حامد الخفاف، مجله تراثنا [۱۴] ۱۴۰۹ هـ، مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث.

محقق محترم اين رساله در صفحهٔ ۱۷۷ اين شماره از مجلهٔ تراثنا آورده است:

عندما طلب مني إخواني الأعزاء في هيئة تحرير نشره «تراثنا» الموقّره تحقيق بعض الرسائل والكتب الصغيرة، ذات الأهمية التراثية، لم تكن بحوزتي عناوين محدّده لمخطوطات يمكن التحرّك عليها، فاستعنت بسماحة العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي، الذي شملني برعاية الأبوية، كما هو شأنه دائماً، وعَرضَ عليَّ ما يزيد على العشرين كتاباً (مصورات و مستنسخات) كي انتقي منها ما أشاء...

و در صفحهٔ بعد ص۱۷۸ تحت عنوان «النسخة المعتمدة» آورده است:

هي النسخة الموجودة بحوزة السيد الطباطبائي، حيث قام باستنساخها على النسخة المحفوظة في مكتبة ملك في طهران...

و در صفحهٔ ۱۹۹ در انتهای رساله می‌خوانيم:

ووقع الفراغ من نسخه يوم الثلاثاء خامس صفر سنة ۱۴۰۸ وقد نسخته في جلستين في مكتبة الملك العامة في طهران على نسخة فيها بآخر المجموعة رقم ۸۵۲، وانا العبد عبدالعزيز الطباطبائي غفرالله له ولوالديه.

کشف اليقين في فضائل اميرالمؤمنين عليه السلام:

للعلامة الحلّي، تحقيق: حسين الدرگاهي، وزارة الثقافة والارشاد الإسلامي ط الاولیٰ ۱۴۱۱ هـ.

محقق گرانمایه در مقدمهٔ کتاب بخشی را به کتابهایی که از علامه و آثار او در آنها آمده، اختصاص می‌دهد و ۴۲ مورد را ذکر می‌کند که از جملهٔ آنهاست:

۳۵ ـ ۸ ـ العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي، مكتبة العلامة الحلّي، مخطوطة.

لازم به ذکر است که این کتاب (مكتبة العلامة الحلى) توسط مؤسسهٔ آل‌البیت عليهم‌السلام به مناسبت چهلم محقق طباطبائی رحمه‌الله چاپ شده است.

مائةُ منقبة من مناقب اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب والأئمة من ولده عليهم‌السلام:

تأليف: المحدث الجليل أبوالحسن القمي المعروف بابن شاذان، تحقيق: نبيل رضا علوان، الدار الاسلامية، ط الاولیٰ ۱۴۰۹ هـ.

محقق محترم کتاب در انتهای مقدمه صفحهٔ ۳۱ ذیل عنوان «شکر و تقدیر» آورده است:

> **وفي الختام اتقدم بالشكر الوافر لسماحة حجة الاسلام والمسلمين المحقق السيد عزيز الطباطبائي.**

المجازر والتعصبات الطائفية في عهد الشيخ المفيد:

تأليف: فارس تبريزيان الحسون، طبع ضمن المقالات والرسالات [۱۲]، نشر المؤتمر الألفي للشيخ المفيد ۱۴۱۳ هـ.

مؤلف گرانمایه این مقاله در صفحهٔ ۶ می‌نویسد:

> **ولقرب انعقاد المؤتمر العالمي بمناسبة مرور الذكرى الألفية لوفاة الشيخ المفيد اقترح عليّ سماحة العلامة المحقق الحجة السيد عبدالعزيز الطباطبائي أن اكتب ما جرىٰ على الشيعة من مجازر في عهد الشيخ المفيد، من ولادته (۳۳۶هـ) والى وفاته (۴۱۳هـ).**

مجمع الآداب في معجم الألقاب:

تأليف: كمال الدين أبي الفضل عبدالرزاق بن احمد المعروف بابن الفُوَطيّ، تحقيق: محمد الكاظم، وزارة الثقافة والارشاد الاسلامي ۱۴۱۶ هـ.

محقق محترم در جلد پنجم كتاب صفحهٔ ۶۵۳ ذيل عنوان «خاتمة المطاف» مى‌نويسد:

هذا وينبغي لنا أن نتقدّم بالشكر الجزيل لفضيلة العلّامة الأستاذ السيد عبدالعزيز الطباطبائي حيث كان تحقيق هذا الكتاب باقتراحه ابتداءاً وساندني في مراحل مختلفة من أمر التحقيق ووفّر لي نسخته الخاصة المطبوعة وجعلها تحت تصرّفي مع شدّة حاجته اليها، ...

المختار من كلمات الامام المهدي عليه السلام:

تأليف: الشيخ محمد الغروي، الطبعة الاولىٰ قم ۱۴۱۴ هـ.

مؤلف گرانمايه در پاورقى صفحهٔ ۱۸۶ از جلد سوم كتاب، بعد از ذكر كتاب «العقد المنير في تحقيق الدراهم والدنانير» و مؤلف آن حاج سيد موسىٰ مازندرانى و بيان تاريخ تأليف و چاپ كتاب او مى‌نويسد:

قال السيد عبدالعزيز الطباطبائي المؤرّخ الضلّيع: إنه توفي غرة الربيع الأول سنة ۱۴۰۰ ودفن في النجف الأشرف و...

مختصر اثبات الرجعة:

للفضل بن شاذان، تحقيق: السيد باسم الموسوي، مجلة تراثنا [۱۵] ۱۴۰۹، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث.

محقق محترم اين رساله در ص۱۹۵ اين مجلّه تحت عنوان «النسخه» بعد از

بیان ویژگیهای نسخه مورد تحقیق آورده است :

وقد دلّنا عليها سماحة العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي على أثر تتّبعاته وتنقيباته في مخطوطات المكتبات المختلفة، وزودتني مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث مشكورة بمصوّرتها، وفقهم الله جميعاً.

مستدرك الوسائل ومستنبط المسائل:

تأليف : الحاج ميرزا حسين النوري الطبرسي ، الطبعة الاولىٰ ۱۴۰۷ ، مؤسسة آل‌البیت عليهم السلام لاحياء التراث .

در انتهای مقدمه این کتاب شریف ۴۰/۱ که به قلم مسئول محترم مؤسسه جناب آقای شهرستانی دام ظله می‌باشد آمده است :

« وختاماً نتقدم بجزيل الشكر وعظيم الامتنان لكل من آزرنا ونخص بالذكر سماحة حجةالاسلام العلامة البحاثة السيد عبدالعزيز الطباطبائي اليزدي الذي اغدق علينا بملاحظاته القيّمة وتوجيهاته الصائبة ... ».

المسلک فی اصول الدین الرسالة الماتعية :

تألیف : نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن الحسن بن سعید المحقق الحلی ، تحقیق : رضا الاستادی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ، چاپ اول ۱۴۱۴ هـ

در مقدمه کتاب صفحه ۱۹ ، ذیل عنوان « نسخ هذين الكتابين » بعد از توضیح دربارهٔ نسخهٔ کتاب اول « المسلک » آمده است :

و توجد من الماتعية خمسة نسخ فی هذه المكتبات : ... و سيدنا

الطباطبائی بقم ، و هذه الاخیرة مستنسخة من نسخة الملک و هی المرادفة من « الاصل » فی التعلیقات .

و عکس دو صفحه از آن در انتهای مقدمه چاپ شده است که ذیل آن این عنوان به چشم می‌خورد : نسخة مکتبة السید الطباطبائی .

مصادر نهج البلاغة وأسانيده:

تألیف : السید عبدالزهراء الحسیني الخطیب ، مؤسسة الأعلمي ، بیروت ط۲ - ۱۳۹۵ هـ.

مؤلف گرانقدر این کتاب در جلد اول آن در بخشی از کتاب که به شروح نهج‌البلاغة اختصاص دارد ، در دو مورد از محقق طباطبائی یاد می‌کند :

اولاً : در ص۲۰۸ که مربوط به شرح منهاج البراعة مرحوم قطب راوندی است :

وحدثني الأستاذ المتتبّع السید عبدالعزیز الطباطبائي بحضرة الشیخ صاحب (الذریعة) ﷺ أن نسخة خطیة من (شرح نهج‌البلاغة) هذا بمجلس الشوری في طهران برقم (۷۵۶۵) وقال : إنه عازم علی تصویر نسخة منه لمکتبة الامام امیرالمؤمنین في النجف الأشرف ، کما سبق أن صوّر لها عدداً من المخطوطات .

مورد دوم : در صفحهٔ ۲۳۰ ، پس از توضیح مختصری دربارهٔ منهج الفصاحة في شرح نهج البلاغة تألیف الهی متوفی سنة (۹۵۰) می‌نویسد :

توجد منه مخطوطة بمکتبة مجلس الشوری بطهران برقم (۵۷۸۳) کما أخبرني بذلك الأُستاذ السید عبدالعزیز الطباطبائي .

مصنّفات شیعه:

به اهتمام: محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۲.

این کتاب تلخیص و ترجمه‌ای است از دائرة المعارف بزرگ کتابشناسی «الذریعة الی تصانیف الشیعة» مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی. محقق گرانمایه جناب آقای فکرت دامت توفیقاته در مقدمه کتاب صفحهٔ ۱۰ آورده است:

> **در «مصنفات شیعه» کوشیده‌ایم اطلاعات مربوط متعلق به کتابشناسی از متن عربی «الذریعة» برگزینیم و آن را به شیوه‌ای سهل‌الوصول در معرض استفاده قرار دهیم.**
>
> **محقق فرزانه جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای سید عبدالعزیز طباطبائی، در مقدمات امر راهنمائیهایی فرمودند که استفاده از آنها بیگمان ما را در انجام هرچه بهتر این خدمت فرهنگی مساعت نمود همچنان ایشان بخشهایی از مصنفات را از نظر گذرانیده و در تصحیح آن اهتمام فرموده‌اند.**

و در پاورقی همان صفحه دربارهٔ حواشی مجلّد ۲۶ که یادداشتها و استدراکات مرحوم مؤلف می‌باشد تذکر داده‌اند که:

> **سه مورد را جناب استاد سید عبدالعزیز طباطبائی راهنمائی فرمودند که با سپاسگزاری یادآوری می‌شود.**

معالم الدین وملاذالمجتهدین:

تألیف: الحسن بن زین الدین العاملي، تحقیق: عبدالحسین محمد علي بقّال، مکتبة آیة الله المرعشي النجفي ۱۴۰۸ هـ.

محقق گرانقدر کتاب در انتهای مقدمه می‌نویسد:

واخيراً فلا يَسعُني إلا تقديم جزيل الشكر؛ الیٰ:

«سماحة الحجة السيد عبدالعزيز الطباطبائي، لتفضّله بقراءة الكتاب ونقده من اوّله وحتّى آخره ...».

معجم الدراسات القرآنيّة:

تأليف: عبدالجبّار الرفاعي، مركز الثقافة والمعارف القرآنية ط الاولیٰ ۱۴۱۳هـ.

مؤلف گرانمایهٔ کتاب در ص۲۵ متذکر می‌شود که:

ومما ينبغي التذكير به ان هذا المعجم لا يشتمل على كل ما كتب حول القرآن الكريم، لأن الحصول على ذلك متعذر، كما أشرنا من قبل، وانما يضم ما بلغه علمي، بعد التنقيب والسعي الحثيث في بطون الكتب والمراجع والمكتبات الذي استمر مدة طويله، إلّا أني مطمئن إلى انه استوعب أهم ما كتب حول القرآن الكريم منذ عصر التدوين عند المسلمين حتى اليوم، بعد هذا التتبّع المُضني الذي آزرني فيه بعض الأصدقاء من الباحثين وأخص منهم: السيد عبدالعزيز الطباطبائي و...

معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة:

تأليف: آية‌الله العظمى السيد ابوالقاسم الموسوي الخوئي، الطبعة الخامسة، سنة ۱۴۱۳ هـ.

در مقدمهٔ چاپ اول این کتاب که به قلم جناب آقای سید مرتضیٰ حکمی می‌باشد، تحت عنوان «لجنة الضبط والتصحيح» نام کسانی که تنظیم، تصحیح و مقابلهٔ این معجم رجالی را بعهده داشته‌اند، آمده است. و از جملهٔ آنهاست:

شمارهٔ ۵: السيد عبدالعزيز الطباطبائي .... للتصحيح.

معجم ما كتب عن الرسول واهل البيت صلوات الله عليهم:

تأليف: عبدالجبار الرفاعي، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱ش، ۱۲ جلد.

مؤلف گرانقدر در مقدمه کتاب جلد اول ص۱۵ می‌نویسد:

«وفي الختام اتقدّم بجزيل الشكر والامتنان لكلّ الذين مدّوا لي يد العون من الاصدقاء واصحاب المكتبات، واخصّ بالذكر: العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي الذي فتح لي مكتبته ليل نهار، ووضع تحت تصرّفي مالم ينشر من «اهل البيت في المكتبة العربية». ولن أنسى اخلاقه العلمية المتميّزة التي كان ينفرد بها.

و همچنین در مقدمهٔ جلد دوازدهم این کتاب که اختصاص به فهارس آن دارد، مؤلف گرانقدر چنین می‌نگارد:

وقد كان دور العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي متميزاً في احتضان هذا المشروع منذ ولادته، ودعم مؤلفه، ورفده بالمراجع النادرة وحثه باستمرار على الجد والإسراع في العمل، وطالما استلهم المؤلف الصبر والإصرار علىٰ انجاز المعجم، من التشجيع الدائم الذي كان يغمره به هذا العلامة الكريم، فاندفع بفعالية متوثبة، حيث كان ينفق ما يناهز سبع عشرة ساعة متوالية يومياً من البحث ابان التفرغ لتأليف المعجم.

المقنع في الإمامة:

تأليف: الشيخ عبيدالله بن عبدالله السدآبادي، تحقيق، الاستاذ شاكر شبع، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفه، الاولىٰ ۱۴۱۴ هـ.

محقق محترم کتاب در انتهای مقدمه ص ۳۷ می‌نویسد :

ولا يسعني في ختام هذه المقدمة إلا أن أعيد ما قاله الحكماء قديماً «لوسكت الشاكر لنطقت المآثر» وأنّى لي السكوت، والشكر نسيم النّعَم ومفتاح المزيد؟!

لذا اخصّ بالذكر هنا سماحة الحجة الخبير السيد عبدالعزيز الطباطبائي و...

المقنع في الغيبة والزيادة المكملة له :

تأليف : السيد الشريف المرتضیٰ ابي القاسم علي بن الحسين الموسوي ، تحقيق : السيد محمد علي الحكيم ، مجلة تراثنا [۲۷] ۱۴۱۲ ، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث .

محقق محترم این رساله شریف در صفحهٔ ۱۶۸ این نشریه ذیل عنوان « شکر و ثناء » می‌نویسد :

وأخصّ بالشكر المتواتر سماحة المحقّق الخبير العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي ، إذ دلّني اولاً على نسخ الكتاب المخطوطة ، وسعیٰ في تصوير بعضها ، وثانياً لتفضّله وتكرّمه عليّ بتجشّمه عناء مقابلة نسخة «كتاب الزيادة المكملة» المذكورة برقم ۴ آنفاً ، في مكتبة آية‌الله المرعشي العامة ، وتثبيت اختلافاتها مع بقيّة النسخ ، إذ أنّ الوصول إلى المخطوطات التي لم تتمّ فهرستها بعدُ يعدّ من المستحيلات ، إلا لمن هو أهله ، وسماحته من أهله ، فكانت هذه احدى أياديه البيضاء على التراث الشيعي المظلوم ، حفظ الله سماحة السيد الطباطبائي ورعاه لإحياء أمرهم عليهم السلام .

مكتبة العلامة الحلّي :

تأليف : العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي ، مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لاحياء التراث . ط الاولىٰ ١٤١۶ هـ .

بخش انتهايى اين كتاب « قسم التعليقات » است كه محقق محترم جناب آقاى فارس تبريزيان الحسون در قسمتى از تعليقهٔ يازدهم ـ كه مربوط به كتاب « ارشاد الاذهان الى احكام الايمان » است ـ ص ٢٢۶ مى‌نويسد :

« وكان هذا الكتاب اول كتاب يطبع لي في مجال التحقيق ، شرعت بتحقيقه تحت اشراف شيخنا استاذ المحققين العلامة السيد عبدالعزيز الطباطبائي رضوان الله عليه ، فهو أخذ بيدي و شجّعني على القيام بتحقيق هذا الكتاب من التراث والخوض في هذا الميدان ، فالفضل يعود اليه ، ولولاه لما كان هذا ولا غيره ، تغمّده الله برحمته الواسعة وحشره مع جدّه اميرالمؤمنين عليه السلام » .

موسوعة مصادر النظام الإسلامي :

تأليف : عبدالجبار الرفاعي ، مركز الأبحاث والدراسات الاسلامية ـ قم ١٤١٧هـ .

مؤلف گرانقدر در جلد هشتم اين كتاب ، صفحهٔ ٢٠ مى‌آورد :

وقع الفراغ من هذا الجزء في اليوم السابع من شهر رمضان المبارك سنة ١٤١۶ هـ في نفس اليوم الذي فجئنا في ليلته برحيل شيخ المفهرسين العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي إلى الدار الآخرة .

هذا الرجل الذي كانت مكتبته منهلاً للباحثين والمحققين ، وكان أباً شفيقاً يفيض عليهم مودّةً وعطفاً ، فلولا دعمه وتشجيعه ورعايته الأبويه

المستمره لما استطاع مؤلف هذه الموسوعة مواصلة تأليفها وتأليف ما سبقها من اعمال معجميّة.

فإلىٰ روحه الزكيّة وإلى روح والديّ أهدى ثواب هذا العمل، و ما توفيقي الا بالله، عليه توكّلت وإليه أنيب.

نسخه‌های خطّی:

نشريهٔ كتابخانهٔ مركزى دانشگاه تهران، دفتر پنجم - ۱۳۴۶، زير نظر: محمدتقى دانش‌پژوه و ايرج افشار.

فهرست‌نگار توانا جناب آقاى دانش‌پژوه (دام مؤيداً) در صفحهٔ ۴۰۵ اين دفتر، تحت عنوان «كتابخانه‌هاى عراق و عربستان سعودى» نوشته است:

از ۲۸ بهمن ماه ۱۳۴۵ تا فروردين ۱۳۴۶ يک هفته‌اى در بغداد و كاظمين و نجف و كربلا، و ۲۱ روز در شهر مدينه و سپس در مكه بسر بردم و رويهم رفته ۲۳ كتابخانه كه نزديک به ۲۷ هزار مجلّد كتاب در آنها هست ديدم.

اينک سياههٔ پاره‌اى از مخطوطات اين كتابخانه‌ها راكه از فهرست‌هاى دستى آنها رونويس شده است در اينجا مى‌بينيم.

از دوست دانشمندم آقاى سيد عبدالعزيز طباطبائى كه در اين سفر افتخار همراهى او را داشته‌ام و در تهيهٔ اين سياهه كمكهاى شايانى به من كرده است بسيار سپاسگذارم.

نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الانوار:

للسيد علي الحسيني الميلاني، الطبعة الاولىٰ ۱۴۱۴ هـ.

مؤلف گرانقدر كتاب در انتهاى مقدمه ص ۱۷۰ تحت عنوان «الأسلوب في

التعليق » آورده است :

وقد أضفنا الى الكتاب فوائد في هوامشه ـ وربما في المتن ـ والى قسم السند في كل مجلد ملحقاً بأسماء طائفة أخرى من رواة الحديث المبحوث عنه فيه ، وقفنا على روايتهم من النظر في الأسانيد أو مراجعة بعض الكتب والمصادر الاخرى وقد كان ملحق حديث الثقلين بقلم العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي.

و در صفحهٔ بعد (ص ١٧١) :

وفي الختام اشكر ... و العلامة الجليل المحقق الحاج السيد عبدالعزيز الطباطبائي ... فقد استفدت كثيراً من معلوماته العلمية وارشاداته القيمة ومن مكتبته الخاصة العامرة.

نهاية الدراية (شرح الوجيزة للشيخ البهائي) :

تأليف : السيد حسن الصدر العاملي الكاظمي ، تحقيق : الشيخ ماجد الغرباوي ، نشر المشعر.

محقق محترم در صفحهٔ ٥٩ كتاب تحت عنوان « شكر و تقدير » آورده است :

أقدم شكري الجزيل الى السادة الكرام سماحة ....

كما اشكر سماحة السيد عبدالعزيز الطباطبائي الذي بارك العمل وحثني على مواصلته».

نهاية الدراية في شرح الكفاية :

تأليف : آيةالله العظمى الشيخ محمد حسين الاصفهاني ، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث ط الاولى ١٤١٤ هـ.

در مقدمه كتاب شرح حالى از مرحوم علامهٔ كمپانى قدس سره آمده است كه مقدارى

از مطالب ذکر شده را محقق طباطبائی ﷺ در اختیار محققان کتاب گذاشته است.

در پاورقی صفحهٔ ۱۰ از جلد اول کتاب حکایتی راجع به مرحوم کمپانی به نقل ایشان (محقق طباطبائی) از فرزند آن مرحوم (شیخ محمد غروی) آمده است.

الوافية في اصول الفقه:

المؤلف: الفاضل التوني ؓ، تحقيق: محمد حسين الرضوي الكشميري، مجمع الفكر الاسلامي ۱۴۱۲ هـ.

محقق محترم کتاب در ص ۴۷ می‌نویسد:

واشكر لكلٍ من:

العلامة الجليل الأُستاذ المحقق، سماحة السيد عبدالعزيز الطباطبائي علىٰ ارشاداته وتوجيهاته ...

الوسيلة إلىٰ نيل الفضيلة:

لابن حمزة الطوسي، تحقيق: الشيخ محمد الحسّون، المكتبة العامة لآية الله المرعشي ۱۴۰۸ هـ.

محقق محترم کتاب در صفحهٔ ۷ می‌نویسد:

ما ان انتهيت من تحقيق كتاب البيان ... فبحثت عن كتاب أقوم بتحقيقه ... فوجدت نفسي امام كتاب قيّم و هو «الوسيلة الى نيل الفضيلة» - فذهبت إلىٰ فضيلة البحّاثة حجةالاسلام والمسلمين السيد عبدالعزيز الطباطبائي مستفسراً منه عن هذا الكتاب وعن نسخه الخطّية، فأخبرني بان الكتاب قد طبع حروفياً في النجف الأشرف وأيّدني في تحقيقه وأعارني نسخته الحروفيه وأعطاني أرقاماً لنسخ خطيّة قيّمة لهذا

الكتاب، فجزاه الله خير الجزاء ووفّقه وايانا لما فيه خير الدنيا والآخرة».

ينابيع المودّة لذوي القربىٰ:

تأليف: الشيخ سليمان بن ابراهيم القندوزي الحنفي، تحقيق: سيد علي جمال أشرف الحسيني، دار الاسوة للطباعة والنشر، الطبعة الاولىٰ ١٤١٦ ه‍.

محقق محترم كتاب در صفحهٔ ٢٠ تحت عنوان «شكر و تقدير» آورده است:

نتقدم بالشكر الجزيل الى الأخوة واصحاب الفضيلة الذين مدّوا لنا يد العون في مرحلة من مراحل العمل ونخصّ بالذكر:

العلامة المحقق السيد عبدالعزيز الطباطبائي دام ظله ...

کتابشناس باصلابت شیعه
مُدافع مرزهای عقیده در فرهنگ مکتوب

محمد باقر انصاری
قـم ـ ایران

استاد علامه ﷺ از مفاخر جامعهٔ علمی شیعه بودند، و در رشتهٔ تخصّصی خویش بعنوان یکی از چند شخصیت انگشت شمار مذهب به حساب می‌آمدند.

انجام وظیفه در برابر استادم، اقتضای این عرض ادب را دارد که گوشه‌ای از حیات پربار علمی ایشان را بنگارم؛ چراکه طی **ده سال** استفاده های وافری از محضر ایشان برده ام و در این رشته خود را مدیون محبتهای این مرد بزرگ می‌دانم، و می‌توان گفت: معارف شیعه مدیون چنین شخصیّتهای علمی است، و زحمات آنان تحت توجهات حضرت بقیّة الله الاعظم عجل الله فرجه است که مذهب شیعهٔ اثناعشری را در مقابل سایر ادیان و مذاهب سربلندی و استواری ابدی بخشیده است.

امام هادی علیه‌السلام دربارهٔ چنین بزرگ مردانی چنین می‌فرماید:

«تأتی علماء شیعتنا القوّامون بضعفاء محبيّنا واهل ولايتنا يـوم القـيامة والانوار تسطع من تيجانهم، علىٰ رأس كلّ واحد منهم تاج بهاء قد انبثّت تلك الانوار فی عرصات القيامة،... فلا يبقىٰ هناك يتيم قد كفّلوه ومـن ظلمة الجهل انقذوه ومن حيرة التيه اخرجوه الّا تعلّق بشعبة من انوارهم فرفعتهم إلىٰ العلو حتّىٰ يُحاذی بهم فوق الجنان ثمّ ينزلهم علىٰ مـنازلهم المعدّة فی جوار استاديهم ومعلّميهم وبحضرة ائمّتهم الذين كانوا يدعون اليهم...»[1].

یعنی:

«آن دسته از علمای شیعیان ما که تعلیم معارف ضعیفان از دوستان و اهل ولایت ما را بر عهده گـرفته‌انـد، روز قـیامت وارد مـی‌شوند در حالیکه بر سر هریک از آنان تاج کرامتی است و از آنها انواری ساطع می‌شود که در عرصهٔ قیامت منتشر می‌شود. هر یتیم اعتقادی که آنان متکفّل امور او شده باشند و او را از ظلمت جهل نجات داده باشند و از حیرت نادانی بیرون آورده باشند، به شعبه‌ای از انوار ایشان متوسل می‌شود و آن انوار او را بالا می‌برند تابه درجات بالای بهشت برسند و در جایگاههای آمادهٔ خود در کنار اساتید و معلمانشان و در حـضور امامانشان که مردم را به سوی آنان دعوت می‌کردند، فرود آیند».

این است تجلیل خداوند از اساطین معارف شیعه که بر ما لازم می‌نماید

---

(۱) بحار الأنوار: ج۲ ص۷ ـ ۶.

یاد چنین شخصیتهایی را زنده نگه داریم. نوشتهٔ حاضر نیز به این انگیزه، برای معرفی گوشه ای از شخصیت والای استاد علامه در **سه قسمت** با عناوین زیر تقدیم شده است.

۱ ـ متخصصی با صلابت در عقیده.

۲ ـ شخصیتی تمام عیار در کتابشناسی شیعه.

۳ ـ خصایص اخلاقی استاد و تأثیر عمیق آن در دنیای کتاب تشیّع.

متخصّصی با صلابت در عقیده

شخصیت استاد علّامه سید عبد العزیز طباطبائی ﷺ، بعنوان **متخصّص درجهٔ اوّل در کتابشناسی مذهبی شیعه** شاخص وجودی ایشان بود. تبلور این عظمت طیّ بیش از **پنجاه سال** تلاش و تجربهٔ علمی به ضمیمهٔ پایه های قوی اعتقادی شکل گرفته بود تا آنجاکه آن مقام منحصر به فرد را به جامعه معرفی کرده بود.

لزوم اعتقاد قوی در متخصّصین علوم مذهبی

بعنوان مقدمه باید گفت: علوم آنگاه که با مذهب ارتباط پیدا می‌کنند و در راه آن به کار می‌روند بایستی همراه با عقیدهٔ قوی به مذهب در فکر و ذهن عالِم تحقّق یابد، بخصوص علوم ابزاری که ارزش آنها فقط وسیله بودن برای موارد استفادهٔ آنها ست. **و این بدانجهت است که به کارگرفتن ابزار علمی برای دین بدون دید مذهبی، درست مانند به کار بردن ابزار پزشکی بدون تخصّص علمی آن است.**

ثمرات منفی و شکننده‌ای که تاکنون از بکارگیری تخصّص کتاب شناسی در شناخت کتب مذهبی بدون پایهٔ اعتقادی قوی نصیب فرهنگ دینی ما شده

قابل اغماض نیست ، بخصوص آنکه شکل تدوین یافتهٔ جدید علم کتابشناسی ، در ابتدا توسط عدّه ای بی‌خبر از مبانی دینی و احیاناً دارندگان اعتقادات ضد دینی رواج یافته است .

از سوی دیگر جای خالی عالمان دینی مبرّزکه در فنّ کتابشناسی تخصّص داشته باشند بخوبی محسوس بوده و هست . این مشکل آنگاه دو چندان می‌نماید که این خلأ را عدّه‌ای غیر متخصّص در دین اشغال کرده باشند . **کتابشناس شیعه باید یک عالم متبحّر در اعتقادات مذهب جعفری اثنا عشری باشد** ، و ازگذشتهٔ روشن و پر افتخار تاریخ تشیّع و سابقهٔ ظلمانی دشمنان شیعه آگاه باشد ، و در شناخت رجال شیعه و غیر شیعه بصیرت لازم و اطلاعات قوی داشته باشد ، تا بتواند با دیدی صحیح در کتب مختلفی که در موضوعات جداگانهٔ مربوط به تشیّع مطرح می‌شود ، اظهار نظر نماید .

استاد علامه ، مدافع مرزهای عقیده در فرهنگ مکتوب

با توجه به آنچه ذکر شد ، می‌توان اذعان داشت که استاد طباطبائی بعنوان شخصیتی مطرح بود که از یک سوعالمی وارسته و متبحّر در علوم اسلامی بحساب می‌آمد ، و از سوی دیگر مردی بود قوی در مذهب که **این اعتقاد محکم را دلسوزانه در راه اعتلای مذهب بکار می‌گرفت** ، و بعنوان مرزدار با صلابت شیعه از قلعه‌های محکم آن دفاع می‌کرد و دشمنان را دفع و رسوا می‌نمود ، و در مقابل آنچه از دین شیعه نبود در حد توان به تبیین می‌پرداخت .

این شکل از دفاع وقتی در دنیای کتاب جلوه می‌کرد صورت زیباتری به خود می‌گرفت ، چه آنکه فرهنگ مکتوب جاودانه است ، و باید دقّت و ظرافت لازم دربارهٔ آن بکار رود تا سندی ارزشمند برای آیندگان باشد . پاسداری متخصّص و معتقد چون استاد طباطبائی لازم است تا حراست و حفاظت از

میراث خطی و چاپی را بر عهده گیرد، **وجلوه‌گاه مکتوب از اعتقادات و احکام شیعه را از خطر دشمنان و نا آگاهان و بی‌تفاوتان و سست اعتقادان حفظ کند.**

این جلوهٔ بارز استاد طباطبائی بود که بحق دلگرمی شیعه و مدافع شناخته شدهٔ حریم اهل بیت علیهم‌السلام بحساب می‌آمد و همه به این حقیقت بزرگ اذعان داشتند.

سه خصیصهٔ بزرگ در شخصّیت علمی استاد

سزاواری استاد طباطبائی برای دفاع از فرهنگ شیعه را سه خصلت مهم مضاعف می‌کرد:

۱ـ **عشق به علم و ارج نهادن به آن** بعنوان استوانهٔ دین و پایهٔ محکمی که بقاء آن را ضمانت می‌کند، و باعث آبرو و سربلندی آن در میان ملل می‌شود. این خصلت به اعلا درجه در استاد جلوه‌گر بود، در پیشرفتهای علمی تشیّع از اعماق قلب لذّت می‌برد، و اشتیاق عجیبی به هرچه با عظمت‌تر و زیباتر مطرح شدن علوم آل محمّد علیهم‌السلام در جهان داشت. از هر کتاب تازه ای که به نفع شیعه منتشر می‌شد مسرور می‌گشت و در تمجید و تشویق مؤلف آن می‌کوشید.

ولی این علاقه به علم مطلق نبود، و آنگاه که ثمرهٔ یک کار علمی بر ضرر دین بود از آن نفرت داشت و این برائت را با صراحتی بی‌نظیر ابراز می‌کرد از سوی دیگر دوست داشت کارهایی که به نفع تشیع است خالی ازهرگونه اشتباه و شائبه باشد.

۲ـ **بی اعتنایی به دنیا** که شرط اساسی یک خدمتگزار به دین و مذهب است، و دلسوزی حقیقی آنگاه به ظهور می‌رسد و ثمرات آن ملموس می‌شود که مقاصد دنیوی در بین نباشد و یا اگر هست هدف نباشد. استاد طباطبائی بدون آنکه این بی‌توجّهی به دنیا را لساناً اظهارکند عملاً مظهر آن بود، و آن سخاوت علمی نیز از همین جا نشأت گرفته بود.

۳ ـ اخلاص در عمل که از اعتقادی قوی و محبّتی شدید به اهل بیت علیهم‌السلام سرچشمه می‌گرفت در استاد بارز بود و به ضمیمهٔ دو صفت قبل به اعلا درجه می‌رسید.

این سه خصیصه، مردی را در **سنگر کتابشناسی تشیع** ساخته بود که مذهب به او نیاز داشت، و دنیای کتاب شیعه با مراجعه به او می‌توانست با اطمینان کامل به مدافع فرهنگ خود، احساس آرامش کند.

شخصیّتی تمام عیار در کتابشناسی شیعه

از آنجا که کتابشناسی فنّی ترکیب یافته از چند علم و چند تجربه است، و نیز هر کتابی برای خود هویّت منفرد و متمایزی دارد، لذا جهات خاصّی را می‌طلبد که از جمله موارد شاخص آن چنین است:

معیارها و شرایط کتابشناسی

۱ ـ کتابشناسی بعنوان یک ابزار، باید مقام علمی دوّم در یك کتابشناس محسوب شود. مقام اوّل او باید تخصّص در یک یا چند رشتهٔ علمی باشد تا بتواند در کتابهای مربوط به آن موضوع علمی صاحب نظر شود وعیار علمی آنها را مشخص کند و صحیح و سقیم آنها را تفکیک نماید.

۲ ـ وسعت اطلاعات نیز از شروط اساسی یک کتابشناس است، چراکه اختلاف موضوعات از یکسو و اختلاف کتب از سوی دیگر و اختلاف نسخه‌های خطی و چاپی از جهتی دیگر جوانبی است که رویهم انبوهی از مطالب را می‌طلبد و اکثر آنها استنباطی نیستند، بلکه اطلاعاتی در عرض هم هستند که از چینش آنها درکنار یکدیگر می‌توان به نتیجه دست یافت.

۳ ـ حافظهٔ قوی لازمهٔ وسعت اطلاعات در فن کتابشناسی است تا در

موارد تطبیقی با مراجعهٔ فوری به معلومات تشکل یافته بتوان قضاوت صحیح وجمع‌بندی شده‌ای تقدیم داشت، و پاسخهای قابل اطمینانی به مسایل مطرح شده داد. و این از آن روست که در کتابشناسی بخاطر پراکنده بودن و چندگونگی اطلاعات، لازمهٔ قضاوت در هر مورد جمع بندی سریع بین آنها است، تا از استنباط بدست آمده تشخیص هویّت یک کتاب و تشابه یا مغایرت آن با کتابی دیگر تبیین گردد.

۴ ـ **تجربهٔ عملی** در کتابشناسی یک شرط اساسی و غیر قابل تسامح است، و بارها دیده شده که تشخیص های افراد کم تجربه اشتباه از آب در آمده با آنکه قایل آن معلومات گسترده‌ای در موضوع داشته است. تجربهٔ عملی بر روی صدها و هزاران کتاب هچون طبابتی است که بر روی صدها بیمار انجام می‌شود و هر مورد آن اطلاعات تازه ای به همراه دارد.

۵ ـ **تماس با اهل فن** در کتابشناسی حائز اهمیّت بخصوصی است، چراکه نیاز به تجربه‌های مختلف در جهات متفاوت، که در طول زمانها و در برخورد با کتابهای گوناگون بدست آمده، مجموعهٔ بزرگی از نتایج فکری را پدید آورده که می‌تواند ثمرات سازنده‌ای در کتابشناسی داشته باشد. بارها دیده شده مطلبی که هزار سال پیش گفته شده تأثیر اساسی در دگرگونی مطالب بعدی داشته است.

استاد علامه نمونهٔ کامل یک کتابشناس مذهبی

استاد طباطبائی، همهٔ جهات مذکور را به نحو اکمل درخود داشت و در نتیجه فردی جامع در دنیای کتابشناسی بود، و برای عالم تشیع از جمله افراد انگشت شمار این فن به حساب می‌آمد. موارد پنجگانه ای که ذکر شد در ایشان به احسن وجه ظهور داشت که ذیلاً به بیان آن می‌پردازیم:

۱ ـ **سوابق علمی ایشان** در اعتقادات و فقه و اصول و حدیث و تاریخ و

رجال و نیز علوم مقدماتی در حدّی بود که از وزنه‌های علمی به شمار می‌آمدند، و تألیفاتی نیز در این موضوعات داشتند. از این جهت قضاوتهای ایشان در تعیین عیار علمی کتب اسلامی، و نیز تشخیص مؤلّفین کتب و سایر جهات علمی کتابشناسی از اعتبار بالایی برخوردار بود چراکه پشتوانهٔ علمی قوی داشت.

۲ ـ **وسعت اطلاعات ایشان** در مورد کتب چاپی و خطی در نتیجهٔ مطالعات مفصّل کتب مربوطه و فهارس مخطوطات و مطبوعات و مسافرتهای متعدّد و تماسها و ارتباطات گوناگون از سراسر دنیا بدست آمده بود. این مجموعه بصورت گنجینه ای در سینهٔ ایشان بود که هنگام اظهار نظر ارزش آن به خوبی معلوم می‌شد و پیدا بود آنچه می‌گوید جرعه‌ای از دریاست که تقدیم متعلّمین می‌نماید.

شکّی نیست که این اطلاعات وسیع حاکی از تلاش پیگیر و ذوق و نشاط لازم در این مسئله است و یادآور روزهای سختی است که یک محقّق با عشق به موضوع مورد نظرش مسئله ای را دنبال می‌کند.

۳ ـ **حافظهٔ قوی** و فوق العادهٔ استاد طباطبائی زبانزد همگان بود چه در مسایل مربوط به علوم مرتبط باکتابشناسی و چه در سایر یادماندهای زندگی علمی بقدری قوی بودند که گاهی فوریّت ایشان در پاسخ به سؤالات مایهٔ اعجاب بود. وقتی در بارهٔ نسخه های خطی کتابی سؤال می‌شد بارها دیده شده بود که فوراً چندین نسخهٔ خطّی که هر یک در یکی ازکتابخانه‌های جهان بود معرفی می‌کردند. در سایهٔ این حافظهٔ قوی نقدها و اشکالات بسیار پخته‌ای به فهارس مخطوطات و نیز کتابهای تحقیق شده داشتند و راهنمای خوبی در رفع مشکلات و ابهامات بودند.

۴ ـ **تجربهٔ عملی ایشان** به یک دوران بیش از چهل ساله باز می‌گشت که به گفتهٔ خود ایشان، چه روزهای متمادی با زحمات شبانه‌روزی به استنساخ و

بررسی نسخه‌های خطی پرداخته بودند. چه ایام پر نشاطی را ساعتها در کتابخانه‌های عمومی و شخصی گذرانده بودند و با هدف کتابشناسی به کشورهای مختلف سفر کرده بودند. مراجعات مختلف به ایشان این تجربه را دوچندان کرده‌بود و با دیدن بسیاری از نسخ خطی شخصی تجارب مؤثّری در زمینهٔ کتابهای خطی داشتند. نتایج این تجربه ها گاهی بقدری جالب بود که قضاوت فوری و صددرصد صحیح ایشان با اشاره به جنبه‌هایی که دیگران کمتر می‌توانستند احتمال دهند، دلیل روشنی بر عمق تجربه های انبوه ایشان بود.

۵ ـ سابقهٔ استاد طباطبائی با دو استاد بزرگ کتابشناسی و نسخه‌شناسی یعنی **علامه حاج آقا بزرگ تهرانی وعلامه شیخ عبدالحسین امینی** رضوان الله علیهما به صورت ارتباطی قوی وهم دوش بوده است. شکی نیست که علامهٔ تهرانی احیاگر کتابشناسی شیعه، بزرگ مردی بی‌همتاست که عظیم‌ترین گام را در معرّفی کتب شیعه برداشته و در این جهت تاکنون نظیری نداشته است. علّامه امینی نیز با توجه به رشتهٔ تخصّصی‌اش در اعتقادات سعی وافری در بدست آوردن متون حدیثی و تاریخی و رجالی داشته، و نسخ نادر و نفیسی از سراسر جهان نزد خود گرد آورده بود. این دو عالم فرزانه، در عصری همّت به چنین کارهایی گماشتند که در جامعهٔ علمی شیعه بلکه در همهٔ کشورهای اسلامی، فنّ کتابشناسی بعنوان رسمی مطرح نبود و اقدامات همه جانبه ای دربارهٔ آن صورت نگرفته بود.

اینک شاگردی چنین اساتیدی و همکاری نزدیک در آثار بجامانده‌ٔ ایشان و استفادهٔ وافر از لحظات همنشینی با این بزرگ مردان علم که سابقهٔ آن به ربع قرن بر می‌گشت، اثرات خود را متجلّی ساخته بود و از این دانشمند گرانمایه استادی ساخته بود که تجربه‌های دو استاد بزرگ را نیز در سینه داشت. این ارتباط آنقدر قوی بود که اقدام به تکمیل دو کار معروف استادان خود یعنی کتاب «**الذریعة**» و

«**الغدیر**» نمود، و تحت عنوان «**مستدرک الذریعة**» به تکمیل اطلاعات کتب معرفی شده در «**الذریعة**» ونیز معرفی عناوین بسیاری که در آن معرفی نشده پرداخت، و با عنوان «**علیٰ ضفاف الغدیر**» به تکمیل مدارک ذکر شده در کتاب «**الغدیر**» و مباحث آن پرداخت.

این توفیق خدادادی و قدرشناسی عملی، شخصیت نادری بوجود آورده بود که متأسّفانه بسیاری از خاطره‌های علمی و تجربیاتش را در سینه به همراه خود برد و شاگردانش را در حسرت شنیدن و فراگرفتن آنها گذاشت.

با آنچه ذکر شد شخصیت علمی استاد طباطبائی در رشتهٔ تخصّصی کتابشناسی در دنیای کتاب شیعه مشخّص گردید. باید اذعان داشت که با رحلت او، شیعه شخصیّتی بی نظیر که یادگار گذشتگان بود از دست داد، ولی جای خرسندی است که انبوه تجربیات و معلومات او به صورت نوشته‌ها و گفته‌ها باقی است و به شاگردانش منتقل شده است.

خصایص اخلاقی استاد و تأثیر عمیق آن در دنیای کتاب شیعه

با آنکه استاد طباطبائی مؤسّسه یا گروهی در اختیار نداشت که اهداف مفصل خود را از طریق آن پیاده و اجراکند، **ولی یک تنه توانسته بود تأثیر عمیق و مثبتی بر کتاب و کتابخانه و کتابشناسی شیعه داشته باشد**، و به عبارت دیگر یک مشاور مورد اعتماد در فرهنگ شیعه به حساب می‌آمد. اینها همه در سایهٔ روش و اخلاقی بود که در مسایل مربوط به تخصّص خود در برخورد با افراد داشتند. مجموعه خصایص اخلاقی که جمع آنها شخصیتی بیادماندنی در جامعهٔ علمی شیعه ایجاد کرده بود و نتایج پربار آن عاید تقویت دین و رشد و ثبات فرهنگ مذهبی بود. ذیلاً به نمونه هایی از این خُلق پسندیده اشاره می‌شود:

سخاوت علمی

این خصلت به اعلا درجه در استاد جلوه‌گر بود، بطوری که با احساس هرگونه نیاز علمی ـ مذهبی آنچه در توان داشت در اختیار طالب می‌گذاشت، و بارها شاهد بودیم که با حال بیماری نیز جوابگوی درخواستهای علمی بود. هیچگونه بخل و منع از ایشان احساس نمی‌شد، وگاهی زحمات چند سالهٔ خود را در یک لحظه در اختیار می‌گذاشت. بیاد دارم که روزی فهرست‌های دستنویس شخصی ایشان را برای مطالعه درخواست کردم. این خواسته را که در واقع محصول عمر ایشان بود فوراً اجابت کردند و آنها را در اختیارم قرار دادند. همچنین استقبال از مراجعه کنندگان و سهل‌گیری در استفاده ازکتابخانهٔ ارزشمند ایشان زبانزد خاص و عام بود.

دلسوزی

برخورد دلسوزانه با افراد و نیز با مسایل مطرح شده که خالی از هرگونه شائبه ای احساس می‌شد از جهات شاخص استاد طباطبائی بود. آنگاه که شخصی واقعاً اهل کار بود و نیزکار در رابطه با مذهب بود این دلسوزی دو چندان می‌شد و چنان استقبال و پرس‌وجو در مورد مربوطه می‌نمودند که دنیایی از عطوفت و دلگرمی از آن احساس می‌شد.

این خصیصهٔ ایشان که در عالم دینی در حد اعلا لازم است، باعث شده بود که هر محققی با ایشان ارتباط داشت او را پدری مهربان تلّقی کند و هرگونه درد دل خود را نزد او بیان کند و مشکلاتش را بدون تقیّد مطرح کند، و او را پناه علمی خود بداند.

سهل‌گیری و بی‌آلایشی

از خصایص دیگر استاد برخورد بسیار بی آلایش با مراجعه کنندگان بود. برداشتن هرگونه تقیّد و آداب دست وپاگیر، و سهل و ساده سخن گفتن با کوچک و بزرگ باعث می‌شد که مراجعه کننده بارهای دیگر نیز به خود اجازه دهد از محضر ایشان استفاده کند. ساعتی نبود که منزل ایشان خالی از محققین باشد و با خروج گروهی عده‌ای دیگر وارد می‌شدند. هر کسی می‌توانست کتابی را بردارد و به کار خود مشغول شود، و اگر سؤالی پیش آمد فوراً بپرسد. این بی‌آلایشی آن دلسوزی را به خوبی نمایان می‌ساخت، **و زیبندهٔ آن شخصیت والا همین اخلاق بود.**

ارزش دادن

حفظ حرمت هر کاری در حدّ خود وظیفهٔ مشکلی است که هر استادی بر عهده دارد. وجود دو جهت مهم در استاد طباطبائی این زمینه را به خوبی فراهم کرده بود: **یکی قدرت تشخیص ارزشهای علمی بطور کامل، و دیگری توجه خاص ایشان به عمیق و دقیق بودن کارها.**

بهمین جهت ایشان ارزش هر کاری را باقضاوت صحیح و به دور از هر هدف دیگری اعلام می‌کردند تا حق کسی ضایع نشود و محک بودن ایشان برهمه معلوم باشد. ایشان ملتزم بودند که به تناسب ارزش هرکاری احترام علمی اشخاص و درجاتشان مراعات شود، و این را برای همه بیان می‌کردند.

تشویق

افرادی که کارهای علمی خود را به ایشان عرضه می‌کردند، بخوبی

تشویق‌های ایشان را بیاد دارند. ایشان این نکته را بخوبی احساس می‌کردند که محققین مذهبی کمتر مورد تشویق قرار می‌گیرند و آنگونه که باید مطرح نمی‌شوند. لذا به صورگوناگون مسئلهٔ تشویق و ترغیب را بکار می‌گرفتند، و افراد یا کارهای ارزشمند را در همه جا مطرح می‌کردند و آنان را برای تسهیلات علمی به مراکز مربوطه معرفی می‌کردند، **و شاید بتوان ادّعا کرد که عدّه‌ای برای اوّلین بار مشوّقی می‌یافتند که باعث سرعت و عمق کارشان بود.**

تواضع

مظاهر این صفت در اعمال و رفتار ایشان بسیار بود. گاهی مطالبی را از افراد بسیارکوچکتر از خود ـ چه از نظر سنّی و چه از نظر علمی ـ سؤال می‌کردند، و یا می‌خواستند که اگر تحقیق علمی در آن باره دارند عرضه کنند. با مبتدیان همان‌گونه برخورد می‌کردند که با سابقه‌داران اهل فن سخن می‌گفتند. بارها دیده می‌شد که شخصاً از میهمانان پذیرایی می‌کردند با آنکه از نظر جسمی توانائی نداشتند.

در یک کلمه کسی که با ایشان روبرو می‌شد نه تنها هیچگونه احساس بلندی یا برخورد برخاسته از تکبّر از ایشان نمی‌دید، بلکه حد اعلای تواضع را در ایشان احساس می‌کرد.

صراحت

وضوح در گفتار و تصریح به حقایق و اعلام نظر بی‌پرده از خصوصیات استاد بود. اگر اشکالی در یک کار علمی می‌دیدند به سادگی و صراحت تذکر می‌دادند، و اگر در پذیرش مطلبی یا کاری جواب مثبت یا منفی داشتند در اظهار آن تقیّدی نداشتند و صریحاً نظر خود را می‌گفتند. این صراحت اعتبار سخنان

ایشان را مضاعف می‌کرد، چراکه با دانستن این سابقه پیدا بود که آنچه می‌گویند عین مطالبی است که در ذهن دارند.

سکوت و کم حرفی

از خصوصیات استاد سکوت او بود. اگر از ایشان سؤالی می‌شد در حدّ لازم و مختصر و دقیق پاسخ می‌دادند، و پیدا بود که کلاً از تطویل کلام پرهیز داشتند، اگر هم مطلبی در بین نبود مُهر سکوتی بر لب داشتند که نزد همه معروف بود.

تا اینجا مختصری از سابقهٔ ده سالهٔ خود **با استاد علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی** را به تحریر آوردم، تا سپاسگزاری خود را از الطاف و محبّتهای بی‌دریغ ایشان ابراز نموده باشم.

افسوس که شرایط فعالیت علمی - چه از نظر جسمی و چه از جهت شرایط عملی - برای ایشان به طور کامل فراهم نبود، و در بهترین شرایطی که امید استفاده‌های وافر از محضر ایشان می‌رفت، رخت از این جهان بستند و عالم تشیّع را از یک سو، و فرهنگ شیعه را از سوی دیگر با فقدان خود تنها گذاشتند.

درود و رحمت پروردگار بر روان این مرزبان عقیده باد، و خداوند او را با ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام **- که عمر خود را در راه آنان صرف کرد و مدافع دائمی مکتبشان بود -** محشور نماید، و تأثیر ثمرات علمی ایشان را برای عالم تشیّع جاودانه نماید.

قم
محمّد باقر انصاری
۲۰ جمادی الثانیة ۱۴۱۷
۱۲ آبان ۱۳۷۵

یازده ماه گذشت
روزش از شب بدتر
شبش از روز سیه گشته سیه‌تر
یازده ماه گذشت
که تو رفتی ز برم
من هنوزم سخنانی ز تو آویزهٔ گوش
مانده بس نکته
ای پدر در نظرم*

ادب آداب دارد

سید علی طباطبائی یزدی

قم ـ ایران

آنجاکه سخن از هنر آن بزرگوار در خوشنویسی رود به حیرت ازگستردگی ارجمندی در برابر پیوندی پاک و اراده‌ای استوار منتهی می‌گردد. پاسخ روان راستینش به هر آنچه بتواند در راستای آرمانش که چیزی جز آئینش نبود، تکاپویی را به انجام رساند حکایت از بینشی ژرف دارد.

گهگاه که تمرین خط دارم در جستجوی راهی هستم تا با فریفتن چشمان خواننده او را از بی‌محتوایی نوشته‌ام غافل سازم، با خود می‌اندیشم که چرا بر خویشتن هموار باید کرد رنج آبیاری کردن باغی کزان گل کاغذین روید. اما به یاد آن لبخند می‌افتم که بر لبان وی جاری گشت آنگاه که این کوشش مرا می‌دید، و روح آن لبخند انگشتانم را به قلم می‌فشارد و خامه را بر کاغذ می‌کشد.

سرمشقهایش سرمشق زندگی بود. می‌داد تا با تکرار آویزه گوشمان کنیم که غم روزی مخور برهم مزن اوراق دفتر را.. و باز غم روزی مخور برهم مزن

(*) با معذرت از نیما.

اوراق دفتر را..

آنجا که به مضمون دلربایی و گرمی می‌بخشید مطاوی اوراقش حجلهٔ عروس خطوط بود و آنجا که به آن استحکام و صلابت میداد نسخ را مفتخر می‌کرد تا بر فرازکوه باشکوهِ کلامش هر چه پستی است منسوخ سازد .

این صعود به عمق عالمِ معنی و دیدگاه آسمانی اوست که چنین به هر اندک زیبایی توجه می‌کند که حتی از پر خوشنویسی بالی می‌گستراند تا به کمال این صعود دست یابد . و هم از این دیدگاه است که شعر نیز به عنوان نمودی از هنر در ذهنی چنان فرهیخته ماندگار می‌شود و خوشنویسی از سفارشات همیشگی وی به فرزندان و دیگران ، ازکوچک و بزرگ .

اهتمام به هنر به عنوان ابزاری برای ارائه رستاخیز فکری خویش و نه به عنوان نمایشی فریبنده ـ که در درجه‌ای همان سحر است ـ در عوالم وی معنی پیدا می‌کرد .

این ظهور و غیب حقیقت در خمیره هنر است که حکیم غزنه می‌گوید :

کم نخواهد بود چون دفتر سیه‌رویی تو را
تا زجان خامه‌ی هوس را کرد خواهی دفتری

زان فصاحتها چه سودش بود چون اکنون ز حق
«اخسئوا فیها» شنید اندر جهنم بحتری

شاعری بگذار و گرد شرع گرد از بهر آنک
شرعت آرد در تواضع شعر در مستکبری

خود گرفتم ساحری شد شاعریت ای هرزه‌گوی
چیست جز «لا یفلح الساحر» نتیجه‌ی ساحری

رمز بی غمز است تاویلات نطق انبیا
غمز بی‌مغز است تخییلات شعر و شاعری

هــرگز انــدر طــبع یک شــاعر نــبینی حــذق و صــدق
جـــــز گـــدائـــی و دروغ و مـــنکَری و مـــنکِری

و اینجاست که این حکیم چاره کار را بریدن زبان خود دیده، تا سـرّ سـرّ عاشقان را بیهوده در پیش مشتی سرسری فاش نکند .

فسادِ حضور پلیدی در مضمون هنر، نزد همگان هـویداست . امـا آنـچه گروهی را شیفتهٔ خود ساخته، هنر است در صورتی خامِ خامِ خام، یا آنچه هنر محض خوانده می‌شود و یا «هنر برای هنر»[1] .

این شعار به طور عام در ادبیات و هنر به گرایشاتی اطلاق می‌شود که به موجب آن هنر پدیده‌ای مستقل و فاقد هرگونه رسالت اجتماعی و اخلاقی تلقی می‌شود[2] .

آیا کدامین مکتب است که اجازهٔ دوری از اصول خویش را داده؟ اگر چنین باشد بر اساس جهانبینی و ایدئولوژیِ خاصی بنا نشده، و بنابراین نام مکتب را به خود نمی‌گیرد . از طرفی مسلم است که هنر محض در هیچ مکتبی اصلی یا فرعی نمی‌سازد . زیرا همگان بر آنند که هنر ابزار است[3] .

اشتفان کورنر نویسندهٔ کتاب فلسفهٔ کانت اظهار نظر کرده و با نقل عباراتی از آن به طور کلی اظهار نظر هنرمندان آفریننده را دربارهٔ فلسفهٔ هنر، غیر فنی و مبهم خوانده است . هنرمندان مکتب پارناس که فقط برای هنر محض احـترام قـائل

---

1. Art for Art's Sake .

(۲) فرهنگ اصطلاحات ادبی ، سیماداد ، ۳۳۰ .

(۳) البـته گـروهی بـر ایـن مـدعا بـرآمـدند چـنانکه تـئوفیل گـوتیه (۱۸۱۱ - ۱۸۷۲) کـه از رومانتیک‌هاو از پیروان هوگو بود ، در مقدمهٔ اشعار خود دربارهٔ هنر نوشت : « ما مدافع استقلال هنریم . برای ما هنر وسیله نیست ، بلکه هدف است ...» (رجوع شود به مکتب‌های ادبی ، رضا سید حسینی ، ص۴۷۷)

هستند و وابستگی به آئین « هنر برای هنر » محور کارشان است ، عدم توجه به آرمان و هدف را اصلی از اصول خویش قرار داده‌اند[۱] ، این تناقض نشان می‌دهد که آنان نیز ذات هنر را قابل هدف بودن نمی‌دانند و باز در کنار آن هدفی در نظر گرفته و هنر را وسیله می‌شمارند .

آری ، آری چیزی که ویولن و بنفشه و تاک را در کنار هم قرار می‌دهد و می‌گوید :

The viol, the violet and the vine[۲].

جناسی است که باید سیاه مشق هنرمندان باشد . این محض بودنِ هنر در اینگونه ترجمه‌ها ملموستر است .

آنجا که انواع صناعات بدیعی و صور خیال به مغز و دل یک شاعر هجوم آورند گاه نگاره‌هایی خلق می‌کنند که چونان طلسمی زنجیری به ادراک مخاطب بسته، او را به دنبال خود می‌کشند . چنانکه در صفحه به صفحهٔ دیوان حافظ دیده می‌شود یا ، در «چاووشی» و «قصه شهر سنگستان» و «آخر شاهنامه» که در میان آثار امیدِ ناامید جلوه‌ای خاص دارند و قدرت آن دارند که که آدمی را مسحور خویش سازند[۳].

آنجا که عماد خراسانی با ساز خود خلوتی دارد و می‌گوید :

بـاز آهـنگ جـنون مـی‌زنی ای تـار امشب

گـویمت رازی و در پـرده نگـهدار امشب

---

(۱) مکتب‌های ادبی ، رضا سید حسینی ، نگاه ، ص ۴۸۲ .

(۲) با The city in the sea , E. A. Poe شعری که در سال ۱۸۳۱ در کنار چند شعر دیگر اشعار قبلی وی منتشر شد . (ادگار آلن پو ، راجر اسلینو ، خشایار دیهیمی ، چاپ اول ، ص ۱۲).به اعتقاد وی آنچه برای هنرمند اهمیت دارد این نیست که نظریه‌ای خاص را بیان کند یا اندیشه‌ای را بپرورد .(نقد ادبی ، دکتر عبدالحسین زرینکوب ، چاپ پنجم ، امیرکبیر ، ص ۵۱۸)

(۳) انبیا فخر به معجز نفروشند امید گر ببینند چنین سحر حلالی که تراست

ارغنون / غزلیات / ۲۶

یا آنجا که حافظ زمزمه می‌کند :

مـیی دارم چـو جـان صـافی و صـوفی می‌کند عـیبش
خـدایـا هـیچ عـاقل را مـبادا بـخت بـد روزی

یا مصطفی جمال‌الدین می‌سراید :

ســیّدتی مــاذا أریٰ — عــریش کــرم.. أم مُقل
أم زورقــان ســابحا — نِ في غـدیر مـن عسـل
طــافا بــنا فـصفّق الـ — حبّ و عــرید الغـزل

کدام ذوق سلیمی بی هیچگونه التفات می‌گذرد؟

اما چون این نگاره‌ها ساقدوش مکتب حق گردند شکوهی شکوفا شود که بانگش افلاک را به رقص آورد[1].

آنانکه ایمان را به دلیل قاطعیتی که در آن وجود دارد با هنر و ادب و شعر ـکه اکذبه اعذبه ـ قابل جمع نمی‌دانند، چنانکه : قال بعض الحکماءِ لم یر متدیّن صادق اللهجة مفلقا في شعره[2] باید در دین تاملی کنند و محدوده آن را نیک بدانند و این اجتماع نقیضینِ به‌گفتهٔ آنان را در شعر شریف رضی که با ادب و هنر پرورده شده و از ده سالگی به سرودن شعر پرداخته، و آثار دیگر بزرگان مذهب و هنر ببینند . و نیز از خود بپرسند که آیا خداوند در قرآن که نمود کامل هنر است بدون قاطعیت سخن گفته ؟[3]

---

(۱)
در آسمان نه عجب گر به گفته حـافظ — سرود زهره بـه رقـص آورد مسـیحا را

(۲) کلیات ابوالبقاء،ایوب بن موسی الکفوی (متوفی ۱۰۹۵) طبع بولاق، ۱۲۸۱ /۲۱۸ به نقل از موسیقی شعر،دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی،ص۴۶۳

(۳) البته این همراهی هنر و مذهب را بعضی تا آنجا می‌دانند که گـاهی مـذهب مـایه پیشبرد بعضی آرایه‌های هنری شود از جمله بعضی از ناقدان معاصر بر این عقیده‌اند که انـتشار شـیعه و عقاید شیعی در قلمرو زبان فارسی شاید بتواند یکی از عوامل گسـترش مـبالغه و اغـراق بـاشد (صور خیال در شعر فارسی،دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ،ص ۱۳۸) که البته باید دانسته شود که ⇦

دکتر مصطفی جمال‌الدین می‌نویسد :

إنّ الإسلام ـ هذا الدين الذي ينسب له التناقضُ مع الشعر ـ استعان في ايّامه الاولىٰ بالشعر و الشعراء... و حين حشدت قريش في حربها الإعلاميّة مع الرسول و صحبه شعراء مثل ابن خَطل و ابن حبابه و ابن الزعبرىٰ و هبيرة بن ابى‌وهب ، فالتف الناس حولهم و هم ينشدون هجاءهم لرسول الله و أصحابه ، حشد النبيّ حربا إعلاميّة مضادّة من شعراء الأنصار كحسّان بن ثابت و كعب بن مالک و عبدالله بن رواحه للوقوف بوجه قريش و شعرائها و قال فيهم «هؤلاء النفر أشد علىٰ قريش من نضح النَبل» و قال لحسّان بن ثابت يأمره بهجاء قريش «اهجهم فوالله لهجاؤک عليهم أشد من وقع السهام في غلس الظلام، اهجهم و معک جبريل روح القدس ...» أليس في السيرة أن رسول الله كان ينصب لحسّان بن ثابت منبراً في المسجد ينشد عليه الشعر[1] و انه كان يحسن استماعه و يجزل ثوابه و لا يشتغل عنه إذا أنشد؟[2]

و این دیدگاه ظریف وی خالق ذوقی هنری بود که ما را نیز به خود می‌خواند . تشویق وی به هنر خوشنویسی و ریختن شعر و غزل در این قالب، نمایانگر این ذوقِ لبریز از واقع‌بینيِ او بود . وقتی یکی از چند تابلو خط از اشعار حافظ را قاب کردم، از من خواست تا همه را قاب کنم و به در و دیوار خانه بیاویزم . شعر مصطفی جمال‌الدین را برایم تحلیل می‌کرد و از صور خیال جدید و بکری که در آن لمعان داشت سخن می‌گفت، و به رغم کسالتی که داشت خواست تا ماه رمضان را هر شب مشغول غزلیات او باشیم . اما دریغ که با بدعهدی آن ماه

⇦ خاستگاه این مبالغه مذهب تشیع است یا عوام مردم و اصلا آیا نمونه‌های این صنعت در آثار شعرا از طرف شاعران شیعه است یا دیگران!

(۱)

مصطفی کو بود دل جان را زقدر	منبری بنهاد حسان را زقدر
بر سر منبر فرستادش پگاه	تا ادا می‌کرد شعر آن جایگاه

مصیبت نامه عطار

(۲) الديوان صص ۷۸و۷۹.

را با ما رها کرد و رفت و باز دریغ که به دنبالش، هم اکنون چهل روز است که شعر در غمِ جمال‌الدین جامهٔ سیاه به تن کرده .

اینها که گفتم حکایت از اهتمامی جدی و مصمم به تشویق و ترویج هنر دارد . وی بر مبنای همان دید واقع‌بین خویش این هنر را نه از هر هنرمند محضی گرفته که از شیخ عبدالله تبریزی، اوستادی که از او چنین حکایت می‌کند : «کان رجلاً فاضلاً متّصفاً بالأخلاق الحسنة و متديّناً و ربّانا أحسن تربيية و له الفضل الكثير علينا و كان أديبا خطاطا ماهرا في الخطّ الفارسي النستعليق و مهرت فيه علىٰ يديه ..» و با شنگی و تیزبینی چون ورمی در دست استاد می‌بیند، وی را به مسابقه می‌خواند:« و ذات مرة رأيت في إصبعه ورم صغير لا يستطيع أن يمسك القلم، فكتبت سطرا و كتب سطرا فغلبته لا لقوّتی و إنما لأثر الورم في إصبعه » .

اما اکنون کجاست آنکه نشان نجابت قم بود ، و کجاست آن قنوتهای طولانیش که ما را برای رکوع مشتاق می‌کرد ؟ اکنون هیچ ندارم جز آنکه ابر چشمم ژاله‌بار سفره‌های نان و نورش شده که شبها می‌گستراند و ما باهم بر سر سفره بودیم ، با لقمه‌هایی از مشق خط و فضیلت علم و ادب، ..و نوید آینده ؛ وگاه لقمه‌های گوارایی از سکوت .

آنکه در خونش طلا بود و شرف
آنکه در کلکش سپاهی بسته صف
دیگر اکنون رفته و رفت آن سپاه
دیگر اکنون نیست حتی نای آه

این سکوت شوم و سرد و ناامید
وآن صلای مژده و پیک و نوید
یا رب از روز ازل تقریر شد
یا گناهی کردم اینسان شد پدید

دی ۱۳۷۵

حكم المنيّة فى البريّة جارى

رضا مختاری
قـم ـ ایران

این آخرین جمله ای بود که چند روزی پیش از رحلت اسوهٔ اخلاق ، استاد دلسوز و مهربان ، مربی نکته‌دان و از خود گذشته ، و در یك کلمه استاد المحققین مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی ـ طیب الله رمسه وقدس سره وحشره مع موالیه الطاهرین ـ از ایشان شنیدم .

ماجرا بدین قرار بود که از آن بزرگوار سؤالاتی راجع به قصیده رائیه تهامی نمودم ، و ایشان فرمود در منابع تفحص کـرده بـرایت پـیدا مـی‌کـنم . و فـرمود منظورت « حکم البریة فی المنیة جاری » است ؟ عرض کردم بلی . چند روز بعد خبر درگذشت این محقق فرهیخته شاگرد پرور دنیایی از اندوه و غم را به ارمغان آورد .

اینجانب ـ مانند بسیاری از دیگر شـاگـردان ایـن بـزرگمرد ـ قـادر نـیستم احساسات درونی و تأثرات باطنی خـود را بـرای از دست دادن چـنان مـلجأ و

مأوایی بیان کنم و به قلم آورم، و اکنون پس ازگذشت یك سال، عمق مصیبت را بیشتر درك می‌کنم. برای اینکه تا حدی برخی از حقوق این مرد بزرگ را اداکرده باشم به ذکر خاطره‌ای چند می‌پردازم.

دلسوزی و مهربانی ایشان برای شاگردانی کوچك چون بنده ستودنی است. شبی پس از جلسهٔ روضه ماهانه در منزل آیة الله شبیری زنجانی ـ دامت برکاته ـ درگوشه مجلس به بنده فرمود: چرا سردبیری مجله «پیام حوزه» را پذیرفتی؟ عرض کردم: چطور؟ فرمودند: این کاری نیمه اجرایی است و حیف است عمر شما در این راه صرف شود. بنده چون احساس کردم ایشان از روی دلسوزی و از عمق جان و برای هدر نرفتن عمر حقیر چنین می‌فرماید، سخنش را پذیرفتم و از سردبیری پیام حوزه ـ پس از نشر سه شماره ـ استعفا دادم. و اینک پس ازگذشت چند سال از عمق جان، سخن ایشان را یافته‌ام، و هرگاه به یاد آن بزرگ می‌افتم به روانش درود می‌فرستم. و ای کاش دیگر اساتید هم اینگونه دلسوز بودند و مصالح و معایب کار شاگردان خود را اینچنین صریح بیان می‌کردند.

استاد طباطبائی هر خدمتی از دستش برمی‌آمد برای دوستان و شاگردان انجام می‌داد، و توقع تشکر و سپاسگزاری نداشت، و تشکر نکردن و نامی از ایشان نبردن موجب نمی‌شد روش خود را تغییر دهد.

مقاله حقیر را با عنوان «فهرست نسخه‌های خطی مدرسه علوی خوانسار» پیش از چاپ به دقت خواند و خطاهای آن را یادآوری کرد. افزون بر کمکهای دیگر برخی عبارات مقدمهٔ حقیر بر غایة المراد و نیز منیة المرید را اصلاح کرد و چند سطری به انشای زیبای عربی خود بر آن افزود. بسیار اتفاق می‌افتاد که از قم یا اصفهان به خوانسار تلفن می‌کرد واحوال حقیر ودیگر دوستان را می‌پرسید و این بزرگواری موجب شرمندگی ما می‌شد.

روزی به ایشان عرض کردم برخی از نسخه های خطی کتابخانه آقای

فخرالدین نصیری امینی در تهران، مورد احتیاج ماست وچون ما را نمی‌شناسد ممکن است نسخه را در اختیار ما نگذارد. فرمودند: «بنده خودم هم با شما به تهران می‌آیم واسطه می شوم» و به اتفاق یکدیگر به منزل آقای نصیری امینی رفتیم و به وساطت آن بزرگوار نسخه مورد نظر را گرفتیم. همچنین به مناسبتی دیگر نیز لطف فرمودند و ما به همراه ایشان برای چنان کاری به تهران رفتیم. ایشان واسطه و شفیع ما در اینگونه کارها بود.

حدود یك ماه پیش از وفاتش سراغ نسخه ای از خلاصهٔ علّامه حلّی قدّس سرّه را گرفتم که مشتمل بر حواشی شهید ثانی رحمه الله بود. فرمودند این نسخه درکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است ولی شما زحمت تهیهٔ آن را برخود هموار نکنید، فلانی (نام کسی را بردند) تصویر آن را دارد. من عرض کردم: ولی فلانی به بنده تصویر نمی‌دهد. فرمودند: «من می‌گیرم و به شما می‌دهم».

روزی تلفنی فرمودند نسخه ای چاپی از خلاصهٔ علامه راکه یکی از علما تصحیح کرده پیدا کرده‌ام. بیایید و ببرید که برای تصحیح حواشی شهید ثانی بر خلاصه سودمند است. وقتی به خدمتشان رسیدم پس از دقایقی عرض کردم: اگر حضرت عالی نسخه را بیاورید رفع زحمت می کنم. فرمودند: اگر زود بیاورم می‌ترسم بلند شوی و بروی، می‌خواهم قدری باهم باشیم. وپس از ساعتی نسخه را آورد که همان نسخه تا هنگام درگذشت ایشان دراختیارم بود و پس ازآن برگرداندم.

هیچ امتناع و ابائی نداشت که از شاگردان کوچکش سؤالی پرسد و تقاضایی کند، از این رو روزی به بنده فرمود: «فیشهای نُسخ خطی آثار شهید ثانی را برایم بیاور تا درکار تکمیل الذریعه ازآنها استفاده کنم» و پیش ازآنکه بنده آن فیشها را ببرم به دیار باقی شتافتند.

هیچ توقّعی نداشت که در مقدمهٔ کتاب از ایشان تشکر شود و ذکری رود، و بود و نبود تشکّر در برخوردهای او هیچ تأثیری نمی‌گذاشت. آنچه برایش مهم

بود نشر آثار علمای امامیه و معارف عترت طاهره علیهم الصلاة والسلام بود وبس .

ماجرایی را که هیچ وقت فراموش نمی‌کنم و بهترین دلیل بر مکارم اخلاق ایشان می‌دانم ماجرای کتابی است عاریتی و خطّی که یکی دو سال گم شده بود و سپس خود ایشان آن را پیدا کرد . آن ماجرا مفصّل است و دوستان ایشان کمابیش از آن مطلعند ، و آنچه ذکر آن در اینجا مدّ نظر است اینست که بنده به اتفاق برخی دوستان به زعم اینکه کتاب مفقود لابلای کتابهای ایشان است چندین بار کتابخانهٔ ایشان را تفحصّ وجستجو کردیم که خود این کار نوعی توهین به ایشان تلقّی می‌شد ولی این جستجو ابداً مایه تکّدر خاطرش نشد وگاهی به طنز می‌فرمود : « نمی‌خواهید دوباره کتابها را بگردید !! » . تا اینکه خودش کتاب را پیدا کرد . و شهد الله که برخوردش با ما ، قبل وبعد از این ما جرا هیچ تغییری نکرد و بلکه بیشتر ما را تحویل گرفت ، در حالی که جستجوی خانهٔ دیگران در پی یافتن گمشدهٔ خود نوعی تحقیر وتوهین به آنهاست ، ولی او در بند این دامها نبود .

بنده و دوستان دیگر بدون هیچ حاجب و مانعی هر وقت مایل بودیم و مشکلی برایمان پیش می‌آمد به منزلشان می‌رفتیم و ازکتابها و آثار و راهنمایهای بسیار سودمندش استفاده می‌بردیم . واساساً به برکت محقق طباطبائی با بسیاری از منابع و کارها و شخصیتها آشنا شدیم و هرگز تصور نمی‌کردیم که این نعمت بزرگ به این زودی از دست برود و انبوه مشکلات علمی و تحقیقی فراروی ما بماند و مرجعی برای حلّ آنها نیابیم .

و اینك کاری که از ما ساخته است دعای خیر و برخاسته از عمق جان در مواقع استجابت برای اوست و احیاء نام و یادش .

قِف بالطلول وسلها أينَ سلماها — وروِّ من جُرَعِ الأجفان جرعاها

وردّد الطرفَ في أطراف ساحتها — وأرّجَ الوصل من أرواح أرجاها

يا حبّذا أزمنٌ في ظلّهم سلفَتْ — ما كان أقصرها عُمراً وأحلاها

اسطورهٔ تحقیق

علی‌اکبر مهدی‌پور
قم ـ ایران

در آستانه یکمین سالگرد رحلت جانگداز استوانه استوار تحقیق و تتبع ، اسطوره بی‌همتای تلاش و پژوهش ، روشنی‌بخش محافل علمی و تحقیقی ، صفابخش مراکز پژوهشی معارف الهی ، آرام‌بخش دلهای مضطرب ارباب قلم ، تداوم‌بخش تلاشهای روشنگر علامه‌ها ، محقق‌ها ، میرحامد حسین‌ها ، امینی‌ها و شیخ آقابزرگ‌ها :

علامه بزرگ ، پژوهشگر سترگ ، آیةالله حاج سید عبدالعزیز طباطبائی

که با رحلت خود جهان تشیع را بر سوگ نشاند و محافل علمی و تحقیقی را کم فروغ ساخت .

دردا کــزین دیــار غــم آلوده ، یــار رفت

از دیـــده روشـــنائی و از دل قـــرار رفت

او رفت و نور رفت و صفا رفت وعشق رفت

او رفت و سبزه رفت و گل نوبهار رفت

خامه از ترسیم دریای عظمتی که در روح آن بزرگمرد موج می‌زد ناتوان است ، که اقیانوس در کوزه جای نگیرد و آبشار از چشمهٔ سوزن نگذرد :

یک دهان خواهم به پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشک ملک

دیگر مادر زمان ، بزرگمردی این چنین جامع فضائل و مجمع کمالات به این آسانی‌ها در دامن خود نمی‌پرورد . اخلاق برجسته ، شخصیت ارزنده ، سیره پسندیده و اوصاف جمیله آن فقید علم و تحقیق در این صفحات نمی‌گنجد .

برای درک عظمت محقق طباطبائی دو راه بیش نیست :

۱ ـ نقل اوصاف و ویژگی‌های آن رادمرد الهی از زبان دوستان ، شاگردان و پرورش‌یافتگان مکتبش ، تا شبحی هرچند ناقص از آن دریای نور در دلها ترسیم گردد .

۲ ـ بررسی شخصیت والای آن بزرگمرد از لابلای آثار ارزشمندی که نوشته و از خود به یادگار نهاده است :

انّ آثارنا تدلّ علینا فانظروا بعدنا الی الاثار

نخستین آشنایی اینجانب با محقق طباطبائی قدس سره به سال ۱۳۹۷ هـ برمی‌گردد . در آن سالها اینجانب در استانبول اقامت داشتم و استاد برای استفاده از آثار خطی کتابخانه سلیمانیه به استانبول تشریف‌فرما بود و در حدود دو ماه از محضر مقدسشان فیض بردیم .

چیزی که در آن ایام برای اینجانب بسیار جالب بود تلاش بی‌نظیر و سختکوشی خستگی ناپذیر این رادمرد بود ، که هر روز صبح دو جلد دفتر صد برگ سفید با خودش می‌برد و تا عصر آن دو دفتر را تمام می‌کرد و با دستی پر از کتابخانه برمی‌گشت .

آشنایان با تحقیق در کتب خطی می‌دانند که این کار بسیار طاقت‌فرسا و اعجاب‌آمیز است ، زیرا غالب نسخه‌های خطی به قرون گذشته مربوط می‌شود و بسیاری از آنها دچار سوانح مختلفی از قبیل رطوبت ، فرسودگی ، موریانه خوردگی و .. شده‌اند .

اگر این استنساخ صرفا برای استفاده شخصی بود و یا فقط قسمتهای مورد حاجتش را استنساخ می‌کرد مشکل نبود ، ولی ایشان این نسخه‌ها را برای استناد و استفاده خویش و دیگران انجام می‌داد، تا روزی با نسخه‌های دیگر مقابله شود و در مقام تحقیق به آنها مراجعه گردد ، و لذا می‌بایست همهٔ صفحات کتاب را کلمه به کلمه تشخیص داده ، روی صفحات دفتر منعکس نماید و در مواردی که کلمات ناخوانا باشد شکل آن را روی صفحات دفتر ترسیم کند تا روزی با شواهد و قرائن یا استعانت از دیگر نسخه‌ها حقیقت آن ظاهر شود .

اینجاست که خوانندگان گرامی با حجم کار و میزان سختکوشی این محقق بزرگوار آشنا می‌شوند .

هنگامی که کتابخانه تعطیل می‌شد به منزل می‌آمد اندکی استراحت می‌کرد ، آنگاه نوشته‌های خود را یکبار دیگر مورد بررسی قرار می‌داد تا اگر چیزی به نظرش برسد پیش از ترک استانبول مراجعهٔ مجدد نموده از استواری دستنویس خود مطمئن شود .

روزهای یکشنبه که کتابخانه تعطیل بود ، برای جلوگیری از تضییع وقت به منزل پرفسور گلپنارلی می‌رفت تا از کتابخانه غنی او استفاده کند و یافته‌های یک هفته را با او درمیان بگذارد و از افکار پرمایه او بهره بجوید .

پرفسور عبدالباقی گلپنارلی محقق بی‌نظیر و سختکوش شیعه در قرن معاصر بود که در پایتخت خلفای عثمانی بیش از یکصد جلد اثر چاپ شده در دفاع از حریم تشیع از خود به یادگار نهاد .

کتابخانه بسیار باشکوهی در شهر قونیه بنیاد نهاد که فهرست مخطوطات آن در چهار مجلد قطور رحلی به چاپ رسیده است .

محقق طباطبائی در مدت اقامت دوماهه‌اش در استانبول به قونیه رفته از نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی مرحوم گلپنارلی نسخه‌برداری نمود .

پرفسور گلپنارلی نیز به محقق طباطبائی مهر می‌ورزید و نهایت احترام را برایش قائل بود از این رهگذر با آن کهولت سن از محل اقامت خود در اسکودار (بخش آسیائی استانبول) به بخش اروپائی می‌آمد و درکتابخانه سلیمانیه حضور می‌یافت تا از نفوذ کلمه خود درکتابخانه استفاده کند ، بلکه تسهیلات بیشتری برای محقق طباطبائی منظور گردد .

سرپرست کتابخانه شخص ارزشمندی به نام « معمّر بیک » بود ، از شاگردان پرفسور گلپنارلی ، او نیز دلش می‌خواست که به محقق طباطبائی خدمت کند ولی دستش بسته بود ، قوانین دست و پاگیر ترکیه به او اجازه نمی‌داد که از این کتابها به آسانی به ایشان میکروفیلم بدهد . زیرا کتابخانه سلیمانیه نیز همانند دیگر کتابخانه‌های مشرق زمین گرفتار کاغذبازی و قوانین دست و پاگیر داخلی است و لذا پژوهشگران به جای استفاده از میکروفیلم و فیلمتک ناگزیرند که عمر گرانمایه خود را در سالنهای کتابخانه در ساعات محدود اداری صرف کنند!!

در اینجا بی تناسب نیست که به چند خاطره تلخ و شیرین خود از کتابخانه‌های شرق و غرب اشاره کنم تا روشن شود که محقق طباطبائی در مطالعات و تحقیقات گسترده‌اش با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم کرده است :

۱ ـ در حدود ۲۰ سال قبل برای تأسیس مسجد امام جعفر صادق علیه‌السلام مدتی در برلین غربی به سر می‌بردم ، همه روزه ازکتابخانه سلطنتی برلین استفاده می‌کردم که در آن ایام دوازده میلیون جلد کتاب داشت و از قرار مسموع اینک

شامل ۱۵۰ میلیون جلد کتاب می‌باشد.

در این کتابخانه بیش از ۴۰۰۰۰ جلد کتاب خطی عربی و بالغ بر ۱۰۰۰۰ جلد کتاب خطی فارسی موجود است.

در هر گوشه‌ای از این کتابخانه چندین دستگاه زیراکس قرار دارد که مراجعه کنندگان، کتابهای چاپی مورد نظر خود را شخصا از قفسه‌ها برداشته و قسمتهای مورد حاجت را بدون مراجعه به مسئولین کتابخانه زیراکس کنند ولی برای استفاده از کتابهای خطی به جهت حفاظت نسخه‌ها ضوابطی هست و باید توسط مسئولین عکسبرداری شود.

در یکی از مسافرتهای بعدی به آلمان تعداد ۱۰ نسخه از کتابهای خطی مربوط به حضرت بقیة الله عليه‌السلام را انتخاب کردم و برای تهیه میکروفیلم آنها به مسئول بخش مخطوطات مراجعه کردم، او اظهار داشت که تنها مسئول آشنا به عربی به شهر دیگری برای شرکت در نمایشگاه کتاب مسافرت کرده و روز پنجشنبه مراجعت خواهد نمود.

گفتم: من روز چهارشنبه بلیط دارم و عازم ایران هستم، گفت: مانعی نیست، شما لیست کتابها را بدهید تا میکروفیلم آنها را با پست برای شما ارسال نمائیم.

پرسیدم: هزینه‌اش چقدر می‌شود تا تقدیم کنم؟ گفت: من اطلاعی ندارم، فاکتور آن را همراه میکروفیلمها می‌فرستیم.

گفتم: نظر به اینکه کشور ما در این ایام گرفتار جنگ تحمیلی است، ارسال ارز به خارج محدودیتهائی دارد و ممکن است نتوانم به موقع هزینه آنها را بفرستم. گفت: مانعی نیست، پس از خاتمه جنگ می‌فرستید.

او هر قدر وسعت قلب نشان داد من حاضر نشدم، زیرا بیم آن را داشتم که نتوانم هزینه میکروفیلم‌ها را بفرستم و ایرانی نزد آنها زیر سؤال برود.

هنگامی که او امتناع مرا در مقابل اصرار خود مشاهده کرد ، گفت : برای حفاظت از نسخ خطی زیراکس کردن از آنها ممنوع است و فقط باید میکروفیلم برداشته شود ولی حالاکه شما این قدر به مسائل اخلاقی پایبند هستید ما استثناءاً به شما زیراکس می‌دهیم تا با خودتان ببرید ، آنگاه زیراکس نسخه‌های مورد نظر را تهیه کرد و در اختیار اینجانب قرار داد .

۲ ـ در فروردین ماه ۱۳۵۸ ش. برای شرکت در سمیناری که از طرف رابطة شباب المسلم در «**پورت اسمیت**» انگلستان برگزار شده بود به آن سامان رفتم ، در ایام اقامتم در لندن به کتابخانه «**بریتیش میوزم**» رفتم و با خاطرهٔ جالبی مواجه شدم که هرگز فراموش نمی‌کنم :

در یکی از سالنهای کتابخانه ، محلی را برای الصاق نامه‌های مردم ، و محلی را برای الصاق پاسخ کتابخانه به آنان اختصاص داده بودند .

در یکی از این نامه‌ها خطاب به یک خوانندهٔ ایرانی نوشته بود :

« خوانندهٔ گرامی یک کتاب فارسی خواسته بودید که در کتابخانه موجود نبود ، برای تهیهٔ این کتاب از کتابخانه‌های لندن کمک خواستیم و چون هیچکدام نداشتند ، با رایزن فرهنگی خود در ایران تماس گرفتیم ، معلوم شد که خوشبختانه این کتاب به تازگی تجدید چاپ شده است و در تهران به وفور یافت می‌شود ، رایزن فرهنگی ما نسخه‌ای را تهیه و برای ما ارسال نموده است ، برای دریافت کتاب یا به کتابخانه مراجعه فرمائید و یا آدرس خود را به ما اطلاع دهید تا به آدرس شما ارسال نمائیم » .

پس از این دو خاطرهٔ شیرین از غرب به چند خاطرهٔ تلخ از شرق اشاره می‌کنم :

۱ - در ایام حج سال ۱۳۵۸ ش. به کتابخانهٔ مجهز و باشکوه مکهٔ معظمه رفتم و برای استفاده از نسخه‌های خطی به طبقهٔ چهارم رفتم ، مسئول بخش

خطی پرسید : چه کتابی می‌خواهید ؟ گفتم : می‌خواهم فهرست مخطوطات کتابخانه را مطالعه کنم .

گفت : نه هرگز ، شما فقط می‌توانید کتاب مورد نظر خود را نام ببرید .

گفتم : ما ساکن مکه نیستیم ، حاجی هستیم ، می‌خواهیم از وقت خود استفاده کینم و در این چند که سعادت تشرف داریم از نسخه‌های موجود در کتابخانه آگاه شویم و بهره ببریم . گفت :کدام حرف را می‌خواهید تا فیشهای آن را بیاورم . حرف میم را انتخاب کردم ، برگه‌های میم را آورد ، چند کتاب انتخاب کردم ، او فقط یک کتاب آورد و خود بالای سرم ایستاد .

پس از بررسی نسخه کاغذی درآوردم تا مشخصات نسخه را یادداشت کنم ، گفت : نباید چیزی یادداشت کنید ، فقط می‌توانید بخوانید و به حافظه بسپارید ! پس از دقایقی نسخه را به او برگردانیدم و نسخهٔ دیگری را درخواست نمودم ، گفت : امروز همین مقدار بس است ، برای استفاده از نسخهٔ دیگر فردا تشریف بیاورید .

روز بعد که رفتم ، گفت : انشاءالله در سفر بعدی در خدمت شما هستیم .

۲ ـ در سال ۱۳۶۵ ش. مشغول تحقیق کتاب غیبت نعمانی بودم ، نسخه‌ای از آن در یکی از کتابخانه‌های مهم کشور بود که تاریخ کتابت آن به سال ۵۵۷ هـ می‌رسید . رخت سفر بربستم و راهی آن سامان شدم ، پس از بررسی نسخه ، میکروفیلم خواستم ، مسئولین کتابخانه گفتند : نظر به این که این نسخه بسیار عتیق و باارزش است باید هیئت نشر نفایس تصمیم بگیرد .

مقدمات این کار فراهم شد و پاسخ مثبت هیئت نشر نفایس پس از دو ماه به دستم رسید ، ولی گفته بودند : نظر به این که این نسخه خیلی عتیق است باید تولیت عظمی نظر بدهند . باکمال تعجب تولیت کتابخانه زیر دستخط نشر نفائس نوشته بود : « محل نظر و تأمل است » !! شاید خیال کرده بود که مسئله‌ای پیرامون

غسل یا وضو از خدمتشان استفتاء شده است .

۳ ـ چندی قبل مشغول تحقیق کتاب «**غیبت شیخ طوسی**» بودم ، پس از مقابلهٔ آن با نسخه‌های موجود در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی ، مطلع شدم که نسخهٔ قدیمتری در یکی از مراکز استان هست ، رخت سفر بربستم و به آن دیار رفتم .

مسئولین کتابخانه اظهار داشتند که مدیر کتابخانه نیست و ما نمی‌توانیم نسخهٔ خطی را در اختیار کسی قرار دهیم .

پس از چندین سفر به آن شهر موفق شدم مدیر کتابخانه را در محل کارش ـ نه در کتابخانه ـ پیدا کنم ، او نیز اظهار داشت که ما وظیفه داریم این کتابها را محافظت کنیم و لذا نمی‌توانیم آنها را در اختیار افراد قرار بدهیم .

پس از چندین ساعت بحث و مناقشه حاضر شد که اجازه دهد در داخل کتابخانه از نسخه استفاده کنم ، ناگزیر چند روزی در آن شهر ماندم و کتاب خود را با آن مقابله کردم .

۴ ـ در تمام نسخه‌های چاپی فتوحات مکیه در بخش مربوط به حضرت بقیة الله علیه اسلام تحریفاتی به عمل آمده که در کتاب : «**میلاد نور**» متن صحیح آن را درج کرده‌ایم . چند سال پیش مطلع شدیم که یک نسخهٔ خطی مربوط به عصر مؤلف در دو مجلد موجود است که یک جلد آن در ایران و جلد دیگرش در شهر «**قونیه**» می‌باشد .

برای دیدن نسخهٔ موجود در ایران به آن شهر دوردست سفر کردم تا اگر جلد دوم باشد و بخش ۳۶۶ فتوحات در آن باشد از آن فیلم بگیرم و به آن استناد کنم .

مسئولین کتابخانه از ارائه کتاب امتناع کردند و عذر آوردند که مسئول مربوطه در مسافرت است . چند سال در تابستان به آن شهر سفر کردم تا به کمک

یکی از علمای آن شهر توانستم مسئول مربوطه را پیدا کنم و نسخه را رؤیت نمایم .

پس از دیدن نسخه معلوم شد که جلد اول است و بخش ۳۶۶کتاب در آن نیست .

خوانندگان گرامی با مطالعه این خاطرات تلخ توجه پیدا می‌کنند که محقق طباطبائی در طول نیم قرن تحقیق و تلاش ، در کتابخانه‌های مشرق زمین با چه مشکلاتی مواجه شده و چقدر خاطرات تلخ و دردناک را در سویدای دل پنهان داشته بود .

در اینجا باید اشاره کنم که وضع کتابخانه‌های کشور تا حدی بهتر شده و تسهیلاتی فراهم آمده ،گرچه تا رسیدن به حد مطلوب صدها فرسنگ فاصله داریم . این را نیز ناگفته نگذارم که در همین سال گذشته ، از یکی از کتابخانه‌های معتبر کشور ۲۴ ورق زیراکس تقاضا کردم با گشاده روئی مرحمت نمودند و وجه بسیار اندکی (۱۵۰۰۰ریال) دریافت فرمودند!

اینها اشاره‌ای کوتاه به درد دل اهل تحقیق بود که به بهانهٔ یادوارهٔ محقق طباطبائی قلمی گردید تا چقدر مقبول افتد و چقدر در دلهای ظریف مسئولان کتابخانه‌ها مؤثر باشد.

در اینجا به ذکر چند نکته از ویژگی‌های محقق طباطبائی اشاره می‌کنیم که ورقی از خاطرات آن فقید بزرگوار است و برای ما الهام‌بخش و برای خوانندگان ذکر صالحین است و عبادت ، و در آستانهٔ سالگرد ایشان یادوارهٔ عزیز از دست رفته‌ای است که یادش هرگز از صفحهٔ دلها نمی‌رود :

۱ ـ روزی در خدمت ایشان به اصفهان رفتیم و به منزل دوست مشترکمان محقق گرانمایه حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی وارد شدیم ، عصر به منزل محقق فرزانه ، استاد علامه آقای حاج سید محمدعلی رواتی رفتیم که هدف از این

مسافرت مشاهدهٔ نسخه‌ای در کتابخانهٔ معظم له بود .

مدتی در خدمت ایشان بودیم . از هر دری سخن به میان آمد . بهره‌ها بردیم ولی صحبت از آن نسخه نشد و به محل اقامت خود بازگشتیم .

شب هنگام از استاد علامه پرسیدم که چرا نسخه را مطالبه نفرمودید ، فرمودند : ایشان چیزی نفرمود و من هم تأدب نمودم .

روز دوم به همین منوال گذشت .

رعایت این همه نکات ظریف اخلاقی برای من شگفت‌انگیز بود .

روز سوم حاج آقای روضاتی خطاب به این کمترین فرمودند : شما مخزن کتابهای ما را دیده‌اید ؟ گفتم : نه ، فرمودند : مایل هستید ؟ گفتم : بسیار مشتاقم .

آنگاه به مخزن کتابها رفتیم و کتابخانهٔ باارزش و منحصر به فرد ایشان ـ از جهت اشتمال بر نسخ نادره ـ را رؤیت نمودیم ، در این اثنا حاج آقای روضاتی نسخه‌ای را از قفسه بیرون کشیدند و به محقق طباطبائی داده فرمودند : شما فرموده بودید که می‌خواهید این نسخه را ببینید .

در تحریر کتابهای بسیار ارزشمند الغدیر ، الذریعه و معجم رجال الحدیث ، محقق طباطبائی با مؤلفین بزرگوار آنها همکاری داشت و مواد فراوانی از کتابخانه‌ها تهیه کرده و در اختیار آنها قرار داد ولی هرگز مایل نبود در این رابطه سخن بگوید و سهم وافری را که در این آثار جاوید داشت به نام خود ثبت کند ، بلکه ترجیح می‌داد که همهٔ شایستگی‌ها به نام مؤلفین گرانقدر آنها ثبت شود .

محقق طباطبائی سالیان درازی تلاش کرده ، کتاب بسیار نفیس **«عقد الدرر»** را تحقیق نمودند ، هنگامی که آیت الله کلباسی نسخه آن را از برلین تهیه کرده ، به قاهره بردند و توسط برخی از استاتید دانشگاه الازهر آن را تحقیق و منتشر نمودند ، محقق طباطبائی از چاپ و نشر اثر خود امتناع کردند تا کار ایشان کم فروغ نشود و تا پایان عمر شریف خود آنرا منتشر نکردند .

یکی از افراد آشنا با قلم که حوصلهٔ کار تحقیقی و شایسته را نداشت و کتابهائی را به اصطلاح تحقیق و منتشرکرده بود ، در هر مجلسی نسبت به محقق طباطبائی اهانت و بی‌ادبی می‌کرد اما هرگز دیده نشد که محقق طباطبائی مقابله به مثل کنند ، بلکه در مواردی از آثار ایشان نام برده ، ادای احترام نموده ، حتی به نقاط ضعف آن نیز اشاره نفرموده است .

هرگز دیده نشد که محقق طباطبائی از یک اثر خود ستایش کند یا در اهمیت آن سخن بگوید ، درحالی که همهٔ آثار او تحسین برانگیز بود و در سطح عالی تحقیق قرار داشت .

محقق طباطبائی می‌دانست که این کمترین ، کتابچه‌ای به عنوان «**کتابنامه حضرت مهدی علیه اسلام**» در دست تألیف دارد ، از این رهگذر هرگاه نسخهٔ جدیدی از کتابهای مربوط به آنحضرت به دستش می‌رسید ، بلافاصله مشخصات آن را در اختیار نگارنده قرار می‌داد ، حتی نسخه‌های دستنویس خود را بدون هیچ محدودیتی در طبق اخلاص نهاده و کریمانه در اختیار این و آن قرار می‌داد .

در هر گوشه‌ای از جهان کنگره‌ای به نام یکی از شخصیتهای اسلامی و یا مناسبتهای اسلامی برگزار می‌شد ، از راهنماییهای این رادمرد الهی برخوردار بود

محقق طباطبائی حافظه‌ای بسیار قوی داشت ، سرآغاز بسیاری از کتابها را در بایگانی حافظه‌اش جای داده بود ، از این رهگذر به هنگام نسخه شناسی تا چند سطر از آغاز کتابی را می‌خواند نام کتاب و مؤلف آن را از کامپیوتر خدادادی خود استخراج می‌کرد .

محقق طباطبائی کتابهای تکراری خود را به آستان قدس رضوی اهداء می‌کرد .

کتابخانهٔ آن عزیز از جامعترین کتابخانه‌ها بلکه جامعترین کتابخانه خصوصی به شمار می‌آمد و همواره هرکتابی در هرگوشه‌ای از جهان به صورت

تحقیقی منتشر می‌شد ، اولین کسی که در ایران مطلع می‌شد محقق طباطبائی بود و غالباً اولین نسخه‌اش به دست ایشان می‌رسید .

در یکی از مسافرتهایم به آلمان مطلع شدم که فهرست کتابهای خطی عربی کتابخانهٔ سلطنتی برلین تجدید چاپ شده و آن را به قیمت ۱۲۰۰ مارک می‌فروشند ، برایم مقدور نشد که یک دوره بخرم ولی آدرس محل فروش آن را تهیه کردم پس از مراجعت به خدمت مرحوم آیت الله مرعشی نقدیم نمودم تا برای کتابخانهٔ عمومی خود تهیه کنند که اظهار عدم تمکن نمودند ، ولی به مجرد اینکه این بزرگوار مطلع شدند بلافاصله اقدام کردند و یکدوره برای کتابخانهٔ خود تهیه فرمودند .

محقق طباطبائی برای شرکت در نمایشگاه کتاب به دمشق رفته بود ، ملاحظه کرد که یک جلد از قسمتهای منتشر نشدهٔ « تهذیب الاثار » چاپ و منتشر شده ، یک نسخه از آن را به قیمت بسیار بالا تهیه کرده بود تا دورهٔ این کمترین کامل گردد ، زیرا می‌دانست که اینجانب مجلدات قبلی را از مکه معظمه تهیه کرده بودم و می‌دانست که طبعاً برای تهیهٔ این جلد راهی ندارم .

علامه امینی در وصیتنامهٔ خود از محقق طباطبائی و تنی چند از محققان دیگر نام برده و از آنها خواسته که مجلدات بعدی « الغدیر » را تهیه و تنظیم کنند[1] از این رهگذر محقق طباطبائی سالها منتظر ماندند که فرزندان برومند علامه امینی این کار را شروع کنند و ایشان نقش خود را ایفا کنند ، هنگامی که از آنها خبری نشد خود به تنهائی کار را شروع کردند و گامهای برجسته‌ای برداشتند .

علامه فقید آیة الله حاج سید محمدکاظم قزوینی قدس سره هنگامی که مؤسسه امام صادق عليه السلام را بنیان نهاد و گروهی از فضلا را برای فیش برداریهای لازم برای نگارش مجموعهٔ عظیم « موسوعة الامام الصادق عليه السلام » گرد آورد ، به

---

(۱) مجلهٔ زائر ، مهر ماه ۱۳۷۴ .

مقداری کتاب نیاز پیدا کرد که از کتابخانه‌های دوستان عاریت بگیرد و بعد از فیش برداری برگرداند ، به یکی از فضلای حوزه مراجعه نمود و مشکل خود را بازگفت ، او پاسخ داد : آنچه در کتابخانهٔ من موجود است در اختیار شماست جز این که من با خود پیمان بسته‌ام که کتابی را بیرون ندهم ، شما هر وقت نیاز داشتید تشریف بیاورید و اینجا کار خود را انجام دهید .

حاج آقای قزوینی که آقا و آقازاده بود و هرگز از کسی تقاضائی نمی‌کرد بسیار متأثر شد که چرا مشکل خود را به چنین فردی گفتم و چرا از صاحب کار نخواستم ، آنگاه بعد از نیمه‌شب برخاسته به ذیل عنایت امام به حق ناطق جعفر صادق علیه‌السلام متوسل شد که آقا ما در راه تهیه و تحریر کتاب شما راهی بس دراز در پیش داریم ، اگر در گامهای نخستین با چنین افراد و چنین مشکلاتی مواجه شویم ، این کار هرگز جامه عمل نخواهد پوشید و لذا من آنچه مورد نیاز است از شما می‌خواهم و هرگز به شخص دیگری مراجعه نخواهم کرد .

بامدادان که به مؤسسه امام صادق علیه‌السلام تشریف می‌برند در نخستین لحظات ورودشان محقق طباطبائی از راه می‌رسند و می‌فرمایند یکی دو نفر بفرستید این کتابها را بیاورد .

مشاهده می‌فرمایند که محقق طباطبائی تعداد ۲۵۰ مجلد از کتابهای مورد لزوم را از کتابخانهٔ خود جدا کرده و با تاکسی تلفنی تا درِ مؤسسه آورده است ، سر بر خاک نهاده خدای را شکر گفته از عنایات حضرت صادق علیه‌السلام سپاسگزاری می‌کنند .

علامه قزوینی این مطلب را با شور و شوق زاید الوصفی می‌گفت ، اشک در دیدگانش حلقه می‌زد ، از سماحت بی‌نظیر محقق طباطبائی ستایش می‌کرد و از حافظهٔ عجیب ایشان تعجب می‌کرد که چگونه با یک نگاه سطحی به کتابخانهٔ ما در خاطرش مانده که چه کتابهایی داریم و چه کتابهایی مورد لزوم ماست .

این جهت قضیه هم مهم است که محقق طباطبائی همه روزه به این کتابها

مراجعه داشت و لذا بیرون بردن ۲۵۰ مجلد کتاب برای مدتی طولانی درکارهای ایشان خلل ایجاد می‌کرد ولی سماحت بی‌نظیر آن بزرگمرد به او اجازه نمی‌داد که روی این طرف قضیه تفکر کند.

آخرین دیدار:

آخرین دیدار نگارنده با محقق طباطبائی شب ششم ماه مبارک رمضان ۱۴۱۶ هـ یعنی یک شب قبل از ارتحال جانگداز آن رادمرد الهی بود.

در آن شب بسیار شاداب و با نشاط بود و ابراز می‌کرد که دوران نقاهت سپری شده و حالش برای تحقیق مساعد است و می‌تواند شبهای ماه رمضان همانند سالهای قبل ازکسالت تلاش کند.

تصادفاً در همان شب از بی‌وفائی دنیا صحبت می‌کرد و می‌گفت:

من سه کار مهم در دست دارم که هر یک از آنها ۲۰ سال عمر می‌خواهد تا به حد کمال مطلوب برسد و طبعاً من بعد از این، ۶۰ سال دیگر زنده نیستم که امیدوار باشم این سه کار علمی به آخر خواهد رسید، لذا تصمیم گرفتم که فقط یکی از آنها را دنبال کنم، تا اگر اجل مهلت دهد آن را به پایان برسانم، پیدا بود که می‌خواست مستدرکات الذریعه را انتخاب کند.

بعد از نیمه شب بود که به منزل برگشتم، تصادفاً همان شب تا وقت سحر سه بار تلفن کردند، زیرا در آن روزها روی ترجمه‌ها و شروح «صد کلمه» امیر المؤمنین عليه‌السلام تحقیق می‌کردند.

در آن شب سه مورد از شروح ترکی آن را یادداشت کرده بودند و شرح حال مؤلف آنها را درکتابهای فارسی و عربی نیافته بودند، از این رهگذر به این کمترین امر فرمودند که شرح حال مؤلفین آنها را ازکتابهای: «قاموس الاعلام» شمس الدین سامی افندی، «مؤلفین عثمانی» محمد طاهر افندی و دیگر منابعی که به ترکی استانبولی در اختیار داشتم تهیه کنم و به عرضشان برسانم که هر سه مورد تهیه شد و به هنگام سحر تلفنی به محضرشان تقدیم شد.

کتابخانه ایشان با اینکه بسیار گسترده بود ولی فضای بسیار کوچکی داشت با پله‌هایی زیاد. از این رهگذر چند بار به حقیر فرموده بود که اگر در اطراف منزل شما خانهٔ وسیعی در معرض فروش هست به من اطلاع دهید. تصادفاً همان شب نیز بر آن تأکید فرمود.

هرگز تصور نمی‌رفت که این آخرین دیدار باشد و برای همیشه جای ایشان در محافل علمی و تحقیقی خالی بماند.

او رفت و از پله‌ها و تنگناها راحت شد ولی دوستان، شاگردان و دلدادگان خود را در سوگی عمیق و طولانی به بلندای عمرشان فروبرد.

در تشییع جنازهٔ آن فقید سعید صدها تن ارباب قلم و تحقیق از حوزهٔ علمیهٔ قم، تهران، اصفهان، مشهد و دیگر شهرستانها حضور داشتند و چون فرزندی پدر از دست داده اشک می‌ریختند.

محقق فرزانه علامه گرانمایه آیة الله حاج سید محمدعلی موحد ابطحی از مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام تا صحن مطهر کریمهٔ اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها با صدای بلند اشک می‌ریخت.

بعدها که به خدمتشان رسیدم فرمود:

من افراد برجستهٔ فراوانی دیده‌ام که مرگشان برای حوزه‌های علمیه ضایعه بود، ولی مرگ دو نفر مرا بسیار بی‌تاب نمود: سید عبدالرزاق مقرم و سید عبدالعزیز طباطبائی. آنگاه فرمود: تا مرحوم مقرم زنده بود، فضلای نجف راحت بودند و می‌دانستند که در شهری زندگی می‌کنند که مردی محقق با کوهی از معلومات در گوشهٔ خانه‌اش نشسته و هر لحظه حاضر است محققین را راهنمائی کند و مشکلات اهل تحقیق را حل نماید. در قم نیز تا آقای سید عبدالعزیز طباطبائی زنده بود، اهل تحقیق می‌دانستند در زیر آسمان شهری زندگی می‌کنند که در هر بعدی از ابعاد مختلف مسائل اسلامی مشغول تحقیق باشند، در هر موردی که با مشکل مواجه شوند، استاد راهنمائی در آن شهر در

گوشهٔ خانه‌اش نشسته که در هر لحظه از لحظات شب و روز مهیاست تا مشکل آنان را بدون هیچ منتی با یک تلفن حل کند.

در این زمینه اگر بخواهیم سخن بگوئیم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود، لذا به ذکر یک خاطره بسنده می‌کنم.

یکی از محققین پرطنطنهٔ حوزه که در سطح کشور دلهائی را به سوی خود جذب کرده با یک نسخهٔ خطی مواجه می‌شود که روی آن کلمهٔ «فخر رازی» خوانده می‌شد، او به تصور این که این کتاب از فخر رازی معروف است، آن را بررسی کرده و بسیار پرمحتوا یافته بود. چون در این کتاب مطالب فراوانی راجع به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود، آن را دلیل تشیع فخر رازی پنداشته بود و به همین دلیل به تحقیق آن پرداخته، مدت مدیدی از وقت باارزش خود را در این راه صرف کرده آنرا مهیای چاپ نموده بود.

یکی از فضلای حوزه گزارش این کار را به محقق طباطبائی داد، استاد بدون تأمل و مراجعه پرسید: «فخر رازی» یا «مظفر رازی»؟

هنگامی که این سخن در محضر آن محقق گرانمایه مطرح شده بود یکبار دیگر روی صفحهٔ اول نسخه‌اش دقیق شده بود و دیده بود که روی صفحهٔ اول نوشته شده: «ابوالمحامد مظفر رازی» ولی چون صدها سال از تألیف آن گذشته بود، حروف کم رنگ و ناخوانا شده بود.

امشب دقیقاً چهل روز به سالگرد آن فقید سعید می‌ماند و ما هنوز در سوگ آن فقید علم و تحقیق سوگواریم.

خدا را به احترام مبعوث امشب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم که بر علو درجاتش بیفزاید و به فرزندان و شاگردانش توفیق عنایت کند تا تلاشهای او را به ثمر برسانند و راهش را تداوم بخشند.

شب ۲۷ رجب ۱۴۱۷

مصاحبه‌ها

مصاحبه با محقّق طباطبائی ﴿ره﴾
پیرامون شخصیت علامه امینی ﴿ره﴾

مرکز صدای جمهوری اسلامی ایران به مناسبت هیجدهمین سالگرد درگذشت علامه امینی﴿ره﴾ میزگردی پیرامون شخصیت علامه امینی و اثر جاویدان «الغدیر» ترتیب داد. از آنجا که مبحاث عمدهٔ این میزگرد توسط محقق طباطبائی ایراد شده و مطالب آن را حاوی نکات ارزنده علمی و اخلاقی یافتیم آنرا در این مقال جمع آوردیم.

علامهٔ امینی ﴿رحمه‌الله﴾ پس از آنکه به تبریز بازگشت، می‌توانست مانند بسیاری از روحانیون و شخصیت‌های دیگر در همان شهر تبریز باقی بماند و به امور مردم رسیدگی کند و بی‌هیچ دغدغهٔ خاطری به کارهای عادی خویش بپردازد، اما چه عاملی باعث شد تا علّامه از این موقعیتی که داشت دست بشوید و به نجف برگردد؟ و آن کارهای عظیمی که بعداً اشاره می‌کنیم را شروع کند؟

مرحوم علامهٔ امینی در تبریز هم به این فعالیت ها اشتغال داشت و

« شهداء الفضيلة » را در تبریز تألیف کرد و فرستاد نجف ومرحوم آقای اردوبادی در غیاب ایشان آنرا چاپ کردند. به مولا أمیر المؤمنین عليه السلام وحقانیت مذهب شیعه عشق می‌ورزید. نمی‌توانست تحمل کند صدمه‌ای، اشکالی و یا مبارزه‌ای شود.

در همان تاریخی که ایشان در تبریز بود، از همان زمان وهابی ها در تبریز ایادی ای داشته فعالیت می‌کردند و برای تبلیغات ضد مذهب وضد شیعه، جلسه‌هایی داشتند و ایشان از همان وقت با آنها مبارزه می‌کرد. ادامه فعالیتهای ایشان بالاخره منجر به مسافرت به نجف اشرف برای همیشه شد. و از وقتی هم که از تبریز در آمد دیگر هیچ به تبریز بازگشت، حتی برای مسافرت.

ضدیت وهابی ها فقط با ماست، با شیعه. نه به یهودی ها کار دارند و نه به مسیحی‌ها، تمام قوایشان را در همهٔ جهان گسترده برای ضدیت با ما و برای مبارزهٔ با ما بسیج کرده‌اند. این مبارزات از همان تاریخ که عرض کردم در تبریز هم بوده و ایشان از همان تاریخ با این معنا مبارزه می‌کرده که منجر به مسافرت ایشان شد.

ما می‌دانیم که نام علامهٔ امینی با الغدیر آنچنان درهم آمیخته که هرگاه یکی از این دو را یاد می‌کینم، بدون اراده دیگری را هم بخاطر می‌آوریم، یعنی برای شناختن عظمت علامهٔ امینی لازم است که الغدیر را بشناسیم - می‌خواستم از حضرتعالی بپرسم که اصولاً علامهٔ امینی در الغدیر چه کرده و این یازده جلد کتاب کُلاً چه می‌خواهد بیان کند؟ با توجه به اینکه بعضی از مجلدات این کتاب هنوز بصورت دست نویس باقی مانده و چاپ نشده. این مجموعهٔ عظیم بطور کلی چه هدف و پیامی دارد و چه می‌خواهد بگوید؟

این مجموعهٔ عظیم الغدیر اولاً دفاع از مظلومیت امیر المؤمنین عليه السلام است. ایشان معتقد بودند امیر المؤمنین عليه السلام از اول تاریخ مظلوم بوده و تا حالا هنوز هم مظلوم است.

و دیگر اینکه در اسلام از روز اول انحرافات و تحریفاتی شده بود و ایشان می‌خواست که با این انحرافات و تحریفات مبارزه کند و حق را ثابت کند و بخوبی هم از این عهده برآمد.

در جلد اول الغدیر ایشان از «حدیث غدیر» شروع کردند که پیغمبر در زمان خودش نص برخلافت امیر المؤمنین علیه‌السلام کرده ایشان را بلند کردند و به مردم نشان دادند ـ در برابر صد هزار جمعیتی که از مناطق مختلف اسلام برای حج با پیغمبر بسیج شده بودند. آن نقطه «جحفه» در مراجعت، نقطهٔ اختلاف بود، بطوریکه همه در آنجا بودند و در آن نقطه پیغمبر در سرِ راه ایستادند و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به خلافت خودشان نصب کرده و معرفی کردند. این را «حدیث غدیر» می‌گویند.

حدیث غدیر را ایشان از یکصد و بیست صحابهٔ پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده که آنجا شاهد بودند و دیده بودند و برای دیگران نقل کردند. و فکر نمی‌کنم که در اسلام حدیثی باشد که از صحابه، صد وبیست نفر راوی داشته باشد. و همچنین طبقات تابعین، طبقات محدثین بعد را، قرن به قرن، سال به سال، ذکرکرده‌اند تا زمان خودشان رساندند می‌توان گفت هیچ حدیثی متواترتر از این نداریم ـ نه در فقه و نه در عقائد ـ که اینقدر طبقه به طبقه و نسل به نسل از زمان ما تا زمان خود پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حدیث را روایت کرده باشند و به صد وبیست یا صد وده صحابی برسد.

بعد شروع کردند به کسانی که این حدیث را به نظم در آوردند (حدیث غدیر در ادبیات عرب). از خود امیر المؤمنین علیه‌السلام وصحابه شروع کردند بعد شعرای بعد، تابعین، که بطور ارسال مسلم و یقینی این حدیث را از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند و همین معنای خلافت را هم از آن فهمیدند و این اثبات می‌کند که معنای دیگری هم نداشته و همین معنا را هم مردم، عربها و

شعرای زمان از آن فهمیدند و قرن به قرن شعرا را نوشتند با شرح حالشان و شعرهای دیگرشان، شعرهای مذهبی آنها، شعرهای مختلف قرن به قرن تا جلد یازدهم که به قرن یازدهم رسیده.

در جلد سوم حملات ناجوانمردانه‌ای که دانشمندان با فکرهای منحرف به شیعه کرده‌اند و تهمتهایی که به شیعه زده‌اند را مطرح کرده و یکی یکی جواب داده. از «منهاج السنّة» ابن تیمیه آنچه که بر شیعه خرده گرفته وتهمت زده همه را جواب داده وثابت کرده که این خلاف است و آنچه شیعه می‌گوید، آن درست است. و یا ابن کثیر و دیگران تا می‌رسد به نویسنده‌های مزدور معاصر مصری یا غیر مصری، مثل احمد امین و دیگران، گفته‌هاشان را آورده و رد کرده و جواب داده است.

در جلد چهارم، بیشتر شعرا هستند، شرح خود شعرا است که حدیث غدیر را به نظم درآورده‌اند.

در جلد پنجم متعرض می‌شوند به ردّ بر وهابیت و عقاید آنها، و مشروعیت زیارت ائمة علیهم‌السلام و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، وخیلی خوب از عهده بر می‌آیند وآنرا ثابت می‌کند و در این جلد خیلی مفصّل راجع به این جهات بحث می‌شود، ایشان عنوانها را مطرح کرده و ازکتابهای خودشان اثبات می‌کند، و اختلافاتی که داریم حتیٰ مثل نقل جنائز و امثال آن، مشروعیت آنها را نیر ثابت می‌کنند و نشان می‌دهند آنچه که در مورد نقل جنازه‌ها در تاریخ اسلام آمده، سابقهٔ ممتد داشته و همیشه بوده است.

بعد می‌رسند به جعل حدیث که حکومت‌های منحرف، اموی‌ها و عباسی‌ها، وادار می‌کردند بنفع خودشان حدیث جعل کنند. و چقدر حدیث جعل شده است! طبق آماری که ایشان تهیه کرده اند ـ که مثلاً فلان مقدس هزار حدیث جعل کرده، فلان عالم یا محدّث سنی درباری دو هزار حدیث و...

جمعاً در حدود نیم میلیون حدیث جعلی الآن در کتابهای این آقایان موجود است. بعد حدیث های مجعول در خلافت یا مناقب دیگران را نوشته‌اند و از طرف خودشان ثابت کرده‌اند که خودشان تقریر کردند که این احادیث مجعول است و احادیث را وضع کرده‌اند!

جلد ششم مقداری از روش خلیفهٔ دوم را نوشتند ومعرفی کردند و در جلدهای دیگر، اختلافات یا انحرافاتی که داشتیم همه را مطرح کرده‌اند و بخوبی ثابت کرده‌اند که آنچه شیعه می‌گوید درست است و ادله‌شان را از کتب خود آنها (کتب اهل سنت) آورده‌اند و حقانیت مذهب شیعه را ثابت کرده‌اند.

ایشان می‌فرمودند در سفری که به هند و سوریه تشریف بردند و کتابخانه‌های آنجا را دیدند ۱۸ ساعت (در شبانه روز) کار می‌کردند و یادداشت برمی‌داشتند که الان این یادداشتها در دو جلد بنام «ثمرات الأسفار» موجود است که امید دارم انشاء الله بزودی چاپ شود.

آنجا می‌فرمودند که: دیگر مذهب ما «طاپو» شد ـ به اصطلاح عراق ـ یعنی سند مالکیت داریم که ثابت می کند که به استناد احادیث پیغمبر ﷺ و سنت رسول الله ﷺ ومآخذ و منابع اهل سنت، آنچه که ما می گوئیم درست است، قرار بر این است که در بقیهٔ اجزاء الغدیر که چاپ نشده، از آنچه که ایشان در این دو جلد یادداشت کردند و در این دو سفر آوردند، استفاده شود و در آنها منعکس شود که اگر آنها هم بطورکامل انجام شود و چاپ شود، فکر می‌کنم که یازده جلد دیگر خواهد بود.

نکته ای است پیرامون ادبیات الغدیر وآن اینکه

مرحوم شیخ محمّد رضا مظفر که از اساتید نجف بودند ومعروف بودند و صاحب کتاب أحلام الیقظه، کتابهای ایشان هم چاپ شده است مانند سقیفه، منطق مظفر و اصول مظفر، ایشان می‌فرمودند: من تعجب می‌کنم شیخ محمّد

حسین کاشف الغطاء که آبا و اجدادی عرب بود، و سرآمد ادبای عرب عصر خودش بود، و آن قلم زیبا و شیوا و معروف را دارد، یک کتاب کوچکی نوشت بنام «اصل الشیعة واصولها»، هفت عدد اشکال ادبی به ایشان کرده اند که در چاپهای بعدی مطرح است، و علامهٔ امینی که از تبریز به نجف آمده و هنوز هم لهجه‌اش ایرانی و تبریزی است، یازده جلد به آن ضخامت نوشته، یکدانه ایراد هم ندارد!!

نکتهٔ بسیار ظریفی است! حالا که صحبت پیش آمد من می‌خواستم بپرسم که علت این چه بوده؟ مرحوم علامه امینی چه شیوه‌ای رابکار گرفته بود که این قدرت را پیداکرده بوده که اگر محصلین و پژوهشگران و طلاب امروز ما بخواهند دنبال کنند، بتوانند به آن توفیق دست پیدا کنند؟

ناگفته نماند که حقاً هم باید ادای حق شود، مرحوم علامهٔ اردوبادی - میرزا محمّد علی اردوبادی - از علمای نجف بود، که ایشان بسیار ادیب و فاضل بود، و شعر هم خوب می‌گفت، و در ادبیات خیلی مسلط بود، و در لغت و ادبیات بسیار ممتاز بود، و سناً هم خیلی بزرگتر از آقای امینی بود. مرحوم آقای امینی هرچه می‌نوشت تا هنگامی که بر ایشان نخواند و ازکنترل ایشان رد نشود، به چاپخانه نمی‌فرستاد.

و خوب یادم است تا همین اواخر هم که آقای اردوبادی دیگر پیر شده بود و ضعیف، منزل آقای امینی می‌آمد، می‌خوابید و مرحوم آقای امینی برای ایشان می‌خواند و ایشان دیگر نمی‌توانست بنشیند، در حالی که خوابیده بود گوش می‌داد و تصحیح می‌کرد، یا امضاء می‌کرد، و یا ردّ می‌شد.

التبه آقای اردوبادی در جنبهٔ ادبیات این کتاب خیلی حق دارد. همچنین اگر یادداشتهایی داشتند می‌دادند، و بلکه مرحوم آقای اردوبادی در انتاج فکری ادبیات، یعنی تألیفات نیم قرن اخیر نجف اشرف، بر همه مؤلفین حق دارند.

همهٔ اینها را کمک کرده بطوریکه هرچه یادداشت داشتند می‌دادند، برایشان تصحیح می‌کردند. حتیٰ کتاب «الکنیٰ والألقاب» مرحوم شیخ عباس قمی، یکدوره از نظر ایشان رد شده و تصحیح کرده‌اند، و خلاصه خیلی کمک خوبی برای مرحوم آقای امینی بودند.

آیا یکی از علل غنی شدن ادبیات در مرحوم علامهٔ امینی و همینطور نویسندگی ایشان به زبان عربی، این نبوده که حضور دائم در کشورهای عربی داشتند؟! ما طلاّبمان امروزه حضور ندارند، اینجا در کشوری هستند که فارسی صحبت می‌کنند و فارسی می‌نویسند؛ بهمین جهت در نگارش عربی آنها ضعف وجود دارد. الان طلاب ما چه باید بکنند که بتوانند در این جهت هم قوی باشند و نه تنها مکالمه، بلکه نگارش را هم بتوانند به یك شیوهٔ خیلی عالی ارائه بدهند؟ بنظر شما چه کاری باید انجام دهند؟

همین تمرین که فرمودید یعنی مطالعه وتمرین و مراجعه. خود بنده هم الغدیر را مطالعه می‌کردم و لغاتی را که مشکل بود و نمی‌فهمیدم، مراجعه می کردم. و آن لغات هم بالأخره در الغدیر تکرار می‌شد، واین موجب شد که آن لغات حفظ من ماند، ولی متأسفانه از آن تاریخ دست به نویسندگی نزدم. اگر به نویسندگی مشغول می‌شدم و تمرین می‌کردم، خیلی بهتر از حالا می‌شد. و بعضی دوستانم که می‌پرسند، همین توصیه را می‌کنم: الغدیر را بخوانید و بکارهم ببندید ودر لغات هم حتماً برایتان مشکل پیش می آید، مراجعه کنید. این سبب می‌شود که حفظ‌تان بماند؛ و در عین حال هم باید قلم روی کاغذ ببرند، ولو توصیفی باشد مثلاً بگوید: من شمیران رفتم، جمعه تعطیلی را فلان جا گذراندم ـ وقتی برگشت به قلم بیاورد. این خود باعث می شود که بتدریج پیش برود.

قبل از علامهٔ امینی به این مسئله الغدیر و سایر احادیثی که در اثبات ولایت حضرت علی عليه السلام است، کتابهای زیادی نوشته شده بود، مثلاً «شبهای پیشاور» یا «عبقات الانوار» مرحوم میر حامد حسین، یا در همان عصر علامهٔ امینی کتابهای مرحوم شرف الدین یا مرحوم کاشف الغطاء اینها هم نوشته شده ولی اثر الغدیر چیزی بوده که قابل انکار برای هیچ نویسنده‌ای نبوده، چه مسیحی، چه از اهل سنت؛ چه تفاوتی الغدیر با نوشته های گذشتگان دارد و چه امتیازی بر آنها دارد؟

البته «شبهای پیشاور» بعد از الغدیر است و الغدیر قبل از آن نوشته شده است.

امّا همچنان که فرمودید پیش از آن هم کتابهایی در این زمینه ها بوده، ولی وفور کتاب ـ در اثر چاپ کتابهایی که در دسترس نبوده ـ و مخصوصاً روش ایشان که جلد و صفحه را معین می‌کرد موجب امتیازکار ایشان شد.

ایشان به دو کتاب در اثبات امامت خیلی اظهار علاقه می‌کرد و اهمیت می‌داد. یکی «عبقات الانوار» بود. از این کتاب خیلی تجلیل می‌کرد. و یکی «ضیاء العالمین» مرحوم ابو الحسن فتونی بود، جدّ صاحب جواهر، و می‌گفت مثل اینها تاکنون نوشته نشده است.

ولی این کتابها همه مربوط به قبل از چاپ کتاب بود، بنابر این، جلد وصفحه را تعیین نمی کردند، یعنی آدرس صحیح در دست نبود. و مراجعه یك مطلب در مأخذ زمان بسیار می‌برد این امتیاز راکتاب الغدیر داردکه هم منابعش خیلی بیشتر از آنهاست و هم جلد و صفحه و جایش را مشخص می‌کند.

اما هم از خود مرحوم آقای امینی شنیدم و هم از کتابدار کتابخانهٔ شوشتری‌ها، می‌فرمودند ـ آقای امینی می‌فرمودند: من می‌رفتم کتابخانهٔ حسینیهٔ شوشتری‌ها مطالعه می‌کردم. بعد دیدم این مقدار وقتی که جهت مراجعه برای

خواننده‌ها تعیین شده ، مثلاً از صبح تا ظهر ، کافی نیست با متصدی آن کتابخانه قرارگذاشتیم که من بروم آنجا ۲۴ ساعته باشم ودر را بر من ببندد . یک مقدار نان با خودم می‌بردم و وقتی که کتابخانه تعطیل می‌شد ، در را می‌بست و من می‌ماندم ، چون تصمیم گرفته بودم تمام کتابها را مطالعه کنم و یادداشت بردارم ، و ماندم و همین کار را ادامه دادم تا همه را مطالعه کردم و یادداشت برداشتم .

تصادفاً متصدی همان کتابخانه هم یک وقتی ، بمناسبتی همین مطلب را گفت که آقای امینی آمد و قرارگذاشته بود که من در را به روی او ببندم ایشان ۲۴ ساعته اینجا باشد ، و تمام کتابخانه را مطالعه کرد و یادداشت برداشت .

مرحوم کاشف الغطاء یک وقتی از ایشان بمن گله می‌کرد می‌فرمود : آقای امینی آمد و ازکتابخانهٔ ما استفاده کرد ، کتابخانهٔ ما را ریز ریز کرد ـ تعبیر ایشان این بود ـ کتابهای ما را ریز ریز کرد ولی وقتی الغدیر را چاپ کرد ، یک نسخه برای کتابخانهٔ ما نفرستاد ! و از خود آقای امینی باز شنیدم که دربارهٔ کتابخانهٔ شخصی مرحوم شیخ محمّد رضا فرج الله ، که کتابی هم در الغدیر دارد باعنوان « الغدیر فی الاسلام » که در نجف چاپ شده است ، نوع منابع و مآخذ را ایشان دارد ـ به تعبیر آقای امینی ـ. وایشان می رفت آنجا ، کتابخانهٔ شخصی شیخ محمّد رضا فرج الله و استفاده می‌کرد و یادداشت بر می‌داشت . یک وقت از ایشان شنیدم در آن وقتها که می‌فرمودند : من تا حالا ۲۰ هزارکتاب مطالعه کرده ام .

همانطور که شما فرمودید علامهٔ امینی ساعات بسیاری از شبانه روز را به کار تحقیق و تألیف می‌پرداختند . این سؤال ممکن است پیش بیاید که آیا ایشان به کارهای عبادی خود هم می‌رسیدند ؟ علاوه براینکه خود این کار ، یک کار عبادی بوده ولی به سایر مسائل‌شان می‌رسیدند ؟ و آیا نمونه‌ای و شاهدی شما در این مسئله بخاطر دارید ؟

ایشان علاوه بر این ، به کارهای عبادی خودشان می‌رسیدند و به

مستحبات، قرائت قرآن، زیارت ائمه ... می‌پرداختند. و ایشان مکرّر می‌فرمودند که: این الغدیر ما را از انسانیت انداخت. یعنی از دید و بازدید، آن چیزهایی که در میان دوستانشان متعارف است محروم بودند و جائی نمی‌رفتند و به این شکل اعتزال می‌کردند و از این جهت، از این قسمت‌ها کم می‌کردند.

چه عنایتهایی از ناحیهٔ مولا علی علیه‌السلام و همچنین سایر ائمه به ایشان شده که ایشان اینقدر توفیق پیداکرده اند،کم نیست اینهمه منابع را مرحوم علامه در پاورقی‌های نوشته‌هایش ذکر می‌کند و اینهمه کتاب را ـ ۲۰ هزارکتاب همانطور که شما فرمودید ـ از ابتدا تا انتها مطالعه کردند برای این همه توفیق مسلماً باید عنایتی شده باشد.

تازه بعد از اینکه در سنین اخیر تعداد زیادی کتاب چاپ می‌شد و می‌آمد، ایشان مکرر می‌فرمودند که باید مطالعهٔ کتاب را از سرگرفت، کتابهای جدید که آمده! و من خوب در نظر دارم مرحوم آیة الله العظمیٰ میرزا عبدالهادی شیرازی رحمة الله علیه در تقریظی که بر الغدیر نوشته اند، نکتهٔ جالبی را تذکر داده اند. فرمودند: «اگر ایشان در میان ما در نجف نبود ودر دیدگاه ومنظر خودمان نبود، الغدیر که از چاپ بیرون می آمد، فکر می کردیم کار گروهی است، کار یک سازمانی است، کار یک نفر نمی‌تواند باشد! و ایشان به تنهایی کار یک گروه و سازمان را کرده است!

ظاهراً در چاپ کردن الغدیر هم ایشان به زحماتی افتاده بودند؟!

آن زمان که بعد از جنگ بود و کاغذ کوپنی بود تهیه کاغذ خیلی سخت بود ایشان فرمودند: من برای تهیهٔ کاغذ به بغداد رفتم و در حرم با مرحوم شیخ محمّدرضا مظفر ملاقات کردم به من گفت: برای چه آمدی؟ گفتم: برای کاغذ. گفت: چقدر کاغذی می‌خواهی؟ گفتم: سیصد بند کاغذ می‌خواهم. ایشان فرمود: من با همهٔ روابطم پانزده بند کاغذ می‌خواهم برای السقیفه ـ السقیفه را

ایشان می‌خواست چاپ کند ـ و الان یک ماه است که دارم دوندگی می‌کنم و هنوز دستم به جایی نرسیده است! ایشان (مرحوم علاّمه) فرمودند: من فردا می‌روم. **ما ارباب داریم.**

ایشان فرمودند: من رفتم مرکز این کار. مسئول آنجا از من پرسید: چقدر کاغذ می‌خواهی؟ گفتم: سیصد بند. گفت اینجا تحویل می‌گیری یا به نجف بفرستیم؟ گفتم: اگر به نجف بفرستید که خیلی بهتر است. من آدرس چاپخانه را دادم و پولش را پرداختم و بیرون آمدم. بعد به آن آقا اعتراض شده بود که سیصد بند یکجا چطور کاغذ دادی؟! او گفته بود که: «این آقا وقتی جلوی من قرار گرفت و می‌آمد، بمن حالتی دست داد که اگر هر چه کاغذ می‌خواست، من بایستی می‌دادم و ایشان سیصد بند خواست و من هم سیصد بند دادم.

بله، این هم یکی از عنایات مولا علی علیه‌السلام بود. نمونهٔ دیگری اگر بخاطر دارید بفرمائید.

از این نوع زیاد بوده، ولی خوب ما کمتر می‌دانیم.

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

معمولاً کسانی که چیزهایی دارند، نمی‌گویند. ممکن است خیلی بوده و ایشان نمی‌گفتند.

در تهیهٔ منابع و مآخذ ایشان دچار مشکل نمی‌شدند؟

خیلی زیاد، و یك کتابخانه‌ای راکه اسم نمی‌برم، چون ایشان با بی‌توجهی به کتاب، مطالعه می‌کردند ـ بعضی‌ها خیلی مقیّد بودند که کتاب چگونه باید باز شود و رعایت شود و... ـ و آن رعایت لازم را نمی‌کردند، عذر می‌خواستند و آقای امینی را برای مطالعه نمی پذیرفتند. بعد ایشان فرمودند که: یک کتابی [1]

---

(۱) عنوان کتاب: الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم تألیف الشیخ زین الدین ابی محمد علی بن یونس العاملی النباطی الباضی متوفی ۸۸۷ هـ.

آنجا بود که من احتیاج داشتم و راهی هم نداشتم، به ایشان (مسئول کتابخانه) گفتم و ایشان اول نپذیرفت، و از ناراحتی به حرم مشرف شدم. عرض کردم: یا آقا امیرالمؤمنین! شما مظلوم بودید، حالا هم مظلوم هستید. حتیٰ شیعه‌های شما هم به شما ظلم می‌کنند! من در خدمت شما هستم، می‌خواهم کاری بکنم بمن کمک نمی‌کنند، همکاری نمی‌کنند!؟. به دلم افتاد بروم به کربلا. از حرم بیرون آمدم، سوار ماشین شدم و رفتم کربلا. وارد شدم ـ ایشان به مشاهد مشرفه که وارد می‌شدند اول به حرم می‌رفتند بعد به جاهای دیگر ـ از ماشین پیاده شدم رفتم حرم. یکی از منبری های کربلا بغل دست من نشسته بود، بعد از سلام نماز گفت: آقای امینی، من چند کتاب دارم که فعلاً مورد حاجت من نیست. شما بیائید منزل ما ببینید اگر به درد شما می‌خورد هر کدامش را که لازم داشتید، ببرید. از حرم بیرون آمدیم، رفتیم منزل ایشان، کتابها را آورد. اول کتابی را که دست کردم برداشتم دیدم همان کتابی است که من می‌خواستم و آن آقا نپذیرفت!! و خطی بود، نسخهٔ بهتر و کامل‌تری بود! وچند کتاب دیدم که مورد استفادهٔ من قرار می گیرد از ایشان اجازه گرفتم، و به منزل آوردم و استفاده کردم و بعد برگرداندم.

چیزی که خودم شاهد بودم وعجیب بود این بود که یك روز بنده و آقای سیّد مهدی خرسان ـ که از دوستان فاضل نجف ما است ـ بر ایشان وارد شدیم. ایشان فرمودند که «لعب أبی بکرٍ بالقمار» فلان کتاب صفحهٔ چند، من یادداشت دارم ولی، نصش را می‌خواستم، خود عبارات را می‌خواستم و پیش همان آقا است (که نمی توانست برود کتابخانه اش). یکی از شماها بروید و عین عبارت را بنویسید و این، صفحه‌اش مشخص است، چاپش هم مشخص است. بنویسید و برای من بیاورید.

آقای سیّد مهدی ملتزم شد این کار را بکند. بعد از دو روز فاصله، یا شاید

یک روز رفتم خدمتشان دیدم خود کتاب روی میز ایشان است . عرض کردم : این آقای سیّد مهدی خرسان خود کتاب را برای شما آورد ؟ فرمودند : نه ، شیخ أسد حیدر ـ مؤلف الامام الصادق عليه السلام والمذاهب الأربعة ـ دیروز آمد منزل ما و این کتاب دستش بود و گذاشت گفت این باشد خدمت شما ، شاید لازم بشود . همان کتاب که ایشان احتیاج داشت همان را شیخ اسد حیدر برده بود خدمتشان که خود ایشان عبارت را نقل می‌کند که در جلد هفتم هم چاپ شد .

در مورد اثرات الغدیر در جهان امروز ، در جهان عرب زبان امروز ، اگر نکته ای به نظرتان می‌رسد بفرمائید .

مرحوم آقای امینی می‌فرمودند : یك سفر رفتم خدمت آیة الله بروجردی ، ایشان فرمودند که : « الغدیر » شما برای گروهی نفع داشت ، برای گروهی ضرر . عرض کردم : شما ازکدام قسم هستید ؟ فرمودند : برای من ضرر داشت ! ، وگروه زیادی در سوریه و لبنان در اثر این کتاب شیعه شدند و بعضی‌ها پیشنماز مسجدی بودند که از اوقاف ماهیانه داشتند یا امثال اینها که کارمند بودند اینها را اخراج کردند . آقای شرف الدین به من نامه نوشته که اینها را اخراج کردند ، شما برای اینها ماهیانه قرار بدهید ، وما ماهیانه قرار داریم . ایشان می‌فرمودند که برای من ضرر داشت . این کتاب در همان وقت اینقدر اثر داشت !

یکی از مسائل که در اینجا مطرح است این است که علامهٔ امینی شیوهٔ کارشان چگونه بود ؟ چطور تحقیق می‌کردند و چطور یادداشت برمی‌داشتند ؟

ایشان کتابها را مطالعه می کردند دفتری داشتند وآنها را یادداشت می‌کردند . گاهی کتاب کتاب ، گاهی موضوع موضوع . یک موضوعی را عنوان می‌کردند ، بعد مدارکش را ، جلد وصفحه را آنجا معین می کردند .

و از چیزهایی که همین اواخر دیدم « ثمرات الأسفار » بود که عرض کردم . از قبلی ها دو جلد ضخیم بود بنام « ریاض الانس » آنهم چاپ نشده که بعد ایشان

به پاکنویس الغدیر که مبادرت می کردند از آن یادداشتها استفاده می‌کردند و منظم می‌کردند.

آیا ایشان از روش نوین تحقیق، فیش وفیش بندی و جمع‌آوری اسناد و مدارک استفاده کرده بود؟

خیر، از روش فیش برداری استفاد نکردند. نه ایشان ونه شیخ آغا بزرگ با آنهمه معلومات و اطلاعات که جمع کرده و ردیف کرده و به هم ضمیمه کرده بود، هیچ کدام فیش نبوده!

علامهٔ امینی علاوه بر این «الغدیر» و«شهداء الفضیلة» که اشاره شد وهمینطور «ثمرات الأسفار» که فرمودید، ظاهراً آثار دیگری هم دارند. آیا بخاطرتان هست؟

آنچه الآن بنظرم هست «المطالب العالیة» است که ایشان در مباحث اعتقادی نوشته بودند ـ و خیلی هم برای این کتاب ارزش قائل بودند. خود ایشان خیلی تعریف می کردند و اهمیت می‌دادند، و مدتها هم گم شده بود که اخیراً باز پیدا شد، و آنهم قابل چاپ است انشاء الله بتوفیق الهی چاپ شود.

چرا بقیهٔ مجلدات الغدیر چاپ نشده است؟ چون شنیده ایم که شانزده جلد بوده ویا بنا به قولی بیش از این، ولی تنها یازده جلد چاپ شده و بقیه‌اش بصورت دسنویس باقی مانده است. علتش چیست؟

سفر آخری که آقا زادهٔ ایشان آقای حاج آقا رضا امینی به قم آمده بود وظهر منزل ما بود همین صحبت شد، ایشان می‌فرمودند که اینها نجف مانده و اصلاً اینجا نیست.

از کتابهای ایشان «سیرتنا وسنّتنا» هم بوده که اینجا مثل اینکه ذکری نشد، راجع به این هم جنابعالی افاضاتی دارید بفرمائید.

در سفری که ایشان به حلب رفته بود و از کتابخانه‌های آنجا استفاده

می‌کرد ، ایشان فرمودند که : کسی از من پرسید شما چرا اینقدر در حبّ اهل بیت مبالغه می‌کنید ؟! اهل بیت را ما هم دوست داریم ، شما هم دوست دارید ، شما زیاده‌روی می‌کنید ؟! و ایشان با او وارد صحبت شده بود . و بعد که ایشان از سفر برگشتند ، همان مباحثه ومناظره را منظم کردند ومفصّل ، البته دقیق تر ، بیشتر و با منابع بیشتر و بصورت کتابی در آمد بنام « سیرتنا وسنتنا » مکرر چاپ شده و ترجمه هم شده است .

و یکی هم « السنة والسیرة » است که این بخش رد وهابی جلد پنچم الغدیر است که عرض کردم در مورد زیارت وجهات دیگر است . این بخش ـ که همان است که در جلد پنچم بود ـ بصورت جدا و مستقل چاپ شد .

و دیگر « تفسیر سوره فاتحة الکتاب » است . چون ایشان در نجف درس تفسیر داشتند ، در منزل تفسیر می فرمودند ـ قبل از نگارش الغدیر که من درک نکردم ـ الغدیر را هم خیلی وقت پیش تألیف کرده اند . چون مرحوم شیخ عباس قمی که در سال ۱۳۵۹ فوت کرده اند ، مرحوم آقای امینی مکرّر می‌فرمودند که : آقای شیخ عباس میل داشت این کتاب چاپ شود وببیند و می‌گفت : چرا الغدیر را چاپ نمی کنی ؟ من دلم می خواهد ببینم ! که از همان وقت آماده بوده وایشان مشغول بوده اند ! و تفسیر سورهٔ فاتحه ، آنهم در ایران به چاپ رسیده است ، ترجمه‌اش هم چاپ شده است .

و ایشان می فرمودند که : یک دوره « وسائل » را من زحمت کشیدم تصحیح کردم . رجالش را ، اسنادش را ومتونش را ، خیلی با دقت زیاد تصحیح کردم . در خانهٔ ارزان قیمت قدیمی ـ کلنگی به اصطلاح فارسی ـ بودم ، متأسفانه آن کتاب را موریانه خورد .

آیا خودتان در تصحیح یا استنساخ الغدیر نقشی داشتید ؟

در استنساخ یک مقداری کمک . گاهی یک رجالی را ایشان می گشتند

شرح حالش را پیدا کنند در رجال اسناد یا امثال اینها، یک مقدار معطل می شدند و پیدا نمی‌کردند، به من می‌دادند و می‌گفتند با فرصت بیشتری من بگردم و پیدا کنم و در اختیارشان قرار بدهم و ایشان مشغول کارهای مهم تری می‌شدند. **در جمع‌آوردی مدارک شاگردان و دستیارانی نداشتند و یکتنه عمل می‌کردند.**

از سفرهای ایشان به کشورهای مختلف، هندوستان وجاهای دیگر، چیزی بخاطرتان هست؟

سفرهای ایشان زیاد نبوده، سفرهای حج بوده مکرر، واخیراً سفری به هندوستان رفتند چهار ماه طول کشید وبه کتابخانهٔ رامپور در منطقهٔ رامپور که پادشاه شیعه بود وکتابخانهٔ غنی‌ای داشت. تشریف برده بودند و وارد بر خود ملك رامپور شده بودند، زمان رضا پدر پادشاه فعلی. وعرض کنم که مدیر کتابخانهٔ سلطنتی آنجا کسی بود بنام امتیاز علی عرشی که «إسناد نهج البلاغه» را نوشته که چاپ شده است، یک سُنی متعصب هم بود وخیلی متکبّر، در برخورد اول با آقای امینی با اینکه مهمان خود آنها بوده، بر خورد خوبی نداشته و گفت که: حاج آقا رضا ـ آقا زادهٔ ایشان ـ بمن گفت که مثل اینکه اینجا کارمان به سختی می کشد! گفتم: خوب، **ما هم ارباب داریم**. بعد ایشان کتابهایی را که شماره هایش را یادداشت کرده بود، طلبید. وقتی کتابهای خطی را برای ایشان آوردند خطی های کهنه ومهم که جای دیگر کمتر هست ـ ایشان فرمودند که آوردند من نگاه کردم، دیدم اشتباه است، چیز دیگر است این کتاب نیست به علی عرشی گفتم که این مثلاً تفسیر سفیان ثوری نیست. او همانطور با تبختر گفت: تا حالا که تفسیر سفیان ثوری بوده! من گفتم: خوب از این ببعد می خواهد تفسیر سفیان ثوری نباشد. بعد گفت: خوب اگر اشتباه است پس چیست؟ ایشان فرمودند من مراجعه کردم صحیحش را گفتم: این کتاب است. یکی دیگر را آوردند باز اشتباه درآمد گفتم: آقا این اشتباه است، این کتاب نیست. گفت: پس چی است؟ دقت

کردم از مشایخ إسنادش فهمیدم ،گفتم : این معانی الأخبار کلا باذی است . سوم ، چهارم ، همینطور دنبال هم اشتباه در آمد ، و این موجب شد که او خضوع کند ! و امینی را شناخت وتسلیم شد . بعد گفتند که به او گفتم : مدت کتابخانه که برای مردم باز می‌شود چقدراست ؟ مثلاًگفت شش ساعت . گفتم : من از جاهای دور آمدم و ماندن من در اینجا خیلی محدود است ، این مقدار وقت بدرد من نمی‌خورد . او گفت : چقدر وقت می‌خواهی ؟ گفتم : چهارده ساعت گفت : اشکال ندارد . من یک نفر را معین می‌کنم از فردا که شما در بزنید ، در را بازکند وچهارده ساعت اینجا تشریف داشته باشید . گفتند ، رفیتم منزل و فردای آنروز برگشتیم و در زدم دیدم خودش آمد و در را بازکرد گفتم که : پس خوب است من کسی راکه برای بازکردن معین کردید بشناسم ؟گفت : آقا خودم هستم در اختیار شما !

نوشته اند که ایشان به سوریه وحلب هم مسافرت کرده اند ؟

بلی ، سفر هایی که من رفتم به سوریه وحلب درکتابخانۀ ظاهریه ، خیلی کتابهای قدیمی ارزنده ای بود وایشان آن وقت ، تابستان ایران بود ، نامه های مکرر خدمت ایشان نوشتم که : ضرورت داردکه شما به اینجا تشریف بیاورید . و می‌دانستم چه چیزی جلب توجهشان می‌کند همان را می‌نوشتم ،کتابها را مرتب می نوشتم که فلان کتاب هست به فلان تاریخ ، فلان کتاب هست به این مشخصات ، خصوصیت مقروّ بر مشایخ ، و کتابهای متعدد را اسم بردم وبرای آمدن تشویقشان کردم . وقتی به نجف رفتم ایشان از ایران به نجف برگشته بود ، فرمودند که : من تصمیم گرفتم سال دیگر بروم به سوریه ، وتشریف بردند .

« والحمد لله ربّ العالمين » .

مصاحبه سیمای جمهوری اسلامی ایران
با محقق طباطبائی
پیرامون شخصیت شیخ آقا بزرگ تهرانی

بنده در نجف اشرف متولد شدم و در سن ۵ سالگی بودم که ایشان از نجف به سامرا منتقل شدند و در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی بودم که با ایشان آشنا شده و تقریباً در همین خط کتابشناسی افتاده بودم، و تقریباً ۲۵ سال با شیخ آقابزرگ معاشر بودم و استفاده می‌کردم. بعد هم تصادفاً منزل ما همسایه ایشان - در دو طرف کوچه روبروی هم - بود. در بزرگواری و اخلاق و حوصله و صبر و تحمل مردم و سلامتی نفس من برای ایشان نظیر ندیدم. گاهی فکر کردم که ایشان این حالت را دارد که اگر کسی از او کتابی بخواهد و پس از استفاده کتاب را جلوی چشم او بسوزاند و کتابی دیگر بطلبد او می‌دهد! تا این اندازه ایشان با مردم خوب رفتار می‌کرد و خوشبرخورد بود. افراد مختلف در رشته‌های مختلف می‌آمدند از ایشان سؤالاتی می‌کردند ایشان راهنمایی می‌کردند. گاهی چیزی

راجع به مطلب تاریخی می‌پرسیدیم ، ایشان به جایی از کتابخانهٔ خودشان خیره می‌شدند و نردبان سنگینی داشتند که با کهولت سن ، پیرمرد نردبان را آورده و کتاب را برای ما می‌آورد و مطلب را باز نموده و دقیقا ارائه می‌داد و به کسی نمی‌گفت کتاب فلان جاست این مطلب را دارد بیاور بخوان ...

در این مدت خیلی به نجف و فرهنگ تشیع و مؤلفین و قلم بدستان خدمت کرد . خود ایشان رحمة الله علیه با آن نیروی توانا ۹۰ سال قلم به دست داشت و تاریخی را زنده کرد و آنقدر اطلاعات و معلومات تاریخی را ایشان از گوشه و کنار اسناد و قباله‌جات و کتابهای خطی ، در دو طرف کتابهای خطی ثبت و استخراج کرد که اگر ایشان نبود ، تمام این اطلاعات از بین رفته بود و ما در اختیار نداشتیم .

ایشان حق بزرگی بر تاریخ اسلام و تشیع و علمای شیعه دارند که هنوز قدر ایشان شناخته نشده ، هر چه روزگار پیش برود قدر ایشان بیشتر شناخته می‌شود .

در بزرگواری شیخ آقا بزرگ متحیر می‌شوم . متدین و باورع و تقوا و زاهد در دنیا ، و مرد ملا و فاضلی بود . وی اساتید بزرگی را درک کرده بود ، مثل مرحوم آخوند خراسانی و آقای آیةالله سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه ، شیخ الشریعه اصفهانی و سید عبدالهادی شیرازی . ایشان مدتها در حوزه نجف و در حوزه سامرا مدرس بود و بعد دست به تألیف گذاشت و از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۸۹ این ذریعه و طبقات اعلام الشیعه در دست تألیف ایشان بود . هرچه اطلاعات پیدا می‌کرد می‌افزود . چه بسا علمایی را نوشته بود و بعد آقازاده آن عالم که مرده بود از شیراز و تبریز و ... به نجف می‌آمد و شیخ آقا بزرگ با ایشان برخورد می‌کرد و اطلاعات دقیق را از آن آقازاده می‌گرفت ، مثل تاریخ تولد و خصوصیات راجع به پدرش . این اطلاعات را بدین ترتیب بدست آورد و برای ما ثبت کرد .

ایشان در مطالعه خیلی پرحوصله بود . شیخ قاسم محی‌الدین کتابخانهٔ

خطی خانوادگی برای خود داشت . خود شیخ قاسم برای من نقل کرد که شیخ آقابزرگ آمده بود در کتابخانهٔ ما چند روزی ماند و همه کتابخانه را مطالعه کرد و من شام و ناهار برای ایشان می‌بردم و بعد می‌دیدم ایشان کم غذا خورده . می‌گفتم : چرا کم می‌خورید، تعارف می‌کنید یا اشتها ندارید ؟ می‌فرمود : اشتها دارم ولی می‌خواهم کم بخورم ،کم احتیاج به آب پیداکنم تا وقت من تلف نشود و اینجا حد اکثر استفاده را از مدت کم خود داشته باشم !

ایشان چنین بزرگواری بود که در طول ۹۰ سال با این پرکاری خدمت کرد . ایشان تا یک ماه قبل از فوت که ضعف بر ایشان عارض شده بود قلم از دستش نیافتاد و چون ۹۷ سال سن داشت ، اگر از ۷ سالگی قلم به دست گرفته باشد تا ۹۷ سال ، می‌توان گفت ۹۰ سال قلم به دست ایشان بود و خدمت کرد . خداوند انشاءالله روحش را شاد کند و با ائمه طاهرین محشورش نماید .

آخرین سفر ایشان در سال ۱۳۸۳ برابر ۱۳۴۲ شمسی بود که به ایران برای زیارت و دیدار ازکتابخانه‌های شخصی و خصوصی آمدند و به مشهد و اصفهان رفتند و یادداشتهای ارزنده‌ای برداشتند و پس از بازگشت به نجف در کتاب ذریعه‌شان وارد نمودند .

سفرهای ایشان متعدد بوده و در خود عراق به شهرهای مختلف زیاد تردد داشتند . به زیارت کربلا و در همهٔ مناسبات به زیارتهای مخصوص می‌رفتند و شبهای جمعه را معمولا روانه کربلا می‌شدند . عصرهای پنجشنبه را به وادی‌السلام سر قبر پدرش و جدش می‌رفت و بر اثر این زیارتهای بسیار زیاد پیاده‌روی می‌کردند و با همین راه رفتن سلامت خود را حفظ کرده بود .

شبهای چهارشنبه را به مسجد سهله می‌رفت ـ مسجدی که مثل مسجد جمکرانِ اینجا بود ـ و نماز جماعت را در آنجا می‌خواند . تمام مردمی که آنجا بودند به ایشان اقتدا می‌کردند .

بی‌مناسبت نیست بگویم در طول سالیان دراز مساجد بسیار را احیا نمود. در هر مسجد متروکه‌ای که ایشان می‌رفت، آن مسجد آباد می‌شد و تعمیر می‌شد و تردد مردم به آن مسجد زیاد می‌شد. بعد از مدتی چون مسجد سهله دور بود در مسجد شیخ طوسی نماز جماعت می‌خواند که باعث شد آن مسجد آباد شود و پر تردد. بعد از چندی آن مسجد هم برای ایشان دور بود و نماز جماعت را به مسجد طریحی، صاحب مجمع البحرین، که مسجد متروکه و خرابه‌ای بود انتقال داد که به برکات قدوم ایشان تعمیر و آباد شد. تا مدتی نماز جماعت در این مسجد برپا بود، تا آنکه ایشان حتی تا آنجا هم نمی‌توانستند بروند.

من در آن تاریخ کتابهای خطی کتابخانهٔ امیرالمؤمنین را فهرست می‌کردم که فهرست آن اکنون نزد من است. بعضی کتابها را نمی‌توانستم تشخیص بدهم که اسم کتاب چیست و یا مؤلف آن کیست. به علامهٔ امینی که مؤسس کتابخانه بود گفتم: «اجازه می‌دهید نسخه‌ای را که نمی‌توانم تشخیص بدهم ببرم پیش آقا بزرگ تا مشکل را حل کنند؟» قبول کرده گفتند: «ببر اما شب نماند و عصر برگردان». خوب، منزل ما که روبروی منزل شیخ آقا بزرگ بود، به خانه که می‌رفتم کتابها را خدمت ایشان می‌دادم. بعد، عصر که می‌شد می‌رفتم نزد ایشان، کتاب را درمی‌آورد، می‌دیدم اسم کتاب را شناخته، اسم مؤلف را شناخته و خصوصیات آن را با خط ریز خودش نوشته. بعد ایشان نشان می‌داد که من به این ترتیب و به این وسیله، سرنخ را از اینجا و آنجا بدست آوردم و به این راه کشف مجهول شد.

دقیقاً دستم بگرفت و پابپا برد و تطبیقی به من فهرستنگاری و نسخه‌شناسی را آموخت. به همین صورت ۲۵ سال در خدمت ایشان بودم. حق بزرگی به گردن من دارند. رحمة الله علیه رحمة واسعة.

از خود ایشان شنیدم که سفری به ایران آمده بود، شاید ۱۳۱۰ یا ۱۳۱۲.

آن وقتها سید نصرالله تقوی کتابخانهٔ بسیار بزرگ و خوبی داشت که الان به کتابخانهٔ مجلس منتقل شده . در آن تاریخ رئیس مجلس تمیز بود و خیلی مرد متنفذ و مقتدر و کتابشناس عالمی بود . او دعوتی از شیخ آقا بزرگ به عمل می‌آورَد - دعوتی آبرومند با سفره‌ای رنگین . عده ای از جمله حاج عموی شیخ آقا بزرگ که از تجار محترم بازار بود بر سر سفره حاضر بودند . حاج عمو وقتی عنایت آقای تقوی را به من دید به من گفت : « من ۵۰۰۰ تومان از کسی طلب دارم و زورم نمی‌رسد از او بگیرم . این پول را من به شما می‌دهم تا ذریعه را چاپ کنید . شما به آقای تقوی بگوئید ، ایشان می توانند پول را وصول کنند » . در آن تاریخ این ، پول زیادی بود ، بطوریکه می‌شد حتی با آن یک چاپخانه خرید . من به آقای تقوی گفتم و ایشان توانست پول را بگیرد و به من بدهد .

شیخ آقا بزرگ مبلغ را به نجف آوردند و با آن یک چاپخانه هم خریدند. بعد اهل صنف و چاپخانه‌چی ها معارضه کردند و با اذیت به عنوان اینکه ایشان ایرانی هستند و بیگانه و نمی‌توانند در عراق فعالیت داشته باشند از چاپ ذریعه جلوگیری کردند . سه جلد از ذریعه در عراق در چاپخانه‌ای دیگر چاپ شد و بعد از آن که پسر ایشان برای تحصیل دانشگاهی به ایران آمد ، از جلد ۴ به بعد را پسر ایشان در ایران چاپ کردند .

ایشان به ایران مکرر آمدند و کتابخانه‌ها را خوب دیدند و مخصوصاً از کتابخانهٔ آستان قدس به دقت بازدید کردند ، که در آن تاریخ کتابخانه آبرومندی بود . البته هنوز در آن زمان کتابخانهٔ دانشگاه و کتابخانهٔ مرعشی نبودند . سفری به حج در سال ۱۳۶۲ ق. مشرف شدند که از آنجا به مصر رفتند . در این سفر از کتابخانه‌ها بازدید کردند و دانشمندان مصر و حجاز را ملاقات کردند .

در مورد علت تألیف الذریعه باید بگویم جرجی زیدان وقتی تاریخ ادبیات عرب را نوشت نسبت به شیعه بسیار کوتاه آمد و بعد به ایشان گفتند : در قسمت

شیعه بسیار ضعیف کار کردی . گفته بود : نه مگر شیعه کتاب دارد و مگر شیعه دانشمند و مؤلف دارد . پس ایشان تصمیم گرفت فهرستی برای آثار شیعه بنویسد و ایشان بحمد الله توانستند در ۷۰ سال با نبود وسائل و فهرست و کتابخانه ۲۹ جلد فهرست کتابهای شیعه را بنویسد و عالمانه و محققانه و بسیار خوب کار کرد و کارش ، مورد استفاده همهٔ بعدی‌ها است ، از بروکلمان و سزگین و همهٔ مستشرقین .

الذریعه از جلد ۴ به بعد در ایران بدست پسر ایشان علینقی منزوی افتاد و او از پیش خود کتابهایی را داخل در الذریعه کرد که نمی‌باید می‌کرد و مطالبی اضافه کرد که نمی‌بایست اضافه شود ، و من از خود شیخ آقابزرگ رحمة الله علیه شنیدم که فرمود : « من به علینقی گفتم تو هرچه می‌خواهی در ذریعه بنویسی بنیوس ، آزادی . ولی به عنوان پاورقی بنویس که معلوم باشد از توست و کار من و تو جدا باشد » .

علینقی منزوی به همین شکل هم در جلد چهارم به صورت پاورقی اضافاتی دارد اما در جلدهای بعد ، در خود متن ذریعه زده و قاطی کرده و خراب کرده .

اینها باید از ذریعه جدا شوند و من یک تهذیب بر ذریعه‌ای مشغول شدم و جلد اول آن در حال تکمیل است . انشاءالله اگر دوره شود و چاپ شود ، ذریعه مهذب و پاکیزه و خوبی خواهد شد . همچنین دنباله ذریعه را گرفتم ، کتابهایی را که در ذریعه نیامده ، آنها هم زیادند ، تألیفات بعدی ، آنها را هم مشغولم که تابحال حدود ۱۱۰۰۰ فیش نوشته‌ام.. همچنین بر طبلقات اعلام الشیعه ایشان من حاشیه و اضافات دارم و آنچه را که ایشان ننوشته‌اند مشغول یادداشت هستم .

از خاطراتی که با ایشان دارم یکی اینکه زمانی ایشان مریض بودند و من رفتم عیادت ایشان . پیش پای ایشان نشستم و احوال‌پرسی کردم . یک مرتبه با

تندی فرمودند : « چرا حمد نمی‌خوانی ؟ » چون دستور داریم که برای مریض هفت تا حمد بخوانند ، خدا شفا می‌دهد .

گفتم : « الان می‌خوانم » و شروع کردم به خواندن . ایشان هم با من می‌خواندند . و همان بود و همان ! همانجا شفا پیدا کردند و کسالت تمام شد پاشدند .

ایشان ذریعه و طبقات اعلام الشیعه را با چه خون دلی می‌نوشتند و چاپ و بسته‌بندی می‌کردند و برای تمام کتابخانه‌های دنیاپست می‌کردند . یکی از کتابهای ایشان تازه چاپ شده بود . بسته‌بندی شده و آدرس هم روی آنها نوشته شده بود ولی مدتی بود می‌دیدم زیر تخت ایشان است و نمی‌فرستند پست . نوکری داشتند به نام مشتی محمد . من گفتم : « اگر مشتی محمد نمی‌تواند اینها را به پست ببرد ، من حاضرم می‌توانم ببرم » . فرمودند : « نه بگذار باشد » . مدتی همینطور بود و بعد بردند و پست کردند . بعدها فهمیدم ایشان پول پست کتابها را هم نداشتند . علمای ما اینگونه زندگی کردند و فقر و تنگدستی را تحمل کردند . خدا جزای خیرشان بدهد .

برجستگی کاشف الغطاء
در حوزهٔ نجف اشرف

گفتگو باعلامه محقق طباطبائی منتشر شده در «آوای بیداری» ویژه‌نامهٔ روزنامهٔ جمهوری اسلامی در اردبهشت سال ۱۳۷۲.

علامه کاشف الغطاء از شاگردان و اصحاب نزدیک و وصی آیت الله سید محمّد کاظم طباطبائی یزدی صاحب «العروة الوثقیٰ» بود و اولین کسی بود که بر این کتاب نفیس، شرحی مفصل نگاشت. برای آگاهی از ارتباط کاشف الغطاء با استادش، سئوالاتی را در محضر حجت الاسلام و المسلمین سید عبد العزیز طباطبائی از نوادگان مرحوم سید مطرح کردیم که توجه شما را به گفتگویمان با ایشان جلب می‌کنیم.

از رابطه علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء با آیت الله سیّد محمّد کاظم یزدی چه اطلاعی دارید؟

مرحوم کاشف الغطاء از شاگردان سرشناس و از خواص اصحاب ایشان

بود که دائماً در خدمت سید، و مورد عنایت سید بود. در سفری که شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء به سوریه رفته بود، نامه‌ای به سید نوشته است، که بسیار جالب و جاذب است، اوج زیبایی قلم کاشف الغطاء در این نامه نمایان شده است، این نامه در مجله تراثنا منتشر شده است. کاشف الغطاء بقدری به مرحوم سید توجه داشته که پدرش گلایه کرده است که پسرانم مرا رها کرده و دور سید را گرفته‌اند.

کاشف الغطاء از اوصیاء مرحوم سید بود، سید وقتی که می‌خواست وصیت کند، به ایشان گفت که وصیت نامه را بنویسد، وآن وصیت را من استنساخ کرده‌ام و دارم. کاشف الغطاء با سید، رابطه خانوادگی داشتند. سید خیلی به ایشان توجه داشت. البته برادر بزرگ شیخ محمد حسین، یعنی شیخ احمد، در فقه و اصول مسلط‌تر بود و قریباً شاگرد اول مرحوم سید بود تا حدی که سید برای بعد از خودش او را کاندید کرده بود. و در این اواخر که به شخصیت‌های عراقی و رؤسای قبایل نامه می‌نوشت، می‌نوشت که شیخ احمد هم سلام می‌رساند و به این وسیله او را مطرح می‌کرد، ولی کاشف الغطاء در ادبیات وکلام امتیازات دیگری هم داشت و مجموعهٔ کمالات بود و فقه هم یکی از رشته‌های تخصصی‌اش بود.

از رابطه کاشف الغطاء با علمای آن عصر، چه مطالبی می دانید؟

من آن زمان را بخوبی درک نکرده ام، ولی اجمالا می‌دانم روابط دوستانه‌ای با هم داشتند. سید موسیٰ بحر العلوم نقل کرد که من در خدمت میرزای نائینی بودم ـ در ابتدا یا آخر ماه رمضان ـ و مردم می آمدند و شهادت میدادند که ماه را دیده‌اند. شیخ محمّد علی کاظمینی (صاحب تقریرات) درکنار میرزا نشسته بود وتسبیح می‌انداخت، در مجموع شاهدهایی که ماه را دیده بودند به چهارده نفر رسیده بود، ولی مرحوم میرزا هنوز حکم نکرده بود؛ کاغذی

برای میرزا آوردند و میرزا با خواندن آن کاغذ فرمود : (حکمت) و حکم به رویت هلال کرد . کاغذها از مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء بود که نوشته بود : « من خودم ماه را دیدم » . این نشاندهنده اعتماد فراوان میرزا به کاشف الغطاست .

چطور کاشف الغطاء به مرجعیت گسترده نرسید ؟

مرجعیت خصوصیاتی می‌خواهد ، غیر از علمیت ، و خیلی‌ها علمیت داشتند و به جهات دیگری مرجعیت پیدا نکردند . چون جهات اجتماعی و عرفی .

تدریس کاشف الغطاء چه خصوصیاتی داشت ؟

من در آن عهد ، سن و سال کمی داشتم ، آخرین کسی که در صحن درس می‌گفت ، ایشان بود ، در قدیم که خلوت بوده است ، در رواق تدرس می‌شده است . یکی از نوه های مرحوم سید می‌گفت ، من در حرم دستم در دست پدر بزرگم بود ، و می‌دیدم در رواق‌ها دو درس بود ، یکی درس سید ، و دیگری درس مرحوم آخوند خراسانی ، البته درس آخوند پر جمعیت‌تر بود . بعدها ، چون رواق شلوغ شد ، در آنجا درس نبود ، ولی در صحن درس بود ، وآخرین کسی که من دیدم در صحن درس می‌گفت مرحوم شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء بود .

برخی نوشته‌اند که شیخ محمّد حسین ، در جنگ جهانی اول ، شرکت کرده بود ، آیا در این باره چیزی می دانید ؟

نخیر ، ایشان شرکت نداشتند ، شیخ محمد حسین و شیخ احمد در جنگ نبودند ، آنها تنها تا کاظمین ، سیّد محمّد ـ پسر آیت الله یزدی ـ را بدرقه کردند فقط . سید محمّد در جبهه بود . از شیخ احمد نامه ای هست به مرحوم سید ، که ما کربلا آمدیم و چه کردیم و بدرقه را گزارش داده است .

کاشف الغطاء با رجال علمی و سیاسی عصر خود در کشورهای مختلف

چه رابطه‌ای داشته است؟

کاشف با آنها ارتباط داشت، اگر در نجف کسی با رجال علمی ارتباط داشت کاشف الغطاء بود، مدارک زیادی در این زمینه باید در اختیار خانواده‌شان باشد.

از خصوصیات اخلاقی کاشف الغطاء چه خاطره‌ای دارید؟

کاشف الغطاء در سال ۱۳۷۳ از دنیا رفتند و من در آن موقع ۲۵ سال داشتم، و لذا در آن زمان بواسطه کم بودن سنم، کمتر با ایشان محشور بودم، وخاطره ای ندارم.

آثار کاشف الغطاء، دارای چه میزان ارزش ادبی است؟

ارزش ادبی این آثار خیلی بالاست. قلم کاشف الغطاء، اول بود. در ادبیات خیلی قوی بود، شاعر بود و خیلی خوب شعر می‌گفت و جزء ادبای عرب بود، کتابهای کاشف الغطاء از جهت ادبی در سطح بالایی بحساب می‌آمد. به شیخ عبدالله زنجانی گفتند که هم کاشف الغطاء به مصر رفت و هم شما رفتی. چطور با آنهمه شخصیت و علمیتی که کاشف الغطاء داشت، شما بیشتر جلوه کردید؟ جواب داد: کاشف الغطاء از راه ادبیات وارد شد، وآنها ادیب بودند، لذا کاشف الغطاء در ادبیات تفوقی بر آنها پیدا نکرد، ولی من از راه فلسفه وارد شدم و آنها در فلسفه چیزی نداشتند، و من جلوه کردم.

از مسافرت های کاشف الغطاء چه اطلاعی دارید؟

در عهد ما، دو سفر به ایران آمد. فلسطین شاید مکرر رفته باشد، به سوریه، لبنان و مصر هم رفته بودند و چند کتاب ادبی در لبنان با نظارت ایشان چاپ شد. که معلوم می‌شود مدتی در لبنان بوده‌اند در بیروت مراسلات و نامه‌هایی با امین ریحانی داشته اند که بنام «المراجعات الريحانية» چاپ شده است. در جلسه‌ای سفیر آمریکا و سفیر انگلیس به دیدن ایشان آمده بودند که

مطالب کاشف الغطاء در آن جلسه نیز چاپ شده است .

وفات ایشان چه عکس العملی در نجف داشت ؟

ایشان درکرند وفات کرد ، از ایشان خیلی تجلیل شد چنانکه قصائد زیادی در رثائش سروده شد . فواتح زیادی برگزار شد که هر کدامش به اندازه کنگره شیخ مفید بود و در آن اشعار و مقالاتی ارائه می‌شد . از انگلستان برای خانواده‌اش تلگراف شد و تسلیت گفتند . از نخست وزیر وقت عراق که شیعه بود نقل کرده‌اند که گفته بود : « شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء برای ما خیلی خوب بود بدین معنا که چیزهایی بر ما تحمیل می کردند و ما مخفیانه به کاشف الغطاء اطلاع می‌دادیم ، او علناً اعتراض می‌کرد و ما هم می گفتیم : مردم با این طرح مخالفند و متوقف می‌شد . چاره‌ای نداشتیم که برای جلوگیری از بعضی ازکارهای خلاف از این راه وارد شویم » .

از آثار چاپ نشدهٔ ایشان چه اطلاعی دارید ؟

شرح بر عروه که چهار مجلد بزرگ است که پسرش به من نشان داد و اگر چاپ شود به اندازه مستمسك می شود وگویا اولین شرح بر عروه است و مرحوم حکیم بعد از ایشان عروه را شرح کردند .

رساله‌ای دارند به نام « عقود حیاتی » که تاریخ زندگانی خود را به صورت هر ده سال نوشته است که چه زمانی قرآن آموختم ... این کتاب گمشده بود و مدتی به دنبالش می گشتند تا اینکه چند سال قبل پیدا شد شاید هم به سرقت رفته بود . پسرش می‌گفت : « ۶۰ دینار خریدم » ، من در فرصت کوتاهی که این کتاب را دیدم ، بخشی مختصر از آن را نوشتم .

کتابی هم به نام « العبقات العنبریه » دارند که خیلی مفصل و خوب است ودرباره خاندان کاشف الغطاء است و در سن ۱۵ سالگی نوشته شده .

خاندان کاشف الغطاء را از جدشان شروع کرده که البته به دوره خودشان

نرسیده وناقص مانده است. ایشان عمویی داشت که از نجف به اصفهان هجرت کرده بود؛ کاشف الغطاء هم به عنوان تحفه این کتاب را تالیف کرده و به اصفهان فرستاده است و شاید از آن طریق به کتابخانه مجلس راه پیدا کرده است. در نجف خودشان ندارند.

شرح بر اسفار دارد که خیلی خوب است، چون در فلسفه اساتید خوبی داشته و در این فن هم خیلی قوی بوده است.

راجع به فرزندان کاشف الغطاء چه اطلاعاتی دارید؟

فرزند بزرگشان شیخ حلیم، دبیر بود. فرزند دیگری داشتند که در نجف بود، الان هم در نجف است بنام شریف که در قضایای اخیر عراق، آقانی نشان داد و در زمان و انفسا که هر کس به فکر خودش بود، او با پول، کتابخانه غارت شده آقای حکیم را از سربازان عراقی خرید و جمع آوری کرد. پا برهنه و سر برهنه این کار را انجام داد و قبل از این جریانات هم مرحوم آقای خوئی درکارهای دولتی هر کاری داشتند، از ایشان می‌خواستند که انجام دهند و نماینده شان شریف بود. آقا زاده دیگری هم داشتند که در قم بودند و فوت کردند.

در عراق فردی بنام کفائی کتابی نوشت بنام «الزهراء» که در آن تعریضات زیادی بر خلفا داشت که ما هم راضی به انتشار آن نبودیم.

این کتاب چاپ شد و دولت، نویسده آن را بازداشت کرد و حکم اعدامش صادر شد. مرحوم کاشف الغطاء مطلع شد و تلگراف کرد که «الکتاب یحرق والکفایی یطلق و الا» کتاب را بسوزانید، وکفایی را آزاد کنید و الّا. دولت را تهدید کرد. البته نگفت: چه می‌کنم. یعنی ما که می‌گوئیم آزادش کنید، بدان معنی نیست که گفته‌هایش را قبول داریم ولی اینطور نیست که مجازاتش اعدام باشد. پس از این تلگراف، او را آزاد کردند.

دهان پر از عربی، زبان چرا خاموش؟!

این مقاله شامل مصاحبه ای است که از طرف کنگره کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی در تاریخ ۲۲ شهریور ماه ۱۳۷۴ با علامه محقق طباطبائی انجام شده و در شمارهٔ دوم خبر نامه کنگره به چاپ رسید.

جناب استاد، لطفاً مختصری از شرح احوال خود را بیان بفرمایید.

به تاریخ ۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۸هـ. ق. مصادف با چهارم آبان ۱۳۰۸هـ. ش. در نجف متولد شدم و در همانجا نشو و نما یافتم. مراحل تحصیلی مختلف را در حوزه طی کردم. مهمترین اساتید من در سطح عبارت بودند از: مرحوم فانی اصفهانی، آقا شیخ مجتبیٰ لنکرانی و آقا شیخ عبدالحسین رشتی، در خارج فقه مرحوم آیة الله عبدالهادی شیرازی و در فقه و اصول و تفسیر آیة الله خویی در نجف. بیشتر با علّامه امینی و شیخ آقا بزرگ معاشر بودم و همراه ایشان به تهران می‌آمدم و به نجف باز می‌گشتم. از سال ۱۳۵۶ در قم هستم و با مؤسسات و افراد مختلف همکاری و تماس دارم. آقای شهرستانی پایه‌گذار

مؤسسهٔ آل البیت از من خواستند در آنجا نظارت داشته باشم و اکنون بیشتر با آنها در تماس هستم و برای دیگر مؤسسات نیز هرکدام کاری داشته باشند، انجام می‌دهم.

در بسیاری از فهرستهای نسخ خطی به یادداشتهایِ شما ارجاع شده است. بفرمایید این یادداشتها اکنون در چه وضعی‌است؟ آنها را چاپ می‌فرمایید؟ به صورت فیش‌است؟ چه مقدار است؟

اینها یادداشت نیست، بلکه فهرست کتابخانهٔ امیر المؤمنین است که من تهیه کرده‌ام و آقای احمد منزوی هم در فهرست نسخ خطی خود از یادداشتهای متفرقه من بسیار استفاده کرده است. فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ امیر المؤمنین علیه‌السلام دو پوشه نسخه های خطی عربی بود و یک پوشه هم نسخه‌های فارسی که البته به صورت فیش بود. پوشه نسخه های خطی فارسی را از نجف با خود به ایران آوردم و در اختیار آقای منزوی گذاشتم و ایشان آنها را به فهرست خود منتقل کردند و در هر جا به این یادداشتها ارجاع داده. اما اینها فهرست است وان شاء الله بزودی چاپ خواهد شد. پس از این که از نجف آمدم ما بقی فهرستها در آنجا مانده بود که به طرز مجعز آسایی به دستم رسید و هم اکنون در فکر چاپ وتجدید نظر در آنها هستم.

جناب عالی چنان که گفتید مدتی از نزدیک با علّامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در تماس بوده‌اید. آیا با ایشان همکاری داشته‌اید؟ تملذ فرموده‌اید؟ چند سال با ایشان مراوده داشته اید؟

من حدود ۲۵ سال با ایشان مراوده و نسبت به ایشان ارادت بسیار داشتم و منزلمان روبروی هم بود. هنگامی که به ایران می‌آمدم مشخصات نسخه‌های خطی مختلف را از مکانهای گوناگون یادداشت و خدمت ایشان ارائه می‌کردم و ایشان نسخه‌هایی را که ندیده بود، استفاده می‌کرد. سپس مشغول

فهرست نویسی کتابخانهٔ امیر المؤمنین علیه‌السلام شدم، وگاهی در بعضی نسخه‌ها دچار اشکال می شدم که از علّامه امینی اجازه گرفتم تا از محضر آقا بزرگ استفاده کنم. ایشان گفتند به شرط آن که نسخه را شب به کتابخانه بازگردانی اشکالی ندارد. من کتاب را ظهر خدمت شیخ آقا بزرگ می‌بردم و عصر آن را از ایشان می گرفتم و ایشان مرا راهنمایی می کرد که شیوهٔ حل مشکل چگونه بوده است.

چه خاطره ای از ایشان دارید؟ لطفاً مواردی را بیان فرمایید که می‌تواند برای پژوهشگران جالب و بی‌گمان مفید باشد. اخلاق شخصی و علمی ایشان و هر خصوصیت دیگری را که در خاطر دارید بیان فرمایید.

ایشان مرد وارسته و بی‌آلایشی بود و هیچ تکبر، غرور و وابستگی نداشت و من از جهت سلامت نفس مانند ایشان سراغ ندارم، و از باب مبالغه می‌توانم بگویم اگر کسی کتابی از ایشان را در مقابل خودش می سوزاند و باز کتاب دیگری می خواست، ایشان دریغ نمی‌کرد. آن مرحوم فقر و سختی بسیاری را تحمّل کرد، اما باز هم از نگارش کتابهایش دست نکشید و آنها را به هزینهٔ خودش چاپ می‌کرد و خود، آنها را بسته‌بندی می نمود، و برای افراد و مؤسسات مختلف در سراسر جهان می‌فرستاد. روزی به منزل ایشان رفتم و دیدم که بسته‌های کتاب در زیر تخت ایشان مانده، گفتم اگر خادمتان نمی‌تواند اینها را به پست ببرد، اجازه بدهید من ببرم که موافقت نکردند. بعدها متوجه شدم که ایشان در آن موقع پول پست کردن کتابها را نداشته است. اکنون نتیجه آن زحمات را مشاهده می کنیم.

جنابعالی مدتی در آستان قدس تشریف داشته‌اید. شنیده‌ایم نسخه های کتب فقه را فهرست فرموده‌اید. آیا در یک جلد بوده است؟ چرا چاپ نشده؟

من در سال ۵۰ ـ ۱۳۴۹ که هزارهٔ شیخ طوسی در دانشکدهٔ الهیات مشهد برگزار می شد از نجف دعوت شدم و آمدم که آن زمان با عید نوروز مصادف بود. جناب آقای شانه‌چی پیشنهاد کردند که در ایران بمانم و نسخ کتب فقهی را

فهرست کنم و من چون علاقه داشتم پذیرفتم . ایشان با آقای دکتر رجایی که در آن زمان رئیس کتابخانه بودند گفتگو کردند و ایشان هم پذیرفتند و با من قراردادی بستند . من گفتم نمی‌توانم از کتابخانهٔ امیر المؤمنین عليه‌السلام صرف نظر کنم و باید گاهی به آنجا هم بروم و این مطلب در قرارداد هم قید شد . بنابر این ، در آن تابستان خانواده‌ام هم از نجف به مشهد آمدند ، و من مشغول فهرست کردن کتب فقه ، حدیث ، اصول و ... شدم . مدتی بعد به نجف رفتم تا مدتی کوتاه در آنجا بمانم وسپس بازگردم ، ولی بر اثر فشار بعثیها نتوانستم به ایران برگردم ؛ سرانجام در سال ۵۶ توانستم به ایران بازگردم و تا سال ۶۳ ـ ۶۲ در اینجا بودم ، تا اینکه آقای شاکری ، رئیس کتابخانهٔ آستان قدس ، با من تماس گرفتند که بقیه فهرست را تکمیل کنم . من بقیه کار را پی گرفتم تا سال ۶۴ به کنفرانس امام حسن عليه‌السلام در لندن دعوت شدم و مدتی حدود سه ماه نیز برای معالجه و دیدار فرزندان و اقوام در آنجا ماندم ، و چون کار را از من تحویل گرفته بودند ، پس از بازگشت مدتی کار متوقف شده بود . پس از مدتی به آقای شاکری مراجعه کردم وگفتم که می‌خواهم کتباً انصراف خود را از این کار اعلام کنم تا شما بتوانید آن را به دیگری بسپارید . ایشان گفتند ما این کار را به کس دیگری واگذار کرده‌ایم و اکنون حدوداً ده سال است که تکمیل این کار ادامه دارد .

لطفا در مورد آثار تألیفی یا تحقیقی و تصحیح خویش آنچه چاپ شده وآنچه چاپ نشده اشاره ای بفرمایید .

کتابی دارم به نام « اهل البيت في المكتبة العربية » شامل کتابهایی که اهل سنت دربارهٔ زندگی ، مناقب ، تاریخ زندگی ،کلمات و ... اهل بیت نوشته‌اند که به تدریج در مجله تراثنا چاپ می شود ، و ان شاء الله پس از چاپ شاید بالغ بر دو جلد باشد . این کتابها شامل آثار خطی و چاپی و مشخصات آنهاست . دیگری کتاب « فی رحاب نهج البلاغه » است که معرفی مشخصات حدود ۱۸۰

نهج‌البلاغه خطی قبل از سال ۱۰۰۰ هجری است، و حدود ۱۰۰ نهج البلاغه چاپی را در برمی‌گیرد و نیز ترجمه های آن به فارسی، اردو، انگلیسی و سپس منتخبها وشروح نهج البلاغه را از قرن ششم به بعد. این کا هنوز هم ادامه دارد و فعلاً به صورت مقاله در مجله تراثنا در حال چاپ است. همچنین از جلد دوازدهم به بعد الغدیر را علامه امینی خواستند دربارهٔ مناقب و فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام بنویسند و بخشی ازکار را به من واگذارکردندکه در وصیتنامه خود هم قید فرموده‌اندکه افرادی و از جمله من این کار را ادامه دهیم. ولی پس از فوت ایشان هنوز ورثه کاری در این مورد انجام نداده‌اند، ولذا خودم در ایران شروع به نوشتن دنبالهٔ این کارکردم. من شروع به یافتن اسامی صحابه، تابعین و رواتی کردم که در جلد اول الغدیر نیامده، وآن را به نام «علی ضفاف الغدیر» نوشتم که هنوز ناتمام است و چاپ نشده است. کتاب دیگر «الحسین والسنه» است که در ابتدای آمدنم به ایران چاپ شد. کتاب دیگر «الغدیر فی التراث الاسلامی» است که چاپ شده است. در سال ۱۴۱۰ به مناسبت گذشت چهارده قرن بر واقعهٔ غدیر، از سوی آیه الله خویی کنگره غدیر در لندن برگزار شد که من هم شرکت داشتم وکتابنامه غدیر را برای مجلهٔ تراثنا نوشتم و حدود ۱۲۵ کتاب را دربارهٔ غدیر از زبانهای فارسی، ترکی، اردو و... از نویسندگان مختلف شیعه، سنی، اسماعیلی و... معرفی کردم، و پس از مدتی اضافاتی به آن افزودم که خود به‌کتابی تبدیل شد وآن را در سال‌گذشته دارالمعارف العربیه در بیروت با عنوان «الغدیر في التراث الاسلامی» چاپ کرد، و امسال این کتاب به مناسبت نمایشگاه کتاب که مصادف با عید غدیر بود همراه با اضافاتی توسط وزارت ارشاد و وزارت کشور چاپ شد. این کتاب دوبار ترجمه شده و یک بار هم آقای جعفری مقاله مجله تراثنا را ترجمه کرده‌است. من هنگامی که در نجف بودم بسیار علاقه داشتم کار آقا بزرگ را دنبال کنم، ولی مانع کار این بود که هنوز تمام اثر چاپ نشده، بود و نمی‌دانستم که در اثر ایشان نام چه کتابهایی نیامده‌است.

ثانیاً فکر می‌کردم شاید فرزندان آن مرحوم بخواهند این کار را ادامه بدهند، و ثالثاً نجف محل مناسبی برای این کار نبود، زیرا هر لحظه امکان داشت که ما را از عراق اخراج کنند. تا اینکه به ایران آمدم و در آن زمان چاپ ذریعه تمام شده بود، و از آقای علینقی منزوی پرسیدم که آیا شما می‌خواهید این کار را ادامه بدهید؟ که پاسخ ایشان منفی بود و لذا من شروع به نوشتن مستدرک کردم و تاکنون حدود ۱۱۰۰۰ کتاب فیش شده و ممکن است به ۳۰ تا ۴۰ هزار برسد که بعداً ان شاء الله چاپ خواهد شد. همچنین در کتابخانهٔ آستان قدس، هنگامی‌که برای بار دوم در آنجا کار می‌کردم، گاهی درمی‌یافتم که در ذریعه بعضی از مشخصات اشتباه یا ناقص آمده‌است. این موارد را فیش برداری کرده‌ام که به نام «اضواء علیٰ الذریعة» آماده چاپ‌است. مرحوم امینی کتابی دارند دربارهٔ گریه بر امام حسین علیه‌السلام به نام «سیرتنا و سنّتنا» که من با مطالعهٔ کتب دیگر اضافاتی بر آن دارم که ان شاء الله امیدوارم بتوانم آنها را هم تحت عنوان «إنباء السماء بأنباء کربلاء» چاپ کنم. مقدار زیادی یادداشت و مدارک و اسناد هم راجع به زندگی جدّ بزرگوارم آقا سید محمّد کاظم طباطبایی و تاریخ خاندانمان جمع کرده‌ام، که هنوز توفیق نگاشتن وتألیف آنها را پیدا نکرده‌ام. همچنین اکنون گروهی از مؤسسه الغدیر قم در مورد کتاب الغدیر تحقیق و آن را با تحشیه چاپ می‌کنند و من بر آنها پاورقیهایی می‌افزایم که فعلاً همراه جلد اول آن آماده چاپ‌است. و نیز فهرست منتجب الدین و مقتل امیر المؤمنین را تحقیق کرده‌ام که چاپ شده‌است. همچنین در مورد قسمت چاپ نشده طبقات ابن سعد تحقیق کرده‌ام که اکنون چاپ شده‌است.

آیا در کنفرانسهای بین المللی شرکت فرموده‌اید؟ در چند تا، در کجا ودرچه تاریخی؟

من فقط در همان دو کنفرانس امام حسین علیه‌السلام و الغدیر لندن و دو کنگرهٔ شیخ طوسی در مشهد و شیخ مفید در قم شرکت کرده‌ام.

وضع فهرست نگاری و نسخه‌شناسی را اکنون در ایران و جهان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ایران در کل بسیار خوب است، و من مکرراً گفته‌ام که هیچ کشور دیگری به اندازه ایران فهرست تهیه و چاپ نکرده است، و حتیٰ مصر و ترکیه هم از این جهت به پای ایران نمی‌رسند.

حضرت عالی در رشته های تخصصی که به آن اشراف دارید شاگردانی هم تربیت فرموده‌اید؟ مقصود هر نوع استفاده و تأثیرپذیری از حضرت عالی است؟

درِ خانهٔ من به روی تمام مراجعانی که مشکلی داشته باشند و بتوانم در حل آن کمکی بکنم باز است و در هر جهت آمادهٔ کمک هستم.

بنیاد پژوهشهای اسلامی را با دید انتقادی چگونه می بینید؟ چه توصیه‌ای برای خدمتگزاران این بنیاد دارید؟

بنیاد پژوهشهای اسلامی کارهای بسیار خوبی انجام داده، لکن باید در مورد زندگانی خود امام رضا علیه‌السلام و ائمهٔ اهل البیت علیهم‌السلام و نیز در زمینهٔ فقه ومعارف اهل البیت علیهم‌السلام فعالیت بیشتری به عمل آورد.

از انتشاراتی که به صورت ادواری در موضوعات کتابشناسی و اطلاع‌رسانی در کشور و در جهان منتشر می‌شود به کدام یک بیشتر توجه دارید؟

در داخل کشور مجلهٔ «تراثنا» و مجلهٔ «آیینهٔ پژوهش» دو ملجهٔ آبرومند هستند. در عراق، مجلهٔ «الموسم» و در کویت قبل از اشغال این کشور توسط عراق مجلهٔ «اخبار التراث» چاپ می‌شد که بسیار سودمند و مفید بود. قبلاً مجلهٔ «معهد المخطوطات» در قاهره چاپ می شد که بسیار پربار بود.

در آستانهٔ کنگرهٔ «کتاب وکتابخانه در تمدن اسلامی» هستیم. اهمیت

چنین مجامعی را چگونه ارزیابی می کنید؟

چنین کارهایی بسیار مفیداست. ان شاء الله که خلأهای موجود راکاملاً پر کند و بعدها هم ادامه پیدا کند.

در باب فهرستنگاری در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس چه توصیه‌ای دارید؟ چرا بابیش از پنجاه سال کار هنوز بسیاری از نسخه های این کتابخانه فهرست نشده؟ راه چاره چیست؟ آیا حضرت عالی و افرادی همچون جنابعالی از وضع کنونی کتابخانه راضی هستید؟ چه کنیم که علمیت و معنویت را در آنجا به سطح کیفیت ابنیهٔ عالی برسانیم و هر دو را برابر سازیم؟

باید از افراد کارشناس وکتابشناس استفاده شود. کتابهای مهم چاپی را تهیه کنند. کتابهای خطی راکه به آنها عرضه می‌شود با قیمت خوب و مناسب بخرند. کار فهرست نویسها را در زمان خاصی محدود کنند، و از آنها بخواهند که کار را بموقع تحویل دهند. همچنین کار اشتباه دیگری که انجام شده تهیهٔ فهرست موضوعی است، زیرا کتابخانه‌ای را که دائماً در حال رشد است، نمی‌توان به صورت موضوعی فهرست کرد، بلکه باید کتابها را شماره ای فهرست کرد. هنوز هم دیر نشده و باید این کار را آغاز کرد مانند کتابخانهٔ دانشگاه تهران و ... اگر کتابخانه‌ای محدود باشد می‌توان آن را به هر صورت دلخواه فهرست کرد، ولی در کتابخانه‌های روبه گسترش چنین کاری ممکن نیست.

به نظر شما کتابخانهٔ آستان قدس از این لحاظ کدام روش را باید الگو قرار دهد؟

می توان کتابخانهٔ آیة الله مرعشی را الگو قرار داد، زیرا آنها سعی می کنند هر کتابی راکه در هر جای جهان چاپ می شود و مناسب است خریداری کنند، افرادی را به دنبال خرید کتاب می‌فرستند، از نمایشگاه بسیار کتاب می‌خرند. همچنین کتب خطی را به قیمت خوب می‌خرند. امّا آستان قدس بعضی کتابهای

بسیار نفیس را کم قیمت گذاری می‌کند و لذا آنها را از دست می‌دهد. همچنین آنجا حد اقل سالی یک جلد فهرست چاپ می‌کنند که آستان قدس از این جهت عقب است.

آیا فکر نمی‌کنید بهتر باشد فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ها که اکنون به صورت مجزا چاپ می‌شود به طور مشترک تهیه شود و یا مرکزی تأسیس شود که تمام نسخ خطی و یا حد اقل میکروفیلمی از آنها را در آنجا جمع آورند تا محققان بهتر بتوانند استفاده ببرند؟

این کار بسیار ضروری و سودمند است. به شرط آن که متصدی آن بخل نورزد و منابع را احتکار نکند. بهترین متصدی می‌تواند آستان قدس باشد که از بودجه کافی برخوردار است، و من هم در خدمت خواهم بود. ظاهراً آقای برازش چنین کاری را در سطح تمام نسخه های جهان در نظر دارند، و اکنون در حال ترجمه بسیاری از فهرستها هستند. دو نفر هم، یعنی آقایان عبدالجبار رفاعی و آقای اشکوری، در حال تهیهٔ فهرست نسخه‌های خطی عربی در ایران هستند تا عرب زبانان بتوانند از آن استفاده کنند، که این کار می‌تواند مایهٔ آبروی ایران باشد در نزد عرب زبانان وکسانی که بخواهند در این زمینه تحقیق کنند، و ظاهراً آقای حجتی همین کار را به فارسی انجام داده‌اند. به نظر من بهتر است که فهرست به زبان کتابها باشد. مثلاًکتب عربی به زبان عربی، وکتابهای فارسی به زبان فارسی فهرست شوند.

تو خود حدیث مفصل بخوان از ین مجمل

در میان اوراق مرحوم علامهٔ محقق طباطبائی مصاحبه ای کوتاه امّا خواندنی بدست آمد شامل چند سؤال که جوابها را ایشان بخط مبارک خود نوشته بودند، در میان آن سؤالاتی چند بدون پاسخ مانده بود، این مصاحبه در ایام آخر عمر مبارك ایشان نوشته شده که مقارن با ایام کسالت ایشان بوده، و ظاهراً این دلیل بی پاسخ ماندن دیگر پرسشها بوده.

انگیزه روی آوردن حضر تعالی به فهرستنگاری چه بود ؟

من از کودکی به فهرستنگاری علاقه داشتم. مدرسه مرحوم جدّ ما (مدرسه سید)، در نجف کتابخانه ای داشت که کتابهای آن در کمدهای دردار چیده شده بود. من هنوز هشت نه ساله بودم، دفتر کوچک بغلی تهیه کرده و آن را دوستونه خط کشی کرده بودم و در کتابخانه نام کتابها را از پشت شیشه می خواندم و در آن دفتر زیر یکدیگر می نوشتم. هنوز هم شاید آن دفتر در اوراق من در قم یا نجف باشد. بعدها که به حد بلوغ رسیدم در توسعه کتابخانه مدرسه سید و تهیه

کتاب برای آن کوشش می‌کردم ، و در نظر داشتم آنجا را کتابخانه عمومی و آبرومندی در نجف بسازم .

در آن سالها در تابستان از نجف به همدان رفته بودم . مقداری کتاب خطی از یکی از دهات همدان برای مرحوم آقای آخوند ملا علی آورده بودند و ایشان آنها را در مدرسه در حجره ای که روبروی درِ مدرسه بود قرار داده بود ، و در نظر گرفته بود کتابخانه ای برای مدرسه تهیه کند ، و همان کتابها مایه کتابخانه غرب فعلی شد . مرحوم آقای آخوند آن اتاق را در اختیار بنده قرار داد که در ضمن به آن کتابها هم رسیدگی کرده و ناشناخته‌ها مشخص شود .

تا اینکه مرحوم علامهٔ امینی در فکر تأسیس کتابخانه عمومی بزرگی به نام کتابخانه امیر المؤمنین افتادند ، من کتابخانه مدرسه را رها کرده ، و به کمک ایشان شتافتم ، و در صدد تهیهٔ کتابهای چاپی ، خطی وعکسی برای آنجا شدم ، به هرجا سفر کردم در فکر تهیه کتاب و توسعه آن کتابخانه بودم ، و از خطی‌های نفیس هر جائی در حد توانم میکروفیلم تهیه می‌کردم و برای کتابخانه می‌بردم .

پس از پایان یافتنِ ساختمان کتابخانه ، و انتقال کتابهای خطی از منزل مرحوم علامهٔ امینی به کتابخانه که آن هم به امر ایشان به دست خودم انجام شد ، کتابخانه در عید غدیر سال ۱۳۷۹ افتتاح شد . پس از افتتاح و چیده شدن کتابهای خطی در قفسه‌ها و شماره خوردن آنها لازم بود کتابهای خطی فهرست شود . می‌گفتم شاید کسی را برای این کار در نظر داشته باشند ، یا کسی از خودشان متصدی این کار شود . مدتی صبر کرده دیدم کسی اقدامی نمی‌کند ؛ خودم به فهرست کردن خطی‌های آنجا پرداختم .

همچنین از آغاز زندگی که صاحب ذریعه راشناختم به خدمتش شتافتم .

چند نسخه مهم احیا نشده را که لازم است تصحیح شود نام ببرید

زبدة التفاسیر : تفسیر عربی ملا فتح الله مفسر کاشانی ، دانشمند معروف

که متخصص در علم تفسیر قرآن بوده ، و سه دوره تفسیر نوشته : دو دوره تفسیر فارسی به نامهای (منهج الصادقین) و (خلاصة المنهج) که چاپ شده‌اند ، و این تفسیر عربی را پس از ایندو تفسیر نوشته ، و در سال ۹۷۷ تألیف این دوره تفسیر عربی تمام شده که تاکنون چاپ نشده . امید است با همت مردمان خیرّ چاپ شود و حدوداً در ده جلد در خواهد آمد .

شرح الحماسة راوندی .

نور حدقه البدیع ونور حدیقه الربیع : تألیف کفعمی در علم بدیع ، نسخه منحصر بفرد آن در کتابخانه طوپقاپو سرای استانبول است به شمارهٔ ۱۷۰۱ . A.

ضیاء الشهاب

ضوء الشهاب

اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق

غرر الامثال

معارج السؤال ومدارج المأمول: در تفسیر آیات الاحکام از کمال الدین حسن بن محمّد بن حسن استرآبادی نجفی از دانشمندان سده نهم ، در سال ۸۹۱ تألیف شده .

نسخه‌ها :

آستان قدس ۱۴۱۷ مورخ ۹۸۸ در ۵۰۳ برگ .

۱۳۷۸۷ مروخ ۱۰۳۰ .

۱۵۵۳ و۱۰۱۱۳ . همهٔ این چهار نسخه در آستان قدس است .

مجلس : ۳۸۶۸ مورخ ۹۷۷ با حاشیه‌های منقول از خط مؤلف و تملک شاه صفی صفوی و سید احمد بن زین العابدین علوی ، ۴۲۸ برگ ، مذکور در جلد دهم فهرست صفحه ۱۹۰۰ .

دیوان هند ، ش ۱۸۱۰ ، مورخ سنه ۹۸۴ .

آخرين گفتگو
با استاد فقيد سيّد عبد العزيز طباطبائى
نسخه شناس بزرگ معاصر

آخرين مصاحبه مرحوم علّامه محقّق طباطبائى با مجلّات فرهنگى
در فصلنامهٔ وقف، ميراث جاويدان (شماره ۱۱ ـ ۱۲ سال ۱۳۷۴)
به كوشش على محمّد بيرجندى

چندى پيش به خدمت استاد بزرگوار حجت الاسلام والمسلمين سيّد عبدالعزيز طباطبائي رسيديم؛ دانش مردى كه عمرى را در مسير تحقيق و پژوهش سپرى كرده و آثار دقّت و ذكاوت علمى از سيمايش نمودار بود. سؤالاتى را در برابرش قرار داديم و تقاضاى مصاحبه نموديم. ايشان با بزرگوارى پذيرفت و در هر زمينه پاسخ هاى لازم و مفيد را بيان داشت، امّا

افسوس که مقدّرات به گونه‌ای دیگر رقم خورده بود و استاد قبل از انتشار این مصاحبه ندای حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت. ما این ضایعهٔ جبران ناپذیر را به ساحت مقدّس حضرت «ولی عصر» (عج) و حوزه‌های علمیّه و مراکز تحقیق وپژوهش تسلیت می‌گوئیم و خوانندگان گرامی را به مطالعهٔ این مصاحبه وسپس شرح حال وی تحت عنوان «خزان در گلشن تحقیق» دعوت می کنیم.

طبعاً نخستین سؤال ما دربارهٔ کتاب ارزشمند الذّریعه بود؛ کتابی که استاد در انتشار آن نقش مهمّی داشتند، و سالهایی از عمر پر برکت خویش را برای نوشتن مستدرکی ارزشمند برای آن صرف کرده بودند.

میراث جاویدان: حضرت عالی در تهیّه و تدوین الذّریعه الیٰ تصانیف الشّیعه تألیف استاد بزرگوارتان شیخ آقابزرگ تهرانی چه نقشی داشتید؟

من در تألیف خود ذریعه هیچ نقشی نداشتم، تنها هر سال تابستان که از نجف به ایران مسافرت می‌کردم، در کتابخانه های عمومی و شخصی هرچه توجّهم را جلب می کرد یادداشت می کردم و پس از برگشتن، یادداشتها را در اختیار شیخ بزرگوارمان صاحب ذریعه ـ رحمة الله علیه ـ قرار می‌دادم. وسعت زحمات آن مرحوم در حدّی است که ما در حال حاضرهم که پیشرفتهای زیادی به وجود آمده و به فهرست کتابهای خطی کتابخانه‌ها دسترسی وجود دارد و وسایل جدیدی هم پیدا شده، هر وقت به نسخهٔ تازه‌ای دست پیدا می کنیم، می بینیم آن پیر مرد سختکوش، سالها پیش از ما به آن کتاب دست پیدا کرده وآن را در «الذریعه» فهرست کرده است. خدا می‌داند و بس که این مرد بزرگ تاریخ در

مدّت شصت سال چقدر زحمت کشیده و از خواب و خوراک و استراحت خود کاسته و بدون داشتن ابزار و وسائل و کمک، یک تنه تاریخ وفرهنگ و میراث فرهنگی شیعه را زنده کرده و زنده نگه داشته است. او نود سال قلم به دست گرفت وتاچند روز پیش از مرگش قلم از دستش نیفتاد. هرچه زمان بگذرد او بیشتر جلوه می کند، تا زنده بود از او قدردانی نشد، و لی تاریخ دربارهٔ عظمت کارهای او قضاوت خواهد کرد.

بلی، من در تسریع چاپ ذریعه نقش داشتم. تألیف ذریعه از سال ۱۳۲۹ قمری شروع شد. چاپ این کتاب از سال ۱۳۵۴ قمری در نجف آغاز شد و تا سال ۱۳۵۷ قمری، سه جلد آن در نجف به چاپ رسید، و جلد چهارم آن در سال ۱۳۶۰ قمری در تهران به چاپ سپرده شد. در ایران چاپ این اثر به کندی پیش می‌رفت ودر مدت هیجده سال از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۸ فقط هشت جلد آن در ایران چاپ شد ـ یعنی از جلد ۴ تا جلد ۱۱ ـ و من از این جهت ناراحت بودم، و به واسطهٔ عشق وعلاقه به این اثر دوست داشتم همهٔ مجلّدات آن به سرعت چاپ شود، از طرفی هم فکر مستدرک نوشتن برای آن را در سر می‌پروراندم، ولی وقتی می‌شد مستدرک را شروع کرد که همهٔ کتاب چاپ می‌شد، تا می‌دانستیم چه کتابهایی در ذریعه فهرست نشده و باید استدراک شود.

از این رو شروع کردم به استنساخ ذریعه که کار مشکلی بود، چون نسخهٔ مؤلّف درهم و آشفته و با خطّی ریز نوشته شده بود، باید آن را پاکنویس و استنساخ می کردم، باهمهٔ مشکلات، این کار را در سال ۱۳۷۸ قمری شروع کردم. تا آن تاریخ ذریعه تا حرف «ر» چاپ شده بود، من از حرف «ش» شروع به نوشتن و پاکنویس کردم. حرف شین که تمام شد مرحوم صاحب ذریعه ـ قدّس الله روحه ـ فرمودند: اجازه می‌دهید این قسمت را همین جا چاپ کنیم؟ من خیلی خوشحال شدم که ذریعه از دوجا چاپ می شود و زودتر تمام می شود.

حرف « ش » در دو جلد ـ جلد ۱۳ و ۱۴ ـ در نجف و در سال ۱۳۷۸ از روی خط من چاپ شد.

من معمولاً تابستانها به ایران می آمدم، در ایران با مرحوم حاج آقا اسماعیل کتابچی، مدیر کتابفروشی و چاپخانهٔ اسلامیه، در خیابان ۱۵ خرداد ـ بوذرجمهری سابق ـ در بارهٔ ادامهٔ سریع چاپ ذریعه گفتگو می کردم، از طرفی هم با آقای منزوی راجع به واگذاری چاپ ذریعه به کتابفروشی اسلامیه وارد صحبت شده بودم تا عاقبت گفتگوها به نتیجه رسید، و از سال ۱۳۸۷، از جلد ۱۷ ذریعه به بعد را کتابفروشی اسلامیه به دست گرفت و چون هم سرمایهٔ کافی داشت و هم چاپخانه، مجهز بود، تا سال ۱۳۹۸ دورهٔ ذریعه در ۲۵ جلد کامل شد.

متأسفانه تا مؤلف بزرگوار زنده بود، چاپ دورهٔ کامل کتابش را ندید. جلد بیستم کتاب زیر چاپ بود که این کهن مرد علم و فضیلت در ۹۷ سالگی از میان ما رفت و جهان تشیع را عزادار کرد.

از چه زمانی کار نوشتن مستدرک ذریعه را آغاز کردید؟

من از آقای منزوی پرسیدم، آیا قصد ندارید کار مرحوم پدرتان را ادامه بدهید و مستدرکی برای ذیعه بنویسید؟

گفتند: نه، ما قصدی نداریم، هرکس اقدام کند بکند، ولی اولیٰ‌تر از توکیست؟ تو این کار را شروع کن. من هم از سال ۱۳۹۹ هجری قمری دست به کار شدم و مشغول جمع آوری و فیش کردن کتابهایی شدم که نام آنها در ذریعه نیست. تاکنون حدود یازده هزار فیش تهیه شده که از خدای توانا توفیق به پایان بردن آن را خواستارم.

در لابه لای سخنانتان اشاره داشتید که «هر سال تابستان برای مطالعاتی به ایران می آمدید»، کمی دربارهٔ سفرهای تحقیقاتی خودتان توضیح بدهید. این سفرها چه تأثیری در روند کارهای شما داشته اند؟

من در سال ۱۳۰۸ در نجف اشرف به دنیا آمدم، از دوران نوجوانی تقریباً

هر سال تابستان به ایران می‌آمدم و در کتابخانه های عمومی و خصوصی مطالعاتی انجام می‌دادم و یادداشتهایی تهیه می‌کردم. دلمشغولی من در این سفرها معمولاً تحقیقات علمی و شناسایی نسخ خطی بود. در سه سفر حج، در کتابخانه های مکه و مدینه مطالعات زیادی انجام دادم. در آنجا برخی رساله ها را کاملاً استنساخ کردم. در سال ۱۳۸۳ هجری قمری ـ مطابق با ۱۳۴۲ شمسی ـ از عراق به سوریه و لبنان رفتم و بیش از سه ماه در آنجا بودم و در کتابخانه‌های ظاهریه، مجمع علمی دمشق، کتابخانهٔ اوقاف حلب و کتابخانهٔ دانشگاه آمریکایی بیروت مطالعات زیادی انجام دادم، در آنجا دنیای تازه ای به روی من گشوده شد.

دو سفر دیگر از نجف به ترکیه و سوریه انجام دادم؛ در سفر اول به همراه آقازادهٔ مرحوم علامه امینی از کتابخانه های آن دیار بازدید کردیم. در سفر دوم هم با ایشان همراه بودیم. مرحوم علامه امینی هم از ایران به ترکیه آمده بودند، که حال مزاجی ایشان مساعدت نکرد و مجبور به بازگشت به ایران شدند؛ ما ماندیم و به بررسی کتابخانه ها پرداختیم. در این سفر بسیاری از نسخه های ارزشمند را برای کتابخانهٔ امیر المؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف عکسبرداری کردیم.

پس از آنکه به ایران آمدم و در قم مستقر شدم، باز مکرر به ترکیه و سوریه سفر کردم. در یک سفر دو ماهه، از کتابخانه های ترکیه بهره‌ها بردم و نسخه های نایاب و ارزشمندی را فهرست کردم.

در چند دفتر نسخه های خطی ترکیه را یادداشت کرده‌ام، در چند دفتر هم احادیث مربوط به فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام را از منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی و اعتقادی مهم و چاپ نشدهٔ اهل سنت یادداشت کرده آن را نتائج‌الاسفار نامیده‌ام.

با آنکه کتابهای زیادی تألیف کرده اید، چرا تعداد کمی از آنها به چاپ رسیده‌اند؟

تألیف بیشتر این آثار را من بعد از آنکه به ایران آمدم، شروع کردم، که نسبتاً کارهای سنگینی هستند، به علت دست تنها بودن و نداشتن و سائل و پیش آمدن کارهای متفرقه مثل پاسخ دادن به سؤالات و مراجعات علمی و راهنمایی بعضی نویسندگان و محققان و شرکت در کنگره‌ها و ارائه مقالات ... کارهای تألیفی من نیمه تمام مانده‌اند.

وضعیت انتشار فهرست نسخ خطی را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فهرست نگاری و چاپ فهرست در کشور ما بسیار خوب بوده است. در ایران تاکنون حدود دویست و پنجاه جلد فهرست چاپ شده است که هیچ کشوری فهرستهایش به این رقم نمی‌رسد. البته هنوز هم در کتابخانه های آیت الله العظمیٰ مرعشی، آستان قدس، مجلس، کتابخانهٔ ملی تبریز، کتابخانهٔ مدرسهٔ آیت الله العظمیٰ گلپایگانی، کتابخانهٔ فرهنگ اصفهان، کتابخانهٔ ملی تهران، کتابخانهٔ ملک و مدرسهٔ عالی شهید مطهری و کتابخانهٔ جامع گوهر شاد نسخه های خطی فهرست نشده هست که همهٔ اینها باید فهرست شود و فهرست این کتابخانه‌ها تکمیل گردد.

خوب برگردیم به مستدرک ذریعه، این کتاب در چه مرحله‌ای است؟

مستدرک ذریعه را حدود شانزده سال است که شروع کرده‌ام و تاکنون یازده‌هزار کتاب در یازده هزار فیش از (الف) تا (ی) نوشته شده که دوست دارم ان شاء الله به سی هزار برسد، سپس به چاپ آن اقدام کنم.

آثار علمی شیعه تا چه اندازه ای حفظ شده‌اند؟

شیعه در همهٔ ادوار با دشمنان و مخالفانی قوی و سرسخت روبرو بوده

بطوریکه هرچه توانسته‌اند کتابهای ما را نابود کرده‌اند و کتابخانه های ما را به آتش کشیده‌اند.

محمود غزنوی در سال ۴۲۰ هجری قمری کتابخانهٔ ری را آتش زد، کتابخانهٔ شاپور را در بغداد در سال ۴۵۱ هجری قمری به آتش کشیدند و چندین بار به خانهٔ شیخ طوسی -رحمة الله علیه- حمله کردند و کتابخانه و تألیفاتش را در مقابل چشمانش آتش زدند و خانه‌اش را غارت کردند، امّا آن مرد نیرومند با اعصاب پولادین خود در برابر هجوم مکرر و کتاب سوزی مکرر آنها ایستاد و دنبالهٔ کارش را رها نکرد، قلم به دست گرفت و از نو مشغول تألیف شد و آثار بسیار ارجمندی از خود به یادگار گذاشت؛ تاجایی که از کتب اربعهٔ حدیث شیعه، دو کتاب از تألیفات ایشان است. از چهار کتاب مهم رجال شیعه، دوتای آنها به قلم شیخ طوسی رحمه‌الله است و در علم اصول هم عدة الاصول ایشان دارای اهمیت شایانی است.

در دعا و زیارات کتاب مصباح المتهجّد ایشان در درجهٔ اول قرار دارد. در تفسیر، کتاب تبیان ایشان تفسیری جامع و بی نظیر به شمار می آید. کتاب تمهید ایشان از کتابهای عمدهٔ علم کلام است و کتابهای فقهی ایشان نیز (مبسوط، خلاف ونهایه) در نوع خود بی نظیر هستند.

صحبت از این بود که متأسفانه بسیاری از آثار شیعه در طی روزگار به دست مخالفان و معاندان از بین رفته‌است. در یکی از سفرهایم به ترکیه در کتابخانهٔ ایاصوفیه -آن وقتی که هنوز این کتابخانه به کتابخانهٔ سلیمانیه منتقل نشده بود- نسخهٔ کهنی از تنزیه الانبیاء و الائمهٔ سید مرتضی را دیدم به شمارهٔ ۳۱۶۵ که از آخر ناقص بود. کسی در حاشیهٔ آخرین برگ موجود آن نوشته بود: «من این قسمت را از کتاب پاره کردم و دور ریختم!» ما در طول تاریخ با چنین تعصبات بی‌منطقی روبه رو بوده ایم!

آیا با محققان جهان اسلام که در زمینهٔ نسخ خطی مطالعه می‌کنند تماسهایی داشته‌اید؟

در سفرهای سوریه و لبنان با دکتر صلاح الدین المنجد و چند تن از اعضاء مجمع علمی دمشق آشنا شدم. با فؤاد سزگین در ایران، در سفری که قبل از انقلاب اسلامی به ایران آمده بود، آشنا شدم که با آقای دانش پژوه به دیدنشان رفتیم. بار دوم و سوم در بغداد و استانبول با ایشان ملاقات کردم؛ بسیار به من محبت می‌کرد ومرا به کتابخانه ها معرفی می‌کرد. با دکتر چچن در ترکیه آشنا شدم، و بابسیاری از دانشمندان جهان نیز درکنگره‌های مختلف آشنا شده‌ام.

چه ویژگیهایی در تحقیقات شما نسبت به سایر محققان وجود دارد؟

دیگران باید در این باره قضاوت کنند، ولی آنچه خودم می توانم بگویم این است که همیشه متعهد بوده‌ام کارم دقیق و مورد اطمینان و با بررسی همه جانبه انجام شود.

سعی کرده‌ام تا مطمئن نشوم چیزی ننویسم.

حضرت عالی مطالعات گسترده‌ای هم در زمینهٔ نسخ نهج البلاغه وشروح آن انجام داده‌اید، از میان شروح موجود این کتاب شریف کدام یک را ترجیح می دهید؟

شرح بیهقی وکیدُری خوب‌اند، شرح ابن ابی الحدید هم اگر مؤلف مطالب فاسدی را با آن مخلوط نکرده بود یا اگر آن مطالب فاسد از آن جداشود، شرح خوبی است.

نظرتان در مورد تصحیح شرح ابن ابی الحدید و همین طور چند متن قدیمی که در جهان عرب صورت گرفته؛ مثل الاغانی و صحیح مسلم چیست؟

تحقیق شدهٔ صحیح مسلم را ندیده‌ام، تصحیح ابن ابی الحدید

معمولی‌است ، تحقیق الاغانی چاپ بولاق و چاپ دار الکتب خوب‌اند ؛ نهایت آنکه محققان آنها فقط ادیب بوده‌اند و از رجال و رواة اطلاعی نداشته‌اند و در رجال اسناد آنها غلطهای فراوان دیده می‌شود .

ممکن است آثار چاپ نشدهٔ خودتان را معرفی بفرمایید ؟

یکی از آثار چاپ نشدهٔ من « علی ضفاف الغدیر » نام دارد که دنباله واستدراکی است بر جلد اول الغدیر . در این کتاب راویان حدیث غدیر و رجال اسناد و علما و محدثینی که این حدیث را روایت کرده‌اند و نام آنها در الغدیر نیامده ذکر شده‌اند . بیشترکار این اثر انجام شده و از خدا می‌خواهم توفیق اتمام وچاپ آن را عطا کند .

در طی سالها مطالعه ، تعلیقات زیادی بر اعلام الشیعه فراهم کرده‌ام که از قرن چهارم تا چهاردهم را در برمی‌گیرد . چاپ این تعلیقات به صورت پاورقی شروع شده‌است .

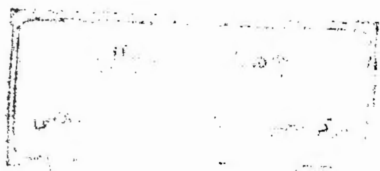
« معجم اعلام الشیعه » شرح حالی است از دانشمندان شیعه که نام آنها در طبقات اعلام الشیعه نیامده و استدراکی است بر این کتاب که به صورت الفبایی تنظیم شده است نه طبقاتی .

همچنین تعلیقات فراوانی بر الذریعه دارم که مقدار زیادی از آنها فیش شده وآماده است .

فهرستی نیز از تألیفات علامه حلّی و نسخه های خطی آنها تا قرن دهم در دست دارم که فیش شده و نیاز به مراجعه دارد .

علاوه بر اینها فهرستی از نسخه های کتابهای لغت عربی که در کتابخانه های ایران یافت می شود ، تهیه و تنظیم کرده ام .

« اهل البیت في المکتبه العربیة » نام اثر منتشر نشده ای است مشتمل بر فهرست کتابهایی که دانشمندان غیر شیعه دربارهٔ اهل بیت علیهم‌السلام به صورت



کتابهای مستقل نوشته‌اند. این اثر را هم به صورت الفبایی تنظیم کرده‌ام و در آن به کتابشناسی و شرح حال مؤلفین و معرفی نسخه های آنها در کتابخانه های دنیا پرداخته‌ام. این کتاب به صورت سلسله مقالاتی در مجلهٔ تراثنا در هفده شماره چاپ شده و تاکنون تا میانهٔ حرف «م» آن در همین مجله آمده است امیدوارم در دنبالهٔ این مقالات، متن کامل این کتاب به همراه مطالب زیادی که در این مدت به دست آمده به صورت کتاب مستقلی منتشر شود.

«بررسیهایی پیرامون نهج البلاغه» اثر دیگری است که در آن کوشیده‌ام نسخه های کهن خطی نهج البلاغه را از قرن پنجم تا دهم معرفی کنم. چاپهای نهج البلاغه، منتخبات و ترجمه های نهج البلاغه به زبانهای مختلف و شروح آن با شرح حال مفصل مؤلفین آنها و معرفی نسخه های خطی و چاپهای آنها از دیگر مطالب این کتاب است. بخشهای زیادی از این مطالب تاکنون در تراثنا چاپ شده‌اند. اکنون وارد بحث شروح نهج البلاغه شده‌ایم.

اخیراً حضرت عالی در کنگرهٔ کتاب آستان قدس رضوی شرکت فرمودید، اصول و مطالب مورد تأکید شما در این کنگره چه بود؟

در این کنگره من بر وادار کردن متصدیان و مسؤولان کتابخانه‌ها بر فهرست کردن هرچه زودتر نسخه های خطی و در دسترس قرار دادن فهرستها تأکید داشتم. همچنین بر خورد خوب و مناسب مسؤولین کتابخانه ها و کتابداران با مراجعین امری بود مورد تأکید همه که جناب آقای استادی در مورد اخیر سخنرانی مفیدی ایراد کردند. بعضی کتابخانه ها بامراجعین، اعم از محقق وکتابخوان، بدرفتاری می کنند. باید به متصدیان کتابخانه ها توصیه شود با مراجعین خوش بر خورد باشند و حتیٰ الامکان تسهیلات لازم را برای آنها فراهم کنند.

از اینکه با بزرگواری به سؤالات ما پاسخ دادید سپاسگزاریم.

از آثار محقق طباطبائی

تدوین سخنان حکیمانه

امیر مؤمنان (علیه السلام)

نگارنده

علامه محقق

سید عبد العزیز طباطبائی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

بیمار دلانی که از خاندان عصمت وطهارت منحرف شده‌اند، به خطبه‌ها، نامه‌ها، و سخنان حکیمانه ای که از امیر مؤمنان علیه‌السلام به جای مانده، با دیدهٔ اعجاب وتردید می‌نگرند!!

چرا؟!

مگر نه اینست که او از قریش است و در دل «جزیرة العرب»، مهد فصاحت، مرکز بلاغت، سر منزل ادیبان جهان در دنیای باستان ومحلّ برگزاری مسابقات ادبی «سوق عکاظ»، پرورش یافته است؟!

به علاوهٔ ذکاوت بی‌نظیر، نبوغ سرشار، استعداد های بسیار و موهبتهای فراوانی که خداوند منّان به او ارزانی داشته، بلکه نیروی ملکوتی و عنایت ویژهٔ خداوندی، که منحصراً دوستان برگزیده وبندگان شایستهٔ پروردگار، از آن برخوردارند.

امیر مؤمنان در پرتو چنین قدرت خدادادی، توانست که هزار هزار (یک ملیون) باب علم را در یک نشست فراگیرد!

این نیروی الهی وشایستگی ربّانی، فضیلت بزرگ ومقام والائی است که تاکنون واژه ای، که بیانگر عظمت وبلندی آن باشد، وضع نشده است.

قرآن کریم از این استعداد شکوفا «أُذُنٌ واعِيَه»[1] تعبیر نموده، که هر چه بشنود فراگیرد ودر بایگانی حافظه نگهداری کند. این استعداد بی‌نظیر، عنایت خاصّ پروردگار است که به بندگان شایسته‌اش عطا می‌فرماید «وَاللهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشاءُ»: «خداوند هر که را بخواهد به رحمت خود مخصوص گرداند»[2]، «لا يُسئَلُ عَمّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسئَلُونَ»: «از آنچه انجام دهد پرسش نشود ولی آنها مورد پرس وجو قرارگیرند»[3]، «وَما يُلَقّاها اِلّا ذُو حَظٍّ عَظيم»: «جز به نیکبختانی که از بهره ای بزرگ برخوردارند، داده نشود»[4].

بالاتر از همهٔ اینها سعادت بزرگی بود که دست تقدیر الهی برای او مقدّر نمود، و او را از اوان کودکی، از پدر بزرگوارش حضرت ابوطالب گرفت و به دامن پر مهر رسول اکرم صلّی الله علیه وآله سپرد، تا در آغوش رسالت پرورش یابد و از شیر نبوّت تغذیه نماید.

از این رو، او پیش از همه در خانهٔ وحی جای گرفت وبیش از همه باکانون وحی درآمیخت، و همانند کودکی که از مادر جدا نشود، لحظه‌ای از او جدا نشد، تا بانگ وحی را بشنید و فروغ آنرا بدید.

بیش از آنچه او به فراگرفتن دانش علاقه داشت، رسول گرامی به آموختن او اصرار می‌ورزید، از این رو پرسشهای او را پاسخ می‌گفت، و هنگامی که نمی‌پرسید، او خود سخن آغاز می‌کرد.

---

(۱) الحاقّة: ۱۲.

(۲) بقره: ۱۰۵.

(۳) انبیا: ۲۳.

(۴) فصّلت: ۳۵.

با آن استعداد سرشار وچنین استاد مهربان ، دیگر جای شگفت نیست که به اوج قلّهٔ فصاحت دست یابد و سرآمد ارباب بلاغت گردد و کرسی بیان را در سراسر جهان به خود اختصاص دهد.

و لذا می‌بینیم که در عهد رسالت سرور فصیحان وپیشوای بلیغان به شمار آمده ، با یک سخنرانی همهٔ اهل یمن را شیفتهٔ اسلام می‌نماید ، پس از آنکه خالد بن ولید ۶ ماه تمام سرزمین یمن را محاصره می‌کند و توفیقی نمی‌یابد ، ولی او با ایراد یک خطابه و قرائت پیام رسول اکرم صلی الله علیه وآله همهٔ مردم یمن را به شرف پذیرش اسلام مشرّف می‌گرداند.

آری سخنان موزون وحساب شده‌ای که از سویدای دل برخیزد و بر پایه های دانش وفضیلت استوار باشد ومعیار های فصاحت وبلاغت ودیگر فنون ادب در آن رعایت شود ، این چنین حجابها را می‌درد و در دلها جای می‌گیرد. به ویژه که دعای پیامبر مستجاب الدّعوه پشتوانه او باشد ، که به هنگام اعزام مجدّد او به سرزمین یمن برای تصدّی امر قضاوت ، با جملهٔ «اِذْهَبْ فَاِنَّ اللهَ سَيَهْدی قَلْبَکَ وَيُثَبِّتُ لِسانَکَ» : (برو ، بی گمان خداوند دلت را هدایت کند وگفتارت را استوار سازد) او را مفتخر نمود.

از زبان گویا ومنطق شیوائی که از دل هدایت شده سخن بگوید ، جز این انتظار نمی‌رود که همهٔ گفتارش نغز وپر مغز ، ومشحون از لطائف ادب ومملوّ از دقائق آئین بلاغت باشد ، تا جائیکه دشمن کینه توز در مقام جسارت به ساحت او بگوید : « قاتله الله ، ما افقهه » : « خدایش بکشد ، چه دانشور بزرگواریست » !!

هنگامی که نفوذ کلمه و تأثیر گفتار او در دشمن عنودی که به جنگ او برخاسته ، چنین باشد ، دیگر حال دوستان وعلاقمندان ، که عاشق پا کباختهٔ اویند و او را پیشوای خود می‌دانند ، معلوم است.

همه می‌دانیم که عرب در دوران باستان، بیش از هر چیزی به حافظه‌اش متّکی بود ومبادلهٔ دانش وفرهنگ از طریق زبان واستخدام حافظه انجام می‌گرفت، از این رهگذار حافظه‌ها بسیار نیرومند و فعّال بود، که نمونهٔ بارز آن حفظ قصیده‌های طولانی، سوره‌های بلند و خطبه‌های دراز است.

در این میان علاقهٔ خاصّی به حفظ خطبه های امیر مؤمنان عليه‌السلام داشتند و تلاش بسیار می‌کردند که خطبه‌های شگفت و شگرف آن پیشوای بلاغت را استماع کنند و در بایگانی حافظه نگهدارند، آنگاه برای اینکه باگذشت زمان در بوتهٔ فراموشی قرار نگیرد آنرا ثبت وضبط می‌کردند.

مرحوم کلینی درکافی ومرحوم صدوق در توحید، با سندهای خود از «ابو اسحاق سبیعی» نقل کرده‌اند که «حارث اعور» چنین گفت:

«امروز امیر مؤمنان عليه‌السلام بعد از نماز عصر، خطبه ای ایراد کرد که همگان از زیبائی بیان، شیوائی تعبیر وگیرائی سخن او در ستایش ذات اقدس الهی دچار شگفت شدند».

ابو اسحاق سبیعی گوید: من از حارث پرسیدم: آیا حفظ نکردی؟ گفت: چرا، نوشته ام. آنگاه از روی نوشته اش بر ما املاکرد:

«اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي لا يَمُوتُ ولا تنقَضي عَجائبُهُ...»(۱).

بدین طریق سخنان نغز وخطبه های پر مغز امیر مؤمنان عليه‌السلام مورد توجّه همگان قرار گرفت وبسیاری از شیفتگان ادب وفرهنگ به گردآوری خطبه های آنحضرت پرداختند. اینک اسامی گروهی از مؤلّفان را که خطبه‌ها، نامه‌ها، فرمانها، پیمانها و دیگر سخنان حکیمانهٔ آنحضرت را تدوین کرده‌اند و باگذشت زمان دستخوش حوادث نشده وبه دست ما رسیده است، به ترتیب تسلسل

---

(۱) اصول کافی ج۱ ص۱۴۱، توحید صدوق ص۳۱، نهج السّعادة ج۱ ص۵۵۴ وبحار الأنوار ج۴ ص۲۶۴.

زمانی، از عهد آنحضرت آغاز کرده، در طول قرون و اعصار بررسی نموده، تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود:

قرن اوّل

۱ ـ حارث أعور

شاید نخستین کسیکه سخنان امیر مؤمنان را گردآورد و خطبه های آنحضرت را تدوین نمود، حارث اعور باشد.

حارث اعور فرزند عبدالله بن کعب بن اسد بن خالد بن حرث همدانی خارفی، متوفّای ۶۵ هجری، کنیه اش ابو زهیر ومقیم کوفه بود و از مشایخ روایتی سنن اربعهٔ اهل سنّت است [۱].

شرح زندگی او را «ابن سعد» به تفصیل در «طبقات» آورده، به اسناد خود روایت می‌کند: روزی امیر مؤمنان عليه‌السلام، در خطبهٔ خود فرمود:

«مَنْ يَشْتَرِي مِنّي عِلْماً بِدِرْهَمٍ»: «چه کسی دانش را به یک درهم از من می‌خرد؟». حارث اعور صفحاتی را به یک درهم خریداری کرد وبه محضر امیر مؤمنان شتافت، امیر مؤمنان مطالب بسیاری را از خرمن علوم خود، برای او نوشت. و یک روز دیگر در خطبه‌اش برای مردم فرمود: «يا اَهْلَ الْكُوفَةِ غَلَبَكُمْ نِصْفُ رَجُلٍ»: «هان! ای مردم کوفه! یک مرد ناقص الخلقه از همهٔ شما پیشی گرفت» [۲].

---

(۱) سنن اربعه عبارت است از: سنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمّد بن یزید قزوینی، متوفّای ۲۷۵ هـ.، سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفّای ۲۷۵ هـ.، سنن ترمذی، ابو عیسیٰ محمّد بن عیسی بن سوره، متوفّای ۲۷۹ هـ. وسنن نسائی، ابو عبدالرّحمان احمد بن شعیب بن علی بن بحر نسائی، متوفّای ۳۰۳ هـ. این چهار کتاب به ضمیمهٔ صحیح بخاری وصحیح مسلم، به «صحاح ستّ» معروفست. «مترجم».

(۲) طبقات ابن سعد، ج۶ ص۱۶۸.

امام حسن وامام حسین علیهما السلام برای راهنمائی وتشویق مردم، و به دلیل مورد اعتماد بودن حارث اعور، در مورد خطبه های امیر مؤمنان علیه السلام از او سؤال می‌کردند، تا مردم نیز از این شیوه پیروی کنند و از او پرسش نمایند. از این رو ابن‌سعد در طبقات، از عامر شعبی، نقل می‌کند: امام حسن وامام حسین را دیدم که در مورد احادیث امیر مؤمنان از حارث اعور سؤال می‌کردند.

در مقابل، منافقان منحرف از امیر مؤمنان علیه السلام، برای جلو گیری از نشر معارف اهلبیت، به او تهمت دروغگوئی می‌زدند، تا مردم از او دوری گزینند وبه او اعتماد نکنند، این تهمتها هیچ انگیزه ای جز عشق واخلاص او به محضر مقدّس امیر مؤمنان علیه السلام، نداشت.

یوسف بن عبدالرّحمن مزی، شرح زندگی او را در تهذیب خود آورده می نویسد: حارث اعور داناترین مردم به اخبار امیر مؤمنان علیه السلام بود. سپس از ابوبکر بن ابی داود نقل می‌کند که: حارث اعور در رشته های فقه، فرائض ونسب از همه داناتر بود، که فرائض را از علی علیه السلام آموخته بود [1].

۲ ـ زید بن وهب

ابو سلیمان زید بن وهب جهنی کوفی، متوفّای ۹۶ هجری، از مشایخ روایتی صحاح ستّه اهل سنّت ومورد اعتماد همهٔ مؤلّفین صحاح است، که شرح حالش را ابن سعد در طبقات آورده، می‌نویسد: در همهٔ جنگهای امیر مؤمنان علیّ بن ابي طالب علیه السلام در حضور آنحضرت بوده است [2].

ابن حجر نیز شرح حال او را در تهذیب التّهذیب آورده، اضافه می‌کند: زید بن وهب برای رسیدن به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم رهسپار مدینه شد، ولی

(۱) تهذیب الکمال ج۵ ص۲۴۵ ـ ۲۵۲.

(۲) طبقات ابن سعد ج۶ ص۱۰۲.

پیش از آنکه او به مدینه برسد، رسول اکرم جهان را وداع کرد [۱].

شیخ طوسی شرح حال او را در «فهرست» آورده می‌نویسد: زید بن وهب کتابی به نام «خطب امیر المؤمنین» دارد که در آن، خطبه های امیر مؤمنان علیه السلام را که در روزهای جمعه واعیاد وغیر آن، بر فراز منبر ایراد کرده بود، گردآورده است. سپس سلسلهٔ اسناد خود را به این کتاب بیان کرده، آنرا از طریق حافظ «ابن عقده» روایت کرده است [۲].

قرن دوّم

۳ ـ ابراهیم بن حکم

ابو اسحاق ابراهیم بن حکم بن ظُهَیر کوفی فَزاری، که شیخ طوسی شرح حالش را در «فهرست» آورده، می‌نویسد: کتابهائی تصنیف کرده که از آن جمله است: کتاب ملاحم وکتاب «خطب علی علیه السلام»، آنگاه سلسلهٔ اسناد خود را به این کتاب بیان کرده است [۳].

نجاشی نیز شرح حال او را آورده، ازکتاب «خطب» نام برده واسناد خود را برشمرده است [۴]. ولی در کتب تراجم اهل سنّت [۵] او را تضعیف کرده‌اند، که دلیلی جز نقل روایاتی چند در مطاعن معاویه ندارد.

---

(۱) تهذیب التهذیب ج۳ ص۴۲۷.

(۲) فهرست شیخ طوسی ص۱۰۱، الذّریعه ج۷ ص۱۸۹ ومعجم رجال الحدیث ج۷ ص۳۶۰.

(۳) فهرست شیخ طوسی ص ۳۱.

(۴) رجال نجاشی ص۱۵ وشمارهٔ ۱۵.

(۵) میزان الاعتدال، ج۱ ص۲۷، لسان المیزان، ج۱ ص۴۹ والجرح والتّعدیل ج۲ ص۹۴.

۴ ـ کلبی

ابو المنذر، هشام بن محمّد بن سائب کلبی کوفی نسّابه، متوفّای ۲۰۴ و به قولی ۲۰۶ هـ. که بیش از ۱۵۰ کتاب نوشته، که از آن جمله است «جمهرة النّسب». یاقوت حموی به مناسبتی در مادّهٔ «جوف» از کلبی نام برده می‌گوید: «خداوند به او خیر دهد، هر کجا دانشمندان در مورد یک واژهٔ عربی اختلاف کنند، گفتار او دلیل قاطع است، و در عین حال او همواره مورد ستم قرار می‌گیرد ولبهٔ تیز حملات متوجّه اوست»[۱].

شرح حال او را ابن ندیم، نجاشی، یاقوت، اسماعیل پاشا و آیه الله خوئی مد ظلّه العالی آورده‌اند وهمگی از کتاب «خطب» او نام برده‌اند[۲].

۵ ـ مسعده بن صدقه

ابو محمّد، ویا ابو بشیر، مسعده بن صدقهٔ عبدی، از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است.

نجاشی شرح حال او را در «فهرست» آورده، می‌نویسد: از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده، تألیفاتی دارد که از آن جمله است «خطب امیر المؤمنین علیه السلام»، آنگاه سلسلهٔ سند خود را بیان می‌کند[۳].

---

(۱) معجم البلدان، ج۲ ص۱۸۸.

(۲) فهرست ابن ندیم ص۱۰۸، فهرست نجاشی ص۴۳۳ شمارهٔ ۱۱۶۴، معجم الادبا، ج۷ ص۲۵۰، هدیّة العارفین ج۲ ص۵۰۸ ومعجم رجال الحدیث ج۱۹ ص۳۰۸.

(۳) فهرست نجاشی، به شمارهٔ ۱۱۰۸ ص۴۱۵.

۶ ـ واقدی

ابو عبدالله، محمّد بن عمر بن واقد بغدادی، متوفّای ۲۰۷ هـ، کتابی به نام «خطب امیر المؤمنین» علیه السلام دارد، که ابن ندیم از آن یاد کرده [۱] وابو غالب زراری، متوفّای ۳۶۸ هـ. در رسالهٔ خود، که اجازه نامهٔ او به نوه‌اش می‌باشد، در شمار کتابهائی که در نزد او موجود بود، از خطب واقدی نام می‌برد وبه او اجازهٔ روایت می‌دهد ویادآور می‌شود که آنرا از عمر بن فضل روایت کرده است [۲].
رجوع کنید به کتاب پرارج الذّریعة [۳].

۷ ـ ابو مخنف

لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف ازدی غامدی کوفی، متوفّای ۱۵۷ هـ. که شرح حالش را یاقوت، کتبی وزرکلی آورده‌اند [۴].

شیخ طوسی در ضمن تألیفات از کتابی به نام «الخطبة الزّهرا» نام می‌برد و سلسلهٔ اسناد خود را تا امیر مؤمنان علیه السلام بیان می‌کند [۵].

قرن سوّم

۸ ـ مدائنی

ابو الحسن علی بن محمّد بن عبدالله بن ابی سیف بغدادی، متوفّای

---

(۱) فهرست ابن ندیم ص۱۱۴.
(۲) اخبار آل اعین، ص۸۵.
(۳) الذّریعه، ج۱ ص۱۴۳ وج۷ ص۱۹۱.
(۴) معجم الادبا، ج۶ ص۲۲۰، فوات الوفیات ج۳ ص۲۲۵ واعلام زرکلی ج۵ ص۲۴۵.
(۵) فهرست شیخ طوسی ص۱۵۹.

۲۲۵ هـ. که شرح حالش را ابن ندیم در فهرست آورده و از تألیفات فراوانش نام برده واز دو کتاب به نامهای «خطب علی» و«خطب علیّ وکتبه الی عمّاله» در آن میان یاد کرده است [۱].

به نظر می رسد که مدائنی دو کتاب در این رابطه داشته که یکی به خطبه های امیر مؤمنان عليه‌السلام اختصاص داشته، ودیگری شامل خطبه ها، نامه ها وفرمانهای آنحضرت می باشد.

۹ ـ صالح بن ابی حمّاد

ابو الخیر، صالح بن ابی حماد رازی، از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری عليهم‌السلام می‌باشد، که نجاشی شرح حالش را آورده، و از کتابهایش یاد کرده، از جمله ازکتاب «خطب امیر المؤمنین عليه‌السلام» نام برده وسلسلهٔ اسناد خود را بر شمرده است [۲].

۱۰ ـ ابراهیم بن سلیمان

ابو اسحاق، ابراهیم بن سلیمان بن عبیدالله نهمی خزّازکوفی، کتابی به نام «خطب علی عليه‌السلام» دارد [۳].

۱۱ ـ اسماعیل بن مهران

ابو یعقوب، اسماعیل بن مهران بن محمّد بن ابی نصر سکونی کوفی، از اصحاب امام رضا عليه‌السلام است، که شیخ طوسی، نجاشی وکشّی شرح حالش را

---

(۱) فهرست ابن ندیم ص۱۱۳ ـ ۱۱۶.

(۲) فهرست نجاشی، به شمارهٔ ۵۲۶ ص۱۹۸.

(۳) الذّریعة ج۷ ص۱۸۸، ماهو نهج البلاغه ص۲۷ ومستدرک سفینة البحار، ج۳ ص۲۹۹.

نوشته اند ، کشّی او را به عنوان : پرهیزکار ، مورد اعتماد ، خیّر وفاضل ستوده [1] طوسی ونجاشی بعد از توثیق او ازکتابهای او نام برده‌اند ، از جمله ازکتاب ملاحم و « خطب امیر المؤمنین علیه‌السلام » سپس سلسلهٔ اسناد خودشان را بیان کرده‌اند [2].

۱۲ ـ ابن مدینی

ابو الحسن ، علی بن عبدالله بن نجیح سعدی بصری ، متوفّای ۲۳۴ هـ. صاحب تألیفات فراوان در موضوعات مختلف ، از جمله « خطب علی بن ابی طالب علیه‌السلام [3] ».

۱۳ ـ حضرت عبدالعظیم حسنی

ابو القاسم ، عبدالعظیم بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه‌السلام ، متوفّای ۲۵۴ هـ ومدفون در شهر ری . که صاحب بن عباد کتابی در شرح حال او تألیف کرده ، ومرحوم صدوق نیزکتابی به نام « اخبار عبدالعظیم » دارد . نجاشی شرح حال او را در فهرست آورده وکتاب « خطب امیرالمؤمنین علیه‌السلام » را از تألیفات او نام برده ، وسلسلهٔ اسناد خود را به آن بر شمرده است [4].

۱۴ ـ جاحظ

ابو عثمان ، عمرو بن بحر بصری ، متوفّای ۲۵۵ هـ. کتابی به نام « المائة

---

(۱) رجال کشّی ص۵۸۹.

(۲) فهرست شیخ طوسی ص۳۸ وفهرست نجاشی ص۲۷.

(۳) ایضاح المکنون ، ج۱ ص۴۳۱.

(۴) فهرست نجاشی ص۲۴۷.

کلمه من حکم امیر المؤمنین » دارد. مطابق نقل « بروکلمان » در تاریخ ادب عربی، ابن قتیبه آنرا درکتاب « عیون الاخبار » نقل کرده است [1].

ابو الفتح آملی، متوفّای ۵۱۰ هـ. در مقدّمهٔ « غرر الحکم » وابن شرفیّه در مقدّمهٔ « عیون الحکم » از آن بحث نموده اند واظهار تعجّب کرده اند که چرا جاحظ به صد کلمه بسنده کرده است ؟!

ابو منصور ثعالبی، متوفّای ۴۲۹ هـ. متن آنرا درکتاب « الاعجاز والایجاز » آورده، در پایان می‌نویسد: « این بود صد گفتاری که ابو عثمان، عمرو بن بحر جاحظ از سخنان علی علیه‌السلام گردآورده است » [2].

سرآمد خطبای خوارزم، شاگرد وجانشین زمخشری، ضیاء الدّین موفّق بن احمد مکّی خوارزمی، متوفّای ۵۶۸ هـ. نیز در کتاب خود « مناقب امیر المؤمنین » متن آنرا درج نموده و سلسلهٔ اسناد خود را تا جاحظ برشمرده، چنین می‌گوید: « خبر داد مرا فقیه ابو سعید فضل بن محمّد استرابادی، از ابو غالب حسن بن علی بن قاسم، از ابو علی حسن بن احمد جهرمی در عسکر مکرم، از ابو احمد حسن بن عبدالله بن سعید [عسکری]، از ابو بکر محمّد بن حسن بن درید، از ابو الفضل احمد بن ابی طاهر، دوست صمیمی ابو عثمان جاحظ، که برای امیر مؤمنان علیه‌السلام صد کلمه است که هر کلمهٔ آن بیش از هزارکلمه از زیباترین گفتار های عرب ارزش دارد ».

احمد بن ابی طاهر گوید: مدّتی بس دراز من از او می‌خواستم که آنها را یکجا گردآورد و برای من املاکند، او نیز وعده می‌داد و مسامحه می‌کرد و شاید بخل می‌ورزید. تا در اواخر عمر تعدادی از پیشنویسهای مصنّفات خود را درآورد و این کلمات را از میان آنها استخراج نمود وبه خطّ خودش در اختیار من

---

(۱) تاریخ ادب عربی، متن آلمانی: ج۱ ص۱۴۴ وترجمهٔ عربی: ج۱ ص۱۷۹.
(۲) الاعجاز والایجاز، ص۲۸ ـ ۳۰، چاپ ۱۸۹۷ م. مصر.

قـرارداد. مـتن صـد كـلمهٔ جـاحظ چـنين است: «لَـوْ كُشِـفَ الْـغِطٰا مٰـا ازْدَدْتُ يَقيناً...»[1].

نسخه های خطّی مائة كلمه:

۱ ـ نسخهٔ كتابخانهٔ دانشگاه آمريكائی بيروت، در ضمن مجموعه ای بـه شمارهٔ ۲۷ ـ ۳۰، شمارهٔ سابق آن ۲۶۴. اين نسخه به سال ۵۶۹ هـ. اسـتنساخ شده است[2].

۲ ـ نسخهٔ كتابخانهٔ سلطنتی ايران، بـه خـطّ كـمال الدّيـن حسـين حـافظ هروی، به سال ۷۳۳ هـ. به شمارهٔ ۲۰۲[3].

۳ ـ نسخهٔ كتابخانهٔ امبروزيانا در ايتاليا، در ضمن مجموعه ای كه در قرن هفتم ويا هشتم استنساخ شده است.

چاپهای مائة كلمه:

۱ ـ همراه كتاب «الشّهاب» شيخ يحيی بحرانی، به سال ۱۳۲۲ هـ. در ايران.

۲ ـ در ضمن اعجاز وايجاز ثعالبی، به سال ۱۸۹۷ م. در مصر وسپس در بيروت.

۳ ـ در ضمن كتاب «التّحفة البهيّة» به سال ۱۳۰۲ هـ. در استانبول ص۱۰۷ ـ ۱۱٤.

٤ ـ چاپ تهران به سال ۱۳۰٤ هـ.

۵ ـ چاپ ادنبره، به سال ۱۸۳۲ م. همراه ترجمهٔ انگليسی.

٦ ـ چاپ تبريز، به سال ۱۲۵۹ هـ.

۷ ـ بازهم چاپ تبريز، به سال ۱۳۱۲ هـ.

---

(۱) مناقب خوارزمی ص۲۷۰.

(۲) فهرست مخطوطات كتابخانهٔ آمريكائی بيروت ص۶۵.

(۳) فهرست مخطوطات مذهبی كتابخانهٔ سلطنتی ايران، ص۸۷۰.

شرحهای مائة کلمه:

کتاب «مائة کلمه» دهها بار به نظم ونثر، به زبانهای مختلف ترجمه وشرح شده است، که در زیر شرحهای مختلف آنرا نام می بریم:

۱ ـ شرح قطب الدّین راوندی

ابو الحسین، قطب الدّین سعید بن هبة الله راوندی، متوفّای ۵۷۳ هـ. شرح حالش را شیخ منتجب الدّین در فهرست آورده ودر شمار تألیفاتش از «شرح الکلمات المائة لأمیر المؤمنین علیه‌السلام» نام برده [(۱)] ومطابق نقل ابن حجر در «تاریخ ری» نیز بیوگرافی او را آورده، وبه عنوان «دانشمندی که در هر رشته ای آگاهی داشته و در هر زمینه‌ای کتاب نوشته» او را ستوده است [(۲)].

از آثار چاپ شدهٔ او «فقه القران» در دو مجلّد، چاپ نجف وقم، و«منهاج البراعة» در شرح نهج البلاغة، در سه مجلّد، چاپ هند وقم می‌باشد.

از دیگر آثار او «شرح نخستین خطبهٔ نهج البلاغه» است. برای اسامی دیگر آثار او به فهرست شیخ منتجب الدّین وریاض العلما رجوع فرمائید [(۳)].

۲ ـ مطلوب کلّ طالب من کلام علی بن ابی طالب

رشید الدّین محمّد بن محمد بن عبدالجلیل، معروف به «رشید وطواط» در بلخ دیده به جهان گشود وبه سال ۵۷۸ هـ. در خوارزم از جهان رخت بربست.

یاقوت در ضمن شرح حال او می نویسد: «از نوادر زمان وعجائب روزگار،

---

(۱) فهرست شیخ منتجب الدّین ص۸۸.

(۲) لسان المیزان، ج۳ شماره ۱۸۰.

(۳) ریاض العلماء، ج۲ ص۴۱۹ والذّریعة ج۱۴ ص۴۱.

یگانهٔ عصر وبرتر از همهٔ اهل زمانش در نظم ونثر، وداناترین مردمان به دقایق زبان عربی و اسرار ادب و فرهنگ بود، که آوازه‌اش جهان را از کران تا کران فراگرفت ...» آنگاه تألیفاتش را می‌شمارد و در شمار آنها از «مطلوب کلّ طالب» نیز نام می‌برد [1].

رشید وطواط در کتاب «مطلوب کلّ طالب» صد گفتار جاحظ را به عربی شرح کرده، سپس به فارسی شرح نموده، آنگاه متن آنرا به فارسی به نظم درآورده است.

وی به سال ۵۵۳ هـ. آنرا به پایان رسانیده وبه سلطان محمود خوارزمشاه تقدیم نموده است. ودر مقدّمة کتاب، تصریح نموده که این کتاب شرح صد گفتاری است که جاحظ آنرا ازکلمات امیر مؤمنان عليه‌السلام برگزیده است وهرکلمهٔ آن با هزارکلمه برابری می‌کند.

نسخه های خطّی «مطلوب کلّ طالب»:

۱ ـ نسخهٔ آستان قدس رضوی، مشهد مقدّس، که به سال ۸۷۷ هـ. استنساخ شده ودر اوّل مجموعه ای به شمارهٔ ۷۱۳۶ محافظت می‌شود.

۲ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ «عاطف» در استانبول، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ ۲۲۰۷ که در قرن هشتم استنساخ شده است.

۳ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ «ایاصوفیا» در استانبول، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ ۴۷۹۵ که در سال ۸۴۳ هـ. استنساخ شده است.

۴ ـ نسخهٔ دیگری در همان کتابخانه، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ ۴۷۹۲ که در سال ۸۱۶ هـ. استنساخ شده است.

---

(۱) معجم الادباء، ج۷ ص۹۱.

۵ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ « اسعد افندی » در استانبول ، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ ۱۳۳۵ که به سال ۸۱۲ هـ. استنساخ شده است .

۶ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ « حمیدیّة » در استانبول ، در ضمن مجموعه ای به شماره ۱۴۴۷ که در قرن هشتم استنساخ شده است .

۷ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ سلطنتی ایران ، به شمارهٔ ۱۶۹۴ که نسخهٔ بسیار با ارزشی است ، که متن آن به خطّ خطّاط معروف قرن نهم ، محمّد بن عبدالواسع تبریزی ، به خط نسخ بسیار زیبائی ، به سال ۸۷۸ هـ. نوشته شده ، وشرح فارسی آن به خطّ « محیی شیرازی » در همان تاریخ نوشته شده است [۱] .

۸ ـ نسخه موزهٔ توپ قاپو در استانبول ، به خطّ خطّاط معروف قرن نهم ، احمد بن علی صوفی مراغه ای ، که به تاریخ ۸۷۶ هـ. به عالیترین شکلی نوشته شده واقسام گوناگون خطوط ، چون : ثلث ، ریحان ، تعلیق ، رقاع وتوقیع ، در آن به کار رفته است . هر یکی روی کاغذ خاصّی نوشته شده ، سپس با مهارت خاصّی با یکدیگر مونتاژ شده است .

۹ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ ۲۳۹۸ که در سالهای ۹۰۹ تا ۹۱۲ هـ. استنساخ شده است [۲] .

۱۰ ـ نسخهٔ دیگری در همان کتابخانه ، نسخه‌ای تزیینی وقیمتی ، به شمارهٔ ۸۳۳۵ که در قرن نهم و یا دهم استنساخ شده است [۳] .

۱۱ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه لوس‌آنجلس آمریکا ، که توسّط علی بن محمّد بن احمد حنفی ، به سال ۹۷۸ هـ. استنساخ شده است .

---

(۱) فهرست مخطوطات دینی کتابخانهٔ سلطنتی ایران ص۸۰۳.

(۲) فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، ج۹ ص۱۰۰۶ .

(۳) همان مدرک ، ج۱۷ ص۱۱۱.

ترجمه های «مطلوب کلّ طالب»:

۱ ـ خاورشناس معروف «فلاشر» آلمانی، متوفّای ۱۸۸۸ م. آنرا به آلمانی ترجمه کرده، وپاورقیهائی بر آن افزوده، به سال ۱۸۳۷ م. در لایپزیک آلمان به چاپ رسیده است.

۲ ـ ترجمهٔ دیگری از این کتاب، توسّط «مصطفیٰ قسطمونی» به ترکی برگردان شده، ونسخه ای از آن در کتابخانهٔ «عارف حکمت» در مدینهٔ منوّره موجود است.

چاپهای «مطلوب کلّ طالب»:

۱ ـ چاپ لایپزیک آلمان، به سال ۱۸۳۷ م.

۲ ـ چاپ تبریز، به سال ۱۲۵۹ هـ.

۳ ـ باز هم چاپ تبریز، به سال ۱۳۱۲ هـ.

۴ ـ چاپ تهران، به سال ۱۳۰۴ و۱۳۸۹هـ.

۵ ـ چاپ دیگری در تهران، با تحقیقات ارزندهٔ «سیّد جلال الدّین محدّث ارموی» به سال ۱۳۸۲ هـ. وسپس چاپهای مکرّر از روی آن، به صورت مستقلّ وبه پیوست شرح ابن میثم.

واینک دیگر شرحهای «مائة کلمه» را دنبال می کنیم:

۳ ـ منهاج العارفین فی شرح کلام امیر المؤمنین علیه السلام

تألیف: فیلسوف بزرگ وفقیه مشهور، کمال الدّین ابو الفضل میثم بن علی بن میثم بحرانی، متوفّای ۶۹۹ هـ.

ابن فوطی، شرح حال او را در مادّهٔ «کمال الدین» آورده، به عنوان ادیب و

فقیه ستوده، می‌نویسد: «وارد مدینه شد، با او دیدارکردم از اساتیدش پرسیدم ویادداشت کردم، چهره ای گشاده، اخلاقی ستوده وسیمائی آراسته داشت»[1].

ابن میثم که دو شرح بر نهج البلاغه، به نامهای «مصباح السّالکین» و«اختیار مصباح السّالکین» دارد، شرحی بر مائة کلمهٔ جاحظ به نام «منهاج العارفین» نوشته است.

نسخه‌ای از منهاج العارفین درکتابخانهٔ عمومی مرحوم آیت الله حکیم، به شمارهٔ ۱۷۲ در نجف اشرف موجود است.

نسخهٔ دیگری از آن درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

نسخهٔ سوّمی درکتابخانه آستان قدس رضوی، به شمارهٔ ۷۷۳۴ در مشهد مقدّس موجوداست.

نسخهٔ چهارم آن درکتابخانهٔ دانشمند فقیه مرحوم «سیّد جلال الدّین محدّث ارموی» در تهران موجود است که به سال ۸۷۰ هـ. استنساخ شده است.

مرحوم محدّث، این نسخه را با دو نسخهٔ دیگری که درکتابخانه‌اش موجود است و با نسخه‌های آستان قدس رضوی و دانشگاه تهران، تطبیق و مقابله نموده، با تحقیقات ارزندهٔ خود به سال ۱۳۹۰ هـ. در تهران به چاپ رسانیده است و بعد از آن چندین بار تجدید چاپ شده است.

۴ ـ شرح مائة کلمه

نوشتهٔ: عبدالوهاب بن خواجه، امیر آدانا (در جنوب ترکیّه)، ابراهیم بن پیرپشا، که به سال ۱۳۸۲ هـ. همراه «مطلوب کلّ طالب» از رشید وطواط، به چاپ رسیده است.

---

(۱) تلخیص مجمع الآداب، ج۵ ص۲۹۵.

۵ ـ شرح مائة کلمه

به فارسی منظوم، اثر طبع واعظ عارف، شیخ عبدالحمید گیلانی استرابادی، شاگرد شیخ بهائی [۱].

۶ ـ شرح مائة کلمه

نوشتهٔ: قاضی مصطفیٰ بن محمّد خواجکی زادهٔ حنفی رومی قسطنطینی (استانبولی)، متوفّای ۹۹۸ هـ[۲].

۷ ـ شرح مائة کلمه

واحتمالاً شرح مطلوب کل طالب، تألیف: حسین بن معین الدّین میبدی، که یک نسخهٔ خطّی آن در موزهٔ بریتانیا موجود است [۳].

۸ ـ شرح مائة کلمه

تألیف: محمّد عمروی، که یک نسخهٔ آن در کتابخانهٔ ملّی پاریس، موجوداست [۴]. وبروکلمان از آن یاد کرده است [۵].

---

(۱) الذّریعه، ج۱۴ ص۴۱.

(۲) معجم المؤلّفین ج۱۲ ص۲۸۲ وهديّة العارفین ج۲ ص۴۳۷.

(۳) فهرست کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، ج۱ ص۱۶۶۵.

(۴) فهرست کتابخانهٔ ملی پاریس، ج۱ ص۳۹۵۴.

(۵) تاریخ الادب العربی، ج۱ ص۴۴ متن آلمانی وج۱ ص۱۷۹ ترجمهٔ عربی.

۹ ـ شرح مائة کلمه

نوشتهٔ : جمال خلوتی ، که یک نسخهٔ آن در کتابخانهٔ « ایاصوفیا » به شمارهٔ ۴۰۷۰ موجود است و بروکلمان از آن یاد کرده است [۱].

۱۰ ـ کنز الحکمه

ترجمه و تفسیر مائة کلمهٔ جاحظ ، نوشتهٔ : فضل بن احمد بن ابی طاهر ، که نسخهٔ خطّی آن در کتابخانهٔ سلیمانیّهٔ استانبول ، بخش کتابهای ایا صوفیا ، به شمارهٔ ۹ / ۲۰۵۲ موجوداست وبه سال ۶۸۶ هـ . استنساخ شده است . وفیلم آن در کتابخانهٔ دانشگاه تهران موجوداست [۲].

۱۱ ـ شرح الکلمات المرتضویّه

شرح مائة کلمه به ترکی ، که نسخه ای از آن به سال ۱۱۹۵ هـ . استنساخ شده ، ودر ضمن مجموعه ای به شمارهٔ B.۶۰۱ درکتابخانهٔ دانشگاه لوس آنجلس موجود است ، وشاید ترجمهٔ ترکی « مطلوب کلّ طالب » از رشید وطواط باشد .

ترجمه‌های مائة کلمه :

۱ ـ ترجمهٔ انگلیسی آن توسّط « ویلیام پول » به سال ۱۸۳۲ م . در ادنبر و(ادنبورک) به چاپ رسیده است [۳].

۲ ـ ترجمهٔ فارسی به نظم ، که نسخه ای از آن در ضمن مجموعه ای به

---

(۱) همان مدرک ، ج ۱ ص ۱۷۹ .

(۲) فهرست نسخه های عکسی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، ج ۱ ص ۴۴۷ .

(۳) تاریخ الادب العربی ، ج ۱ ص ۱۸۰ .

شمارهٔ ۱۲۰۸ در کتابخانهٔ سلیمانیّه ، در استانبول ، موجوداست . این نسخه به سال ۹۳۹ هـ. نوشته شده است .

۳ ـ ترجمهٔ فارسی به نثر ، که نسخه ای از آن در کتابخانهٔ سلیمانیّه ، در بخش کتابهای ایا صوفیا ، به شمارهٔ ۲۰۵۲ موجوداست که به سال ۶۸۶ هـ. نوشته شده‌است .

۴ ـ ترجمهٔ فارسی به نظم ، اثر طبع شاعر معروف عبدالرّحمن جامی ، متوفّای ۸۹۸ هـ[1].

۵ ـ ترجمهٔ ترکی آن به نظم ، چاپ ۱۲۸۸ هـ. استانبول .

۶ ـ ترجمهٔ آن به فارسی منظوم ، توسّط درویش اشرف ، به سال ۸۳۸ هـ[2].

۷ ـ ترجمهٔ منظوم آن به فارسی وترکی ، که نسخه ای از آن در کتابخانهٔ دانشگاه لوس‌انجلس ، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ D.۳۵ موجوداست .

واینک دیگر گردآورندگان خطبه های امیر مؤمنان عليه‌السلام را می‌آوریم :

۱۵ـ ثقفی

ابو اسحاق ، ابراهیم بن محمّد بن سعید بن هلال ثقفی کوفی ، مقیم اصفهان ومتوفّای ۲۸۳ هـ. که شرح حالش را شیخ طوسی ونجاشی در فهرست خود آورده‌اند وتألیفاتش را بر شمرده‌اند ، که از آن جمله است : « الخطب المعرّبات » ، « الخطب السّائره » و« رسائل امیر المؤمنین عليه‌السلام واخباره » ، سپس سلسلهٔ اسناد خود را بر شمرده اند .

از آثار او کتاب ارزشمند « الغارات » همراه تحقیقات ارزندهٔ مرحوم سیّد

---

(۱) فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، ج۲ ص۱۳۸ .

(۲) دانشمندان آذربایجان ص۱۴۷ وفهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ج۲ ص۱۳۸ .

جلال الدّين محدّث ارموی ، در دو مجلّد به طبع رسیده ، واینک با تحقیقات علّامهٔ بزرگوار سیّد عبدالزّهراء خطیب ، زیر چاپست . این کتاب پرارج به زبان فارسی نیز ترجمه شده است [۱].

قرن چهارم

۱۶ ـ ابن درید

ابو بکر ، محمّد بن حسن بن درید ازدی بصری ، استاد ادب ومؤلّف « الجمهره » در لغت ، ومتوفّای ۳۲۱ هـ . که ابن ندیم ، خطیب بغدادی ، سمعانی ، قفطی ویاقوت ، شرح حال او را آورده‌اند [۲].

ابن درید کتابی در مورد خطبه های امیر مؤمنان عليه‌السلام به نام « حکم امیر المؤمنین وقصار کلماته » دارد ، که نسخه ای از آن در کتابخانهٔ ملّی پاریس موجوداست [۳].

۱۷ ـ ابو احمد جلودی

عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی ازدی بصری ، شیخ بصره ومورّخ آگاه آن ، متوفّای ۳۳۲ هـ . که شرح حالش را نجاشی در فهرست خود آورده ، و کتابهای او را که بالغ بر ۲۰۰ جلد می باشد ، برشمرده است ، که از آن جمله است : « خطب امیر المؤمنین » ، « شعر امیر المؤمنین » ، « رسائل امیر المؤمنین » ، « مسند امیر المؤمنین » ، « ذکر کلام امیر المؤمنین في الملاحم »

---

(۱) الذّریعة ج۷ ص۱۹۳ ، معجم رجال الحدیث ج۱ ص۲۷۸ ومقدّمهٔ کتاب الغارات .

(۲) فهرست ابن ندیم ص۶۷ ، تاریخ بغداد ، ج۲ ص۱۹۵ ، انساب سمعانی ج۵ ص۳۰۵ ، انباه الرّواة ج۳ ص۹۲ ، ومعجم الادباء .

(۳) تاریخ الادب العربی ـ بروکلمان ـ ج۱ ص۱۷۹ .

و«کتاب الدّعاء عن امیر المؤمنین علیه‌السلام »، آنگاه سلسله اسناد خود را در نقل این کتابها برشمرده است.

اسماعیل پاشا، شرح حال جلودی را آورده وهمهٔ کتابهای او را به جز کتابهای یادشده، برشمرده است [1].

ابن ندیم وشیخ طوسی نیز شرح حال او را آورده، برخی از کتابهایش را برشمرده‌اند [2].

۱۸ ـ قاضی نعمان

ابو حنیفه، قاضی نعمان بن محمّد بن منصور بن حیون مغربی تمیمی، قاضی مصر و فقیه آن، در عهد خلفای فاطمی ومتوفّای ۳۶۳ هـ.

قاضی نعمان کتابی به نام «خطب علیّ علیه‌السلام » وکتاب دیگری به نام «شرح خطب علی علیه‌السلام » دارد، چنانکه در مقدّمهٔ کتابش «الهمّه» به آن تصریح کرده‌است [3].

قاضی نعمان، اهل قیروان وساکن قاهره بود، کتابهای فراوانی نوشت وبه تعبیر ذهبی: «در تمام رشته های علوم نیرومند بود، در فقه دست قوی داشت، در بحث ومناظره نفس گرم داشت... فقه اهلبیت را قوّت بخشید، در مورد اختلاف دانشمندان کتاب نوشت، کتابهایش بزرگ وپر محتوی است ومقامی بس والا دارد» [4].

ابن خلّکان شرح حال مفصّلی از او نوشته وخیر الدّین زرکلی از دانش

---

(۱) هدیّة العارفین ج۱ ص۵۷۶ ـ ۵۷۷.

(۲) فهرست ابن ندیم ص ، فهرست شیخ طوسی ص۱۴۹ ومعجم رجال الحدیث ج۱۰ ص۳۹.

(۳) الذّریعة ج۱۳ ص۲۱۷.

(۴) سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶ ص۱۵۰.

گستردهٔ او در فقه، ادب، تاریخ وعلوم قران سخن گفته است[1].

۱۹ ـ شریف رضی

صاحب شرف بزرگ ونسب رفیع، ابو الحسن محمّد بن حسین بن موسیٰ بن محمّد بن موسی بن ابراهیم بن امام موسی بن جعفر علیه السلام، مشهور به «شریف رضی»، متولّد ۳۵۹ ومتوفّای ۴۰۶ هـ. مشهورتر از آنست که نیازی به تعریف وتمجید داشته باشد، و لذا بدون اینکه به شرح حال او اشاره کنیم، فرازکوتاهی را از سخنان دانشمند معروف اهل سنّت در قرن پنجم «علی بن حسن باخرزی» در اینجا می‌آوریم:

«در میان بزرگان ادب وپیشوایان فرهنگ غنی اسلام، کرسی استادی از آن شریف رضی است، اگر من به ستایش او زبان بگشایم، همانند کسی خواهم بود که به ستایش نور خورشید بپردازد ویا از طراوت چمن سخن بگوید، او قریحهٔ سرشاری دارد که اگر به اشعار خود مباهات کند به قلّهٔ عظمت دست یابد، وپیشانی بر فراز ستارگان بساید، واگر از نسب رفیع وبلند خود سخن بگوید، از نسبی به لطافت هوا وبلندی فضا گفتگو خواهد نمود، که در شرافت نسب گوی سبقت ربوده‌است»[2].

تألیفات شریف رضی:

شاید به نظر بدوی جای شگفت باشد که چرا ابن ندیم در فهرست خود از آثار وتألیفات شریف رضی گفتگو نکرده‌است، در حالیکه در عصر او تألیف نموده است، سبب اصلی اینست که ابن ندیم فهرست خود را به سال ۳۷۷ هـ.

---

(۱) وفیات الاعیان، ج۴ ص۴۱۵ واعلام زرکلی ج۸ ص۴۱.

(۲) دمیة القصر، ج۱ ص۲۹۱.

تألیف نموده، که شریف رضی در آن تاریخ ۱۸ سال داشت وهنوز دوران تحصیل وتحقیق را سپری می‌کرد، فقط در ضمن شرح حال استادش «ابن جنی» از تفسیر مراثی سه گانه وقصیدهٔ رائیّهٔ شریف رضی نام برده‌است[1] که نشانهٔ اشتهار اشعار وی در ۱۸ سالگی می باشد.

مرحوم رضی دهساله بود که شعر می‌سرود واشعارش دست به دست می‌گشت وپیش از آنکه به حدّ بلوغ برسد، قصائد بسیار ارزنده از او انتشار یافته بود.

شریف رضی در شعر وادب به مقام والائی دست یافته بود، که استادش ابن جنی چهار قصیدهٔ او را در چهار جلد شرح کرده بود، که بر هر قصیده ای در یک جلد شرح نوشته بود وبه طوریکه اشاره شد، ابن ندیم در فهرست خود از این شروح نام برده است. با توجّه به اینکه تألیف فهرست ابن ندیم به سال ۳۷۷ هجری بوده، روشن می‌شود که عظمت و رفعت مقام شریف رضی به حدّی بود که پیش از آنکه او به هجده سالگی برسد، استادش بر اشعار او شرح نوشته است.

برای شریف رضی همین افتخار بس که استادش بر شرح آثار او اقدام کند وشاگردانی چون «مهیار دیلمی» تربیت نماید.

مهیار دیلمی به دست شریف رضی به آئین مقدّس اسلام تشرّف یافت وسپس در مدرسهٔ او به تحصیل پرداخت واز مرکز فرهنگی او فارغ التّحصیل شد.

ابن خلّکان وآدام متز نوشته اند که سیّد رضی یک مؤسّسهٔ فرهنگی عظیمی تأسیس کرد، که طلّاب علوم دینی در آنجا به تحصیل وتحقیق اشتغال داشتند. در این مؤسّسهٔ فرهنگی که به «دار العلم» شهرت داشت، همهٔ

---

(۱) فهرست ابن ندیم ص۹۵.

نیازمندیهای طلّاب از طرف سیّد رضی تأمین می‌گردید[۱].

پیش از شریف رضی، یکی دیگر از علمای شیعه به نام «عیّاشی» چنین مؤسّسهٔ فرهنگی برای دانش پژوهان تأسیس کرده بود[۲].

تاریخ نگارش آثار شریف رضی

نخستین کتابی که از شریف رضی سراغ داریم:

۱ ـ خصائص الائمّه

شریف رضی این کتاب را در ۲۴ سالگی نوشته است، چنانکه در مقدّمهٔ آن می‌نویسد: «در شب عرفهٔ ۳۸۳ هـ. به هنگام عزیمت به حرم مطهّر مولایم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام او را دیدم، به او وعده دادم وتصمیم قطعی گرفتم که این کتاب را تألیف کنم تا عقیده ام را آشکار سازم و رازهای درونم را فاش نمایم».

---

(۱) الحضارة الاسلامیّة ج۱ ص۳۳۰.

(۲) ابو النّضر محمّد بن مسعود عیّاشی، صاحب تفسیر عیّاشی، در حدود صد وپنجاه سال پیش از شریف رضی، مرکز فرهنگی تأسیس کرده، به تربیت شاگردان می پرداخت.

شرح حال او را ابن ندیم در فهرست (ص۲۴۴) آورده می نویسد: «از فقهای شیعه بود، یگانهٔ زمان ونادرهٔ دوران، در تنوّع علوم ورشته های دانش بود وکتابهایش در خراسان بسیار مورد توجّه بود» آنگاه کتابهایش را می شمارد ومی گوید: تعداد کتابهایش ۲۰۸ جلد است.

شیخ طوسی در فهرست ورجال خود، از دانش وفضیلت وعظمت وجلسات علمی او سخن گفته، تصریح کرده که بیش از ۲۰۰ جلد تألیف دارد.

نجاشی شرح حالش را نوشته، اضافه می‌کند، مبلغ ۳۰۰۰۰۰ دینار از پدرش به او ارث رسید، همه را در راه نشر علم وحدیث خرج کرد وهمواره خانه اش پر از محققّین ومؤلّفین بود.

کشّی نیز در شرح حال «محمد بن عمر بن عبدالعزیز» از مرکزیّت خانهٔ او، واجتماع پژوهشگران در آنجا گفتگو کرده است.

این تعبیر صریح است در اینکه مرحوم شریف رضی، این کتاب را در اواخر ۳۸۳ هـ و اوایل ۳۸۴ هـ. تألیف نموده است. ودر مقدّمه یاد آورشده که او این کتاب را مدّتی پیش، از من مطالبه نمود. در مقدّمهٔ نهج البلاغة می نویسد: «من در آغاز جوانی وحداثت سنّ، به تألیف کتابی در «خصائص أئمّه» علیهم‌السلام پرداختم».

این، در مورد تاریخ نگارش آن. واما در مورد مخطوطات آن:

۱ ـ نسخه ای از آن درکتابخانهٔ رضا، در رامپور هند موجوداست که به خطّ عبدالجبّار بن حسین بن ابی القاسم حاج فراهانی، به تاریخ روز چهارشنبه چهارم شوّال ۵۵۳ هـ. استنساخ شده است.

کاتبِ نسخه، از شاگردان سیّد ضیاء الدّین، ابو الرّضا، فضل الله بن علی حسنی راوندی کاشانی، از بزرگان علمای شیعه در قرن ششم هجری است که شرح حالش در «خریدة القصر» و«انساب سمعانی» موجود است.

ظاهر اینست که وی این نسخه را از روی نسخهٔ استادش (سیّد فضل الله راوندی) استنساخ کرده، او نیز نسخه‌اش را در مسافرت خود به بغداد، در اوایل قرن ششم، از روی نسخه‌ایکه به خط مؤلّف بوده، استنساخ نمود است.

سپس این نسخه را بر استادش قرائت نموده، او نیز در اجازه‌اش نوشته است:

«نور دیده‌ام، افتخار علما «ابو علی، عبدالجبّار بن حسین بن ابی القاسم» کتاب خصائص را بر من قرائت کردم. ومن این نسخه را از استادم ابو الفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن اخشید سراج، برای او نقل کردم واجازهٔ روایت دادم. استادِ ما نیز، آنرا از «ابو مظفّر عبدالله بن شبیب» او نیز از «ابو الفضل خزاعی» او نیز از شریف رضی (رضوان الله علیه) روایت می کرد.

فضل الله راوندی آنرا به سال ۵۵۵ هـ.، در ماه ذیقعده استنساخ

کرده است . یک نسخهٔ عکسی از آن ، درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است [1].

۲ ـ نسخهٔ دیگری از خصائص ، که در قرن هشتم نوشته شده ، درکتابخانهٔ سلیمانیّه ، ازکتابهای ایا صوفیا ، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ ۴۸۷۵ ، برگ ۱ ـ ۶۵ موجود است [2].

امّا چاپهای آن :

۱ ـ چاپ نجف اشرف ، به سال ۱۳۶۸ هـ. چاپخانهٔ حیدریّه .

۲ ـ چاپ قم ، افست چاپ نجف .

۳ ـ چاپ مشهد ، از طرف مرکز پژوهشهای اسلامی ، با تحقیقات ازرندهٔ دوست پژوهشگر ما ، شیخ محمّد هادی امینی ، به سال ۱۴۰۶ هـ. به مناسبت هزارمین سالگرد وفات شریف رضی .

۲ ـ نهج البلاغه

شریف رضی در مقدّمهٔ نهج البلاغه تصریح کرده که آنرا بعد از خصائص الائمّه تألیف نموده است ، آنجاکه می نویسد : « در این هنگام ، برخی از دوستان آنرا از جنبه های گوناگون جالب وشگفت انگیز یافتند ، از من خواستند که کتابی در پیرامون سخنان برگزیدهٔ امیر مؤمنان عليه‌السلام تألیف کنم که خطبه ها ، نامه ها وپندهای آنحضرت را در بر بگیرد ، زیرا می دانستند که چنین کتابی متضمّن شگفتیهای بلاغت ونمونه های برجستهٔ فصاحت خواهد بود ، وچنین نکات درخشان وجواهر سخنان عرب ومذهب ، در هیچ کتاب دیگری گرد نیامده است زیراکه امیر مؤمنان منشأ فصاحت وسر چشمهٔ بلاغت ، بلکه خود پدید آورندهٔ آن

---

(۱) فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانهٔ مرکزی ج۳ ص۱۲۷ ، فیلم شماره ۵۰۴۶.

(۲) نوادر المخطوطات العربیّه فی ترکیا ، دکتر رمضان ششن ، ج۲ ص۱۲۲ .

به شمار می‌آید. اسرار بلاغت و رموز فصاحت از او آشکار گشته، وقوانین آن از او گرفته شده است. همهٔ خطیبان برجسته از او پیروی نموده‌اند همهٔ واعظان شایسته از او استمداد جسته‌اند. از این رهگذار او همواره پیشتاز است و دیگران دنباله‌رو، او پیشوای کلّ است ودیگران پیرو او. به ویژه که سخنان او گذشته از آراستگی ظاهر، فروغ دانش بیکران الهی و عطر گفتار نبوی را همراه دارد. من خواستهٔ آنان را پذیرا شدم...».

از فراز بالا به روشنی معلوم می شود که آغاز گردآوری «نهج البلاغه» به دنبال نگارش «خصائص الائمّه» یعنی به سال ۳۸۴ هجری بوده است. از طرفی هم می‌دانیم که انجام آن در ماه رجب ۴۰۰ هجری بوده است. روی این بیان گردآوری نهج البلاغه ۱۶ سال طول کشیده است. چنانکه شریف رضی در مقدّمهٔ «نهج البلاغه» به طولانی شدن مدّت تألیف تصریح کرده، می فرماید: «ممکن است در اثر طولانی شدن مدّت، آنچه راکه در پیش آورده بودم، فراموش کرده، قسمتی از آنرا از روی سهو ونسیان دوباره بیاورم».

در مورد نهج البلاغه از ابعاد مختلف آن در تحت عناوین: نسخه های خطی، چاپها، شرحها، نخستین شارح، ترجمه ها، گزینش ها، حاشیه ها وپاورقیها، سخن خواهیم گفت.

۳ ـ مجازات الآثار النّبویّه

از بررسی نهج البلاغه و مجازات، استفاده می‌شود که شریف رضی در ایّام اشتغالش به گردآوری نهج البلاغه، تألیف مجازات الاثار النّبویّه را به پایان رسانیده است، چنانکه در بخش کلمات قصار، در ذیل کلمهٔ ۴۶۶ «اَلْعَیْنُ وِکاءُ السَّهِ» می‌فرماید: در این رابطه در کتاب «مجازات الآثار النّبویّه» سخن

گفته‌ایم [1]. چنانکه در کتاب «مجازات» نیز به نهج‌البلاغة ارجاع داده است [2].

نسخه های خطّی مجازات الاثار النبویّه:

۱ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دکتر حسین علی محفوظ، که به کتابخانه دانشکدهٔ ادبیّات دانشگاه بغداد منتقل شده است. این نسخه به سال ۹۸۲ هـ. استنساخ شده است.

۲ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مرحوم سیّد حسن صدر، در کاظمین، که اوّلین چاپ کتاب، توسّط فرزند ایشان سیّد محمّد صدر، از روی همین نسخه بوده است.

۳ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس، به شمارهٔ ۲۱۳۴، که به سال ۱۰۶۴ هـ. استنساخ شده است.

۴ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه الازهر در قاهره، به شمارهٔ ۳۸۹۷ بخش حدیث.

۵ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ ملک تهران، به شمارهٔ ۱ / ۳۵۴۵.

۶ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دوست دانشمند وپژوهشگر ما آقای سید محمّد علی روضاتی دامت تأییداته، در اصفهان، که در قرن دهم استنساخ شده است.

و امّا چاپهای آن:

۱ ـ اوّلین چاپ آن به سال ۱۳۲۸ هـ. در بغداد از روی نسخهٔ مرحوم سیّد حسن صدر می باشد.

۲ ـ چاپ دوّم آن به سال ۱۳۵۶ هـ. در قاهره، با تحقیقات محمود مصطفی، در چاپخانهٔ مصطفی البابی الحلبی.

۳ ـ چاپ سوّم آن نیز در قاهره، به سال ۱۳۸۷ هـ. با تحقیقات طه محمّد زینی، در همان چاپخانه.

---

(۱) نهج البلاغهٔ صبحی صالح، ص۵۵۷.

(۲) مجازات الاثار النبویّه، صفحات ۲۲، ۴۱، ۱۶۱، ۲۲۳ و۲۵۲.

۴ ـ چاپ چهارم آن در قم، توسّط کتابفروشی بصیرتی، از طریق افست.
واینک دوست دانشمند ما آقای رضا استادی مشغول تحقیق وتعلیق می‌باشند، تا از طرف «بنیاد نهج البلاغهٔ تهران» منتشر گردد.

۴ ـ تلخیص البیان في مجازات القران

شریف رضی این کتاب را پس از اتمام نهج البلاغه، آغاز کرده است، چنانکه خود در پایان آن می نویسد: «آغاز تصنیف این کتاب روز پنجشنبه بیستم شعبان ۴۰۱ هجری واتمام آن، روز یکشنبه ۱۳ شوّال همانسال می باشد» روی این بیان، این کتاب در مدّت ۵۳ روز به رشتهٔ تحریر در آمده است، که از شریف رضی جای شگفت نیست. واز همینجا عظمت «نهج البلاغه» روشن می گردد، زیرا شخصیّتی به عظمت شریف رضی که کتاب قطور «تلخیص البیان» را در مدّت ۵۳ روز تألیف کرده، برای گردآوری «نهج البلاغه» ۱۶ سال تلاش کرده است.

مخطوطات تلخیص البیان:

۱ ـ نسخهٔ سیّد محمّد مشکات، که اینک تحت شمارهٔ ۱۰۳۴ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران است، این نسخه که در قرن ششم نوشته شده، مقداری از اوّل و وسط و آخر آن ناقص است. مرحوم مشکات که نخستین چاپ «تلخیص البیان» را از روی این نسخ منتشر کرد، این نسخه را همراه کتابهای بسیار ارزندهٔ کتابخانه‌اش به دانشگاه تهران اهدا نمود [۱].

۲ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ

---

(۱) فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ج۱ ص۶۷.

۵۴۷۰که به سال ۵۴۷ هـ. استنساخ شده و در پایانش آمده است: «استنساخ این کتاب، عصر روز جمعه، ۲۹ ماه مبارک رجب، که خداوند بر فیوضاتش بیفزاید، به سال ۵۴۷ هـ. در شهر آبه، به دست محمّد بن حسن بن محمّد بن احمد حافظ رهقی، که خدایش از تقصیراتش بگذرد وپدر مادرش را بیامزرد، در حالیکه خدا را سپاس می گفت، وبر پیامبرش محمّد وآل او درود می فرستاد، پایان یافت».

و در حاشیهٔ آخرین صفحهٔ آن چنین آمده: «این نسخه با نسخهٔ اصل که از آنِ مولای ما، امیر بزرگ وپیشوای جلیل القدر، دانشمند زاهد، تاج اسلام ومشعل ایمان، ابو الرّضا فضل الله بن علی بن عبید الله راوندی ـ دامت ایّامه ـ می‌باشد، در آخر جمادی الاخره ۵۶۴ هـ. در حالیکه به سپاس خدا وستایش پیامبر خدا مترنّم بودم، در شهر اندوز، که همان کاشان است، مقابله گردید»: «به خط استنساخ کنندهٔ آن محمّد بن حسن بن محمّد حافظ رهقی»[1].

۳ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دوست بزرگوارمان آقای سیّد محمّد جزائری ـ حفظه الله ـ که در قرن سیزدهم استنساخ شده، آغاز وانجامش کامل است و اگر در وسط نقص داشته باشد بسیار ناچیز است. چاپ بغداد از روی همین نسخه چاپ شده است. تاریخ شروع به تألیف واتمام آن، در پایان این نسخه و نسخهٔ پیشین موجود است.

چاپهای تلخیص البیان:

۱ ـ چاپ تهران، که توسّط مرحوم مشکات، به سال ۱۳۶۹ هـ. به صورت عکسبرداری از نسخهٔ کتابخانهٔ ایشان، همراه فهرستهای فنّی ومقدّمه های ارزندهٔ مشکات ودکتر حسین علی محفوظ، انتشار یافت.

۲ ـ چاپ بغداد، که زیر نظر علّامهٔ بزرگوار مرحوم سیّد محمّد حیدری، از

(۱) فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه، ج۱۶ ص۱۷ وانتشارات کتابخانهٔ مرکزی ج۴ ص۴۴۵.

روی نسخهٔ آقای جزایری ، از طرف کتابخانهٔ عمومی خلانی ، به سال ۱۳۷۵ هـ. در بغداد ، به صورت چاپ حروفی انتشار یافت . این چاپ ، از چاپ تهران کاملتر است .

۳ ـ چاپ قاهره ، با تحقیقات ارزنده ومقدّمهٔ بسیار گرانبهای استاد محمّد عبدالغنی ، همراه با فهرستهای فنّی ، به سال ۱۳۷۴ هـ. این چاپ علیرغم همهٔ امتیازاتش ، ناقص است ، زیرا از روی چاپ تهران وبر اساس نسخهٔ استاد مشکات می باشد .

۴ ـ چاپ قم ، افست چاپ قاهره ، توسّط کتابفروشی بصیرتی .

۵ ـ حقائق التّأویل

تاریخ تألیف آنرا به طور دقیق نمی‌دانیم ، زیرا تاکنون به نسخهٔ کامل آن دست نیافته ایم ، فقط جلد پنجم آن از حوادث روزگار جان سالم به در برده ، ولی در نسخهٔ آستان قدس رضوی آمده است که این نسخه از روی نسخه‌ای استنساخ شده که آن نسخه به سال ۴۰۲ هجری بر مؤلّف قرائت شده است [۱] . روی این حساب شاید تألیف آن پیش از تلخیص البیان وبعد از نهج البلاغه باشد ، زیرا در صفحهٔ ۱۶۷ آن به نهج البلاغه ارجاع می کند . ولی در فهرست آستان قدس آمده است که این نسخه از روی نسخه ای استنساخ شده که تاریخ تألیف در آن ، سال ۴۰۲ هـ. قید شده است [۲] . روی این بیان ، تألیف آن بعد از تلخیص البیان ونهج البلاغه خواهد بود .

مخطوطات حقایق التّأویل :

۱ ـ نسخهٔ آستان قدس رضوی ، به شمارهٔ ۱۳۲۰ که به تاریخ ۲۱ رجب

---

(۱) الذّریعه ، ج۷ ص ۳۲۰.

(۲) فهرست کتابخانهٔ آستان قدس رضوی ، ج۱ ص۳۹.

۵۳۲ هجری استنساخ شده است . در این نسخه آمده است : این نسخه از روی نسخه ای استنساخ شده که بر مؤلّف قرائت شده وخطّ مؤلّف بر آن بوده است .

۲ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق در دانشگاه تهران ، به شمارهٔ ۳۰۷ج ، که به سال ۱۰۲۸ هـ. استنساخ شده است [۱] .

چاپهای حقایق التّأویل :

۱ ـ جلد پنجم که تنها بخش باقیمانده از این کتاب ارزنده است ، به سال ۱۳۵۵ هـ. از طرف جمعیّت منتدی النّشر ، در نجف اشرف چاپ و منتشر شد . این چاپ توسّط گروهی از دانشمندان تحقیق شده وعلاّمهٔ بزرگ مرحوم شیخ عبدالحسین حلّی مقدّمه ارزنده ای بر آن نوشته است .

۲ ـ به مناسبت هزارمین سالگرد رحلت شریف رضی ، افستِ چاپ نجف ، از طرف بنیاد بعثت وبنیاد نهج البلاغهٔ تهران ، به سال ۱۴۰۶ هـ. انتشار یافت .

کتابنامهٔ زندگانی شریف رضی :

در پیرامون شرح زندگانی شریف رضی ، کتابهائی نوشته شده که مشخّصات آنها را در زیر می آوریم :

۱ ـ حیات شریف رضی ، تألیف علاّمه شیخ عبدالحسین حلّی نجفی ، متوفّای ۱۳۷۵ هـ. که به تاریخ ۱۳۵۵ هـ. در نجف اشرف در مقدّمهٔ حقائق التّأویل چاپ شده است .

۲ ـ حیات شریف رضی ، به قلم علاّمه شیخ محمّد رضا آل کاشف الغطاء ، متوفّای ۱۳۶۶ هـ. که به سال ۱۳۵۵ هـ. در مجلّهٔ « الرّضوان » در هندوستان منتشر شد وبه سال ۱۳۶۰ هـ. در نجف اشرف تجدید چاپ شد .

---

(۱) فهرست کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق ، ص ۳۳۰.

۳ ـ شریف رضی ، تألیف دکتر حسین علی محفوظ کاظمی ، که در ۲۵۰ صفحه در چاپخانه ریحانی بیروت چاپ شده است .

۴ ـ عبقریّة الشّریف الرّضی ، تألیف دکتر زکی مبارک مصری، متوفّای ۱۳۷۱ هـ . که به سال ۱۹۳۹ م . در دو مجلّد در مصر ، سپس در بیروت چاپ شده است .

۵ ـ شریف رضی بودلرِ عرب[1] ، تألیف دکتر عبدالمسیح محفوظ ، که به تاریخ ۱۹۴۴ م . در بیروت به چاپ رسیده است .

۶ ـ شریف رضی ، تألیف دکتر احسان عبّاس ، چاپ دار صادر بیروت ۱۹۵۱م .

۷ ـ الشّریف الرّضی ، عصره وحیاته ومنازعه ، تألیف ادیب تقی بغدادی سوری ، متوفّای ۱۳۶۴ هـ . عضو مجمع علمی دمشق . که به سال ۱۹۶۱ م . در ۳۷۴ صفحه ، در چاپخانهٔ کرم دمشق به چاپ رسیده است .

۸ ـ شریف رضی ، تألیف محمّد عبدالغنی حسن مصری ، که در سال ۱۹۷۰م . جزء سری « نوابغ الفکر العربی » در مصر به چاپ رسیده است .

۹ ـ الشّریف الرّضی ، عصره ، تاریخ حیاته ، شعره ، تألیف محمّد سیّد گیلانی ، چاپ ۱۹۳۷ م . قاهره .

۱۰ ـ شریف رضی ، به قلم حنّا نمر .

۱۱ ـ شریف رضی ، تألیف استاد طاهر کیالی ، چاپ ۱۹۴۱ م .

۱۲ ـ الحماسه فی شعر الشّریف الرّضی ، تألیف محمد جمیل شلش ، چاپ ۱۹۷۴ م . بغداد .

۱۳ ـ الشریف الرّضی حیاته ودراسة شعره ، تألیف دکتر محمّد عبدالفتّاح حلو ، که رسالهٔ دکترای مؤلّف می‌باشد و به سال ۱۹۷۴ م . از دانشگاه قاهره

---

(۱) بودلر ، شاعر معروف فرانسوی ، متوفّای ۱۸۶۷ م . که مشهورترین دیوانش «گلهای شر» نام دارد . (موسوعة العربیّة المیسّره ، ص۴۲۶) .

پذیرش یافته است . این رساله گسترده‌ترین کتابیست که در بیوگرافی شریف رضی نوشته شده و بالغ بر ۲۰۰۰ صفحه است ، اگر چاپ شود چهار مجلّد خواهد بود .

۱۴ ـ الشّریف الرّضی حیاته وشعره ، به قلم دکتر : ی. عبدالعلی ، که تز دکترای او از دانشگاه لندن می باشد [1].

از چاپ شدن دو کتاب اخیر اطلاع نیافته‌ایم . دو کتاب دیگر نیز هنوز به صورت مخطوط است و هنوز به زیور طبع آراسته نشده ، وآنها عبارتند از :

۱۵ ـ من وحی الشّریف الرّضی ، تألیف علّامة شیخ قاسم محی الدّین نجفی ، متوفّای ۱۳۷۶ هـ.

۱۶ ـ شریف رضی ، علّامه شیخ محمّد هادی امینی ـ حفظه الله ـ.

یک کتاب هم به فارسی ، در این رابطه نگارش یافته ، وآن عبارت است از :

۱۷ ـ کاخ دلاویز ، به قلم سید علی اکبر برقعی قمی ، چاپ ۱۳۵۸ هـ.

در اینجا که شرح آثار واحوال شریف رضی به طور فشرده به پایان رسید ، گردآورندگان خطبه‌های امیر مؤمنان علیه‌السلام را پی می‌گیریم :

قرن پنجم

۲۰ ـ قضاعی

ابو عبدالله ، محمّد بن سلامة بن جعفر قضاعی شافعی ، قاضی مصر و متوفّای ۴۵۴ هـ. که شرح حال او را در کتابهای تراجم به صورت گسترده آورده اند ، مقام شامخ علمی او را ستوده‌اند و از آثار ارزشمند او نام برده اند ، که از آن جمله است : « دستور معالم الحکم ومأثور مکارم الشّیم ، من کلام

---

(۱) مجلّه « المورد » چاپ بغداد سال هفتم ، شمارهٔ اوّل ص۲۷۳.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب »[1].

قضاعی در مقدّمهٔ « دستور معالم الحکم » می‌نویسد : « هنگامی که ۱۰۰۰ حدیث از احادیث رسول اکرم صلّی الله علیه (وآله) وسلّم را با ۲۰۰ کلمه از وصایا ، امثال ومواعظ آنحضرت ، در یک کتاب گردآوردم وآنرا « شهاب » نام نهادم[2] برخی از برادران از من خواستند که خطبه های امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه را گردآورم ... ودر این کتاب خطبه هائی را گردآورم که با سندهای مورد اعتماد به من رسیده است ... » .

نسخهٔ خطّی این کتاب ، درکتابخانهٔ چستربیتی به شمارهٔ ۳۰۲۶ موجوداست و چندین بار در مصر ، ایران و لبنان به چاپ رسیده است .

۲۱ ـ ابن جِلّی

ابو الفتح ، عبدالله بن اسماعیل بن احمد بن اسماعیل حلبی ، متوفّای ۴۴۷هـ. معروف به « ابن جِلّی » از یک خاندان بزرگ و ریشه‌دار شیعه در حلب ، که بزرگانی در دو قرن چهارم و پنجم داشته برخاسته ، از این خاندان ، ابن جِلّی ، پدر ونیایش قابل ذکر می باشند .

ابن عدیم درکتاب « بغیة الطّلب فی تاریخ حلب » در ضمن شرح حال پدرش ، از او نام برده وحدیث معروف امیر مؤمنان عليه‌السلام را از طریق او نقل

---

(۱) ابن ماکولا در اکمال ج۷ ص۱۴۷ ، سمعانی در انساب ج۱۰ ص۱۸۰ ، ابن خلکان در وفیات الاعیان ، ج۴ ص۲۱۴ ، صفدی در الوافی بالوفیات ، ج۳ ص۱۱۶ ، ذهبی در سیر اعلام النّبلا ، ج۱۸ ص۹۲ ، سبکی در طبقات الشّافعیّة ، ج۴ ص۱۵۰ ، آسنوی در طبقات الشّافعیّه ، ج۲ ص۳۱۲ و ابن قاضی شهبه ، ج۱ ص۲۴۵.

(۲) کتاب « شهاب » چندین بار به چاپ رسیده ونسخهٔ خطی آن به خطّ یاقوت ، نوشتهٔ ۶۹۰ هـ. در کتابخانهٔ سلطنتی ایران به شمارهٔ ۲۱۴۸ موجوداست . بر این کتاب شرحهای فراوانی نوشته شده ، که یکی از آنها « مسند الشّهاب » است که اخیراً چاپ شده است .

کرده است، که فرموده: «نبوّت روز دوشنبه بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد ومن روز سه شنبه با آنحضرت نماز خواندم».

ابن حجر، شرح حال او را به نقل از تاریخ «ابن ابی طیّ» آورده، و او را به عنوان «فقیه اهلبیت وپیشوای آگاه در حدیث» ستوده است[1].

ابن جِلّی به سال ۴۰۷ هـ. از پدرش روایت کرده است، از این رهگذر تولّد او را در حدود ۳۹۰ هـ. حدس زده‌اند همچنین از ابو نمیر عبدالرزّاق بن عبدالسّلام اسدی، نیز روایت کرده است. گروهی نیز از او روایت کرده اند که از آن جمله است: علی بن عبدالله بن ابی جرادهٔ عقیلی حلبی، نظام الملک طوسی وزیر، وابو بکر خطیب بغدادی.

سمعانی شرح حال او را در «انساب» آورده ولی اشتباهاً نام او را «احمد» ذکر کرده است[2]. که صحیح آن «عبدالله» است، چنانکه در کتب تراجم و انساب آمده است[3].

ابن جِلّی، ذیلی بر نهج البلاغه نوشته که مورد استفادهٔ ابن ابی الحدید قرار گرفته است. چنانکه در ذیل حدیث ضرار بن ضمره می‌نویسد: «این روایت را ریاشی نقل کرده، ومن آنرا درکتاب عبدالله بن اسماعیل بن احمد حلبی، التّذییل علی نهج البلاغه، دیده‌ام»[4].

---

(۱) لسان المیزان، ج۱ ص۳۹۲.

(۲) انساب سمعانی، ج ص .

(۳) ذهبی در مشتبه النّسبة ج۱ ص۱۶۸، ابن حجر در تبصیر المنتبه ج۱ ص۳۴۲ وزبیدی در تاج العروس، ج۷ ص۲۶۲.

(۴) شرح نهج البلاغهٔ ابن ابی الحدید، ج۱۸ ص۲۲۵.

۲۲ ـ صَیْمَری

ابو العباس، یعقوب بن ابی احمد صَیْمَری، سخنان امیر مؤمنان را در کتابی گردآورده و این کتاب به دست ابن ابی الحدید رسیده است، چنانکه در شرح خود به هنگام بحث از یک نامهٔ امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌نویسد: «من آنرا از طریق کتاب: ابو العبّاس، یعقوب بن ابی احمد صَیْمَری، به دست‌آوردم که در پیرامون سخنان وخطبه های علی علیه‌السلام، تألیف کرده است»[1].

۲۳ ـ اسفرائنی

قاضی ابو یوسف، یعقوب بن سلیمان بن داود شافعی اسفرائنی، کتابدار کتابخانهٔ مدرسهٔ نظامیّهٔ بغداد ومتوفّای ۴۸۸ هـ. کتابی در خطبه‌ها وسخنان حکیمانهٔ امیر مؤمنان علیه‌السلام تألیف کرده و آنرا «**قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام امیرالمؤمنین** علیه‌السلام» نام نهاده است.

آسنوی در شرح حال او می‌نویسد: «او فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر وخطّاط بود، کتابهای فراوانی نوشت، استماع حدیث کرد، حدیث گفت، و مسافرتهای بسیاری انجام داد»[2].

علمای تراجم شرح حال او را آورده‌اند[3] و در میان تألیفات او از کتاب «قلائد الحکم» نام برده‌اند[4].

---

(۱) همان مدرک، ج۱۵ ص۸۲.

(۲) طبقات شافعیّه آسنوی ج۱ ص۹۶.

(۳) سبکی در طبقات الشّافعیّه ج۵ ص۳۵۹، ابن قاضی شهبه در طبقات الشّافعیّه ج۱ ص۳۰۴، بروکلمان در تاریخ الادب العربی ج۱ ص۳۰۱ وسمعانی در ذیل ج۱ ص۵۹۴.

(۴) کشف الظّنون ج۲ ص ۱۳۵۳، هدیّة العارفین ج۲ ص ۵۴۵، معجم المؤلّفین ج۱۳ ص۲۴۹ واعلام زرکلی ج۸ ص۱۹۹.

از این کتاب نسخه‌ای در کتابخانهٔ مدرسهٔ مروی در تهران موجود است که در قرن ششم استنساخ شده است.

۲۴ ـ صاحب تاریخ شهور ودهور

مؤلّف جلیل القدر «النّقض» نصیر الدّین عبدالجلیل قزوینی، در کتاب ارزشمند وکم نظیر «النّقض» که در ردّ «بعض فضائح الرّوافض» در حدود ۵۶۰ هجری تألیف کرده[۱]. هنگامی که صاحب فضائح جمله ای را به امیرمؤمنان علیه‌السلام نسبت می‌دهد، صاحب «النّقض» در مقام ردّ آن می‌فرماید: «حاشا که امیر المؤمنین با وفور عصمت وکثرت علم و دانش، مانند این سخن گوید، وبیرون از آنکه در آثار و اخبار از وی روایت است، این کلمات مذکور نیست. ودر هیچ کتابی از «نهج البلاغه» و«تاریخ الشّهور والدّهور» که یک کلمه از کلمات امیر المؤمنین علیه‌السلام از آنجا فائت وساقط نیست، مسطور نمی‌باشد»[۲].

در اینجا می‌بینم که صاحب «النّقض» کتاب «تاریخ الشّهور والدّهور» را در کنار نهج البلاغه آورده وتعبیر کرده که همهٔ کلمات امیر مؤمنان علیه‌السلام را در بر دارد. از این عبارت استفاده می‌شود که این کتاب، وسیعتر از نهج البلاغه می‌باشد، ولی باکمال تأسّف تاکنون اطّلاعی از این کتاب ومؤلّف آن به دست ما نرسیده است، ولی امیدواریم که گذشت زمان وتوسعهٔ فهرست نویسی، از نسخه‌های خطّی این کتاب پرده بردارد و از مؤلّف وکیفیّت تألیف آن آگاهمان سازد.

---

(۱) کتاب النّقض با تصحیح وتعلیقات مرحوم محدّث ارموی، دو بار در تهران چاپ شده است.

(۲) النّقض، ص۱۰۷.

قرن ششم

۲۵ ـ آمِدی

ناصح الدّین، ابو الفتح ابن قاضی محمّد بن عبدالواحد تـمیمی آمِـدی، متوفّای ۵۱۰ ویا ۵۵۰ هـ.

آمِدی، از مشایخ ابن شهرآشوب، و از شاگردان احمد غزّالی است وآثار فراوانی از جمله «جواهر الکلام فی شرح الحکم والاحکام، من قصّة سیّد الأنام علیه الصّلاة والسلام» و«غرر الحکم ودرر الکلم من کلام علـی بـن ابـی‌طالب» دارد[1].

علمای تراجم شرح حال او را آورده‌اند و ازکتاب گرانقدر «غـرر الحکـم ودرر الکلم» نام برده اند،که حاوی‌کلمات قصار وسخنان حکیمانهٔ مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السّلام می‌باشد[2].

ابن شهرآشوب در مقدّمهٔ «مناقب» می‌نویسد: «آمِدی اجازهٔ روایتی کتاب غرر الحکم را به من داد»[3].

مخطوطات غرر الحکم:

۱ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، در مشـهد مـقدّس، بـه شـمارهٔ ۱۱۶۸، که در سال ۵۱۷ هـ. استنساخ شده است.

---

(۱) هدیة العارفین، ج۱ ص۶۳۵.

(۲) معالم العلماء ص۸۱، ریاض العلماء ج۳ ص۲۸۱، روضات الجنّات ج۵ ص۱۷۰، اعیان الشّیعه ج۲ ص۹۵، خاتمه مستدرک ص۴۹۱، طبقات اعلام الشیعه، قرن ششم ص۱۶۹، اعـلام زرکـلی ج۴ ص۱۷۷، الذّیل ج۱ ص۷۵ ومعجم المؤلّفین ج۱ ص۲۱۳.

(۳) مناقب ابن شهرآشوب، ج۱ ص۱۲.

۲ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مدرسهٔ آخوند، در همدان، به شمارهٔ ۱۲۴۲۵، که به سال ۷۰۴ هـ. استنساخ شده است [۱].

۳ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ ملک تهران، به شمارهٔ ۲۳۳۷، که به سال ۷۱۹ هـ. استنساخ شده است.

۴ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ عمومی امیر المؤمنین علیه‌السلام، در نجف اشرف، که به سال ۷۴۰ هـ. از روی نسخهٔ «محمّد بن صدقه بن حسین بن فائز» نوشته شده به سال ۵۸۲ هـ. استنساخ شده است.

۵ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه آمریکائی بیروت، که به سال ۷۹۳ هـ. استنساخ شده است [۲].

۶ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، به شمارهٔ ۹۵ که در قرن هشتم استنساخ شده، ولی به هنگام صحّافی تاریخ دقیق آن از بین رفته است [۳].

۷ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ موزهٔ توپ قاپو، در استانبول، که به سال ۸۷۸ هـ استنساخ شده است [۴].

۸ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، در مشهد مقدّس، به شمارهٔ ۱۸۶، که به سال ۹۶۱ هـ. استنساخ شده است. این نسخه که بسیار قیمتی و زینتی است، به قدری زیباست که می‌توان از روی آن افست نمود. این نسخه در مکّهٔ معظّمه توسّط «بهاء الدّین حسین» استنساخ شده است.

۹ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار تهران، به شمارهٔ ۵۳۵۷، که نسخه‌ای

---

(۱) فهرست کتابخانه های غرب کشور ص۱۶۳.

(۲) فهرست کتابخانهٔ دانشگاه آمریکائی بیروت، ص۱۹۵.

(۳) فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ج۲ ص۱۶۰.

(۴) فهرست کتابخانهٔ توپ قاپو، ج۳ ص۷۰۹.

زینتی وبسیار نفیس است [1].

۱۰ ـ نسخهٔ دیگری ازکتابخانهٔ مدرسه سپهسالار تهران ، به شمارهٔ ۲۸۴۲ ، که به سال ۹۹۵ هـ. استنساخ شده است [2].

۱۱ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ شیخ محمود عاملی در بیروت ، که به سال ۱۰۰۷ هـ. استنساخ شده است [3].

۱۲ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق تهران ، به شمارهٔ ۶۶ ب . که به سال ۱۰۶۴ هـ. استنساخ شده است .

۱۳ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ عبدالجواد عقیلی ، که در سال ۱۰۷۰ هـ. توسّط محمّد سلیم نامی استنساخ شده ، وچاپ تهران از روی آن چاپ شده است .

۱۴ ـ نسخهٔ مجلس شوارى ملّی ، به شمارهٔ ۳۷۸۰، که توسّط درویش مصطفی رومی استنساخ شده ، وتاریخ تملّک ۱۰۹۶ هـ. بر آنست . در این نسخهٔ ترجمهٔ فارسی هر گفتاری به رنگ قرمز در زیر هر سطری آمده است [4].

۱۵ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ خدیویّه در مصر .

۱۶ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ پاریس در فرانسه .

۱۷ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ محمّد حسن کبّه در سامّرا .

۱۸ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مرحوم آیت الله بروجردی در قم .

۱۹ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس شوارى ملّی ، به شمارهٔ ۳۰۹۲ .

۲۰ ـ نسخه های کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، به شماره های : ۲۰۱۳ ، ۲۸۳۵ و۵ / ۲۰۴۶ [5].

---

(۱) فهرست کتابخانهٔ سپهسالار ، ج۵ ص ۳۵۰ .

(۲) همان مدرک ، ج۲ ص۷۷ وج۵ ص۳۴۹ .

(۳ و۴) الذّریعه ج۱۶ ص۳۸ .

(۵) همان مدرک .

چاپهای غرر الحکم

۱ ـ چاپ مصر، به سال ۱۲۷۲ هـ.

۲ ـ چاپ بمبئ، به سال ۱۲۸۰ هـ.

۳ ـ چاپ دمشق، به سال ۱۳۳۱ هـ.

۴ ـ چاپ مصر، به سال ۱۳۳۱ هـ بخش حرف الف.

۵ ـ چاپ نجف اشرف، با تصحیح احمد شوقی امین.

۶ ـ چاپ تهران، همراه با ترجمهٔ فارسی، به سال ۱۳۷۸ هـ.

ترجمهٔ فارسی غرر الحکم:

۱ ـ ترجمهٔ حاج شیخ العابدین، که نسخه‌ای از آن در ۳۹۶ ورقه، در کتابخانهٔ الهیّات تهران موجوداست. این نسخه در قرن سیزدهم استنساخ شده است [۱].

۲ ـ ترجمهٔ دیگری که به خطّ درویش مصطفیٰ رومی، درکتابخانه مجلس شورای ملّی، در ضمن مجموعه ای به شمارهٔ ۳۷۸۰ همراه متن کتاب به صورت زیرنویس موجود است [۲].

۳ ـ ترجمهٔ محمّد علی انصاری، که همراه متن عربی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است.

۴ ـ ترجمهٔ میرزا محسن خوشنویس اردبیلی، از فضلای معاصر ومقیم اردبیل.

---

(۱) فهرست کتابخانهٔ دانشکدهٔ الهیات تهران، ص۹۷.

(۲) الذّریعه ج۱۶ ص۳۹.

شرح وتکملهٔ غرر الحکم:

محقّق بزرگوار جمال الدّین محمّد خوانساری، متوفّای ۱۱۲۵ هـ. شرح جالب و ارزنده‌ای به فارسی بر آن نوشته، که نسخه ای از آن به خط مؤلّف در کتابخانهٔ مرحوم «محدّث ارموی» موجوداست وتاکنون سه بار با مقدّمه و تصحیح وفهرست موضوعی مرحوم محدّث، در هفت مجلّد از طرف دانشگاه تهران چاپ ومنتشر شده است.

عبدالکریم بن محمّد یحیی بن محمّد شفیع قزوینی، از علمای قرن دوازدهم، ومعاصر آقا جمال خوانساری، شرح غرر ودررِ خوانساری را تغییر داده و به تعداد اسماء حسنی در ۹۹ باب تنظیم کرده، سپس به فارسی ترجمه نموده، آنرا «**نظم الغرر ونضد الدّرر**» نامیده است. متن عربی «نظم الغرر» به دست نیامده، واز ترجمهٔ آن فقط پنج مجلّد موجوداست، که نسخه هائی از آنها در قم، مشهد، اصفهان، تبریز ونجف اشرف موجوداست [۱].

علی بغدادی، کلمات مولی امیر المؤمنین علیه‌السلام را به ترتیب حروف الفبا، گردآورده وآنرا «الجواهر العلیّه في الکلمات العلویّه» نام نهاده، وبه عنوان تکملهٔ غرر ودرر آمدی، قرار داداست، سپس آنرا تلخیص کرده، به «منتخب الجواهر» موسوم نموده‌است [۲].

۲۶ ـ طبرسی

مفسّر بزرگ، امین الاسلام، ابو علی فضل بن حسن طبرسی، مؤلّف تفسیر

---

(۱) الذّریعه، ج۲۴ ص۲۱۸ ومقدّمهٔ شرح غرر، ج۱ ص۳۰ ـ ۴۱.

(۲) الذّریعه، ج۵ ص۲۷۳ وج۲۲ ص۳۹۴.

شریف مجمع البیان، جوامع الجامع ودیگر آثار گرانبها، ومتوفّای ۵۴۸ هـ. برگزیده‌هائی از کلمات قصار وسخنان حکمت آمیز مولای متقیان امیر مؤمنان عليه السلام را درکتابی به نام «نثر اللآلی» گرد آورده، وآنرا در ۲۹ بخش به ترتیب حروف الفباء تنظیم کرده، در هر بخش حدود ۱۰ کلمه وجمعاً ۲۵۸ کلمه در این کتاب نقل کرده است.

مخطوطات نثر اللّئالی:

۱ ـ نسخه ای از این کتاب به خطّ یاقوت مستعصی، در کتابخانهٔ «چستربیتی» به شمارهٔ ۴۱۷۴ موجوداست که در سال ۶۹۱ هـ. نوشته شده است.

۲ ـ نسخهٔ دیگری در همان کتابخانه، از مخطوطات قرن نهم به شمارهٔ ۳۸۵۹ موجوداست.

۳ ـ نسخهٔ کتابخانهٔ سلطنتی ایران، به شمارهٔ ۱۷۸۶ که به سال ۷۶۱ هـ. نوشته شده است. کاتب این نسخه «احمد بن محمود بن عبدالغفّار صدیقی» آنرا به روش یاقوت نوشته است [1].

۴ و۵ ـ دو نسخهٔ دیگر، از نسخه های تزیینی و بسیار گرانبها، به خطّ خطّاط مشهور «احمد نیریزی» در همان کتابخانه.

۶ ـ نسخهٔ پرارج دیگری به خطّ «حسن بن محمّد بن ابی الحسن آوی»، به خط نسخ و اعراب گذاری شده، در ضمن مجموعه ای، به پیوست: مأة کلمهٔ جاحظ، میمیّهٔ فرزدق وتائیّهٔ دعبل، که در ربیع الثّانی ۷۰۸ هـ. استنساخ شده ومیکروفیلم آن به شمارهٔ ۳۵۵۴ درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران

---

(۱) فهرست کتابخانهٔ سلطنتی ایران ص ۱۰۶۱.

موجود است[1].

چاپهای آن:

۱ ـ به پیوست اربعین امیر فیض الله تفرشی به سال ۱۳۱۴ هـ.

۲ ـ به پیوست اثنا عشریّهٔ عاملی جزینی به سال ۱۳۲۲ هـ.

۳ ـ به پیوست اربعین شهید، به سال ۱۳۱۴ هـ[2].

۴ ـ به پیوست ترجمهٔ فارسی وترکی، چنانکه خواهیم گفت.

ترجمه های فارسی آن:

۱ ـ ترجمهٔ نثر اللّئالی، ترجمهٔ منظوم، توسّط ابو المحاسن محمّد بن سعد بن محمّد نخچوانی، به سال ۷۳۲ هـ.

۲ ـ ترجمهٔ دیگری که نسخه‌ای از آن به خطّ «سیّد محمّد بقا» درکتابخانهٔ مدرسهٔ سپسالار تهران موجوداست.

این ترجمه به تاریخ ۱۳۱۲ هـ. استنساخ شده است.

۳ ـ نظم اللّئالی، اثر طبع عادل بن علی، از شعرای دورهٔ صفویّه، که به سال ۱۰۷۴ هـ آنرا به نظم درآورده ودر سال ۱۳۰۶ هـ. در تهران به چاپ رسیده است.

۴ ـ ترجمهٔ نثر اللّئالی، به قلم کاظم بن محمّد رشتی، معروف به فیلسوف الدّوله، که همراه متن عربی به سال ۱۳۱۸ هـ. در تهران به چاپ رسیده است[3].

---

(۱) فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه، ج۲ ص۱۷۸.

(۲) الذّریعه ج۱ ص۴۲۴ وج۲۴ ص۵۴.

(۳) فهرست مشار، ج۱ ص۸۸۱.

ترجمه‌های ترکی آن:

۱ ـ امثال علی، ترجمهٔ نثر الّلئالی، که توسّط معلّم ناجی، به ترکی ترجمه شده و به سال ۱۳۰۳ هـ. در استانبول به چاپ رسیده است.

۲ ـ رشتهٔ جواهر، ترجمهٔ نثر الّلئالی، که توسّط یوسف نصیب، به ترکی ترجمه شده و به سال ۱۲۵۷ هـ. در استانبول به چاپ رسیده است.

۳ ـ نثر الجواهر، ترجمهٔ منظوم نثر الّلئالی، اثر طبع امیر علیشیر نوائی، که هر کلمه ای را در یک رباعی به نظم آورده است [۱].

شروح این کتاب:

بر این کتاب سه شرح: مختصر، متوسّط و بزرگ، نوشته شده، که هر سه به قلم سیّد محمّد علی بن هاشم، از نواده‌های صاحب روضات می باشد [۲].

۲۷ ـ ابن شرفیّه

ابو الحسن علی بن محمّد بن حسن بن ابی نزال لیثی واسطی، معروف به ابن شرفیّه، از بزرگان علمای شیعه در اواخر قرن ششم، که احتمالاً اوایل قرن هفتم را نیز درک کرده است. لقب مشهور او «کافی الدّین» است ولی ابن فوطی در شرح حال او از او به عنوان «فخر الدّین» یاد کرده است [۳].

در شرح حال یحیی بن حمیدة بن ابی طیّ حلبی، متوفّای ۶۳۰ هـ. در میان اساتید ومشایخ او، از ابن بطریق، ابن زهره وابن شرفیّه یاد کرده‌اند [۴].

---

(۱) مقدّمة غرر الحکم، به قلم محمّد علی انصاری ص۷.

(۲) الذّریعه ج۱۴ ص۹۹.

(۳) تلخیص مجمع الآداب، ج۳ ص۲۵۹.

(۴) انسان العیون فی شعراء سادس القرون، ترجمهٔ ابن ابی طیّ.

علاء الدّين ، سيّد حسين بن علی بن مهدی حسینی سبزواری یکی دیگر از علمای شیعه است که از ابن شرفیّه نقل حدیث کرده است . وی به تاریخ ۱۷ شوال ۵۹۳ هـ در شهر موصل از ابن شرفیّه ، استماع حدیث نموده است [۱] .

در میان اساتید ومشایخ ابن شرفیّه ، باید از « رشید الدّین ، ابو الفضل شاذان بن جبرائیل قمی » نام برد .

شرح حال ابن شرفیّه را ، افندی در ریاض آورده ، می‌نویسد : « علی بن محمّد لیثی واسطی ، دانشمند گرانقدر وعالم بزرگوار وجلیل القدریست که از بزرگان علمای شیعه است وکتابی دارد به نام : « عیون الحکم والمواعظ وذخیرة المتّعظ والواعظ » که به پندها وخطبه‌ها و موعظه‌های امیر مؤمنان اختصاص دارد » [۲] .

مرحوم افندی یکبار دیگر شرح حال او را به نقل از قطب الدّین کیدری ، در کتاب « مناهج النّهج » نقل کرده است [۳] . که صحیح آن « مباهج المهج فی مناهج الهجج » می‌باشد [۴] .

مؤلّف « مباهج المهج » ابو الحسن محمّد بن حسین بیهقی نیشابوری ، معروف به « قطب الدین کیدری » از بزرگان قرن ششم می باشد که شرح ارزنده‌ای

---

(۱) ریاض العلماء ، ج ۲ ص ۱۶۵ وج ۴ ص ۱۸۶ .

(۲) ریاض العلماء ، ج ۴ ص ۲۵۲ .

(۳) همان مدرک ص ۱۸۶ .

(۴) مباهج المهج ، در پیرامون سیرهٔ رسول اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم وائمهٔ اطهار علیهم السّلام ، به زبان فارسی است ، ونسخه ای از آن در کتابخانهٔ آیه الله گلپایگانی در قم به شمارهٔ ۲۱۲۵ ونسخه ای دیگر در کتابخانهٔ مسجد اعظم قم به شمارهٔ ۲ موجوداست . این کتاب توسط ابو سعید حسن بن حسین سبزواری ، از علمای شیعه در قرن هشتم تلخیص شده وبه نام « بهجة المباهج » موسوم است ، که نسخه ای از آن در کتابخانهٔ دانشگاه تهران به شمارهٔ ۹۶۸ موجوداست ، برای دیگر نسخه های آن به فهرست نسخه‌های خطی فارسی ، نوشتهٔ منزوی ، ج ۶ ص ۴۴۲۰ مراجعه شود .

بر نهج البلاغه ، به نام « حدائق الحقائق في فسر دقايق افصح الخلايق » نوشته ، كه به سال ۵۷۶ هـ . از تأليف آن فراغت يافته است . اين كتاب با تحقيقات ارزندهٔ شيخ عزيز الله عطاردى ، در سه جلد در هند به چاپ رسيده است .

ابن شرفيّه داستان بسيار جالبى دارد كه در پايان نسخهٔ خطّى مناقب ابن مغازلى درج شده و در آخر نسخه هاى چاپى آن به چاپ رسيده است . متن اين داستان چنين است :

« ابو الحسن على بن محمّد بن شرفيّه مى‌گويد : روز جمعه پنجم ذيقعدهٔ ۵۸۰ هـ . در دفتر من واقع در ورّاقين واسط ، قاضى دادگر جمال الدّين نعمة الله بن على بن احمد بن عطّار ، وامير شرف الدّين ابو شجاع ابن عنبرى شاعر ، حضور يافتند . قاضى جمال الدّين از امير شرف الّدين درخواست نمود كه كتاب مناقب (ابن مغازلى) را براى او قرائت كند ، امير شرف الدّين آنرا از روى نسخهٔ من كه به خطّ من در دفترم بود ، قرائت كرد . امير شرف الدّين نوهٔ صاحب مناقب بود وآنرا از جدّ مادريش پيرمرد كهنسال وعادل ، محمّد بن على ، او نيز از پدرش « ابن مغازلى » مؤلّف مناقب ، نقل مى‌كرد . آنها مشغول قرائت بودند كه ابو نصر قاضى عراق ، وابو العبّاس بن زنبقه ، كه هر دو لقب « عادل » داشتند ، از آنجا عبور كردند ، پس درنگى نمودند وبه جنجال پرداختند و به آنها اعتراض كردند كه چرا كتاب مناقب را مى‌خوانند ! ، ابو نصر قاضى عراق خيلى از حدّ گذشت و در مسخره واستهزاء مبالغه كرد و از راه استهزاء به قاضى جمال الدّين گفت : اى قاضى ! براى ما وظيفه اى تعيين كن و هر روز جمعه قسمتى از اين مناقب را بعد از نماز جمعه ، در مسجد جامع براى ما قرائت كن ! قاضى به آنها گفت : شما لياقت وشايستگى استماع اين مناقب را نداريد ، زيرا شما بوديد كه در دروازهٔ خطيب ايستاديد و گفتيد كه علىّ بن ابى طالب حتّى يک سوره از قران از بر نبود ، در حاليكه در اين مناقب آمده است كه علىّ بن ابى طالب عليه‌السلام بيش از هر صحابه‌اى

دیگر قاری و حافظ قران بود. آنگاه سرو صدا زیاد شد وقاضی را مسخره کردند وقاضی جمال الدّین آزرده خاطر شد و در حضور جماعتی کـه ایسـتاده بـودند چنین گفت: بار پروردگارا! اگر اهلبیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پیشگاه تو حرمت و آبروئی دارند، خانهٔ این پلید را در دل زمین فرو ببر، ودر انتقام از او شتاب کن. آن شب گذشت و در بامداد روز شنبه ششم ذیقعدهٔ ۵۸۰ هـ. خداوند خانه اش را ویران کرد و خانه اش با پل وهمهٔ آنچه روی پل بود، به درون دجله رفت وهر چه در خانه‌اش از مال واثاث وقماش بـود، از بـین رفت. وایـن یکـی از جـالبترین کرامتهای امیر مؤمنان ومناقب اهلبیت عصمت وطهارت بود که واقع گردید».

ابن شرفیّه پس از مشاهدهٔ این کرامت، در این رابطه قصیدهٔ زیر را سرود:

يا أيُّها الْعَدْلُ الَّـذي هُـوَ عَـنْ طَـريقِ الْـحقِّ عـادِلٌ
مُـتَجَنِّباً سُـبُلَ الْـهُدىٰ وَإلىٰ سَـبيلِ الْـغَيِّ مـائِلٌ
أبِمِثْلِ أهْـلِ الْـبَيْتِ يـا مَـغْرُورُ وَيْـحَکَ أنْتَ هـازِلٌ
دَعْ عَنْکَ أسْبابَ الْخَلاعَةِ وَاسْـتَمِعْ مِـنّي الدَّلائـلَ
بِالأمْسِ حينَ جَحَدْتَ مِنَ أفْضالِهِمْ بَعْضَ الْفَضائِلِ
وَجَرَيْتَ في سُنَنِ التَّمَرُّدِ لَسْتَ تَسْمَعُ عَذْلَ عـاذِلٍ
نَزَلَ الْقَضاءُ عَلىٰ دِيـارِکَ فـي صَـباحِکَ شَـرَّ نـازِلٍ
أضْحَتْ دِيارُکَ سائِخاتٍ في الثَّرىٰ خَسْفَ الزَّلازِلِ
وَبَقيتَ يا مَـغْرُورُ فـي الدّارَيْـنِ لَـنْ تَـحْظىٰ بِـطائِلٍ
هٰذا الْجَزاءُ بِهٰذِهِ الدُّنْيا فَعَدٌ لَهُمْ غَداً ما أنْتَ قـائِلٌ

«ای عادل! که از راه حق عدول کرده‌ای، از راه هدایت دوری گزیده، به راه ضلالت گرائیده ای».

«ای گول خورده! آیا به کسی که مانند اهلبیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است استهزاء می کنی؟! اسباب خود فریبی را کنار بگذار ودلایل محکم را از من بشنو».

« دیروز که برخی از فضائل آنها را انکار نمودی و راه گردنکشی پیش گرفتی و به نکوهش نکوهشگران گوش ندادی ».

« بامدادان قضای الهی به بدترین حالی برکاشانه‌ات فرود آمد، خانه‌ات در دل زمین فرو رفت و در زیر آوارها پنهان گشت ».

« ای گول خورده! که در هر دو جهان، دست خالی وروی سیاه گشتی، این، کیفر این دنیاست، برای آن سرای حرفهای گفتنی‌ات را مهیّا کن »[1].

علی بن محمّد بن شرفیّه می‌گوید: من کتاب مناقب ابن مغازلی را، در واسط، در مسجدی که حجّاج بن یوسف ثقفی، لعنة الله علیه، تأسیس کرده، در ۶ جلسه، که آغاز آن روز یکشنبه چهارم صفر، وآخر آن دهم صفر ۵۸۳ هـ. بود، قرائت کردم، در میان تعدادی بی شمار، ودر مجالسی تاریخی وباشکوه[2].

از نظر اینکه ابن شرفیّه با ابن مغازلی، از جهت نام، کنیه، نام پدر ونسبت مشترک هستند وهر دو نامشان: علی، نام پدرشان: محمّد، کنیه شان: ابو الحسن، ونسبتشان: واسطی است؛ در برخی از منابع شرح حال ایشان با ابن مغازلی خلط شده است. فی المثل در « ریاض » برای او کتابی در فضائل اثبات کرده که تاریخ تألیف آنرا به سال ۴۵۷ هـ. نوشته است[3]، در صورتیکه ابن شرفیّه در آن تاریخ دیده به جهان نگشوده بود! همین اشتباه برای مرحوم صدر نیز روی داده، آنجا که تاریخ تألیف « عیون الحکم » را ۴۵۷ هـ. دانسته است![4].

ابن شرفیّه به تصریح صاحب ریاض از علمای شیعه است وعلاوه برکتاب « عیون الحکم » کتابی هم در فضائل اهلبیت علیهم‌السلام داشته است.

---

(۱) مناقب ابن مغازلی، ص۴۴۷.

(۲) همان مدرک، ص۴۴۸.

(۳) ریاض العلما، ج۴ ص۲۰۹.

(۴) تأسیس الشّیعة ص۴۲۰.

نام « ابن شرفیّه » را در بیشتر کتب تراجم با « فاء » نوشته اند ولی نظر به اینکه « شرقیّه » نام محلّی در واسط است ، احتمالاً « ابن شرقیّه » با « قاف » صحیحتر باشد . ودر برخی منابع « شرفیّه » را بدون « ابن » ثبت کرده اند .

کتاب « عیون الحکم » گسترده ترین کتابی است که سخنان حکیمانهٔ امیر مؤمنان عليه السلام را در بر گرفته است ، که در این کتاب ۱۳۶۲۸ گفتار ، از سخنان حکمت‌آمیز آنحضرت گردآمداست .

ابن شرفیّه ، در مقدّمهٔ کتاب « عیون الحکم » می‌نویسد :

« پس از ستایش خداوند منّان ، آنچه مرا به گردآوری این سخنان سود مند در این کتاب واداشت ، مباهات بیش از حدّ « جاحظ » برای گرد آوردن صد گفتار از سخنان حکیمانهٔ ابو تراب امیر مؤمنان عليه السلام می‌باشد ... بسیار دچار شگفت شدم که چگونه جاحظ به خود اجازه داده که از دریا فقط به یک قطره قناعت کند وبه آن دلخوش باشد !... از این رهگذر تصمیم گرفتم که اندکی ازگفتارهای حکیمانهٔ آنحضرت راگردآورم . . . آنرا « عیون الحکم والمواعظ ، وذخیرة المتّعظ والواعظ » نام نهادم . این سخنان حکیمانه را ازکتابهای گوناگونی گردآوردم که از آن جمله است : نهج البلاغه ، جمع آوری شریف رضی ؛ مأة کلمه ، از جاحظ ؛ دستور الحکم . . . ؛ غرر الحکم ، از قاضی ابو الفتح ؛ مناقب ، از خطیب ، منثور الحکم ؛ فرائد وقلائد ، از اسفرائنی ؛ خصال ... ؛ و... این کتاب را در ۳۰ باب و۹۱ فصل ، تنظیم نمودم ودر آن ۱۳۶۲۸ کلمهٔ حکیمانه گرد آوردم ، ۲۹ باب آنرا به ترتیب الفبا قرار دادم و در باب سی‌ام سخنان کوتاهی در پیرامون توحید ، وصایا و... گردآوردم » .

آنچه از نسخه‌های خطّی کتاب به دست ما رسیده ، از باب سی‌ام خالی است ، حتی نسخه‌های خطّی که در قرن یازدهم موجود بوده وبه دست صاحب ریاض رسیده ، همگی ۲۹ باب بوده ، وفاقد باب سی‌ام بوده است ، چنانکه

صاحب ریاض به آن تصریح نموده است [۱].

نگارنده گوید: این کتاب از منابع ومآخذ علّامهٔ مجلسی در دائرة المعارف بزرگ «بحار الانوار» می‌باشد، ونسخهٔ مصحَّح بسیار کهن در نزد او بوده است [۲]. جز اینکه از آن به عنوان «العیون والمحاسن» نام برده [۳]، تا به نام صحیح آن بر خورده، و در جلد ۷۳ صفحهٔ ۱۰۸ بحار از آن به عنوان «عیون الحکم و المواعظ» نام برده ودر جلد ۷۸ صفحهٔ ۳۶ توضیح داده که ما سابقاً از آن به «العیون والمحاسن» تعبیر کردیم.

به نظر می‌رسد که علّامهٔ مجلسی به نسخه‌ای از آن دست یافته که کامل بوده وشامل باب سی‌ام نیز بوده است، زیرا در بحار الانوار خطبهٔ اوّل نهج البلاغه را به نقل از این کتاب نقل کرده است [۴] در صورتیکه خُطَب ووصایا در باب سی‌ام آن کتاب می باشد.

برای آشنائی بیشتر با نسخه های «عیون الحکم» به منابع زیر مراجعه فرمائید: الذّریعه ج ۱۵ ص ۳۷۹، فهرست کتابخانهٔ سپهسالار، ج ۱ ص ۲۸۳، ج ۲ ص ۷۴ و ۷۶ و ۱۴۶ وج ۵ ص ۳۴۵ وفهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه، ج ۲ ص ۱۵۸.

منزوی می نویسد: نسخهٔ کتابخانه دانشگاه تهران به سال ۱۲۷۹ هـ. از روی نسخهٔ مورّخهٔ ۸۶۷ هـ. استنساخ شده، که آنهم از نسخه ای به تاریخ ۷۰۹ هـ استنساخ شده، که آن نیز از نسخه‌ای نوشته شده به تاریخ ۶۱۴ هـ. استنساخ شده است. سپس اضافه می‌کند: در مقدّمه عیون الحکم از «ابن جوزی» نقل شده

---

(۱) ریاض العلماء، ج ۴ ص ۲۵۳.

(۲) بحار الانوار، ج ۱ ص ۳۴.

(۳) همان مدرک، ص ۱۶.

(۴) بحار الانوار، ج ۷۷ ص ۳۰۰.

است ، پس روشن می‌شود که تألیف ونگارش آن بین سالهای ۵۹۷ تا ۶۱۴ بوده است ، که ۵۹۷ تاریخ درگذشت ابن جوزی ، و۶۱۴ تاریخ کتابت نسخهٔ اصل است [۱].

نگارنده گوید : ما متن مقدّمهٔ کتاب را در اینجا آوردیم تا روشن شود که در آنجا نامی از « ابن جوزی » نبوده ، بلکه در آنجا ازکتاب « منثور الحکم » به عنوان یکی از منابع مؤلّف یاد شده ، وآقای منزوی تصوّر کرده که این کتاب نوشتهٔ ابن جوزی است ، در صورتیکه این کتاب غیر از کتاب « منثور » ابن جوزی است ، چنانکه حاجی خلیفه کتاب منثور ابن جوزی را معرّفی کرده وبعد از آن ازکتاب « منثور الحکم » نام برده و از مؤلّف آن نام نبرده است [۲].

اسماعیل پاشا نیز در میان مؤلّفات ابن جوزی ، از « منثور » نام برده ، و در « مؤلّفات ابن جوزی » یاد آورشده است که نسخه ای از آن در کتابخانهٔ مسجد سلطان محمّد فاتح در استانبول موجود است [۳] روی این بیان « منثور الحکم » یاد شده در مقدّمهٔ « عیون الحکم » غیر از منثور ابن جوزی است تشابه اسمی موجب اشتباه آقای منزوی شده ، واشتباه ایشان به « ذریعه » نیز راه یافته است [۴].

کتاب گسترده وپرارج « عیون الحکم » توسّط احمد بن محمّد بن خلف ، تلخیص شده ، و به نام « المحکم المنتخب من عیون الحکم » موسوم شده است . نسخه‌ای از آن درکتابخانهٔ دانشگاه قرویّین در « فاس » موجود است [۵].

---

(۱) فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ، ج۲ ص۱۶۰ .

(۲) کشف الظنون ، ج۲ ص۱۸۵۸ .

(۳) هدیّه العارفین ج۱ ص۵۲۵ وکتاب مؤلّفات ابن جوزی ص۱۸۵ .

(۴) الذّریعه ج۱۵ ص۳۸۰ .

(۵) فهرست کتابخانهٔ دانشگاه قرویّین ، ج۲ ص۴۰۵ .

مقاله‌های علمی

به یاد آن عزیز

استاد رضا استادی

قم ـ ایران

این مقاله شامل سه بخش است:

یک: عرض ادب نسبت به محقق ارجمند سیّدنا العزیز الطباطبائی ﷺ.

دو: معرفی تألیفات جدّ ایشان مرحوم صاحب العروة.

سه: معرفی حاشیه رسائل شیخ انصاری به قلم مرحوم شیخ عبدالرسول یزدی که از شاگردان صاحب عروه بوده و به ظن قوی این حاشیه رسائل تقریرات درس استادش می باشد. و بسیار مناسب است برای اینکه آراء اصولی آن مرحوم در حوزه ها مطرح باشد چاپ شود.

بخش اول:

در میان صفات خوبی که محقق گرانقدر حضرت آقای طباطبائی تغمّده الله بغفرانه داشت، صفت سخاوت او (در بذل اطلاعات، و کمک به محققان، و

دستگیری ازکسانی که در بین راه تألیف وتحقیق وتتبع بودند) درخشش ویژه‌ای داشت. کسانی که با او معاشرت و حشر و نشر نداشته‌اند متوجه نمی‌شوند که چه می‌گویم. آخرین ثمرات مطالعات و بررسی‌های خود را خیلی آسان و بی‌تکلّف در اختیار هرکس که فکر می‌کرد برای او کار ساز است قرار می‌داد.

شاید شما هم شنیده باشید که برخی از اساتید بخشی از راز و رمزهای کتاب درسی خود را به ارزانی به شاگردان منتقل نمی‌کنند و چنین می‌اندیشند که باید امتیازاتی را برای خود محفوظ بدارند. و یا شنیده‌اید که برخی از محققان همین که خبر می‌شوند مطلب بکر آنان را دیگری در اثر تألیفی خود درج کرده، و نمک‌نشناسی نموده، سخت آشفته می‌شوند و فریاد استغاثه و استمداد از این نهاد و از آن اداره برمی‌آورند. و باز دیده‌اید در برخی کتاب‌ها (به حق) نوشته شده نقل مطالب این کتاب بدون ذکر مصدر ممنوع است ووو.

اما سیّدنا العزیز خلق وخوی دیگری داشت، و به این جهت از راه‌های دور و نزدیك، داخل کشور وخارج آن، روحانی و غیر روحانی، پیر و جوان، کارکشته و تازه کار همه و همه با امید به خانه و کتابخانه و چهره باز حاکی از یک دنیا سخاوت و بسط ید او روی می‌آوردند، وکمتر می‌شد دست خالی بیایند و دست پرنروند. آری این چنین بود، که افرادی مانند اینجانب را سالهای سال به خود جذب کرده بود. حقیر حدود بیست سال با او آشنا بودم و به خانه و کتابخانه او رفت و آمد داشتم و از اطلاعات و آگاهی‌های فراوان او برای کارهایم بهره بردم و همین حق که برگردنم داشت موجب شد که اکنون که یک سال از درگذشت او می‌گذرد دوستان و ارادتمندانش به فکر ذکر خیری از او هستند من هم به سهم خود عرض ادبی داشته باشم.

ایشان در شرح حال خود نوشته و هم می‌گفت که ربع قرن در محضر دو عزیز اسلام و تشیع و دو خدوم به مکتب اهل بیت، اعنی شیخنا الطهرانی و

شیخنا الامینی رضوان الله تعالیٰ علیهما، استفاده و افاده داشته است. آری در این بیست و پنج سال، که با آن دو بزرگوار بود، و بیست و پنج سال بعد از آن تا هنگام وفات، خود او علّامه طهرانی و علامه امینی شده بود، و به راستی این توان را داشت که ذریعه‌ای دیگر، و الغدیری نو تألیف کند، و در این هر دو راه قدمهای بلند و مؤثری نیز برداشت. اینکه در روایات اهل بیت آمده که برخی از علماء هنگامی که از دنیا می‌روند جای آنها خالی می‌ماند یک مصداقش این عزیز بود بله صبر بسیار بباید پدر پیر فلک را، تا که از مادر ایام فرزندی مانند او به دنیا آید و در عالم کتاب و کتاب شناسی، و وادی بحث‌های حدیثی و تاریخی امامت و ولایت، و نیز فن تراجم جای او را بگیرد.

او از ارادتمندان اهل بیت و خادمان مکتب آنان بود و هرکس خادم اهل بیت باشد خدماتش هدر نمی‌رود و مخدومان مکرمش پس از مرگ فراموشش نمی‌کنند.

بخش دوم:

تألیفات صاحب عروه به این شرح است:

۱ ـ کتاب السؤال والجواب.

این کتاب شبیه جامع الشتات میرزای قمی، و سؤال و جواب حاجی اشرفی، و سؤال و جواب حجة الاسلام شفتی و مجمع المسائل چند جلدی آیة‌الله گلپایگانی است و شامل سؤال‌های فقهی است که از مرحوم سیّد شده به ضمیمه جواب‌های استدلالی یا نیمه استدلالی آنها.

یکی از سودمندترین کارهای فقهی همین است که سؤال و جواب‌های دوران مرجعیت هر یک از مراجع تقلید (البته آن بخش که شامل استدلال و

مدارک فتوی هم باشد) گردآوری و در اختیار فقهای دیگر و طالبان فقه قرار گیرد زیرا در این سؤال و جواب‌ها احیاناً مسائلی مورد بحث قرار گرفته که در هیچ یک از کتابهای دیگر مطرح نشده است .

این کار نسبت به جواب های صاحب عروه توسط یکی از شاگردانش شیخ علی اکبر خوانساری متوفای ۱۳۵۹ و نظارت شاگرد دیگرش آیة الله حاج شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء انجام شده است . به عبارات ذیل که در پایان نسخه چاپی این کتاب سؤال و جواب آمده است توجه کنید :

قد تمّ بحمد الله تعالیٰ وتوفيقه طبع هذا الجزء ، وهو الجزء الأوّل من كتاب السؤال والجواب ، من الفتاوى الصادرة بقلم سيّدنا الاعظم آيه الله السيّد محمّد كاظم الطباطبائي اعلیٰ الله مقامه . وقد بذل تمام الهمّة في جمعها وترتيبها وحسن نظمها وتبويبها وتحصيلها من مظانّها المتفرقة ومواضعها المتشتتة جناب العالم الفاضل ثقة الاسلام ، عمدة العلماء الاعلام ، الورع التقي الشيخ علي أكبر الخوانساری ادام الله تأييده ، ولولا همّته ومساعيه لما استطاع احد ان يجمع هذا السفر النافع ، والكتاب الجامع المشحون بالمسائل العامّة البلویٰ مع الاشارة إلیٰ مداركها وادلّتها ، ولولا تصدّيه لجمعها لفات على أهل العلم عظيم وقعها وعميم نفعها . فشكر الله سعيه واجزل برّه ووفقّه لاكمال هذا الكتاب الجليل بانجاز الجزء الثاني الذی به يتمّ دورة الفقه والله لا يضيع اجر من احسن عملاً وهو نعم المولیٰ ونعم النصير .

لا يخفیٰ ان هذا الكتاب قد احتویٰ علیٰ انفس المطالب الغامضة ، والمباحث العلمية ، والدقائق الفقهية ، ولم يذكر فيه علیٰ الاغلب الا ما اشتمل علیٰ الفتویٰ مع دليلها ، ولم يدرج فيه ما اشتمل علیٰ صرف الفتویٰ والحكم . فهو كتاب ينتفع به العلماء الاعلام والاواسط والعوام . فنسأله تعالیٰ ان يسهّل السبيل إلیٰ طبع الجزء الثاني الذی هو من أوّل النكاح إلیٰ آخر الديات ، ليكون دورة فقة

تامّة ان شاء الله وعلىٰ الله التكلان وبه المستعان. نرجو من الله العلم والعمل به بمحمّد وآله الطاهرين آمين ربّ العالمين [این دو عبارت که نقل شد ظاهراً از مرحوم کاشف الغطاء است].

بسم الله الرحمن لا يخفىٰ انه قد اشرف بنظره السامي علىٰ تصحيح اكثره وتنقيح اغلبه اعلم العلماء العاملين وافقه الفقهاء والمجتهدين حجة الاسلام آقا شيخ محمّد حسين متّع الله المسلمين بطول بقائه آل كاشف الغطاء نوّر الله ضريحه وعطّر الله مرقده، ولولا صرف همّته العالية في ملاحظة النسخ الاصلية التي جمع منها هذا الكتاب، واكثر اوراق الطبع قبل انجازه لما صدرت هذه النسخة مقبولة للطباع ولا محّلا للانتفاع... [این عبارت شاید از شیخ علی اکبر خوانساری باشد].

این کتاب به زبان فارسی و عربی ۴۱۰ صفحه خشتی در سال ۱۳۴۰ (سه سال بعد از وفات مرحوم سیّد) در مطبعه حیدریه نجف چاپ شده است.

این جلد شامل کتابهای: طهارت (بحث تقلید را هم قبل از آن دارد)، صلاة، زکاة و خمس، صوم، حج، جهاد، متاجر، صلح، ضمان وحواله وکفالت، دین وحجر، شرکت، مزارعه، عاریه، اجاره، وکالت و وصیت است.

جلد دوم آن که شامل نکاح تا دیات باید باشد چاپ نشده است و اگر نسخه آن موجود باشد چاپ آن بسیار مناسب و سودمند است.

یکی از فضلا چندی پیش به تحقیق این کتاب، برای تجدید چاپ آن مشغول شده بود که نمی‌دانم کار ایشان به کجا رسید.

۲ ـ الصحيفة الكاظمية:

شامل هفده دعا و مناجات به زبان عربی که از انشاءات دوران جوانی مرحوم سیّد است. و شباهت کامل به صحیفه های ائمة اطهار عليهم‌السلام دارد.

کوتاه ترین آن را به عنوان نمونه نقل می‌کنیم:

الهي وان كانت خطاياى تمنعني عن بسط السؤال ونشر المقال، الّا انّ سعة رحمتك تولعني علىٰ ذلك.

وان كان لساني قاصراً عن الاعتذار اليك والاستراحام منك، إلّا أنّ قِدم رأفتک يحرّضني.

وان كان تقصيرى عما كان عليّ من الجهد في طاعتك يوحشني، الا انّ غناک عن عقوبتي يونسني.

فانا بين اليأس والرجاء في ترديد، وبين الاجحام والاقدام في تقريب وتبعيد، لكن حيث انّ رحمتك سبقت غضبك، ورأفتك غلبت نقمتك، اسألك ان تغفر زلّتي وتقبل توبتي وترحم ذلّتي وتشفي علّتي وتبرّد غلّتي، فانّك الكريم المنّان، العطوف الحنّان، ذو الفضل والاحسان، واتضرّع اليك أن تمنّ عليّ بالغفران والرضوان، وان توفقني فيما بقى من عمرى للزوم طاعتك والتجنّب عما يسخطك يا رؤوف يا رحيم، يا عطوف ياكريم يا ارحم الراحمين.

اين صحيفه در سال ۱۳۳۷ (همان سال وفات مرحوم سيد) در مطبعه دار السلام بغداد در ۴۴۶ صفحه جيبى چاپ شده است.

در آغاز آن مقدمه‌اى (شايد به قلم مرحوم شيخ محمّد حسين كاشف الغطاء باشد) به اين عبارت آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم. سبحانك اللّهم يا من أذاق اولياءه حلاوة حبّه فقاموا بعد ان هاموا يتململون بين يديه بلذيذ المناجاة، وانتجب محمّداً نجيّه واصطفىٰ عترته بأسراره حتّىٰ جعلهم باب مدينة العلم وسفينة النجاة.

احمدك علىٰ ان انطقت لساني بذكرك وفتقت رتق بياني بحمدك وشكرك.

اللّهم فكما روعتني بعجائب آياتك، واطمعتني علىٰ القنوط من اعمالى بجواذب الطافك ونفحاتك، منّ عليّ بالانتظام في سلك ارباب القلوب، الذين لا

ينفطي سعير لوعتهم الّا بنمير مناجاتك .

وبعد فانّه لا نعمة لله جلّ شانه علىٰ العباد بعد الايمان به افضل ولا اكمل ولا اسمىٰ ولا اسنىٰ ولا ارفع ولا انفع من محمّد واهل بيته صلوات الله عليه وعليهم ، فانهم الرحمة علىٰ العالمين ومصابيح الهدىٰ في الدنيا والدين .

فما من مكرمة ولا منقبة ولا فضيلة الّا ومنهم تبتدى واليهم تنتهي ، وعنهم تؤثر وبهم تذكر ، ومنهم تنبع واليهم ترجع .

وكانت اعمارهم الشريفة موزّعة شطراً منها للتعليم والارشاد والدلالة علىٰ سبل مرمّة المعاش والمعاد ، وشطراً للانقطاع إلىٰ الله سبحانه والمثول بين يديه والانس بالضراعة لديه والاسغراق في تقديسه وتمجيده والتلذّذ بمناجاته والثناء عليه بقدسي اسمائه وصفاته ، حتّىٰ جاء الينا عنهم من ذلك واجتمع علىٰ قصر المدّة وعظيم البلاء والشدّة ما لم يجئ ولم يجتمع للانبياء السابقين والاولياء السالفين والحكماء الغابرين علىٰ مرور الدهور وكرور الاحقاب والعصور . فجزىٰ الله محمّداً وآله عنا افضل ما جزىٰ نبيّاً عن امّته ورسولاً عمن ارسل اليه .

وحيث انّ سيدنا الاستاد الاعظم حجّة الاسلام والمسلمين آية الله في العالمين السيّد محمّد كاظم الطباطبائي ادام الله ظله جذوة ذلك المقباس ، ونبعة ذلك الغراس وشرافة ذلك الشرف وخلف ذاک السلف ، لذلك نجده ادام الله ايّامه لم يتخطّ عن جادّتهم ولم يمل عن طريقتهم ، وهو بهم سلام الله عليهم اشبه من غيره من الشخص بظلاله ، والشيء بمثاله . فلم تزل اوقاته الشريفة ولا تزال في جميع الاحوال منقد أوّل عمره إلىٰ اليوم لا يصرف شيئاً من وقته الا في العلم والتعليم والمطالعة والتدريس والفكر والتاليف .

وكان ايّده الله في مبادى امره عند الخلوة والفراغ وطلب الاستراحة لا يجد راحة لقلبه الّا بمناجاة ربّه والضراعة اليه والخلوة به .

وكان ربما ينشيء بعض العبارات ، ويجرى علىٰ لسانه ما يمليه عليه خاطره

من الادعية والمناجاة ، وربما رسم بعضها علىٰ قطع الورق غير معتدّ بها ، ولا صارف اليها نظر الرعاية ، ولا جاعلاً لها محلاً من التكلّف والعناية ، ولكن أحبّ بعض الصالحين أن يجمع شمل شتاتها ، وينظم عقد متفرقاتها ، فجاءت كما ترىٰ كالمرآة المجلوة ، والصحيفة المثلوة ، تحكى لك وتحاكي الادعية العالية المأثورة عن آبائه واجداده سلام الله عليهم ، وإذا قستها إلىٰ ادعية الصحيفة ومناجاتها تنشد قائلاً غير مبالغ ولا مرتاب :

فهذا السنا الوضاح من ذلك السنا   وهذا الشذ الفياح من ذلك الوادي

فاغتنمها خفيفة علىٰ اللسان ، ثقيلة في الميزان ، مشحونة بالمعارف الالهية والاسرار القدسية ، ودقائق التحميد والتمجيد ، ورقائق التنزيه والتوحيد واسأل الله سبحانه ان يحفظ الدين بحفظ منشيها ، ويسلم قواعد الاسلام بسلامة بانيها ، انّه الكريم المنّاه وبه المستعان وعليه التكلان .

٣ ـ بستان نياز وگلستان راز (الهى نامه).

رساله اى است به زبان فارسى بسيار فصيح وعارفانه ، مانند مناجات نامه خواجه عبدالله انصارى ، در ٣٥ صفحه جيبى (به ضميمه رساله قبلى) در مطبعه دار السلام بغداد در سال ١٣٣٧ چاپ شده است .

اين رساله چند سال پيش به كوشش اينجانب در مجله نور علم قم شماره ١٥ و نيز به تازگى در مجموعه هفده رساله فارسى چاپ شده است .

آغازش اينست :

كاظما تاكى به خواب غفلتى   فكر خود كن تا كه دارى مهلتى
كاظما عمرت هدر شد در خيال   شرم بادت از خداى لا يزال
كاظما بر خيز وفكر راه كن   توشه‌اى از بهر خود همراه كن
كاظما از بيخودى سوى خود آى   خورده خورده روى كن سوى خداى

۴ ـ الكلم الجامعة والحكم النافعة :

رساله‌ای است در چند صفحه به زبان عربی ، شامل کلمات حکمت آمیز شبیه کلمات قصار مولایش امیر مؤمنان علی عليه‌السلام در سال ۱۳۲۸ ضمیمه چاپ اول عروة الوثقیٰ در بغداد چاپ شده است و متاسفانه نسخه‌ای که از این رساله داشته‌ام عجالتاً پیدا نکردم تا خصوصیات بیشتری از آن نقل کنم .

این رساله در الذریعة ج۱۸ ص۱۲۶ یاد شده است از اینکه غیر از آن چاپ ، چاپ دیگری شده یانه ، اطلاعی ندارم .

۵ ـ الاستصحاب :

علّامة طهرانی در ذریعة ج۲ ص۲۵ می‌نویسد : این رساله را نزد شاگردش شیخ علی اکبر خوانساری دیده‌ام .

۶ ـ الحاشية علیٰ فرائد الاصول : « ردّ المقدّمة الثالثة » :

فقط حاشیه بر بحث دلیل انسداد رسائل شیخ انصاری است که مقدمه سوم از چهار مقدمه دلیل انسداد را ردّ کرده است .

علامه تهرانی در ذریعه ج۶ ص۱۶۰ می‌نویسد : نسخه آن را نزد شاگردش شیخ علی اکبر خوانساری دیده ام .

۷ ـ رساله في ارث الزوجة :

علامه طهرانی در ذریعه ج۱۱ ص۵۶ می‌نویسد : همان است که شریعت اصفهانی رساله « ابانة المختار » را در ردّ آن نوشته ، و هر دو در کتابخانه سیّد محمّدباقر حجّت در کربلا موجود بوده است .

٨ ـ رسالة في التعادل والتراجيح:

چاپ سنگی تهران در سال ۱۳۱۶ در ۲۹۶ صفحه وزیری.

٩ ـ رساله في جواز اجتماع الامر والنهي:

چاپ سنگی تهران در سال ۱۳۱۷ در ۱۷۲ صفحه وزیری، با مقابله و تصحیح شیخ علی یزدی و آقا محمّد مهدی کاشانی.

در پایان آن آمده: وقد وقع الفراغ علیٰ ید الفقیر إلیٰ الله الغني محمّد کاظم بن عبدالعظیم الطباطبائی الیزدی عامله الله بلطفه الخفی في یوم مولد النبي [صلّی الله علیه وآله وسلّم] من شهر ربیع الأوّل من شهور السنة العاشرة من العشر الآخر من المأة الثالثة من الألف الثاني [۱۳۰۰] في النجف الأشرف علیٰ مشرّفه الآف التحیة والسلام، والمرجو من الله التوفیق لما یوجب الرضوان، ومن الاخوان العفو عمّا فیه من النقصان، أو الزلل والنسیان، وان ینظروا بعین الرضا والاحسان.

١٠ ـ الحاشية علىٰ المكاسب المحرمة:

حاشیه بر مکاسب محرمه شیخ انصاری است که در سال ۱۳۱۷ در ۵۳ صفحه رحلی چاپ شده است.

آغاز آن: بسم الله... وبعد فیقول العبد الاقل محمّد کاظم بن عبد العظیم الطباطبائی الیزدی عفیٰ الله عنه: انّی عند ما کنت مشتغلاً بالبحث والنظر فیما صنّفه الشیخ المحقّق العلّامة المدقّق الفهامة وحید عصره واوانه وفرید دهره وزمانه الشیخ الزاهد العابد المجاهد الشیخ مرتضیٰ الانصاری قدّس الله سرّه الشریف في المکاسب ربما ینقدح في ذهني اشکال أو توضیح حال أو دفع ایراد أو بیان مراد فأحببت ایراده علیٰ طرز التعلیق علیه [لیکون] لي تذکرة ولغیری تبصرة وبالله التوفیق وهو المستعان وعلیه التکلان.

۱۱ ـ الحاشية علىٰ كتاب البيع :

حاشيه بر بيع شيخ انصارى است كه در سال ۱۳۱۷ در ۱۴۵ صفحه رحلى ضميمه كتاب قبل چاپ سنگى شده است .

در آغاز آن از شيخ انصارى با اين عبارت ياد كرده است : المحقّق العلّامة وحيد عصره واوانه عماد الملّة والدين وتاج الفقهاء والمجتهدين الورع التقي ، علم الهدىٰ الشيخ مرتضىٰ الانصارى قدّس سرّه .

۱۲ ـ الحاشية علىٰ كتاب الخيارات :

حاشيه بر بخش خيارات مكاسب شيخ انصارى است در ۱۸۱ صفحه رحلى در سال ۱۳۱۷ ضميمه دوكتاب قبل چاپ سنگى شده است و در پايانش تاريخ صفر ۱۳۱۲ ديده مى‌شود كه شايد تاريخ پايان تأليف باشد .

۱۳ ـ رسالة في حكم الظنّ في الصلاة وبيان كيفية صلاة الاحتياط :

در ۲۰ صفحه رحلى ضميمه سه كتاب قبل در سال ۱۳۱۷ چاپ شده است .

۱۴ ـ رسالة في منجزات المريض :

در ۳۹ صفحه رحلى ضميمه چهاركتاب قبلى در ۱۳۱۷ چاپ شده است .

۱۵ ـ حاشيه بر نجاة العباد صاحب جواهر :

در سال ۱۳۲۴ در هامش نجاة العباد در تهران و در ۱۳۱۸ در بمبئى چاپ شده است (فهرست كتاب هاى چاپى عربى خانبابا مشار) .

۱۶ ـ حاشية انيس التجار ملا مهدى نراقي:

در سال ۱۳۴۹ در هامش انيس التجار به قطع خشتى كه حاشيه حاج شيخ عبدالكريم حائرى را نيز دارد چاپ سنگى شده است.

۱۷ ـ حاشيه راه راست ترجمه الصراط المستقيم:

در سال (۱۳۲۷ق) در هامش همان رساله كه به قطع جيبى و۶۷ صفحه چاپ سنگى شده است.

۱۸ ـ وسيلة النجاة:

سؤال وجواب هاى فقهى است كه در ۹۷ صفحه جيبى در سال ۱۳۲۹ چاپ سنگى شده است.

سؤال‌ها از سوى آخوند ملا غلامحسين قمى مطرح شده است.

۱۹ ـ حاشيه بر جامع عباسى شيخ بهائى:

در سال ۱۳۲۷ در هامش آن در طهران چاپ شده است.

۲۰ ـ حاشيه بر ذخيرة المعاد حاج شيخ زين العابدين مازندرانى:

در سال ۱۳۳۳ در هامش آن چاپ شده است.

شماره ۱۶ تا ۲۰ دركتابخانه اينجانب موجود است.

۲۱ ـ حاشيه بر مناسک حج شيخ مرتضىٰ انصارى:

در سال ۱۳۱۷ و۱۳۲۱ در طهران و در ۱۳۲۵ در بمبئ و در ۱۳۳۱ در بغداد در هامش آن چاپ شده است (ذريعه ۲۷۳/۲۲ و فهرست مشار).

۲۲ ـ حاشیه بر تبصره علامه حلّی :

با اصل تبصره در تهران و بغداد چاپ شده است (فهرست خانبابا مشار) .

۲۳ و ۲۴ ـ عروة الوثقیٰ و ملحقات عروة الوثقی :

که دوّمی فقط دوبار ، و اولی از سال ۱۳۲۸ تاکنون به بیش از ده شکل در بغداد و بمبئی و صیدا و نجف و طهران و قم به صورت سنگی و گراوری و حروفی و افست چاپ شده است .

عروة الوثقیٰ و ملحقات آن از پنجاه و چند کتاب (دوره فقه) فقط این کتابها را شامل است .

تقلید ، طهارت ، صلاة ، صوم ، اعتکاف ، زکاة ، خمس ، حج (ناقص) اجاره ، مضاربه ، مزارعه ، مساقاة ، ضمان ، حواله ، نکاح ، وصیت ، ربا ، عدّه ، هبه ، وقف ، قضاء .

با اینکه همانطور که توضیح داده شد عروة الوثقی دوره فقه نیست امّا در همان قسمت‌های نوشته شده ، از حیث مؤلف و اتقان مطالب و سلیس بودن عبارات و کثرت فروع می‌توان گفت در میان کتابهای فقهی و به خصوص رساله های عملیه منحصر است و از این رو از روزگار تألیف و نشر ، مورد توجه قاطبه علماء وفقهاء ومراجع تقلید بوده است و چند چیز گواه این مطلب است :

۱ ـ کثرت چاپ و نشر آن .

۲ ـ شروحی که بر آن نوشته شده مانند شرح آیة الله حاج سید محسن حکیم و شرح آیة الله حاج شیخ محمّد تقی آملی و شرح آیة الله حاج سید أبوالقاسم خوئی و دیگران . و شاید اولین شرح ، شرح مرحوم آیة الله حاج شیخ محمّد علی اراکی بر قسمتی از کتاب طهارت آن باشد که در زمان حیات مرحوم

سيّد نوشته شده است . به کتاب الطهارة تأليف آية الله اراکی چاپ قم رجوع شود .

۳ ـ حواشی و تعلیقات فراوانی که بعد از وفات صاحب عروه توسط مراجع تقلید بعدی بر این کتاب نوشته شده که حدود پنجاه تا از چاپ شده‌های تا این تاریخ ۱۴۱۷ هجری قمری (نود سال بعد از تألیف) آن در کتابخانه اینجانب موجود است .

۴ ـ در زمان مؤلف ترجمه به فارسی شده (به نام غاية القصوی) و ترجمه هم مورد توجه اعلام فقاهت قرار گرفته و برخی آن را تحشیه کرده اند . از جمله حاشیه غاية القصوی از مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی در هامش نسخه چاپی سال ۱۳۳۶ (در زمان حیات مرحوم سید) به صورت دستنویس در مکتبه اینجانب موجود است .

مقداری از غاية القصوی به قلم مرحوم حاج شیخ عباس قمی و بقیه به قلم سید ابو القاسم اصفهانی است و بارها به صورت های گوناگون چاپ شده است .

یکی از حواشی عروة الوثقی حاشیه مرحوم شیخ محمّد حسین کاشف‌الغطاء است که در سال ۱۳۶۷ در نجف چاپ سنگی شده است .

در پایان این تعلیقه مرحوم کاشف الغطاء پیرامون تألیف عروة الوثقی توضیحی داده است که شامل نکات تازه ای است .

قد كان السيّد الاستاد رضوان الله عليه شرع فيه في السنة ۱۳۲۲ وكان كل يومين أو ثلاث ينتهز من وقته المستغرق باشغال المرجعية العظمىٰ فرصة يحرّر فيها من هذا الكتاب الورقتين والثلاث بخطّه الدقيق يدفعها لي ولأخي آية الله الشيخ احمد تغمّده الله برضوانه لأجل اصلاح عباراته من حيث العربيّة ورفع الركاكة أو التعقيد والنظر في ادلّة الفروع ومطابقة الفتوىٰ للدليل ، حذراً من انّ مشغوليته العظمىٰ ادخلت سهواً عليه في ذلك أو غفلة ...

وكنّا نستفرغ الوسع ونسهر الليالي في اصلاح العبارات وجعلها بغاية

الوضوح والسلاسة، بحيث يفهمها حتّىٰ العامي والاميّ، كما ننظر أيضاً في المدارك والادلّة، ونتذاكر في كلّ فرع مع افاضل ذلك العصر في دارنا الكبرىٰ التي كانت مجتمع الاعلام والاعاظم يومي الخميس والجمعة، ومنهم الآيتان الحجتان: المرحوم ميرزا محمّد حسين النائيني ـ قبل ان يصير من المراجع ـ والشيخ المحقّق وحيد عصره الاستاد الشيخ حسن الكربلائي رضوان الله عليهما، وبعد استفراغ الوسع وسدّ الفراغ نعود إليه رضوان الله عليه بما اصلحنا ونتذاكر معه في مجلس خاصّ، فربما رجع إلىٰ رأينا في الفتوىٰ، وربما اصرّ واستمرّ علىٰ رأيه، وفي السنة ١٣٢٨ لما توجّهت إلىٰ بغداد لطبع كتابي: «الدعوة الاسلامية» (الذى حجز وجرىٰ فيه ما جرىٰ) طلب منّي تغمّده الله برحمته ان اشرف علىٰ طبعها... وهي الطبعة الأُولىٰ من هذا الكتاب، ثمّ طبع بعدنا ثانياً في نفس تلك المطبعة سنة ١٣٣٠، وكم من الفرق الواضح بين الطبعتين في الصحّة وغيرها....

علامه طهرانى در ذريعه ٢٥٢/١٥ مى‌نويسد عروة الوثقىٰ (طهارت تا نكاح) يعنى به استثناى ملحقات شامل ٣٢٦٠ مسأله است.

بخش سوّم:

در ميان شاگردان مرحوم آقا سيد محمّد كاظم يزدى دو نفر به نام شيخ عبدالرسول يزدى داريم:

علامه طهرانى در طبقات الاعلام در ذيل عنوان: «شيخ عبدالرسول يزدى» مى‌نويسد.

كان من علماء عصره الافاضل في يزد، ومن الفقهاء المتبحرين الاجلّاء. كانت له يد طولىٰ في الفقه والأُصول وقدح معلّىٰ في الكلام والاخلاق، وله اثار علمية تبرهن علىٰ تضلّعه وخبرته وتبحرّه وتحقيقه وملكاته الفاضلة ومؤهلاته. رأس في بلاده، وانقادت له الناس وخضع له الكبير والصغير واعترف بمكانته وفضله اجلاء معاصريه وفحول العلماء.

حضر في النجف علىٰ السيّد محمّد كاظم اليزدي ، والشيخ محمّد كاظم الخراساني ، وشيخ الشريعة الاصفهاني .

از ایشان چهار تألیف سراغ داریم :

۱ ـ نور السبیل که فهرست الفبائی مسائل و مباحث اصول فقه ، و نیز تعیین محلّ هر مسأله در کتب اصولیه است . تاریخ تألیف آن ۱۳۲۸ ، و نسخه آن را علامه طهرانی در کتابخانه آیة الله حاج سیّد عباس کاشانی ـ که فعلا مقیم قم هستند ـ در کربلا دیده است .

۲ ـ ارائه الطریق کتابی است در اخلاق و عقائد به فارسی که در سال ۱۳۸۲ با مقدمه مرحوم حجة الاسلام حاج سیّد علیرضا ریحان یزدی چاپ شده است (به فهرست مشار رجوع شود) .

۳ ـ الفوائد النجفیة ، که به گفتهٔ علّامة طهرانی در نور السبیل از آن یاد کرده است .

۴ ـ حاشیه بر حاشیه مکاسب استادش مرحوم صاحب عروه که در اعلام‌الشیعة ذکر شده است .

سپس علامه طهرانی اضافه می‌کند : لم اقف علىٰ ترجمة كاملة له ولا تاريخ وفاته .

غیر از این عالم بزرگوار که یاد شد عالمی دیگر با همین نام داریم که حضرت آقای مدرسی در کتابی که در شرح حال علماء یزد نوشته اند (وهنوز چاپ نشده) درباره او اینطور می‌نویسد :

شیخ عبدالرسول ساباطی . به او ساباطی می‌گفتند چون در مسجد ساباط یزد امامت داشته است . او در اوائل عمر بزّاز بوده ، و به همّت عالیه خود به نجف رفته و از محضر آقا سیّد محمّد کاظم بهره وافر برده و تقریرات درس ایشان را نوشته ، و سپس به یزد آمده ، در مسجد ساباط نماز می‌خوانده و مدرّس هم بوده است .

او از زهاد بزرگ یزد محسوب می‌شود و از ایشان کراماتی منقول است.

در سال ۱۳۴۵ در ۶۴ سالگی به رحمت خدا پیوست و در مقبره آخوند ملااسماعیل دفن شد. او ابداً ادّعاء اجتهاد نداشته است. (یعنی با اینکه مجتهد مسلّم بوده در مقام افتاء ومرجعیت درنیامد).

فرزند ایشان مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمّد منتظری یزدی تألیفات متعددی به نام های: کشکول منتظری و زنبیل و فقر و غنا و سی مجلس دارد.

در آغاز جلد اول و دوم کشکول و کتاب زنبیل آمده: تألیف حاج شیخ محمّد منتظری یزدی ابن مرحوم حجة الاسلام سلمان الزمان آقای حاج شیخ عبدالرسول اعلیٰ الله مقامه.

و در پایان جلد اول کشکول می‌نویسد: کشکول منتظری بیاری پروردگار به پایان رسید ... و ثواب آن را نثار روح مرحوم پدرم که سلمان عصر خویش بود نمودم گویند مکرر خدمت حضرت ولی عصر عجّل الله تعالیٰ فرجه رسیده است و من سیزده ساله بودم که در سال ۱۳۴۵ قمری در سن ۶۴ سالگی وفات نمود.

و در پایان جلد دوم آن نیز می‌نویسد: ثواب آن را نثار روح مرحوم پدر خویش که سلمان عصر خود بود نمودم.

آقای منتظری چند سال پش از دنیا رفته است و پس از وفات او گویا طبق وصیت خود او چند جلد کتاب خطی کتابخانه‌اش را به آیة الله حاج شیخ محمّد یزدی داده‌اند. دو جلد از این چند جلد خطی، حاشیه رسائل شیخ انصاری است که فعلاً در اختیار اینجانب است و این همان حاشیه رسائل است که می‌خواهم معرفی نمایم.

این حاشیه رسائل به قطع وزیری و دو جلد است. جلد اول ۵۳۵ صفحه و جلد دوم ۲۱۱ صفحه.

جلد اول شامل بحث قطع تا ص۱۰۲ و ظن تا ص۲۹۲ و برائت تا ص۵۳۵ و جلد دوم شامل بحث استصحاب است.

روی برگ اول جلد اوّل نوشته: لا مالک الاّ من هو باق. محمّد منتظری یزدی.

روی برگ آخر جلد دوم نوشته: این کتاب حاشیه فرائد است که ظاهراً مرحوم آقای آقا شیخ عبدالرسول از تقریرات مرحوم سیّد استفاده فرموده و خود ایشان تحریر فرموده‌اند ...

و در موارد متعدد در خود این کتاب از مرحوم سیّد یاد کرده است:

در آغاز بحث قطع می‌نویسد قوله: فاعلم ان المکلف اذا التفت إلیٰ حکم شرعي.

أقول: قال الاستاد: الذی یناسب مقام الشروع في الادلّة...

در صفحة ۳۰ جلد اول می‌نویسد: اقول: لم یظهر ارتباط هذه المقدّمة بمسألتنا هذه وقد اوردت ذلك علیٰ السیّد الاستاد فاجاب بانّها...

در صفحه ۹۶ می‌نویسد: وقد اوردت ذلك علیٰ السیّد الاستاد دام بقاؤه والتزم به من غیر انکار...

در ص ۱۳۰ می‌نویسد: واعجب من ذلك ان السیّد الاستاد دام بقاؤه قرّره علیٰ ذلك...

در صفحه ۲۹۳ می‌نویسد: الثاني من وجوه تقریر الحکومة ما حکاه السیّد الاستاد دام بقاؤه عن استاده حجة الاسلام المیرزا الشیرازی طاب ثراه.

در ص۳۱۴ می‌نویسد: الأوّل ما اسند إلیٰ سیّد مشایخنا میرزا قدس سره.

در ص ۴۴۶ می‌نویسد: وقد اوردت هذا علیٰ السیّد الاستاد دامت فیوضاته فاجاب...

در ص۴۸۵ می‌نویسد: وبما یحکي عن استادنا المحقق المرزا حبیب الله الرشتي ...

در ص ۲۰۶ جلد دوم می‌نویسد : وان اصرّ علیها سیدنا الاستاد دامت برکاته ...

در ص ۲۰۸ می‌نویسد : وینسب إلیٰ بعض مشایخنا المحققین ـ وهو میرزا حبیب الله رحمه الله ـ .

نتیجه اینکه شواهد متعددی موجود است که این حاشیه رسائل با استفاده از تحقیقات مرحوم صاحب عروه نوشته شده است .

۱ ـ در شرح حال شیخ عبدالرسول آمده که او شاگرد مرحوم سیّد بوده و تقریرات درس او را نوشته است .

۲ ـ روی این نسخه نوشته شده که ظاهراً از تقریرات درس مرحوم سید استفاده کرده و به قلم خود نوشته است .

۳ ـ در متن کتاب موارد متعددی از سیّد یاد شده که قبلاً یاد کردیم .

۴ ـ سبک نگارش این کتاب با حاشیه مکاسب مرحوم سیّد بسیار هماهنگ و شبیه است .

۵ ـ برخی از بحث‌ها که در این دو کتاب مطرح شده (مانند بحثی که در حاشیه خیار غبن مکاسب ، و حاشیه تنبیه دهم رسائل مطرح شده) کاملاً مشابه هم است و می‌توان حدس زد که از یک منبع گرفته شده است .

بنابراین مناسب است این حاشیه رسائل به منظور اینکه آراء اصولی مرحوم سید در حوزه های علمیه مطرح شود چاپ ، و از این راه هم از صاحب عروه رحمة الله علیه تجلیل شده و هم از مرحوم شیخ عبدالرسول یزدی که عالمی وارسته بوده است تقدیر و سپاس به عمل آمده باشد ، و این اثر بسیار نفیس در گوشه یک کتابخانه برای همیشه دفن نگردد .

در پایان مقال ضمن ارج نهادن مجدّد به صفات نیکی که در محقق ارجمند حاج سید عبدالعزیز طباطبائی وجود داشت ، به محققان و فضلا و اهل قلم

پیشنهاد می‌کنم که مانند مرحوم طباطبائی، محقق پرور، و مؤلف پرور، و اهل قلم‌پرور باشند، و از این راه به پربار شدن حوزه و پربار شدن تألیفات و تحقیقات و انتشارات حوزوی کمک نمایند به مکتب اهل بیت و مذهب تشیع بهتر خدمت گردد و از آن بیشتر پاسداری شود.

قم ـ رضا استادی

۱۳۷۵ش

محقق و موضوع تحقیق

دکتر ابوالقاسم گرجی
تهران ایران

در پاسخ به دعوت شرکت در اولین یادبود سالیانهٔ وفات مرحوم مغفور محقّق بزرگ و دانشمند حجة الاسلام و المسلمین علّامه سید عبدالعزیز طباطبائی قدّس الله نفسه الزکیّة در آغاز در نظر داشتم مقاله ای در یکی از سؤالات پیشنهادی بنگارم متأسفانه به علّت عدم دسترس عاجل به آثار تحقیقی آن عزیز از دست رفته بر آن شدم که سطوری دربارهٔ تحقیق ، محقّق و امور تحقیق که آن بزرگوار مصداق اجلی و اتم این موضوع بود بنویسم ، امید آن است که توانسته باشم قدمی در راه تجلیل و تکریم آن سید جلیل برداشته باشم ، و علی الله التوکّل وبه الاعتصام.

تحقیق چیست ؟ محقّق کیست و چه چیزی می تواند مورد تحقیق قرارگیرد ؟

تحقیق مصدر باب تفعیل است از ریشهٔ حق و حقیقت، حق واقعیتی است ثابت که چنانچه از آن خبر دهند مطابقت و عدم مطابقت سخن متکلم با آن را معیار صدق و کذب دانند.

بدیهی است واقعیّت ثابتی که محقّق در مقام بدست آوردن آن است نمی‌تواند از جمیع جهات معلوم و یا از تمام جهات مجهول باشد چه در این صورت تلاش و پژوهش او طلب مجهول مطلق یا طلب حاصل باشد و این هر دو امری است نا معقول.

بنابراین مطلوب محقّق باید از برخی از جهات معلوم و از برخی دیگر مجهول باشد تا این که محقّق بتواند به کمک امور معلومه به جهات نامعلوم دست یابد.

اهل منطق به تصورات معلومه‌ای که محقّق را به تصوّر مجهول می‌رساند «معرّف» و به تصدیقات معلومه‌ای که وی را به تصدیق مجهول رهنمون می‌گردد «حجّت» گویند بنابر این توضیح در تعریف تحقیق باید گفت:

تحقیق کاوش و پیگری شخص دارای اهلیّت است (یعنی: کسی که صلاحیت تحقیق مورد نظر را دارد) در راه بدست آوردن امر ثابت مجهول. محقّق هم همان کاوشگر با صلاحیّت است.

ممکن است کسی آثار و نتائج چیزی را بداند، ولی نداند چرا آن چیز دارای این اثر و خاصیّت است، مثلاً می داند فلان شیء این اثر داروئی را دارد ولی نمی‌داند چه چیز در آن است که منشأ این اثر شده است، یا این که می‌داند فلان چیز ایجاد حرارت می‌کند ولی نمی‌داند چرا؟ چنانچه در مقام بدست آوردن علت این تأثیر باشد عمل او را تحقیق و خود او را محقّق گویند.

همینطور در صورتی که فی الجمله مؤثّر بودن چیزی را مثلاً فلان رنگ یا طعم بداند ولی اثر آنرا نداند چنانچه در مقام بدست آوردن آن اثر بر آید عمل او را تحقیق و خود او را محقق گویند.

تحقیق به علوم محض، فنّی و مهندسی، بهداشت و پزشکی و مانند اینها اختصاص ندارد بلکه معارف اسلامی اعم از اعتقادی و عملی، ادبیات و علوم انسانی، کشاورزی و منابع طبیعی، هنر و معماری و دیگر علوم و فنون در همهٔ اینها جریان دارد: فقیهی که در مقام بدست آوردن حکم تکلیفی یا وضعی از ادله است، حقوقدانی که در مقام بدست آوردن دلیل یا فلسفهٔ فلان مادّهٔ قانون مصوّب است یا می‌خواهد نظر قانونگذاررا در فلان مفهوم یا مصداق مشتبه از موادّ قانون استنباط کند، یا ادیبی که در پی آن است که لطائف و ظرائف شعر یا نثر شیخ اجلّ سعدی یا حافظ شیرازی را بدست آورد، یا طرّاح و نقاشی که در صددند طرحی نو و نقشی ظریف بیافرینند، معمار و متخصّصی که این طرح ونقش را می‌خواهد به بهترین وجه خصوصاً با عدم گنجایش یا عدم تناسب محلّ، و بالاخره مصحّحی که در صدد است از روی نسخ متعدّد به کمک سایر آثار ماتن یا دیگر کتبی که در زمینهٔ متن یا محتوای علمی آن نگاشته شده، و نیز به کمک قرائن و شواهد موجود متن اصیل را بدست آورد. یا لا اقلّ هر چه بیشتر به نظرات صاحب متن نزدیک شود. خصوصاً در صورتی که علاوه بر سایر نسخ، توضیحات و انتقادات و اضافاتی هم در پاورقی بر آن بیفزاید تا هر چه بیشتر آنرا سودمند و ارزنده سازد اینها همه انواعی از تحقیق است و پدید آورندگان آنها را باید محقق محسوب داشت.

بنابراین آنچه برخی از ارباب علوم و فنون تصور کرده‌اند که تحقیق تنها به برخی از رشته های علوم اختصاص دارد و بر مبنای تصوّر خود این نامه‌ها وفرمهائی تنظیم کرده اند و همانها را معیار تحقیق قرارداده‌اند، هر چه با آنها تطبیق کند و به اصطلاح هماهنگی داشته باشد تحقیق شمارند و صاحب آنرا محقّق محسوب دارند و هر چه حقیقةً و یا به زعم آنان بر اینگونه نباشد آنرا تحقیق ندانند و پدید آورندهٔ آنرا محقّق نشمارند، متأسفانه برخی از مؤسّسات

پژوهشی هم به علّت عدم دقّت یا به علل دیگر احیاناً عملاً همین تصوّر را تأیید می کند و چه بسا موجبات نارضائی دیگر اهل دانش را فراهم می آورند ، در حالی که چنانکه توضیح داده شد تحقیق در همه علوم و فنون قابل جریان است و هر کس می تواند محقّق باشد اعمّ از دانشمندان علوم محض یا فنّی و کشاورزی وپزشکی و دیگر علوم و یا دانشمندان معارف اسلامی و فلسفه و علوم دیگر انسانی یا هنر و غیره . بر فرض که برخی از فرمها و آیین نامه های شامل برخی از تحقیقات نشود فرمها و آیین نامه‌ها را باید تغییر داد یا چک و اصلاح کرد و یا متنوّع نمود نه اینکه تحقیقات را ردکرد . از نظر اینجانب هیچ یک از تصرفات فوق هم در فرمها لازم نیست ، حدّ اکثر در پاره‌ای از موارد توضیح بیشتر لازم است مثلاً قید « فرضیه » چیست که در فرم طرح تحقیقاتی دانشگاه تهران وجود دارد مناسب است به آنچه محقق در مقام اثبات آن است تبدیل یا توضیح داده شود .

تا اینجا معلوم شد که : تحقیق کاوش در راه بدست آوردن حقیقتی است مجهول . و محقّق کسی است که این کار را انجام می‌دهد و اما چه چیز می‌تواند مورد تحقیق قرارگیرد ؟ چنانکه قبلاً اشاره شد مورد تحقیق هر مسأله ای است که دارای جهتی مجهول و محقّق در مقام ساختن آن است ، اعمّ از آن که از علوم ریاضی باشد ، یا طبیعی ، و یا فنّی و کشاورزی و علوم انسانی و هنر و غیرها . کوچکترین تفاوتی بین این علوم وجود ندارد . در اینجا ذکر دو چیز باقی می ماند :

نخست ـ آن که عمل تحقیق چون دیگر اعمال اختیاری عقلائی هدفی لازم دارد ، چنانچه بر آن ، هدف و غرضی مترتّب نباشد عملی است لغو و نامعقول ، شخص عاقل نباید بر آن اقدام کند . بنابراین محقّق باید در تحقیق خود هدفی در نظر داشته باشد .

دوم ـ این که با توضیحاتی که ذکر شد گرچه از لحاظ قابلیّت تحقیق بین علوم انسانی و دیگر دانشها تفاوتی وجود ندارد مسائل همهٔ علوم دارای این

قابلیّت است . اعمّ از علوم انسانی و دیگر علوم ، اما از لحاظ فعلیّت تحقیق بین آنها تفاوت فاحشی است ، دانشمندان سایر علوم فرم مخصوص را سریعاً پر می‌کنند و به مراکز مخصوص ارسال می‌دارند و به تصویب می‌رسانند و احیاناً نتیجه مطلوب را بدست می‌آورند ، اما اصحاب علوم انسانی ترجیح داده اند که در این باره فعالیّتی نداشته باشند ، و اگر احیاناً فرم را پرکنند و ارسال دارند چنانکه اظهار می‌دارند چنان با چم و خم غیر قابل گذر و یا لا اقلّ صعب العبور مواجه می‌شوند که اگر حتی خود را فراموش نکنند لا اقلّ بدنبال طرح رفتن را از یاد می‌برند ، و این شاید به عللی است که برخی قبلاً ذکر شد و به بعضی هم در آینده اشاره خواهد شد . در هر حال همین امور سبب شد که این دسته از اهل تحقیق از فکر استفاده از این راه منصرف شوند و آنچه به اصطلاح تحقیق و پژوهش نامیده می‌شود به دست فراموشی سپارند .

در عین حال اگر تحقیق بمعنای اخصّ را از دست داده‌اند توازن خود را با دیگر دانشمندان وسیلهٔ به تحقیق بمعنای اعمّ یعنی : از راه تدوین مقاله و تألیف کتب حفظ کرده اند ، بدیهی است تأثیر این نحو از تحقیق در بین افراد جامعه چنانچه از تحقیق به معنای اخصّ بیشتر بناشد به یقین از آن کمتر نیست ، بعلاوه سریعتر هم به نتیجه می‌رسد و چاپ آن دارای تضمین بیشتری است .

صرف نظر از آنچه در مورد توازن تحقیق در مورد علوم انسانی و دیگر علوم ذکر شد ، این عدم توازن را می‌توان به وجوهی توجیه کرد :

۱ ـ این عدم توازن عدم توازنی است قشری و ظاهری ، چراکه صرف نظر از آنچه در برخی از مجلّات مطالعه کردم که بطور کلی متأسفانه در صد تحقیق در کشور عزیز ما بسیار پایین است ، علاوه بر این که برخی از شخصیتها هم آنرا تأیید کرده‌اند و اهل انصاف هم آنرا پنهان نمی‌دارند ، و این تنها به علوم انسانی اختصاص ندارد . دیگر علوم هم وضع بهتری ندارد ، از این گذشته اساساً ماهیّت

علوم انسانی با دیگر علوم متفاوت است ، علوم انسانی غالباً بر استنباط و درک عمیق مسائل مبتنی‌است ، اما دیگر علوم در کشورهائی نظیر کشور ما که غـالباً بازگو کننده و مترجمانی از تحقیقات دیگرانند ، آن هم چه بسا بیشتر مبتنی بـر فورمولها و آزمایشهای تقلیدی‌است ، بر خلاف تحقیق در علوم انسانی که چنانکه اشاره شد غالباً اصیل و قائم به خوداست . بعلاوه نتیجهٔ تحقیق در علوم انسانی غالباً ظنّی تخمینی و نامحسوس است و آثار ملموسی ندارد ، اما در دیگر علوم نتیجهٔ تحقیق قطعی ، محسوس و دارای آثاری است ملموس . بـعضی از افـراد ساده لوح اینطور مـی‌پندارد کـه قسـم اول وهـم و خـیال است ، امّـا قسـم دوم تحقیقی است واقعی و صحیح .

۲ ـ دانشمندان علوم انسانی بیشتر از مسائل الهـی ، مـعنوی ، اخـلاقی ، انسانی ، دینی و مذهبی و مانند اینها دم می زنند ، اما دیگر دانشمندان از مسائل مادّی قابل لمس ، ازکسانی که به اصالت مادّه گـرایش دارنـد و یـا خـواسـته و ناخواسته به آن سمت کشیده شـده انـد نـمی‌توانـند خـوض و غـور در مسـائل معنوی را علم و تحقیق بحساب آورند و تنها خوض و غور در مسائل مادّی را علم وتحقیق می پندارند .

متأسفانه نفوذ فرهنگ غرب در میان جوامعی نظیر ما ، خصوصاً در بین قشر تحصیل کرده ، بالاخص تحصیل کـردگان هـمان کشـورها ، حـتّی تـحصیل کـردگان عـلوم انسـانی ایـن نـوع گـرایشـها یـعنی گـرایش بـه اصـالت مـادّه را پدید آورده است بطوری که بحث و تحقیق در مسائل معنوی ، اخلاقی ، دینی و مذهبی و غیره را تحقیق به حساب نمی‌آورند و اساساً آنرا امر زائد می پندارند . مسائل قابل بـحث و تـحقیق و تـدقیق از نـظر آنـان تـنها مسـائل مـادّی است ، عجیب تر آن که تصوّر می‌کنند معیار صحّت و ملاک درستی و قوّت مطالب همان دید مادّی است .

۳ ـ در عین حال باید اذعان داشت که :

اولاً ـ مهمترین مانع و رادع تحقیق در علوم انسانی که سبب می‌شود کمتر دانشمندان این علوم به تحقیق گرایش پیداکنند همان اشکال و صعوبت و عدم قطعیّت نتیجه است .

ثانیاً ـ پیچ و خمهای اداری و عدم درک صحیح از نحوهٔ تحقیق در اینگونه علوم و أحیاناً عدم انطباق ضوابط موجود تحقیق با معبارهای تحقیق در اینگونه از علوم .

در پایان اشاره به این نکته ضرورت دارد که با وجود همهٔ این ضعفها وکاسیتها به هیچ وجه درست نیست که اولویّت تحقیق به سایر علوم داده شود ، بدیهی است آنچه ما می‌توانیم در مورد آن خودی نشان دهیم و أحیاناً از آن بابت به دیگران فخر و مباهات داشته باشیم جز علوم انسانی نخواهد بود ، در این علوم است که ما می‌توانیم مطلب تازه و اختصاصی داشته باشیم نه در دیگر علوم . در این مورد مقصود از علوم انسانی معنای وسیع آن است بطوری که حتی مثل فقه ، اصول ، و امثال آنها از علوم دینی اسلامی را نیز شامل شود ، چنانچه نخواهیم به بعضی از علوم نسبت بر سایر علوم اولویت بدهیم به یقین علوم انسانی به همین معنی است نه دیگر علوم که متأسفانه ما نسبت به آنها عیال دیگرانیم .

در خاتمه بار دیگر به محقق کم نظیر مرحوم مغفور حجّة الاسلام والمسلمین آقای سید عبدالعزیز طباطبائی ـ رضوان الله تعالیٰ علیه ـ درود می‌فرستم و از خداوند متعال برای آن بزرگ رضوان و معرفت مسألت دارم .

تدوین لغت عرب

استاد حسن حسن‌زاده آملی
قم ـ ایران

این وجیزه رساله ای گرانقدر در تدوین لغت عرب است که این کمترین حسن حسن زاده آملی آن را به رشته نوشته درآورده است تا به یادنامه اولین سالگرد رحلت علامه محقق سیّد عبد العزیز طباطبائی تقدیم گردد:

الهی ای آن که آدمی را به گهر بیان امتیاز دادی، و به تشریف دانش و فرهنگ شرف اختصاص بخشیدی، بهترین لغتی که کلید همه مشکلهاست و قفل دهان بدان گشوده می‌شود، نام گرامی تو و حمد و ثنای ذات کبریائی تواست. درود به روان همه فرستادگانت به ویژه بر حضرت خاتم که به شیواترین لغت او را فرستاده‌ای و به بهترین کتابش برگزیده‌ای، و بر آل او که هر یک ترجمان لغت حق‌اند.

تعریف علم لغت و فایده آن:

علم لغت به هر زبانی باشد عبارت از دانستن و پی بردن به معانی کلمات آنست. و منفعت آن یافتن و رسیدن به علوم و حقایقی که اختصاص به آن زبان دارد، لذ هر قومی که دانش و تمدّن آنها بیشتر باشد زبان آنها زود رواج یابد و همه را فرارسد، زیراکه دیگران برای رسیدن به کمال آنان ـکه ضعیف را تقلید از قوی ضروری است ـ به فراگرفتن زبانشان که دانستن لغت آنان است ناچارند.

مثلاً تا زمان پیدایش تمدّن یونان هیچ قومی به پایه آنان نرسیده بودند. دانشمندان بزرگی از آن سرزمین برخاستند در رشته‌های گوناگون علمی از فنون حکمت و ریاضی و غیره کتابهای بسیار سودمند تألیف کردند و در سرتاسر جهان شهرتی بسزا یافتند که دیری نگذشت زبان یونانی زبان علمی جهان شد و دیگران برای دریافت علوم و معارف آنها به آموختن زبانشان همّت گماشتند وکتابها نوشتند حتی پیروان حضرت مسیح عليه‌السلام کتاب انجیل او رابه زبان یونانی نوشتند، ولفظ انجیل هم کلمه یونانی است یعنی مژده دهنده، با آن که زبان اصلی خود آنها وحضرت عیسیٰ عبری بود، و تا هزار سال زبان یونانی زبان بین المللی و درجهان منتشر بود تا آن که پیغمبر اسلام حضرت خاتم الأنبیاء محمّد بن عبدالله صلى‌الله‌عليه‌وآله در سرزمین عربستان ظهورکرد وکتاب آسمانی خود قرآن را از جانب خداوند متعال به عربی آورد و اوضاع جهان دگرگون شد.

چون قرآن به میان آمد از هر علم دری به روی جهانیان بگشود، و در هر قسم برتر از اندیشه یونانیان و بالاتر از افکار ایشان گفتاری تازه آورد که به خوبی در دلها جاکرد و دانشمندان سر تسلیم به پیش او نهادند و اهتمام تمام در فراگرفتن قرآن و دانستن الفاظ و معانی آن داشتند تا کم کم علم قرائت پیش آمد، وبرای حفظ ترکیب جمله ها و خطای در اعراب و بناء و صحّت و اعتلال، کتبی در نحو و صرف نوشتند. و برای دانستن معانی قرآن احتیاج به لغت و تاریخ و جغرافیا

وکلام و حکمت و فقه و مانند آنها پیدا شد. و برای معرفت قبله بعاد وتمییز اوقات بحث از هیئت و نجوم و شعب ریاضی پدید آمد، و... که چندی نگذشت آن کتاب آسمانی همه را رسیده، و آن علوم مورد نیاز همگی شد و زبان عربی زبان علمی جهان گردید، و زبان هزار و اندی یونانی در بستر خاموشی بخفت. گفتاری در پیرامون لغت عرب:

لغت عرب در فصاحت و بلاغت و عذوبت و لطافت به پایه ایست که لغت دیگر بدان نرسد. و در غرابت به حدّی که به زیاده و نقصان حرکتی یا حرفی از یک لفظ، و یا در احوال وکیفیات ترکیب و تألیف الفاظ از تقدیم و تأخیر در یک جمله معانی گوناگون حاصل گردد چه این زبان را بیش از زبانهای یگر در بلاغت و فصاحت، احکامی است که اختصاص به خود او دارد، و اگر آنگونه اعتبارات را در زبان دیگر بکار برند لغو و بیهوده باشد و مفید آن معنی نخواهد بود.

این قسم را که از کیفیّت ترکیب مفردات، معانی متفاوت حاصل گردد، علمای ادب علم معانی و بیان گویند؛ و بحث این قسم از بحث مفردات لغت جدا است چه در مفردات لغت، مقصود دانستن معانی مفرده آنها است؛ اما در کیفیت ترتیب و ترکیب لغات به مقتضی احوال و اوضاع، لطایف و دقایق دیگر در پیش آید که باید از زبان مخصوص همان قوم و موارد محاوراتشان تحصیل کرد و تعلیم نمود.

و همانطور که علم به وضع مفردات لغت هر قومی احتیاج به سماع از آن قوم دارد، علم به احوال وکیفیّات جمله ها و مرکبّات نیز محتاج به سماع است وگرنه از علم به وضع لغت تنها بلاغت آن زبان را نتوان دریافت.

در این اوان بعضی از دانشمندان اصولی به خلاف رفته اند و قسم دوم را محتاج به وضع و سماع ندانسته‌اند بلکه تنها علم به مفردات الفاظ را کافی دانسته‌اند که اگر کسی به وضع مفردات الفاظ هر قوم آگاه شود در کیفیّت ترکیب

نیاز به دانستن وضع و سماع ندارد و خود تواند معانی مقصوده را تحصیل کند.

ولکن این سخن و نظری است که در پیرامون آن نیکوتأمّل نشده است و گوینده آن سخت اشتباه کرده است، و صحّت گفتار ما بر شخص خبیر پوشیده نیست.

مثلاً مردی به عیسی بن عمرو که استاد در زبان عرب و آشنای به کیفیّات ترکیب آن بود، گفت: من در کلام عرب تکرار می‌بینم زیراکه این سه جمله گفتارشان: «زیدٌ قائمٌ، إنّ زیداً قائمٌ، إنّ زیداً لقائمٌ» به یک معنی است. عیسی بن عمرو در جوابش گفت: اینچنین نیست که می پنداری، بلکه هر یک را معنی خاصّ است که دیگری مفید آن نیست چه جمله «زید قائم» را برای شخص خالی الذهن آورند. و «إنّ زیداً قائم» را برای آن که ثبوت قیام را برای زید شنیده ولی انکار در اسناد آن به زید دارد. و سومی را برای آن که انکار او از دومی شدیدتر است و بیشتر اصرار به انکار دارد، پس به اختلاف احوال دلالت جمله‌ها نیز اختلاف یابد. این بحث را خطیب در «اسناد» مطوّل نیز پیش آورده است.

یاد آن بهار زندگانی و روزگار جوانی به خیر که معانی مطوّل را در مسجد جامع آمل در محضر مبارک استاد بزرگوار پیر روشن ضمیر جناب حجة الاسلام حاج شیخ احمد اعتمادی مشائی ـ رضوان الله علیه ـ درس می‌خواندیم، و بحث در باب اسناد مطول به مطلب یادشده رسیده بود که: «وإن كان المخاطَب مُنكِراً للحكم حاكماً بخلافه وجب توكيده بحسب الإنكار قوةً و ضعفاً، فكلّما ازداد في الإنكار زيد في التأكيد كما قال الله تعالى حكاية عن رُسُل عيسى عليه السلام إذ كُذِّبوا في المرة الأولىٰ: ﴿ **إنا اليكم مرسلون** ﴾ مؤكّداً بإنّ و اسميّته الجملة؛ وفي المرة الثانية: ﴿ **ربّنا يعلم إنا إليكم لَمرُسَلون** ﴾ مؤكداً بالقسم، وإنّ، و اللّام، و اسميّة الجملة؛ لمبالغة المخاطبين في الإنكار حيث قالوا ﴿ **ما انتم إلّا بشر مثلنا و ما انزل الرحمن من شي إن انتم إلا تكذبون** ﴾.

حاصل این که خداوند سبحان در سوره مبارکه یٓس از آیه چهاردهم حکایت فرموده است از فرستادگان عیسی پیامبر علیهما السلام به انطاکیه که مردم انطاکیه فرستادگان عیسی پیامبر را در بار نخستین تکذیب کردند « فکذبوهما ... » ، و آن فرستادگان در ردّشان فرمودند : ﴿ انا الیکم مرسلون ﴾ ؛ و بار دوم که مردم انطاکیه در انکار تشدید کردند که ﴿ قالوا ما انتم الا بشر مثلنا ... ﴾ ، فرستادگان نیز در تاکید تشدید کردند و فرمودند : ﴿ ربنا یعلم إنا الیکم لمرسلون ﴾ .

غرض این که مرحوم استاد اعتمادی برای تفهیم مطلب کتاب فرمود :

هرگاه شخص خالی الذهن راکه می خواهید خبر دهید حرف تاکید نیاورید وجمله را مؤکد نکنید ، مثلاً بگویید : « زیدٌ قائمٌ » .

و اگر خبر شما را انکارکرد و قبول نکرد ، آنگاه خبر را مؤکّد کنید و بگویید : « إن زیداً قائم » .

وباز اگر در انکار اصرار دارد شما هم تاکید را تشدید کنید و بگویید : « إنّ زیداً لقائم » .

وباز اگر سرباززد و از قبول خبر امتناع کرد شما نیز تاکید را بیشتر کنید وبگویید : « واللهِ إنّ زیداً لقائم » .

عرض کردیم: حاجی آقا باز اگر انکارکرد وقبول نکردچه کنیم ؟ بر افروخت وفرمود : کسی که با قسم خوردن به نام خدا قبول نمی کند باید از او اعراض کرد .

بدنبال بحث پیش از نقل حکایت استاد گویم : از این جهت که علم به احوال و کیفیات جمله‌ها و مرکبات نیز مانند علم به وضع مفردات لغت هر قوم احتیاج به سماع از آن قوم دارد ، طبقات گفتار ادبای هر زبان بلند و پست دارد ، در این معنی شاعر چه نیکو گفته است :

در بیان و در فصاحت کی بود یکسان سخن

گرچه گوینده بود چون جاحظ و چون اصمعی

در کلام ایزد بیچون که وحی منزل است
کی بود تَبَّت یدا مانند یا ارضُ ابلَعي

وزبان عربی درکمال و تمام دریای و سیعی است که تااکنون هیچ لغت وزبانی به این وسعت و پایه پیدا نشده چنان که پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: « أوتيتُ جوامِعَ الكلامِ و اختُصِرَ لِيَ الكلامُ اختصاراً ».

خطبه‌های طولانی و قصیده‌های عربی بسیاری از اُدبا را می‌نگریم که برخی از آنها اصلاً از حروف بی‌نقطه، و بعض دیگر بکلّی از حروف نقطه‌دار است حتی یک حرف الف هم در آن بکار برده نشده است و هریک به خوبی مفید معنی است.

« سواطع الالهام » نام کتابی است که یک دوره تفسیر قرآن کریم تصنیف ابو الفیض فیضی به عربی است و بسان کتب عادی معمولی معنی بخش است. « اسس الاصول » یک دوره در فنّ اصول است و مانند اسمش بی نقطه است. « ملمّع الطهور » طهور همدانی مشمل بر ۳۶۳۶ شعر عربی و فارسی بدون نقطه است و همه به قافیه میم، که در حکم یک قصیده میمیّه است.

سید علیخان مدنی در کتاب « انوار البدیع » چند قصیده طولانی آورده که قافیه ابیات هر قصیده یک کلمه است و همان کلمه در هر شعری یک معنی خاصّ می دهد.

خطبه‌ای منسوب به امیر المؤمنین امام علی علیه‌السلام است که چند صفحه است و از اول تا آخر آن یک حرف الف بکار برده نشده است « قيل اجتمع اصحاب محمد ﷺ فتذاكروا أيُّ الحروفِ أدخلُ في الكلام؟ و أجمعوا أنّ الألف أكثر دخولاً من سائر الحروف، فقام أمير المؤمنين علیه‌السلام و خطب بديهة هذه الخطبةَ المونقةَ و هي: حمدتُ مَن عَظُمت مَنّتُه، و سَبَغَتْ نعمتُه، و سبقت غضبَهُ رحمتُه ... ».

یعنی: گویند تنی چند از یاران پیامبر گرد آمده بودند. سخن به میان آمد که کدام حرف در گفتار بیشتر بکار می‌رود؟ همگی گفتند حرف الف؛ پس امام علی برخاست و این خطبه شگفت بی‌الف را بی‌اندیشه بگفت.

من از مفصّل این نکته مجملی گفتم

ترخود حدیث مفصّل بخوان ازین مجمل

سبب پیدایش و تدوین کتب لغت عربی:

چون احکام اسلام و علوم آن مبنی بر قرآن و حدیث است و هر دو به لفظ عربی، و عرب هم بعد از ظهور اسلام برای فتح بلاد و ترویج دین و نشر آثار و احکام الهی با عجم آمیختند و زبانهای عجم و لغات آنان در عرب راه یافت، و بیم آن بود که بر اثر این اختلاط و آمیزش، لغت اصلی اصیل عرب و فصاحت وبلاغت آن بطول عهد فراموش گردد و دَرِ علم قرآن و حدیث به روی مردم بسته گردد، لذا در وهله اولیٰ علم به لغات عرب از تفصیل لغاتی که دالّ بر ذات باشند وآنهایی که بر معانی و احداث دلالت دارند، و بیان کلمات دال بر اشخاص و الفاظ متباینه و مترادفه و مشترکه، و ازهمه مهمتر تمیز اصیل لغات از دخیل، اهمّ می‌نمود چه علم به آن کلید سایر علوم قرآن و حدیث است، و تا علم به آن حاصل نشود معرفت به آنها میسرّ نگردد؛ از اینروی و بدین سبب برخی از دانشمندان در صدر اسلام در این باره دامن همت به کمر زدند و رنجها بردند تا خدمت به فرهنگ دین و جامعه اسلامی نمودند. به خصوص که اعتنای آنان به لغت فصحاء و بلغاء عرب بود که در نزد همه جودت گفتارشان مسلّم باشد نه از همه عرب.

مثلاً محاورات و لغات قریش راکه افصح لغات بود از جهت دوری آنان از بلاد عجم و عدم آمیزش با آنها؛ و سپس لغات طایفه ثقیف و هذیل و خزاعه و بنی‌کنانه و غطفان و بنی اسد و بنی تمیم و قیس غیلان و امثال آنان که باقوم

دیگر معاشرت و حشر نداشتند و لغت اصیل آنان بر اثر اختلاط با دیگران تغییر نیافته وتحریف نشده معتبر داشتند ؛ و به لغات قبایل ربیعه و لخم و جذام و غسان و ایاد و قضاعه عرب یمن و حمذان و خولان از دکه به اقوام فرس و روم و حبشه و زنگ ودیگر طوائف محشور بودند اعتماد نکردند .

جوهری در اول صحاح گوید : « ... فانی قد أودعتُ هذا الكتاب ما صحّ عندی من هذه اللغة التي شرّف الله منزلتها ، و جعل علم الدين و الدنيا منوطاً بمعرفتها ... بعد تحصيلها بالعراق رواية و اتقانها دراية ، و مشافهتي بها العرب العاربة في ديارهم بالبادية ، و لم آلُ في ذلك نصحاً و لا ادّخرتُ وسعاً ... » .

جوهری در صحاح ، حدود پنجهزار بیت از شعرای اصیل عرب را در بیان لغات شاهد آورده است .

وندانم کجا دیده ام درکتاب که جوهری مدّت بیست سال برای جمع آوری لغات اصیل عرب در میان عرب عاربه فحص و بحث و جدّ و جهد نموده است . در کتب رجال او را در علم و فطانت و ذکاوت ، نادره دوران و اعجوبه زمان گفته‌اند . جوهری نخستین کسی است که لغات عربیه را به ترتیب حروف هجا مرتّب کرده است .

این مرد بزرگ در راه وصول به هدف شریف فرهنگی خود از کثرت سیر سهمگین در بلاد و قریٰ و بوادی سوزان عربستان بدین فکر افتاد که شاید بتواند راه چاره ای اندیشد و وسیله طیران اختراع کند تا از جایی به جایی پرواز کند ـ چنان که قبل از او وسیله طیران برای سلیمان پیغمبر علیه‌السلام ، بلکه بشهادت تاریخ برای برخی از مردم عصر او نیز بوده‌است ، تا این که به بلند اندیشی و نبوغ فکری خود وسیله ای برای طیران اختراع کرد جز این که در هنگام امتحان ، حادثه سقوط بدو روی نمود و سبب وفات او شده است ؛ و دیگران بجای این که آن نظر بلند چنان نابغه زمان را دنبال کنند وآن وسیله اختراعی او را تکمیل کنند و به

نتیجه مثبت برسند ـ چنان که دیگران بعد از چند قرن بدان رسیده اند ـ آن جناب را به اختلال عقل منسوب کرده اند وگفته اند: «انّه تغیّر عقله و عمل دفّتین وشدّهما کالجناحین و قال أرید أن أطیر و قفز به من علوٍ فهلك». یعنی اختلال عقل بدو رو آورد و دو تخته‌ای را مانند دوبال به یکدیگر بست وگفت می‌خواهم پروازکنم و از بلندی افتاد و مرد. به موضوع بحث برگردیم:

دأب مفسّرین قرآن کریم هم بر این شیوه پسندیده یاد شده جاری شده است که در اثبات معنی لغتی از قرآن کریم به شعری از شاعر عرب اصیل تمسک نمایند چنان که در تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی و تفسیر ابوالفتوح رازی وکشاف زمخشری و سایر تفاسیر معتبره، مشهود است.

و همچنین درکتب فقهی بخصوص از فقهای پیشین بسیاری ازاین گونه استشهادات را در موارد گوناگون می‌بینیم.

ادباء هم درکتب ادب به همین طریق رفتار نمودند. مثلاً تفتازانی در باب مسند الیه مطوّل، قول محمّد بن اسماعیل ثعالبی را در این بیت در تقدیم تأکید بر مؤکّد:

بنیت بها قبلَ المحاقِ بلیلةٍ فکان محاقاً کلّه ذلك الشهر

مردود دانسته است، با این که ثعالبی ادیبی بلند آوازه است، و صاحب تألیفات مفید از قبیل یتیمة الدهر، فقه اللغة، سحر البلاغة، سرّ الأدب، و غیرها می باشد؛ و بقول دمیری در حیات الحیوان: رأس المؤلّفین و امام المصنّفین است. و حق هم با تفتازانی است و علّتش این است که ثعالبی اصلاً نیشابوری است و در دستور زبان هر قوم و لغات آنها باید به فصحای آن زبان رجوع شود و بگفته های آنان اعتماد و استناد نمود تا بر دیگران حجّت باشد.

اعتنای به اشعار فصحای عرب:

چون بحث از لغات قرآن و احادیث، بخصوص از غریب و مشکل آن دو،

مورد گفتگوی مسلمانان شد، و چنان که گفته ایم زبان هر قوم را از گفتار فصحای آنان باید استشهاد کرد، لذا این موضوع از اهمّ دواعی برای جمع کردن و فراهم نمودن اشعار فصحای عرب از قبیل ملک ضِلّیل امرئ‌القیس و أعشی و زهیر وعنتره و لبید بن ربیعه و عديّ بن زید و نابغه و طرفه و عبید بن الأبرص و أمیه بن أبي الصّلت و امثال آنان، شده است.

سیوطی در اتقان (الإتقان في علوم القرآن) چاپ مصر - ط ۱ - ص ۱۲۱ که حقّاً در موضوع خود کتاب مفیدی است، از ابن انباری بحثی به میان آورده است که صحابه و تابعین برای تبیین غریب القرآن و مشکل آن بسیار به شعر شعراء تمسّك می‌جستند و بدان احتجاج می نمودند، وگروهی این را روا نداشتند و گفتند در این کار شعرا را اصل قرآن قرار داده اید، و چگونه روا باشد برای معانی کلمات قرآن احتجاج به شعر نمود و حال این که شعر در قرآن و حدیث مذموم است؟

ابن انباری در جواب این گروه گفته است که آنان سخت به اشتباه رفتند، و آنچه پنداشتند که ما شعر را اصل قرآن دانسته‌ایم خطا است و چنین نیست، بلکه چون قرآن به لسان عربی مبین نازل شد ما لغات غریب آن را بگفتار فصحای این زبان تبیین و تفسیر می نماییم.

پس از آن ابن انباری از سیره ابن عباس تمسّک جسته است که «الشعرُ دیوانُ العربِ فإذا خَفِيَ علینا الحرفُ من القرآنِ الذی أنزلَهُ بِلُغةِ العَرَبِ رَجَعْنا إلیٰ دیوانِها فَالْتَمَسْنا معرفةَ ذلك مِنهُ».

باز ابن عبّاس گوید: «إذا سألتموني عن غریب القرآن فالتمسوه في الشعر فإنّ الشعر دیوانُ العربِ».

سپس سیوطی گفتگویی از مردی بنام نافع بن ازرق با ابن عباس را عنوان کرده است که آن مرد قریب دویست لغت قرآن از ابن عبّاس پرسیده و همه را

ابن عباس به شعری فصیح استشهاد نموده و جواب داد. مثلاً از او پرسید وسیله در قرآن کریم « وابتغو إلیه الوسیلة » معنی آن چیست؟ ابن عباس گفت: وسیله به معنی حاجت است. آن مرد گفت آیا در زبان عرب وسیله بدین معنی آمده است و استعمال شده است؟ گفت آری، مگر نشنیده ای گفتار عنتره را:

إنّ الرجـالَ لَـهُم إليكِ و سـيلةٌ　　إن يأخُذوكِ تَكَحَّلي و تَخَضَّبي

(دیوان عنترة بن شدّاد ـ ط بیروت ـ ص ۹۶).

لذا اسلام حقّی عظیم برگردن شعرای زمان جاهلیت دارد چه آن مردگان در حقیقت به انفاس قدسیه قرآن کریم زنده شده اند، و به طفیل آیات الهی اشعار آنان در صفحه روزگار نقش بست، و به آنان اهمیّت بسزا داده‌اند، وگرنه در بوته فراموشی دستخوش محو و اضمحلال بودند.

کتب لغت و رجال آن:

نخستین کسی که برای جمع آوری لغات عرب همّت گماشته است وگوی سبقت را از همگنان و همگان ربوده است، به شهادت تاریخ، خلیل بن احـمد فراهیدی است که کتاب عین را در آن لغت تالیف نموده است.

وهم خلیل اول کسی است که علم عروض را اختراع کرده است و آن را از قوه به فعل درآورده است، و هم خود شاعری در سخنوری ماهر بـوده است. وگویند پدر او اوّل کسی است که بعد از پیغمبر اکرام ـ صلّی الله علیه و آله وسلّم ـ به احمد نامیده شده است.

خلیل کتاب عین را به ترتیب حروف معجم تبویب نموده است و در ترتیب آنـها بـه مـخارج حـروف اعـتماد کـرده است، یـعنی ابـتداء بـه حـروف حـلق کرده است، وبعد از آن به حروف حنک، و پس از آن به حروف اضراس، و سپس به حروف شفه؛ و حروف علّه را آخر قرار داده است، بدین تفصیل و ترتیب:

ع ح ه خ غ ق ک ج ش ص ض س ر ط د ت ظ ذ ث ز ل ن ف ب م و ا ی.

رسم پیشینیان در نام‌گذاری تالیفاتشان این بود که کتاب را به هر کلمه و لفظی افتتاح می‌شدنام می‌نهادند، از این روی خلیل چون کتاب لغتش به حرف عین‌آغاز شد آن را کتاب عین نامید. وی در سنه ۱۷۰ هجری به سنّ ۷۴ سالگی درگذشت.

پس از خلیل، دانشمندانی یکی پس از دیگری در تکمیل و تنقیح و جمع شواهد لغات سعی بلیغ نموده‌اند تا این که نوبت به ابو نصر اسماعیل بن حمّاد جوهری فارابی رسید، این مرد در حجاز و بلاد ربیعه و مضر مدتی بسیار بسر برده لغات عرب را مشافهةً از آنها استماع نموده است و چنان که گفته‌ایم خود در اوّل کتابش آن را نقل کرده است و کتاب صحاح را نوشته است.

وبعد از جوهری، جمال الدین قرشی ابو الفضل محمّد بن عمر بن خالد صحاح را تلخیص کرده است، و آن را «الصراح من الصحاح» نامیده است که به «صراح اللغة» شهرت دارد، و مانند صحاح چند بار به طبع رسیده است.

و نیز صحاح را محمّد بن أبی بکر بن عبدالقادر رازی متوفی ۶۶۶هـ ق، تلخیص نموده است و آن را «مختار الصحاح» نام کرده است که در بیروت به طبع رسیده است.

و همچنین دانشمندانی بنام در این امر خطیر - اعنی معرفت لغات و لسان عرب و تکمیل و تنقیح و جمع شواهد - اقدام کرده‌اند و کتابهایی بسیار گرانقدر و ارزشمند در بیان غریب القرآن و غریب الحدیث نوشته‌اند که محقق فاحص و باحث در فهم حدیث و قرآن، ارج و ارزش آن را ادراک می‌کند و می‌داند که این بزرگان چه خدمت عظیمی به علوم و معارف کرده‌اند و چه حقی بر علم و عالم دارند.

از این سلسله کتب قیمّه است غریب الحدیث ابو عبید قاسم بن سلاّم هروی متوفی سنة ۲۲۴هـ که در حیدر آباد دکن هند در چهار جلد به طبع رسیده است.

و غریب الحدیث عبدالله بن مسلم بن قتیبه ، معروف به ابن قتیبه دینوری ، متوفی ۲۷۶هـ که در سه مجلد در عراق به طبع رسیده است .

وغریب الحدیث جار الله محمود زمخشری متوفی ۵۸۳هـ، به نام « الفائق فی غریب الحدیث » که در چهار مجلّد در مصر به طبع رسیده است .

و « النهایة في غریب الحدیث و الأثر » معروف بـه نـهایة اثـیریّة ، تألیف مبارک بن اثیر جزری متوفی ۶۰۶هـ.

ابن اثیر در دیباچه کتاب شریف نهایه ، در تاریخ و ترتیب تصانیف غریب الحدیث با ذکر مصنّفین و زمان و عصر آنان مقالتی بسیار ارزشمند و سودمند دارد که در موضوع خود اهمّیت بسزا دارد و برای شخص محقق متتبع نیک بکار آید . و هرآینه شایسته این بود که به فارسی ترجمه شود و در این کراسه درج شود ، ولکن به همین اندازه که یادی از آن شده است اکتفاء می کنیم و پژوهنده گرامی را بدانجا ارجاع می‌دهیم . نخسه‌ای خطی ملحض نهایه ابن اثیر به نام « الدرر النثیر » تاریخ تألیف آن ۹۰۷هـ، و تاریخ کتابت آن ۱۰۵۴هـ، درکتابخانه محقّر این حقیر موجود است . نسخه یادشده کامل و تمام به قطع وزیـری وکـاغذ سـمرقندی در ۳۹۴ صفحه است .

پس از جوهری صاحب صحاح ، نوبت به ابن منظور صاحب لسان العرب رسیده است . این مرد بزرگ نیز در استشهاد لغات به اشعار و جمع و ترتیب آن رنج بسـیار بـرده است ، و در تـبویب لغت و تـرتیب آن روش صـحاح را اختیار کرده است . پس از وی ، عالم متبحرّ محمّد بـن یـعقوب شـیرازی مـعروف بـه فیروزآبادی کتاب « القاموس المحیط » را در لغت عـرب نـوشته است کـه مـورد اعتماد علماء گردیده است و در فهم معانی الفاظ عرب بدان استناد می‌نمایند .

صاحب قاموس بر صحاح جوهری بسیار نظر دارد و غلط و اشتباه آن را در ضمن لغات تذکر می‌دهد . و نیز محققانی دیگر در لغت عرب بسیاری از معانی صحاح جوهری را تصحیف و غلط دانسته‌اند .

و چون قاموس فیروزآبادی به پایه‌ای رسید که متداول و متعارف شد و در دسترس همگی و مورد نیاز آنان قرار گرفت، بعضی از دانشمندان آنرا شرح فرموده است، و بعضی دیگر به فارسی ترجمه کرده اند.

زبیدی (محمّد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی) بر قاموس شرحی بسیار مبسوط نوشته است، و بسیاری از اغلاط آن را تذکّر داده است، و مختارش را بــه امــثله عـرب و اشـعار آنـان تأیـید و تسـدید نـموده است، وآن شـرح را «تاج العروس من جواهر القاموس» نامیده است، و مکرّر به طبع رسیده است.

یحیی بن شفیع قزوینی، قاموس را به فارسی ترجمه کرده است و بسیار نیکو ترجمه کرده است، و خوب از عهده آن بـر آمـده است، و ایـراد و اشکال بسیاری بر فیروزآبادی نموده است، وگاهی طرفداری از صحاح جوهری کرده است و صاحب قاموس را تخطئه نموده است.

و نیز عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری، قـاموس فـیروزآبـادی را بـه فارسی، خوب تـرجـمه کـرده است، وآن را «مـنتهی الأرب فـي لغـة العـرب» نامیده است. در اول آن گوید: «... از دیرباز در خاطر کسـیر ایـن هـیچ: مـیرزا عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری چنان خطور می‌کرد که لغات قاموس را به زبان فارسی بیان سازد و چون حلّ لغات قاموس که در جـامعیّت لغت و ایـجاز عبارت وکثرت فوائد و زیادت عوائد نسبت به دیگر کتب به مراتب اعلیٰ خطّ اوفی داشت مرکوز خاطر بود، تدوین لغات بر طرز ترجمه آن به عبارت فارسی سلیس به نهجی که هرکس ازآن بهره یاب تواند شد اختیار آمد. و هر معنی یا مادّه لغت که در قاموس موجود نبود آن را ازکتب سابقة الذکر (صحاح اللغات و شمس العـلوم و نـهایة الجـزری و مـجمع البـحار و دیـوان الأدب و حـیات الحـیوان و تاج الأسامی و تاج المصادر بیهقی و مهذّب و مزهر و مغرب) بـرآورده بـجایش

افزود وچون این مؤلّف به اعتبار ترتیب الفاظ وکثرت معانی و لغات کتابی است جداگانه مسمّیٰ به « منتهی الأرَب في لغة العرب » گردید... » .

ترجمه قاموس قزوینی اگر چه به مراتب از منتهی الأرب بهتر و روشنتر و شیواتر است ، لکن منتهی الأرب بر اثر حُسن سلیقه که در ترتیب لغات قرار داده است و طریق اخذ آن را سهل المأخذ و آسانتر کرده است از آن پیشی گرفت و بهتر رواج یافت . و این هر دو ترجمه مکرر به طبع رسیده‌اند .

این چند کتاب لغت عرب را به عنوان نمونه به قلم آورده‌ایم وگرنه کتب اصیل لغت عرب که در جمع و تألیف و تدوین آنها زحمت شایان و رنج فراوان کشیده‌اند بسیاراند . از آن جمله است « جمهرة اللغة » ابن دُرید (محمّد بن حسن بن درید ، متوفیٰ ۳۲۱هـ) که معاصر با جوهری صاحب صحاح بوده است چه این که تاریخ وفات جوهری را از « ۳۳۳ » تا « ۴۰۰ » هـ ق گفته اند . جمهره در چهار مجلّد رحلی در حیدرآباد دکن به طبع رسیده است . در شرح حال و بیوگرافی شیخ الرئیس ابو علی سینا دیده‌ام که کتاب لغتی که آن جناب با آن محشور بود ، جمهره ابن درید بوده است .

و از آن جمله است « تهذیب اللغة » أزهری (أبو منصور محمّد بن احمد ازهری ، متوفی ۳۷۰هـ) که در پانزده مجلّد در مصر به طبع رسیده است .

و از آن جمله است « مقاییس اللغة » تالیف ابن فارس (ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا ، متوفی ۳۹۵هـ) که درشش مجلد در مصر بطبع رسیده است .

واز آن جمله است « المحکم و المحیط الأعظم في اللغة » تالیف علی بن اسماعیل بن سیده ، متوفی ۴۵۸هـ ق ، که در هفت مجلد در مصر به طبع رسیده است .

و دهها کتب بزرگ وکوچک ارزشمند دیگرکه پیشینیان در جمع و تنظیم و

تدوین لغت عرب و غریب القرآن و غریب الحدیث تألیف و تصنیف فرموده اند که تصور تحمّل رنج و زحمت آن بزرگواران با آن اوضاع و احوال و وسایل معاش و تعیّش آنان ، دشوار می‌نماید بلکه به افکل و حیرت کشاند . و ما اگر بخواهیم آنچه را که از مطبوع و مخطوط زبر لغوی آنان در تصرّف داریم بـه قـلم آوریـم ، بـاید کرّاسه‌ای بنگاریم .

از زبیدی در تاج العروس گفته‌ایم که وی مختارش را به امثله و اشعار عرب تأیید و تسدید کرده است ؛ آری کتبی که در شرح امثال عرب نوشته اند در فهم بسیاری از عبارات و مطالب علمی دخالت تام دارند ، و حقّاً از ابزار تحقیق عالم محقق دینی‌اند .

کتب امثال اصیل عربی که نگارنده بدانها آگاه است و درتملک دارد و از آنها استفاده می‌کند ، عبارت‌اند از مجمع الامثال میدانی (ابو الفضل احمد بن محمد نیشابوری میدانی متوفی ۵۱۸هـ) که بسیار مرغوب و مـطلوب در ایـران چـاپ رحلی سنگی شده است و مروف به چاپ ناصری است .

و دیگر کتاب جمهرة الأمثال ابو هلال عسکری است (ابو هلال حسن بن عبدالله بن سهل عسکری متوفی ۳۹۰هـ) که در بمبئی به طبع رسیده است .

ودیگر فصل المقال شرح کتاب الامثال ابو عبید بکریٰ است که از مصادر مجمع الأمثال میدانی است و در بیروت به طبع رسیده است .

و دیگر « ثمار القلوب فـی المـضاف و المـنسوب » تـالیف ثـعالبی است (ابومنصور عبدالمک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری متوفی ۴۲۹هـ) که در قاهره مصر چاپ شده است . و دیگر « الوسیط فی الأمثال » تألیـف واحـدی است (ابو الحسن علی بن احمد بن محمّد واحدی ، متوفی ۴۶۸هـ) که درکویت به طبع رسیده است .

کتب اربعه ادب که عبارت‌اند از بیان و تبیین جاحظ، و أمالی ابو علی قالی، وادب الکاتب ابن قتیبه، وکامل مبرد، و آنها را «ائمه اربعه کتب ادب» می نامند، برای محقق در ادبیات عرب بسیار اهمیت دارند.

این وجیزه گرانقدر و ارزشمند را بیش از سی سال پیش از این تاریخ ذیل، در تدوین لغت عرب نوشته ام، و اکنون با اضافه برخی از نکات بدین صورت تنظیم و تحریر کرده ام. وآخر دعویهم أن الحمد لله ربّ العالمین.

سلخ ج ۲، ۱۴۱۵هـ ق = ۱۳ / ۹ / ۱۳۷۳هـ ش

قم ـ حسن حسن زاده آملی

مجموعهٔ ۵۵۵ دوشنبه

دکتر ایرج افشار
تهران ـ ایران

مجموعه ای بـه شـمارهٔ ۵۵۵ مـورخ درکـتابخانهٔ فـرهنگستان عـلوم تاجیکستان در شهر دوشنبه هست که آوازهٔ آن نخستین بار به مناسبت مقداری از غزلیات حافظ که در هامش بعضی از اوراق آن نوشته شده است در دنیای ادب فارسی پراکنده شد و مرحوم میرزااف آن غزلها را درکتاب کوچکی در سال ۱۹۷۲ به چاپ رسانید و به نام چهل و سه غزل حافظ پراکند.

درین روزها که در لوس انجلس بـودم فـرضی پـیش آمـد تـا فـتوکپی آن مجموعه را که دوست دانشمند مرحوم دکتر محمد جعفر محجوب در اختیار داشت بگیرم و بخوانم و به اجازهٔ ایشان بعضی یادداشتهایی که می‌تواند معرف نسخه و مندرجات آن باشد درین صفحات بیاورم متأسفانه بعضی عناوین مـتن وحاشیه که رنگین بوده است در فتوکپی منعکس نیست و نتوانستم بخوانم.

مجموعه از آغاز افتادگی دارد. مطالبی که در آن مندرج شده است هم در متن آمده و هم در هامش. بنابرین در معرفی مجموعه نخست مندرجات در متن را می‌آورم و سپس آنچه در حاشیهٔ اوراق به نگارش درآمده است.

مندرجات در متن

۱- رساله فارسی در مباحث نحوی و ادبی، منثور و منظوم (ورق ۱-۲۲ الف) که ظاهراً در «فایدهٔ دوم» افتادگی دارد و چنین شروع شده است: «... نبندد اما چون به نسبت با قایل بنابر آنک او از طرف دخول بوده باشد اگر «فا» بیارد جایز باشد.».

عنوان فایدهٔ سیم آن چنین است: «در ذکر اشعار لطیفه و ابیات سایره از عربی و فارسی مناسب هر مقام».

ومندرجاتش ازین گونه است:

□ در معرفت و حقیقت از ابو نصر فارابی، کمال اسماعیل و دیگران و از جمله قطعه‌ای با عنوان «آخر این ضعیف گوید» در آن آمده است که نقل می‌شود ودلالت دارد بر اینکه مؤلف وگردآورندهٔ این رساله خود شاعر بوده است:

عقل در کوی تو سرگردان بماند | فکر در اوصاف تو حیران بماند
عمر در سودای بی حاصل برفت | دل اسیر درد بی درمان بماند
هرکه خورد از جام عشقت جرعه‌ای | تا قیامت بی سر و سامان [بماند]
هر که در بحر غمت شد مبتلا | غرقهٔ دریای بی پایان [بماند]
از حقیقت چون کسی بویی نیافت | هر یکی در گفت وگویی زان بماند
در پی این راز بودم سالها | عاقبت رازت زمن پنهان [بماند]
شمس پیش آفتاب روی تو | تا ابد چون ذره سرگردان بماند

درین مجموعه، هفت رقم در کتابتها دارای تاریخ است. دو تا از تاریخها مربوط به نوشته های در متن است و چهار تا در حاشیه. تاریخهای مذکور در متن شوال ۸۰۵ و ربیع الآخر ۸۰۶ است (در دو خط کاملاً متفاوت) و تاریخهای مندرج در حاشیه عبارت است از رمضان ۸۰۶ (پایان قصیدهٔ برده)، ربیع الاول ۸۰۷ (پایان رسالهٔ عقاید فرقهٔ ناجیه)، شعبان ۸۰۷ (پایان قصاید عبید) و شوال ۸۰۷ (پایان کلیات عبید).

مجموعه به خط کاتبهای مختلف است. قسمتی به خط محمد بن عبدالواحد هروی است (از جمله دیوان) و قسمتهایی به خط محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن عمر المعلم ابرقوهی.

وبالاخره دو رسالهٔ فراید و معزّیه و زبدة البیان في علم الابدان تألیف ابی بکر عبدالله بن احمد بن محمد اسفرزی است که در ۸۰۶کتابت شده به مناسبت قرائن و اماراتی روشن که در نحوهٔ تحریر آن دو، مخصوصاً کلمات خط خورده یا اضافه شده دیده می‌شود به تصور من دستنوشت همان مؤلف تواند بود.

کلمهٔ «شمس» محتمل است تخلص شاعر باشد.

۲ـ منتخبات اشعار

□ مناجات (در حضرت امیر علیه‌السلام ـ نظامی)

□ در نعت رسول صلوات الله و سلامه علیه از حسان و سعدی و اشعار دیگر فارسی و از جمله قطعه ای از مؤلف با این عبارت «واین ضعیف قصیده‌ای بر روضهٔ مقدس او خوانده است و چند بیت از آن... (که من فقط چند بیت را نقل می کنم):

این منم بر آستان خواجهٔ هر دو سرا

یا خیال است این که اکنون نقش می بندد مرا

جذبهٔ لطفش مگر آوردم این جاموکشان
ورنه این مسکین کجا و این سعادت از کجا
ای زبانها لال و فکرت عاجز اندر مدح تو
وی بیانها قاصر و اوصاف تو بی انتها
نطق این بیچاره در مدحت چه یارد گفت چون
مادح ذات شریفت گشت نطق کبریا
یا چه باشد گفتهٔ چون من هزاران خاکسار
در اذای سورهٔ طاها و یاسین و الضحیٰ

ابیاتی عربی از متنبی، صاحب علاء الدین، متنبی، حماسهٔ ابو تمام و دیوان حضرت امیر در همین مبحث آمده است.

□ در ترک مفاخرت، حاوی ابیات عربی از دیوان حضرت امیر و قطعهٔ فارسی از صاحب شمس الدین (طبعاً صاحب دیوان).

□ در ترغیب نیکی و سعی در نیکنامی.

□ درین مبحث این آمده است که آن را چند بار در تألیفات رشید الدین فضل الله طبیب همدانی از جمله در وقفنامه او دیده‌ام:

نام نیکو را بزرگان عمر ثانی گفته‌اند
این دقیقه بس ترا «کالباقیات الصالحات»

□ در تأثیر صحبت، از جمله آورده است (از سعدی)

با بدان کم نشین که صحبت بد — گرچه پاکی ترا پلید کند
چشمهٔ آفتاب رخشان را — ذره‌ای ابر ناپدید کند

□ در عزلت. و شعری به فارسی آورده است:

غم آباد ایام را آزمودم — به از کنج عزلت سرایی این ندیدم
به بیماری خویش خورسند گشتم — چو در هیچ شربت شفایی ندیدم

□ در صبر و حلم و حفظ و عهد و شکر گوید (شعری عربی و ابیاتی از سعدی).

□ در معاشرت، ابیاتی از دیوان حضرت امیر و قطعه‌ای از صاحب شمس‌الدین در نصیحت فرزند به فارسی:

یک نصیحت بشنو از من کاندر آن نبود غرض
چون کنی عزم مهمی مشورت از پیش کن
طاعت فرمان حق بر شفقتی بر خلق او
در همه حال این دو خصلت را شعار خویش کن
کار تو دایم تواضع بود با خورد (کذا) و بزرگ
منصبت چون بیشتر گشته است اکنون بیش کن
گر کسی درد دلی گوید ترا از حال خویش
گوش با درد دل آن عاجز درویش کن
آب در حلق ضعیفان از کرم چون نوش ریز
موی بر اندام خصم از بیم همچون نیش کن
گر تکبر می‌کنی با خواجگان سفله کن
ور تواضع می‌کنی با مردم درویش کن
مصلحت از قول دینداران کامل عقل جوی
مشورت با رای نزدیکان دوراندیش کن

وباز از و نقل کرده است:

چنان زندگانی کن ای نیک رای	به وقتی که اقبال دادت خدای
که خایند از بهرت انگشت دست	گرت بر زمین آید انگشت پای

□ در تغیّر احوال

درین مبحث غزلی از شمن الدین صاحب دیوان می آورد و آن غزلی است

که حافظ شیرازی آن را در غزل معروف خود تضمین کرده است. آنقدر که به یاد دارم حضرت محجوب این غزل را در مقاله ای آورده و در مجموعهٔ حافظ شناسی چاپ کرده بود و من در دنبال مقالهٔ او یادداشت نوشتم و یاد آورشدم که این غزل صاحب دیوان با اضافه و دگرگونی در کتاب خطی «انیس الجلوه و جلیس الخلوه»، هم در تألیفات قرن هشتم هجری مندرج است و چون معرفی نسخهٔ کنونی مطمح نظر من است تجدید نقل غزل مفیدست:

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور
بشکفد گلها [ی] وصل از خار هجران غم مخور

گر چو گردون از بد دوران او سر گشته ای
آید این سرگشتگی روزی به پایان غم مخور

در خم چوگان [...] چون گوی سرگردان مباش
هم در حال ایزد حال گردان غم مخور

هر غمی را شادیی در پی بود دل شاد [دار]
هیچ دردی نیست کاو را نیست درمان غم مخور

بی سحر هرگز نماند شام، بی صبری مکن
هر چه دشوارست روزی گردد آسان غم مخور

□ در ترک آرزو و مخالفت هوی (محتوی اشعار عربی و ابیات فارسی از سعدی...).

□ در قناعت (محتوی اشعار عربی و ابیات فارسی از جمله از خواجه نصیر الدین طوسی و خاقانی و ناشناسان).

□ در شکایت روزگار و اخوان (از دیوان حضرت امیر و اشعاری از خاقانی ومتنبی...).

□ درترغیب سفر (از طغرائی، انوری، متنبی...).

□ در تهنیت عید نوروز و اولاد (از کمال الدین اسماعیل، متنبی ...).

□ در اشتیاق و تعشق و فراق و وداع (از متنبی، سعدی، عراقی ...) درین بخش شعری دیگر پردازندهٔ متن از خود با عنوان «این ضعیف گوید» آورده است:

چه نویسم غم هجران توای جان و جهان

که فراغت به کمال است و غمم بی پایان

چه کنم قصهٔ پر غصهٔ ایام فراق

چو نسازی صنما خسته دلم را درمان

نه چنین رفت میان من و تو عهد و وفا

نه چنین بود مرا با تو نگارا پیمان

□ در وصف خمر (ابیات عربی).

□ در وصف حشیش (ابیات عربی و فارسی).

□ در وصف قلم (دو بیت عربی).

□ در وصف شمشیر (ابیات عربی).

□ در وصف اسب (از امرء القیس).

□ در مدح (از متنبی ـ ثعالبی).

□ در مدح نساء (ابیات عربی و فارسی).

آخرین عبارت این تألیف چنین است: «چیزها گفته اند چون زیارت از آن است که به شرح آن قیام توان نمود اینجا به همین قدر اکتفا کنیم، و الله اعلم بکمیّات الامور وکیفیاتها، تم و الحمد لله» (پایان ورق ۲۲ الف).

۳ـ لمحات از فخر الدین عراقی که بر سنن «سوانح» (یعنی سوانح احمد غزالی) است (از B ۲۲ شروع می شود).

آغاز: الحمد لله الذی نور وجه حبیبه بتجلیات الجمال فتلألات نوراً و ابصر فیه غایات الکمال ...

گفتا به صورت ار چه ز اولاد آدمم

از روی مرتبت به همه حال بر ترم...

فی الجمله مظهر همه اشیاست ذات من

بل اسم اعظمم به حقیقت چو بنگرم

کلمه ای چند در بیان مراتب عشق بر سنن سوانح...

این رساله مبوّب بر بیست و هفت لمعه است، ولی همه جا ذکر لمعه ها وشمارهٔ آنها در فتوکپی نیامده مگرگاهی همچون لمعهٔ پنجم و لمعهٔ نهم (ورق ۲۷ الف و ۳۱ ب). آخرین لمعه شمارهٔ [بیست و] هفتم دارد و چنین پایان می گیرد.

«... اندرین بحر بیکرانه، چو غوک   دست و پایی بزن چه دانی بوک

تم الکتاب و الحمد لله رب العالمین» (ورق ۴۶ الف).

اما در نسخه های چاپی لمعهٔ آخرکه به همین بیت خاتمه می یابد لمعهٔ بیست و هفتم است.

۳ـ دیوان قصاید، ترکیبات، غزلیات و رباعیات از شاعری که شناخته نیست ولی در دورهٔ پادشاهی عصمة الدین قرختائی و ممکن است تخلصش محمود باشد که در غزلیات منقول دیده می‌شود. قصاید عمدتاً مدایح است مگر دو سه قصیده و قطعه در هجو مانند آنچه در ذم و هجو جمال‌الدین علی است.

نام ممدوحین شاعر چنین است با ابیاتی چند در بارهٔ هر یک اعم از قصیده تا ترکیب بند.

□ قصاید در مدح عصمة الدین ترکان اعظم و این عصمة الدین ترکان اعظم (از قراختائیان کرمان است و ذکرش در سمط العلی و تاریخ شاهی کرمان آمده.

مرحبا عقدی که عقد ملک را داد انتظام

حبذا عهدی کزوشد رونق عالم تمام...

عصمت دنیا و دین ترکان اعظم آنکه هست

چرخ وانجم را به فتراک جلالش اعتصام

هم برین... و ترتیب و نسق کامروز هست

ملک سلطان را ثبات و عهد ترکان را نظام

شاهاز عداد حشمت چرخ و زمان است

خاک قدمت افسر شاهی جهان است...

با همت ورای و نظر فرخ ترکان

از دور فلک هر چه دلت خواست چنان است...

آن پادشا که عصمت و عدل مجسم است

دانند خاص و عام که ترکان اعظم است...

معصوم گشت دنیی و دین در پناه تو

زانت رسید عصمت دنیا و دین خطاب

جهان چون باغ مینو گشت خرم

ز یمن مقدم ترکان اعظم

□ قصیده در مدح رکن الدین علاء الدوله

خسرو غازی علاء الدوله رکن الدین که همت

چرخ با آن سر فرازی قدر او را زیر دست

□ قصیده در مدح بهاء الدین

بهاء دولت و دین سرور زمان و زمین

که از صدور زمان هست چون دل و اعضا

□ قصیده در مدح شمس الدین محمد فخر الملک وزیر

خدایگان وزیران عصر فخر الملک

سپهر رفعت ... دین و دول

پناه خلق محمد شه آنکه کار جهان

مسلم است به تدبیر و رای او ز خلل

خدایگان وزیران یگانه فخر الملک

که صد نظام و قوامش سزد به دربا[نی]

سپهر رفعت و تأیید شمس دولت و دین

که مه ز پرتو اقبال اوست نورانی

در ترکیب بندی می آورد

مقصود نسل آدم صدر ملک سمات

فرخنده فخر ملک وزیر ملک نشان

سزد ترا کابر آفاق شمس دین

دارندهٔ ممالک و دستور راستین

ای صدر روزگار جهانت به کام باد

کیوان ترا مسخر و بهرام رام باد

فرخنده فخر ملک و سر افراز شمس دین

دستور شرق و غرب و نگهبان بحر و بر

کو شمس دین ایزد وکو فخر ملک شاه

کو آفتاب رادی و کو چرخ مهتری

گر فخر ملک رفت به جای است مجد ملک

آن کاسمان ز خدمت او یافت برتری

□ قصیده در هجو جمال الدین علی که دبیر منکوخان اعظم بوده است :

گر چه در شوق جمال الدین علی شد داستان

او به شوق چیست صد خندان گرم باورکنی

خویشتن ابن العمید وقت پنداری از آنک
نامهٔ کژ یادگیری بیت چند از بر کنی
کیستی ای قلبتان تا از جفا کاری و جور
ملک منکوخان اعظم پر ز شور و شر کنی
ارسلان سر بر نخواهد داشت ای ملعون ز خاک
گر تو خود بر سر به جای خاک خاکستر کنی . . .

□ دریکی ازغزلات کلمهٔ « محمود » آمده است که ظاهراً تخلص یا نام سرایندهٔ اشعارست

ماه رویش رشک مهر انورست   چین زلفش جای مشک اذفرست
صبر کن محمود کز نیرنگ چرخ   در جهان هر روز رنگی دیگرست

□ در غزل دیگر ذکری ازکرمان کرده است که حکایت از فتنه و نا آرامی آن صفحات در عهد شاعر دارد .

دهر دون پرور در دانش ببست   دور گردون رونق عالم شکست
با وجود خسرو جمشید قدر   دیو در کرمان بر آوردست دست
دولت شه باد تا از باد قهر   دیو سرکش را کند در خاک بست
ترکان اعظم ای که بر قدر و رای تو   آرند سجده ها فلک و مهر انورش
چون بست عصمتت تتق کبریا و جاه   خدمت نمود نه فلک سبز چادرش

□ در ورق ۷۰ الف ذیل آخرین رباعی این رقم دیده می‌شود « رکن الملة والدین حسن بن المولی » و با فاصله ای کلمهٔ « محمود » کتابت شده است :

□ قصاید در مدح قطب الدین محمود که از علمای زمان و امام وقت بوده وظاهراً هموست که در سال ۷۱۰ درگذشت و شاعر دو ماده تاریخ دربارهٔ او سروده است .

در وصف شاه خطهٔ دین مقتدای شرع   در مدح قطب مله و دین کعبهٔ کمال

محمود آن یگانه که در وصف او خرد   با صد هزار چشم و زبان ابکم و لال

□ و در قصیدهٔ دیگری که باز لامیه است گفته

امـام اعـظم اسـلام قـطب مـله و دیـن

جهان فضل وکرم جان سروری وکمال

مـحیط دایـرهٔ فـضل قـطب مـله و دیـن

مـدار مـرکز حکـمت جـهان و جـان هـنر

بلند مـرتبه مـحمود آن یگـانه کـه هست

ز خـوان دانش او مـغز اسـتخوان هـنر

□ قصایدی در مدح رشید الدین فضل الله همدانی طبیب و وزیر مشهور که در ۷۱۶ مقتول شد.

صاحب اعظم رشید دین و دولت ای مدام

روی ملک از نـور رایت فـر یـزدان [یـافته]

آصف ایـام فـضل الله خـوان فـضل و عـلم

ای جـهان را جـاه تـو مـنقار فـرمان یـافته

وصـف جـهان فـضل و هـنر آصـف زمـان

مـدح رشـید دولت و دیـن خسـرو انـام

دستور چرخ مـرتبه فـضل الله آنکـه هست

هـم قـبلهٔ افـاضل و هـم قـدوهٔ کـرام

جـهان هـنر، زبـدهٔ دور گـردون

رشـید دول، لطـف دارای ذو المـن

قصایدی در مدح سعد الدین که منظور سعد الدین ساوجی است.

سعد دول و دین، فلک مجد و معالی   مخدوم جهان صاحب دیوان وزارت

جمال چهرهٔ ایام سعد دولت و دیـن   جهان جود وکرم، جان فضل و دانائی

قصیده ای دیگر هم در مدح او دارد که پس از این مذکور شود.

□ قصایدی در مدح نظام الدین عبدالملک ناضی که ظاهراً هموست که در ۷۱۶ درگذشته و ماده تاریخش را سروده است.

نظام ملت و دین قدوهٔ زمان و زمین
خدایگان قضات و شهنشه علماء
جهان دانش عبدالملک که فکرت او
ز سرّ غیب خبر می‌دهد به نور ذکاء

وصف جهان فضل و هنر مقتدای [دین]
مدح نظام ملت و دین افتخار شرع
عبدالملک که رای و دل اوست جادوان
آن کارساز ملت و این راز دار [شرع]
قاضی القضاة مشرق و مغرب که ذات اوست
در صد هزار گونه هنر اختیار شرع

□ قصایدی در مدح برهان الدین محمود بن خلیل از فضلا:

خورشید چرخ دانش برهان دین حق
مشروح قصهٔ هنر و داستان فضل
محمود بن خلیل زهی در هزار قرن
نادیده دهر مثل تو صاحب قران [فضل]

بلند مرتبه محمود بن خلیل که هست
وجود قدسی او کاینات را مفخر

مهر سپهر ملت برهان و دین کجاست
نعمان عصر و قبلهٔ روح الأمین کجاست

دارای دیـن احـمد مـحمود بـن خـلیل
آن مـعدن مـعانی و بـحر یـقین کـجا[ست]

□ قصیده در مدح عماد الدین از صدور

عـمر عـماد مـلت و دیـن بـاد جـاودان
آسـوده بـاد دولتش از صـدمت زمـان
صدری که از مساعی تـعلیم و درس اوست
هـم عـقل در تـنعم و هـم شـرع کـامران

□ قصیده در مدح خواجه شمس الدین عبداللطیف که از وزراء بوده است

آصف عصر شمس ملت و دین　　اخـتیار خـدا و فـخر بشـر
خواجه عبداللـطیف بـحر کـرم　　قـبلهٔ اهـل فـضل وکـان هـنر

□ قصیده در مدح غیاث الدین محمد که تصور می‌کنم مراد فرزند رشید الدین فضل الله باشد که فرزند هم به وزارت رسید.

پـناه و پشت سـرداران گـیتی　　غـیاث الدیـن و الدنـیا مـحمد
ز سعی کلک تو در نصرت ملک　　سـپر انـداخـته تـیغ مـهنّد

□ قصیده در مدح نجم الدین بکران

قـبلهٔ سـالکان روحـانی　　زبـدهٔ دودمـان بکـرانـی
نجم الدین شهریار کشور فضل　　خسـرو خـطهٔ مسـلمانی

□ قصایدی در مدح شهاب الدین مبارکشاه که از وزراء بوده است:

آصـف عـصر شـهاب دول و دیـن کـه کشید
مـلک دلهـا هـمه در قـبضهٔ فـرمان کـرم
آفـتاب فـلک جـاه مـبارکشاه آن
کـه دل اوست مـحیط هـنر وکـان [کـرم]

مهر چرخ کرم مبارکشاه

صاحب روزگار و صدر کرام

آصف عصر شهاب دول و دین که کند

صیت عدلش چو فلک مشعل جهان پیمائی

آفتاب فلک جاه مبارکشاه آن

که جهانی است سراسر کرم و دانائی

شهاب دولت و دین آصف دهر

مبارکشاه چرخ دادگستر

صاحب اعظم شهاب دین و دولت آنکه هست

چاودان با رای پیر او قرین بخت جوان

زبدهٔ دوران مبارکشاه دستوری که گشت

فخر صاحب درد .... در بیان

فلک ملک را شهاب نماند

دهر را فیض آفتاب نماند

از وفات شهاب دولت و دین

پر شد از خون دل کنار زمین

مهر چرخ کرم مبارکشاه

زینت سروری و زیور جاه

□ قصاید در مدح شرف الدین سعد الاسلام که ظاهراً از سرداران بوده است

شرف داد و دین که پشت سپهر دایم از بار .... اوست دوتای

سعد اسلام آن کریم که هست بحر وکان با کفش بخیل وگدای

شرف داد و دین که داد نظام ملک و دین را به نور رای رزین

سعد اسلام کز کفایت اوست در مکان کمال ملک مکین

سعد الاسلام کز سعادت سردار اکابر جهان است

□ قصیده در مدح سعد الدین مسعود

سعدِ دین و داد، مسعود آنکه هست　　از سخایش در خوی خجلت سحاب

□ قصیده در مدح سعد الدین ساوجی وزیر الجایتو

صاحب اعظم سپهر جاه سعد داد و دین

ای که دین را نور چشم و ملک را تاج سری

از نشاط مقدم میمون عامی مرکبت

خاک ساوه می زند با چرخ لاف همسری

□ قصیده ها در مدح عماد الدین

ملک از غرور دولت تا تو عماد دینی

یک دم نمی شکیبد بی عشرت و ملاهی

خورشید آسمان جلالت عماد دین

دانش و کان هنروری

عدل عماد دولت و دین کارساز ملک حق

آن پیشوای ملت و آن شهریار [ملک]

□ قصیده در مدح صدر الدین

سپهر رفعت و تأیید صدر دولت و دین

جهان جود وکرم صاحب ستوده سیر

(۱۱۵b)

□قصیده در مدح رکن الدین محمد

جمال چهرهٔ دولت شکوه طلعت ملک

سپهر رفعت و تأیید رکن ملت و دین

خدایگان فلک مرتبت محمد آنک

که هست مأمن قدرش ورای علیین

(۱۱۷a)

□ قصیده در مدح نظام الدین محمود فخر الملک ثانی

فغان از جور تو از پیش صاحب — پناه خلق فخر الملک ثانی
نظام دولت و دین آنکه دارد — ز یزدان منصب صاحب قرانی
وزیر بحر و بر محمود کو راست — فلک در آرزوی پاسبانی

(۱۲۰a-۱۱۹b)

□ قصیده در مدح شمس الدین علی از وزرای وقت

مدار مرکز اسلام شمس دولت و دین
خدیو دورهٔ دولت خلاصهٔ وزراء
جهان جود علی سروری که هست مدام
فرود پایهٔ قدرش مقام او دانی

(۱۲۰b)

ماده تاریخهای وفیات

شاعر سه قطعه ماده تاریخ دارد که در آنها مصرحاً تاریخ وفات دو تن از اعلام زمان را آورده است. یکی از آن دو قاضی بوده و دیگری عالم

جهان فضل قطب ملت و دین — به سخره پشت پائی بر جهان زد
به سال هفصد و ده ماه روزه — علم بر ذروهٔ دار الامان زد
ملالت داشت از دنیای بد مهر — برفت و خیمه بر صدر جنان زد
دلش چون سیرگشت از صحبت تن — دم شاهی شهرستان جان زد
مکان در عالم سفلی نمی‌خواست — سرا پرده بر اوج لامکان زد

(۱۲۱a-۱۲۲b)

جهان فضل قطب چرخ دانش — که بود از دلو در اقلیم دین شاه

بـه سـال هـفصد و ده ماه روزه دوشنبد[1] رفته هجده روز از ماه

دلش سیر آمد از دنیای بد مهر بزد بر صدر جنت خیمهٔ جاه

□ قطعه در وفات نظام الدین قاضی ظاهراًکه قصایدی در مدح او سروده وملقب به عبدالملک بوده است.

خورشید چرخ دانش جمشید ملک شرع

یعنی نظام ملت و دین اعدل القضاة

ناگه به سال هفصد هجری و شانزده

از جور دهر درمه شعبان شب براة

کرد از ستم سرای جهان رحلت و فکند

بر صدر دار ملک جنان مسند نجاة

(۱۲۱b)

غزلیات

پس ازین بیست و شش غزل آمده است که در هیچ یک تخلص ذکر نشده.

رباعیات

یکصد و چهار رباعی دارد و از جمله دو رباعی است که در آن نام ساوه آمده است

ساوه که ازوست رونق ملک عراق

مثلش نه هماناکه بود در آفاق

---

(۱) کذا دوشنبد (به دال) به مانند ضبطی که در بسیاری از نسخ خطی قدیم دیده می شود.

از خـطهٔ اوست شـرع را صـد رونـق

تـا مـردم اوست مـلک را صـد مـیثاق

ساوه که سـپهر مـلک را اخـتر ازوست

در گردن وگوش سروری زیور ازوست

شاید کـه ز جـاه بـر جـهان فـخر کـنند

چون بحر کرم «سعد» هنرپرور از اوست

« سعد »دراین رباعی اشاره به سعدالدین ساوجی وزیرست که شاعر قصیده ای هم در مدح او سروده است و پیش ازین بدان توجه داده شد.

دیوان شاعر با این عبارت خاتمه گیرد: تم الدیوان و الحمد لله ربّ العالمین کتب لرسم الخدمة لخزانة الکتب الصاحب الاعظم الاقدم ملجأ و ملاذ الفقرا بین الامم... اعنی جناب عالی و محطّ رحال مجد و معالی... عز الدولة و الدین... رضی الشمال صفی الکرام العبد الضعیف النحیف الخاطی محمد بن عبدالواحد الهروی... في شهر شوال سنة خمس و ثمانمائة الهجریة النبویة (۱۴۰ الف)

۴) در صفحهٔ ۱۴۰ ب حکایتی و پاره عباراتی از حضرت عیسی و حضرت رسول (ص) آمده.

۵) غزل حافظ: اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را.(۱۴۱۹)

۵) فوائد معزیه تألیف عبدالله بن احمد بن محمد اسفرزی المدعو بابی بکر به نام معز الدین مطهر حاوی سخنان حکیم با اسکندر کتابت به خط دیگر به سال ۸۰۶ (۱۴۱ ب - ۱۴۵ الف).

۶) زبدة البیان في علم الابدان از عبدالله بن احمد بـن مـحمد اسـفرزی المشتهر بابی بکر برای همان معز الدین مطهر در معرفت خلقت آدمی و خواص اشیاء که از ذخیرهٔ خوارزمشاهی وکتاب محمد بن زکریا رازی انـتخاب و طـرح کرده است (۱۴۵ ب - ۱۵۲ الف) کتابت آن مورخ ربیع الاخر سنهٔ ۸۰۶ است

آغاز وانجام

در آخرین صفحه پراکندهای شعری آمده است و از جمله این رباعی دلاویزست :

هر که مارا خوار دارد شاد و برخوردار باد

وان که ما را رنجه دارد راحتش بسیار باد

هر که اندر راه ما خاری فکند از دشمنی

هرگلی کز باغ وصلش بشکفد بی خار باد

هر صبحدم از نافهٔ آهوی وطن

آمد به مشام جان من بوی وطن

زان پیش که اجل گیرد جان

یارب نفسی روی من و روی وطن

۷) پراکندهای شعری و حکایتی (۱۵۲ ب ـ ۱۵۶ ب).

۸) آنچه در دو ورق آخر از غزل مولانا و ابیات متفرقه و نسخهٔ طبی وحکایات عارفان دیده می شود نوشته‌هایی است به خط جدید تر و از فتوکپی بر نمی‌آید که همهٔ آن یادداشتها از ۸۰۵ تا ۸۰۷ هجری باشد .

مندرجات در حاشیه

۱) رساله ای به عربی در احادیث نبوی در دو فصل که از آغاز افتادگی دارد وباب السادس ـ الفصل الاول آن در ورق ۲ ب آغاز می شود و چنین پایان گرفته است (۱ الف ـ ۵ ب) : تمت الکتاب الاحادیث بعون الله و حسن توفیقه والصلوة علی رسوله محمد و آله و صحبه . این رساله به خط نسخ است .

۲) اقوالی منثور از عرفا به عربی و فارسی (۵ ب ـ ۶ الف)

۳) قصیدهٔ بردهٔ بوصیری فرغ من تحریر هذه القصیده المبارکة المسمی

بالبردة وقت العصر من يوم الخميس ثانی عشر من رضمان سنة ست وثمانمائة با رقم (۶ ب ـ ۱۲ الف) .

آغاز قال الشيخ الامام . . .

انجام اهل التقى و النقى و الحلم و الكرم

۴) قصيدهٔ يائيه به عربی (۱۲ الفـ۱۳ الف) .

۵) دو بیت به عربی از شهاب الدين الكازرونی عليه الرحمة (۱۳ ب) :

فـــؤادی مــقفل و جســمی نــاقص وحبی صحيح و اشتياقی مضاعف ...

۶) دو بیت عربی که در باب الصفا (در مکه) بر لوح عمارتی نوشته بوده وآن عمارت را « شيخ الاسلام سلطان العلماء غياث الملة و الدين الكتبی روح الله ضريحه » ساخته بوده است .

۷) غزلی از شیخ جمال الدین یوسف دامغانی کـه زمـان کـتابت غـزلش درگذشته بود

گر چـه نـمی بـینمش روی امـیدم دروست
طالب ديدار يـار سـوختهٔ جست و جـوست

روز ازل گشـــــته ام مست ز جـــام الست
تا به ابد جان ما بـر سر آن گـفت وگـوست

سـاقی مـی خـوارگـان خـون صـراحـی بـريز
در سر و سودای ماست آنچه ترا در سبوست

نــيک دل از عشـق گـل غـنچه صـفت ...[۲]
بـاد هـوائی کـجاست تـا بـدرانـم ز پـوست

---

(۲) از لبهٔ نسخه محو شده است

« یوسف » اگرهمچو صبح ، دم زنی از ...[۳]

زان که نشان صفاست دم زدن از مهر دوست

(۱۳ الف)

۸) پراکنده‌های شعری عربی و فارسی (۱۳ ب ـ ۱۴ الف)

۹) رسالهٔ مقامات به نقل از ابو سعید ابی الخیر در چهل مقام و چون بخشی از آن از نسخه افتاده بوده به همان بر روی صفحهٔ مجزائی نوشته و به صفحه چسبانیده شده است رقم پایان کتابت این است « تمت المقامات بعون الله والصلوة علیٰ رسول الله » (۱۴ ب ـ ۲۱ الف)

در جای ماندهٔ حاشیه عبارتی ازکیمیای سعادت نقل شده است .

۱۰) من نتایج الافکار المولی الصاحب الاعظم الاعلم شمس الملة و الدین الجاسبی ... في تاریخ قبة الاسلام تبریز

ماه ذی الحجة از قضای که نیست — هیچ کس را ازو به حیله گریز

از ملا عین عساکرِ دغدغ — جمله بی رحم وکافر و خونریز

نهب و غارات و قتل واسر درو — بود تاریخ نازنین تبریز

لا ادری قائله

وفات شهنشاه سلطان اویس — بوقت سحر بود تاریخ او

ـ تاریخ خرابی شام مبارک

این عجبتر که در خرابی شام — سال تاریخ نیز گشت خراب

وایضاً

گر از تو مورخی بپرسد (؟) — تاریخ دمشق گو خراب است

(۲۱ب)

(۳) از لبهٔ نسخه محو شده است

۱۱) في تاريخ سلطان حسين

در هفتصد هشتاد چار از هـجرت شد شاه جهان حسين مظلوم شهيد

ـ من كلام اشرف الاولياء على عليه السلام

ـ قال جنيد (۲۲ الف)

۱۲) عبارتى عربى : حكى عن الشيخ ابى عبدالله بن الخفيف قـدس الله سره العزيز . .

۱۳) منقولاتى از راحة الانسان به فارسى (۲۲ب)

۱۴) نصايح (چهار چيز ... چهار چيز) نوشته پايانى : « تمت النصايح » (۲۲ب ـ ۲۵ الف) و در دنباله‌اش دو عبارت عربى

۱۵) رسالهٔ عربى ابو عباس مستغفرى (عربى) (۲۵ب ـ ۲۶ الف)

۱۶) رسالهٔ منثور فارسى و عربى در مقدمه يائيه ظاهراً براى مسعود شاه (؟) زيرا در اين بيت از قطعه اى كه در آغاز رساله آمده گفته است :

چو رمح جهانگير مسـعود شـاهى به رزم اندرون لاله لعلى سنان شد

(۲۶ب ۱۲۹-الف)

مطلع قصيدهٔ فارسى عربى چنين است :

بده ساقيا بادهٔ ارغوانى . . .

۱۷) پراكندهاى شعرى و فلسفى (۲۹بـ ۲۳ الف)

۱۸) عقايد الفرقة الناجية به عربى از عضد الدين ايجى (۳۲ب ـ ۳۴الف)

در پايان رقم شده است :

هذه النسخة معتقد مولى الامام الاعظم السعيد عضد الملة و الدين الايجى رحمة الله عليه . . . و حرره العبد لاواسط من شهر ربيع الاول لسنة سبع و ثمانمائه الهلالية العبد الضعيف المحتاج . . . محمد بن ابراهيم بن عبدالله بن عمر المعلم ابرقوهى المكنى ابى الحكيم . . . في بلدة ابرقوه

۱۹) تحفة السفرة الیٰ حضرة البررة تألیف قوام الدین ابی الفضل محمد بن عبدالحمید بن شیخ المشایخ البسطامی در ده باب به عربی (۳۵ الف ـ ۴۵ الف) وبه این رقم پایان گرفته : تم الکتاب في لیلة الخمیس عشرین شهر ربیع الاولی (کذا) سنة ۸۰۷ هلالیة .

۱۹) غزلهای حافظ (۴۵الف ۴۶ب) : ای غایب از نظر به خدا می سپارست . . . (للمولیٰ السعید شمس الدین محمد حافظ رحمه الله)

ـ و له نور مرقده : یارب سببی سازکه یارم به سلامت . . .

ـ من کلامه روح الله روحه : آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند . . .

۲۰) دیوان مولانا عبید زاکانی (۴۶ب ـ ۶۵الف) : تمت القصائد من دیوان مولانا عبید زاکانی غفر الله ذنوبه في سابع شعبان المعظم لسنة سبع و ثمانمائة .

۲۱) مقطعات من دیوان عبید زاکانی (۶۵ب ـ ۷۱الف) .

۲۲) کتاب غزلیات من دیوان مولانا عبید زاکانی (۷۱ب ـ ۸۲الف)

۲۳) کتاب عشاق نامه من دیوان عبید زاکانی (۸۲ب ـ ۹۴ب)

۲۴) و له في الترجیع (۹۴ب ـ ۱۰۱ب)

۲۵) کتاب اخلاق الاشراف من دیوان المولی عبید زاکانی (۱۰۲ب ـ ۱۱۲الف)

۲۶) رسالۀ ریش من دیوان عبید زاکانی (۱۱۲ب ـ ۱۱۶الف)

۲۷) کتاب ده فصل از دیوان مولانا عبید (۱۱۶ب ـ ۱۱۸الف) .

۲۸) کتاب پند نامه المعروف صد پند من دیوان المولی السعید ناصر الدین عبید زاکانی (۱۱۹ب ـ ۱۲۶ب)

۲۹) مکتوب قلندران (۱۲۶ب ـ ۱۳۱ب) : تم الدیوان المولی الصاحب الاعظم ناصر الدین عبید زاکانی غفر الله ذنوبه في عشر اوائل شهر شوال ختم بالیمن و الاقبال سنة سبع و ثمانمائة هلالیة . . . حرره العبد الضعیف ابراهیم بن

عبدالله بن عمر الحافظ المعلم ابرقوهی غفر الله ذنوبه و صلح حاله في الدراين

۳۰) دو بیت از سعدی شیرازی

۳۱) مطایبه‌ای شعری به فارسی از مرتضی عزالدین مطهر: آن زن قحبه که محبوبهٔ تست... (۱۳۲الف)

۳۲) فی نعت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم و مدح سلطان الاعظم السعید شیخ اویس بهادر خان من نتایج الافکار المولی المرتضی الاعظم... سید عزّ الحق و الدین مطهر طاب الله ثراهما:

مرحبا ای روز مولود همایون مرحبا حبذا ای ساعت مسعود میمون حبذا

(۱۳۲ب۱۳۴-ب)

قصیدهٔ فارسی در مدح از همان عز الدین مطهر (وله نور الله ضریحه) (۱۳۴ب - ۱۳۵الف).

۳۳) و ایضاً له في الغزلیات (با تخلص مطهر) (۱۳۵الف - ۱۳۶الف)

واین است غزلی ازو

۳۴) و له في الرباعیات - و له في المفردات (۱۳۶ الف)

۳۵) لمولانا المرحوم مولانا شمس الملة و الدین محمد حافظ رحمه الله (۱۳۶الف - ۱۵۱ب)

- دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت...
- روضهٔ خلد برین خلوت درویشان است...
- جز آستان توام در جهان پناهی نیست...
- شنیده ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت...
- مقامم (کذا) مست می دارد نسیم جعد گیسویت...
- حسنت به اتفاق ملاحت جهان گرفت...
- زگریه مردم چشمم نشسته در خون است...

ـ روزگاری است که سودای بتان دین من است . . .

ـ روی تو کس ندید و رقیب هست . . .

للمولی السعید شمس الملة و الدین مولانا محمد حافظ رحمه الله بغفرانه

ـ به جانی خواجه و حق قدیم و عهد درست . . .

ـ ساقیا آمدن عید مبارک بادت . . .

ـ یارب آن شمع دل افروز ز کاشانهٔ کیست . . .

ـ پس از آن غزلی است از سید قاسم

ـ بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است . . .

ـ پس ازین مقطعات و اشعاری است از ابن یمین (۱۴۲ب ـ ۱۴۵الف)

ـ باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر ست . . .

ـ آن که رخسار ترا رنگ گل نسرین داد . . .

ـ الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها . . .

ـ ای نور چشم من سخنی هست گوش کن . . .

ـ صبحدم مرغ چمن با گل نو خاسته گفت . . .

ـ مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست . . .

ـ خیز و در کاسهٔ زر آب طربناک انداز . . .

ـ دلم ربودهٔ لولی وشی است شور انگیز . . .

ـ گلعذاری ز گلستان مارا بس . . .

ـ جانا ترا که گفت که احوال ما مپرس . . .

ـ ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش . . .

ـ فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش . . .

ـ باز آی و دل تنگ مرا مونس جان باش . . .

ـ دلم رمیده شد و غافلم من درویش . . .

ـ در عهد پادشاه خطا بخش جرم پوش ...

ـ شرابی مست می خواهم که مرد افکن بود زورش ...

ـ ما آزموده ایم درین شهر بخت خویش ...

ـ اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش ...

ـ دل سرا پردهٔ محبت اوست ...

ـ سر ارادت و آستان حضرت دوست ...

ـ عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت ...

ـ تو مگر بر لب آبی به هوس بنشینی ...

۳۶) اشعار مطایبه (۱۵۲ الف)

۳۷) در حالتی که میاومهٔ اهل فضل را در شیراز ... خواستند کرد خازن پادشاه سعید شاه شجاع .... التفات نفرمود .... فرمود ... و مولانا محمد حافظ این قطعه گفته رحمهم الله

پادشاها لشکر توفیق همراه تواند
خیز اگر بر عزم نخجیر (۴) جهان ره می‌کنی

[با] چنین اوج (۵) جلال از پیشگاه مسکنت (۶)
آگهی و خدمت دلهای آگه می‌کنی

با فریب رنگ این نیلی خم زنگار فام
کار بر وفق مراد صبغة الله می‌کنی

آنکه ده با هفت و نیم آورد بس سودی نکرد
فرصت بادا که هفت و نیم باده می‌کنی

---

(۴) قزوینی ، تسخیر

(۵) جاه و

(۶) سلطنت

ایضاً مولانا محمد فرماید در باب آنکه مولانا سعد الدین... را قضا [ی] فارسی داده بودند و شیخ فرید را... ندیمی

.... تا به حضرت سلطان اداکند ..... گشت شریک به ما پدید

رنـدی نشسـته بـر سـر.... .... سـید

رنـد گـفت چشم و چـراغ... ..... گـفت نـطفهٔ داورم و فـرید

ای آصف زمانه ز بهر خدا بگو وی که دولت او بـاد بـر مـزید

بعد « تتمه » و در حاشیهٔ این بیت آورده شده

۳۸) قطعه شعری از شافعی به خط عبدالوهاب بن علی بن عـبدالعـزیز (؟) عفی عنه و بیتی از نظامی گنجوی (۱۵۳ الف)

۳۹) شعری از انوری و شعرهایی از عز الدین محمود قاشانی و ابن‌یمین (۱۵۳ب - ۱۵۴الف).

۴۰) پراکنده‌های شعری عربی و فارسی

۴۱) للمولی المرحوم سحبان و شمس الملة و الدین محمد حافظ تغمده الله بغفرانه.

- ساقی به نور باده بر افروز جام ما .... (۱۵۴ب).

کتاب راه‌نورد

دکتر باستانی پاریزی
تهران ـ ایران

چند ماه پیش که سفری به کانادا داشتم ، ضمن بازدید از موزه تورنتو ، به یک کتاب خطی بزرگ برخوردم . ترجمه‌ای از کتاب معروف دیسقوریدس در نمایشگاه خاص گذاشته بودند . این کتاب متعلق به طبیب بزرگ یونانی قرن اول میلادی است ـ و اختصاصا در ادویه نباتی نوشته شده ، چه او از گیاه‌شناسان بزرگ روزگار بوده است .

این کتاب در مآخذ اسلامی به نامهای هیولی علاج الطب ، وکتاب الادویه المفرده ، وکتاب الحشائش و النباتات خوانده شده ، اما در موزه تورنتو تنها به نام مؤلف آن به معرض تماشا گذاشته شده بود و با خط نسخ زیبا و درشت ترجمه دیسقوریدس به چشم می‌خورد .

گویا کتاب در عهد متوکل علی الله عباسی ترجمه شده است . مقصود من

معرفی مؤلف یاکتاب یا مترجم نیست ، اشاره من در این مقاله بر این است که این کتاب عظیم حجیم ـکه از شاهنامه بزرگتر می‌نمود ـ چند صد سال پیش در یزد به خط خوش تحریر شده ، و جزء ذخائر فرهنگی یزدی بوده است ، و ندانم به چه حساب اینک طی طریق کرده و راههای بیابان یزد و جنگلهای مدیترانه و سواحل آفریقا را پیموده ، اقیانوس اطلس را پشت سرگذاشته ، و از تورنتو ـ شهری بزرگ با سه میلیون جمعیت در کنار دریاچه آب شیرین اونتاریوها ـ مرز ایالات متحده و کانادا ـ سر در آورده و اینک همچون عروسی نازنین در حجله بخت ، در موزه تورنتو ، بر تخت نشسته است .

از مملکت ما تا تورنتو بیش از ۱۲ ساعت راه هوائی است ـ یعنی قریب ۱۲ هزارکیلومتر هوائی ـ و هواپیماها از شرق به غرب همراه خورشید راه می‌روند با همه اینها ، صبح که از تهران راه می‌افتند ، غروب به تورنتو می‌رسند . اما وقتی از تورنتو به شرق راه می‌افتند ـ چون خلاف حرکت خورشید است ـ یک شب بین راه بیتوته دارند و در واقع دو روز راه هوائی در میان است . حالا می‌شود تصور کرد که این کتاب هشت نه کیلوئی تحریر یزد چه میزان راه پیموده تا به آن دیار رسیده .

کتاب در ویترین خاص بسته بندی شده و از دسترس دور بود و نتوانستم مشخصات کتاب و نام محرر و جزئیات دیگر آن را یادداشت کنم ، پس به همین مختصر اکتفا می‌کنم ، و این یادداشت مختصر یادواره یک روحانی بزرگوار یزدی الاصل ـکه خود دوستدارکتاب بود و تخصص در شناخت کتب خطی داشت ـ یعنی آقای سید عبدالعزیز طباطبائی تحریر می‌کنم ، خوانندگان آن را به حساب براعت استهلال بگذارید .

پس از این مقدمه می‌پردازم به مشخصات کتابی دیگر ، که باز در یزد تحریر شده ، و پنجاه فرسخ فاصله میان یزد و کرمان را لااقل پانزده روزه پیموده تا به

کرمان رسیده و در کتابخانه امام جمعه وقت کرمان جای گرفته است .

کتاب مورد نظر ما ـ که محبوب اهل فلسفه و حکمت است ـ محبوب القلوب نام دارد[1] .

قطب الدین محمد بن علی بن عبدالوهاب شریف دیلمی لاهیجی اشکوری از علمای امامیه قرن یازدهم که از شاگردان میرداماد بود ، چند کتاب دارد که ثمرة الفؤاد ، و رساله‌ای در عالم مثال ، و محبوب القلوب از آن جمله‌اند . مؤلف گویا تا سال ۱۰۷۵ هجری / ۱۶۶۴ میلادی حیات داشته است[2] .

محبوب القلوب کتابی است به عربی و قطعاتی به فارسی دارد و شامل سه مقاله است و یک مقدمه . مقدمه آن در حقیقت فلسفه ، و مقاله اول در فرزانگان پیش از اسلام ، مقاله دوم فرزانگان اسلام ، و مقاله سوم سرگذشت ائمه و برخی از مشایخ ، و خاتمه در سرگذشت مؤلف است[3] .

طی طریق این کتاب از اشکور و لاهیجان به یزد ، چیزی است که ربطی به گفتار من ندارد . مطلبی که خواستم در یادواره استاد طباطبائی ـ استاد عالیقدر کتابدوست و کتابشناس یزدی ـ به قلم آورم ، کیفیت انتقال این مجموعه نفیس از یزد به کرمان است .

استاد محمدتقی دانش‌پژوه در فهرست نسخه‌های خطی که برای کتابخانه امام جمعه کرمان نوشته‌اند و به سال ۱۳۴۴ش /۱۹۶۵م. به صورت یک شماره اختصاصی مجله دانشکده ادبیات تهران به چاپ رسیده است[4] ضمن معرفی

---

(۱) و البته این غیر از آن محبوب القلوب است که نام دیگر رمان شمس و قهقهه است .

(۲) ریحانة الادب ج۴ ص۴۷۶ .

(۳) فهرست نسخه‌های خطی ، احمد منزوی ، ص ۱۷۳۰ ، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای .

(۴) آن روزها من مدیر داخلی مجله دانشکده ادبیات بودم ، این فهرست بجای شماره اول سال سیزدهم مجله در ۲۵۰ صفحه طبع پذیرفته است .

این نسخه ، مشخصات آن را اینطور نگاشته‌اند :

« شماره ۴۴۰ ، رحلی بزرگ ، عنوان شنگرف ، با حواشی ، نسخ ، دهه سوم شعبان ۱۲۸۲ هجری /۱۸۶۵ میلادی از روی نسخه اصل که در کتابخانه آقا محمد مهدی پاشنه‌طلا ، در ۱۲۷۹هـ./ ۱۸۶۲م. در یزد بوده ست ...»[1].

برای اینکه از کیفیت انتقال این نسخه به کتابخانه آقا سید جواد شیرازی ، امام جمعه کرمان اطلاع حاصل کنیم ، به پشت جلد همان کتاب مراجعه می‌کنیم و این شرح را می‌خوانیم : « ...این کتاب مستطاب ، کتابی است شریف ، نسخه او کمیاب است . تا کنون به چاپ نرسیده[2] . قدر این کتاب را بدانید و به دست نامقیدان و غیر اهلش ندهید . در ۱۲۷۹ که این ضعیف از وطن مألوف ـ که کرمان است ـ به عزم تحصیل به عتبات عالیات مشرف شد ، در یزد ، چند شب میهمان مرحوم مبرور آقا محمد مهدی ـ مشهور به پاشنه‌طلا[3] ـ که از علمای معروف یزد بودند ـ آن مرحوم صاحب فضل و جامعیت بود. شبها را در کتابخانه ایشان منزل داشت[4] و تا آخر شب به صحبت علمی با ایشان می‌گذشت .

ایشان نسخه اصل این کتاب را در کتابخانه خود داشتند . چند شبی که در یزد ، حقیر متوقف بود تا قریب صبح ، به مطالعه کتب ایشان مشغول بود .

مایل به این کتاب شدم و از ایشان خواهش استنساخ نمودم . منت گذاشتند و قبول فرمودند که تمام نمایند . به همان کتّاب یزد سفارش نمودند . تا دو سال تقریبا ، کاتب نوشت .

---

(۱) فهرست نسخه‌های خطی ، مجموعه امام جمعه کرمان ، ص ۱۰۴ .

(۲) گویا مقدمه و مقاله اول آن در ۱۳۱۷ (ش؟) د رتهران به چاپ رسیده باشد. (فهرست منزوی)

(۳) چرا پاشنه‌طلا ؟ پاشنهٔ در خانه‌اش طلا بوده ؟ پاشنهٔ کفش او طلا بوده ؟ (قزل ارماق = کفش پاشنه‌طلا ، ترکی) . از اهل اطلاع و زرگران یزد ، و علمای آن دیار باید پرسید .

(۴) مقصود آقا سید حسین امام جمع نویسنده یادداشت است .

تفصیل را از عتبات، حقیر، خدمت ذی سعادت جناب بهشتی ایاب غفران مآب، آقای والد ماجد، حجة الاسلام آقای حاجی سید جواد شیرازی الاصل کرمانی الموطن ـ تغمده الله بغفرانه[1] ـ عرض نمود و استدعای فرستادن اجرت کاتب و وسایط را نمود.

و اتفاقا آن دو سه سال از سنین قحط و غلا بود: گندم خرواری دوازده تومان بود معادل چهارصد من گندم، به دو دفعه ازکرمان به یزد فرستادند وکرایه هم خود مرحمت فرمودند جهت کاتب و وسایط که قریب پنجاه و پنج تومان قیمت وکرایه می‌شد صرف کتابت این کتاب شد. برای اهلش زیاد بر این قیمت دارد و مضمون شعر مشهور است:

هذا کتاب لو یباع بوزنه ذهبا لکان البایع مغبونا

و برای غیر اهل چند دسته کاغذ است.

منظور از نوشتن این تفصیل، التفات به قدر و منزلت این کتاب است. قدری مغلوط است، ولی برای عالم تصحیحش سهل است.

---

(۱) مقصود حاج سید جواد شیرازی امام جمعه کرمان است که در زمان حکومت شجاع السلطنه در کرمان ـ ۱۲۴۴هـ./۱۸۲۸م. به همراه فرزند حاکم ـ که هولاکو میرزا بوده باشد ـ به کمان آمد و مقیم کمان شد و با خواهر حاج محمد کریم خان سرکار آقا یعنی دختر ابراهیم خان ظهیر الدوله (فوت ۱۲۴۰هـ./۱۸۲۵م.) ازدواج کرد، و در مدرسه معصومیه و مدرسه خاندانقلی بیگ درس می‌گفت و در دهم ذیقعده ۱۲۸۷هـ./۲ فوریه ۱۸۷۱م. درگذشت و در خارج دروازه وکیل ـ عمارتی که خود نهاده بود ـ مدفون گشت. اکنون مضجع آن جناب محل زیارت است. (فرماندهان کرمان، شیخ یحیی، چاپ چهارم، ص ۲۷۲).
تدریس و تفسیر مثنوی مولانا توسط او در بین مردم کرمان معروف است که سر ماه زمستان را به تفسیر سربیت اول مثنوی ـ بشنو از نی ـ می‌پرداخت و چون بامداد اول فروردین اشعه طلائی خورشید را در ایوان مدرس می‌گسترد امام جمعه کتابها را می‌بست و آن درس تعطیل می‌شد. (کوچه هفت‌پیچ ص ۱۷۸) مرحوم حاج ملا هادی سبزورای، چند سال در این درس امام جمعه به طور ناشناس حضور داشته است.

کتبه میرزا حسین الحسینی الکرمانی ، فی سنة ۱۳۰۰ ، فی قریة نهرفارد الکرمان ...[۱]

این نهر درفارد ، یا رودخانه درفارد که نام برده است یکی از نقاط ییلاقی کوهستانی جیرفت است و در کتب تاریخ به صورت دلفارد نیز یاد شده . قلعه سلیمانی از قلاع معروف جیرفت برکنار این آبادی قرار داشته[۲] ، و مرکز ایلات و عشایر آن نواحی است .

امام جمعه در آن حدود مختصر اربابی داشته و احتمالا این علاقه متعلق به همسر او ، خواهر حاج محمد کریم خان ، و دختر ابراهیم خان ظهیرالدوله بوده است . این آبادی شکارگاه بسیار معتبری است و آب و هوای لطیف دارد و نرگس‌زار آن بی‌نظیر است[۳] ، و چون شرح خواهیم داد که میرزا حسین امام جمعه به شکار علاقه وافر داشت ـ احتمالا هنگام تحریر این یادداشت ـ برای شکار به آن نواحی رفته بوده است .

آن سال تحریر کتابت که مرحوم میرزا حسین یاد می‌کند ، سالهایی است که مرحوم وکیل الملک بر کرمان حکم می‌رانده[۴] و در اثر تدابیر او تا حدودی وضع مردم و اقتصاد کرمان رو به راه بوده ، چنانکه فی المثل در روزنامه دولت علیه ایران شماره پنجشنبه بیست و هشتم ربیع الثانی مطابق ۱۲۷۹ هجری که برابر میشود با ۲۴ اکتبر ۱۸۶۲م. فصل زمستان ، در جزء اخبار کرمان و بلوچستان و توابع صحبت میکند که « وفور نعمت و فراوانی در بلده و بلوکات کرمان به حد نهایت است و گندم از قرار خرواری شانزده هزار و جو خرواری هشت هزار دینار

---

(۱) سال ۱۳۰۰هـ./۱۸۸۳م. ، نقل از هشت الهفت ، چاپ سوم ، ص ۴۵۲ .

(۲) سلجوقیان و غز در کرمان ، چاپ دوم ، ص ۴۵۳ .

(۳) عقد العلی ، چاپ دوم ، ص ۱۲۶ . جغرافیای وزیری ، ص ۱۱۵ .

(۴) خانواده‌اش در کرمان از مشهورترین خاندانهاست .

است »[۱] در روزنامه ۲۴ رجب همین سال / ژانویه ۱۸۶۳م نیز می‌نویسد :« وفور نعماء الهی در کرمان به سرحد کمال است و عموم مردم مرفه الحال دعاگو می‌باشند » و در شماره بعد خبر می‌دهد که « در عقرب ، ده پانزده روز علی التوالی باران آمده که سه چهار رشته قنات رود خوابانید ، و در همه بلوکات نیز بارندگی شده »[۲] و در آخرین شماره ذیحجه نیز صحبت از « وفور نعمت » است .

در اینجا مشکل قیمت‌گذاری گندم برای ما هست ، زیرا خرواری ۱۲ تومان تا خرواری ۱۶ هزار (= ۱۶ قران) تفاوت بسیار دارد . حدس من اینست روزنامه رسمی قیمت گندم را در بم یا قادرآباد ارزودشت حساب کرده ، و آمیرزا حسین به قیمت شهر کرمان ـ هرچند باز هم تفاوت نباید اینقدر باشد ـ و روزنامه هم هر چند دروغ و اغراق‌آمیز ارزانی را نوشته باشد تا اینقدر (تقریباً هشت برابر) نباید باشد .

احتمالاً شاید قیمت آن در یزد اشاره شده باشد و آن هم درست نیست زیرا باز هم فاصله غیر عادی است . حتی حدود ده سال بعد که قحط سالی معروف ایران است ، و طبق همین روزنامه « درین خشک سالی ، حالت کرمان بهتر از سایر ولایات آن حدود ، و قیمت جنس در آن صفحات بالنسبه به غالب ولایات ارزانتر است ... »[۳] چون یادداشت مؤلف بعد از قحطی ۱۲۸۸هـ./۱۸۷۲م. تحریر شده ، شاید نرخ قحط سال در ذهن محرر تخلیط شده باشد .

به هر حال ، هر چه هست ، چهارصد من گندم ـ ۱۲۰۰ کیلو ـ صرف تحریر

---

(۱) چاپ افست ، ص ۴۷۹ (رجوع شود به کتاب نگارنده ، آفتابه زرین فرشتگان ، چاپ قم ، ص ۱۹۱)

(۲) ایضاً ص ۵۲۲.

(۳) روزنامه دولت علیه ، چهاردهم رمضان ۱۲۸۷/ ۲۸ نوامبر ۱۸۷۱م. زمان حکومت وکیل الملک دوم ـ مرتضی قلی خان .

یک کتاب شده است که بیش از هفتاد هزار تومان امروز قیمت آن محاسبه می‌تواند بشود .

فکر می‌کنم حالا دیگر لازم باشد که چند کلمه‌ای هم در باب امام جمعه‌های کرمان که نسلاً بعد نسلٍ این عنوان را داشته‌اند خدمتتان عرض کنم . چنانکه گفتم آسید جواد امام جمعه ـ که گویا از جهت خانوادگی در جزء طبقات بازاری شیراز و احتمالاً بعض اقوام ایشان نیز بوده‌اند ـ به مصاحبت هولاکو میرزا به کرمان مسافرت فرمودند . و چنانکه می‌دانیم شجاع السلطنه و پسرش هولاکو میرزا نه تنها کرمان را گرفت بلکه به یزد نیز برای سرکوبی عبدالرضا خان یزدی ـ پسر تقی خان ـ لشکرکشید ، و همه این کارها باعث شد که فتحعلی شاه از شمشیر برهنه خود ـ عباس میرزا ـ یاری بگیرد . شاهزاده ولی عهد به یزد و کرمان لشکر کشید ، و هم عبدالرضا خان را تار و مارکرد و هم درکرمان شجاع السلطنه برادر خود را اسیر کرد .

در محاصره کرمان عباس میرزا به برادرش شجاع السلطنه تأمین داده و این شعر حافظ را نوشته بود :

قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع

که نیست باکس ام از بهر مال و جاه نزاع

معلوم بود که دروغ می‌گوید و «الملک عقیم» پهنه قدرت طلبی او را گرفته است ، و شجاع السلطنه هم ظاهراً این معنی را تفرس کرده بود یا شاید فال حافظ به او تلقین کرده بود که در جواب نامه برادر یک بیت دیگر از همین غزل حافظ را جواب فرستاده بود :

خدای را به می‌ام شستشوی باده دهید

که می‌نمی‌شنوم بوی خیر ازین اوضاع[1]

و حدس او درست بود زیرا در چادر ولیعهد ، شجاع السلطنه را که دعوت کرده بود دستگیر کردند و به تهران فرستادند . و او را در تهران کور کردند که تا پایان عمر (۱۲۶۹هـ ./۱۸۵۲م.) نابینا زندگی می‌کرد و لابد کلام معروف « الملک عقیم » گاه گاه بر زبان جاری می‌ساخت .

چند سال پیش دوستی نادیده به عنوان ا. شیرازی از انگلستان نامه‌ای به بنده نوشت . او یادداشتهای مرا در باب امام جمعه خوانده بود و توضیح داد که از اقوام امام جمعه کرمان است . نوشته بود که امام جمعه آقا سید جواد فرزند حاج میرزا رضا شیرازی بوده و اصلاً در شیراز تجارت داشته‌اند و حجره آن‌ها در کاروانسرای روغنی بوده و مزرعه صغاد هم ملک آنان بوده ، آقا سید جواد در اوایل عمر به توصیه عمویش به کربلا برای تحصیل رفته و سپس به مکه مشرف شده ، و سپس از طریق جهرم به شیراز برگشته و معلم بچه‌های فرمانفرما حسینعلی میرزا شده و آنگاه همراه فرزندان شجاع السلطنه برادر فرمانفرما به کرمان آمده است .

آقای شیرازی اشاره کرده بود که رساله‌ای با نامه‌ای از مانکجی خطاب به امام جمعه داشته و در آن از کیفیت معافیت جزیه و کمکهای امام جمعه یاد کرده است .

می‌توانید تصور بفرمائید او که معلم بچه‌های شجاع السلطنه بود ، و او که داماد ابراهیم خان ظهیر الدوله است ، و او که خانه در محله زرتشتیان کرمان اختیار کرده بوده ، و او که مفسر مثنوی مولانا بوده تا چه حد باید قدرت نفس و

---

(۱) حماسه کویر ، چاپ سوم ، قم ، ص ۸۸ .

استقلال رأی داشته باشد که درین میان جان سالم بدر برده باشد .

مقصود اشاره به مشکلات کار امام جمعه کرمان است که درین حیص و بیص و درگرفتاریهای اختلافات خان زادگان قاجار در کرمان می‌بایست موقعیت خود را حفظ کند . هنوز اثرات واقعه عباس میرزا تمام نشده بود که در اواخر سنه ۱۲۵۵ هـ./۱۸۴۰م. مرحوم امام جمعه با قاصدی که از تهران آمده بود روبرو شد و نامه‌ای از آقاخان محلاتی به دست امام داد که چنین عنوانی داشت :

« سفر کعبه کنم تا به خرابات رسم

زانکه سالک به حقیقت رسد از راه مجاز[1]

بنده درگاه ، عزم زیارت مکه معظمه داشتم ، در عرض راه این احکام و فرامین رسید ، مأمور حکومت و توقف درکرمان شدم . میهمان‌پذیر باشید . والسلام »[2] .

و این مهمان ناخوانده‌ای است که با چهارصد سوار کرمان را تسخیر کرد و جنگهایی راه انداخت که با رسیدن امیر توپخانه و شکست او در بلوچستان ، مجبور به فرار به هند شد ، و دیگر هرگز به ایران بازنگشت[3] .

روابط امام جمعه کرمان با آقاخان محلاتی هرگز گسیخته نشد و سالها بعد که امام جمعه برای مداوای فتق خود به هندوستان عزیمت کرد مهمان آقاخان محلاتی بود[4] . این امام جمعه در لغو جزیه زرتشتیان نیز بسیار مؤثر بود و خانه خود را نیز در محله زرسیف ـ محله زرتشتیان ـ انتخاب کرده بود .

می‌توانید تصور کنید امام جمعه‌ای را که صبح زود از خانه بیرون می‌آمد

---

(۱) شعر گویا از یغمای جندقی است .

(۲) تاریخ کرمان ، چاپ چهارم ، ص ۷۸۳ ، مهر حسن خان آقا خان محلاتی را من دیده بودم . این مصراع بود : هر حسینی نسبی صاحب خلق حسن است .

(۳) و من داستان مفصل او را در فرمانفرمای عالم ، ص ۳۰۵ ببعد نوشته‌ام و خودش یک کتاب شده و تاکنون سه بار به چاپ رسیده و اکنون هم زیر چاپ است .

(۴) پیر سبزپوشان ص ۲۹۲ .

همسایه دست راستی او یک زرتشتی به او سلام میکرده و همسایه دست چپی او -زرتشتی دیگر -برایش درود می‌فرستاده ، و امام جمعه در خانه‌اش همسری دارد که خواهر حاج محمدکریم خان رئیس طایفه شیخیه است و تازه خود امام جمعه مشرب عرفانی و تصوف متألهی دارد و سه ماه زمستان را در مدرسه معصومیه به تفسیر سه بیت اول مثنوی - بشنو از نی چون حکایت می‌کند - می‌پردازد(۱) ، و شاهد او اغلب سایر ابیات مثنوی و غزلیات عارفانه حافظ شیرازی است درحالی که برادر زنش درکتاب ارشاد العوام ، صوفیه را صریحاً لعنت کرده است . و اصلاً خانه امام جمعه روی همان زمینهائی ساخته شده که بیمارستان نوریه و فقیه نورالله خان پسر حاج خسرو خان پسر ظهیر الدوله ساخته شده بوده است .

دو پسر امام جمعه ، میرزا جلال الدین و میرزا حسین هر دو بعدها امام جمعه کرمان شده‌اند . در زمان فوت پدر ، میرزا جلال الدین ۳۲ ساله بود و میرزا حسین سی ساله و هر دو از دختر ظهیر الدوله بودند . میرزا حسین سالیانی در سبزوار در خدمت حاج ملا هادی سبزواری نیز درس خوانده بود و این ظاهراً قبل از سفر او به عتبات بوده است . درکتابی که به نام «انیس الامراء» در بزدره تألیف کرده است از حاجی سبزواری چنین یاد می‌کند : استادي و سندي ، الذي هو بمنزلة الروح في جسدي بل وسيلة يومي و غدي ، سلطان العلماء الالبّاء العارفين و مفخر الحكماء العاشقين الالهيين و منظر العرفاء المكاشفين الربانيين الحاج ملا هادی السبزواري المتخلص بأسرار دام ظله العالي(۲) .

بزدره صورت عربی مصدر جعلی ازکلمه بازداری فارسی است وکتاب در صد و ده صفحه در بمبئی به چاپ رسیده و به نام مرحوم مرتضی قلی خان وکیل

---

(۱) نوح هزار طوفان ، نگارنده ، ص ۱۴۰ (زیر چاپ) .

(۲) و این کتاب را در زمان حیات حاجی و بنام مرتضی قلی خان وکیل الملک تألیف و در بمبئی به چاپ رسانیده است .

الملک دوم معنون است و احتمالاً به خرج او هم به چاپ رسیده ، میرزا حسین در مقدمه کتاب می‌گوید در نظر داشتم کتابی در ربوبیات و الهیات تحریرکنم ولی « از آن جا که غالب اهل این ولا را از معارف حقه حقیقه محروم و همه را از این اصطلاحات بی‌بهره دیده ، به فکر تألیف کتابی به نام وکیل الملک در بازداری افتاد و به این علت که «...چون میل فطری جبلی ایشان را به صید و شکار ـ که از دیدن ملوک است ـ دید و در خاطر رسوخ نموده بود که رساله‌ای به نام نامی سامی ایشان بنگارد ، شروع درین مختصر رساله نمود ، امید است که مطبوع طبع اولوالالباب بشود ، و در نظر دارم که اگر به انجام برسد، او را موسوم به انیس الامراء نمایم و او را در فن بزدره قرار دهم ، ولی اگر گاهگاهی به مناسبتی دقیقهٔ چند قدسی و نکتهٔ چند ملکوتی به زبان مرغان چمن قدس و طائران ارم انس ذکر شود معذورم دارند ، چه مقصد اسنی و مطلب اعلی و عنصر غالب در هر حال آن مطالب است ـ مرغ آتش خوارکی لذت شناسد دانه را ...»[1] .

اما آن طور که بنده تحقیق کرده‌ام خود آمیرزا حسین نیز اهل شکار و نگاهداری اسب و تربیت طیور بوده است . و به هر حال یکی از کتب معدودی است که درین علم پرداخته شده است . همیشه در باغ خارج شهر امام جمعه ـ باغ سلیمان ـ اسبهایی راهوار وجود داشت و تا همین اواخر نیز ما شاهد آن بوده‌ایم . داستانی هم در مورد این میرزا حسین امام جمعه کرمان داریم . مرحوم حاجی ملا هادی متنکراً به کرمان آمده و مدتی در مدرسه مقیم شده و دختر میرزا محمد خادم مدرسه را هم به زنی گرفته بود ـ که بیشتر فرزندان او ازین زن هستند ـ و آخرین معروف آنها شیخ عمادالدین سبزواری از مشایخ صوفیه بود .

حاجی ملا هادی حدوداً از ۱۲۴۸هـ./۱۸۳۲م. تا ۱۲۵۰هـ./۱۸۳۴م.

---

(۱) انیس الامراء ، ص ۴ .

نزدیک به سه سال درکرمان بوده[1] و سپس به سبزوار برگشته ، و امام جمعه بعداً متوجه این شاگرد نامدار خود شده ، بدین جهت فرزند خود میرزا حسین را به سبزوار فرستاد که درسی بخواند و مدارجی را طی کند .

این افسانه هست که یکی از خدام مدرسه همراه میرزا حسین به سبزوار رسید و وقتی به مدرس رفت متوجه شد که حاجی مشغول درس است و گوش تا گوش مستمعین نشسته‌اند و باکمال دقت گوش می‌دهند .. خدمتگزار وقتی شکوه مجلس را دید و به قیافه او نگریست فوراً شناخت و متوجه شد که این استاد ، همان هادی آقا طلبه مدرسه امام جمعه است که دو سه سالی به جاروکشی مدرسه هم اشتغال داشته .

پس رو به پسر ارباب خود یعنی میرزا حسین کرد و خطاب به او گفت :

– میرزا حسین ، آقای من ، اینجا باید درس خود را خوب بخوانی ، ببین ، این همان هادی آقای داماد خادم مدرسه خودمان است که چون درس پدرت را درکرمان فهمید آخر عاقبت به این مقام رسید . تو هم باید درس خود را خوب بخوانی تا آدمی بشوی[2] .

پسر میرزا حسین موسوم به آقا میرزا محمد علی بود که او نیز پس از پدر امام جمعه شد ـ فرزند او آقای احمد جوادی که نام فامیل به اسم آقا سید جواد گرفته است ـ همان است که کتب خطی و چاپی امام جمعه را به کتابخانه دانشکده ادبیات تهران هدیه کرد وکتاب محبوب القلوب که نام بردیم یکی از آن کتابهاست .

خانه امام جمعه یکی از زیباترین بناهای دوران قاجار کرمان است . چند سال پیش ، دانشگاه کرمان ، این خانه را از ورثه امام جمعه خرید و آن را مرکز

---

(۱) هزارستان ، نگارنده ، ص ۴۳۱ .

(۲) مقدمه نگارنده بر فهرست کتب امام جمعه ، ص «ح» ، کوچه هفت پیچ ، ص ۱۹۹ .

دبیرخانه دانشگاه قرار داد. خانه وسیع و زیباست ، و حمام بسیار دلپذیری در زیرزمین آن ساخته بودند . و شنیدم آقا محمد علی نوه امام جمعه در ایامی که به حمام می‌رفته ، یک روز تمام از صبح تا شام را در این حمام می‌گذرانده است .

این حمام را اختصاص به کتابخانه دانشگاه دادند تا قبل از ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه جدید کرمان ، این کتابخانه مورد استفاده دانشجویان و استادان قرار داشت ، و تنها نقصی که داشت این بود که از کتب کتابخانه خود امام جمعه هیچ نسخه‌ای در آن نبود . زیرا همهٔ کتابهای امام جمعه را آقای جوادی از احفاد امام جمعه به دانشکده ادبیات تهران فرستاد و بعداً دانشکده ادبیات هم همهٔ کتابهای خطی آن را به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تقسیم کرد ، و آن کتابها در دریای کتابهای آن مؤسسه بزرگ ـ که به همت ایرج افشار یزدی پاگرفته است ـ غرق شدند ، و اینک : تو گوئی فرامرز هرگز نبود .

حال آنکه اگر آن کتابها در کرمان مانده بود ، امروز مایه اصلی و هویت فرهنگی کتب خطی کتابخانه دانشگاه کرمان به شمار می‌رفت[1] .

بنای خانه امام جمعه مفصل و زیباست . قسمتی از آن نیز توسط فرزندانش تکمیل شده است . از قول امام جمعه نقل کرده‌اند که گفته بود : من به استاد علی معمار گفتم درین زمین دو سه تا اطاق بساز که سرپناهی داشته باشم ، رفت و پس از مدتی آمد و چهارصد تومان صورت حساب آورد . معلوم شد گردهٔ قصر خورنق در خاطر او بوده و پلکان تخت جمشید دلخواه او . به او گفتم :

من خاکی که ازین در نتوانم برخاست　　　از کجا بوسه زنم بر لب آن قصر بلند

شعر از لسان الغیب است ، چنانکه گفتم مرحوم امام جمعه کرمان مشرب

---

(۱) اهداء این کتابها ، سالها قبل از انقلاب ، و به توصیه و تشویق مرحوم احمد علی خان بنی‌آدم ، استاندار وقت کرمان ، صورت گرفت . در جزء کتابها ، بعضی از نسخ کتابخانه وقفی مدرسه معصومیه نیز هست .(فهرست دانش‌پژوه ، ص ۷۸)

عرفانی ، و به تعبیر یکی از فضلای بروجرد[1] یک نوع «عرفان آیةاللهی» داشت و به همین دلیل اغلب در مذاکرات و درس و بحث خود به اشعارمولانا تمسک می‌جست و از ابیات حافظ شاهد می‌آورد ، و این شیوه تا آن حد مفرط شده بود که گویا یک روز ، فرزندش میرزا حسین درکمال احترام ، پدر را طرف خطاب قرار داده وگفته بود : حضرتعالی دربیانات خود بیش از حد معمول اهل منبر از ابیات لسان الغیب استفاده می‌کنید ، و در مجامع روحانی کرمان ،گاهی این سبک باب طبع نیست[2] ، و من در این فکر هستم که آیا استفاده از این شواهد تا این حد صلاح و مصلحت هست ؟ مرحوم امام جمعه سری جنبانده و در جواب میرزا حسین گفته بود : فرزند ،

- صلاح کار کجا و من خراب کجا؟...

---

(۱) آقای علی حجتی بروجردی .

(۲) و بوده‌اند و شنیده‌ایم که بعضی کتاب مولانا و دیوان حافظ را با انبر برمی‌داشته‌اند ، و به هر حال داستانِ ساختن و خراب کردن مقبره حافظ در همان روزگاران ، خود شاهد گفتار امام جمعه است . درین باب رجوع شود به کلاه گوشه نوشین روان ، نگارنده ، ص ۹۰ ، ملا شاه جهان درین واقعه مظلوم بود.

آثار علامهٔ حلی در ایران
در قرن هشتم و نهم

بر اساس کتاب
مکتبة العلامه الحلی (ره)

از استاد مرحوم سیّد عبدالعزیز الطباطبائی

رسول جعفریان
قم ـ ایران

زمانی که در دههٔ نخست قرن هشتم هجری، سلطان محمّد خدابنده به تشیع گروید، یکی از کسانی که به ایران و مرکز حکومت آن یعنی سلطانیه سفر کرده و بیشترین نقش را در تشیع سلطان داشت، علامهٔ حلی بود. این

مطلبی است که ما در جای دیگری به تفصیل بدان پرداخته‌ایم [1].

در اینجا بر آن هستیم تا بر اساس کتاب استاد مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی که این مجموعه به عنوان یادوارهٔ ایشان نشر می‌یابد، شرحی بر تأثیر اندیشه‌های کلامی و فقهی علامه در ایران ارائه کنیم. کتاب استاد با عنوان مکتبة العلامه الحلی در شمار آثار زیبای ایشان است که در طول سالها به صورت مخطوط در اختیار این و آن بود و همهٔ کسانی که به نحوی با کتابهای علامه و تصحیح آنها سر و کار داشتند، از آن بهره می‌بردند. در آن زمان بنده بارها از ایشان خواستم تا اجازه دهد آن را نشر دهیم. در این باره حضرت حجة الاسلام والمسلمین سیّد محمود مرعشی نیز موافقت فرموده بودند که در ردیف انتشارات کتابخانه منتشر شود اما متأسفانه توفیق این کار نصیب بنده نشد و خوشبختانه پس از درگذشت ایشان به سرعت چاپ و منتشر شد.

استاد حق عظیمی بر بنده و دیگر عزیزانی دارد که گرچه به صورت رسمی نزد ایشان تلمذ نمی‌کردند اما بطور غیر رسمی به طور مداوم چه حضوراً و چه تلفناً از وجود پر فیض ایشان بهره می‌بردند ـ سماحت علمی استاد مرحوم مهمترین ویژگی اخلاق علمی ایشان بود آنگونه که کمترین بخلی در ارائهٔ آنچه می‌دانستند نداشتند. درِ خانهٔ ایشان به روی هر پژوهشگری باز بود و روی ایشان در برابر هرگونه درخواستی در مسائل علمی گشاده. تبحر ایشان در شناخت آثار شیعی کم مانند و دقت ایشان در نگارش کم‌نظیر بود. همت ایشان در دفاع از تشیع و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام ستودنی و خدمت ایشان به فرهنگ مکتوب شیعی قابل تقدیر. خداوند ایشان را با اجداد بزرگوارش محشور گرداند.

در اینجا بر آنیم بر اساس آن کتاب که موضوعش یاد از نسخ خطی کتابهای

---

(۱) نگاه کنید به: مجلهٔ نامهٔ مفید، ش۷.

علامه در سراسر دنیاست، کوشیده ام تا از دو راه تأثیر افکار علامهٔ را در ایران نشان دهم. نخست آن که کاتب کتابها، ایرانی باشند و ثانیا آن کتابها در شهرهای ایران کتابت شده باشد. در این باره یك شرط را رعایت کردم و آن این که تنها کتابهایی را ملاك کار قرار دهم که قبل از روی کار آمدن دولت صفوی یعنی پیش از سال ۹۰۶ کتابت شده باشد. نتیجه این کار آن است که تا اندازه‌ای نشان می‌دهد که اولا تشیع تا چه اندازه در ایران رواج داشته و ثانیا آن که افکار و اندیشه های علامهٔ حلی در آن دو قرن تا چه حد در میان اندیشمندان شیعی این دیار مورد استفاده بوده است.

گفتنی است که در حوزهٔ درسی علامهٔ حلی و فرزندش فخر المحققین در حله، شماری از شیعیان ایرانی از خراسان، اصفهان، طبرستان و جز آنها بوده اند. این افراد نسخه هایی از کتابهای علامه و فرزندش را با دست خویش نوشته‌اند که بر جای مانده و ما از روی آنها می‌توانیم حوزه گسترش آثار فقهی وکلامی علامه را در ایران دنبال کنیم.



نسخه ای از کتاب ارشاد الاذهان علامهٔ حلی باقی مانده که به خط حسن بن حسین سبزواری است که در سال ۷۱۸ کتابت آن انجام یافته است[1]. نسخه ای دیگر از همان کتاب که توسط برهان بن حسین بن محمد المحمود الفقیر وقمی![2] کتابت شده و برخی از قسمتهای آن به فارسی نیز درآمده باقی است. این نسخه در سال ۷۳۰ یعنی چهار سال بعد از درگذشت علامه کتابت شده[3]

(۱) مکتبة العلامة الحلی، ص۳۵.

(۲) کذا.

(۳) فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۱۰، ص۲۱۸ - ۲۲۰.

و نشانگر آن است که علامه شاگردان ایرانی فراوانی داشته که در جهت نشر آثار او و ترجمهٔ آنها به فارسی کوشش می کرده اند. از همان کتاب نسخه ای هم که در سال ۷۳۶ کتابت شده از ایرانی دیگری با نام محمّد بن حسن بن علی طبری بر جای مانده است [۱]. نسخه ای دیگر که در سال ۷۷۲ کتابت شده، کاتبش شیعه ای است با نام مجد الدین بن شرف الدین بن مغیث الدین اصفهانی [۲].

نسخه ای دیگر از حسین بن حسن بن حسین حاجی اسد آبادی در دست است که در سال ۷۹۹ در استرآباد نوشته شده است [۳]. طبعا این افراد با یکی دو واسطه در شمار شاگردان مکتب حله بوده اند. به عنوان نمونه بر روی اجازه ای در نسخه ای از همان کتاب ارشاد الاذهان، کاتب آن که حسن بن حمزهٔ حسینی نجفی بوده و آن را در سال ۸۳۷ کتابت کرده گفته است که شیخ او زین‌الدین علی بن حسن استرابادی است که او شاگر حسن بن ضیاء الدین اعرج و او شاگرد فخر المحققین و او شاگرد پدرش علامهٔ حلی بوده است [۴].

نسخه ای از کتاب ارشاد الاذهان علامهٔ حلی در دست است که در سال ۸۳۰ توسط هبة الله بن محمّد استرآبادی تلفائی نوشته شده و به سعد الدین ابن مجد الدین بن فضل الله ساکن مشهد مقدس رضوی علیه الصلاة و السلام تقدیم شده است [۵].

سید حیدر آملی فیلسوف متصوف که از شاگردان فخر المحققین است نسخه ای از کتاب استقصاء البحث و النظر فی مسائل القضاء و القدر علامهٔ حلی

---

(۱) مکتبة العلامة الحلی، ص۳۵.

(۲) همان، ص۳۶، کتابخانهٔ ملی تبریز، ج۱ ص۴۶.

(۳) مکتبة العلامة الحلی، ص۳۶، فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۲۷۶.

(۴) مکتبة العلامة الحلی، ص۳۷ ـ ۳۸.

(۵) همان، ص۳۷؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۷، ش۲۸۰۵.

راکتابت کرده که در کتابخانۀ مجلس نگهداری می‌شود [۱].

نسخه ای ازکتاب الالفین علامۀ حلی توسط محمّد بن احمد... مخلوف مدنی در سال ۸۵۳ در شهر ساری مازندران کتابت شده است [۲].

نسخه ای از کتاب إیضاح المقاصد من حکمة عین القواعد علامۀ حلی توسط جعفر استرآبادی در سال ۷۰۷ هجری نوشته شده که در شهر آدانای ترکیه نگهداری می شود [۳].

نسخه ای ازکتاب تبصرة المتعلمین علامۀ حلی در دست است که بر روی آن انهائی آمده که ضمن آن فخر المحققین تصریح کرده است که کتاب مزبور را: مولانا الاعظم افضل المحققین سلطان الحکماء و المتکلمین تاج الدنیا و الدین عماد الاسلام و فخر المسلمین ابو سعید ابن الامام السعید عماد الدین یحیی ابن الامام السعید فخر الدین احمد کاشی بر و ی خوانده است. در آنجا تصریح کرده است که وکانت الاستفادة منه اکثر من الافادة له. تاریخ این اجازه ربیع الاخر سال ۷۵۹ هجری است [۴].

نسخه ای ازکتاب تحریر الاحکام الشرعیة علامه را احمد بن حسن بن یحیی فراهانی در ۲۳ ربیع الاول سال ۷۵۹ کتابت کرده که در کتابخانۀ حضرت عبدالعظیم نگهداری می‌شود. نسخه ای دیگر از همین کتاب را حسین [۵] بن علی بن محمّد استرآبادی در ۲۸ شعبان سال ۷۲۶ کتابت کرده است. نسخه ای دیگر از آن را حسن بن حسین بن حسن سرابشنوی در شهر کاشان در ۲۲ جمادی

---

(۱) فهرست نسخه های خطی کتابخانۀ مجلس، ج۱۴، ص۲۲۴ ـ ۲۲۵؛ مکتبة العلامة الحلی، ص۴۹.

(۲) فهرست نسخه های خطی کتابخانۀ مجلس، ج۵، ص۴ ـ ۸؛ مکتبة العلامة الحلی، ص۵۴.

(۳) مکتبة العلامة الحلی، ص۶۳.

(۴) همان، ص۷۲ ـ ۷۳.

(۵) یا حسن.

الاولیٰ سال ۷۳۵ در محلهٔ باب و رده کتابت کرده است . نسخه ای دیگر از همین کتاب را محمّد بن علی طبری در ۲۴ صفر سال ۷۳۷ کتابت کرده که بر روی آن تملکی با تاریخ رجب سال ۶۲د از محمّد بن نعمة الله عقدائی به چشم می‌خورد . بر روی نسخه ای دیگر از آن یادداشتی از محمّد بن محمّد بن علی آملی به تاریخ ۷۵۲ وجود دارد . نسخهٔ دیگری از همین کتاب به خط سلطان حسن الحسینی موجود است که آن را در سال ۸۳۳ نوشته و آن را بر زین الدین علی بن حسن استرآبادی قرائت کرده است . ایضا نسخه ای با تاریخ ۱۲ صفر سال ۸۶۰ از عماد بن علی جرجانی موجود است [۱] .

نسخه ای از کتاب الخلاصة فی علم الکلام علامهٔ حلی را علی بن حسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشنوی در ذی حجهٔ سال ۷۱۶ نگاشته است . از پایان این نسخه برگی افتاده که در ۱۱ جمادی الثانیة سال ۸۰۴ عبدالملك بن اسحاق بن عبدالملك ابن فتحان الواعظ القمی الکاشانی آن را نوشته است [۲] .

گفتنی است که خاندان فتحان از خاندانهای شیعی مشهور است که از قرن هفتم به بعد ، عالمانی از آنها شناخته شده اند . شماری از آنها را استاد مدرسی معرفی کرده اند [۳] . یکی از این عالمان مولانا عماد الدین محمّد بن محمّد بن فتحان است که علامهٔ حلی با یك واسطه از او حدیث نقل کرده است . این نکته نیز افزودنی است که سند حدیث مزبور نشان می دهد که علامه در قم حدیث را شنیده است . سند حدیث مزبور که در کتاب عوالی اللئالی ابن ابی جمهور از علامه به بالا چنین است : قال : حدثنی الشیخ العلامة الفهامة استاذ العلماء جمال‌الدین حسن بن یوسف بن المطهر ، قال : رویت عن مولانا شرف الدین

---

(۱) همان ، ص۷۸ ـ ۸۷.

(۲) همان ، ص۱۱۶.

(۳) خاندان فتحان ، قم ، ۱۳۵۲ .

اسحاق بن محمود الیمانی بقُمْ عن خاله مولانا عماد الدین محمّد بن محمد بن فتحان القمی عن الشیخ صدر الدین الساوی [1]. از خاندان فتحان یکی نیز شمس‌الدین اسحاق است که یادداشتی از وی با تاریخ صفر ۷۷۳ بر نسخه ای از تفسیر ابو الفتوح رازی و یادداشت دیگری با تاریخ سال ۷۸۰ بر نسخه ای از فقه القرآن قطب راوندی موجود است. فرزند وی رضی الدین عبدالملك نیز از برجستگان خاندان فتحان در اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم هجری است که در کاشان اقامت کرده و پس از وی خاندان فتحان در این شهر [2] بوده اند.

نسخه‌ای از رسالة السعدیة علامهٔ حلی در ربیع الثانی سال ۷۶۴ در شهر اردبیل کتابت شده است [3]. نسخه ای از همین رساله را جمال الدین علی بن مجدالدین سدید منصوری استرآبادی در سال ۸۶۵ کتابت کرده است. کتابت نسخه ای دیگر از این کتاب، در ۲۲ رمضان سال ۸۸۱ در شهر اصفهان خاتمه یافته است [4]. آشکار است که این تاریخ، مربوط به ۲۵ سال پیش از پیروزی صفویان در ایران است.

نسخه ای ازکتاب غایة الوصول و ایضاح السبل علامهٔ حلی، توسط محمّد بن محمود بن محمّد ملک طبری در تاریخ ربیع الاول سال ۷۰۴ در شهر سلطانیه کتابت شده است [5]. این تاریخ مربوط به زمان حیات خود علامهٔ حلی است.

یکی از مراکز علمی این عصر در ایران که توسط سلطان اولجایتو تأسیس شد مدرسه سیاره بود که بر پایه نامی که برای آن برگزیدند، همراه اردوی سلطانی

---

(۱) همان، ص۹.

(۲) همان، ص۱۱ - ۱۳. استاد مدرسی در آنجا چهره های دیگری از این خاندان شیعی را شناسانده اند.

(۳) فهرست نسخه های مجلس، ج۱۴، ص۲۲۵، ش۶۳۴۲.

(۴) مکتبة العلامة الحلی، ص۱۳۰.

(۵) همان، ص۱۳۴.

بود. در عباراتی که پیش از این آوردیم از این مدرسه یاد شده بود. این مدرسه از مراکزی است که علامهٔ حلی در آن تدریس کرده و از مراکز اصلی نشر اندیشه های شیعی او در ایران است. دربارهٔ این مدرسه آمده است که:

سلطان سعید از غایت محبت دین اسلام و دوستی محمّد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او، دائماً با علما در مناظره و مباحثه می‌بود و اهل علم را رونقی تمام وچنان علم دوست بود که بفرمود به استصواب و فکر خواجه رشید الدین تا مدرسهٔ سیّاره بساختند از خیمه های کرباس و دائماً با اردو می گردانیدند و در آنجا مدرسی چند تعیین فرمود چنانکه شیخ جمال الدین حسن بن المطهر و مولانا نظام الدین عبدالملك و مولانا نور الدین تستری و مولانا عضد الدین آوجی و سید برهان الدین عبری و قرب صد طالب علم را در آنجا اثبات کردند وترتیب مأکول وملبوس و الاغ و دیگر ما یحتاج ایشان مهیّا فرمود تا در بندگی حضرت می باشند[1].

شاهد موجود بر این مطلب آن که نسخه ای از کتاب ارجمند قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام علامهٔ حلی در دست است که کاتب آن محمّد بن ابراهیم حسینی دشتکی است. وی که شاگرد علامهٔ حلی بوده این کتاب را سال ۷۰۳ در مدرسهٔ سیاره کتابت کرده و در پایان آن نوشته است: وفرغ المستنسخ من الاصل... یوم الثلاثاء الثانی و العشرین من ربیع الأول سنة ۷۱۳... بالسلطانیة شید الله ارکان دولة بانیها فی المدرسة الشریفة الایلخانیة المسماة بالسیارة[2]. کتاب دیگری از آثار علامه که یکی از شاگردان وی در مدرسهٔ سیاره کتابت کرده، کتاب کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد است. نسخه ای از این کتاب را شمس الدین محمّد بن محمود بن محمّد آملی (م ۷۵۳

---

(۱) مجمع التواریخ، نسخهٔ ملك، جلد سوم، برك ۲۳۷، به نقل از: مسائل عصر ایلخانان، ص ۲۵۰.
(۲) مکتبة العلامة الحلی، ص۱۳۷.

در شیراز) شاگرد علامهٔ حلی در مدرسهٔ سیاره برای استادش علامه نوشته و به تاریخ روز جمعه بیستم محرم سال ۷۱۳ در شهر کرمانشاه کار کتابت آن پایان یافته است [۱]. دو نسخهٔ دیگر این کتاب یکی توسط محمّد بن محمّد اسفندیار آملی در سال ۷۴۵ کتابت شده و بر فخر المحققین خوانده شده، و دیگری را ابومحمّد بن محمّد بن أبی تراب ورامینی در رجب سال ۷۱۶ کتابت کرده که نسخه‌های آنها موجود است [۲].

کتابت نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام را نیز محمّد بن محمّد بن مهدی بن مخلص قمی در هفتم رمضان سال ۷۱۸ به پایان برده است [۳]. نسخهٔ دیگری از قواعد را حسین بن أبی الحسن بن محمّد بن حسن کاشانی در هفتم صفر سال ۷۲۸ کتابت کرده، نسخهٔ دیگری با تاریخ سال ۷۳۲ از علی بن الحسین بن علی بن ابی‌المجد خوارزمی در دست است. علی بن فخر الدین أبی طالب طبری که کاتب نسخه ای دیگر از قواعد در سال ۷۴۶ است اجازه ای نیز از فخر المحققین در پایان نسخه آورده که در سال ۷۶۰ در شهر حله برای وی نوشته شده است. این نشانگر حضور شاگردان ایرانی در درس فخر المحققین است [۴]. نسخه ای یگر از قواعد را فضل الله بن محمد بن علی القمی در سال ۸۱۴ در نجف اشرف کتابت کرده است. نسخه ای دیگر به کتابت محمّد بن علی بن حیدر بن حسن بن علی بن طاهر بن منصور مقرئ کاشانی با تاریخ شوال ۸۴۹ در دست است. اجازه‌ای در پایان آن آمده که نوشتهٔ احمد بن معین بن همایون بن علی الکاشی...

---

(۱) طبقات اعلام الشیعه، القرن الثامن، ص۲۰۴، مکتبة العلامة الحلی، ص۱۶۳.

(۲) مکتبة العلامة الحلی، ص۱۶۴.

(۳) فهرست مرعشی، ج ۱۱، ص۲۷۵، ش۴۲۷۳؛ مکتبة العلامة الحلی، ص۱۳۹.

(۴) مکتبة العلامة الحلی، ص۱۴۱.

بمحروسة کاشان می باشد [1]. مخطوطات دیگری از این کتاب که توسط عالمان ساکن ایران در قرن نهم کتابت شده عبارتند از: نسخهٔ کتابت شده در سال ۸۵۴ از محمّد بن حسن بن محمد بن سلیمان طبری، نسخهٔ کتابت شده در سال ۸۵۹ از علی بن عبدالعزیز استرآبادی، نسخهٔ کتابت شده در ۸۸۰ توسط محمّد بن حسن اصفهانی، نسخهٔ کتابت شده توسط معین بن محمّد بن علی ... بن دانیال الرهقی در سال ۸۹۸ در کاشان [2]. نسخه ای نیز با کتابت حسن بن محمّد بن یحیی بن ابوالقاسم آوی با تاریخ ۷۱۸ در کتابخانه علامهٔ فیض در کاشان موجود است.

از کتاب قواعد الاحکام بالغ بر هفتاد نسخه تا قرن نهم موجود است که نشانی از کثرت شیعیانی است که در بلاد مختلف از آن استفاده می‌کرده‌اند.

کتاب قواعد الاحکام علامه یکبار هم در سال ۷۳۲ طی ده ماه ترجمه شده است. مترجم محمّد بن محمّد بن أبی عبدالله المدعو به حاجی، گویا از شاگردان خود علامهٔ حلی بوده است. نسخهٔ منحصر آن که در سال ۷۸۰ کتابت شده در مدرسهٔ خیرات خان مشهد موجود است [3].

نسخه ای از کتاب مبادئ الوصول إلیٰ علم الأُصول را یکی از شاگردان علامه با نام هارون بن حسن بن علی طبری در شعبان سال ۷۰۰ کتابت کرده که یادداشتی به خط علامه نیز بر آن هست. نسخهٔ دیگری از همین کتاب را شاگرد دیگر علامه جمال الدین ابو الفتوح احمد بن عبدالله بلکو بن أبی طالب آوی در رمضان سال ۷۰۳ کتابت کرده و بر مصنف خوانده و اجازهٔ مؤلف با تاریخ ۷۰۵ بر آن موجود است [4].

---

(۱) همان، ص۱۴۷.

(۲) همان، ص۱۴۹، ۱۵۰.

(۳) همان، ص۱۵۸.

(۴) همان، ص۱۶۹.

ازکتاب مختلف الشیعه علامه هم نسخه‌هایی که در همان قرون نسخت پس از تألیف کتاب، که توسط ایرانی ها کتابت شده باشد موجود است. نسخه ای با تاریخ سال ۷۰۲ تنها چند ماه پس از تألیف کتاب، توسط ابراهیم بن یوسف استرآبادی، نسخه ای با تاریخ ۷۰۴ توسط محمّد بن أبی طالب آوی، نسخه ای با تاریخ رمضان ۷۰۵ توسط جعفر بن حسین استرآبادی [۱]. نسخه ای با تاریخ جمادی الثانیهٔ سال ۷۳۳ توسط احمد بن حسن بن یحییٰ فراهانی، نسخه ای با تاریخ شوال ۷۳۷ توسط محمود بن محمّد بن بدر رازی [۲].

ازکتاب مراصد التدقیق و مقاصد التحقیق نسخه ای به خط شمس الدین محمّد بن أبی طالب بن الحاج محمّد آوی موجود است که آن را در سلطانیة در جمادی الأُولیٰ سال ۷۱۰ نوشته و اجازه ای از فخر المحققین بر روی آن است. این نسخه در ملکیت فتح الله بن خواجگی شیرازی انصاری بوده که در تاریخ ۷۶۷ به فرزندش همام الدین محمّد هبه کرده است [۳].

ازکتاب مناهج الیقین علامه نیز نسخه ای توسط علی بن حسن طبری با تاریخ شعبان سال ۷۲۴ موجود است [۴]. ازکتاب منهاج الصلاح فی اختصار المصباح هم نسخه ای با تاریخ شوال ۷۳۳ موجود است که توسط محمّد بن علی طبری کتابت شده است [۵].

ازکتاب منهاج الکرامة فی اثبات الامامة نسخه ای با تاریخ رجب سال ۸۷۸ موجود است که توسط کمال الدین بن عبدالله بن سعید جرجانی کتابت شده

---

(۱) همان، ص۱۷۴، ۱۷۵.

(۲) همان، ص۱۷۷.

(۳) همان، ص۱۸۵.

(۴) همان، ص۱۹۲.

(۵) همان، ص۱۹۸.

وتعلیقات فارسی و عربی نیز در میانهٔ سطور آن وجود دارد [۱]. ترجمه ای هم از این کتاب مربوط به قرن هشتم یا نهم درکتابخانهٔ فرهاد معتمد موجود است که در نشریه نسخه های خطی دانشگاه شناسانده شده است [۲].

ازکتاب نهایة الإحکام فی معرفة الاحکام علامه نیز نسخه ای موجود است کـه در مکـتبة المـدرسة السلطانیة کـتابت شـده است [۳]. نسـخه ای از نـهج المسترشدین توسط شمس الدین محمّد بن أبی طالب بن الحاج محمّد بن حسن آوی در سال ۷۰۵ کتابت شده است. نسخه ای دیگر هم تـوسط جـمال الدیـن ابوالفتوح احمد بن أبی عبدالله بلکو آوی با تاریخ سال ۷۰۵ کتابت شده است، نسخه ای دیگر هم توسط احمد بن بزباش دزفولی در تاریخ ۸۲۴ کـتابت شـده است [۴].

---

(۱) همان، ص۲۰۰.

(۲) نشریه نسخه های خطی، ج۳، ص۱۶۰؛ مکتبة العلامة الحلی، ص۲۰۳.

(۳) مکتبة العلامة الحلی، ص۲۰۷.

(۴) همان، ص۲۰۴، ۲۰۶.

نسخه‌های خطی
مدرسه سلطان الواعظین
لکهنو

علی صدرائی نیا خوئی
قم ـ ایران

لکهنو[۱] یکی از شهرهای مهم هندوستان است. این شهر مرکز ایالت اوتارپرداش و سابقاً مرکز حکومت سلسلهٔ اَوَده بوده است.

این شهر بعد از حیدرآباد دومین مرکز شیعیان در هند است. به همت عالی علمای هند در این شهر حوزه‌های علمیه متعددی تأسیس گردیده که هم اکنون پنج مدرسه مخصوص برادران و یک مدرسه مخصوص خواهران دایر و به تربیب طلاب و محصلین علوم دینی اشتغال دارند با این نامها:

(۱) lucknow.

مدرسه سلطان المدارس .

مدرسه تنظیم المکاتیب .

مدرسه امام باره غفران مآب .

مدرسه ناظمیه .

مدرسه الواعظین .

جامعه الزهراء ، ویژه خواهران .

وجود این مدارس امیدی برای بقاء و دوام شیعیان در هند است . البته نیاز به حمایت مادی و معنوی دارند .

مدرسه الواعظین یکی از این مدارس است که ویژگی خاصی در میان آنها دارد . این مدرسه در حکم مدرسه عالیی برای طلاب هند می‌باشد انگیزه تاسیس این مدرسه و هدف بانیان آن این بود که محصلین علوم دینی پس از طی مراحل مقدماتی در مدارس دیگر، در این مدرسه به مدت سه سال دورهٔ فقه و کلام و مناظره را فراگیرند . و به اصطلاح امروزی تعلیم فن خطابه و سخنوری وشیوه‌های تبلیغ از اهداف اساس تاسیس این مدرسه بود .

طلاب ، بعد از طی این سه سال ، می‌بایست دو سال دیگر از طرف مدرسه به عنوان مبلغ در مناطق مختلف هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی انجام وظیفه نمایند . پس از اتمام این دو سال طلاب درجهٔ « واعظ » راکسب نمودند .

این مدرسه در ۱۹ مه ۱۹۱۹ میلادی توسط مهاراجه محمّد علی محمّدخان والی محمود آباد به یاد برادر جوان مرده اش محمّد علی احمد خان تأسیس شد . نظارت این مدرسه به هئیت متولیان به سرپرستی متولی واگذار گردید . متولی مادام العمر و از خانواده راجه محمود آباد و به عنوان سرپرست

امور مدرسه و طلاب تعین می‌گردد[1].

این مدرسه دارای کتابخانه بزرگی است مشتمل بر ۲۰/۰۰۰ بیست هزار کتاب چاپی وحدود ۱۵۰۰ هزار وپانصد نسخه خطی.

در مهر ماه ۱۳۷۵ فرصتی پیش آمد که نگارنده از نزدیک نسخ خطی آن مدرسه را بررسی نموده و یادداشتهایی را تهیه نمایم.

در این ایام که مصادف با سالگرد ارتحال محقق اندیشور حضرت آیت الله حاج سیّد عبدالعزیز طباطبائی ﵀ است. درخواست شد که برای یادمان آن فقید از دست رفته مقاله‌ای ترتیب داده شود. چون آن مرحوم علاقه وافری به معرفی نسخ خطی و شناسائی آنها داشت لذا مناسب چنان می‌نمود که در این زمینه مطلبی ارائه گردد. به همین مناسبت یادداشتهای نوشته شده ازکتابخانه مدرسه الواعظین را تنظیم نموده و با مراجعه به مصادر اطلاعات تکمیلی به آنها اضافه شده تقدیم ارباب معرفت می‌گردد. تا که قبول افتد و که در نظر آید.

گفتنی است که عزیز از دست رفته محقق طباطبائی حق عظیمی بر ذمه قاطبهٔ اهل تحقیق و خصوصاً حقیر دارد. ایشان همیشه مشوق و راهنمای نگارنده در تهیهٔ فهارس نسخ خطی بودند. و در این راستا در اواخر عمرشان با وجود کسالت و مریضی رنج دو سفر را پذیرا شدند و درس به حقیر آموختند.

سفر اول آن سرور در سال ۱۳۷۳ش به شهرستان خوی بود. ایشان در نیمه محرم سال ۱۴۱۳ق به خوی وارد شدند در آن زمان فهرست نسخ خطی مدرسه نمازی خوی تنظیم گردیده بود. و آن بزرگوار در مدت سه روز تمام هشتصد نسخه مدرسه را ملاحظه و تذکرات سودمندی را در فهرست یادداشت نمودند که فهرست اعمال گردید. همچنین فوایدی را از آن نسخه در کتاب «ثمرات الاسفار» خودشان مرقوم نمودند.

---

(۱) فهرست نسخه های خطی کتابخانه راجه محمود آباد لکهنو، مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۱۸ مقدمه.

سفر دوم ایشان در سال ۱۴۱۵ به شهرستان بابل بود که فهرست نسخ خطی مدرسه صدر بابل تهیه شده بود ایشان در این سفر نیز نسخه ها را از روی فهرست ملاحظه نموده و تذکراتی دادند.

در مدت سه روز که ایشان در یکی از حجرات مدرسه صدر سکونت داشتند طلاب پروانه‌وار گرد شمع وجودی ایشان حلقه می‌زدند و از آن بزرگ درس زندگی و تحقیق یاد می‌گرفتند.

حقیقتاً این دو سفر در زندگی حقیر از ایام فراموش ناشدنی عمر محسوب می‌شود.

انگیزه ذکر این مطالب آن است که آنچنان که محققانی که از نزدیک با آن سرور مراوده داشتند می‌دانند. آن مرحوم در راه تحقیق و نشر آثار تشیع از هیچ کوششی و تحمل مشقتی کوتاهی نمی‌کرد. و هیچ واهمه نداشت که حاصل تحقیقشان به اسم خود یا دیگری منتشر گردد. و به همین دلیل آثار چاپی آن مرحوم در ایام زندگیشان بسیار ناچیزتر از وسعت اطلاعات و زحمات تحقیقات و کاوشهای آن بزرگ بود. روحش شاد و روانش با اجداد طاهرینش محشور باد.

الارشاد في بعض مدعى الاخباريه (عربی)

از: محمّد اخباری فرزند میرزا ببر علی.

آغاز: «ان اعذب ما یروی الکلام واحسن دواء یشفی المرام حمد من سطح لمخلوقاته مهاد الوجود ....».

اساس التوحید (عربی)

از: محمّد صادق بن علی نفی اللهجی.

بحث کوتاهی است پیرامون توحید که مؤلف آن را به جهت سید عبدالله خان نگاشته است.

آغاز: «الحمد لله ربّ العالمین حمداً حاماً تاماً وراء ما تبلیه عقول الحامدین ..».

اشعاب العشق (فارسی)

از: غلام محی الدین قرشی متخلص به عشق.

یکصد و یک رباعی است که شاعر در بیان مقامات توحید و عرفان به نظم کشیده است. شاعر در اشعارش به «عشق» تخلص می‌کند. و نسخه حاضر در سال ۱۲۵۵ تحریر شده است.

آغاز: «این یک صد ویک اشعه تجلی اسرار یست از حسن شاهد غیب و حقیقت گفتاری بر زبان عشق ..».

انجام:

این نسخه توحید بماند بی شکر　　کشف اسرار پرتو از ملک ملک ای اهل مقام

یعنی که ربا عـیات اشـعاب العشـق　　　چون مهره تسبیح بودی یکصدویک
از روی امام.

انیس العاشقین　　　**(فارسی)**

از: حسین بن محمّد ملقب به شرف ومشهور به شرفی رامی.

آغاز: «حمد وثنا مبدعی را علت کلمة که در مبدء فطرت وجود خاکیان را به تشریف..».

بحر البلاغه　　　**(عربی)**

از: عبدالوهاب قادری.

گزیده ای است از کتاب شریف نهج البلاغه به هـمان تـرتیب و بـه عـین عبارات آن.

آغاز: الحمد لله الذي هدانا لهذا وماکنا لنهتدی لولا ان هدانا الله...».

بداء [رساله در..]　　　**(عربی).**

از: میرزا أبو القاسم فندرسکی.

آغاز: «اعلم هداک الله للمقصد ان الجهلة المخالفین والمردة المعاندین من اهل الضلال بمجرد سماع لفظ البداء في روایات أهل بیت النبي صلی الله علیه وآله وسلم ..».

تبصرة المتألمین　　　**(فارسی)**

از: ابو محمّد مشهور به محمد امان (زنده در قرن سیزدهم).

کتاب مفصلی است در مراثی و ذکر مصیبت، مؤلف در آغاز کتاب به طور مفصل در مورد غنا بحث نموده و حرام بودن آن را اثبات می‌کند. بعد از آن غنا در

خواندن قرآن و عزاداری را از حکم حرمت مستثنی می کند. این کتاب در یک مقدمه و چند تبصره و یک خاتمه تنظیم گردیده است.

آغاز: «الحمد لله الذی جعل البکاء علیٰ الرسول واهل بیته لا سیما علیٰ الحسین الشهید ذخیرة لیوم الدین ..».

تحفهٔ شاهی **(شعر فارسی)**

از: ؟

آغاز:

زلال حمد محیطی چکار ابر سطور　　　که‌قطره‌ای زچه صنع اوست جمله بحور

تحقیق بعض عبارات التجرید **(عربی)**

از: مولیٰ حسین علی خان.

شرحی و توضیحی است بر برخی عبارت‌های دشوارکتاب تجرید الکلام خواجه نصیر الدین طوسی.

آغاز: «الحمد لله الذي خلق السموات والارض وما فيها من الشمس إلیٰ الذرة ..».

تخمیس نشر الوردة وتلخیص طی البردة **(شعر عربی)**

از: محمد بن احمد سخاوی مالکی.

آغاز: الحمد لله البديع المنان القديم الاحسان الذي شرف جنس الانسان بنوعی المعانی والبیان.

انی جیت جزعاً فجز عن أيمن العلم　　　ومل لسلمى ماشيت من كلم

ورُمتَ سلعاً فسل عن قلبک الکلم　　　امن تذكر جيران بذي سلم

باح اللسان بما في القلب من الم

تذكرة السويدي **(پزشکی ـ عربی)**

از: شیخ ابو اسحاق ابراهیم بن محمّد معروف به ابن طرخان (متوفای ۶۲۰ ق).

آغاز: « استفتح بحمد لله وشکر نعمته.. وبعد جمعت في هذه التذكرة ما استحسنته من مجربات الحكماء وما اخترته من معالجات العلماء بصناعة الطب وما جربته مراراً.. ». [كشف الظنون ۱ / ۳۸۵].

تذكره ناظم تبریزی **(شعر فارسی)**

از: خواجه محمد صادق تبریزی معروف به صادق و متخلص بـه نـاظم (زنده در ۱۰۳۶).

آغاز: « باب دوم از تذکره ناظم تبریزی در انتخاب رباعیات واین باب نیز مشتمل بر دو فصل است اما فصل اول در ترقیم رباعیات متقدمین.. ».

[فرهنگ سخنوران ۵۹۰ و تاریخ تذکره های فارسی ۱ / ۳۸۱ - ۳۸۸].

ترجمه عین الحکمه **(فارسی)**

ترجمه فارسی است ازکتاب عین الحکمه تالیف ملا قوام الدیـن مـحمّد رازی که توسط خود وی ترجمه شده است.

آغاز: « شکر و سپاس مر خدایی راکه بنمود به ما راه راست و درود و سلام به بهترین خلق.. بعد بدان بدرستی و تحقیق که هر علمی را نا چار.. ». [فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۵ / ۴۲۴].

تفسير آیت الكرسی **(عربی)**

از: صدر الدین محمّد بن الصفا بن یونس حسین (زنده در قرن دهم).

تفسیر کوتاهی است بر آیت الکرسی که مؤلف از کلمات مفسرین وعلمای جمع آوری نموده است.

نسخه حاضر از روی نسخه مصنف توسط محمّد امین بن خواجه حسن بن محمّد هروی در آخر شعبان ۹۹۷ تحریر شده است.

آغاز: «الحمد لله الذي لا اله الا هو الحی القیوم.. وبعد فهذه فواید متعدد بتفسیر سید الآی آیت الکرسي..».

تفسیر آیة ﴿لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا﴾ **(عربی)**

از: مؤلف پیشین تألیف شده برای عبیدالله خان ازبک.

آغاز: الحمد لله المنزه عن الشریک بلا خفاء الدال علیٰ وحدانیته برصف الارض والسماء..».

تقدیسات و تشریفات (بخشی از آن) **(عربی)**

از: میر محمّد باقر داماد حسینی استرآبادی

آغاز: «یا هو یا من لا هو الا هو یا فوق الفوق ویا وراء الوراء..».

توضیح المکنون لحل القانون **(عربی)**

از: مظفر حسین بن میرزا علی حسن خان بهادر بن میرزا علی لکهنوئی

شرح و تفسیری است مفصل و به سبک مزجی بر کتاب «القانون» شیخ الرئیس ابن سینا.

آغاز: الحمد لله الذي جعل الانسان افضل المخلوقات وشرفه بانواع التشریفات..».

حاشیه شفا (بخش الهیات) (عربی)

از: غیاث الدین منصور بن صدر الدین محمّد دشتکی (متوفای ۹۴۸)

آغاز: «سوالی الهی شفاء عن المتاعب الریاضیة والکدورات الطبیعیة والتسویدات النطیقة.. وبعد فان الفقیر.. انی بعد فراغی من تکمیل ریاض الرضوان وتقریر قواعد الحکمة باوضح بیان..» [الذریعه ۶/۱۴۳ رقم ۷۸۰].

حاشیه اجد شرح تجدید قوشچی (عربی)

از: ملا جلال دوانی

سومین حاشیه دوانی است بر شرح تجرید قوشچی، که آن را در پاسخ دومین حاشیه سید صدر الدین محمّد دشتکی نگاشته است. دوانی در مقدمه این حاشیه تصریح می‌کند که حاشیه دوم خود را که به حاشیه جدید موسوم است به «تجریدات الغواش و تشییدات الحواشی» نام‌گذاری نموده است.

نسخه دیگری از این حاشیه درکتابخانه مجلس شورای اسلامی (فهرست ۵/ ۱۲۶) معرفی شده که از آغاز افتادگی دارد.

آغاز: اللهم اهدنا الصراط المستقیم.. فانا قد کتبنا في سالف الزمان حواشي علیٰ الشرح الجدید للتجرید فلما تداولتها الایدی ونقاولتها الالسن.. في بعض اهل اهل البلد عرق العصبة والحسد فتصدی تارة إلیٰ استحال واخریٰ لایراد الشبهات والمناقشات.. فتوجهنا إلیٰ دفعها ورفعها وعلقها فیها رسایل سمیناها بالتجریدات الغواشي وتشییدات الحواشي وهي سابغته بین الفللات دایرة بین الاصحاب وتداول الکلام فیها من الجانبین مرارا ووقعت المصاد منه فیها اطواراً بعد مدة وقع لی رخیٰ عاقني عن الاشتغال فضلاً عن الجدال والقیل والقال فاستانف تلک الکلمات واعاد تلک الشبهات..

حاشيه شرح حكمة الاشراق (عربی)

از: صدر المتالهين محمّد بن ابراهيم شيرازی (متوفای ۱۰۵۰ق).

آغاز: «قال الشارح رحمه الله دلالة اللفاظ علىٰ المعنىٰ آه الدلالة مطلقاً كون المعنىٰ بحيث يعلم منه شيء آخر..» [فهرست كتب خطي كتابخانه مجلس شورای اسلامی ۵/ ۱۴۸].

حاشيه شرح هداية الحكمه ملا صدرا[1] (عربی)

از: اعجاز حسين.

حاشيهٔ مفصلی و دراز دامنی است بر شرح هداية الحكمه ملا صدرای شيرازی.

آغاز: «قوله من حيث اشتماله علىٰ قوة التغير، يحتمل ان يراد بالقوة ما يؤثر في الغير من حيث هو غير..».

حاشيه شرح هداية الحكمه ملا صدرا (عربی)

از: سيد دلدار علی نقوی لكهنوئی (متوفای ۱۲۳۵ق).

حاشيه كوتاهی است بر بحث «متناه بالتكرير» شرح هداية الحكمه ملا صدرای شيرازی.

آغاز: «قوله الحمد لله ربّ العالمين قال ولما لم يكن بين الواحد والاثنين عدد لم يوجد في الاعداد..

---

(۱) در مورد حواشی شرح هداية الحكمه ملا صدرا در هند به مقاله سودمند اكبر ثبوت با عنوان «شرح هدايه صدرا در هند» چاپ شده در فصل نامه خرد نامه صدرا شماره سوم، فروردين ۱۳۷۵ صص ۱۰۰ ـ ۱۰۷ به چاپ رسيده، مراجع شود.

أقول تشعبت علماء الديار واختلفت فضلاء الامصار في توضيح هذا الكلام..» [خرد نامهٔ صدرا، شماره سوم، فروردین ۱۳۷۵ ص۱۰۵].

حاشیه شرح هداية الحکمه ملا صدرا **(عربی)**

مجموع سه حاشیه بر این کتاب در یک مجموعه قرارگرفته از این مؤلفان: مولوی رفیع الدین صاحب، مولوی اسماعیل صاحب، مولوی عبدالعلی صاحب.

حاشیه شرح هداية الحکمه ملا صدرا **(عربی)**

از: مولوی عبدالعلی صاحب مشهور به بحر العلوم.

حاشیه مفصلی است بر شرح هداية الحکمة، مؤلف این حاشیه از اساتید بزرگ حکمت در هند بوده و حاشیه وی در تألیفات حکمای بعدی هند خصوصاً در حاشیه های شرح هدایه مورد استناد و توجه بوده است.

آغاز: «قوله الحکمة صناعة ای ملکة کما هو الظاهر وقد صرح باطلاق الصناعة علیها العلّامة التفتازاني..».

حقایق اسرار الطب **(عربی)**

از: مسعود بن محمد سجزی طبیب.

آغاز: «الحمد لله علیٰ ایادیه المتواترة وصنایعه المتقاطرة..». [نسخ خطی پزشکی ایران ۱۰۸].

دلگشانامه یا مختار نامه **(عربی)**

از: میرزا غلام علی آزاد بلگرامی (زنده در قرن دوازدهم).

آغاز:

بــه نــام خـداونـد لیـل ونــهار	خــدای نــهان خــالق آشکــار
بـنام خـور سـیر خـورشید ومـاه	ضـیاء بـخش چشـم سفید وسـیاه

در پایان آن شاعر گوید:

بـه تـهران کـه اصل ونژاد منست	رسـانی مـرا کـان مـراد مـن است
بــه کشـمیر دلگـیر دیگـر مـمان	زهــندم بــرآور بـه ایـران رسـان
کـندجان چـو عـزم سـفر از تـنم	شــود کــربلا یـا نـجف مـدفنم
نگاهی کن ای ابر رحمت به خاک	بــده خــاک را تـوبه آب پـاک
بــه تــرتیب ایـن نـامه دلگشـا	کشـیدم بشش سـال مـن رنـجها
بــنامت پـذیرفت چـون اخـتتام	زتــو چشـم دارم صـله والسـلام

تاریخ کتابت نسخه حاضر غره رجب ۱۱۰۱ و توسط محمّد عزیز نوشته شده است. [الذریعه ۸ / ۲۵۵].

رساله در طب **(فارسی)**

از: الف بیگ طبیب.

آغاز: «فصل اول در اوزان و مکائیل که مصطلح و معمول اطباء است به ترتیب حروف ابجد ..».

رساله در طب **(عربی)**

از: محمّد علی معروف به کوچک بن احمد علی بن حاجبی عسکری عراقی

اشکال و جوابهای است که مؤلف به جوابهای پزشکی درویش محمد نگاشته است و آن را برای سلطان نصیر الدین حیدر شاه جهان پیش کش نموده

است. جوابهای درویش محمد را محمد علی متطبب جمع آوری کرده است.

آغاز: «نحمدک یا من افاض علینا من حقایق العلل والامراض والهمنا ما یتخلص به الارواح عن الآفات والاعراض..».

رساله في صلوة الجمعة **(عربی)**

از: محمد سلطان العلماء.

آغاز: «حمداً لمن جعل الاحتیاط سبیل النجات واقیاً صاحبه من شفا جرف الهلکات..».

رسالة علیٰ بحث: «ما انا قلت» **(عربی)**

از: ملا علی قوشچی

آغاز: «قال صاحب الایضاح وقد تقدم المسند إلیه لیفید التقدیم تخصیصه بالخبر الفعلی.. واعترض علیه.. فکان ما یفرق بین ما انا قلت وانا ما قلت هذا وسیاتی الفرق بینهما انتهیٰ واقول وفیه نظر ان اراد بالخبر الفعلی..».

رسالة في ان واجب الوجود واجب من جمیع الجهات **(عربی)**

از: صدر الدین محمّد بن ابی الصفا بن یونس حسینی (زنده در قرن دوازدهم)

آغاز: «کل کمال واحسن المدح لمن احسن بحسن جمال کل حسن وجمال وکمال کل رشح من کماله..».

ریاض التواریخ **(فارسی)**

از: میرزا طاهر وحید قزوینی (متوفای ۱۱۱۲ق).

تألیف شده به نام سلطان العلماء اعتماد الدوله در زمان شاه صفی صفوی.

آغاز: «نیایش خالقی را سزاست که زبان محمدت نیکان را از کلمات رنگین کسوت وبال طاوس دربر کرده..» [فهرستوارهٔ کتابهای فارسی، منزوی ۲/ ۹۷۸].

سبعه سیاره **(تذکرهٔ فارسی)**

از: علی رضا خان.

آغاز: سبحان الله رنگین خیالی متخیله چه بیرنگ است.

سراج القرآن **(لغت عربی به فارسی)**

از: عبدالصمد بن محمد یاسین اسلامی، تألیف در ۱۱۷۳ق.

لغات قرآنی را به ترتیب حروف معجم شرح و تفسیر نموده است.

آغاز: «الحمد لله الذي علم القرآن وخلق الانسان وعلمه البیان، سپاس بی‌قیاس و حمد بی‌غایت از ابتدا تا به غایت سزاوار کردگار..».

سفرنامه عراق **(اردو)**

از: مهدی لکهنوئی.

سواطع الالهام ودقایق الاحکام فی کشف الاسرار العرفاء والاولیاء الکرام **(عربی)**

از: حکیم عبدالحمید.

مؤلف که مذهب شیعه امامیه داشته، در کتاب حاضر به اثبات واجب الوجود و صفات و اسماء حسنایش به سبک و شیوه عرفا، پرداخته است.

آغاز: «سبحان من سطعت عن سواطع الافهام وشطعت عن احاطة كلماته طبايع الانام.. اما بعد فهذه رسالة وجيزة المعاني كثيرة المباني في اثبات الواجب وصفاته القدسية وبيان كيفية اتصافه بها.. وهی مشتملة علیٰ سواطع وكل ساطعة علیٰ ارقام ودقايق..».

سوال و جوابهای طبی **(فارسی)**

از: حاج محمّد حسين صاحب مطبع محمدی ساكن كلكته.

آغاز: «در اين ايام نافرجام كه اين تراب اقدام حكمای عظام واطبای ذوی الاحترام..».

شرح حديث من عرف نفسه **(عربی)**

از: اوحد الدين عبدالله بليانی.

آغاز: «الحمد لله الذي.. وهو الان كما كان هو الواحد بلا وحدانيته وهو الفرد بلا فردانيته..».

شرح شافيه ابن حاجب **(فارسی)**

از: ملا سعد لكهنوی.

آغاز: «ستايش و نيايش بسيار سزاوار حضرت كردگاری كه قوانين و قواعد علم تصريف را سبب تعبير و موجب شناختن اصول احوال و اشكال الفاظ عربيه ساخت..».

شرح اثبات الجوهر المفارق **(عربی)**

از: ملا جلال دوانی.

آغاز: «بعد حمد الله مبدع الحقايق والصلاة والسلام علىٰ رسوله مظهر الدقايق.. اني بما اتفق لي مطالعة الرسالة التي اخترعها.. نصير الدين محمّد بن الحسن الطوسي في اثبات الجوهر المفارق المسمىٰ بالعقل الكلي سنح لي اثناء المطالعة..».

شرح نهج البلاغه **(فارسی)**

از: حسین بن عبدالحق الهی اردبیلی.

مؤلف شرح مبسوطی بر نهج البلاغه به نام شاه اسماعیل صفوی نگاشته بود که منهج الفصاحه نامگذاری نموده بود. پس از آن گزیده‌ای از شرح مذکور انتخاب نموده که کتاب حاضر می‌باشد و آن را به شاه طهماسب صفوی تقدیم نموده است.

آغاز: «بهترین خطبها که سخنوارن معارف و ما ینطق عن الهوىٰ در معركهٔ نهج البلاغه ومنهج الفصاحة اعلام حقایق انجام آن افراشته‌اند حمد و ثنای علیمی ما اعلی شانه..».

شمس الضحىٰ یا چهارده لمعه **(شعر فارسی)**

از: شمس الدین فقیر دهلوی (متوفای ۱۱۸۳ق).

مثنوی مفصلی است در فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم‌السلام.

آغاز:

ای به نامت زبان سحر طراز　　نطق را داده پایهٔ اعجاز

ناطقه از تو بحر گوهر زاست　　وزنفس جر و مد درو پیداست

[الذریعه ۱۴ / ۲۲۳].

الشهاب الثاقب في الرد علىٰ المتصوفه **(عربى)**

از: على بن محمّد معين سيد على معروف به سيد دلدار على.

آغاز: يا من لا يخطر ببال اولىٰ الروايات خاطرة من تقدير جلالة عزته.

[الذريعة ۱۴ / ۲۵۰ وكشف الحجب ۳۶۳].

صفات كائنات **(فارسى)**

از: ؟

صفات اشياء را ازكلام شعرا و ادبا در طى قطعات ادبى جمع‌آورى و بيان نموده است.

آغاز: «حمد سخن آفرينى كه دلهاى صاف باطنان را روضة الصفاگردانيده..».

عماد السعادات **(تاريخ هند ـ فارسى)**

از: ؟

آغاز: « نغمه فروشى منقار عندليبان بياد رخسار گلى است كه رنگ و بوى گلهاى بهارى تقليد خلق دلنواز جان پرور تماشا نصيبان معرفت رنگ نيرنگى‌هاى او در نگاه تحقيق است .. ».

عين الحكمه **(عربى)**

از: ملا قوام الدين رازى (قرن ۱۲).

آغاز: « الحمد لله الذي هدانا الصراط المستقيم .. يجب ان يعلم ان لكل علم لا بُدّ من امور ثلاثة .. ». [الذريعة ۱۵ / ۳۶۸ و فهرست كتب خطى مجلس شوراى اسلامى ۵ / ۴۲۱].

الفريدة الثمينة في حل معضلات احاديث الطينة **(عربى)**

از: علامه سيّد مرتضىٰ.

آغاز: «الحمد لله الذي خلق الانسان من طين فجعل نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظماً..». [كشف الحجب والاستار ۴۰۰].

فصل الخطاب في اباحة اكل التتن وشرب القليان وجذب الدخان **(عربى)**

از: على بن محمد بن على نقوى.

مشتمل بر دو باب و خاتمه.

آغاز: «الحمدلله الذى لطفه على عباده عميم و احسانه على خلقه جسيم..».

الفلك الدائر في الرد على المثل الساير **(عربى)**

از: ابن ابى الحديد معتزلى.

نقدى است بركتاب المثل السايرنصير الدين بن محمّد موصلى معروف به ابن جزيره.

آغاز: «الحمد لله الذى فاوت بين عقول البشر واخلاقهم كما فاوت بين اعمرهم وارزاقهم..».

كامل الصناعة الطبية **(عربى)**

از: على بن عباس مجوسى اهوازى (زنده در قرن چهارم هجرى قمرى).

آغاز: «المقالة الاول من الجزء الأوّل من كتاب كامل الصناعة الطبية

المعروف بالمکنی .. وهی خمسة وعشرون باباً الباب الأوّل في صدر الکتاب في ذکر وصایا بقراط ». [کتابشناسی نسخ خطی پزشکی ایران ۲۳۶].

کشف الحقایق المحمدیة في شرح اثبات الواجب **(عربی)**

از: غیاث الدین منصور دشتکی (متوفای ۹۴۸)، کاتب نسخه نور الدین محمّد بن عبدالحسین کاشاني شنبه ۱۲ شعبان ۹۷۴.

آغاز: « یا غیاث المستغیثین نسألک کشف الحقایق والاطلاع علیٰ بدایع الاسرار والدقایق .. » [الذریعه ۱۸ / ۳۱].

کنز الفوائد **(فارسی)**

از: ملا محمّد کاظم بن محمّد شفیع هزار جریبی

بحثهای دراز دامنی است پیرامون اخلاق و تاریخ ائمه علیهم السلام، حاوی دوازده باب و یک خاتمه.

آغاز: « الحمد لله ربّ العالمین .. اما بعد چنین گوید تراب اقدام مؤمنین .. ». [کشف الحجب والاستار / ۴۷۶ والذریعة ۱۸ / ۱۶۱].

مبحث النحو **(فارسی)**

از: ؟

آغاز: « بر ناظران این سواد مخفی مباد که در علم نحو بحث ازکلمه وکلام می‌کنند و علما برای آن قوانین قرار داده‌اند.

مثنوی ذو قافیتین **(شعر فارسی)**

از: عزیز الله زاهدی (زنده در قرن نهم هجری).

مؤلف در سال ۸۱۰ق وارد شهر هرات شده و مدت ده سال در آن شهر به تحصیل علوم اشتغال داشته است. بعد از آن این مثنوی را که دارای دو قافیه می‌باشد برای سلطان محمد بایسنقر میرزا بهادر خان به نظم کشیده است. او در این مثنوی قصه عاشق و معشوق را بیان کرده و در ضمن آن صنایع شعری و بدیعی را ذکر نموده است.

آغاز:

چون بر آورد دل نواز آغاز نامه ای کرد دل نواز آغاز
خاک ره جست وآب حیوان یافت خواند فصلی ز باب حیوان یافت

[برای شرح حال مؤلف رک: تذکرهٔ مجالس النفایس، میر علی شیرنوائی ص۱۸ والذریعه ۹ / ۳۹۹ وفرهنگ سخنوران ص۲۴۶].

مجمع الصنایع **(فارسی)**

از: نظام الدین احمد بن محمّد صالح صدیقی حسنی حسینی (قرن یازدهم).

در بیان صنایع شعری و علم بدیع، حاوی چهار فصل.

آغاز: «الحمد لله الذی انعم علینا وهدانا إلیٰ الاسلام ومیزنا عن طبقات الانعام.. شکری زیاده از آنچه که در تحریر وتقریر گنجد..». [الذریعة ۲۰ / ۳۲ و فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی ۳ / ۲۱۴۸].

مجموعه تواریخ وفات **(شعر فارسی)**

از: محفوظ علی صاحب (زنده در قرن چهاردهم هجری).

آغاز: قصیده در نعت.

السلام‌ای شاه دین محبوب ربّ العالمین مسندت‌عرش‌برین‌هم‌خادمت‌روح‌الامین

مؤلف در این کتاب تاریخ وفات عده ای از عالمان هند را وهمچنین برخی وقایع تاریخی را در سی سال اول سدهٔ چهاردهم هجری با ماده تاریخیهایی به شعر بیان نموده است. چند نمونه آن عبارتند.

وفات مولانا حامد حسین (۱۳۰۶).

بگو محفوظ بهر سال رحلت — مقام او بخلد وجنت پاک

وفات مولوی عبدالرحمن صاحب شاه جهان پوری (۱۳۰۵).

گفت از محفوظ هاتف سال فوت — عبدرحمان شد به جنات نعیم

تاریخ فوت سید محمّد ابراهیم صاحب مجتهد العصر والزمان (۱۳۰۷).

از برای یادگارش گفت محفوظ حزین — پاک از عالم به جنت رفت تاریخ وصال

تاریخ فوت مفتی محمّد عباس (۱۳۰۷).

گفت بر کنده دل قبر پی سال ملک — رفت از دار فنا سوی جنان با ایمان

وفات سید محمد حسین صاحب المخاطب به شمس العلماء (۱۳۲۵).

گفت محفوظ علی عبد نحیف وخاکسار — وای عالیقدر مات مجتهد سال وفات

مجموعه الصنایع (فارسی)

از: ؟

مؤلف در این کتاب هنرها و صنعت‌های رایج در عصر خود را که صد و بیست عدد می‌باشد ذکر نموده و در چهل و دو باب، خصوصیات آنها و چگونگی هر صنعت را بیان نموده است. این کتاب در موضوع خود بی‌نظیر است. و در فهارس ذکر از آن بمیان نیامده است. حقیر غیر از این نسخه که در سال ۱۲۵۸ نوشته شده، نسخه دیگری را درکتابخانه راجه محمودآباد لکهنو در هند رؤیت نمودم.

نمونه ای از عناوین بابهای آن چنین است:

باب اوّل : در ساختن مروارید عملی در هفت فصل .

باب پنجم : در حل کردن زر .

باب دهم : در رنگهای فرنگی و بطانه چین .

باب پازدهم : در ساختن هفت رنگ غیر مکرر .

باب بیستم : راز شنگرف صاف کردن .

باب بیست وپنجم : در ساختن نگینه جهت پازهر .

باب سی ام : در صنعت حلیة الکتاب و روغن از کاغذ برداشتن .

باب سی وپنجم : در صنعت داروها .

باب چهلم : در صنعت دور کردن .

آغاز : « حمد و سپاس بدیع الاساس حضرت صانعی راکه مجموعه وجود جمیع موجودات فقط از پرتوی آثار صنع و کمال قدرت اوست .

مختص النص **(فارسی)**

از : سید جعفر معروف به ابو علی حسینی موسوی بنارسی دهلوی

گزیده و خلاصه‌ای است از کتاب دیگر مؤلف موسوم به « مهجة البرهان » که آنهم خلاصه ای است ازکتاب دیگرش نامبردار به « برهان الصادقین » که در آن باب هفتم از کتاب تحفه اثنی عشریه عبدالعزیز دهلوی را رد نموده است . او در این کتاب امامت امیر المؤمنین علی عليه‌السلام را اثبات می کند ، وی در همین کتاب از دو کتاب دیگر خود مسمیٰ به « تکسیر الصنمین » و« حرز الاحباب في أحوال الاصحاب » نام می برد . تاریخ کتابت نسخه حاضر ۱۲۴۱ق می باشد . [کشف الحجب والاستار ص۵۷۲].

آغاز : « بعد حمد حضرت رب العالمین و نعت سید المرسلین .. » .

مختصر نهایه ابن اثیر **(عربی)**

از : ؟

آغاز : « الحمد لله الذي هدانا لهذا وماكنا لنهتدى لولا ان هدانا الله » .

مذاکرات في المحاضرات **(فارسی)**

از : حزین لاهیجی

رساله کوتاهی است در قانون مناظره و استدلال حاوی چهار مقاله

آغاز : « از فیض ایزدی خواستارم که دلی دهد که یاد او را سزد و زبانی بخشد که ستایش او را شاید .. » .

مراد المریدین في عقیدة المتقین **(فارسی)**

از : ؟

شرح و گزارشی است بر کتاب اعتقادات شیخ صدوق ، نسخه حاضر از آغاز افتادگی دارد .

مشارق الانوار في شرح رسالة بهمینار **(عربی)**

از : سید مرتضی نونهری غازی پوری (متوفای ۱۳۳۶ق) .

آغاز : « البرهان علی اثبات الوجود الذی لا سبب له .. اقول یجب ان یعلم اولاً ان دلائل اثبات واجب الوجود علیٰ طریقة الفلسفة الالهیة علیٰ قسمین .. » .

معدن وداد **(تفسیر فارسی)**

از : سید محمّد معروف به محمد بن سید علی فیض آبادی

آغاز: «الحمد لله كما هو اهله ومستحقه ترجمه حمد و ثنا مخصوص است برای خدا، آن حمد که لایق برای اوست .. اما بعد خانه زاد جناب محمد ﷺ وآله .. این تفسیر قرآن مجید را بعد خوض و فکر در عبارت کتاب خدا حسب اشارات و کنایاتیکه از ارشادات ائمه اثنا عشر صدور یافته نوشته .. ».

معراج العقول في شرح دعاء المشلول **(عربی)**

از: سید مرتضیٰ نونهری غازی پوری (متوفای ۱۳۳۶ق)

این کتاب به چاپ رسیده است. و نسخه حاضر جلد دوم کتاب است که به خط مؤلف نوشته شده است.

آغازج دوم: «قوله عليه‌السلام يا جابر العظم الكسير..» [الذريعة ۲۱ / ۲۳۳].

معالم التفريد في شرح التجريد **(عربی)**

از: محمد علی بن نور الله حسینی شوشتری.

شرح وتفسیر مفصل ومزجی است بر کتاب تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی.

آغاز: «اما بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه.. انما خالف جالس سریر عرش التمکین.. بلطفه الامین، دأب المصنفین بایراد کلمه اما بعد في اول کتابه روماً للاختصار بترک المحکی عنه نفسه..».

مقارع النشوان ومفازع السکران ملقب به آب کوثر **(فارسی)**

از: سید مرتضیٰ نورنهری غازی پوری.

نقد و ردی است بر کتاب «آب زر» غلام محمّد حیدر آبادی که در انتقاد از شیعه نوشته است.

آغاز: «قال اللهم انا نحمدک علیٰ ما اولیت من نعم .. أقول لقد ابتدرت منه اغلاط فاحشة ..».

ملخص التفاسیر **(عربی)**

از: ناصر محمّد هارون حسینی نوشته شده برای نجم الحسن مدیر مدسه واعظین.

آغاز: «الحمد لله الذي انزل علیٰ رسوله کتاباً قیماً لینذر باساً شدیداً من لدنه ویبشر المؤمنین ..».

منابع الافاضات في الجهر والاخفات **(عربی)**

از: زین العابدین بن سید محمد بن سید محمّد عباس تستری نوشته شده برای محمّد مهدی حسن خان.

آغاز: «الحمد لله العالم بالسریات والجهریات والصلوات الزکیات علیٰ محمّد اشرف البریات ..».

نجات المؤمنین (شرح دعای عدیله) **(فارسی)**

از: محمّد علی بن محمّد صادق آل کمون حسینی.

آغاز: «الحمد لله الذی خلق المخلوقات بقدرته ورفع السموات بغیر عمد الاثار ..».

نظم الدُرَر فی الحکم الغرر جامع بین اطواق الذهب واطباق الذهب **(عربی)**

از: ؟

آغاز: «الحمد لله الحکیم الحکم.. اما بعد فهذا تنویب جمعت فیه بین التألیفین المسمین باطواق الذهب للعلّامة الزمخشری واطباق الذهب للعلّامة عبدالمؤمن..».

الوزیریة في الرد علیٰ الاصولیة (عربی)

از: حسین علی خان اخباری (متوفای حدود ۱۲۴۰ق).

مؤلف که از اخباریین بوده این کتاب را برای وزیر الدین اخباری تألیف نموده و در آن رساله باقریه راکه مؤلف آن از اصولیین بوده، رد نموده و در سراسر کتاب به فقهاء و اصولیین رد و ایراد فراوان می‌کند. [کشف الحجب والاستار ص ۶۰۰].

آغاز: «سبحانک اللهم وبحمدک یا من نعمائه سابغة وآلاؤه سایغه..».

هداية الاخوان (عربی)

از: محمّد هادی بن معین الدین محمّد شیرازی

ردیه‌ای است بر شبهات قاضی یزدی فرزند کاشف الدین محمد طبیب پیرامون قاعده «عدم المرکب یستلزم عدم احد الجزئین».

آغاز: «اللهم یا واجب الوجود احمد حمداً یوافی حمد کل حامد..».

یاقوت و مرجان (فارسی)

از: ؟

فهرستی است از مطالب کتابهای گوناگون، این کتاب که در چندین جلد است مؤلف در آن کتب چاپی وخطی را ذکر نمود است. نسخه حاضر که یکی از مجلدات کتاب است فهرست مطالب مهم از مؤلف در آن فهرست مطالب مهم هشتاد و یک کتاب را با نشان دادن شماره صفحه یادداشت نموده است.

فهرست نسخه‌های عکسی و میکروفیلم‌های کتابخانه محقق طباطبائی رحمه الله

محمود طیار مراغی

مقدمه :

ایام آشنایی نگارنده با مرحوم علامه محقق سید عبدالعزیز طباطبائی چندان به طول نیانجامید و با وفات غمبار ایشان روزگار حضور به ایام فراق بدل گردید . خصوصیات و ویژگی‌های خاص اخلاقی و علمی که در این مدت اندک از ایشان ملاحظه کردم ، به جرات می‌تواند در میان اقران و معاصران وی کم‌نظیر بوده باشد . در این مختصر به بیان چند ویژگی که در او یافتم اشاره می‌کنم :

ـ سخاوت علمی : کمتر محقق و پژوهشگری ـ در علوم گونه گون اسلامی ـ سراغ داریم که به اندازه مرحوم طباطبائی در ارائه و عرضهٔ اطلاعات کریم و بذول باشد ، اطلاعات و آگاهیهایی که در طول سالیان متمادی در ذهن خود انباشته و همه را در یک لحظه در طبق اخلاص نهاده و به نیازمند آن عرضه می‌داشت ، نیز

کتابخانهٔ گرانسنگ و گنجینهٔ گرانبهایی که در طول سالیان مدید حاصل آمده بود بدون هیچ توقع و چشم داشتی در دسترس پژوهشگران و ارباب تحقیق قرار می‌داد و این از جمله خصایص برجسته‌ای بود که همگان او را به دارا بودن آنها می‌ستودند و او را به داشتن آن ممتاز می‌دانستند .

ـ تعصب و تصلب در مذهب : از دیگر صفات ممتاز او تصلب شدید وی در تشیع است . خصیصه‌ای که در جلوه‌های گوناگون تحقیق ، تالیف ، جمع‌آوری اطلاعات ، جمع‌آوری کتاب ، کتابشناسی و گردآوری نسخه‌های عکسی و میکروفیلم مربوط بدان ظهور یافته بود . نگارنده در خلال ایام فهرست‌نگاری بر نسخه‌های عکسی و میکروفیلم‌های کتابخانهٔ آن عزیز به خوبی بدین خصیصه وقوف یافت . وی کتابها و رسایل زیادی که در مناقب و فضایل امیرالمؤمنین و ائمه هدی (ع) توسط دانشمندان نامدار اهل سنت در قرون پیشین نگارش یافته و به نظر از بین رفته و نابود شده می‌آمد از زوایای تاریک و غبارگرفته کتابخانه‌های ترکیه ، اروپا ، کشورهای عربی و هند بازیافته و با خود به ارمغان آورد .

کتابهایی همچون : الدرة الیتیمة فی بعض فضائل السیدة العظیمة (تألیف سید عبدالله میرغنی حنفی) ، الثغور الباسمة في مناقب السیدة فاطمه (تالیف جلال‌الدین سیوطی) ، النجم الثاقب في بیان أن المهدی من اولاد علی بن ابی‌طالب ، المواهب و المنن فی بعض فضائل سیدنا الحسن (ع) ، قرة کل عین فی بعض مناقب سیدنا الحسین (ع) ، الفتح و البشری فی مناقب الزهراء (س) ، اسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی‌طالب (تألیف محمد بن محمد جزری شافعی دمشقی) و کفایة الطالب فی مناقب مولانا علی بن ابی‌طالب (تألیف محمد بن یوسف شافعی) خود بهترین دلیل بر اعتراف مخالفان بر فضایل اهل بیت (ع) و حقانیت شیعه می‌باشد .

مجموع نسخه‌های عکسی و میکروفیلم‌های این گنجینه بالغ بر ۴۶۶ عدد

(۲۲۰ عدد نسخه عکسی و ۲۴۶ عدد میکروفیلم) است که به جهت اشتمال بر نفایس و ذخایر کم‌نظیر شیعی و اسلامی بسیار ارزشمند و گرانقدر می‌نماید . امید است بازماندگان و اخلاف صالح آن فقید در نگهداری و حفظ آنها کوشا باشند . به اجمال می‌توان گفت موضوعات این گنجینه بر سه عنوان عمده دور می‌زند و مرحوم طباطبائی در انتخاب و گزینش آنها تعمد داشت و روی انگیزه و داعی خاصی انتخاب و برگزیده بود : ۱ ـ متون اصلی و مهم شیعه در طول شش قرن اول ۲ ـ متون مهم تاریخی و حدیثی اهل سنت ۳ ـ کتب و رسایل مشتمل بر فضایل و مناقب اهل بیت (ع) از زبان و قلم دانشمندان اهل سنت .

کتابخانه‌های خارجی که مرحوم طباطبائی در جمع‌آوری این گنجینه از آنها استفاده کرده عبارتند از :

۱ ـ کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول ترکیه
۲ ـ // ایاصوفیا ـ اسلامبول ترکیه
۳ ـ // لاله‌لی ـ اسلامبول ترکیه
۴ ـ // کوپرلی ـ اسلامبول ترکیه
۵ ـ // موزه بریتانیا ـ انگلستان
۶ ـ // بادلیان ـ اکسفورد انگلستان
۷ ـ // دار الکتب الظاهریه ـ دمشق
۸ ـ // فیض الله افندی ـ اسلامبول ترکیه
۹ ـ // دانشگاه ریاض ـ عربستان
۱۰ ـ // بلدیه اسکندریه ـ مصر
۱۱ ـ // خدابخش پاتنه ـ هندوستان
۱۲ ـ // جامع کبیر صنعاء ـ یمن
۱۳ ـ // چستربیتی ـ ایرلند

۱۴ ـ کتابخانه میلان - ایتالیا

۱۵ ـ // فاتح ـ اسلامبول

۱۶ ـ // ملی پاریس - فرانسه

۱۷ ـ // جارالله ایوب ـ اسلامبول ترکیه

۱۸ ـ // فاطریه ـ لکهنو هندوستان

۱۹ ـ // قلیچ علی پاشا ـ اسلامبول ترکیه

۲۰ ـ // اسماعیل پاشا ـ حلب سوریه

۲۱ ـ // ولی‌الدین جارالله افندی ـ ترکیه

۲۲ ـ // دارالکتب المصریه ـ مصر

۲۳ ـ // آصفیه ـ حیدرآباد دکن

نگارنده در این ایام که یادواره‌ای برای سالگشت آن فقید سعید در دست تهیه بود شایق بود اثری ناچیز در بزرگداشت او برجای گذارد و با وجود ضیق شدید وقت به فهرست‌نویسی نسخه‌های عکسی و میکروفیلم‌های آن فقید دست یازید و با سرعت زیاد در آخرین روزهای باقیمانده آن را به پایان برد و ناگفته پیداست که این چنین اثری خالی از خطا و اشتباه فنی نخواهد بود و نگارنده خود بدان واقف بوده و نقد و رد دوستان را به جان می‌خرد ، امید که مورد توجه حق تعالی و پسند ارباب فضل و دانش قرارگیرد .

قم - محمود طیار مراغی

۲۳ آذر ۱۳۷۵

« فهرست نسخه‌های عکسی »

● شماره ۱ : *العبقات العنبرية فی طبقات الجعفرية*

مؤلف : محمد حسین بن علی بن محمد رضا بن موسی بن جعفر کاشف الغطاء

این نسخه شامل جلد اول است و در ۹۴ برگ کتابت شده است ، کاتب حسن بن جاسم فحّام ، تاریخ کتابت بیست و پنجم جمادی الاخر ۱۳۱۶ هجری تألیف کتاب مزبور در نیمه شعبان ۱۳۱۴ هجری آغاز و در دهم ماه رمضان همان سال خاتمه یافته است

عکس از کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران ـ تهران شماره ۱۳۸۶

● شماره ۲ : *العبقات العنبرية فی طبقات الجعفرية*

مؤلف : محمد حسین بن علی کاشف الغطاء

این نسخه شامل جلد دوم ازکتاب است و در ۱۸۶ برگ کتابت شده است ، کاتب همو ، در این نسخه تا ترجمه شیخ محمدرضا نگارش شده و بقیه یعنی طبقه چهارم به جلد دیگر واگذار شده است .

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران ـ تهران شماره ۱۳۸۶

● شماره ۳: ***العلل***

مؤلف : ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

● شماره ۴: ***الاسرار الخفیه فی العلوم العقلیه***

مؤلف : ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه کامل است ، تاریخ کتابت اواخر شوال ۷۳۴ هجری در مدسه کاملیه

عکس از یکی ازکتابخانه‌های ترکیه

● شماره ۵: ***الملاحم***

مؤلف : احمد بن جعفر معروف به ابن منادی

نسخه کامل و در ۱۳۱ صفحه کتابت شده است

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران - تهران

● شماره ۶: ***المناقب و المثالب***

مؤلف : قاضی نعمان مصری

نسخه از ابتدا چهار صفحه افتادگی دارد و در ۳۷۲ صفحه کتابت شده کاتب محمد علی بن ملا سلطانعلی ، تاریخ کتابت بیست و یکم صفر ۱۳۴۸ هجری

● شماره ۷: ***البحر الزخار المعروف بمسند البزار***

مؤلف : ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق البزار (وفات ۲۹۲ هجری)

نسخه کامل و در ۳۴۶ صفحه کتابت شده است و این نسخه شامل جزء ششم از مسند است ،کاتب قدامة بن موسی

عکس ازکتابخانه کوپریلی - ترکیه

● شماره ۸: ***مبادی الوصول الی علم الاصول***

مؤلف: ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی

نسخه کامل و در ۷۰ صفحه کتابت شده است، کاتب علی بن حسن بن رضی علوی حسینی، تاریخ کتابت رجب ۷۱۵ هجری

عکس ازکتابخانه موزه بریتانیا - لندن OR - 10963

● شماره ۹: ***تاریخ ابن عساکر (ترجمهٔ امیر المؤمنین علیه السلام)***

مؤلف: ابوالقاسم علی بن حسن بن هبةالله شافعی معروف به ابن عساکر

این نسخه بخشی از مجلد پنجم است و در صد برگ کتابت شده است

عکس ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - تهران

● شماره ۱۰: ***الثقات العیون فی سادس القرون***

مؤلف: آقابزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه کامل و در ۱۱۵ صفحه بدست مؤلف دانشمند کتابت شده است.

● شماره ۱۱: **مجموعه**

۱ - الإطراف باوهام الأطراف، تألیف احمد بن عبدالرحیم عراقی شافعی (برگ ۲ - ۹۷) نسخه کامل است، کاتب احمد بن عبدالرحیم عراقی (مؤلف)، تاریخ کتابت شانزدهم شوال ۷۹۵ هجری

۲ - سؤالات ابی مسلم صالح اباه اباالحسن احمد، تألیف ابوالحسن احمد بن عبدالله بن صالح عجلی کوفی (برگ ۹۹-۱۴۷)

● شماره ۱۲: ...

مؤلف: ابوالمجد محمدرضا نجفی اصفهانی (وفات ۱۳۸۶هجری)

رساله‌ای ادبی در شرح کتاب شیخ هادی بن عباس کاشف‌الغطاء است، نام کتاب بدست نیامد.

نسخه کامل و در ۱۰۷ صفحه کتابت شده است

عکس ازکتابخانه آیت الله مرعشی نجفی

● شماره ۱۳ : ***تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام***

مؤلف : ابو علی حسن بن خالد بن عبدالرحمن برقی

نسخه از ابتدا ناقص و در ۴۰ برگ کتابت شده است . کاتب محمّد بن جعفر بن عبدالرحیم حسینی ، تاریخ کتابت شوال ۱۰۱۲ هجری .

● شماره ۱۴ : ***مسند الفردوس***

مؤلف : ابو منصور شهردار بن شیرویه دیلمی

نسخه کامل و در ۱۹۴ برگ کتابت شده است .

عکس از نسخه MILLET GENEL KUBHANESI _ 415

● شماره ۱۵ : ***نور العین فی ذکر مشهد السیّد الحسین علیه السلام***

مؤلف : عبدالفتاح بن ابی بکر بن احمد رسام شافعی خلوتی

نسخه کامل و در ۳۷ برگ کتابت شده است . کاتب مؤلف رساله . تاریخ کتابت و تألیف جمعه بیست و هشتم ذیحجه ۱۰۰۴ هجری .

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن

● شماره ۱۶ : ***حواشی علی خلاصة الاقوال فی علم الرجال***

مؤلف : زین‌الدین بن علی جبعی عاملی (شهادت ۹۶۶ هجری)

نسخه کامل و در ۲۴ صفحه کتابت شده است ، کاتب حسین اهری .

تاریخ کتابت جمعه اول ربیع الاول ۱۳۳۷ هجری در نجف اشرف .

● شماره ۱۷ : ***تحقیق البیان***

مؤلف : حسین بن محمّد بن مفضل بن محمّد

نسخه از ابتدا افتادگی دارد و در ۹۴ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت ذیحجه ۶۷۹ هجری

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۱۸ : **مجموعه**

۱ ـ رساله داوودیه ، تألیف محمّد علی روضاتی ، تاریخ تألیف ۱۳۹۸ هجری

۲ ـ تحفه نجفیه ، تألیف همو ، تاریخ تألیف ۱۳۹۷ هجری

۳ ـ رسالة آثار التقوی ، تألیف همو . تاریخ تألیف ۱۳۹۸ هجری

● شماره ۱۹ : ***تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین***

مؤلف : محسن بن کرامة معروف به حاکم جشمی

نسخه کامل و در ۵۲ کتابت شده است ، کاتب سیّد علی بن قاسم موبدی عنبسی زیدی ، تاریخ کتابت پانزدهم ربیع الاول ۱۲۹۲ هجری

عکس از جامع کبیر یمن ـ صنعاء

● شماره ۲۰ : ***جزء فیه سؤالات الشیخ ابو طاهر السلفی الاصبهانی***

مؤلف : ابو طاهر احمد بن محمد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم سلفی اصفهانی

نسخه کامل و در ۲۵ برگ کتابت شده است ، کاتب احمد بن رضوان بن اسماعیل مقدسی شافعی ، تاریخ کتابت پنجشنبه چهارم رجب ۶۳۵ هجری .

عکس از کتابخانه دار الکتب الظاهریة ـ دمشق شماره ۳۴۹

● شماره ۲۱ : ***النجم الثاقب فی بیان انّ المهدی من ولد علی بن ابی طالب علیه السلام***

مؤلف :

نسخه کامل و در ۴۱ برگ کتابت شده است

عکس از یکی از کتابخانه های ترکیه شماره ۶۷۹

● شماره ۲۲ : ***تحریم الفقاع***

مؤلف : شیخ ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه کامل و در ۱۱ صفحه کتابت شده است ، تاریخ کتابت ۷۴۰ هجری
عکس از کتابخانه بادلیان ـ اکسفورد انگلستان شماره F.64 عربی

● شماره ۲۳ : *تاج الموالید*
مؤلف : ابوعلی فضل بن حسن طَبْرِسی (وفات ۵۴۸ هجری)
نسخه کامل و در ۱۳ برگ کتابت شده است
عکس از کتابخانه دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۲۴ : *شرح قصیدة الاشباه*
مؤلف :
دو صفحه از اول افتادگی دارد و از انتها نیز ناقص است و در ۴۲ صفحه کتابت شده است .

● شماره ۲۵ : *الدرّ النفیس من رسالة ابلیس الی اخوانه المجبرة والمشبهة*
مؤلف : عبدالرحمن بن محمّد بن ابراهیم بن العتایقی
رساله در دفاع از عقاید معتزله تألیف شده است ، نسخه حاضر از انتها ناقص و در ۱۷ برگ کتابت شده است .
فیلم از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ـ قم

● شماره ۲۶ : *نسمات الاسحار ونفحات الازهار فی فضائل العشرة الابرار*
مؤلف :
این نسخه بخشی از کتاب راکه به مناقب و فضائل أمیر المؤمنین علیه السلام اختصاص دارد شامل است و در ۶۶ صفحه کتابت شده است

● شماره ۲۷ : *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*
مؤلف : ابو سالم محمّد بن طلحة بن حسن بن محمّد شافعی
نسخه کامل و در ۵۲ برگ کتابت شده است کاتب محمّد بن احمد بن محمّد بن احمد . . . (از اولاد امام صادق علیه السلام)
عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۲۸ : *الرجال*

مؤلف : ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (وفات ۴۶۰هجری)

نسخه کامل و در ۱۵۸ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن سراهنك بن مرتضی حسینی تاریخ کتابت جمعه بیست و یکم رجب ۵۳۳ هجری .

● شماره ۲۹ : **مجموعه**

۱ ـ من منهاج الکرامة فی معرفة الامامة (صفحة ۲ ـ ۹) از برهان پنجم تابرهان بیستم را شامل است

۲ ـ مسائل فقهیة (۱۰ ـ ۱۳۲) بصورت مسئله مسئله که پاسخ هر مسئله پس از اتمام آن داده شده است این رساله از انتها ناقص است

آغاز: بسمله ، مسئلة لو استؤجر لزیارة ثم استطاع للحج و جب تقدیم الزیارة . . .

● شماره ۳۰: **مجموعه**

۱ ـ شرح مسائل الشیخ الطوسی ، تألیف ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (صفحه ۱ ـ ۲۳) ، در این رساله سی مسئله کلامی مطرح و پاسخ داده شده است ، کاتب عبدالله بن محی الدین جامعی عاملی ، تاریخ کتابت بیستم ربیع الثانی ۱۰۷۰ هجری

۲ ـ رسالة فی اعراب الاشعار ، تألیف علی بن محمّد بن عبدالله الطبیب (صفحات این رسالة مغشوش و بهم خورده است) کاتب همو ، تاریخ کتابت بیست و پنجم رجب ۱۰۷۰ هجری

۳ ـ فوائد من کلام أمیر المؤمنین (صفحه ۳۳ ـ ۴۰)

۴ ـ شرح تهذیب المنطق تفتازانی ، هبت الله حسینی معروف به شاهمیر (صفحه ۹۱ ـ ۱۸۳) این رساله از انتها ناقص است .

● شماره ۳۱: ***لباب الانساب***

مؤلف : ابو الحسن علی بن زید البیهقی فرید خراسان

نسخه کامل و در ۳۳۳ صفحه کتابت شده است ، در صفحه اول عنوان کتاب نهایة الانساب تألیف محمّد بن هارون نیسابوری به اشتباه به عکسها اضافه شده است .

عکس ازکتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۳۲: ***تفسیر امام حسن عکسری علیه السلام***

مؤلف : ابوعلی حسن بن خالد بن عبدالرحمن برقی

نسخه از انتها ناقص و در ۲۳۶ برگ کتابت شده است .

عکس ازکتابخانه دانشکده علوم معقول و منقول ـ تهران

● شماره ۳۳: ***التتمة فی تواریخ الائمة***

مؤلف : سید تاج الدین بن علی بن احمد حسین عاملی

نسخه کامل و در ۵۳ صفحه کتابت شده است ،کاتب محمّد مهدی عماد المحققین تاریخ کتابت ذیحجة ۱۳۲۳ هجری

عکس ازکتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۳۴: ***النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامة***

مؤلف : میثم بن علی بن میثم بحرانی

نسخه کامل و در ۱۳۷ صفحه کتابت شده است ، درآخر نسخه آمده است که اغلاط این نسخه به وسیله علی بن محمد عاملی تصحیح شده است .

● شماره ۳۵: ***المجدی فی نسب العلویین***

مؤلف : ابو الحسن علی بن محمّد بن علی نسابة معروف ابن صوفی

نسخة کامل و در ۸۹ برگ کتابت شده است

عکس ازکتابخانه ملی ملك ـ تهران

● شماره ۳۶: **مجموعه**

۱ ـ جزء من فوائد قاضی اردبیلی، تألیف ابو محمد عبدالله بن علی بن عبدالله شفتی اردبیلی (صفحه ۱ ـ ۲۸) تاریخ سماع در آخر رساله به سال ۵۷۳ هجری دیده می شود

۲ ـ حدیث عبدالوهاب الکلابی، تألیف ابو الحسین عبدالوهاب بن حسین بن ولید کلابی (صفحه ۳۴ ـ ۵۳) تاریخ بلاغ در آخر رساله به سال ۵۱۲ هجری دیده می‌شود

۳ ـ همان رساله (صفحه ۵۸ ـ ۷۶) تاریخ سماع به سال ۵۷۹ هجری در اصفهان

۴ ـ جزء فیه من حدیث ابی الحسین الکلابی، تألیف همو (صفحه ۸۰ ـ ۹۰) تاریخ سماع در آخر رساله به سال ۶۰۳ هجری دیده می‌شود

۵ ـ جزء فیه حدیث ابی العباس طاهر بن محمّد بن حکم تمیمی (صفحه ۹۶ ـ ۱۱۵) در انتهای نسخه تاریخ سماع به سال ۴۶۹ هجری دیده می شود

۶ ـ المحاسن المجتمعة فی خلفاء الاربعة (صفحه ۱۱۷ ـ ۱۸۲) کاتب عبدالقادر

۷ ـ العقد الثمین فی مناقب عایشه (صفحه ۱۸۳ ـ ۱۹۱) کاتب یوسف بن محمّد حماد قزوینی، تاریخ کتابت جمادی الاول ۱۲۶۶ هجری

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۳۷: ***کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد***

مؤلف: سید عبدالمطّلب بن مجد الدین محمّد بن علی اعرجی حلی حسینی

نسخه از انتها ناقص و در ۱۵ برگ کتابت شده است ر.ک الذریعة ۱۶ / ۱۶۲

● شماره ۳۸: ***دیوان أمیر المؤمنین علی علیه السلام***

مؤلف:

نسخه کامل و در ۱۰۰ صفحه کتابت شده است، کاتب میر علی خطاط
عکس از موزه بریتانیا ـ لندن

● شماره ۳۹: ***فائق المقال فی الحدیث و الرجال***

مؤلف: مهذبّ الدین احمد بن عبدالرضا
نسخه کامل و در ۳۱۹ برگ کتابت شده است، کاتب مهذب الدین احمد بن عبدالرضا (مؤلف) تاریخ کتابت اول رجب ۱۰۸۵ هجری در حیدرآباد
عکس از کتابخانه انگلستان ـ لندن شماره OR 8459

● شماره ۴۰: ***المبسوط***

مؤلف: ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)
شماره صفحات پریشان و قطع آنها مختلف است ولی بنظر می رسد کامل باشد، جزء اول کتاب را شامل است، کاتب محمد بن ابی غالب بن حق بن ابی غالب البابلی، تاریخ کتابت یکشنبه پنجم صفر ۶۰۰ هجری

● شماره ۴۱: ***معارج الافهام الی علم الکلام***

مؤلف: احمد بن علی بن حسن بن محمد بن اسماعیل کفعمی جباعی
نسخه کامل و در ۱۱۱ صفحه کتابت شده است، کاتب نامش خوانده نشد
عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۸۲۲۱

● شماره ۴۲: ***مبسوط***

مؤلف: ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)
نسخه کامل و از کتاب سبق و رمایه تا آخر جزء چهارم را شامل است و در ۲۹۰ برگ کتابت شده است، کاتب محمود بن حسن بن محمد بن احمد بن یوسف بن عباس، تاریخ کتابت یکشنبه پنجم جمادی الاخر ۶۰۸ هجری
عکس از کتابخانه مجلس سنا ـ تهران

● شماره ۴۳: *کنز الفوائد*
مؤلف: ابو الفتح محمّد بن علی بن عثمان کراجکی (وفات ۴۴۹ هجری)
نسخه کامل و در ۲۵۲ برگ کتابت شده است، تاریخ کتابت ۶۷۷ هجری
عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۴۴: *الغارات*
مؤلف:
نسخه کامل و در ۱۸۱ برگ کتابت شده است، کاتب حسین بن احمد حسینی، تاریخ کتابت یازدهم رجب ۱۱۲۴ هجری، در سال ۱۱۲۵ هجری توسط کاتب مقابله و تصحیح شده است
عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۴۵: *تلخیص المتشابه من الرسم*
مؤلف: ابو بکر احمد بن علی خطیب
نسخه شامل جزء اول و از انتها ناقص و در ۱۲۳ برگ کتابت شده است
عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۴۶: *العلل*
مؤلف: ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)
نسخه از ابتدا و انتها ناقص است و در ۱۴۸ برگ کتابت شده است
عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۴۷: *الضعفاء*
مؤلف: ابو جعفر محمّد بن عمر بن موسی بن حماد عقیلی
نسخه از جزء هفتم تا انتها کتاب را شامل است و در ۲۴۶ صفحه کتابت شده است، در آخر نسخه تاریخ سماع به سال ۵۴۴ هجری دیده می شود
عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۴۸: ***المعجم الکبیر***

مؤلف: ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی لخمی شامی

نسخه شامل جزء اول و از انتها افتادگی دارد، از اول تا عنوان خوات بن جبیر انصاری را شامل است و در ۴۱۶ صفحه کتابت شده است در صفحه اول حاشیه سماع با تاریخ ۶۷۱ هجری دیده می شود

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۴۹: ***طبقات اعلام الشیعه قرن ۹ ـ ۱۰***

مؤلف: آغا بزرگ طهرانی

نسخه از اول شش صفحه افتادگی دارد و از عنوان حسام الدین تا یونس را شامل است و در ۱۳۴ صفحه بخط شریف مؤلف کتابت شده است

● شماره ۵۰: ***الضعفاء***

مؤلف: ابو جعفر محمّد بن عمر بن موسی بن حمّاد عقیلی

نسخه از انتها ناقص است و جزء اول تا جزء هفتم را شامل است و در ۲۴۲ صفحه کتابت شده است، تاریخ قرائت به سال ۴۴۴ هجری در صفحه اول دیده می شود

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه دمشق

● شماره ۵۱: ***المعجم الکبیر***

مؤلف: ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی لخمی شامی

نسخه کامل و شامل جزء سوم (باب العین) و در ۲۲۹ برگ کتابت شده است، کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم است، در انتهای نسخه تاریخ قرائت به سال ۵۹۵ هجری دیده می شود

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۵۲: *العلل*

مؤلف: ابو الحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

نسخه شامل جزء پنجم و از انتها افتادگی دارد و در ۱۰۰ برگ کتابت شده است.

● شماره ۵۳: *العلل*

مؤلف: ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

نسخه شامل بخش اول و در ۱۰۰ برگ کتابت شده است (برگ ۱ ـ ۱۰۰)

کاتب علی بن محمّد بن عنان الدوبلی شافعی، تاریخ کتابت جمعه یازدهم شعبان ۷۰۸ هجری.

● شماره ۵۴: *العلل*

مؤلف: ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

نسخه شامل بخش دوم و در ۱۵۰ برگ کتابت شده است (برگ ۱۰۱ ـ ۲۵۰)

کاتب علی بن محمّد بن عنان الدوبلی شافعی، تاریخ کتابت جمعه یازدهم شعبان ۷۰۸ هجری.

● شماره ۵۵: *تلخیص المتشابه فی الرسم*

مؤلف: حافظ ابو بکر احمد بن علی خطیب

نسخه کامل و شامل جزء اول تا چهارم و در ۱۱۸ برگ کتابت شده است

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۵۶: *صحیفه کامله سجادیه*

نسخه کامل و در ۳۱۳ صفحه کتابت شده است، در این نسخه ترجمه صحیفه از اول تا آخر نیز در بین سطور آمده است، بنابه حاشیه آقای نصیری امینی در صفحهٔ اول این نسخه و ترجمهٔ آن به قبل از سال ۷۶۱ هجری تعلق دارد

عکس از کتابخانه فخر الدین نصیری امینی ـ تهران

● شماره ۵۷: ***شرح قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام***

مؤلف: ؟

نسخه حاضر در ۴۸۷ صفحه کتابت شده است

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۵۸: ***مجموعهٔ احادیث***

مؤلف: ؟

رساله‌ای بی‌نام و نشان ولی کهن که احادیثی از فضایل و مناقب ائمة اطهار را شامل است، تاریخ کتابت ۵۸۰ هجری

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۵۹: ***الفتن***

مؤلف: ابو عبدالله نعیم بن حمّاد مروزی

نسخه کامل و در ۴۰۶ صفحه کتابت شده است، کاتب محمّد بن محمّد بن علی صیرفی انصاری، تاریخ کتابت عید قربان (هجدهم ذیحجه) سال ۷۰۶ هجری در سفح قاسیون دمشق

● شماره ۶۰: **مجموعه**

۱ ـ الدرة الیتیمة فی بعض فضائل السیدة العظیمة، تألیف سید عبدالله بن ابراهیم بن میر غنی حسینی حنفی (صفحه ۲ ـ ۱۸) کاتب علوی بن عبدالله میر ماه میر غنی، تاریخ کتابت یازدهم جمادی الثانی ۱۱۷۹ هجری در مدینه

۲ ـ الثغور الباسمة فی مناقب السیّدة فاطمة، تألیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (صفحه ۱۹ ـ ۲۹) کاتب ابراهیم بن سلیمان بن محمّد بن عبدالعزیز حنفی، تاریخ کتابت پنجشنبه هشتم صفر ۱۰۷۶ هجری

۳ ـ المواهب و المنن فی بعض مناقب سیدنا الامام الحسن علیه السلام، تألیف... (صفحه ۳۱ ـ ۴۹) کاتب یوسف بن محمّد حمّاد، تاریخ کتابت پنجشنبه جمادی الاول ۱۲۶۶ هجری.

۴ ـ قرة کل عین فی بعض مناقب سیدنا الحسین علیه‌السلام ، تألیف ... (صفحه ۵۰ ـ ۶۸) کاتب همو

۵ ـ الفتح و البشری فی مناقب الزهرا ، تألیف مولانا سیّد محمّد جفری تلمیذ شیخ محمّد سمّان (صفحه ۶۹ ـ ۷۶) کاتب همو ، تاریخ کتابت رجب ۱۲۹۹

● شماره ۶۱: ***المؤمن***

مؤلف : حسین بن سعید الاهوازی (از صحابه امام رضا ، جواد و هادی علیهم‌السلام)

نسخه کامل و در ۲۱ صفحه کتابت شده است ، کاتب حسن بن مهدی بن علی حسنی طباطبائی تبریزی ، تاریخ کتابت هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۵ ، کاتب نسخه را از روی نسخه پدرش که از روی نسخه محدث نوری نوشته کتابت کرده است .

● شماره ۶۲: ***خلاصه سیرة سیّد البشر*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

مؤلف : محبّ الدین احمد بن عبدالله بن محمّد بن ابی بکر طبری

نسخه کامل و در ۵۲ صفحه کتابت شده است

عکس از موزه ایران باستان ـ تهران

● شماره ۶۳: ***صفة النفاق و نعت المنافقین***

مؤلف : ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد اصبهانی

نسخه کامل و در ۳۸ صفحه کتابت شده است ، نسخه کهن و در صفحه آخر حاشیه‌ای با تاریخ ۴۲۷ هجری دیده می شود

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۶۴: ***النور الالمع***

مؤلف :

نسخه کامل و در ۹ برگ کتابت شده است ، این کتاب در مناقب و فضائل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نگاشته شده است .

● شماره ۶۵: *نقباء البشر*

مؤلف: آغا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه شامل قسمت دوم (غلامعلی یونس) و در ۱۵۶ صفحه بـه خـط شریف مؤلف کتابت شده است .

● شماره ۶۶: *الجامع الکافی (فقه زیدیه)*

مؤلف: ابو عبدالله محمّد بن علی بن عبدالرحمن علوی حسینی

نسخه شامل جزء اول و در ۳۹۸ صفه کتابت شده است ، تـاریخ کـتابت جمعه پانزدهم رجب ۹۷۲ هجری

عکس از AMBROSIANA MILANO CI68 ARABO

● شماره ۶۷: *حسیب النسیب للحسیب النسیب*

مؤلف: سیّد عز الدین علی بن فضل الله راوندی (قرن ششم هجری)

نسخه کامل و در ۳۰ صفحه کتابت شده است ، تاریخ کتابت ماه صفر ۶۵۶ هجری

عکس از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ـ قم شماره ۴۰۴۷

● شماره ۶۸: *الایناس بعلم الانساب*

مؤلف ابو القاسم حسین بن علی بن حسین وزیر مغربی

نسخه کامل و در ۲۰۴ صفحه کتابت شده است

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن

● شماره ۶۹: *الایضاح فی القرآن*

مؤلف: ابو عبدالله احمد بن ابو عمر الاندرابی

نسخه کامل (شامل ۵۳ باب) و در ۴۱۴ صفحه کتابت شده است ، کاتب

محمّد بن عمر بن حمزه...، تاریخ کتابت یکشنبه دوم ذیحجه ۵۵۹ هجری

● شماره ۷۰: ***المسند من مسائل احمد بن محمّد حنبل***

مؤلف: ابو بکر احمد بن محمّد بن هارون بن یزید خلال بغدادی (وفات ۳۱۱ هجری)

نسخه شامل جزء اول و مقداری از جزء دوم و از انتها ناقص است و در ۱۶۰ صفحه کتابت شده است.

● شماره ۷۱: ***المُسند من مسائل احمد بن حنبل***

مؤلف: ابو بکر احمد بن محمّد بن هارون بن یزید خلال بغدادی (وفات ۳۱۱ هجری)

نسخه از ابتدا و انتها ناقص است و در حدود ۱۵۰ صفحه کتابت شده است.

● شماره ۷۲: ***مطلع البدور (رجال زیدیه)***

مؤلف: صفی الدین احمد بن صالح بن محمّد بن ابی الرجال یمانی (وفات ۱۱۸۰ هجری)

نسخه از انتها ناقص (شروع از حرف طاء تا مطهر) و در ۲۱۸ صفحه کتابت شده است، کاتب شیخ مختار الفذی، تاریخ کتابت ۱۲۶۲ هجری

عکس از کتابخانه آیت الله سید هبة الدین شهرستانی

● شماره ۷۳: **مجموعه**

۱ ـ وصول الاخیار الی اُصول الاخبار، تألیف حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی عاملی (صفحه ۳ ـ ۷۳) حاشی إنهاء در آخر نسخه به تاریخ جمادی‌الاخر ۹۶۹ هجری دیده می شود

۲ ـ رجال ابن داوود حلی، تألیف تقی الدین حسن بن علی حلی (صفحه ۸۷ - ۲۰۳)

تاریخ اِنهاء ۹۶۹ هجری بدست حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی در آخرین صفحه دیده می‌شود

۳ـ فهرست، تألیف ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (وفات ۴۶۰ هجری) (صفحه ۲۰۵ ـ ۲۸۴) کاتب محمّد بن اخی محمّد بن محمد، تاریخ کتابت یکشنبه یازدهم جمادی الثانی ۹۶۹ هجری، نسخه ها کامل است.

عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ اهدایی سید محمّد مشکاة شماره ۱۰۴۴

● شماره ۷۴: ***من لا یحضره الفقیه***

مؤلف: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (وفات ۳۸۱ هجری)

نسخه از ابتدا چند صفحه افتادگی دارد، شامل جزء اول و در ۳۹۵ صفحه کتابت شده است، کاتب محمّد بن علی بن کشّی، تاریخ کتابت جمعه بیست ویکم شوال ۶۵۲ هجری، نسخه مقابله شده است

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 8332

● شماره ۷۵: ***المقاصد العلیّة فی المطالب السنیّة***

مؤلف: علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی

نسخه کامل و در ۱۷۴ صفحه کتابت شده است، کاتب محمّد رضا بن محمّد رحیم کریمی، تاریخ کتابت پنجشنبه چهارم رجب ۱۴۰۷ هجری در جرجان (گرگان)

● شماره ۷۶: ***نهج البلاغة***

مؤلف: شریف رضی محمد بن حسین موسوی (وفات ۴۰۶ هجری)

نسخه کامل و در ۴۷۱ صفحه کتابت شده است، تاریخ کتابت پنجشنبه شانزدهم شعبان ۷۱۸ هجری، نسخه تصحیح و با چند نسخه کهن مقابله شده است

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۷۷: ***فهرست الصدرية فی الاجازات العلية***

مؤلف : ابو المکارم علی اکبر بن شیر محمّد صدر الاسلام همدانی

نسخه کامل و در ۱۰۱ صفحه کتابت شده است ، کاتب مؤلف رساله تاریخ کتابت محرم الحرام ۱۳۲۲ هجری در نجف اشرف ، در ابتدا و انتهای رساله اجازه روایت از آقا میرزا حسین خلیلی طهرانی و سید محمّد موسوی هندی صاحب نظم اللئالی فی علم الرجال دیده می شود .

● شماره ۷۸: ***کتاب الحماسه***

مؤلف :

بنظر می رسد نسخه از انتها ناقص باشد نسخه حاضر شامل ده باب (از باب الحماسه تا باب مذمة النساء) و در ۲۹۴ برگ کتابت شده است

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 19

● شماره ۷۹: ***اسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب*** علیه‌السلام

مؤلف : ابو الخیر محمّد بن محمّد بن محمّد بن جزری دمشقی شافعی مقری

کتاب عکسِ نسخهٔ مطبوع است که در سال ۱۳۲۴ هجری در عهد سلطان عبدالحمید دوم پادشاه عثمان در مطبعه مکه مکرمه بچاپ رسیده است

● شماره ۸۰: ***شرح شافیه ابی فراس فی مناقب آل الرسول و مثالب بنی العباس***

مؤلف : ابو جعفر محمّد بن امیر الحاج حسینی

نسخه از انتها ناقص است و در ۲۸۱ صفحه کتابت شده است

● شماره ۸۱: ***طروس الانشاء و سطور الاملاء***

مؤلف : سیّد ابو معزّ محمّد قزوینی (وفات ۱۳۲۵ هجری)

نسخه کامل و در ۶۷ صفحه کتابت شده است

شماره ۸۲: ***كفاية الطالب فی مناقب مولانا علی بن ابی طالب*** عليه‌السلام

مؤلف: ابو عبدالله محمّد بن یوسف بن محمّد کنجی شافعی قرشی (وفات ۶۵۸ هجری)

نسخه کامل و در ۴۷۴ صفحه کتابت شده است، در صفحه آخر اجازه روایت و قرائت مفاد کتاب از طرف مؤلف بخط خود او نوشته شده است

● شماره ۸۳: ***نهج البلاغه***

مؤلف: شریف رضی محمد بن حسین موسوی (وفات ۴۰۶ هجری)

نسخه از ابتدا و انتها افتاد گی دارد و در ۳۸۷ برگ کتابت شده است (در صفحه آخر مشخصات و تاریخ کتابت نوشته شده است)، کاتب ابو جعفر محمّد بن محمّد بن ابو نصر بن محمّد بن علی، تاریخ کتابت شنبه چهارم ماه رجب ۶۶۰ هجری

● شماره ۸۴: ***الذخيرة فی الكلام وأصول الدين***

مؤلف: سید مرتضی ابوالقاسم علی بن حسین موسوی (وفات ۴۳۶ هجری)

نسخه از ابتدا و انتها افتاد گی دارد و در ۴۷۸ صفحه کتابت شده است

● شماره ۸۵: ***نهاية المرام فی علم الكلام***

مؤلف: ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه از انتها افتادگی دارد و در ۶۶۰ صفحه کتابت شده است

عکس از کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۸۶: ***فهرست اسماء علماء الشيعة ومصنفيهم***

مؤلف: منتجب الدین ابو الحسن علی بن عبیدالله بن حسن بن بابویه رازی

نسخه کامل و در ۷۳ صفحه کتابت شده است، کاتب محمّد بن محمّد بن

علی حمدانی قزوینی، تاریخ کتابت پانزدهم رجب ۶۱۳ هجری، این نسخه در سال ۷۷۶ مقابله شده است.

عکس ازکتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۸۷: *البیان فی نزول القرآن*

مؤلف: محمّد بن علی بن عمر نسوی

نسخه از انتها افتادگی دارد و در ۲۹۰ صفحه کتابت شده است.

● شماره ۸۸: *المجدی فی الانساب*

مؤلف: ابوالحسن علی بن محمد بن علی نسّابه معروف به ابن صوفی

نسخه از ابتدا و انتها ناقص است و در ۱۷۲ صفحه کتابت شده است.

● شماره ۸۹: *رجال*

مؤلف: ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه کامل و در ۱۱۷ برگ کتابت شده است، کاتب محمّد بن سراهنك بن مرتضی الحسنی، تاریخ کتابت جمعه بیست و یکم رجب ۵۳۳ هجری.

● شماره ۹۰: *ما نزل من القرآن فی علی* علیه‌السلام

مؤلف: حسین بن حکم حبری کوفی

از ابتدا و انتها ناقص است و در ۳۲ برگ کتابت شده است

● شماره ۹۱: *الاربعین عن الاربعین فی فضائل أمیر المؤمنین* علیه‌السلام

مؤلف: محمّد بن احمد خزاعی نیسابوری

نسخه کامل و در ۱۶ برگ کتابت شده است، کاتب محمود بن عبدالله ساوجی، تاریخ کتابت ماه رمضان ۹۷۴ هجری در نجف اشرف

● شماره ۹۲: *رسالة فی تحقیق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه*

مؤلف: شمس الدین محمد بن احمد ذهبی

نسخه کامل و در ۱۴ برگ کتابت شده است، کاتب و تاریخ کتابت ذکر نشده است

● شماره ۹۳: ***معراج الوصول (در فضائل اهل بیت علیهم‌السلام)***

مؤلف: شمس الدین محمّد بن یوسف بن حسن مدنی زرندی انصاری (محدّث حرم شریف نبوی)

نسخه کامل و در ۲۶ برگ کتابت شده است، کاتب مؤلف کتاب، تاریخ کتابت شنبه پنجم ذیحجه ۹۱۸ هجری در مکه مشرّفه

● شماره ۹۴: ***مناقب العشرة***

مؤلف: نقشبندی

این نسخه شامل (باب رابع فی مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام) و در ۴۸ برگ کتابت شده است

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۹۵: ***الصحیح من الاخبار فی ذکر احادیث النبی المختار صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم***

مؤلف: ابو بکر محمّد بن عبدالله بن ذکریا جوزفی نیشابوری

نسخه کامل و در ۱۹۸ برگ کتابت شده است، کاتب حسن بن اسرائیل بن احمد بن ابی الحسین قرشی شافعی دمشقی متطبّب، تاریخ کتابت پنجشنبه بیست و هشتم محرم ۷۱۶ هجری در طرابلس شام، نسخه حاضر مقابله وتصحیح شده است.

● شماره ۹۶: ***الاربعین***

مؤلف: ابو محمّد قاسم بن ابو القاسم علی بن حسن سلفی

نسخه کامل (مشتمل برسه جزء) و در ۶۰ برگ کتابت شده است، در صفحه آخر حاشیه سماع از مؤلف در حال حیات وی بتاریخ ذیقعده ۵۹۸ هجری دیده می شود.

● شماره ۹۷: ***فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم***

مؤلف: منتجب الدین ابو الحسن علی بن عبیدالله بن حسن بن بابویه رازی

نسخه کامل و در ۴۵ برگ کتابت شده است ، کاتب شیخ محمّد بن حسن حر عاملی (صاحب و سائل الشیعه) ، تاریخ کتابت آخرین روز سال ۱۰۶۳ هجری .

● شماره ۹۸ : ***جزء فیه احادیث النعالی***

مؤلف : ابو الحسن محمّد بن طلحة بن محمّد النعالی (وفات ۴۱۴ هجری)

نسخه کامل و در ۴۴ صفحه کتابت شده است ، صفحه آخر حاشیه سماع با تاریخ ربیع الاول ۴۹۰ هجری دیده می شود .

● شماره ۹۹ : ***الابحاث المفیده فی تحصیل العقیدة***

مؤلف : ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه کامل و در ۱۱ برگ کتابت شده است

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران شماره ۷۴۱۳

● شماره ۱۰۰ : ***الجامع فی الرجال***

مؤلف :

نسخه ناقص و از صفحه ۵۵۲ تا ۶۰۸ (از ترجمه علی بن محمّد بن زبیر القرشی تا فارس بن حاتم قزوینی) را شامل است .

● شماره ۱۰۱ : **مجموعه**

۱ ـ رساله فلسفی ، تألیف .... (برگ ۱ ـ ۱۹) از ابتدا ناقص است

۲ ـ مفتاح الخیر فی شرح رسالة الطیر ، تألیف جمال الدین علی بن سلیمان بحرانی (برگ ۱۹ ـ ۲۶) نسخه کامل است

۳ ـ نهج المستقیم علی طریقة الحکیم ، تألیف جمال الدین میثم بحرانی(برگ ۲۶ ـ ۳۴)

۴ ـ قصه سلامان وابسال ، تألیف ... (برگ ۳۴ ـ ۳۶) نسخه کامل است .

● شماره ۱۰۲ : ***فوائد***

مؤلف : ابو القاسم تمام بن محمّد بن عبدالله بن جعفر رازی (وفات ۴۱۴ هجری)

نسخه کامل و شامل ۱۵ جزء و در ۵۳۵ صفحه کتابت شده است ، تاریخ سماع محمّد بن حمزه بن محمّد در سال ۵۲۵ هجری در آغاز اجزاء کتاب آمده است .

عکس از کتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۱۰۳ : ***الکواکب السماویة (شرح قصیدهٔ علویه فرزدق)***

مؤلف : شیخ محمّد سماوی

نسخه کامل و در ۲۷۳ صفحه نگاشته شده است ، این کتاب در سال ۱۳۶۰ هجری در مطبعه مرتضویه نجف طبع شده و بخاطر کمیاب بودن عکس آن تهیه شده است .

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس شماره ۱۷۰۸۲

● شماره ۱۰۴ : ***عیون الاخبار فی مناقب الاخیار***

مؤلف : سیّد مرتضی ابو المعالی محمّد بن علی حسینی بغدادی

نسخه کامل و در ۱۹۵ صفحه کتابت شده است ، کاتب عیسی علی (؟) ، تاریخ کتابت چهارم رجب ۶۹۳ هجری ، این نسخه با نسخه‌ای که در تاریخ ۵۶۹ هجری نگاشته شده بود مقابله شده است .

● شماره ۱۰۵ : ***عیون الحکم والمواعظ وذخیرة المتعظ والواعظ***

مؤلف : ابو الکافی علی بن محمّد بن نزار بن شرقیه الواسطی

نسخه کامل و در ۱۸۳ برگ کتابت شده است ، کاتب علی بن یوسف قدسی ، تاریخ کتابت چهاردهم جمادی الاخر ۸۹۲ هجری .

عکس از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ـ قم

● شماره ۱۰۶ : ***السنن الواردة فی الفتن***

مؤلف : ابو عمرو عثمان بن سعید المقرئ الدانی

نسخه چند صفحه از اول و آخر افتادگی دارد و در ۱۹۷ برگ کتابت شده است.

عکس ازکتابخانه دارالکتب الظاهریه ـ دمشق شماره ۳۱۴ حدیث

● شماره ۱۰۷ : **مجموعه**

۱ ـ کتاب الکشف فی اعراب القرآن، تألیف... (صفحه ۲ ـ ۱۹۲)، کاتب محمّد بن حسن بن محمّد حافظ رهقی، تاریخ کتابت جمعه پانزدهم شوال ۵۴۲ هجری در شهر آبه

۲ ـ کتاب الوجوه و النظائر، تألیف ابو هلال حسن بن عبدالله بن سهل عسکری (صفحه ۱۹۴ ـ ۳۱۷)، کاتب همو، تاریخ کتابت دهۀ آخر ربیع الاول ۵۴۷ هجری

۳ ـ تلخیص البیان فی مجاز القرآن (تألیف ۴۰۱ هجری) تألیف سید رضی محمّد بن حسین بن موسی موسوی (صفحه ۳۱۸ ـ ۴۲۱)، کاتب همو، تاریخ کتابت جمعه بیست و نهم رجب ۵۴۷ هجری در شهر آبه

۴ ـ الاستدراك علی ابن علی مما وقع فی کتاب الحجه من الخلل، تألیف ابو الحسین علی بن حسین بن علی نحوی (صفحه ۴۲۳ ـ ۴۲۹) از انتها ناقص است.

● شماره ۱۰۸ : ***رسالة فی الکلام***

مؤلف :

کتاب بصورت قوله کذا، قلنا کذا نگاشته شده است، نسخه از اول و آخر ناقص است و در ۲۲۳ برگ کتابت شده است.

● شماره ۱۰۹ : ***شذور العقیان فی ترجمة الاعیان***

مؤلف : سید اعجاز حسین بن میر محمّد قلی کنتوری لکهنوی (وفات ۱۲۸۶ هجری)

نسخه از ابتداء تا اول حرف قاف و در ۵۳۶ صفحه کتابت شده است

عکس ازکتب خانه آصفیه ـ حیدر آباد دکن

● شماره ۱۱۰ : ***الفصول المختصر من کتاب العیون و المحاسن***

مؤلف : ابو عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان مفید (وفات ۴۱۳ هجری)

این کتاب توسط سیّد ابو القاسم علی بن حسین موسوی جمع شده است ،

نسخه از ابتدا افتاد گی دارد و در ۲۴۵ صفحه کتابت شده است ، کاتب عیسی بن ابراهیم بن عبدالله حلی ، تاریخ کتابت پنجشنبه بیست و یکم جمادی الثانی ۱۰۲۶ هجری

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۱۱۱ : ***تاریخ نیسابور المنتخب من السیاق***

مؤلف : عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (وفات ۵۲۹ هجری)

این نسخه از اول افتاد گی دارد و با نسخه شماره ۱۸۱ اختلاف دارد .

● شماره ۱۱۲ : ***فضائل سیدة النساء بعد مریم فاطمة بنت رسول الله*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

مؤلف : ابو حفص عمر بن احمد بن علی مروزی معروف به ابن شاهین

نسخه کامل و در ۱۶ صفحه کتابت شده است ، کاتب عبدالرحیم بن عبدالخالق بن محمّد بن ابی هشام القرشی الاموی الشافعی .

عکس ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ اهدائی از طرف آیت الله مرعشی نجفی

● شماره ۱۱۳ : ***خصائص علی بن ابی طالب*** علیه‌السلام

مؤلف : نسائی

نسخه کامل و در ۱۱۲ صفحه کتابت شده است، روی صفحه اول تاریخ ۹۸۱ هجری دیده می شود.

عکس ازکتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۱۱۴: **مجموعه**

۱ ـ ذخائر العقبی فی مودة ذوی القربی، تألیف محب الدین احمد بن عبدالله طبری شافعی مکی (وفات ۶۹۴ هجری) (صفحه ۱ ـ ۲۵۰)، کاتب جمال بن محمّد بن مسعود الفضل، تاریخ کتابت پنجشنبه اول رمضان ۷۴۵ هجری

۲ ـ جزء یشتمل علی مراثی اهل البیت، تألیف ابو الحر صفوان بن ادریس بن ابراهیم بن ادریس (صفحه ۲۵۹ ـ ۲۸۹)، کاتب همو

● شماره ۱۱۵: **مجموعه**

۱ ـ مشیخه شیخ ابو محمّد هارون بن موسی تلعکبری (وفات ۳۸۵ هجری)، تألیف سید کمال الدین بن صدر حسینی عاملی (وفات ۱۰۹۹ هجری)، نسخه کامل و در هشت صفحه از روی نسخه آقا بزرگ طهرانی کتابت شده است، کاتب محمّد حسین حسینی طهرانی، تاریخ کتابت چهارم رجب ۱۳۷۵ هجری

۲ ـ ضیاء المفازات فی طرق مشایخ الاجازات، تألیف شیخ محمد محسن آغا بزرگ طهرانی، نسخه کامل و در ۲۴ صفحه از روی نسخه مؤلف کتابت شده است، کاتب همو

۳ ـ اجازه روایت صحیفه کامله سجادیه، حاج آقا حسین خوانساری (وفات ۱۰۹۹ هجری) به سید محمّد باقر بن سید علی رضا (وفات ۱۱۲۳ هجری) به خط مبارك مجیز در جمادی الاخر ۱۰۸۸ هجری

۴ ـ اجازه روایت شیخ حرّ عاملی به سیدّ محمّد باقر بن علی رضا به خط مبارك در سال ۱۰۸۷ هجری

۵ ـ اجازه روایت علامه محمّد باقر مجلسی به همو بخط مبارك در تاریخ ۱۰۸۷ هجری

۶ ـ اجازه روایت سید محمّد باقر بن سید علی رضا به فرزندش سید علی رضا بخط خود در تاریخ ۱۱۲۳ هجری

۷ ـ اجازه روایت آقا بزرگ طهرانی به سید محمّد صادق بحر العلوم در ۲۷ صفر ۱۳۵۰، کاتب محمّد حسین حسینی طهرانی به تاریخ جمادی الاول ۱۳۷۵ هجری

۸ ـ معتقدات شیخنا الشهید محمّد بن مکی (یك برگ).

● شماره ۱۱۶ : *نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*

المؤلف : آقا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه از عنوان فتح الله شروع و به یونس اردبیلی ختم شده است و در ۱۵۷ صفحه بخط مؤلف معظم کتابت شده است.

● شماره ۱۱۷ : *نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*

مؤلف : آغا بزرگ طهرانی

شماره ۱۱۶ مراجعه شود.

● شماره ۱۱۸ : *امالی*

مؤلف : ابو جعفر محمّد بن علی بن حسین بابویه قمی (وفات ۳۸۱ هجری)

نسخه از انتها ناقص و تا ابتدای مجلس ۹۵ موجود است و در ۲۹۷ برگ کتابت شده است، در برگ اول حاشیهٔ مطالعه کننده با تاریخ جمادی الاخر ۶۲۰ هجری دیده می شود.

● شماره ۱۱۹ : **جزء حدیث ابی عبدالله جلابی**

مؤلف : ابو عبدالله محمّد بن علی بن محمّد جلابی مغازلی و اسطی

نسخه کامل و در ۷ صفحه کتابت شده است ، در انتهای نسخه سماع جزء به تاریخ جمادی الاخر ۵۵۹ هجری در جامع دمشق دیده می شود .

● شماره ۱۲۰ : ***أربعین حدیث***

مؤلف :

نسخه کامل و در ۱۶ برگ کتابت شده است .

● شماره ۱۲۱ : ***الشهاب الثاقب فی بیان معنی الناصب***

مؤلف : یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی

نسخه کامل و در حدود ۱۵۰ برگ کتابت شده است ، کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم است ، در انتهای نسخه حاشیه بلاغ و تصحیح با خط مؤلف کتاب به تاریخ دوم شعبان ۱۱۰۹ هجری دیده می شود .

عکس از کتابخانه دانشگاه شیراز ـ شماره ۹۴۲ خ

● شماره ۱۲۲ : ***فضل الخیل***

مؤلف : عبدالمؤمن بن خلف الدمیاطی

نسخه کامل و در ۱۴۶ برگ کتابت شده است

در آخر نسخه حاشیه سماع و قرائت با تاریخ جمادی الاول ۶۸۹ هجری دیده می شود .

● شماره ۱۲۳ : ***الفردوس من المستخرج من الصحاح***

مؤلف :

نسخه کامل (فقط صفحه اول افتاده است) و در ۱۹۴ صفحه کتابت شده است ، کاتب احمد بن رمضان

● شماره ۱۲۴ : ***مقالید علم الهیئة***

مؤلف : ابو ریحان محمّد بن احمد البیرونی (وفات ۴۴۰ هجری)

نسخه کامل و در ۲۵ برگ کتابت شده است کاتب حسین بن محمّد سعد

الله (الدين) تاريخ كتابت بيست و يكم رمضان المبارك ۷۸۴ هجری

عکس از لندن ـ انگلستان

● شماره ۱۲۵ : ***العلل الواردة فی الاحادیث النبوی***

مؤلف : حافظ ابو الحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

جلد سوم و در ۱۰۰ برگ کتابت شده است ، از آخر افتادگی دارد

فیلم شماره ۹ از کتابخانه مجمع العلمی

● شماره ۱۲۶ : **مجموعه**

۱ ـ الاجوبة ، تألیف ابی عبدالله محمّد بن محمّد بن نعمان مفید که در جواب مسائل نه‌گانه السیّد الشریف الفاضل اطال الله فی عز الدین و الدنیا نگاشته است (صفحه ۳ ـ ۲۱)

۲ ـ المسائل العکبریه ، تألیف ابی عبدالله محمّد بن محمّد بن نعمان مفید که در پاسخ سؤالات حاجب ابو اللیث بن سراج نوشته است (صفحه ۲۱ ـ ۴۳)

۳ ـ الاجوبة ، سید مرتضی علم الهدی موسوی که در پاسخ سؤالات پانزدگانه ای که از شهر ری آمده نگاشته است (صفحه ۴۳ ـ ۵۸)

نسخه کامل و در ۵۶ صفحه کتابت شده است ، کاتب نسخه را به درخواست علم الهدی [بن مولی محسن فیض کاشانی] در تاریخ ۱۰۷۵ در بلدهٔ قاسان نگاشته است (دستخط علم الهدی در اول نسخه موجود است)

عکس از لندن ـ انگلستان

● شماره ۱۲۷ : ***المقدمة فی الکلام***

مؤلف : ابو جعفر محمّد بن الحسن بن علی الطوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه کامل و در ۴۴ صفحه کتابت شده است ، کاتب علی بن الحسن الرضی العلوی الحسینی ، تاریخ کتابت غرهٔ ماه ذیحجه ۷۱۶ هجری

● شماره ۱۲۸ : ***فتح الابواب***

مؤلف : رضی الدین ابوالقاسم علی بن طاوس علوی (وفات ۶۶۴ هجری)

نسخه کامل و در ۱۰۱ صفحه کتابت شده است ، کاتب که نامش معلوم نیست نسخه را به در خواست محمّد علم الهدی فرزند مولی محسن فیض کاشانی در سال ۱۰۷۵ در بلدهٔ قاسان صینت عن بوائق الزمان استنساخ نموده است (دستخط علم الهدی در اول نسخه موجود است) .

عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۱۲۹ : ***الجامع الکافی (فقه زیدیه)***

مؤلف : ابو عبدالله محمّد بن علی بن حسن بن علی بن حسین بن عبدالرحمن علوی حسنی

نسخه کامل و شامل جزء دوم و در ۳۳۶ صفحه کتابت شده است ، تاریخ کتابت روز شنبه دوازدهم محرم الحرام ۹۷۲ هجری

● شماره ۱۳۰ : ***شرح نهج البلاغة***

مؤلف : کمال الدین عبدالرحمن بن محمّد بن عتایقی (حیات ۷۸۸ هجری)

به شماره ۱۹۹ مراجع شود

● شماره ۱۳۱ : ***مناقب آل ابی طالب***

مؤلف : ابن شهرآشوب سروی مازندرانی (وفات ۵۸۸ هجری)

نسخه کامل و شامل جزء پنجم و در ۴۶۲ صفحه کتابت شده است ، بنابه یادداشت استاد مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی ﷺ نسخه در سال ۷۷۷ هجری نگاشته شده است

عکس از کتابخانه ملی تبریز ـ تبریز

● شماره ۱۳۲ : ***شرح نهج البلاغة (شرح منتخب نهج البلاغه)***

مؤلف : ؟

نسخه کامل در ۲۱۲ برگ کتابت شده است، کاتب محمّد بن محمود طبسی، تاریخ کتابت پانزدهم شعبان ۱۰۷۴ هجری

عکس از دانشگاه شیراز - شیراز شماره ۹۲۶خ

● شماره ۱۳۳: ***المقامات***

مؤلف: محمّد مؤمن بن محمّد قاسم جزائری شیرازی (ولادت ۱۰۷۴ هجری)

نسخه کامل و در ۸۰ برگ نگارش یافته است، کاتب محمّد مؤمن محمّد قاسم جزائری (مؤلف)، تاریخ کتابت ۱۱۰۹ هجری، مؤلف کتاب راکتابت و به اولادش وقف نموده است.

عکس از دانشگاه شیراز - شیراز شماره ۹۳۵ خ

● شماره ۱۳۴: ***توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل***

مؤلف: شهاب ایجی

نسخه در ۱۶ برگ و شامل باب هشتم و باب نهم که در باره حدیث غدیر آمده است می باشد.

● شماره ۱۳۵: ***اسانید صحیفة الامام الرضا*** علیه السلام

مؤلف: ؟

نسخه کامل و در ۲۷ صفحه کتابت شده است.

عکس ازکتابخانه میلان - ایتالیا

● شماره ۱۳۶: ***المنتخب من مسائل احمد بن حنبل***

مؤلف: ؟

نسخه کامل و شامل دو جزء دهم و یازدهم و در ۵۶ صفحه کتابت شده است، کاتب موفق الدین ابی محمّد عبدالله بن احمد بن محمّد بن قدامه مقدسی

● شماره ۱۳۷: ***النعیم المقیم لعترة النبأ العظیم***

مؤلف: عمر بن محمّد بن عبدالواحد

نسخه کامل و در ۱۶۸ صفحه کتابت شده است، کاتب عثمان بن محمّد بدلیسی، تاریخ کتابت دهه اول ذیحجه ۶۷۶ هجری

عکس از لندن ـ انگلستان

● شماره ۱۳۸: *الانوآء*

مؤلف: احمد بن فارس

نسخه کامل و در ۱۸ صفحه کتابت شده است، کاتب علی بن حسن بن محمّد، تاریخ کتابت بیست و ششم جمادی الثانی ۱۰۸۲

عکس ازکتابخانه مدرسهٔ سپهسالار ـ تهران شماره ۲۹۲۵

● شماره ۱۳۹: *انوار العلم والمعرفة (فی اثبات النبوة والامامة والمعاد)*

مؤلف: محمّد اسماعیل بن محمّد علی غروی محلاتی

نسخه کامل و در حدود ۲۰۰ صفحه کتابت شده است، کاتب علی اکبر بن نصر الله محلاتی، تاریخ کتابت چهاردهم جمادی الاول ۱۳۴۶ هجری

● شماره ۱۴۰: *شرح قصیدة المیمیّة لفرزدق*

مؤلف: ؟

نسخه کامل و در ۱۳ برگ کتابت شده است، در آخر نسخه آمده که مؤلف رساله را در محرم ۱۰۸۱ نگاشته وکاتب نسخه حاضر آن را در بیست و ششم ذیقعدهٔ ۱۲۲۳ کتابت نموده است

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران ـ تهران

● شماره ۱۴۱: *فتح الاقفال*

مؤلف: نجم الدین محمّد جعفر العسکری الطهرانی

نسخه کامل و در ۱۸ صفحه کتابت شده است، کاتب مؤلف، تاریخ کتابت چهار شنبه هشتم رجب ۱۳۷۷ در شهر سامراء

عکس ازکتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ـ قم

● شماره ۱۴۲ : ***اللباب فی معرفة الانساب***

مؤلف : ابو الحسن احمد بن ابراهیم اشعری

نسخه کامل و در ۲۰ برگ کتابت و در تاریخ ۱۰۶۷ وقف شده است

عکس ازکتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد شماره ۲۶۱۹

● شماره ۱۴۳ : ***ذیل تاریخ بغداد***

مؤلف : ابو عبدالله محمّد بن سعید بن یحیی الدبیثی الواسطی

نسخه کامل (از اول تا حرف جیم) و در ۵۱۳ صفحه کتابت شده است کاتب عبدالرحیم بن عبدالخالق بن محمّد هبة الله اموی الشافعی الدمشقی ، تاریخ کتابت هفدهم جمادی الاول ۶۳۵ هجری

● شماره ۱۴۴ : ***رسالة فی واجب الصلوه***

مؤلف : ؟

رساله کامل و در ۱۱ برگ (۵ فصل) کتابت شده است ، تاریخ کتابت پنجشنبه یازدهم ربیع الاول ۷۵۴ هجری

● شماره ۱۴۵ : ***المخلص فی علم الکلام***

مؤلف : سید مرتضی علی بن حسین علم الهدی (وفات ۴۳۶ هجری)

نسخه کامل و در ۱۴۴ برگ کتابت شده است

عکس ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۱۴۶ : ***کفایة الاثر فی النصوص علی الائمة الاثنی عشر***

مؤلف : ابو القاسم علی بن محمد الخزّاز الرازی القمی

نسخه کامل و در ۱۷ برگ کتابت شده است ، کاتب شمس الدین الحسینی ، تاریخ کتابت روز چهارهم شوال ۸۷۲ در قریهٔ یعقوب محله .

● شماره ۱۴۷ : ***الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة***

مؤلف : محمّد محسن آغا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه در ۵۷ صفحه و شامل حرف میم است، نسخه به خط مبارك مؤلف ودر ماه رجب ۱۳۳۵ هجری در شهر کاظمین شروع به نگارش شده است.

● شماره ۱۴۸: ***قامعة اهل الباطل (فی الرد علی من حرّم اقامة عزاء مولانا الحسین علیه‌السلام)***

مؤلف: علی بن عبدالله البحرانی (وفات ۱۳۱۸ هجری)

نسخه کامل و در ۸۴ صفحه کتابت شده است، کاتب میرزا ابو الحسن حائری، تاریخ کتابت پنجشنبه بیست و هفتم جمادی الثانی ۱۳۰۶ هجری، نسخه حاضر توسط مؤلف تصحیح و مقابله شده و صحت آن تائید گشته است.

● شماره ۱۴۹: **مجموعه**

۱ - کتاب فی قوارع القرآن، تألیف ابو عمرو محمّد بن یحیی بن الحسین (برگ ۱ - ۳۸) کاتب ابو عبدالله احمد بن عمرو الاندرانی، تاریخ کتابت روز یکشنبه بیست وهفتم شعبان ۴۲۹ هجری

۲ - صحیفه کاملهٔ سجادیه ماثور از امام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام (برگ ۳۹ - ۷۸) کاتب حسن بن ابراهیم بن محمّد الزامی، تاریخ کتابت شوال ۴۱۶ هجری

۳ - رساله در تذکیر و تانیث زبان عربی (برگ ۸۴ - ۹۰) این رساله از انتها افتادگی دارد.

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی - مشهد مقدس شماره ۱۶۸۸

● شماره ۱۵۰: ***النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف***

مؤلف: شیخ آقا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه کامل و در ۵۱ صفحه کتابت شده است، کاتب علی بن موسی دبستانی نجفی، تاریخ کتابت بیست و هشتم محرم الحرام ۱۳۸۸ هجری.

● شماره ۱۵۱ : ***صحیفه الرضا*** علیه‌السلام

مؤلف : ابو علی فضل بن حسن طَبْرِسی (وفات ۵۴۸ هجری)

نسخه کامل و در ۶۲ برگ کتابت شده است ، کاتب ذبیح الله حسینی رضوی ، تاریخ کتابت بیست و هفتم ربیع الثانی ۱۲۸۹ هجری

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۱۵۲ : ***الیاقوت***

مؤلف : ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت

نسخه کامل و در ۳۱ صفحه کتابت شده است ، کاتب حسین بن ابراهیم بن علی الطبری ، تاریخ کتابت ماه صفر ۷۳۳ هجری در مشهد مقدس رضوی

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس شماره ۶۵۱

● شماره ۱۵۳ : ***المقنعة***

مؤلف : خواجه نصیر الدین طوسی (وفات ۶۷۲ هجری)

نسخه کامل و در دو برگ کتابت شده است ، کاتب شاهوردی ، تاریخ کتابت سال ۹۰۰ در دار السلطنة اصفهان مدرسه ...

عکس از کتابخانه علامه طباطبائی ـ شیراز

● شماره ۱۵۴ : ***تسلیة المجالس و زینة المجالس***

مؤلف : فخر الدین محمّد بن ابو طالب بن احمد بن محمّد حسنی موسوی حائری

نسخه کامل و در ۵۹۵ صفحه کتابت شده است ، برای اطلاعات بیشتر به مجله علوم حدیث شماره اول مقاله صدیق دانشمند آقای علی صدرایی خویی مراجعه شود .

عکس از کتابخانه مدرسه نمازی ـ خوی

● شماره ۱۵۵ : **مجموعه**

۱ ـ کتاب القضا من السنن ، تألیف ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی نسائی خراسانی (وفات ۳۰۳ هجری) (برگ ۱ ـ ۹) تاریخ بلاغ ۴۸۵ هجری

۲ ـ کتاب العاریة و الودیعة (برگ ۱۰)

۳ ـ امالی ابو الفتح میمون بن حمزة بن الحسنی الحسینی (برگ ۱۰ ـ ۱۲)

۴ ـ کتاب الجهاد وکتاب الخیل من السنن ، تألیف ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی (وفات ۳۰۳ هجری) (برگ ۱۳ ـ ۳۳) ، تاریخ بلاغ ربیع الاول ۴۸۵ هجری

۵ ـ کتاب قسم الخمس ، تألیف همو (برگ ۲۳ ـ ۲۵) تاریخ بلاغ ۸[ ]۴ هجری

۶ ـ احادیث یغنم بن سالم عن انس بن مالك (برگ ۲۵ ـ ۲۸) ، کاتب عبدالله بن احمد بن علی بن صابر ، تاریخ کتابت سال ۴۸۴ هجری

عکس از کتابخانه دار الکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۱۵۶ : ***اجوبة مسائل التبانیات***

مؤلف : ابو القاسم علی بن الحسین الموسوی علم الهدی (وفات ۴۳۶ هجری)

نسخه کامل (ده فصل) و در ۸۹ صفحه کتاب شده است ، کاتب شیخ عربانه ، تاریخ کتابت ذیقعده سال ۶۷۶ هجری

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۱۵۷ : ***نهج المسترشدین فی أصول الدین***

مؤلف : حسن بن یوسف المطهر الحلی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه کامل و در ۱۲۶ صفحه کتابت شده است ، کاتب علی بن الحسن بن الرضی الحسینی ، تاریخ کتابت جمعه هیجدهم ذیحجة ۷۱۵ هجری ، در انتهای

نسخه ذکر شده که مؤلف دانشمند کتاب را در شب دوازدهم ربیع الاول ۶۹۹ هجری به پایان رسانیده است

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 10964

● شماره ۱۵۸ : **مشیخه *ابن شهرآشوب* = *نظرة تنقیب***

مؤلف : علّامة شیخ عبدالحسین امینی تبریزی

نسخه کامل و در ۱۲ صفحه به خط شریف مؤلف کتابت شده است .

● شماره ۱۵۹ : ***تهذیب الانساب ونهایة الاعقاب***

مؤلف : ابو الحسن محمّد بن محمّد بن علی عبیدلی نسابه (وفات ۴۳۵ هجری)

به نسخه شماره ۲۱۰ رجوع شود

● شماره ۱۶۰ : ***شرح قصیدهٔ عینیهٔ حمیری***

مؤلف : محمّد عبدالوهاب امام الحرمین همدانی (وفات ۱۳۰۳ هجری)

نسخه از انتها افتادگی دارد و در ۶۷ صفحه کتابت شده است

عکس ازکتابخانه غرب ـ مدرسه آخوندی همدان

● شماره ۱۶۱ : **مجموعه**

۱ ـ شرح حدیث علی عليه‌السلام = نفایس التحقیق و جواهر التدقیق

۲ ـ شرح رساله اثبات جوهر مفارق = تکثیر الفوائد و تیسیر العوائد ، تألیف محمّد بن اسعد دوانی که تعلیقه ای برکتاب اثبات جوهر المفارق خواجه نصیر الدین طوسی است

۳ ـ رسالة در مراتب موجودات

۴ ـ رساله در حکمت

۵ ـ رساله در مکان طبیعی

۶ ـ درة الفاخرة ، تألیف نور الدین عبدالرحمن جامی (وفات ۸۹۸ هجری)

۷ـالمسائل، شرح و توضح ۹ مسئله فلسفی تألیف سال ۹۶۰ و هدیه شده به میر میران

۸ـنظم البراهین فی أصول الدین، مشتمل برهفت باب

نسخه کامل و در ۱۰۷ برگ کتابت شده است، کاتب همه رسایل محمّد بن اسد الله بروجردی و تاریخ کتابت سالها ۱۰۳۰ و ۱۰۳۱ در بلدهٔ بروجرد

عکس از کتابخانه دانشکدهٔ الهیات ـ مشهد شماره ۱۴۸۸۵

● شماره ۱۶۲: **مجموعه**

۱ـالنکت فی مقدمات الاصول، املاء شیخ اجل محمّد بن محمّد بن نعمان حارثی مفید (صفحه ۸۵ـ۹۳)

۲ـکتاب فی الفرق بین الشیعة و المعتزله و بین العدلیة منهما، تألیف همو (صفحه ۹۳ـ۱۶۵) تاریخ کتابت سوم رجب ۱۲۸۱ هجری

۳ـاجوبة السیّد المرتضی (صفحه ۱۶۷ـ۱۶۹)

۴ـفصل من حکایات الشیخ المفید، به نقل از سید مرتضی علم الهدی وغیره (صفحه ۱۷۰ـ۱۷۸)

نسخه ها کامل و از میان مجموعه رسائل یازده گانه انتخاب وعکسبرداری شده است شماره رساله های فوق در مجموعه مذکور به ترتیب ۵ـ۶ـ۷ـ۸ ذکر شده است کاتب [عالم فاضل و دانشمند متبحر] سیّد محمّد موسوی خوانساری.

عکس از کتابخانه استاد حاج سیّد محمّد علی روضاتی ـ اصفهان

● شماره ۱۶۳: **مجموعه**

۱ـمسائل سیّد مهنا، علامه حلی (صفحه ۱۵ـ۵۱) کاتب محمّد بن علی معروف به صفی الدین، تاریخ کتابت رجب ۹۶۰

۲ـاجوبه فخر المحققین (صفحه ۵۱ـ۵۴)، کاتب همو، تاریخ کتابت رجب سال ۹۶۰ هجری

۳ ـ کلمة التوحید، سیّد فضل الله استرآبادی (صفحه ۵۵ ـ ۵۸)

۴ ـ رساله فی کلمة التوحید (صفحه ۵۸ ـ ۶۰)

۵ ـ مسئله فی کلمة التوحید، تألیف امام فخر رازی (صفحه ۶۱ ـ ۶۳)، تاریخ کتابت ربیع الاول ۱۱۰۶

۶ ـ کتاب الاستنصار، تألیف ابو الفتح محمّد بن علی کراجکی (صفحه ۶۴ ـ ۷۴) کاتب محمّد بن علی معروف به صفی الدین، تاریخ کتابت روز نوروز برابر با بیست و هشتم ربیع الاول ۹۶۰ در مشهد مقدس رضوی

۷ ـ رساله فی المسافرة فی شهر الصیام (صفحه ۷۷ ـ ۸۰)

۸ ـ مسائل مفرده، رساله در سال ۸۵۶ هجری تألیف شده است (صفحه ۸۰ ـ ۱۷۸) کاتب محمّد بن علی معروف به صفی الدین، تاریخ کتابت جمادی الاول ۹۶۰ در شهر کاظمین

۹ ـ رسالة فیما یحرم بالرضاع (صفحه ۱۷۹ ـ ۱۸۴)

۱۰ ـ مسائل الشیخ ظهیر الدین بن حسام من الشیخ احمد بن فهد الحلی (صفحه ۱۸۶ ـ ۲۰۰)

۱۱ ـ اجوبة من احمد بن فهد الحلی (صفحه ۲۰۱ ـ ۲۰۶) از انتها افتادگی دارد

۱۲ ـ مسائل ملتقطات فضل الله الحسنی من فتاوی علی بن عبدالعالی کرکی (صفحه ۲۰۸ ـ ۲۱۳)

عکس از کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۱۶۴ : **مجموعه**

۱ ـ اجازه آیت الله آغا بزرگ طهرانی به آقا سید محمّد حسین حسینی طهرانی (صفحه ۱ ـ ۱۸) در تاریخ عید فطر ۱۳۷۵ هجری

۲ ـ اجازه آیت الله ابو محمّد حسن صدر الدین کاظمی به آیت الله آغا بزرگ

طهرانی (صفحه ۱ ـ ۸۰) در تاریخ جمادی الاخرة ۱۳۳۰ هجری کاتب سید محمّد حسین طهرانی، تاریخ کتابت جمادی الاخر ۱۳۷۵ هجری از روی نسخه اصل

● شماره ۱۶۵ : ***رسالة فی مقتل علی*** علیه‌السلام

مؤلف : ابن ابی الدنیا

نسخه کامل و در ۳۸ صفحه کتابت شده است.

● شماره ۱۶۶ : ***دیوان امیر المؤمنین علی*** علیه‌السلام

مؤلف :

نسخه کامل و در ۲۸۲ صفحه کتابت شده است، کاتب یاقوت مستعصمی

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن

● شماره ۱۶۷ : ***ذخیرة العالم وبصیرة المعلم (تتمة کتاب الملخص فی أصول الدین)***

مؤلف : سیّد مرتضی علم الهدی ذو المجد بن ابو القاسم علی الموسوی

نسخه کامل و در ۳۷۹ صفحه کتابت شده است، کاتب علی بن کمال الدین علی استرآبادی، تاریخ کتابت شنبه بیست و پنجم جمادی الاول ؟

عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۱۶۸ : ***الانصاف فی الانتصاف لاهل الحق من الاسراف***

مؤلف : ؟

نسخه از انتها افتادگی دارد و در ۱۹۳ برگ کتابت شده است، این کتاب در رد منهاج السنه که در رد بر منهاج الکرامة علّامة حلی است نگاشته شده است

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد شماره ۵۶۴۳

● شماره ۱۶۹ : ***تفسیر آیة المودة فی ذوی القربی***

مؤلف : شهاب الدین احمد خفاجی

نسخه کامل و در ۱۵۳ صفحه کتابت شده است، کاتب سیّد حسن بن سید علی حسینی تاریخ کتابت ماه رجب ۱۰۷۴ هجری

● شماره ۱۷۰: ***عجائب اغلاط العامة***

مؤلف: سید مرتضی علم الهدی ابو القاسم علی الموسوی (وفات ۴۳۶ هجری)

نسخه کامل و در ۲۸ برگ کتابت شده است، تاریخ کتابت سال ۱۰۸۹ هجری.

● شماره ۱۷۱: ***ثلاثون مسئله***

مؤلف: شیخ ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه کامل و در ۷ صفحه کتابت شده است، کاتب شاهوردی، تاریخ کتابت روز یازدهم ذیقعده ۹۰۰ مدرسه عبیدیه اصفهان

عکس از کتابخانه علّامة طباطبائی دانشگاه شیراز ـ شیراز

● شماره ۱۷۲: ***رجال ابن داود حلی***

مؤلف: تقی الدین حسن بن علی بن داود حلی (ولادت ۶۴۷ هجری)

نسخه کامل و در ۲۳۵ صفحه کتابت شده است

عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۵۳۸۵

● شماره ۱۷۳: ***لوائح اللوحین فی اسرار شهادة الحسین***

مؤلف: سیّد محمّد باقر بن مرتضی طباطبائی یزدی حائری (وفات ۱۲۹۸ هجری)

نسخه کامل (شامل جزء اول) و در ۵۵۷ صفحه کتابت شده است، تاریخ کتابت جمادی الاخر سال ۱۲۹۶ هجری

عکس از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ـ قم شماره ۳۳۱

● شماره ۱۷۴: ***دیوان امیر المؤمنین علی*** علیه‌السلام

مؤلف:

نسخه کامل و در ۲۱۹ صفحه کتابت شده است ، تمام ابیات آن با یك بیت فارسی ترجمه و در زیرآن بیت نوشته شده است ، کاتب مطابق آنچه بر روی صفحه اول نوشته است میر علی است ولی با تردید ذکر شده که بنظر خط مولانا سلطانعلی مشهدی می آید .

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن

● شماره ۱۷۵ : **مجموعه**

۱ ـ معالم العلماء ، تالیف محمّد بن علی بن شهرآشوب سروی مازندرانی (صفحه ۲ ـ ۶۷) ، کاتب محمّد علی بن شیخ حماد حلی برعونی ، تاریخ کتابت ذیحجه سال ۱۰۱۵ هجری

۲ ـ فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم ، تالیف شیخ منتجب الدین علی بن عبیدالله بابویه رازی (صفحه ۱ ـ ۴۳) ، کاتب محمّد علی بن شیخ حماد حلی برعونی ، تاریخ کتابت اواخر ذیحجه سال ۱۰۱۵ هجری از روی نسخه تلمیذ مصنف شیخ یحیی بن محمّد بن علی حمدانی قزوینی با تاریخ رجب ۶۱۳ هجری

عکس ازکتابخانه عمومی وزیری ـ یزد

● شماره ۱۷۶ : **مجموعه**

۱ ـ المسائل الطبریه ، تالیف نجم الدین ابو القاسم جعفر بن حسن حلی (محقق اول) (برگ ۳ ـ ۱۳) ، نسخه کامل و شامل بیست و دو سؤال و پاسخ است .

۲ ـ المسائل الطبریة ، تالیف همو (برگ ۷۸ ـ ۸۴) نسخه کامل و شامل بیست و دو پرسش و پاسخ است ، این نسخه دقیقتر از نسخه اول است ، این نسخه به امر محمّد بن محمّد محسن فیض کاشانی معروف به علم الهدی در سال ۱۰۷۵ هجری در شهر قاسان (کاشان) کتابت شده است .

● شماره ۱۷۷ : *النکت*

مؤلف : محمّد بن محمّد بن محمّد نعمان حارثی مفید (وفات ۴۱۶ هجری)

نسخه کامل و در ۱۷ برگ کتابت شده است ، در تمام اوراق علامت بلاغ دیده می شود .

عکس ازکتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه شیراز ـ شیراز

● شماره ۱۷۸ : *معارج الافهام الی علم الکلام*

مؤلف : احمد بن علی بن حسن بن محمّد بن اسماعیل بن صالح کفعمی جباعی

نسخه کامل و در ۵۵ برگ کتابت شده است ، کاتب ناشناس نسخه را از روی نسخه مؤلف که در دوشنبه دوازدهم ربیع الاول ۸۸۵ هجری نگارش شده کتابت کرده است .

عکس ازکتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه شیراز ـ شیراز

● شماره ۱۷۹ : *التحفة النوریة*

مؤلف : سید عبدالله بن نور الدین بن نعمت الله جزائری

نسخه کامل و در ۳۱ صفحه کتابت شده است ، کاتب مرتضی بن محمّد جعفر موسوی جزایری مشهور به شیخ الاسلام ، تاریخ کتابت بیست و پنجم رجب ۱۳۹۴ هجری بر اول صفحه تقریظ والد مؤلف با تاریخ محرم ۱۱۴۴ هجری بچشم خورد .

● شماره ۱۸۰ : *نور العین فی ذکر مشهد السیّد الحسین* علیه‌السلام

مؤلف : عبدالفتاح بن ابو بکر بن احمد رسام شافعی خلوتی (قرن یازدهم هجری)

نسخه کامل و در ۶۵ صفحه کتابت شده است ، در آخر رساله آمده است که

مؤلف آن را در سال ۱۰۰۴ هجری تالیف کرده است.

● شماره ۱۸۱: ***المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور***

مؤلف: حافظ ابو الحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (وفات ۶۲۹ هجری)

منتخب: إبراهیم بن محمّد بن ازهر صریفنی (وفات ۶۴۱ هجری)

نسخه کامل و در ۱۴۵ برگ کتابت شده است، کاتب ابراهیم بن محمّد بن ازهر صریفنی (منتخِب). تاریخ کتابت جمعه سوم ربیع الاول ۶۲۲ در شهر سنج.

عکس از کتابخانه و زیر ابو العباس احمد بن محمّد کوپریلی شماره ۱۱۵۲ ترکیه

● شماره ۱۸۲: ***المسائل الطبریه***

مؤلف: نجم الدین ابو القاسم جعفر بن حسن حلی (وفات ۶۷۶هجری)

نسخه کامل و در ۱۹ صفحه کتابت شده است، تاریخ کتابت پانزدهم رمضان ۹۵۴ هجری در بلدهٔ هرات صانها الله عن الافات.

عکس از کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی ـ تهران

● شماره ۱۸۳: **مجموعه**

۱ ـ رساله اسطنبولیه فی الواجبات العینیه، تالیف شهید زین الدین بن علی بن احمد عاملی (شهادت ۹۶۶ هجری)، (صفحه ۱ ـ ۲۶) نسخه کامل و در آخر رساله آمده است که مؤلف شهید رساله در سال را ۹۵۲ تالیف کرده است

۲ ـ رساله اسطنبولیه، تالیف همو (صفحه ۱ ـ ۸)، کاتب غلامحسین بن علی اصغر بن غلامحسنی در بندی، تاریخ کتابت سی ام ذیقعده ۱۲۸۸ هجری

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد

● شماره ۱۸۴: ***صیغ عقد النکاح***

مؤلف: ؟

نسخه از انتها ناقص است و در هشت برگ کتابت شده است.

رك ذریعه ۱۵ / ۱۰۸ شماره ۷۲۲

● شماره ۱۸۵ : ***رساله فی العدالة***

مؤلف : محمّد (اسماعیل) بن حسین مازندرانی

نسخه از آخر افتادگی دارد و در ۹۵ صفحه کتابت شده است.

● شماره ۱۸۶ : ***مثالب العرب***

مؤلف : ابو المنذر هشام بن محمّد سائب کلبی

نسخه کامل و در ۱۱۰ صفحه کتابت شده است، کاتب محی الدین بن عبدالله بن حسن بن عبدالله مامقانی، تاریخ کتابت پنجشنبه شانزدهم صفر ۱۳۶۶ در نجف اشرف مقبره شیخ حسن مامقانی

● شماره ۱۸۷ : ***کتاب المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب*** علیه السلام

مؤلف : خطیب ابو الحسن علی بن محمّد بن جلالی معروف به ابن مغازلی شافعی واسطی

نسخه از انتها افتادگی دارد و در ۱۶۶ کتابت شده است.

عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۱۸۸ : ***ذخر العالمین فی شرح دعاء الصنمین***

مؤلف : مهدی بن علی اصغر بن یوسف قزوینی

نسخه کامل و در ۳۶۲ صفحه کتابت شده است، کتاب در روز چهار شنبه سیزدهم جمادی الثانی ۱۱۱۶ هجری تالیف شده است، تاریخ کتابت سلخ صفر ۱۱۲۰ هجری.

عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ کتب اهدائی مشکوه شماره ۸۴۵

● شماره ۱۸۹ : ***نقباء البشر***

مؤلف : آغا بزرگ طهرانی

نسخه شامل قسمت دوم (غلامعلی ـ یونس) و در ۱۵۶ صفحه به خط شریف مؤلف کتابت شده است

● شماره ۱۹۰ : *انساب الاشراف*

مؤلف :

نسخه از صفحه ۸۱۸ تا ۹۱۷ را شامل است ، کاتب و تاریخ کتابت نا معلوم است .

● شماره ۱۹۱ : *دراية*

مؤلف : زین الدین بن علی بن احمد عاملی (شهید ثانی ۹۶۶ هجری)

نسخه کامل در ۵ برگ و در حاشیه پایان امضای شیخ عبدالصمد حارثی (والد شیخ بهائی) با تاریخ ۹۶۹ دیده می‌شود .

● شماره ۱۹۲ : *النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامة*

مؤلف : شیخ مثیم بن علی بحرانی (وفات حدود ۶۷۹ هجری)

نسخه کامل و در ۸۰ صفحه کتابت شده است ، کاتب یوسف بن محمّد بن ابراهیم المثانی ، تاریخ کتابت سه شنبه هفدهم ذیحجة ۸۵۲ هجری

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ رضوی مشهد مقدس

● شماره ۱۹۳ : *المسائل المعروفة باللوامع*

مؤلف : جمال الدین احمد بن فهد حلی (وفات ۸۴۱ هجری)

نسخه از انتها ناقص است و در ۲۴ صفحه کتابت شده است .

● شماره ۱۹۴ : *فهرس بعض مخطوطات*

مؤلف : ؟

در این مجموعه اسامی کتابهای که در الذریعه نیامده و نسخه آنها در کتابخانه شیخ علی حیدر در قم موجود است آمده است .

● شماره ۱۹۵ : ***ما نزل من القرآن فی علی*** علیه‌السلام

مؤلف : حسین بن حکم حبری کوفی

نسخه از ابتدا و انتها ناقص است و در ۳۰ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن حسن بن النعائم ، تاریخ کتابت ششم شوال ۶۶۱ هجری از روی نسخه خزانه مستنصریه به خط ابن هلال معروف به بابن البوّاب .

● شماره ۱۹۶ : ***تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبیین***

مؤلف : شیخ الاسلام محسن بن محمّد بن کرامة الجشمی البیهقی الزیدی

نسخه کامل و در ۱۴۰ صفحه کتابت شده است و فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است .

هدیه از ابو مجاهد الرکابی ـ دمشق ذیحجة ۱۴۱۲

● شماره ۱۹۷ : ***فائق المقال فی الحدیث و الرجال***

مؤلف : مهذب الدین احمد بن عبدالرضا

نسخه کامل و در حدود ۲۰۰ برگ کتابت شده است ، کاتب مهذب الدین احمد بن عبدالرضا (مؤلف) ، تاریخ کتابت ذیحجة الحرام ۱۰۸۵ سال ورود مؤلف به حیدرآباد المصونة عن النفاق و الفساد

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 8459

● شماره ۱۹۸ : ***الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة***

مؤلف : محمّد محسن آقا بزرگ طهرانی

نسخه کامل و به خط مبارك مؤلف در ۲۶۵ صفحه کتابت شده است ، تاریخ شروع کتاب ۱۳۳۷ هجری قید شده است .

● شماره ۱۹۹ : ***شرح نهج البلاغة***

مؤلف : عبدالرحمن بن محمّد عتایقی (حیات ۷۸۸ هجری)

نسخه شامل جزء سوم و در ۳۶۳ صفحه کتابت شده است ، مؤلف کتاب را

در شعبان سال ۷۸۰ هجری با تمام رسانیده است، کاتب ... بن علی محمّد بن محمّد بن علی رشید الدین (قسمت اول نام کاتب و تاریخ کتابت از بین رفته است).

عکس ازکتابخانه مدرسه نمازی ـ خوی

● شماره ۲۰۰: *مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب* علیه السلام

مؤلف: ابو جعفر محمّد بن سلیمان الکوفی

نسخه کامل و در ۱۲۸ برگ کتابت شده است، کاتب محمّد بن عبدالله المَهَلی. تاریخ کتابت چهارم ربیع الاخر سال ۱۰۱۷ هجری.

● شماره ۲۰۱: مجموعه

۱ ـ اربعین حدیث، تالیف شیخ اسعد بن ابراهیم اربلی (صفحه ۱ ـ ۳۳) تاریخ کتابت یازدهم ماه رمضان ۱۳۴۵ هجری

۲ ـ الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، تالیف شیخ جمال الدین یوسف بن حاتم شامی (صفحه ۱ ـ ۲۱)، تاریخ کتابت دوازدهم رمضان ۱۳۴۵ هجری

۳ ـ اربعین حدیث، تالیف ابو الفضل محمّد بن سعید بن هبة الله راوندی (صفحه ۲۱ ـ ۳۲) نقل از مجموع الرائق، تاریخ کتابت بیست و ششم رمضان ۱۳۴۵

۴ ـ برگزیده ازکتاب المجموع الرائق، تالیف سید هبة الله بن ابو محمّد موسوی راوندی (صفحه ۳۴ ـ ۵۰)

۵ ـ المقنع فی الامامة، تالیف ؟ (صفحه ۵۱ ـ ۹۶) تاریخ کتابت بیستم ماه ذیحجة ۱۳۴۵ هجری

۶ ـ نثر اللآلی، منسوب به ابو علی طبرسی (صفحه ۲ ـ ۷) تاریخ کتابت غره رمضان ۱۳۴۹ هجری از روی نسخه قدیم به تاریخ ۸۶۴ هجری

کاتب کلیه رساله ها حید قلیخان بن نور محمّد خان سردار کابلی است

● شماره ۲۰۲ : ***جُنگ عربی (شامل خطبه های امیر المؤمنین علیه السلام ، مواعظ حکما ، حکایات ، اشعار و نوادر و غیره)***

مؤلف : ؟

نسخه کامل و در ۵۹۶ صفحه کتابت شده است ، کاتب محمّد بن علی بن سلیمان بن یوسف ریحانی موصلی ، تاریخ کتابت پانزدهم جمادی الاول ۷۹۰ هجری در محروسه قاهره

● شماره ۲۰۳ : ***الذریعه الی تصانیف الشیعه***

مؤلف : آقا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری) .

نسخه اصل مؤلف که از حرف الف تا هاء را شامل است و با خط مبارك مؤلف کتابت شده است

عکس از مکتبة صاحب الذریعة فی النجف الاشرف (تاسیس ۱۳۵۴ هجری)

● شماره ۲۰۴ : ***طبقات الحنفیه***

مؤلف : ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالصمد سخاوی شافعی (وفات ۶۴۳ هجری)

نسخه از اول کامل و از انتها افتادگی دارد و در ۲۷۴ صفحه کتابت شده است

● شماره ۲۰۵ : ***المعجم***

ابو سعید احمد بن محمّد الاعرابی

نسخه کامل (مشتمل بر ۱۲ جزء) و در ۴۹۸ صفحه کتابت شده است ، در انتهای نسخه کتابی بنام کتاب رویة الله تعالی کتابت شده که تاریخ کتابت ومقابله اش ماه صفر سال ۴۴۷ می باشد .

● شماره ۲۰۶ : ***الملاحم و الفتن***

مؤلف : رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن طاووس (وفات ۶۶۴ هجری)

نسخه کامل و بسیار نفیس و در ۲۵۵ صفحه کتابت شده است ، کاتب خود مؤلف یعنی سید بن طاووس می باشد .

عکس از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ شماره ۵۲۲۸

● شماره ۲۰۷ : **مجموعه کلامی**

نسخه شامل ۱۵ رساله اعتقادی از متکلمین شیعه به شرح ذیل است :

۱ ـ رساله بدون نام و اسم مؤلف (برگ ۱ ـ ۱۳)

۲ ـ فرق الشیعة تالیف ابو محمّد حسن بن موسی نوبختی (برگ ۱۳ ـ ۵۵) تاریخ کتابت یکشنبه چهارم شعبان ۷۴۰ هجری

۳ ـ معدن الجواهر و ریاض الخواطر ، تالیف شیخ ابو الفتح محمّد بن علی کراجکی (برگ ۵۶ ـ ۸۸) کتابت روز جمعه بیست و شش شعبان ۷۴۰

۴ ـ النکت فی مقدمات الاصول ، تالیف شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان (برگ ۸۸ ـ ۹۱) کتابت روز شنبه بیست و هفتم شعبان ۷۴۰ هجری

۵ ـ رساله فی تحریم الفقاع ، تالیف ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (برگ ۹۳ ـ ۹۸)

۵ ـ الاعتقادات ، تالیف شیخ علی بن طاهر صوری (برگ ۹۸ ـ ۹۹) کتابت ششم رمضان ۷۴۰

۷ ـ رسالة فی احوال المعدوم ، تالیف نجم الدین ابو القاسم جعفر بن سعید حلی (محقق اول) (برگ ۹۹ ـ ۱۰۱)

۸ ـ تعلیقه علی کلام المحقق الحلی ، تالیف شرف الدین حسین بن ابی القاسم بن العودی اسدی (برگ ۱۰۱ ـ ۱۰۵)

۹ ـ کتاب العقیدة، تالیف شرف الدین حسین بن ابی القاسم بن العودی (برگ ۱۰۵ ـ ۱۰۷)

۱۰ ـ مسالة فی ارادة الله تعالی، تالیف شیخ مفید (برگ ۱۰۸)

۱۱ ـ سؤال و پاسخ اعتقادی (برگ ۱۰۸ ـ ۱۰۹)

۱۲ ـ باب حادی عشر، تالیف علّامة حلّی (برگ ۱۰۹ ـ ۱۱۳) تاریخ کتابت ظهر شنبه بیست و سوم ذیحجة سال ۷۴۱ هجری

۱۳ ـ منظومه کلامی، تالیف شهاب الدین اسماعیل بن العودی (برگ ۱۱۳ ـ ۱۲۰) تاریخ کتابت بیست و ششم ذیحجه ۷۴۱ هجری

۱۴ ـ العقیده، تالیف شیخ احمد بن حسین بن العودی اسدی حلی کاتب نسخه حاضر (برگ ۱۲۰ ـ ۱۲۲)

۱۵ ـ رسالة کلامیه، احتمالاً از همو (برگ ۱۲۲ ـ ۱۳۱) تاریخ کتابت پنجشنبه بیست و چهارم ذیحجة ۷۴۲ هجری

نسخه کامل و در ۱۳۲ برگ کتابت شده است، کاتب کلیه رساله های مذکور احمد بن حسین بن ابی القاسم العودی الحلی الاسدی است

عکس از کتابخانه بودلیان دانشگاه اکسفورد انگلستان ـ شماره ۶۴ ف عربی

● شماره ۲۰۸: ***خصائص الائمة الاثنی عشر علیه السلام***

مؤلف: سیّد رضی ابو الحسن محمّد بن حسین موسوی (وفات ۴۰۶ هجری)

نسخه کامل و در ۵۳ برگ می باشد که از آن ۳۹ برگ شامل خصائص الائمة و ۵ برگ زیادت بر آن و بقیه فوائد گوناگون است، کاتب عبدالجبار بن حسین بن ابی الفم (؟) الحاج الفراهانی ساکن قریه خومجال و تاریخ کتابت چهار شنبه چهارم شوال ۵۵۳ هجری و زیادت آن را همو در روز چهار شنبه ۱۹ جمادی

الاولی سال ۵۵۳ در خدمت مولانا الامیر الاجل السیّد ضیاء الدین تاج الاسلام ابی الرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله الحسنی ادام الله ظله در قریه جوشقان راوند نوشته است

● شماره ۲۰۹: *الرجال*

مؤلف شیخ الطائفة ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه کامل و در ۲۳۲ صفحه کتابت شده است، کاتب محمّد بن سراهنك بن مرتضی حسنی، تاریخ کتابت جمعه بیست و یکم رمضان ۵۳۳ هجری

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن به شماره OR 7965

● شماره ۲۱۰: *انسان العیون فی مشاهیر سادس القرون*

تالیف: ؟

نسخه از انتها ناقص است و در ۳۵۶ صفحه نگاشته شده است

عکس از مکتبة جامعة بغداد، کلیة الاداب، الدراسات العلیا شماره نسخه ۲۴۸ شماره فیلم ۵۹

● شماره ۲۱۱: *تهذیب الانساب ونهایة الاعقاب*

مؤلف: شیخ الشرف ابو الحسن محمّد بن محمّد بن علی عبیدلی النسابة (وفات ۴۲۵ هجری)

نسخه کامل و در ۳۳۷ صفحه کتابت شده است، نسخه از ابتدا تا انتها توسط سیّد عبدالحسین بن مساعد حسنی حائری نسابه از اعلام قرن دهم کتابت و مقابله شده است.

عکس از موزه بریتانیا ـ لندن به شماره OR 686

● شماره ۲۱۲: *النجوم السرد بذکر علماء یزد*

تالیف: سیّد جواد مدرسی یزدی (ولادت ۱۳۴۴ هجری)

نسخه کامل و در ۲۰۴ صفحه کتابت شده است، کاتب عبدالحمید حمید

یان یزدی کستوی ، تاریخ کتابت سه شنبه ۲۰ شعبان سنه ؟ ، کتاب بـه تـصریح مؤلف در سال ۱۳۹۴ تالیف شده است .

عکس از نسخهٔ مؤلف که در حال حاضر مقیم یزد است

● شماره ۲۱۳ : ***المشجرّ الشریف الحاوی لکل معنی لطیف***

مؤلف : ؟

نسخه کامل و در ۳۲۶ صفحه کتابت شده است ، کـاتب عـبدالمـنعم بـن محمّد بن علی بن ابراهیم مشهور به فرسان ، تاریخ کتابت سه شنبه پانزدهم رجب ۹۰۳ هجری

● شماره ۲۱۴ : ***مشارع الاحکام فی تحقیق مسائل الحلال و الحرام***

مؤلف : محمّد حسین بن محمّد رحیم طهرانی اصفهانی حائری

نسخه از آخر نا تمام است و در ۱۴۵ صفحه نگاشته شده است ، مؤلف از کتاب دیگرش با نام الفصول فی تنقیح مسائل الاصول یاد کرده است .

● شماره ۲۱۵ : ***المجالسة***

ابو بکر احمد بن مروان مالکی دینوری (حیات بعد از ۳۳۰ هجری)

نسخه از جزء ۳۲ تا ۴۷ کتاب المجالسه را در ۵۵۶ صفحه شامل است ، کاتب مجهول ، تاریخ کتابت بیست ماه ربیع الاول ۵۹۶ هجری

عکس از کتابخانه احمد سوم ـ اسلامبول

● شماره ۲۱۶ : ***طبقات المحدثین باصبهان = طبقات الاصبهانیة***

مؤلف: ابو محمّد عبدالله بن محمّد بن جعفر بن حیّان (وفات ۳۶۹هجری)

نسخه شامل دو جزء و در ۱۶۴ برگ کتابت شده است ، اجازاتی در آخر نسخه است که تاریخ ۶۳۵ هجری دارد معلوم می شود نسخه به قبل از این تاریخ تعلق دارد .

عکس از نسخه کتابخانه دارالکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۲۱۷ : *الفتن*

ابو عبدالله نعیم بن حماد المروزی (وفات ۲۲۹ هجری)

نسخه کامل ، در ده جزء و ۲۰۲ برگ شده است ، کاتب محمّد بن محمّد بن علی صیرفی انصاری ، تاریخ کتابت سال ۷۰۶ هجری در سفح قاسیون دمشق .

عکس موزه بریتانیا ـ لندن به شمارهٔ OR 9449

● شماره ۲۱۸ : *الغارات*

مؤلف :

نسخه کامل در ۳۶۰ صفحه ، کاتب حسین بن احمد حسینی ، تاریخ کتاب ۱۱ ماه رجب ۱۱۲۴ هجری ، چند بار مقابله و تصحیح شده و آخرین آن در محرم الحرام ۱۱۲۵ هجری بوده است .

● شماره ۲۱۹ : *نهج البلاغة*

مؤلف : شریف رضی علی بن حسین موسوی (وفات ۴۰۶ هجری)

از اول افتادگی دارد ، ۳۷۸ صفحه ، کاتب محمّد بن محمّد بن احمد النقیب ، تاریخ کتابت صفر ۵۴۴ هجری در قصبه سانزوله (؟)

نسخه در کتابخانه مدرسه فاضلخان ـ مشهد مقدس

● شماره ۲۲۰ : *شرح نهج البلاغة*

مؤلف : ابو الحسن حسن بن ابو القاسم احمد بن عبدالرحمن بن عبیدالله بیهقی

نسخه کامل و در دو مجلد و ۲۱۶ برگ کتابت شده است ، کاتب ... تاریخ کتابت سیزدهم جمادی الاول ۵۵۲ هجری .

عکس از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

« فهرست میکروفیلم‌ها »

● شماره ۱ : ***معانی القرآن***

مؤلف : ابو الحسن سعد بن مسعدة اخفش بلخی (وفات ۲۲۱ هجری)

نسخه کامل ودر ۱۸۷ برگ کتابت شده‌است ، تاریخ کتابت سال ۵۱۱ هجری

فیلم ازکتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۲ : ***استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار***

مؤلف : فخر الدین بن ابو جعفر محمّد بن حسن بن الشهید الثانی

نسخه شامل جز سوم وکامل است ،کاتب محدث جلیل القدر فخر الدین بن محمّد علی طریحی صاحب مجمع البحرین ، تاریخ کتابت ۱۰۲۸ هجری

فیلم ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۳: ***مسند الفردوس***

مؤلف: ابو منصور شهردار بن شیرویه دیلمی

نسخه شامل جزء دوم و از باب سین شروع شده است و در ۱۹۷ ورق کتابت شده است.

فیلم از کتابخانه جار الله ایوب کتابخانه سلیمانیة ـ اسلامبول شماره ۴۱۵

● شماره ۴: ***تفسیر امام حسن العسکری***

مؤلف: ابو علی حسن بن خالد بن عبدالرحمن برقی

نسخه کامل و در حدود ۱۶۰ برگ کتابت شده است، نسخه به کتابخانه علیه دولت ایران تعلق داشت

● شماره ۵: ***رساله در مناقب اهل بیت***

مؤلف: ؟

نسخه از اول افتادگی دارد و در ۱۰۵ برگ کتابت شده است، کاتب عبدالواحد، تاریخ کتابت ۱۱۲۵ هجری

فیلم از کتابخانه لکهنو ـ هند شماره ۷۸۶

● شماره ۶: ***معرفة الصحابة***

مؤلف: ابو نعیم احمد بن عبدالله اصبهانی (وفات ۴۳۰ هجری)

نسخه در ۳۹۴ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه طوپقپو سرای احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۴۹۷

● شماره ۷: ***بغیة الطالب فی تاریخ حلب***

مؤلف: کمال الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه شامل جزء دوم و از انتها ناقص است، صفحات فیلم کیفیت مطلوبی ندارد.

فیلم از کتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول

● شماره ۸: ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف: کمال الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه از عنوان حجاج بن هشام تا حسن بن علی بن حسن را شامل است

فیلم از کتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول

● شماره ۹: **مجموعه**

۱ ـ التراجم الجلیلة الجلّیة، تالیف احمد بن ایبك بن عبدالله حسامی معروف به ابن دمیاطی، شامل بیست جزء از کتاب فوق، کاتب احمد بن عبدالقادر الشاوی

۲ ـ مشیخة الصغری، ابو علی ابن شاذان، شامل جزء اول و دوم، کاتب همو

از این فیلم دو نسخه است که در این شماره از آخر بهم پیوسته است

● شماره ۱۰: ***معرفة الصحابة***

مؤلف: ابو نعیم احمد بن عبدالله اصبهانی (وفات ۴۳۰ هجری)

نسخه در ۳۵۳ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه طوپقپو سرای احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۴۹۷

● شماره ۱۱: ***تحفة المحبین (در محبت اهل بیت علیهم‌السلام)***

مؤلف: میرزا محمّد بن رستم معتمد خان بدخشی

نسخه از انتها ناقص و در ۳۲ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه فاطریه لکهنو ـ هند

● شماره ۱۲: **مجموعه**

۱ ـ المسائل الطبریه یا المسائل الخواریات، تالیف محقق حلی (صفحه ۱ ـ ۲۱) متشکل از بیست و دو مسئله فقهی

۲ ـ المسائل المصریه، تالیف همو (صفحه ۲۲ ـ ۲۵ و ۲۷ ـ ۵۳)

۳ ـ مسئلة القبلة و معنى التياسر، تاليف همو (صفحه ۲۶ ـ ۲۷ و ۲۵)

۴ ـ صفات الشيعه، تاليف شيخ صدوق (صفحه ۵۴ ـ ۸۵)

۵ ـ مختصر كتاب الزهد، تاليف حسين بن سعيد اهوازى، روايت على بن حاتم (صفحه ۱۱۴ ـ ۱۹۷)

۶ ـ كتاب التمحيص، تاليف ابن همام يا ابن شعبه (صفحه ۲۰۰ ـ ۲۴۰)

۷ ـ كتاب ما يتعلق بقضاء حقوق المؤمنين بعضهم لبعض، تاليف سديد الدين ابو على ابن طاهر الصورى (صفحه ۲۴۲ ـ ۲۶۲)

۸ ـ رساله الرضا عليه‌السلام الى المامون المعروف بالذهبيه (صفحه ۳۴۰ ـ ۳۵۸)

فيلم از كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۵۹۲۳

● شماره ۱۳ : ***الاسرار الخفية فى العلوم العقليه***

مؤلف : ابو منصور حسن بن يوسف بن مطهر حلى (وفات ۷۲۶ هجرى)

نسخه كامل ودر ۲۷۵ برگ كتابت شده‌است، تاريخ كتابت شوال ۶۳۴ هجرى

فيلم از كتابخانه طوپقپو سراى احمد ثالث ـ اسلامبول ۳۲۵۴

● شماره ۱۴ : ***العروة الوثقى***

مؤلف : بهاء الدين محمّد بن حسين عاملى (وفات ۱۰۳۰ هجرى)

نسخه از انتها ناقص است

فيلم از كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۱۷۹۴

● شماره ۱۵ : ***عجائب اغلاط العامة***

مؤلف : علم الهدى على بن حسين الموسوى علم الهدى (وفات ۴۳۶ هجرى)

نسخه كامل است، تاريخ كتابت سال ۱۰۸۹

فيلم از كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۱۶ : ***الاربعون حدیثاً عن الاربعین***

مؤلف : ابو سعید محمّد بن احمد بن حسین خزاعی

نسخه کامل است ، کاتب محمّد بن علی بن حسن بن محمّد بن صالح الجباعی تاریخ کتابت اول رجب ۸۶۱ هجری

فیلم ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۵۰۲

● شماره ۱۷ : ***المسند من مسائل احمد بن حنبل***

مؤلف : ابو بکر احمد بن محمّد هارون بن یزید خلّال

نسخه از انتها ناقص است

فیلم از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 2675

● شماره ۱۸ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه از ابتدای حجاج بن هشام تا آخر جزء ۱۵۰ را شامل است

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول

● شماره ۱۹ : ***المنتظم***

مؤلف : عبدالرحمن بن علی بن محمّد جوزی (وفات ۵۹۷ هجری)

از حوادث سال ۷۵ تا سال ۸۰ هجری را شامل است

فیلم کتابخانه ایاصوفیا ـ اسلامبول شماره ۳۴۱۱

● شماره ۲۰ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

این نسخه شامل جزء هفتم (صفحه ۵۵ـ۲۰۴) و جز هشتم (صفحه ۲۰۵ ـ ۲۷۰) را شامل است

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول

• شماره ۲۱: ***جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب***

مؤلف: شمس الدین ابو البرکات محمّد دعونی شافعی

نسخه از انتها افتادگی دارد

• شماره ۲۲: ***العلل***

مؤلف: ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

این نسخه شامل جزء اول و در ۱۶۰ برگ کتابت شده است

فیلم از دار الکتب الظاهریه ـ دمشق

• شماره ۲۳: ***الملاحم و الفتن = التشریق بالمنن فی التعریف بالفتن***

مؤلف: رضی الدین ابو القاسم علی بن طاووس (وفات ۶۶۴ هجری)

نسخه از آغاز چند سطر افتادگی دارد، خط نسخه از سده هفتم هجری و از خود مؤلف دانسته شده است

فیلم ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۵۲۲۸

• شماره ۲۴: ***منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة***

مؤلف: قطب الدین هبة الله راوندی (وفات ۵۷۳ هجری)

نسخه شامل جلد دوم است، کاتب محمّد بن ابو الفتح بن ابو الحسن بن ابو العباس، تاریخ کتابت محرم ۶۰۳ هجری

فیلم ازکتابخانه چستر بیتی ـ ایرلند

• شماره ۲۵: ***وسائل الشیعه***

مؤلف: شیخ محمد بن حسن حر عاملی (وفات ۱۱۰۴ هجری)

نسخه از ابتدا تا باب و جوب القصر علی المسافر را شامل است.

• شماره ۲۶: ***معرفة الصحابة***

مؤلف: ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد اصبهانی (وفات ۴۳۰ هجری)

نسخه کامل و از ابتدا تا عنوان عبدالله بن حبیب مجهول را شامل است، در

انتهای کتاب تاریخ سماع به سال ۵۵۱ هجری دیده می شود

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۴۹۷

● شماره ۲۷ : ***نهایة المرام فی علم الکلام***

مؤلف : ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه کامل و در ۳۲۹ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن حسن اصبهانی معروف به بهاء الدین محمود ، تاریخ کتابت شوال ۱۰۹۱ هجری

وی این نسخه را از روی نسخه ناصر بن ابراهیم بویهی که او هم از روی نسخه مؤلف نوشته بود کتابت کرده است

فیلم ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۲۸ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

این نسخه شامل جزء چهارم ، پنجم ، ششم و هفتم را شامل است

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۹۲۵

● شماره ۲۹ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : همو

نسخه جلد اول و دوم و سوم را شامل است

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ، اسلامبول شماره ۲۹۲۵

● شماره ۳۰ : ***مراثی شیخ الانصاری***

مؤلف : ؟

در این نسخه از قصائد شیخ احمد قفطان ، تخمیس شیخ محسن بن علی المنصوری ، شیخ حسین کرکی ، حاج آقا ترك ، قصیده شیخ جواد محی الدین ، مهدی قطفان ، سیّد محمّد علی بن ابو الحسن ، احمد بن صالح بحرانی (کاتب) ، سیّد صالح رشتی ، سیّد موسی بن جعفر طالقانی ، میرزا علی ، شیخ عباس بن

شیخ حسن، کاظم بن حسن سینی، علی همدانی، حسین بن احمد قطفان، محمّد سعید بن محمود سعید.

● شماره ۳۱: *المجروحین من المحدثین*

مؤلف: ابو حاتم محمّد بن حبان تمیم بستی (قاضی سمرقند) (وفات ۳۳۴ هجری)

نسخه کامل است، کاتب عبدالله بن مروان شافعی

● شماره ۳۲: *سلوة الحزین*

مؤلف: قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبة الله راوندی (وفات ۵۷۳ هجری)

نسخه از انتها ناقص است و در ۱۳۰ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ کتابهای اهدائی مشکوة شماره ۵۰۲

● شماره ۳۳: *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*

مؤلف: قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی (وفات ۵۷۳ هجری)

کاتب محمدّ بن ابو الفتح بن ابو الحسن، تاریخ کتابت محرم ۶۰۳ هجری

فیلم از کتابخانه چستربیتی ـ ایرلند شماره ۵۲۶

● شماره ۳۴: *خرقه*

مؤلف: سیّد محمّد بن محمّد کاظم طباطبائی یزدی (وفات ۱۳۳۴)

نسخه کامل و در ۳۸۶ صفحه کتابت شده است، کاتب محمّد بن محمّد کاظم طباطبائی (مؤلف)، تاریخ کتابت سال ۱۳۳۰ هجری

● شماره ۳۵: *مسائل احمد بن حنبل*

مؤلف: ابو بکر احمد بن محمد بن هارون بن یزید خلّال

به شماره ۱۷ مراجعه شود

فیلم از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 2675

● شماره ۳۶: **حديقة هلالية**

مؤلف: شيخ بهاء الدين محمّد عاملی (وفات ۱۰۳۰ هجری)

نسخه کامل و در ۳۲ برگ کتابت شده است، کاتب بهاء الدين محمّد عاملی (مؤلف)، تاریخ کتابت اول جمادی الاول ۱۰۰۳ هجری در محروسهٔ قزوين

● شماره ۳۷: ***العبقات العنبرية فى طبقات الجعفرية***

مؤلف: محمّد حسين بن علی بن محمّد رضا کاشف الغطاء

نسخه کامل و از اول تا آخر ترجمه شيخ محمّد رضا کاشف الغطاء را شامل است، و در ۲۸۴ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران شماره ۱۳۸۶

● شماره ۳۸: ***وسائل الشيعة***

مؤلف: شيخ محمّد بن حسن حر عاملی (وفات ۱۱۰۴ هجری)

نسخه کامل و شامل جلد اول از کتاب است، کاتب محمّد مهدی مشهدی، تاریخ کتابت دهم شوال ۱۰۸۳ هجری از روی نسخه مؤلف در سال ۱۰۸۰ هجری

فیلم از کتابخانه دنشگاه علوم معقول و منقول ـ تهران

● شماره ۳۹: ***الحجة للقراء***

مؤلف: ابو علی حسين بن احمد بن عبدالغفار الفارسی (وفات ۲۷۷ هجری)

این نسخه جزء سوم و از سوره اعراف تا سوره انبياء را شامل است، کاتب طاهر بن علييون، تاریخ کتابت دهم ذيحجة سال ۴۲۷ هجری

● شماره ۴۰: ***نهاية المرام فى علم الكلام***

مؤلف: حسن بن يوسف بن مطهر حلی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه کامل و در ۳۲۹ برگ کتابت شده است، کاتب محمّد بن حسن اصبهانی معروف بهاء الدین محمود، تاریخ کتابت شوال ۱۰۹۱ هجری

فیلم از کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران

● شماره ۴۱: ***الصواعق المحرقة لاخوان الشیاطین و الابتداع و الضلال والزندقه***

مؤلف: شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی (وفات ۹۷۳ هجری)

نسخه کامل است، کاتب محمود بن علی بن عطاء الله ابشهی شافعی، تاریخ کتابت نوزدهم شوال ۱۰۸۳ هجری

● شماره ۴۲: ***جامع المقاصد فی شرح القواعد***

مؤلف: نور الدین علی بن عبدالعالی کرکی

نسخه کامل و شامل جزء سوم از کتاب است، کاتب حسن بن محمّد موسوی حسینی، تاریخ کتابت پنجشنبه رمضان ۹۷۵ هجری

● شماره ۴۳: ***الاستبصار***

مؤلف: ابو جعفر محمّد بن علی الطوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه کامل و شامل جزء اول است، کاتب جعفر بن علی بن جعفر مشهدی، تاریخ کتابت شنبه هشتم ذیقعدهٔ ۵۷۳ هجری

● شماره ۴۴: ***الملتقی فی سرد الکنی***

مؤلف: شمس الدین محمّد بن احمد بن عثمان ذهبی (وفات ۷۴۸ هجری)

● شماره ۴۵: ***مطلب السؤل فی مناقب الرسول***

مؤلف: ابو سالم محمد بن طلحه بن حسن شافعی

نسخه کامل و در ۵۲ برگ کتابت شده است، در برگ اول آمده که مؤلف کتاب را در سال ۶۵۰ هجری در حلب تألیف کرده است، کاتب محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن ... اسحاق موتمن بن امام جعفر صادق علیه‌السلام

● شماره ۴۶: ***الحماسة ذات الحواشی***

مؤلف: سیّد ابو الرضا فضل الله راوندی (حیات سده ششم هجری)

نسخه کامل و در ۳۰۰ برگ کتابت شده است

فیلم از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 19

● شماره ۴۷: ***الکافی***

مؤلف: ابو الصلاح تقی الدین بن نجم الدین حلبی

این فیلم شامل دو نسخه از این کتاب است ۱ ـ به شماره ۱۳۱۱ و در ۱۸۰ برگ ۲ ـ به شماره ۳۵۴۴ و در ۲۰۷ برگ، کاتب احمد بن ابو الفتح شریف حسینی اصفهانی، تاریخ کتابت رمضان ۱۲۳۰ هجری

فیلم از کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران شماره ۳۵۴۴

● شماره ۴۸: ***معجم شیوخ الذهبی***

مؤلف: شمس الدین محمّد بن احمد بن عثمان ذهبی (وفات ۷۴۸ هجری)

وی در این کتاب به بیان هزار شیخ پرداخته است.

● شماره ۴۹: ***مسند ابی یعلی***

مؤلف: احمد بن علی الموصلی (وفات ۳۰۷ هجری)

نسخه کامل و در ۲۴۹ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه سلیمانیه ـ اسلامبول شماره ۱۱۴۹

● شماره ۵۰: ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف: کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

به شماره ۲۹ مراجعه شود

● شماره ۵۱: ***تفسیر الماوردی***

مؤلف: ابو الحسن علی بن حبیب ما وردی بصری شافعی (وفات ۴۵۰ هجری)

این نسخه شامل نصف اول کتاب است، تاریخ کتابت سال ۶۰۴ و سال ۵۰۴ هجری

فیلم ازکتابخانه قلیچ علی پاشا ـ اسلامبول شماره ۹۰

● شماره ۵۲: *المعجم الکبیر*

مؤلف: ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی (وفات ۳۶۰ هجری)

این نسخه شامل جزء سوم و چهارم است و از اول حرف راء تا آخر حرف طاء را شامل است.

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول

● شماره ۵۳: *مسند الفردوس*

مؤلف: حافظ ابو نصر شهردار بن شیرویه دیلمی (وفات ۵۵۸ هجری)

این نسخه اول حرف تاء شروع می شود

فیلم ازکتابخانه جار الله ایوب درکتابخانه سلیمانیه ـ اسلامبول شمارهٔ ۳۹۲

● شماره ۵۴: *شرف المصطفی*

مؤلف: ابو سعید عبدالملك بن محمّد نیشابوری معروف به خرگوشی (وفات ۴۰۶ هجری)

فیلم ازکتابخانه دار الکتب الظاهریه ـ دمشق شماره ۶۴۰

● شماره ۵۵: *الایناس فی المحاضرات*

مؤلف: ابو القاسم حسین بن علی المغربی الوزیر (وفات ۸۱۸ هجری)

فیلم از موزه بریتانیا ـ لندن OR 3620

● شماره ۵۶: *کتاب الفتن و الملاحم*

ابو عبدالله نعیم بن حماد مروزی (وفات ۲۲۹ هجری)

این نسخه در سال ۷۰۶ هجری کتابت شده است

فیلم موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 9449

● شماره ۵۷: ***زهر الرياض و زلال الحياض***

مؤلف: حسن بن عل بن شدقم (ابن شدقم)

فیلم از موزه بریتانیا ـ لندن ADD 7349

● شماره ۵۸: ***نهج الحق وکشف الصدق***

مؤلف: ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی

فیلم از موزه بریتانیا ـ لندن شماره OR 10966

● شماره ۵۹: **مجموعه**

۱ ـ اربعون حدیثاً، تالیف اسعد بن ابراهیم بن حسن اربلی (صفحه ۲ ـ ۳۲)

۲ ـ اربعون حدیثاً، تالیف جمال الدین یوسف بن حاتم شاهی (صفحه ۲ ـ ۲۱)

۳ ـ اربعون حدیثاً، تالیف ابو الفضل محمّد بن سعید بن هبة الله راوندی (صفحه ۲۱ ـ ۳۲)

۴ ـ المجموع الرائق من ازهار الحدائق، تالیف هبة الله بن حسن موسی (صحفه ۳۴ ـ ۴۹)

۵ ـ رسالة المقنع فی الامامة، تالیف عبیدالله بن عبدالله سرآبادی (صفحه ۵۱ ـ ۹۱)

۶ ـ نثر اللآلی، ابو علی طبرسی (صفحه ۲ ـ ۷) خطب علی علیه السلام است به ترتیب حروف تهجی در ۲۹۱ کلمه

فیلم ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۲۱۳۰

● شماره ۶۰: ***المعجم الاوسط***

مؤلف: ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی (وفات ۳۶۰ هجری)

● شماره ۶۱: ***جواهر العقدین فی فضل الشرفین، شرف العلم الجلی والنسب العلی***

تالیف: ابو الحسن علی بن عبدالله سمهودی شافعی مدنی (وفات ۹۱۱ هجری)

نسخه کامل است و در سال ۸۹۷ هجری تألیف شده است، کاتب محمّد بن علی بن احمد بن محمّد انصاری تونسی، تاریخ کتابت... در آخرین صفحه تاریخ سماع و قرائتی به خط مؤلف به سال ۸۹۷ هجری دیده می شود.

● شماره ۶۲: ***احیاء الداثر فی اعلام قرن العاشر***

مؤلف: آغا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه به خط مؤلّف کتابت شده است

● شماره ۶۳: ***رموز الکنوز فی تفسیر الکتاب العزیز***

مؤلف: عز الدین عبدالرزاق رسعنی حنبلی (وفات ۶۶۰ هجری)

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۶۴: ***رموز الکنوز فی تفسیر الکتاب العزیز***

مؤلف: عز الدین عبدالرزاق رسعنی حنبلی (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه کامل و در ۲۳۴ برگ کتابت شده است

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق ۵۲۸

● شماره ۶۵: ***رموز الکنوز فی تفسیر الکتاب العزیز***

مؤلف: عز الدین عبدالرزاق رسعنی حنبلی (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه در ۱۱۴ برگ کتابت شده است

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۶۶: ***المعجم الکبیر***

مؤلف: ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی (وفات ۳۶۰ هجری)

نسخه کامل و شامل جزء نهم و دهم از کتاب می باشد

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۴۶۵ حدیث

● شماره ۶۷: ***مرآة المؤمنین***

مؤلف: شاه ولی الله دهلوی

نسخه از ابتدا تا انتها کامل است

● شماره ۶۸: ***نور حدقة البدیع و نور حدیقة الربیع***

مؤلف: تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی عاملی (وفات ۹۰۵ هجری)

فیلم از کتابخانه طوپقپو سرای امانت خزانه سی ـ اسلامبول شماره ۱۴۸۲

● شماره ۶۹: ***الاستدراك***

مؤلف: ابو بکر محمّد بن عبدالغنی بغدادی

این نسخه شامل جزء اول تا اول حرف شین را شامل است، در آخر نسخه تاریخ سماعی به سال ۶۵۹ هجری دیده می شود

● شماره ۷۰: **مجموعه**

۱ ـ نهج الرشاد فی تعلم الاعتقاد، تالیف یوسف بن محمّد بن مسعود بن محمّد عبادی (برگ ۱۸ ـ ۲۴) کاتب مؤلف، تاریخ کتابت صفر ۷۳۰ هجری

۱ ـ جزء فیه سبعة مجالس من امالی ابی طاهر، تالیف محمّد بن عبدالرحمن بن عباس المخلص (برگ ۲۷ ـ ۷۷)

۳ ـ جزء فیه الرسالة المغنیة فی السکوت، تالیف ابو علی حسن بن احمد بن عبدالله بن البنّاء (برگ ۷۷ ـ ۸۵)

۴ ـ جزء فیه مجلسان احدهما علی بن محمّد بن عبدالغنی نشوان و الثانی محمّد بن احمد بن ابی الفوارس (برگ ۸۶ ـ ۹۰)

۵ ـ متفرقات و اجزاء حدیثی کوتاه از مشایخ حدیث (۹۱ ـ ۱۱۲)

۶ ـ فصل الجهاد و المجاهدین، تالیف ابو العباس احمد بن عبدالواحد مقدس (۱۱۳ ـ ۱۲۱)

۷ ـ کتاب الفیه العراقی فی علم الحدیث

۸ ـ اعراب الحدیث علی حروف المعجم، تالیف ابو البقاء عبدالله بن حسین عکبراوی

۹ ـ الاحادیث العوال، تالیف قاضی ضیاء الدین دانیال (برگ ۱ ـ ۷۴)، این نسخه شامل هشت جزء از این کتاب است

۱۰ ـ مشیخة قاضی القضاة دانیال بن منکلی کرکی، تالیف محمّد بن محمّد بن حسین گنجی (برگ ۷۷ ـ ۱۱۹) تاریخ سماع این مشیخه به سال ۶۷۴ هجری در انتها نسخه دیده می شود

۱۱ ـ مناقب شیخ ابو عمر زیّال (برگ ۱۲۰ ـ ۱۲۸) تاریخ کتابت ۸۷۱ هجری

۱۲ ـ فتوی فی مصطلح الحدیث (برگ ۱۲۹ ـ ۱۳۷)

۱۳ ـ کتاب محنة الادیب، تالیف ابو علی حسین بن احمد استرآبادی (برگ ۱۳۸ ـ ۱۵۵)

۱۴ ـ کتاب دم اللواط و ما روی فی التشدید و النهی عنه، تالیف هیثم بن خلف دوری (برگ ۱۵۷ ـ ۱۶۴)

۱۵ ـ جزء فیه المجلس التاسع عشر من امالی حافظ علی بن حسن بن هبة الله شافعی ابن عساکر (برگ ۱۶۶ ـ ۱۶۸)

۱۶ ـ جزء من احادیث عوالی، تالیف حافظ ضیاء الدین محمّد مقدس (برگ ۱۶۸ ـ ۱۷۲)

۱۸ ـ جزء رابع من کتاب التجرید (برگ ۱۴ ـ ۲۵)

۱۹ ـ الجزء الحادی عشر من مشیخة بغدادیه، ابو طاهر احمد بن محمّد سلفی اصفهانی (برگ ۲۹ ـ ۴۴)

۲۰ ـ جزء من حدیث ابو البرکات محمّد بن عبدالله بن حسن ابن الوکیل (برگ ۴۵ ـ ۶۴)

۲۱ ـ جزء فیه من الفوائد المنتقاة الحسان ، تالیف ابو عمر عثمان بن احمد سمرقندی (برگ ۶۶ ـ ۷۳)

۲۲ ـ جزء ما قرب سنده ، تالیف ابو القاسم اسماعیل بن احمد سمرقندی (برگ ۸۶ ـ ۹۶)

۳۲ ـ رسالة فی حکم المناظرة وکیف یناظر الانسان (برگ ۹۸ ـ ۱۰۹)

۲۴ ـ رسائل کوتاه و مختصر (برگ ۱۱۰ ـ ۱۸۰)

۲۵ ـ کتاب الزهد (الجزء الاول) ، تالیف احمد بن محمّد بن حنبل (برگ ۱۸۶ ـ ۲۰۴)

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۷۱: ***مستند الشیعة فی احکام الشریعة***

مؤلف : احمد بن مهدی نراقی کاشانی

نسخه کامل ودو جزء آن را شامل است ، مؤلف آن را در سال ۱۲۳۴ هجری تالیف کرده است ، کاتب رمضانعلی بن دوست محمّد کاشانی ، تاریخ کتابت پنجشنبه بیست و ششم شعبان ۱۲۳۵ هجری .

● شماره ۷۲: **مجموعه**

۱ ـ درایة ، تالیف حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (برگ ۱ ـ ۳۷) کامل است

۲ ـ رسالة فی الدرایة ، تالیف ابن ابی جمهور احسائی (برگ ۳۷ ـ ۴۳) کامل است

۳ ـ رجال ابن داوود ، (برگ ۴۳ ـ ۸۴) شامل جزء اول است

۴ ـ رجال ابن داود ، (برگ ۸۵ ـ ۱۴۱) تا انتهای نسخه را شامل است ، کاتب محمّد بن اخی محمّد بن محمّد ، تاریخ کتابت یازدهم جمادی‌الاخر ۹۶۹ هجری

● شماره ۷۳: **مجموعه**

۱ ـ رساله اعتقادی، تالیف حسین بن قاسم بن حسین عودی اسدی (برگ ۱۰۵ ـ ۱۱۳)، این رساله در شرح یکی از رسائل علّامه حلی تصنیف شده است، کاتب احمد بن حسین بن قاسم فرزند مؤلف، تاریخ کتابت ذیحجة ۷۴۱ هجری

۲ ـ رساله اعتقادی وکلامی، تالیف همو (برگ ۱۲۲ ۱۳۱) کاتب همو در ذیحجه ۷۴۲

فیلم از کتابخانه بودلیان ـ اکسفورد انگلستان Ph .o .1541

● شماره ۷۴: ***رسائل عرفانی***

مؤلف: سید علی همدانی معروف به میرثانی

این نسخه مشتمل بر ۵۲ رساله عرفانی میر سید علی همدانی است که با خط نیکو کتابت شده است.

فیلم از کتابخانه بریتانیا ـ لندن

● شماره ۷۵: ***صحائف الابرار بوظائف الاسحار***

مؤلف: سید محمد طباطبائی یزدی

نسخه کامل و در حدود ۲۰۰ برگ کتابت شده است، کاتب محمد اهری، تاریخ کتابت ۱۳۲۷ هجری

● شماره ۷۶: ***المنتظم***

مؤلف: عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی (وفات ۵۹۷ هجری)

این نسخه شامل جلد چهارم و در ۱۰۱ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه ایا صوفیا ـ اسلامبول شماره ۳۰۹۵

● شماره ۷۷: **مجموعه**

۱ ـ فضائل امیر المؤمنین علیه‌السلام (برگ ۱۹۴ ـ ۲۳۸)

۲ ـ مقتل الحسین علیه‌السلام (برگ ۲۳۸ ـ ۲۴۶)

۳ ـ عیون التواریخ ، تالیف ابن شاکر کتبی (وفات ۷۶۴ هجری) این نسخه شامل جزء اول در سیرهٔ نبوی و غیره تا سال ۱۰۲ هجری است ، تتمه این نسخه (جزء اول) در فیلم کوچك دیگری است که همراه آن قرار دارد

فیلم از کتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول شماره ۱۴۸۵

● شماره ۷۸: ***تفسیر النقاش = شفاء الصدور فی تفسیر القرآن الکریم***

مؤلف : ابو بکر محمّد بن حسن نقاش موصلی (وفات ۳۵۱ هجری)

نسخه کامل و در ۳۰۰ صفحه کتابت شده است ، کاتب ابراهیم عجمی لبودی ، تاریخ کتابت جمعه پنجم جمادی الاخر ۶۱۲ هجری

فیلم از کتابخانه سلیمانیه ـ اسلامبول

● شماره ۷۹: ***طرز الوفاء فی مقتل آل المصطفی*** ﷺ

مؤلف : احمد زین العابدین بن محمّد زین العابدین سبط سادات آل حسن

این نسخه کامل است و در سال ۱۰۲۰ هجری تالیف شده است ، کاتب حسن بن علی غزالی خادم مؤلف

فیلم از کتابخانه سلیمانیه ـ اسلامبول شماره ۱۰۸۶

● شماره ۸۰: ***البحر الزخار المعروف بمسند البزار***

مؤلف : ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق بزار (وفات ۲۹۲ هجری)

نسخه شامل جزء ششم از کتاب و در ۱۷۵ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت سال ۶۴۲ هجری

فیلم از کتابخانه کوپریلی ـ ترکیه

● شماره ۸۱: ***المجدی***

مؤلف : ابو الحسن علی بن محمّد بن علی نسابه معروف به ابن صوفی

نسخه از انتها ناقص است

فیلم از کتابخانه ملك ـ تهران

● شماره ۸۲: ***غنیة النزوع***

مؤلف: عز الدین ابو المکارم حمزة بن علی بن زهره

نسخه کامل و در ۲۴۰ برگ کتابت شده است، تاریخ کتابت پانزدهم ذیحجة سال ۶۱۴ هجره در مدرسه کمال الدین، نسخه تصحیح شده است

● شماره ۸۳: ***فهرس اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم***

مؤلف: منتجب الدین علی بن عبیدالله بابویه رازی

نسخه کامل است (برگ ۳۳۱ ـ ۴۰۲) تاریخ کتابت سال ۷۷۶ هجری

فیلم از کتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۸۴: ***التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین***

مؤلف: ابو القاسم عبدالکریم یافعی قزوینی شافعی

نسخه از اول کتاب و در ۳۱۱ برگ کتابت شده است، تاریخ کتابت سال ۶۷۶ هجری

فیلم از کتابخانه طوپقپو سرای ـ اسلامبول شماره ۱۰۰۷

● شماره ۸۵: ***الجامع لشعب الایمان***

مؤلف: ابوبکر احمد بن حسین بیهقی

نسخه شامل جزء اول و در ۲۵۰ ورق کتابت شده است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث اسلامبول شماره ۱ / ۴۹۹

● شماره ۸۶: ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف: کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم

نسخه شامل جلد اول است

فیلم کتابخانه آیا صوفیا ـ اسلامبول شماره ۳۰۳۶

● شماره ۸۷: ***مجموعه***

۱ ـ التراجم الجلیلة الجلیّة، تالیف تقی الدین ابو الحسن عی بن عبدالکافی سبکی

۲ ـ مشیخة الصغری ، تالیف ابن شاذان حسن بن احمد
به شماره ۹ مراجعه شود .

● شماره ۸۸ : ***الاحادیث المختاره***

مؤلف : ضیاء الدین مقدسی
نسخه در ۲۶۰ برگ کتابت شده است
فیلم ازکتابخانه دار الکتب الظاهریه ـ دمشق شماره ۱۱۲۲

● شماره ۸۹ : ***المعجم الکبیر***

مؤلف : ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی
نسخه در ۴۳۴ برگ کتابت شده است . به شماره ۶۶ مراجعه شود
فیلم از دار الکتب الظاهریه ـ دمشق شماره ۱۰۷۲

● شماره ۹۰ : ***تاویل الایات***

مؤلف :
فیلم ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۲۰۱۱

● شماره ۹۱ : ***مشکاة الانوار فی اثبات الرجعة***

مؤلف .
فیلم ازکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۶۸۶۹

● شماره ۹۲ : **مجموعه**

۱ ـ مبادی الوصول الی علم الاصول ، تالیف جمال الدین حسن بن یوسف مطهر حلی (برگ ۳ ـ ۳۶) روی نسخه بخط فخر المحققین پسر علّامة حلی قرائتی به سال ۷۲۵ هجری دیده می شود ، کاتب علی بن حسن بن رضی علوی حسینی راسنوی ، تاریخ کتابت رجب ۷۱۵ هجری

۲ ـ نهج المسترشدین فی أُصول الدین ، تالیف همو (برگ ۲ ـ ۴۲) کاتب علی بن حسن بن رحلی حسنی ، تاریخ کتابت جمعه هجدهم ذیحجه ۷۱۵ هجری

۳ ـ من لا یحضره الفقیه ، ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (برگ ۱ ـ ۱۹۶)
از ابتدا افتادگی دارد و اولین بابش «باب حد الوضو و ترتیبه» است نسخه شامل جزء اول است ، کاتب محمّد بن علی بن کشّی ، تاریخ کتابت شوّال ۶۵۲ هجری

۴ ـ المبسوط ، تالیف همو (برگ ۱ ـ ۱۹۹) از اول چند برگ ناقص است اولین باب « باب المیاه و احکامها » است ، این نسخه شامل جزء اول است ، کاتب محمّد بن ابی غالب بن حسن بن ابی غالب البابلی ، تاریخ کتابت صفر ۶۰۰ هجری

۵ ـ المبسوط ، تالیف همو (برگ ۲ ـ ۲۷۵)
نسخه کامل است و شامل جزء اول کتاب می باشد . کاتب محمد بن احمد بن عوض الجابری ، تاریخ کتابت جمادی الاول ۶۷۹ هجری در حلّه

فیلم از کتابخانه بریتانیا ـ لندن شماره ها به ترتیب :

1. OR 10963
2. OR 10964
3. 8332
4. 10962
5. 3585

● شماره ۹۳ : ***حاشیه بر ارشاد الاذهان***

مؤلف : شیخ علی بن عبدالعالی کرکی عاملی

از انتها ناقص است

فیلم از کتابخانه مدرسه سپهسالار ـ تهران شماره ۲۵۳۸

● شماره ۹۴ : ***مستند الشیعه فی احکام الشریعه***

مؤلف : مولی احمد بن مهدی نراقی کاشانی

این نسخه شامل فرائض و مواریث و مطاعم و مشارب و صید و ذباحه از کتاب فوق است

فیلم ازکتابخانه مدرسه سپهسالار ـ تهران شماره ۲۳۳۰

● شماره ۹۵: ***العائق***

مؤلف: ابن راشد

نسخه در ۴۴۰ صفحه کتابت شده است، کاتب احمد بن طاهر بن حاج قاسم لطیف، تاریخ کتابت محرم ۱۲۴۶ هجری

● شماره ۹۶: ***انساب***

مؤلف: ؟

کتاب مفصل در مشجرات و انساب خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که نام مؤلف و کاتب و تاریخ کتابت بر آن دیده نمی‌شود و در حدود ۲۰۰ برگ کتابت شده است

● شماره ۹۷: **مجموعه**

۱ ـ صحیفه الرضا علیه السلام (برگ ۱ ـ ۹)

۲ ـ انوار العقول (دیوان امیر المؤمنین علیه السلام)، تالیف قطب الدین کیدری، از انتها ناقص است.

فیلم ازکتابخانه مجلس سنا ـ تهران مجموعه شماره ۸۷۶

● شماره ۹۸: ***مستند الشیعه إلی احکام الشریعه***

مؤلف: مولی احمد بن مهدی نراقی کاشانی

نسخه شامل جلد سوم است و ازکتاب زکوة شروع می‌شود

فیلم ازکتابخانه مدرسه سپهسالار ـ تهران شماره ۲۳۳۱

● شماره ۹۹: **مجموعه**

۱ ـ الجزء الاول من الاربعین التساعیات الصحاح العوالی، تالیف ابو میثم محمّد بن موید حموی

۲ ـ جزء الاول من امالی قاضی حسین بن اسماعیل محاملی (۱ ـ ۱۷)

۳ ـ جزء الثانی من امالی قاضی حسین محامل (۱۸ ـ ۲۵)

۴ ـ جزء الثالث و الرابع من امالی محامل (۲۷ ـ ۷۰)

۵ ـ جزء اول تا جزء نهم از همان امالی بطور تکرار (۷۱ ـ ۱۷۶)

۶ ـ الجزء فیه حدیث ابی بکر محمّد بن جعفر الانباری معروف به احمد بن ابی شدّار تاریخ ۵۰۱ هجری بر روی صفحه اول دیده می شود (۲ ـ ۶)

۷ ـ جزء من حدیث ابو علی اسماعیل بن محمّد صفار و دیگر اجزاء حدیثی و فوائد و ... (۶ ـ ۱۴۶) آخرین جزء حدیث تاریخ ۵۷۰ هجری در انتهای خود دارد

فیلم از دار الکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۱۰۰ : ***مسند الفردوس***

مؤلف : حافظ ابو نصر شهردار بن شیرویه دیلمی (وفات ۵۵۸ هجری)

نسخه شامل جزء دوم است و از حرف سین شروع می شود

فیلم ازکتابخانه جار الله ایوب درکتابخانه سلیمانیه ـ اسلامبول شماره ۴۱۵

● شماره ۱۰۱ : ***تفسیر***

مؤلف : ابو محمد عبدالرحمن ابن ابی حاتم رازی

نسخه شامل جزء دوم و از سوره آل عمران شروع می شود و تا آخر سوره نساء ادامه دارد و در ۲۰۵ برگ کتابت شده است

تاریخ کتابت یکشنبه بیست و دوم رجب ۷۴۸ هجری

● شماره ۱۰۲ : ***البیان فی نزول القرآن***

مؤلف : محمّد بن علی بن عمر نسوی

از انتها ناقص است و دو نسخه در این فیلم قرار دارد

● شماره ۱۰۳ : ***معرفة الصحابة***

مؤلف : ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (وفات ۴۳۱ هجری)

به شماره ۲۶ مراجعه شود .

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۱ ـ ۴۹۷

● شماره ۱۰۴ : ***نور حدقة البدیع ونور حدیقة الربیع***

مؤلف : تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی عاملی (وفات ۹۰۵ هجری)

فیلم ازکتابخانه طوپقپو سرای امانت خزانه سی ـ اسلامبول شماره ۱۴۸۲

● شماره ۱۰۵ : ***الحجة فی علل القرآت***

مؤلف : ابو علی حسن بن احمد فارسی (وفات ۲۷۷ هجری)

نسخه کامل و فقط جزء دوم را شامل است و در ۳۹۴ صفحه کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه بلدیه اسکندریه ـ مصر

● شماره ۱۰۶ : ***عقد الدّرر فی اخبار المنتظر***

مؤلف : ؟

نسخه کامل و در حدود ۵۰ برگ کتابت شده است ، کاتب خلیل محمّد بن محمّد بن احمد تلوائی ، تاریخ کتابت دوشنبه بیست و ششم شعبان ۱۰۶۶ هجری

● شماره ۱۰۷ : ***عمدة الحفاظ فی تفسیر اشرف الحفاظ***

مؤلف : ابن سمین حلبی

کتاب از ابتداء تا اول باب الکاف و التاء را شامل است

فیلم ازکتابخانه اسماعیل پاشا ـ حلب

● شماره ۱۰۸ : **مجموعه**

۱ ـ جزء فیه من حدیث تقی الدین ابن المجد بعلی شافعی ، تالیف محمّد بن احمد بن عثمان ذهبی (۱ ـ ۹)

۲ ـ مشیخه (۲ ـ ۱۴) تاریخ ۶۶۵ در انتهای نسخه دیده می شود

۳ ـ مجالس از امالی ابو جعفر محمّد بن عمرو بن بختری (۲۱ ـ ۳۰) تاریخ

۴۹۲ هجری در انتهای رساله دیده می شود

۴ ـ خبر محنه احمد بن حنبل (۳۲ ـ ۴۱)

۵ ـ جزء الثانی من امالی قاضی ابی یصلی محمّد بن حسین بن محمّد بن فرّاء (۴۵ ـ ۴۸) تاریخ سماع در آخر رساله به سال ۵۲۵ هجری دیده می شود

۶ ـ اجزاء مختلف احادیث بصورت پراکنده و قطعه قطعه (۵۲ ـ ۲۹۰)

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۱۰۹ : *الاستبصار*

مؤلف : شیخ ابو جعفر محمّد بن علی الطوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

این نسخه شامل جزء اول (کتاب طهارت و صلوة) است ، کاتب جعفر بن علی بن جعفر مشهدی ، تاریخ کتابت شنبه هشتم ذیقعده ۵۷۳ هجری

● شماره ۱۱۰ : *المبسوط*

مؤلف : شیخ ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه کامل و شامل جلد دوم و سوم می‌باشد ، تاریخ کتابت سال ۵۰۷ هجری

● شماره ۱۱۱ : *الحجة فی علل القراآت*

مؤلف : ابو علی حسن بن احمد فارسی (وفات ۲۷۷ هجری)

این نسخه کامل و جزء چهارم کتاب را شامل است و در ۱۹۸ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه بلدیه اسکندریه ـ مصر

● شماره ۱۱۲ : *الحجة فی علل القراآت*

مؤلف : ابو علی حسن بن احمد فارسی (وفات ۲۷۷ هجری)

این نسخه کامل و جزء سوم را شامل است و در ۲۰۸ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه بلدیه اسکندریه ـ مصر

● شماره ۱۱۳ : ***التاریخ الکبیر***

مؤلف : قاضی ابن شهبه

نسخه شامل جزء پنجم و از حوادث سال ۶۰۰ هجری تا ۶۹۰ را شامل است ، کاتب مؤلف

فیلم ازکتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول شماره ۱۴۰۳

● شماره ۱۱۴ : ***معارج السؤل***

مؤلف : شمس الدین محمّد بن یوسف بن حسن زرندی مدنی انصاری

نسخه حاضر از قسم دوم از سمط اول در فضائل امیر المؤمنین علیه‌السلام شروع و تا آخرکتاب ادامه دارد ، کاتب شمس الدین محمّد بن یوسف زرندی (مؤلف) ، تاریخ کتابت پنجم ذیحجة ۹۱۸ در مکه مکرمه

● شماره ۱۱۵ : ***الحجة فی علل القرآت***

مؤلف : ابو علی حسن بن احمد عبد الغفار فارسی (وفات ۲۷۷ هجری)

این نسخه شامل جزء ششم ازکتاب است

فیلم ازکتابخانه بلدیه اسکندریه ـ مصر

● شماره ۱۱۶ : **مجموعه**

۱ ـ رسالة فی المهدی المنتظر علیه‌السلام ، تالیف علی بن سلطان محمّد هروی قاری (برگ ۷۶ ـ ۹۲) رساله کامل است

۲ ـ فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر ، تالیف مرعی بن یوسف بن ابی بکر بن احمد بن یوسف مقدسی حنبلی (برگ ۹۳ ـ ۱۱۶) رساله کامل است ، کاتب ابراهیم بن یونس شافعی ازهری ، تاریخ کتابت ربیع الاخر ۱۰۲۲ هجری در جامع الازهر

۳ ـ احادیث فی المهدی علیه‌السلام (برگ ۱۱۷ ـ ۱۳۰)

۴ ـ القصد المختصر فی علامات المهدی المنتظر عليه‌السلام ، تالیف شهاب بن حجر هیثمی (برگ ۱ ـ ۲۳) کاتب عبدالرحمن اشمونی

● شماره ۱۱۷ : **مجموعه**

۱ ـ نهج المسترشدین فی اُصول الدین ، تالیف علّامه حلی (۱ ـ ۲۹) تاریخ کتابت سه شنبه بیست و ششم صفر ۷۲۲ هجری

۲ ـ تسلیك النفس الی حضیرة القدس ، تالیف همو (۳۰ ـ ۸۷) تاریخ کتابت پنجشنبه بیست و پنجم صفر ۷۲۲ هجری

۳ ـ کشف الفوائد فی شرح قواعد العقاید ، تالیف همو (۸۸ ـ ۱۷۳) تاریخ کتابت جمعه پانزدهم صفر ۷۲۲ هجری

فیلم از کتابخانه علّامه میرزا محمّد عسکری تهرانی (وفات ۱۳۷۰ هجری) ـ سامراء ، این کتابخانه توسط حکومت مستبد عراق مصادره و به کتابخانه موزه بغداد (دار الاثار العراقیه) انتقال یافته است .

● شماره ۱۱۸ : ***ضیاء المفازات في طريق مشايخ الاجازات***

مؤلف : آقا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه کامل است ، مؤلف این اجازه را در خواهش سیّد حسن بن علّامة سید علی حسین جلالی کشمیری به او نوشته است .

● شماره ۱۱۹ : ***کتاب فی الامامة***

مؤلف : ابو محمّد عبدالله بن مسلم معروف به ابن قتیبه (وفات ۲۶۳ هجری)

نسخه کامل است و در ۱۸۰ برگ کتابت شده است ، در صفحات آخر تاریخی به سال ۶۵۳ هجری دیده می شود .

فیلم از کتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول شمارهٔ ۱۱۷۲

● شماره ۱۲۰ : ***النجم الثاقب فی بیان ان المهدی من اولاد علی بن ابی طالب علیه‌السلام***

مؤلف :

نسخه کامل است و به خط مؤلف کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه لاله لی ـ ترکیه به شماره ۶۷۹

● شماره ۱۲۱ : ***معجم الصحابة***

مؤلف : قاضی ابو الحسین عبدالباقی بن قانع بن مروزق معروف به ابن قانع

نسخه کامل و از جزء اول تا یازدهم را شامل است

● شماره ۱۲۲ : ***الباهر فی شرح الحماسة***

مؤلف : ابو علی ابو الفضل الطبرسی

نسخه از انتها ناقص است و در ۱۵۰ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول شمارهٔ ۱۶۴۲

● شماره ۱۲۳ : ***مسند الفردوس***

مؤلف : ابو منصور شهردار بن شیرویه دیلمی (وفات ۵۵۸ هجری)

این نسخه شامل جزء سوم از این کتاب است

فیلم ازکتابخانه لاله لی ـ ترکیه شماره ۶۴۸

● شماره ۱۲۴ : ***الاشراف***

مؤلف : ابن منذر

این نسخه شامل جلد دوم ، ازانتها ناقص و در ۳۶۵ برگ کتابت شده است ، در آخر برگ ۳۴۹ تاریخی به سال ۸۴۴ هجری دیده می شود

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۱۱۰

● شماره ۱۲۵ : ***مطلع البدور = رجال الزیدیه***

مؤلف: صفی الدین احمد بن ابی رجال یمانی زیدی(وفات ۱۱۸۰هجری)

نسخه شامل جلد دوم و در ۲۱۷ برگ کتابت شده است و از آخر چند برگ افتادگی دارد، کاتب شیخ مختار هندی، تاریخ کتابت ۱۲۶۲ هجری

فیلم از کتابخانه علّامه سیّد هبة الدین حسینی شهرستانی شماره ۵۳۲

● شماره ۱۲۶ : ***انساب الاشراف***

مؤلف : احمد بن یحیی بن جابر بلاذری

نسخه حاضر کامل و شامل جلد اول و در ۵۹۹ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه سلیمانیه ـ ترکیه شماره ۵۹۷

● شماره ۱۲۷ : ***الجامع لشُعب الایمان***

مؤلف : ابو بکر احمد بن حسین بن علی بن موسی بیهقی

نسخه کامل (در سه جلد) و در ۲۲۸ برگ کتابت شده است، تاریخ کتابت چهار شنبه بیست و پنجم ربیع الاول ۸۷۱ هجری

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۱ / ۴۹۹

● شماره ۱۲۸ : ***نکت النهایه***

مؤلف : نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن حلی (وفات ۶۷۶ هجری)

نسخه از انتها افتادگی دارد و در حدود ۲۰۰ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۱۲۹ : ***الجامع لشعب الایمان***

مؤلف : ابو بکر احمد بن حسین بن علی بن موسی بیهقی

نسخه شامل جلد سوم است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۳ / ۴۹۹

● شماره ۱۳۰ : ***حاوی الاقوال فی معرفة الرجال***

مؤلف : عبدالنبی بن سعد الدین جزایری (وفات ۱۰۲۱ هجری)

نسخه کامل است و از آغاز افتادگی دارد و در ۱۷۶ برگ کتابت شده است

تاریخ کتابت هفدهم شوال ۱۲۶۹ هجری

فیلم از کتابخانه ملی ملك ـ تهران شماره ۳۶۴۵

● شماره ۱۳۱ : ***کتاب المجرّد (لغت حدیث)***

مؤلف : علی بن حسن (وفات ۳۰۷ هجری)

نسخه کامل است و در ۹۳ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت اول ذیحجة ۸۳۴ هجری

فیلم از کتابخانه ولی الدین جار الله افندی ـ ترکیه شماره ۴۰۵

● شماره ۱۳۲ : ***شرح قصیدة المفُجع (قصیدهٔ اشباه)***

مؤلف : محمّد بن احمد بن عبدالله مصری (وفات ۳۲۷ هجری)

قصیده در ۱۱۹ بیت سروده شده و ناظم خود به شرح آن مبادرت کرده است ، کاتب احمد بن نجفعلی امینی تبریزی ، تاریخ کتابت هفتم جمادی الاول ۱۳۵۴ بعنوان هدیه به علّامه شیخ محمّد سماوی

● شماره ۱۳۳ : ***لباب الانساب***

مؤلف : ابوالحسن علی بن زید بیهقی (وفات ۵۶۵ هجری)

نسخه کامل است ، کاتب محمّد صادق تویسرکانی ، تاریخ کتابت رجب ۱۳۰۳ هجری

● شماره ۱۳۴ : ***الجامع الکبیر فی الحدیث النبوی***

مؤلف : جلال الدین عبدالرحمن سیوطی

نسخه کامل و شامل جزء اول است و در ۵۷۴ برگ کتابت شده است

● شماره ۱۳۵ : **مجموعه**

۱ ـ الاشراف فی منازل الاشراف ، ابو بکر عبدالله بن محمّد بن عبید قرشی معروف بابن ابی الدنیا ، نسخه کامل است

۲ ـ مثالب العرب ، تالیف هشام بن محمّد بن سائب کلبی (۶۶ برگ)

۳ ـ دلائل النبوة ، تالیف احمد بن حسین بیهقی (۲۱۹ برگ) تاریخ کتابت ۴۷۱ هجری

فیلم کتاب اول و دوم از مکتبة دار الکتب المصریة ـ مصر ، فیلم کتاب سوم از کتابخانه کوپریلی ـ ترکیه شماره ۲۸۵

● شماره ۱۳۶ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال‌الدین عمرو بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه شامل جلد اول کتاب است و بخط مؤلف کتابت شده است

فیلم از کتابخانه ایاصوفیا ـ اسلامبول شماره ۳۰۳۶

● شماره ۱۳۷ : ***اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق***

مؤلف : رشیدالدین ابو علی محمد بن علی بن شهر آشوب سروی (وفات ۵۸۸ هجری)

نسخه کامل است و در ۲۱۸ برگ کتابت شده است ، تالیف کتاب در سال ۵۷۰ هجری بوده است

● شماره ۱۳۸ : ***المعجم الکبیر***

مؤلف : ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی

این نسخه شامل جلد اول و دوم است ، به شماره ۶۶ مراجعه شود

● شماره ۱۳۹ : ***العلل***

مؤلف : ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

این نسخه شامل جلد پنجم از کتاب است و در ۲۵۰ برگ کتابت شده است

فیلم از دار الکتب المصریة ـ مصر

● شماره ۱۴۰ : ***العلل***

مؤلف : ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

این نسخه شامل جلد چهارم کتاب است

فیلم از دار الکتب المصریة ـ مصر

● شماره ۱۴۱ : ***انساب الاشراف***

مؤلف : احمد بن یحیی بن جابر بلاذری

نسخه از ابتدا افتادگی دارد و در ۶۳۰ برگ کتاب شده است ، کاتب احمد بن حسین دهمشاوی ، تاریخ کتابت شنبه بیستم ربیع الاول ۱۱۲۳ هجری

فیلم ازکتابخانه سلیمانیه ـ اسلامبول شماره ۵۹۸

● شماره ۱۴۲ : ***تاریخ صنعاء***

مؤلف : احمد بن عبدالله رازی

نسخه کامل و در حدود ۱۰۰ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت بیست وششم جمادی الاخر ۹۶۲ هجری در شهر صنعاء یمن

فیلم ازکتابخانه ایاصوفیا ـ اسلامبول شماره ۳۰۴۸

● شماره ۱۴۳ : ***التعریف والاعلام فیما ابهم من الاسماء الاعلام***

مؤلف : ابو القاسم عبدالرحمن بن عبد احمد بن اصبغ خثعمی سهیلی

نسخه کامل و در ۱۰۱ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن عمر البزّاز تاریخ کتابت سیزدهم رمضان ۷۳۷ هجری

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق شماره ۵۱۹

● شماره ۱۴۴ : ***التلویحات فی شرح التلمیحات***

مؤلف : ابن کمونه اسرائیلی

نسخه کامل و در ۲۰۸ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت سال ۶۹۰ هجری در بغداد ، در انتهای نسخه آمده است که کتاب در سال ۶۶۷ هجری تالیف شده است

فیلم از دار الکتب الظاهریه ـ دمشق

● شماره ۱۴۵ : ***فقه الشافعی***

مؤلف : ؟

این نسخه بخشی از یك کتاب فقهی شافعی است که بعلت مقطوع بودن نامش معلوم نگشت و از کتاب الرهن آغاز شده است ، و مرحوم علّامه محقق طباطبائی نیز با علامت سؤال از نام کتاب اظهار بی اطلاعی کرده است ، نسخه کامل و در ۲۲۲ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن علی بن عیسی الناسخ القوصی ، تاریخ کتابت ربیع الاول ۷۷۴ هجری

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۱۱۰۲

● شماره ۱۴۶ : ***ضوابط الاحادیث***

مؤلف : یحیی بن محمّد مغربی مالکی

نسخه کامل و در ۱۵۰ برگ کتابت شده است ، کاتب مؤلف کتاب ، تاریخ کتابت چهارم شعبان ۱۰۸۱ هجری

فیلم از کتابخانه لاله لی ـ اسلامبول شماره ۶۲۳ ـ ۶۲۲

● شماره ۱۴۷ : ***تاریخ البخاری***

مؤلف : ابو عبدالله محمّد بن اسماعیل بخاری

نسخه کامل و در ۲۱۸ برگ کتابت شده است ، نسخه از روی نسخه ای که تاریخ ۴۲۴ هجری بر آن بوده استنساخ شده است

فیلم از مکتبة مدینة ـ عربستان شماره ۱۱۹۸ف

● شماره ۱۴۸ : ***النعیم المقیم لعترة النباء العظیم***

مؤلف : عمر بن محمّد بن عبدالواحد

نسخه کامل و در ۸۵ برکتابت شده است ، کاتب عثمان بن محمّد بدلیس ، تاریخ کتابت ذیحجه ۶۶۶ هجری در میافارقین

فیلم از کتابخانه ایاصوفیا ـ اسلامبول ۲۵۰۴

● شماره ۱۴۹ : **مجموعه**

۱ ـ رسالة فی تعیین الصلوة الوسطی ، تالیف جلال الدین عبدالرحمن

سیوطی (برگ ۴ ـ ۱۱) نسخه کامل است

۲ ـ شرح الصدر بذکر لیلة القدر، تالیف شیخ ولی الدین شافعی عراقی (برگ ۱۲ ـ ۲۰) کاتب علی بن محمّد ملاح ، تاریخ کتابت رمضان ۱۰۱۲ هجری

۳ ـ الخصال المکفرّه للذنوب المقدمة ، تالیف شهاب الدین ابن حجر عسقلانی (برگ ۲۱ ـ ۴۰) نسخه کامل است ، کاتب همو ، تاریخ کتابت صفر ۱۰۱۲ هجری

۴ ـ التبیان فی معنی الاتان ، تالیف شیخ عبدالله دنوسری (برگ ۴۲ ـ ۴۶) نسخه کامل است ، کاتب همو ، تاریخ کتابت ربیع الاول ۱۰۰۹ هجری

۵ ـ البیان و التبین فی ذکر المخضرمین ، تالیف همو (برگ ۴۷ ـ ۵۰) کاتب همو ، تاریخ کتابت ربیع الاول ۱۰۷۷ هجری

۶ ـ مزیل اللبس عن حدیث رد الشمس ، تالیف ابو عبدالله محمّد بن محمّد دمشقی شافعی نزیل قاهره (برگ ۵۱ ـ ۵۹) کاتب همو ، تاریخ کتابت ربیع الثانی ۱۰۰۹ هجری

فیلم از کتابخانه لاله لی ـ اسلامبول شماره ۳۶۵۱

● شماره ۱۵۰ : **مجموعه**

۱ ـ استجلاب ارتقاء الغرف بحب اقرباء الرسول و ذوی الشرف ، تالیف محمّد بن عبدالرحمن بن محمّد سخاوی شافعی (برگ ۱ ـ ۷۲) نسخه کامل است ، تاریخ کتابت ذیقعده ۱۱۴۳ هجری

۲ ـ اسئله و اجوبه ، تالیف شمس الدین محمّد بن احمد بن عدلان شافعی (برگ ۷۲ ـ ۷۷)

۳ ـ اسئلة و اجوبة (برگ ۸۱ ـ ۸۶)

۴ ـ اسئلة عن الشیخ الشوبری (برگ ۸۶ ـ ۸۸)

۵ ـ اسئلة عن شیخ الاسلام سهروردی (برگ ۸۸ ـ ۹۳)

۶ ـ افتاء الشیخ الرملی (برگ ۹۴ ـ ۹۶)

۷ ـ کتاب مولد النبی صلی الله علیه و آله و سلم ، تالیف مولی علی طیّب (برگ ۱۰۱ ـ ۱۲۱)

کاتب عبدالرحمن شیشی شافعی ازهری

● شماره ۱۵۱ : ***الکافی***

مؤلف : ابو الصلاح تقی الدین بن نجم الدین حلبی

نسخه کامل است و در حدود ۱۲۰ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه دانشکده علوم معقول و منقول ـ تهران

● شماره ۱۵۲ : ***قصائد فی رثاء السیّد محمّد کاظم الطباطبائی الیزدی***

مؤلف : علی ترکی

قصائد به لهجه عربی محلّی سروده شده و در ۷ برگ کتابت شده است

● شماره ۱۵۳ : ***التحصیل فی تفسیر القرآن***

مؤلف : ابو العباس احمد بن عمار تمیمی مهدی

نسخه شامل جزء اول ازکتاب است و در حدود ۲۱۵ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت جمادی الاخر ۷۱۶ هجری

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق شماره ۵۰۴

● شماره ۱۵۴ : ***طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹)***

مؤلف : آغا بزرگ طهرانی (وفات ۱۳۸۹ هجری)

نسخه کامل و در ۱۳۳ صفحه به خط مبارك مؤلف کتابت شده است

● شماره ۱۵۵ : **مجموعه**

۱ ـ خصائص فضل علی بن ابی‌طالب علیه السلام ، تالیف ابو عبدالله الرحمن احمد بن شعیب نسائی (وفات ۳۰۳ هجری) نسخه کامل است (برگ ۱ ـ ۱۱۲)

۲ ـ رساله ای در فلسفه ، نسخه کامل است (صفحه ۱ ـ۱۳۸)

آغاز : «بسمله و الحمد قال المصنف رحمه الله [اعلم ان لنفس الناطقه الانسانیة]

وهی عند جمهور...». این نسخه در سال ۹۵۱ با نسخه اصل بخط مؤلف مقابله شده است

فیلم از کتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۱۵۶ : ***تأویل الایات = التأویلات***

مؤلف : کمال الدین عبدالرزاق بن جمال الدین کاشانی (وفات ۷۳۵ هجری)

نسخه کامل و در بالغ بر ۳۳۰ برگ کتابت شده است، کاتب محمّد جعفر بن حاجی محمّد خلیل، تاریخ کتابت رضمان ۱۱۸۳ هجری

فیلم از کتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۱۵۷ : ***حدائق الحقائق من التصوف***

مؤلف : ؟

از ابتدا (یك برگ) و انتها ناقص است و در حدود ۱۰۰ برگ کتابت شده است

آغاز نسخه : «الثانی عشر فی الخوف، الثالث عشر فی الرجاء، الرابع عشر فی الحزن، و الخامس عشر فی البکاء... الباب الاول فی التوبة...».

فیلم از کتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۱۵۸ : ***الوسیط***

مؤلف : واحدی نیشابوری

نسخه کامل و شامل جزء دوم (تفسیر سوره مریم تا آخر سوره ناس) است و در ۳۶۱ برگ کتابت شده است

کاتب عبدالله بن محمّد بن عرفة الانصاری، تاریخ کتابت پنجشنبه اول جمادی الاخر ۵۸۰ هجری از روی نسخه حافظ ابن عساکر که از مؤلف شنیده بود

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۱۵۹ : **مجموعه**

۱ ـ الشرف المؤبد لآل محمّد صلى الله عليه وآله وسلم ، تاليف يوسف بن إسماعيل نبهانی (رئيس محكمهٔ حقوق بيروت) (صفحه ۲ ۱۴۴) اين كتاب در سال ۱۳۰۹ هجری در بيروت بطبع رسيده است

۲ ـ دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشيم (من كلام امير المؤمنين صلى الله عليه وآله وسلم)، تاليف ابو عبدالله محمّد بن سلامة قطاعی (صفحه ۱ ـ ۲۵۰) اين كتاب در سال ۱۳۳۲ هجری در مكتبة ازهرية طبع شده است

فيلم از دار الكتب الظاهرية ـ دمشق

● شماره ۱۶۰ : **مجموعه**

۱ ـ دعای معروف سيفی منقول از علی علیه السلام به خط ثلث بسيار زيبای يوسف در سال ۷۷۶ هجری در مصر

۲ ـ الحرز اليمانی و الدعاء السيفی عن علی علیه السلام به خط نسخ بسيار زيبای عبدالعزيز بن محمّد الصغير به تاريخ جمادی الاخر ۸۳۵ هجری

۳ ـ الطبقات الكبير (ترجمة الحسن و الحسين علیهما السلام)، تاليف ابو عبدالله ابن اسعد كاتب ، نسخه كامل و در ۷۴ برگ كتابت شده است

۴ ـ درر السمطين ، تاليف محمّد بن يوسف بن حسن زرندی انصاری مدنی نسخه كامل و در ۱۵۹ برگ كتابت شده است

فيلم ازكتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۸۳۵۸ و ۵۵۴

● شماره ۱۶۱ : ***انوار التنزيل (تفسير بيضاوی)***

مؤلف :

نسخه كامل از اول تا آخر قرآن است و در ۵۰۲ برگ كتابت شده است ، كاتب سيّد اسماعيل بن احمد بن حاجی محمّد ، تاريخ كتابت ربيع الاول ۱۱۷۲ هجری در قسطنطنيه

فيلم ازكتابخانه ملی ايران ـ تهران

● شماره ۱۶۲ : **مجموعه**

۱ ـ فوائد العوالی الی المنتقاة ، تالیف ابو عبدالله قاسم بن فضل ثقفی (برگ ۶۵ ـ ۷۸) تاریخ سماع به سال ۶۷۹ هجری دیده می شود

۲ ـ جزء ثالث من حدیث ابی عمر الزاهد (برگ ۸۲ ـ ۲۲) تاریخ سماع به سال ۶۳۵ هجری در انتهای رساله دیده می شود

۳ ـ ثلاث مجالس من امالی حسن بن احمد مخلّدی (۹۰ ـ ۹۳)

۴ ـ فی فضل امیر المؤمنین علی علیه‌السلام ، تالیف ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی (برگ ۹۶ ـ ۱۰۱)

اجزاء مختلف وکوتاه از امالی و احادیث بزرگان اهل سنت که بعلت طولانی بودن آنها و ضیق بودن صفحات مقاله به مجالی دیگر واگذار می شود

۵ ـ جزء فیه فضائل فاطمة سیّد النساء بعد مریم ، تالیف ابن شاهین (برگ ۱۰۴ ـ ۱۱۲)

۶ ـ من مناقب النساء الصحابیات (برگ ۱۱۷ ـ ۱۲۱)

۷ ـ عروس الاجزاء ، تالیف عز الدین ابو الفرج ابن مسعود بن حسن ثقفی (برگ ۱۲۷ ـ ۱۴۲)

فیلم از دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۱۶۳ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

از عنوان حسین بن عبدالله خادم تا اول حرف خاء را شامل است و در ۳۳۶ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۲۲۵

● شماره ۱۶۴ : ***النکت والعیون (تفسیر ما وردی)***

مؤلف : ابوالحسن علی بن حبیب ماوردی بصری شافعی (وفات ۴۵۰ هجری)

این نسخه کامل و تفسیر سوره‌های انفال تـا احـزاب را شـامل است و در ۳۴۰ برگ کتابت شده است

● شماره ۱۶۵ : ***حاشیة بر تفسیر بیضاوی***

مؤلف : ؟

آغاز: «الحمد لله الذی فلق النسم و رزق القِسَم و بیّن الحجة . . .» .

نسخه کامل و در ۵۷۹ برگ کتابت شده است ، کاتب اسد بن معین الدین تاریخ کتابت ربیع الاول ۹۹۳ هجری

فیلم از کتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۱۶۶ : ***مختصر تاریخ الاسلام***

مؤلف : شمس الدین محمّد ذهبی

نسخه حاضر حوادث سالهای ۵۳۳ تا ۵۵۰ هجری را شامل است

فیلم از کتابخانه اوقاف بغداد ـ شماره ۵۸۵۹

● شماره ۱۶۷ : ***التحقیق المبین في شرح نهج المسترشدین***

مؤلف : خضر بن محمّد بن علی رازی حبلرودی

نسخه کامل و در حدود ۲۵۰ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت صفر ۱۲۵۶ هجری ، کتاب در سال ۸۲۸ هجری تالیف شده است

فیلم از کتابخانه ملی ایران ـ تهران شماره ۱۲۷۱

● شماره ۱۶۸ : ***التنبیه بالمعلوم من البرهان علیٰ تنزیه المعصوم***

مؤلف : محمّد بن حسن حر عاملی (وفات ۱۱۰۴ هجری)

نسخه کامل و در ۲۲۴ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد علی ، تاریخ کتابت ۱۳۰۳ هجری ، در مدرسه سپهسالار میرزا محمّد خان قاجار

فیلم از کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ـ تهران

● شماره ۱۶۹ : ***شرح نهج البلاغة***

مؤلف : عبدالرحمن بن محمّد بن ابراهیم عتقایقی حلی

نسخه کامل و شامل مجلد سوم از کتاب است و در ۳۶۳ صفحه کتابت شده است

فیلم از مدرسه نمازی خوی ـ خوی

● شماره ۱۷۰ : ***منهاج البراعة فی شرح النهج البلاغة***

مؤلف : قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبةالله راوندی (وفات ۵۷۳ هجری)

نسخه کامل و در ۱۳۶ برگ کتابت شده است ، کتابت داود بن محمّد بن ابراهیم حسام ، تاریخ کتابت سوم ذیحجه ۶۵۲ هجری

فیلم ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران ـ تهران شماره ۶۸۳۸

● شماره ۱۷۱ : ***مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار***

مؤلف : محمّد بن عبدالکریم شهرستانی

در این نسخه تفسیر سوره فاتحه و بقره آمده است ، و در حدود ۳۰۰ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن محمّد البزانجی ، تاریخ کتابت رجب سال ۶۶۷ هجری

فیلم ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران ـ تهران

● شماره ۱۷۲ : ***صحیفة سجادیة***

مؤلف :

نسخه کامل ودر ۲۹۸ صفحه کتابت شده‌است ، تاریخ کتابت ۱۲۶ هجری

فیلم ازکتابخانه ملی ایران ـ تهران شماره ۲۱۸۸

● شماره ۱۷۳ : ***المعجم الکبیر***

مؤلف : ابو القاسم سلیمان بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی

این نسخه جلد پنجم وششم را شامل است و از باب العین شروع می شود ودر ۳۱۲ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۴۶۵

● شماره ۱۷۴ : ***جنك عربی (مجموعه خطب امیر المؤمنین، حکایات، نوادر و...)***

مؤلف : ؟

نسخه کامل و در بالغ بر ۱۵۰ برگ کتابت شده است ،کاتب محمّد بن علی بن سلیمان بن یوسف بن ریحانی موصلی ، تاریخ کتابت جمادی الاول ۷۹۰ هجری در محروسهٔ قاهره

فیلم از کتابخانه ایاصوفیا ـ اسلامبول شماره ۴۲۵

● شماره ۱۷۵ : ***فرائد السمطین فی فضائل المرتضیٰ و البتول و السبطین***

مؤلف : ابو عبدالله ابراهیم بن محمّد بن ابی بکر حموی شافعی

نسخه از انتها ناقص است و در حدود ۱۶۴ برگ کتابت شده است

● شماره ۱۷۶ : ***کشف الحثیث عمن رمی بوضع الحدیث***

مؤلف : ابو الحق ابراهیم بن شمس الدین محمّد بن خلیل جلبی

نسخه کامل و در ۷۱ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن محمّد العراقی ، تاریخ کتابت ماه ذیقعده ۸۴۱ هجری در محروسهٔ حلب

فیلم از کتابخانه آیا صوفیا ـ اسلامبول شماره 75 _ 873

● شماره ۱۷۷ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه کامل است و در ۴۱۲ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول ۱ / ۲۹۲۵ ـ ۳ / ۲۹۲۵

● شماره ۱۷۸ : **تفسیر الاصفی**

مؤلف : محمّد محسن بن مرتضی کاشانی (وفات ۱۰۹۱ هجری)

نسخه کامل است و در ۶۳۲ صفحه کتابت شده است ، کاتب محمّد طاهر بن محمّد باقر ، تاریخ کتابت پانزدهم صفر سال ۱۱۳۴ هجری

فیلم از کتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۱۷۹ : **مجموعه**

۱ ـ المسائل الطبریه ، المسائل الخواریات ، تالیف محقق حلی (صفحه ۱ ـ ۲۱)

۲ ـ المسائل المصریة ، تالیف همو (صفحه ۲۲ ـ ۲۵ و ۲۷ ـ ۵۳)

۳ ـ مسئلة القبلة و معنیٰ التیاسر ، تالیف همو (صفحه ۲۶ ـ ۲۷ و ۲۵)

۴ ـ صفات الشیعة ، تالیف ابن بابویه (صفحه ۵۴ ـ ۸۵)

۵ ـ فضائل علی علیه‌السلام ، تالیف همو (صفحه ۸۶ ـ ۱۱۲)

۶ ـ مختصر کتاب الزهد ، حسین بن سعید اهوازی (صفحه ۱۱۴ ـ ۱۹۷)

۷ ـ کتاب التمحیص ، تالیف ابن همام یا ابن شعبه (صفحه ۲۰۰ ـ ۲۴۰)

۸ ـ کتاب فیما یتعلق بقضاء حقوق المؤمنین ، تالیف سدیر الدین ابو علی صوری (صفحه ۲۴۲ ـ ۲۶۲)

۹ ـ صحیفه الرضا ، تالیف ابو علی فضل بن حسن طبری (صفحه ۲۹۹ ـ ۳۳۹)

۱۰ ـ الرسالة الذهبیة (صفحه ۳۵۹ ـ ۳۶۱)

۱۱ ـ کتاب الغیبة ، تالیف بهاء الدین علی نخعی (صفحه ۳۶۳ ـ ۵۱۷)

۱۲ ـ الاربعین ، تالیف جمال الدین یوسف بن حاتم شامی (صفحه ۵۱۸ ـ ۵۴۲)

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۵۹۲۳

● شماره ۱۸۰ : ***حاشیة علیٰ مکاسب الانصاری***

مؤلف : سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی

نسخه کامل و در ۲۳۸ برگ کتابت شده است . کاتب محمّد حسین بن عبدالغفور یزدی ، تاریخ کتابت رمضان ۱۳۰۹ هجری در نجف اشرف

فیلم از کتابخانه وزیری - یزد شماره ۲۳۵۵

● شماره ۱۸۱ : ***الجزء الاول من جامع عبدالرزاق***

مؤلف : عبدالرزاق بن همام بن ابی بکر صنعانی

نسخه کامل و در ۱۱ برگ کتابت شده است ، تاریخ سماع برگ در اول نسخه به سال ۶۳۴ هجری دیده می شود

● شماره ۱۸۲ : ***اعراب القرآن***

مؤلف : ابو البقاء العکبری یا تعلکبری

نسخه کامل و از اول تا آخر قرآن را شامل است و در ۵۰۸ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد رضا بن محمّد هاشم برسجردی ، تاریخ کتابت دوازدهم محرم ۱۰۹۱ هجری

فیلم از کتابخانه ملی ایران - تهران

● شماره ۱۸۳ : ***خلاصه الاقوال فی معرفة احوال الرجال***

مؤلف : ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه کامل است و بعلت خط خوردگی نام کاتب و تاریخ کتابت چندان معلوم نیست و لی بنظر سال کتابت ۹۶۶ هجری می آید .

فیلم از کتابخانه شهرداری گرگان

● شماره ۱۸۴ : ***حاشیة علی مکاسب الانصاری***

مؤلف : سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی

نسخه کامل و در ۲۳۲ برگ کتابت شده است ، کاتب اسماعیل بن حسین

بن اسماعیل طباطبائی یزدی ، تاریخ کتابت ۱۳۰۹ هجری

فیلم از کتابخانه وزیری ـ یزد شماره ۲۳۵۴

● شماره ۱۸۵ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه کامل و در حدود ۴۵۰ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۹۲۵/۴

● شماره ۱۸۶ : ***تاریخ دمشق***

مؤلف : ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی معروف به ابن عساکر

نسخه کامل و در ۴۴۵ برگ کتابت شده است ، این نسخه جزء نهم کتاب را شامل است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول 10/2887

● شماره ۱۸۷ : ***الجامع لشعب الایمان***

مؤلف : ابوبکر احمد بن حسین بیهقی

این نسخه کامل و جلد دوم از کتاب را شامل است ، و در ۲۳۱ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲ / ۴۹۹

● شماره ۱۸۸ : ***نهج البلاغة***

مؤلف : شریف رضی محمد بن حسین موسوی (وفات ۴۰۶ هجری)

نسخه ناقص در ۱۴۷ برگ کتابت شده است ، عتیق و کهنه است و کاتب از روی نسخه مرحوم سید رضی کتابت کرده است

کاتب اشرف بن محمّد بن جعفر علوی حسینی ، تاریخ کتابت قرن پنجم یا ششم هجری

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۳۸۰۱

● شماره ۱۸۹ : ***حاشیه تفسیر بیضاوی***

مؤلف : ؟

نسخه کامل و از انتها ناقص است و در ۳۶۶ برگ کتابت شده است

آغاز: «بسمله قوله الحمد لله الذی نزل الفرقان... اقتبس اقتباساً لطیفاً من قوله...»

فیلم ازکتابخانه ملی ایران ـ تهران

● شماره ۱۹۰ : ***تاریخ دمشق***

مؤلف : ابوالقاسم علی بن حسن بن هبةالله شافعی معروف به ابن عساکر

نسخه کامل و جلد یازدهم ازکتاب را شامل است و در ۵۱۳ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره 11/2887

● شماره ۱۹۱ : ***تفسیر ابو سعید نیشابوری***

مؤلف : ابو سعید حنفی نیشابوری

نسخه کامل و در ۵۲۱ صفحه کتابت شده است ، تاریخ کتابت ماه ذیقعده ۹۸۱ هجره در شهر بورسه (عثمانی) محله احمد پاشا

فیلم ازکتابخانه ملی ایران ـ تهران شماره ۸۰۴

● شماره ۱۹۲ : ***مجموعه***

۱ ـ الاربعین ، تالیف محمّد بن فضل صاعد فراوی (برگ ۲ ـ ۹) از روی نسخه سال ۵۹۶ هجری کتابت شده است

۲ ـ جزء فیه احادیث المائة المخرجة من صحیح البخاری (برگ ۱۲ ـ ۲۳)

۳ ـ کتاب السرد و الفرد فی صحایف الاخبار، تالیف احمد بن اسماعیل قزوینی (برگ ۱۰۷ ـ ۱۳۸) نسخه کامل است ،کاتب محمّد بن محمود بن حسن حضیری ، تاریخ کتابت صفر ۵۹۶ هجری

● شماره ۱۹۳ : ***وسیلة المتعبدین الی متابعة سید المرسلین***

مؤلف : ابوحفص عمر بن محمد بن خضر موصلی

نسخه کامل و در ۱۳۱ برگ کتابت شده است ، این نسخه شامل بخشهای صیام ، صدقه ، حج ، عمره ، احکام و وصایای پیامبر اکرم (ص) می‌باشد ، کاتب احمد بن عمر بن محمد بن ابراهیم ، تاریخ کتابت سال ۵۶۹ هجری

فیلم ازکتابخانه خدابخش پتنه ـ هندوستان شماره ۲۲۸۳

● شماره ۱۹۴ : ***التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین***

مؤلف : عبدالکریم رافعی قزوینی

نسخه کامل از اول کتاب تا آخر باب الیا را شامل است و در ۳۱۱ برگ کتابت شده است ، کاتب و تاریخ کتابت ندارد

فیلم از یکی ازکتابخانه‌های ترکیه

● شماره ۱۹۵ : ***سیر اعلام النبلاء***

مؤلف : محمد بن احمد بن عثمان ذهبی

نسخه کامل و شامل جزء پنجم کتاب است و در ۲۹۳ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت سال ۷۴۰ هجری ، در حیات مصنف و از روی نسخه اصل مؤلف استنساخ شده است

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۹۱۰

● شماره ۱۹۶ : ***تذکرة الفقهاء***

مؤلف : ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی (وفات ۷۲۶ هجری)

نسخه کامل و بر جزء دوازدهم کتاب مشتمل است و در حدود ۱۸۰ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت سال ۷۲۵ هجری

● شماره ۱۹۷ : **مجموعه**

۱ ـ شرح السنه ، تالیف احمد بن محمد بن غالب بتاهلی (۲ـ۲۰)

کاتب عبدالله حمزه، تاریخ سماع به سال ۵۰۶ در آخر کتاب دیده می‌شود

۲ ـ کفایة المفتی، تالیف ابن عقیل، این نسخه شامل جزء سوم است (برگ ۲۹-۴۸)

۳ ـ جزء فیه حدیث ابی احمد محمد بن احمد بن الغطریف (برگ ۵۲-۶۲)

تاریخ سماع در انتهای رساله به سال ۵۰۹ هجری در مسجد جامع دمشق دیده می‌شود

۴ ـ جزء الثانی من مسند ابی هریرة، تالیف ابواسحق ابراهیم بن حرب سمساری (برگ ۶۷-۷۷) تاریخ قرائت در انتهای نسخه به سال ۵۱۲ هجری دیده می‌شود

۵ ـ من مسند احمد حنبل (برگ ۸۳-۸۷)

فیلم از کتابخانه دار الکتب الظاهریة ـ دمشق

● شماره ۱۹۸: ***الغارات***

مؤلف:

به شماره ۴۴ عکسها مراجعه شود

● شماره ۱۹۹: **مجموعه**

۱ ـ نور العین فی ذکر مشهد سیّد الحسین، تالیف عبدالفتاح بن ابوبکر بن احمد رسّام شافعی خلوتی

۲ ـ کتاب الرجال، تالیف ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (برگ ۴ ـ ۱۱۶)

کاتب محمّد بن سراهنك بن مرتضیٰ حسینی، تاریخ کتابت رجب ۵۳۳ هجری

۳ ـ فائق المقال فی الحدیث و الرجال، تالیف مهذب الدین احمد بن رضا (برگ ۳ ـ ۱۵۶)

۴ ـ دیوان امیر المؤمنین علی علیه‌السلام (برگ ۲ ـ ۱۲۲)

۵ ـ دیوان امیر المؤمنین علی علیه‌السلام (برگ ۲ ـ ۱۴۲) به خط یاقوت مستعصمی

فیلم از موزهٔ بریتانیا ـ لندن شماره ها به ترتیب:

11145 _ 7965 _ 8459 _ 7535 _ 7534

● شماره ۲۰۰: ***تحفة الازهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار***

مؤلف: ضامن بن زین الدین علی بن حسن شدقم

فیلم ازکتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ـ تهران شماره ۱۶۳۴

● شماره ۲۰۱: ***ترجمة و شرح نهج البلاغة (فارسی)***

مؤلف: ؟

نسخه در ۲۱۹ برگ کتابت شده است، کاتب سید میر سید علی و احمد حسن، تاریخ کتابت دوازدهم صفر ۱۲۳۷ هجری

فیلم ازکتابخانه خدابخش ـ پاتنه هندوستان شماره ۳۸۷۴

● شماره ۲۰۲: ***شرح لمعه دمشقیه***

مؤلف: ؟

نسخه کامل و در ۴۵۹ برگ کاتب شده است، کاتب مرتضی موسوی، تاریخ کتابت پنجم ذیقعده ۹۷۷

فیلم ازکتابخانه آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام ـ قم شماره ۶۱۲۶

● شماره ۲۰۳: ***نهج البلاغة***

مؤلف: سید رضی محمد بن حسین موسوی (وفات ۴۰۶ هجری)

نسخه عتیق وکهن و در حدود ۱۸۵ برگ کتابت شده است، تاریخ کتابت سال ۵۴۴ هجری

● شماره ۲۰۴: ***اللئالی العبقریة فی شرح الحمیریة***

مؤلف: محمّد بن حسن اصفهانی معروف به فاضل هندی

نسخه کامل و در حدود ۱۵۰ برگ کتابت شده است ،کاتب محمّد نصیر بن شیخ امین الدین حسن نجفی ، تاریخ کتابت دوم ذی حجه ۱۰۹۹ هجری

● شماره ۲۰۵ : ***العلل***

مؤلف : ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

نسخه شامل جلد سوم از کتاب است

● شماره ۲۰۶ : ***اعلام الطرائق فی الحدود بالحقائق***

مؤلف : رشید الدین ابو علی محمد بن علی بن شهر آشوب سروی (وفات ۵۸۸ هجری)

نسخه کامل است و در ۲۱۸ برگ کتابت شده است ، در آخر نسخه آمده که مؤلف کتاب را در سال ۵۷۰ هجری تالیف کرده است

● شماره ۲۰۷ : ***وسیله المتعبدین فی متابعة سیّد المرسلین***

مؤلف : ابو حفص عمر بن محمود بن محمّد بن خضر موصلی

نسخه از انتها ناقص است و در ۱۳۱ برگ کتابت شده و از نفاست بر خوردار است

تاریخ کتابت حدود قرن ششم هجری (بنابه شناسنامه نسخه در اولین برگ)

فیلم از کتابخانه خدابخش ـ پاتنه هندوستان شماره ۲۲۸۶

● شماره ۲۰۸ : ***شرح باب الحادی العشر***

مؤلف : محمّد بن احمد خواجگی شیخ شیرازی

نسخه کامل و در ۱۲۹ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت سال ۹۵۵ هجری

فیلم از کتابخانه آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدس

● شماره ۲۰۹ : ***الكواكب المضئ فی فضل ... و علی*** علیه‌السلام

مؤلف : ابو الجود بترونی حنفی

نسخه فقط «باب الرابع فی فضائل علی بن ابی‌طالب» را شامل است (برگ ۴۵ ـ ۶۷) به ضمیمه «باب الخامس فی تکفیر الرافضة !!؟»

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول ۲۶۳۸

● شماره ۲۱۰ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه کامل است و جلد اول از کتاب را شامل است و در ۲۰۴ برگ کتابت شده است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۴ / ۳۹۲۵

● شماره ۲۱۱ : ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف : کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم

نسخه کامل و جلد هفتم و هشتم و نیز زیادتی از عنوان زیاد حارثی تا سعید بن سلام را شامل است

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۳۹۲۵

● شماره ۲۱۲ : ***المبسوط***

مؤلف : شیخ ابو جعفر محمّد بن علی طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه از انتها ناقص است و تا اول «فصل فی بیع الغرر» ادامه دارد و در ۲۰۱ برگ کتابت شده است

● شماره ۲۱۳ : ***سیر اعلام النبلاء***

مؤلف : شمس الدین ابو عبدالله محمّد بن احمد بن عثمان ذهبی

نسخه شامل جزء سوم کتاب و در ۲۵۲ برگ کتابت شده است

تاریخ کتابت سال ۷۲۹ هجری ، کاتب نسخه را از روی نسخه مؤلف نوشته

است، از عنوان «ابو عبیده جراح» آغاز با عنوان «ابو هریرة» انجام می یابد

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۹۱

● شماره ۲۱۴: ***نهج البلاغة***

مؤلف: شریف سید محمد بن حسین موسوی (وفات ۴۰۶ هجری)

نسخه نفیس وکهن که از روی نسخه ادیب معروف ابو یوسف یعقوب نیشابوری (حیات قرن پنجم) استنساخ و مقابله و تصحیح شده است، تاریخ کتابت سال ۶۰۸ هجری

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۲۱۵: ***مختصر کتاب التواریخ الشرعیة عن الائمة المهدّیة*** علیهم السلام

مؤلف: محمّد بن محمّد بن نعمان مفید (وفات ۴۱۳ هجری)

نسخه کامل و در ۹۰ برگ کتابت شده است، کاتب محمّد بن علی بن منصور سالار، تاریخ کتابت سال ۳۹۱، نسخه بسیار عتیق و نفیس است و با خط کوفی نگاشته شده است

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران

● شماره ۲۱۶: ***الکافی***

مؤلف: ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین حلبی

فیلم از کتابخانه ملی ملك ـ تهران شماره ۲۶۴۷

● شماره ۲۱۷: ***لمح الملح***

مؤلف: ابو المعالی سعد بن علی حظیری وراّق

نسخه کامل و در ۱۵۹ برگ کتابت شده است، کاتب محمّد بن احمد بن ابی الفرج بن ابی بکر بن شهید، تاریخ کتابت ربیع الاخر ۷۴۲ هجری در دمشق محروسه

فیلم از کتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۳۴۴

● شماره ۲۱۸ : *اکمال الاکمال*

مؤلف : ؟

نسخه از ابتدا ناقص است و از عنوان «وأما الخيّاط فجماعة منهم» آغاز می شود ، این نسخه شامل جزء دوم از کتاب است و تا اول حرف شین ادامه می یابد

فیلم از کتابخانه چستربیتی ـ دوبلین ایرلند

● شماره ۲۱۹ : *سیر اعلام النبلاء*

مؤلف : شمس الدین ابو عبدالله محمّد بن احمد بن عثمان ذهبی

نسخه شامل جزء چهارم کتاب و در ۲۵۰ برگ کتابت شده است ، تاریخ کتابت سال ۷۲۹ هجری

فیلم از کتابخانه سلطان احمد ثالث ـ اسلامبول شماره ۲۹۱

● شماره ۲۲۰ : **مجموعه**

۱ ـ کشف المشکلات و ایضاح المعضلات فی علل القرآن

کاتب محمّد بن حسن بن محمّد بن احمد حافظ رهقی ، تاریخ کتابت جمعه و پانزدهم شوال ۵۴۲ هجری

۲ ـ وجوه القرآن و نظائره ، تالیف ابی هلال حسن بن عبدالله بن سهل عسکری (وفات ۳۵۲ هجری) ، کاتب همو ، تاریخ کتابت ۵۴۷ هجری

۳ ـ تلخیص البیان فی مجازات القرآن ، تالیف رضی ابو الحسن محمّد بن طاهر ، کاتب همو ، تاریخ کتابت رجب ۵۴۷ هجری ، در سال ۵۶۷ هجری مقابله شده است

۴ ـ الاستدارك علیٰ کتاب ابی علی مما وقع فی الحجة من الخلل ، تالیف شیخ ابو الحسنی علی بن حسنی بن علی ضریر اصفهانی ، از انتها ناقص است

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران شماره ۵۴۷۰

● شماره ۲۲۱ : *العلل*

مؤلف : ابوالحسن علی بن عمر بن مهدی دارقطنی (وفات ۳۸۵ هجری)

به شماره ۲۰۵ مراجعه شود .

● شماره ۲۲۲ : *النکت والعیون (تفسیر ما وردی)*

مؤلف :

نسخه کامل و در ۳۰۰ برگ کتابت شده‌است و از سوره سبا آغاز شده است

فیلم از کتابخانه کوپرلی ـ ترکیه شماره ۳ / ۱۴۷۳

● شماره ۲۲۳ : *التبیان فی تفسیر القرآن*

مؤلف : شیخ ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (وفات ۴۶۰ هجری)

نسخه شامل جزء نهم کتاب و در ۳۴۰ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد بن علی محمّد بن حسن بن حیدر ، تاریخ کتابت بیست و ششم جمادی الاول ۵۸۱ هجری

● شماره ۲۲۴ : *ریاض المسائل*

مؤلف : سید علی طباطبائی

نسخه از ابتدا ناقص و در حدود ۱۰۰ برگ کتابت شده است

کاتب محمّد ابراهیم بن ملا علی واعظ محلاتی ، تاریخ کتابت ذیقعده ۱۲۵۳ هجری در دار المؤمنین کاشان

فیلم از کتابخانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام شماره ۶۴۰۱

● شماره ۲۲۵ : *شرح قصیدة التنزیه*

مؤلف : ؟

نسخه کامل و در ۱۷ برگ کتابت شده است

فیلم از یکی از کتابخانه های ترکیه ـ شماره ۸۹۲

● شماره ۲۲۶: ***بغیة الطلب فی تاریخ حلب***

مؤلف: کمال‌الدین عمر بن احمد بن عدیم (وفات ۶۶۰ هجری)

نسخه کامل و در ۲۰۰ برگ کتابت شده است و از عنوان «حجاج بن هشام» آغاز می شود

فیلم ازکتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول شماره ۱۴۰۴

● شماره ۲۲۷: ***النکت علیٰ کتاب ابن الصلاح و الفیة العراقی***

مؤلف: احمد بن علی بن حجر العسقلانی

نسخه کامل و در ۱۶۷ برگ کتابت شده است، تاریخ کتابت ۱۱۵۷ هجری

فیلم از کتابخانه دانشگاه ریاض (عمادة شئون المکتبات) ـ عربستان شماره ۱۰۹۹

● شماره ۲۲۸: ***الملخص فی علم الکلام***

مؤلف: سیّد مرتضی بن حسین موسوی علم الهدی (وفات ۴۳۶ هجری)

از ابتدا ناقص است و در ۱۴۲ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران ـ تهران شماره ۹۶۳۲

● شماره ۲۲۹: **مجموعه**

۱ ـ سرّ الانساب، تالیف ابو نصر سهل بن عبدالله بخاری نسابه (شماره صفحه ندارد) کاتب ابو القاسم شریف

۲ ـ الادعیا، تألیف ...، کاتب همو، تاریخ کتابت سال ۱۲۸۵ هجری

فیلم ازکتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ـ تهران شماره ۲۷۰۰

● شماره ۲۳۰: ***عوارف المعارف***

مؤلف: شیخ شهاب الدین سهروردی

نسخه کامل و در حدود ۱۵۰ برگ کتابت شده است، کاتب علی بن فتح الله اصفهانی، تاریخ کتابت ۸۶۴ هجری

فیلم از کتابخانه ایاصوفیا ـ اسلامبول شماره ۱۹۶۴

● شماره ۲۳۱ : ***المعجم الکبیر***

مؤلف : ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی

نسخه شامل جزء سوم ازکتاب است و از عنوان «رافع بن خدیج» آغاز و در آخر حرف خاء انجام می یابد

فیلم ازکتابخانه سلطان محمّد فاتح ـ ترکیه شماره ۱۱۹۸

● شماره ۲۳۲ : ***اسامی الذین نزل فیهم القرآن***

مؤلف : ؟

نسخه کامل و در ۱۰ برگ کتابت شده است ، کاتب محمّد علی کرمانشاهی

فیلم ازکتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ـ تهران شماره ۷۵۲۷

● شماره ۲۳۳ : ***مرآة الزمان***

مؤلف : سبط ابن جوزی

نسخه شامل جزء نهم و دهم است و از حوادث سالهای ۷۵ هجری تا ۱۳۲ هجری را شامل است و در ۱۳۹ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه ایاصوفیا ـ اسلامبول شماره ۳۴۱۱

● شماره ۲۳۴ : ***المختار من المسند لاحمد بن حنبل***

مؤلف : شیخ محمّد رضا جعفری اشکوری

مؤلف : این مسند را در سه جزء انتخاب و مبوّب کرده است و به خط مؤلف محترم کتابت شده است

● شماره ۲۳۵ : **مجموعه**

۱ ـ سلاسل الحدید ، تالیف سیّد هاشم بن سلیمان بحرانی

۲ ـ مطاعن البکریه ، تالیف همو ، نسخه کامل و در ۴۷۶ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه ملی ایران ـ تهران شماره ۱۲۰۳

● شماره ۲۳۶: ***الاحتجاج***

مؤلف: ابو منصور احمد بن علی بن ابی‌طالب طبرسی (قرن ششم هجری)

نسخه کامل و در ۳۱۶ برگ کتابت شده است، کاتب عبدالحق بن محمّد بن عیسیٰ حسین مکی بحرانی، تاریخ کتابت ۹۸۰ هجری

فیلم ازکتابخانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام ـ قم ـ شماره ۹۵۱۴

● شماره ۲۳۷: ***الوافی بالوفیات***

مؤلف: صفدی

فیلم ازکتابخانه ملی ملك ـ تهران شماره ۳۵۷۴

● شماره ۲۳۸: ***النکت و العیون (تفسیر ماوردی)***

مؤلف: ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی

نسخه کامل، شامل جزء اول و در ۳۴۴ برگ کتابت شده است

فیلم ازکتابخانه کوپریلی – اسلامبول شماره ۲۳

● شماره ۲۳۹: ***المقتفی لتاریخ ابی شامه***

مؤلف: ابو محمد قاسم بن محمد بن یوسف بن برازلی

نسخه کامل و شامل جزء دوم کتاب است و از حوادث سال ۶۹۹ آغاز و تا سال ۷۲۰ هجری ادامه دارد و در ۲۴۱ برگ کتابت شده است، کاتب محمد بن محمد بن علی انصاری، تاریخ کتابت پنجم ربیع الاول سال ۷۲۱ هجری

فیلم ازکتابخانه احمد ثالث ـ اسلامبول

● شماره ۲۴۰: ***تفسیر ثعالبی***

مؤلف: ؟

نسخه ابتدا و انتها ندارد و فقط بخشهایی ازکتاب را شامل می‌شود و در حدود ۲۰۰ برگ کتابت شده است.

● شماره ۲۴۱ : ***اکمال تهذیب الکمال***

مؤلف :

نسخه ناقص و شامل دو جزء ـ که جزء اول از عنوان عبدالرحمن تا عمرو زراره و جزء دوم از عنوان محمد بن عبدالملک که تا یحیی بن یعمر ادامه دارد ـ می‌باشد

فیلم از کتابخانه فیض الله افندی ـ اسلامبول شماره ۱۳۷۷-۱۳۷۶

● شماره ۲۴۲ : ***رسالة الحجة فی الامامة***

مؤلف : ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه جعفری

نسخه کامل و در میان برگهای ۲۲۲ر-۳۲۵پ قرار دارد

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۵۳۹۶ فهرست ۴۲۳۷/۱۵

● شماره ۲۴۳ : ***شرح مفاتیح الشرایع***

مؤلف : محمدباقر بن محمد اکمل بهبهانی اصفهانی (وفات ۱۲۰۵هجری)

نسخه کامل و در حدود ۳۰۰ برگ کتابت شده است ، کاتب ابوالحسن بن عبدالله ، تاریخ کتابت سال ۱۲۰۷ هجری

فیلم از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ اهدائی مشکوة شماره ۷۱۸

● شماره ۲۴۴ : ***المعجم الکبیر***

مؤلف : ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی شافعی

نسخه کامل و شامل جزء سوم و چهارم کتاب است که از حرف راء تا آخر حرف ظاء ادامه دارد ، تاریخ در آخر نسخه به سال ۵۷۵ هجری در اصفهان دیده می‌شود

فیلم از کتابخانه فاتح ـ اسلامبول شماره ۱۱۹۸

● شماره ۲۴۵ : **مجموعه**

۱ ـ قطعه‌ای از المنتظم ، تالیف ابن جوزی ، این نسخه حوادث سالهای ۱۷۵ تا ۲۰۲ هجری را شامل است

۲ ـ مراة الزمان ، تالیف سبط ابن جوزی ، در این نسخه حوادث بین سالهای ۵۰ تا ۸۳ هجری آمده است .

۳ ـ مراة الزمان ، تالیف همو ، حوادث زمان بین سالهای ۱۹۰ تا ۲۸۲ هجری را شامل است

فیلم از کتابخانه پاریس ـ فرانسه

● شماره ۲۴۶ : ***فهرست علماء الشیعة و مصنفیهم***

مؤلف : منتجب‌الدین ابوالحسن علی بن عبدالله بن حسن بن حسین بابویه

نسخه کامل و در ۴۶ برگ کتابت شده است ، کاتب محمد بن محمد بن علی حمدانی قزوینی ، تاریخ کتابت اواخر رجب ۶۱۳ هجری

فیلم از کتابخانه ملی ملک ـ تهران شماره ۱۵۷۲

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سوم شعبان ۱۴۱۷ محمود طیار مراغی

ملحق

الوثائق والصور

الـوثـائـق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا محمد خاتم النبيين وعلى أوصيائه
الاثني عشر الأئمة المعصومين الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وبعد
فقد استجاز مني السيد السعيد النبيل الأوحد السيد ميرزا عبد العزيز ابن السيد جواد ابن السيد
الجليل السيد إسماعيل الذي هو ابن عم [illegible] الطباطبائي اليزدي
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وأنا الفاني [illegible] الطهراني [illegible]
في رابع صفر الخير [illegible] من سنة احدى وسبعين [illegible] والف



صورة إجازة رواية من العلّامة الشيخ آقا بزرك الطهراني

للمحقق الطباطبائي وهو في سن الثالثة والعشرين من عمره

مصفى المقال

في

مُصنفي علم الرّجال

بسم الله الرحمن الرحيم
هدية نزر زهيد من المؤلف الى العزيز
الروحي [illegible] المعنى سبط
آية الله العظمى اليزدي الطباطبائي
الفائز

تأليف



العلامة الشيخ آقا بزرگ الطهراني

توفي شيخنا رحمه الله في الساعة الواحدة من بعد الظهر
يوم الجمعة ١٣/١٤ ذي الحجة ١٣٨٩ وغسل ودفن في داره

عنى بتصحيحه و نشره ابن المؤلف

احمد منزوي

الطبعة اولى . حقوق الطبع محفوظة

١٣٧٨ ق = ١٣٣٧ ش = ١٩٥٩ م

صورة إهداء العلّامة الشيخ آقا بزرك الطهراني كتابه مصفى المقال للمحقق الطباطبائي وهو في سن الثلاثين من عمره ويلاحظ تاريخ وفاة العلّامة الطهراني بخط المحقّق الطباطبائي

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید عبد العزیز طباطبائی دامت توفیقاته
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ان شاء الله تعالی مزاج محترم قرین صحت و
عافیت بوده و باشد. نامهٔ مورخهٔ ۲۷ ذو القعدة واصل، با اطلاع
میرساند که اینجانب و علی رغم آنکه اجازهٔ روایتی معمولاً نمی دهم لکن معذلک
شما از طرف اینجانب مجاز در روایت می باشید، البته اسناد روایت اینجانب
عمدة از طریق شیخنا الاستاد مرحوم مبرور حضرت آیة الله العظمی نائینی (قدس سره)
و ایشان هم از مرحوم مبرور محدث شهیر حضرت آیة الله نوری (قدس الله سره) روایت
می کنند و اسناد روایات آن مرحوم تفصیلاً در کتاب مستطاب مستدرک الوسائل ذکر
گردیده، همچنین اینجانب از مرحوم مبرور علامه شرف الدین (تغمده الله برحمته الواسعة)
روایت می کنم و اسناد ایشان در روایت در کتاب ایشان الثبت الموسوی
مذکور است، امید است مارا از دعای خیر در مظان اجابت فراموش نمی فرمائید
کما لا ننساکم منه ان شاء الله تعالی والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نجف اشرف ۲۶ ذو الحجة ۱۴۱۲ هجری

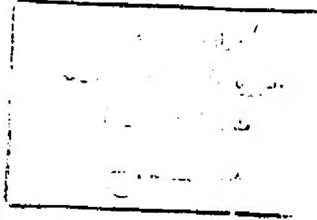
صورة إجازة الرواية من آية الله العظمى السيّد أبو القاسم
الخوئي رحمه الله للمحقق الطباطبائي قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

هذه هي نسخة الأصل لكتابنا مباني تكملة المنهاج وقد وهبتها للسيد عبد العزيز الطباطبائي وما يوجد فيه من خلاف مع المطبوع فهو مني فقد أحدثت فيه بعض التغيير أثناء الطبع، ٢٩ ذي الحجة ١٣٩٥



مباني تكملة المنهاج



الجزء الأول
والجزء الثاني
تأليف

آية الله العظمى الإمام السيد الخوئي
دام ظله الوارف

الجزء الاول - والثاني

صورة إهداء آية الله العظمىٰ السيّد أبو القاسم الخوئي مخطوطة كتابه مباني تكملة المنهاج للمحقق الطباطبائي

بسمه تعالی

حضور محترم جناب مستطاب دانشمند معظم حجة الاسلام آقای حاج سید عبدالعزیز طباطبائی دامت برکاته

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته امید است ان شاء الله تعالی همواره اوقات در ظل توجهات
در خدمات ولی عصر ارواحنا فداه قرین عزت وسعادت وخدمات دینی وعلمی ایجاب
منظور نظر مقدس حضرتش بوده باشد. مرقوم شریف مورخ ۶ رجب المرجب متضمن
تسلیت ارتحال حضرت آیة الله العظمی آقای خوئی قدس الله نفسه الزکیه واصل گردید. متقابلا
فقدان این استاد عظیم الشأن ومرجع عالیقدر را تسلیت گفته جبران این ضایعه بزرگ را
از درگاه حضرت احدیت جلت عظمته مسئلت دارم. از الطاف ومحبتهای جنابعالی کمال
امتنان وتشکر را دارم همواره جویای احوالات شما بوده ودر حرم مولی الموالی علیه افضل
التحیة والسلام دعاگو ونائب الزیارة میباشم. اجازات مطلوبه شما ارسال میگردد
راجع به انحرافات ودعواهائی که احیانا شنیده میشود جواب همان است که شما ذکر فرموده اید
وطریق علاج هم همان است که بیان شده است. امید دارم که به حول وقوه الهی با کمک فکری وعملی
امثال جنابعالی و [illegible] عده [illegible] که مدرسه هستند این نقص [illegible]
[illegible] در گذشته باشد مرتفع گردد.
در خاتمه مترجی است که در مظان استجابت دعا اینجانب را از دعای خیر فراموش نفرمائید [illegible]
عرض سلام اینجانب خدمت دوستان ورفقا موکول به لطف سرکار است. سید محمد رضا
عرض سلام ودعا دارد. والده عرض سلام دارند. موفق ومستدام باشید. والسلام

۸ شعبان المعظم ۱۴۱۲

علی الحسینی السیستانی



صورة الرسالة التي بعثها آية الله العظمى السيّد علي السيستاني حفظه الله للمحقق الطباطبائي ﷺ، جواباً على رسالة المحقّق الطباطبائي يعزّيه فيها وفاة استاذهما الامام الخوئي

بسم الله الرحمن الرحيم

كلمة شكر وتقدير

لحضرة صديقنا المحقق البارع الناقد النشيط حجة الإسلام والمسلمين السيد عبد العزيز الطباطبائي سلّمه الله وأبقاه

بعد تقديم تحيات وتسليمات وافرات. انّه وصل إلينا الجزء الأول والثاني من مجلتكم الزاهرة (تراثنا) وكان لها الوقع الحسن في نفسي بل نفوس القرّاء لأنّ فيها مقالات نفيسة وآثاراً غير مطبوعة للشيعة الإمامية فقد نالت مجلتكم هذه استحسان القرّاء وأعجبهم لحسن أسلوبها.

ولم تزل الأمّة الإسلامية ولاسيّما الشيعة الإمامية في هذا العصر في حاجة ماسّة إلى مجلّة علميّة تعرّف ماهيّة الدين والمذهب بنشر (تراثها) العلمي حبّرته يراعة أعلام نحاريرها في مختلف العصور الغابرة الذهبية الموجود في زوايا المكاتب وخبايا البلاد النائية.

ما أحوجنا لمثل هذه المجلّة في وقتنا الحرج الذي أُخذنا من جميع أطرافنا وسُدّ علينا فرجة النور ومنفذ النفس نعم انّ هذه المجلّة وأمثالها ممّا ينهض بالشيعة إلى أعلى ذرى العزّ والمجد وتحلّق بها بجناحي العلم والحضارة في سماء الشهرة فتسترد مجدها الغابر وعزّها الضائع وانّ لنا الأمل الوطيد بأن سوف ينجلي لنا الصبح المستقبل النيّر عن أعمال جليلة يخلدها العصر بمداد النور (وان الآخرة خير لك وأبقى، ولسوف يعطيك ربك فترضى)

أيّها الصديق العزيز الطباطبائي حفظك الله مناراً للشيعة وعروة للشريعة انّا نقدر حدّ التقدير عملك ومشروعك هذا لأنا نعتبر هذه المجلّة باكورة أعمال عظيمة ومفتاح مشاريع مهمّة تعتز بها كلمة الإسلام وتشيّد بها كيان رسول الله وأهل بيته الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين وستشكرك الأمّة الإسلامية على ذلك وشكرها لمن يمدّ إليها يد الإعانة والإحسان وبذلك يمجّد التاريخ اسمك كما مجّد أسماء أمثالك من قبل وما نراك إلّا ناهضاً بهذا الواجب المقدّس بجدك الكاشر (والذين جاهدوا فينا لنهدينّهم سبلنا) وختاماً أقول مخاطباً للعلماء المحققين البارعين الذين لهم مقالات نافعات في مجلّتكم: أيّها العلماء انهضوا لاعزاز هذه الطائفة وأعمالها لاسترجاع حقوقها المغتصبة إنا معكم عاملون (وقل اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله والمؤمنون وستردون إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون) لازلتم موفقين في سبيل الدين وإعزاز المسلمين والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته في ٢٥ صفر المظفر ١٤٠٦ ق هـ. أقلّ خدمة العلم والدين المير سيد أحمد الروضاتي.



صورة رسالة العلّامة السيّد أحمد الروضاتي حفظه الله إلى المحقّق الطباطبائي بمناسبة صدور العدد الأول والثاني من مجلة «تراثنا»

بسمه تعالى

سماحة العلامة الجليل الحجة السيد عبد العزيز الطباطبائي

راجياً أن تجد في هذه الصفحات بعض ذكريات مجالسك ونشاطك

الخالد في حقلي الثقافي والأدبي

المخلص

٢١/١٢/٩٥

جمال الدين

صورة إهداء العلّامة السيّد مصطفى جمال الدين رحمه الله ديوانه للمحقق الطباطبائي قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على جزيل آلائه وجميل بلائه استدعاء لمزيد نعمائه وذخيرة ليوم لقائه وصلى الله على خاتم النبيين سيد أنبيائه وعلى عترته الطاهرين حجج الله وامنائه ولا سيما امير المؤمنين وسيد الوصيين وامام المتقين وقائد الغر المحجلين ولعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين.

اما بعد فقد استجازني الفاضل النبيل بل العلامة الجليل زين الأفاضل قدوة الاماثل صاحب التحقيقات الرشيقة والتنبيهات الدقيقة والبحوث العميقة، وقد اغنت جهوده المنشورة عن التعريف وآثاره المشهورة عن التوصيف الشيخ فارس بن الحاج محمد رضا بن الحاج محمد علي بن الحاج حسون تبريزيان التبريزي الاصل النجفي المولد والمنشأ، فأجزت له دام توفيقه أن يروي عني عن مشايخي العظام واساتيذي الكرام جبال العلم وأعلام الاسلام. وهم:

سيدنا الاستاذ قدوة الأعلام المحققين سيد الفقهاء المدققين مرجع الطائفة فقيه الشيعة مثال الورع والصلاح السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي المتوفى عاشر صفر سنة ١٣٨٢ قدس الله روحه ونور ضريحه

وسيدنا الاستاذ قدوة الفقهاء المحققين مربي الفضلاء والمجتهدين رحلة طلبة العلم من الآفاق آية الله العظمى على الاطلاق مرجع الطائفة وزعيمها السيد ابو القاسم الموسوي الخوئي المتوفى ثامن صفر سنة ١٤١٣

وشيخي العلامة شيخ المفهرسين كبير الباحثين خاتمة المحدثين شيخ مشايخ الشيعة وعيبة آثارها ومؤرخ الطائفة والمحقق اصاغرها واكابرها صاحب الموسوعتين الخالدتين خلود الدهر الذريعة الى تصانيف الشيعة وطبقات اعلام الشيعة بارك الله في جهده وشكره على سعيه وكده، وتولى تغمده الله برضوانه واسكنه بحبوحة جنانه في ١٣ ذي الحجة

صورة الصفحة الأولى لإجازة الرواية من المحقق الطباطبائي قدس سره

الى الشيخ فارس تبريزيان الحسّون

سنة ١٣٨٤ فليروعني دام فضله و إ فضالهم عنهم قدس الله أرواحهم بالطرق التي أدرجها شيخنا صاحب الذريعة في مشيخته المطبوعة وهي (الاسناد المصفى الى آل المصطفى) وقد أجاز لي عليها في صفر سنة ١٣٧١

وهو يرويها عن مشايخه مشايخ الاسلام ومراجع الانام في الحلال والحرام واولهم واولاهم شيخ مشايخ الحديث فلك العلم والرواية قطب الفضل والدراية قدوة العلماء العاملين فخر الفقهاء الورعين نادرة الايام مفخرة الانام محيي آثار المتقدمين افضل المتأخرين الحاج ميرزا حسين النوري قدس الله نفسه وطيب رمسه المتوفى سنة ١٣٢٠ بطرقه الخمسة المدرجة في مشجره مواقع النجوم والمبسوطة كل البسط في خاتمة كتابه القيم الخالد مستدرك الوسائل ومستنبط المسائل.

واوصيه ونفسي - وهو دام توفيقه في غنى عن ذلك - بسلوك سبيل الاحتياط والسير في نهج الصلاح والسداد فانه المفضي الى الفوز والرشاد

١٨ شعبان سنة ١٤١٥ عبد العزيز الطباطبائي



صورة الصفحة الثانية لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي تَرَتُّ

إلى الشيخ فارس تبريزيان الحسّون

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على سوابغ النعماء وترادف الآلاء، والصلاة والسلام على محمد
سيد الأنبياء وعلى آله السادة الشرفاء ولاسيما أمير المؤمنين سيد الأوصياء
صلاة تملأ أقطار الأرض والسماء ولعنة الله على أعدائهم إلى يوم الجزاء

أما بعد فقد استجازني الخل الوفي الشاب الزكي الفطن الذكي الماجد
النبيل الفاضل الجليل صاحب التحقيقات الرشيقة والتنبيهات الدقيقة من
دلت آثاره على نبله، وشهدت جهوده المنشورة بفضله حامد شاكر اسماعيل
الخفاف النجفي بلغه الله آماله وتقبل أعماله، فأجزت له أن يروي عني عن مشايخي
العظام جبال العلم وأعلام الإسلام، وهم:

سيد العلماء المحققين الفقيه الورع السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي
قدس الله نفسه وطيب رمسه المتوفى عاشر صفر سنة ١٣٨٢

وسيدنا الأستاذ وقدوة الفقهاء المحققين مربي الفضلاء والمجتهدين مرجع
الطائفة وزعيمها السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي قدس الله روحه ونور
ضريحه المتوفى ثامن صفر سنة ١٤١٣.

وشيخي العلامة شيخ المفهرسين كبير الباحثين محيي آثار الأولين صاحب
الموسوعتين العظيمتين الذريعة وطبقات أعلام الشيعة: الشيخ آقا بزرگ
الطهراني تغمده الله برضوانه وأسكنه بحبوحة جنانه المتوفى ١٣ ذو الحجة
سنة ١٣٨٩ بطرقه التي أدرجها في مشيخته المطبوعة وهي الإسناد المصفى
إلى آل المصطفى والتي أجازني عليها بخطه الشريف في صفر سنة ١٣٧١ وأول طرقه
عن شيخه شيخ مشايخ الإسلام خادم علوم أهل البيت عليهم السلام قدوة
العلماء الأعلام خاتمة المحدثين الحاج ميرزا حسين النوري تغمده الله
برحمته، وأسكنه فسيح جنته فليرو دام فضله وإفضاله عني عنهم بطرقهم
وأوصيه بسلوك سبيل الاحتياط وملازمة التقوى والسداد في
والله الموفق وهو يهدي السبيل. ١٧ شعبان ١٤١٥

عبد العزيز الطباطبائي



صورة إجازة رواية من المحقق الطباطبائي ﵀ إلى

الأستاذ حامد الخفاف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على جزيل نواله وعميم إفضاله والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله

اما بعد فقد استجازني الشاب الزكي والمهذب الصفي والفاضل الجليل والماجد النبيل الشيخ ماجد بن موسى بن جعفر الغرباوي النجفي بلغه الله آماله وتقبل أعماله فأجزت لدوام توفيقه أن يروي عني عن مشايخي العظام قدس الله اسرارهم، الأدوم:

الفقيه الورع سيد المحققين آية الله العظمى السيد عبد الهادي الشيرازي المتوفى عاشر صفر ١٣٨٢ قدس الله نفسه.

وسيدنا الاستاد سيد الفقهاء المحققين مربي الفضلاء والمجتهدين مرجع الطائفة وزعيمها السيد ابو القاسم الموسوي الخوئي المتوفى ثامن صفر سنة ١٤١٣ قدس الله روحه ونور ضريحه.

وشيخي الأجل شيخ المفهرسين كبير الباحثين مؤرخ الطائفة ومحيي تراثها الشيخ آقا بزرگ الطهراني صاحب الموسوعتين الخالدتين: الذريعة وطبقات أعلام الشيعة المتوفى ١٣ ذي الحجة ١٣٨٩.

فليرو دام فضله عنهم بطرقهم المعلومة المعروفة المدرجة في الاسناد المصفى لشيخنا صاحب الذريعة والمبسوطة في خاتمة مستدرك الوسائل لشيخ مشايخنا خاتمة المحدثين المحدث النوري قدس الله روحه ونور ضريحه واوصيه وبنفسي بالتقوى والسداد والأخذ بالحائطة في دين الله فانه سبيل الرشاد وأن لا ينساني من صالح دعواته كما لا أنساه ان شاء الله

١٦ شعبان سنة ١٤١٥

عبد العزيز الطباطبائي



صورة إجازة رواية من المحقق الطباطبائي ﵀ إلى الشيخ ماجد الغرباوي.

بسم الله الرحمن الرحيم

قد استجازني الشاب المهذب الصفي الفاضل الزكي الشيخ محمد الصحتي التبريزي السرورودي حفظه الله ورعاه، فأجزته دام فضله أن يروي عني عن شيخي وأستاذي ومن عليه اعتمادي واستنادي شيخ الباحثين كبير المفهرسين حجة المؤرخين شيخ مشايخ الإسلام فخر المحققين الأعلام الشيخ آقا بزرگ الطهراني صاحب الذريعة قدس الله نفسه وطيب رمسه، فليروِ عني عنه رحمه الله بطرقه المدرجة في مشيخته هذه التي أجازني رحمه الله على ظهرها بهذه الإجازة وأوصيه ونفسي بتقوى الله وفقه الله لمرضاته إنه سميع مجيب

عبد العزيز الطباطبائي

٤ شعبان ١٤١٦

صورة إجازة رواية من المحقّق الطباطبائي ﷺ إلى الشيخ محمّد الصحتي التبريزي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على مننه المتتابعة المتظاهرة وله الشكر على نعمه الباطنة والظاهرة والصلاة والسلام على نبينا محمد سيد الدنيا والآخرة وعلى الأنجم الزاهرة والأعلام الظاهرة أهل بيته الطيبين وعترته الطاهرة، وعلى مبغضيهم ومناوئيهم لعائن الله متزايدة متكاثرة

أما بعد فقد استجازني الفاضل النبيل والعالم الجليل قدوة الأفاضل مفخر الأماثل من شهدت جهوده المشكورة بفضله ودلت آثاره الكثيرة على علمه ونبله، صاحب الكتب السديدة والمؤلفات العديدة والآثار المفيدة الشيخ عبد الجبار الرفاعي زاده الله توفيقه وسهل الى كل خير طريقه فأجزت له حفظه الله ورعاه أن يروي عني عن مشايخي العظام أعلام الدين ومفاخر الإسلام، أولهم:

سيدنا الاستاذ الفقيه المدقق مثال الورع والصلاح وقدوة أهل التقى والفلاح السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي المتوفى عاشر صفر ١٣٨٢ قدس الله نفسه وطيب رمسه.

وسيدنا الاستاذ سيد الفقهاء المحققين مربي الفضلاء والمجتهدين رحلة طلاب علوم الدين علم الأعلام حامل راية الإسلام زعيم الطائفة ومرجعها السيد ابو القاسم الخوئي المتوفى ثامن صفر ١٤١٣ قدس الله روحه ونور ضريحه

وشيخي واستادي ومن عليه معولي واعتمادي ملحق الاصاغر بالأكابر قطب فلك الرواية وشيخ الحديث والدراية كبير الباحثين والمفهرسين حجة التاريخ، مؤرخ الأجيال منقذ تراث الطائفة من الاندثار محيي جهود السلف ومحييها من البوار الشيخ آقا بزرگ الطهراني المتوفى ١٣ ذي الحجة ١٣٨٩ تغمده الله برضوانه وأسكنه بحبوحة جنانه.

صورة الصفحة الأولى لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي ﷺ

إلى الشيخ عبد الجبار الرفاعي

فليرو دام فضله وإفضاله عني عنهم عن أئمة الاسلام وحجج الله تعالى على الأنام بالطرق التي ذكرها شيخنا صاحب الذريعة قدس الله نفسه في مشيخته المطبوعة (الاسناد المصفى الى آل المصطفى) ومنها ما عن أول مشايخه وأشهرهم وأفضلهم شيخ مشايخ الاسلام وقدوة العلماء الاعلام خاتمة المحدثين زين المجتهدين الحاج ميرزا حسين النوري قدس الله روحه ونور ضريحه بطرقه الخمسة المدرجة في مشجره مواقع النجوم، والمبسوطة في خاتمة مستدرك الوسائل ومستنبط المسائل.

واوصيه ونفسي بتقوى الله عزوجل والاخذ بالحائطة في دينه وأن لا ينساني من صالح دعواته، والله سبحانه هو السميع المجيب وهو ولي التوفيق

١٥ شعبان سنة ١٤١٥ عبد العزيز الطباطبائي



صورة الصفحة الثانية لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي

إلى الشيخ عبد الجبار الرفاعي

الحمد لله على نعمه المتكاثرة وآلائه المتواترة والصلاة والسلام على سيد الدنيا والآخرة

وعلى عترته الطاهرة وآله البررة واللعنة على أعدائهم الكفرة الفجرة

أما بعد فقد استجازني الشاب المهذب النبيل الكاتب الأديب والفاضل الأريب

زبدة الأماثل سلالة الأعلام الأفاضل صاحب الفضل والفضيلة والمساعي الجميلة

والآثار الجليلة والمآثر المأثورة والجهود المشكورة والنشاط الدائب والإصابة

محمد سعيد الطريحي حفظه الله ورعاه وبلغه مناه فأجزت له دام فضله وإفضاله

أن يروي عني عن مشايخي الكرام الأجلة الكرام وأعلام الإسلام وآيات الله في الأنام العظام

الأوهم

سيدي وأستاذي ومن عليه في كل الأمور اعتمادي سيد الفقهاء المحققين الإسلام قدوة العلماء الأعلام المرتضى

مثال الورع والتقى ومنار آية الرشد والهدى السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي

أنموذج السلف الصالح

المتوفى بالكوفة عام ... ١٣٨٢ قدس الله نفسه وطيب رمسه

وسيدنا الأستاذ أستاذ الكل على الإطلاق رحلة الطلبة من الآفاق مربي العلماء

قدوة الأعلام المحققين الذي تصدى للتدريس والتعليم ما بين سنة

... منبر المدرس الأول في عاصمة العلم والدين النجف الأشرف في الحوزة العلمية نصف قرن

وتفرد بزعامة الطائفة ومرجعيتها ... أكثر من ربع قرن

مربي الأجيال ومخرج العباقرة الأبطال من لم يكن في عهده من يدانيه في

الفضل أو يقاربه فانتقلت المرجعية بعده إلى تلامذته وخريجي مدرسته

صاحب مدرسة فكرية خاصة به هي من أروع المدارس الأصولية وأكثرها

رواجا في الحوزات العلمية وتداولا في البحوث الفنية والدروس العالية

(الخارجية) والأبحاث

والكتابات العلمية ...

صورة الصفحة الأولى من (مسودّة) إجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي ﷺ إلى الأستاذ محمّد سعيد الطريحي

المحدثين ومعقل الدراية والرواية

وشيخي ومرشدي شيخ الباحثين وسلطان المؤلفين وقدوة المؤرخين وكبير المحققين

مؤرخ الاجيال محيي تراث الطائفة وناشر أمهات آثارها في البلاد والاصقاع

وحافظها من الضياع

ترجم وألف وأرخ وصنف بنشاط دؤوب وجهد مضني قرابة قرن من دائم القلم

بيده تسعون حجة فهو شيخ الطائفة وابنها البار فهو المسك لا يزيد على

تعاقب الليالي والايام والشهور والسنين الا انتشاراً وتضوعا والازدياد

الناس به إلا علماً مر الدهر الا معرفة وتطلعا

ملحق الاصاغر بالاكابر شيخ الاقلام والدفاتر

صورة الصفحة الثانية من (مسوّدة) إجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي ﷺ إلى الأستاذ محمّد سعيد الطريحي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على جزيل نواله وجميل إفضاله والصلاة والسلام على سيدنا
محمد وآله أما بعد فقد استجاز مني السيد الجليل الفاضل
النبيل المهذب الصفي الخل الوفي السيد فيصل بن جواد بن علي
آل مشعل الموسوي البحراني الجدحفصي حفظه الله ورعاه ومن كل
سوء وقاه فأجزت له دام إفضاله أن يروي عني عن مشايخي الكرام
أعلام الأنام والمراجع العظام، أولاهم: سيد الفقهاء الورعين
وقدوة العلماء المحققين السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي
المتوفى عاشر صفر سنة ١٣٨٢ قدس الله نفسه ومرجع الطائفة وزعيمها
رحلة الطلبة من الآفاق استاذ الكل على الاطلاق السيد
ابو القاسم الموسوي الخوئي المتوفى ثامن صفر سنة ١٤١٣ قدس الله نفسه
وكبير الباحثين وشيخ المحققين وسلطان المفهرسين الملحق
الاصاغر بالاكابر قدوة ارباب الأقلام والدفاتر الشيخ
آقا بزرگ الطهراني صاحب الذريعة الى تصانيف الشيعة
المتوفى ١٣ ذي الحجة سنة ١٣٨٩ قدس الله نفسه وطيب رمسه بحق إجازته
لي سنة ١٣٧٠ على ظهر نسخته المطبوعة في النجف، فليرو عني زاده الله
توفيقه وسهل الى كل خير طريقه، عنهم بالطرق المدرجة في المشيخة
المذكورة واوصيه ونفسي بتقوى الله سبحانه ورعاية الحائطة

صورة الصفحة الأولى لإجازة الرواية من المحقق الطباطبائي ﷺ

إلى السيّد فيصل آل مشعل البحراني

للسنة وأن لا ينساني من صالح دعواته في مجامعه وخلواته
وكلي أمل انه سيصبح بمشيئة الله سبحانه بجده وكده علماً
للارشاد ومشعلا لهداية العباد مع فضل كثير وعلم غزير
وأدب جم وخلق رفيع، والله هو الموفق والمعين وعليه
نتوكل وبه نستعين. تحريراً في يوم الاثنين السادس والعشرين
من جمادى الآخرة عام ألف وأربعمائة وستة عشر هجرية
على مهاجرها وآله ألف صلاة وسلام وتحية.

عبد العزيز الطباطبائي

صورة الصفحة الثانية لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي قدس سره
إلى السيّد فيصل آل مشعل البحراني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله حق حمده وصلواته على رسوله وعبده وعلى العترة الطاهرة أئمة الهدى من بعده أما بعد فقد استجازني الشاب الزكي المهذب الصفي الفطن الذكي الماجد النبيل والفاضل الجليل الشيخ ابو الفضل حافظيان الطبري البابلي زاد الله توفيقه وسهل إلى الكتاب الغالي طريقه وهو من المشتغلين في الحوزة العلمية ممن رغب في معرفة المخطوطات وفهرستها وتعاطاها ومارسها وكان يتردد إليّ ويعرض عليّ ما اشكل من ذلك علي فوجدته ممن تقر بهم العيون والقيمة من شبابنا الذين فيهم المنية والأمل بأن يصبحوا من أئمة هذا الشأن في المستقبل بلغه الله آماله وتقبل أعماله فأجزت له دام توفيقه أن يروي عني عن شيخي واستاذي شيخ الكل في الكل سلطان المفهرسين شيخ الباحثين حجة المؤرخين قدوة النسابين خاتمة المحدثين عز الملة والدين فخر الاسلام والمسلمين زين الاتقياء الورعين الشيخ آقا بزرگ الطهراني المتوفى ١٣ ذو الحجة سنة ١٣٨٩ صاحب الموسوعتين الخالدتين الذريعة وطبقات أعلام الشيعة تغمده الله برحمته ورضوانه واسكنه بحبوحة جنانه فله دام فضله عني عنه بطرقه المذكورة في مشيخته المطبوعة: الاسناد المصفى الى آل المصطفى وقد أجاز لي عليها في صفر سنة ١٣٧١.

واوصيه ونفسي بتقوى الله عز وجل في السر والعلن وسلوك سبيل الاحتياط وأن لا ينساني من دعواته في خلواته وجلواته والله ولي التوفيق وهو يهدي السبيل.

عبد العزيز الطباطبائي

٢٠ شعبان ١٤١٥ هـ



صورة إجازة رواية من المحقق الطباطبائي ﵀ إلى الشيخ أبو الفضل حافظيان البابلي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله العلي القدير الحكيم الخبير السميع البصير والصلاة والسلام على البشير النذير والسراج المنير وعلى عترته المعصومين بآية التطهير ولاسيما أمير المؤمنين المنصوب في يوم الغدير واللعنة الدائمة على أعدائهم أصحاب السعير.

أما بعد فقد استجازني السيد الجليل الماجد النبيل الشاب الزكي المهذب الصفي سالك سبيل السداد سلالة السادة الأمجاد السيد هاشم ابن السيد حسين الموسوي التستري الجزائري النجفي زاد الله توفيقه وسهل إلى الخيرات طريقه فأجزت له أن يروي عني عن مشايخي العظام وأساتيذي الكرام، وهم:

سيد العلماء المحققين قدوة الفقهاء المدققين مثال التقى والورع والصلاح فقيه الطائفة مرجع الشيعة السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي المتوفى عاشر صفر سنة ١٣٨٢ قدس الله سره وعطر ونور ضريحه.

وسيدنا الأستاد علم الأعلام حامل راية الإسلام سيد العلماء العاملين أستاد الفضلاء المحققين مربي الفقهاء والمجتهدين مرجع الشيعة وزعيمها السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي المتوفى ثامن صفر سنة ١٤١٣ تغمده الله برضوانه

وشيخي شيخ الكل قطب فلك الإجازة والرواية شيخ الحديث والدراية سلطان المفهرسين حجة الباحثين عز الشريعة مفخرة الشيعة الشيخ آقا بزرگ الطهراني صاحب الذريعة قدس الله نفسه وطيب رمسه المتوفى ١٣ ذو الحجة سنة ١٣٨٩.

فليروِ دام فضله عني عنهم بالطرق المذكورة في الإسناد المصفى إلى آل المصطفى وهو مشيخة شيخنا صاحب الذريعة وقد أجازني عليها في صفر سنة ١٣٧١ وأوصيه بسلوك سبيل الاحتياط وملازمة التقوى والسداد واتباع نهج آبائه العلماء الأمجاد. والله الموفق والمعين والهادي إلى سبيل الرشاد، ٢٠ شعبان سنة ١٤١٥



صورة إجازة رواية من المحقق الطباطبائي قدس سره إلى السيّد هاشم الموسوي الجزائري

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله العلي القدير السميع البصير اللطيف الخبير، والصلاة والسلام على البشير النذير السراج المنير، وعلى أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين بآية التطهير ولا سيما اخيه ووصيه الذي نصبه في يوم الغدير، واللعنة الدائمة الأبدية على أعدائهم أصحاب السعير.

أما بعد فقد استجازني العلامة الجليل والماجد النبيل فخر الاماثل زين الأفاضل الشيخ مرتضى فرج پور الخوئي زاد الله توفيقه وسهل الى اكتساب المعالي طريقه فأجزت له دام توفيقه أن يروي عني عن مشايخي العظام واساتذتي الكرام أعلام الاسلام ومراجع الشيعة في الحلال والحرام مثال الورع والصلاح الفقيه المحقق السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي المتوفى عاشر صفر سنة ١٣٨٢ قدس الله روحه الزكية وسيدنا الاستاذ قدوة الفقهاء المحققين مربي الفضلاء والمجتهدين رحلة طلاب العلم والمشتغلين علم الاعلام حامل راية الاسلام زعيم الطائفة مرجع الامة السيد ابو القاسم الموسوي الخوئي مؤلف نفحات الاعجاز والبيان في تفسير القرآن ومعجم رجال الحديث المتوفى ثامن صفر سنة ١٤١٣ قدس الله نفسه وطيب رمسه، وهو يروي عن شيخيه العلمين المحققين النائيني والعراقي قدس الله سرهما وعن البطل المجاهد العلم الخفاق والمشتهر في الآفاق السيد عبد الحسين شرف الدين الموسوي العاملي [illegible] الله برضوانه وهو يروي عن المحدث النوري صاحب المستدرك رحمه الله

وأروي ايضا عن شيخي واستاذي ومن عليه معولي واعتمادي ملحق الاصاغر بالأكابر قطب فلك الرواية وشيخ الحديث والدراية الشيخ المعمر

صورة الصفحة الأُولىٰ لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي ﷺ

الىٰ الشيخ مرتضىٰ فرج پور الخوئي

المبجل الشيخ آقا بزرگ الطهراني صاحب الذريعة الى مصنفات الشيعة وطبقات اعلام الشيعة، المتوفى ١٣ ذي الحجة ١٣٨٩ تغمده الله برضوانه واسكنه بحبوحة جنانه، وهو رحمه الله اول من استجزته فأجاز لي رحمه الله في صفر سنة ١٣٧١

فليرو دام فضله عني عنهم عن أئمة الدين وحجج الله على العالمين بالطرق التي ذكرها شيخنا صاحب الذريعة قدس الله نفسه في مشيخته المطبوعة المسماة بالاسناد المصفى الى آل المصطفى منها ما عن اول مشايخه وأشهرهم شيخ مشايخ الاسلام وقدوة العلماء الاعلام خاتمة المحدثين زين المجتهدين الحاج ميرزا حسين النوري قدس الله روحه ونور ضريحه المتوفى سنة ١٣٢٠ بطرقه الخمسة المدرجة في مشجره مواقع النجوم والمبسوطة في خاتمة كتابه القيم مستدرك الوسائل ومستنبط المسائل.

واوصيه ونفسي بتقوى الله والأخذ بالحائطة في دينه وأن لاينساني من صالح دعواته، والله سبحانه هو السميع المجيب وهو ولي التوفيق

كتبته يوم عيد ميلاد منقذ البشر المهدي المنتظر الامام الثاني عشر صلوات الله وسلامه عليه وعلى آبائه الطاهرين وعجل الله تعالى فرجه وجعلنا من انصاره واعوانه في غيبته وظهوره. وذلك عام ١٤١٥

عبد العزيز الطباطبائي



صورة الصفحة الثانية لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي ﷺ

إلىٰ الشيخ مرتضىٰ فرج پور الخوئي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خضعت في عظمته عبادة العابدين، وحصرت عن شكر انعمه
ألسنة الحامدين، وقصرت عن وصف كماله أفكار العالمين، وحسرت
عن إدراك جلاله أبصار العالمين، وصلى الله على سيدنا ونبينا
محمد سيد الاولين والآخرين وخاتم النبيين وعلى عترته الطيبين الطاهرين
ولاسيما خليفته من بعده سيد الوصيين وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين
ولعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

اما بعد فقد استجازني الاخ الصفي والمهذب الزكي السيد الجليل
والعالم النبيل سلالة السادة الأمجاد المتبع اثر سلفه الطاهر ومحيي
آثارهم الحسيب النسيب المعظم المرتضى السيد مرتضى بن السيد جواد بن السيد
جعفر بن شبر بن علي الموسوي البحراني التوبلي الكتكتاني بلغه الله آماله
تقبل اعماله، وهو ممن يحترز -وحق له ذلك- بانتسابه الى سيد المحدثين
محدث العترة الطاهرة المحدث البحراني صاحب البرهان وعشرات الكتب الممتعة
والآثار النافعة التي سارت بها الركبان وانتشرت في كل صقع ومكان مما
خلد له جميل الذكر واكسبه عظيم الاجر وخلف لخلفه العز والفخر مدى الدهر

فأجزت له دام فضله وإفضاله أن يروي عني عن مشايخي العظام
واساتذتي الكرام عظماء الاسلام ومراجع الانام في الحلال والحرام، وهم
سيدنا الاستاذ علم الاعلام قدوة الانام عز الاسلام نموذج السلف
الصالح الفقيه المحقق مرجع الطائفة الامامية فقيه الامة الاسلامية مثال
التقى والورع والصلاح السيد عبد الهادي الحسيني الشيرازي قدس الله

صورة الصفحة الأولى لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي ﵀

إلى السيّد مرتضى شبر

نفسه وطيب رمسه المتوفى عاشر صفر ١٣٨٢.

وسيدنا الاستاد، رحلة الطلبة والمشتغلين استاد الفقهاء والمجتهدين مربي الفضلاء المبرزين قطب فلك التحقيق مالك أزمة التدقيق فخر الامة الاسلامية مرجع الشيعة الامامية زعيم الحوزات العلمية السيد ابو القاسم الموسوي الخوئي قدس الله روحه ونور ضريحه المتوفى ثامن صفر سنة ١٤١٣

وشيخنا الاستاد ومن عليه المعول والاعتماد شيخ الحديث والدراية قطب فلك الاجازة والرواية ملحق الاصاغر بالاكابر سلطان المحققين شيخ المفهرسين قدوة البحث والتنقيب محجة التاريخ للبعيد والقريب الشيخ اقا بزرك الطهراني المتوفى ١٣ ذوالحجة سنة ١٣٨٩ تغمده الله برضوانه واسكنه فسيح جنانه صاحب الموسوعتين العظيمتين والفريدتين في التراث الاسلامي كتاب الذريعة الى تصانيف الشيعة وطبقات اعلام الشيعة.

فليروِ دام توفيقه عني عنهم بطرقهم المعلومة منها ما اثبته شيخنا صاحب الذريعة رحمه الله في مشيخته المطبوعة الموسومة بالاسناد المصفى لآل المصطفى منها ما يرويه عن شيخه شيخ مشايخ الاسلام قدوة العلماء الاعلام خاتمة المحدثين زبدة الفقهاء المتقين الحاج ميرزا حسين النوري تغمده الله برحمته واسكنه في بحبوحة جنته بطرقه الخمسة المدرجة في مشجره مواقع النجوم ومرسلة الدر المنظوم المطبوع غير مرة والمذكورة ببسط وتفصيل في خاتمة كتابه الخالد مستدرك الوسائل المطبوع طبعات عدة.

واوصيه بملازمة التقوى والله الموفق للصواب ونسأله حسن المآب

١٨ شعبان ١٤١٥ عبد العزيز الطباطبائي



صورة الصفحة الثانية لإجازة الرواية من المحقّق الطباطبائي قدس سره

إلى السيّد مرتضى شبر

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای جلالی پس از عرض سلام و ارادت چند پیش دوره طبقات
اعلام الشیعه از قرن چهارم تا قرن دوازدهم که از چاپ در آمده بوسیله پست
برای شما فرستادم امیدوارم رسیده باشد و وصول آنرا اعلام بفرمائید و اگر
نرسیده است آدرس صحیح مرقوم بفرمائید دوباره بفرستیم فعلاً از اول تا قرن
دوازدهم مرتب چاپ شده است و قرار است انشاء الله تا آخر چاپ
شود قسمت چاپ نشده قرن چهاردهم نسخه اصل نزد [illegible] موجود است
فقط قسمت چاپ نشده قرن سیزدهم مفقود شده است در انتقال از نجف
به ایران
و آن [illegible] چاپ نشده از قرن سیزدهم که خدمت شما بود دو قسم بود یعنی
از آن به خط مبیضه شاگردان شما بود که موقعی که من امریکا بودم مایل فتوکپی بشود
و از محمدرضا [illegible] که فتوکپی از نسخه اصل بود فتوکپی شد فعلا اگر محبت
کنید قسمتی که به خط مبیضه شاگردان شما بود مورد حاجت است تا اینکه تمام
قرن سیزدهم و چهاردهم کامل چاپ بشود و طبقات دوره شده [illegible]
می‌شود به طائفه و به شیخ الطائفه شیخ بزرگوار شما صاحب ذریعه قدس سره
اگر فتوکپی زیراکس می‌شود بهتر اگر نه عین آنرا می‌فرستید در اینجا [illegible]
می‌شود عیناً سالماً برمی‌گردانیم محبت کنید بوسیله پست بفرستید [illegible]
بفرستید یا هر طور صحیح میدانید و اگر نه کسی در اینجا باشد
اینجا تایپ کند یا استنساخ کند هزینه‌اش را می‌پردازیم آخر [illegible]
علاوه اینکه به سید امام محمدعلی استنساخ کند بفرستید
و آدرس محمدعلی را هم در سوریه برای ما بنویسید که اگر رفتم
سوریه بتوانم او را ببینم

عبدالعزیز طباطبائی

شماره فاکس قم ۷۴۱۴۲۰

روز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام

۱۴۱٦

صــورة رسـالة كـتبها المـحقق الطـباطبائي تَيُّرُ إلى صـهره
العلّامة السيّد محمّد حسين الجلالي في أُخريات حياته مهتمّة بالتراث

وقال السيد مهدي الخرسان مؤرخاً عام نصب الشباك على مرقد السيد

أُحييت يا عبد العزيز مرقداً ... للكاظم الغيظ الذي سماكا

فشدت شباكاً على ضريحه ... ما زال مهجوراً لتقي لولاكا

أُقمته مجدداً ذكراً له ... فاحمد إلهاً بالذي حباكا

فرداً بتاريخ أتى مجللاً ... عبد العزيز شيد الشباكا

١٣٩٦

صورة ما نظمه العلّامة السيّد مهدي الخرسان مؤرّخاً عام نصب الشبّاك على مرقد آية الله العظمى السيّد كاظم اليزدي

الحاشية على كتاب الغدير

لهذا العبد المفتقر الى ربه عبد العزيز ابن السيد جواد الطباطبائي اليزدي النجفي المولود بها
٢٣ جمادى الاولى ١٣٤٨هـ نزيل قم

كانت لي تعليقات على كتاب الغدير لشيخنا الحجة العلامة الاميني رحمه الله ضمنتها كتاب
(على ضفاف الغدير) واعتبرتها القسم الثاني منه

ثم لما عزموا على تحقيق كتاب الغدير ونشره محققا وشكلوا لجنة لتحقيقه وطلبوا مني
الاشراف على تحقيقه وتوجيههم ومساعدتهم نقلت تعليقاتي مع تعليقات مستجدة كثيرة
على هوامش هذه الطبعة، وزدت على مصادر روايات الصحابة لحديث الغدير
مصادر كثيرة مما طبع مؤخراً من المصادر المهمة كالسنن الكبير للنسائي ومعجم معاجم الطبراني
ومسند ابي يعلى والبزار والجويني والشاشي ومصنف عبد الرزاق وابن ابي شيبة والسنة
لابن ابي عاصم وما شاكل ذلك، ونسأل الله التوفيق والقبول انه سميع مجيب.

نموذج من خط المحقق الطباطبائي ﵀ لكتابه المخطوط

مستدرك الذريعة

١٣٢٤

ولما حدثت فتنة المشروطة (الثورة الدستورية) في ايران وقف

موقفاً محايداً لم يتدخل في السياسة ولم يعارض فكان موقفاً سلبياً

ولكنهم لم يقنعوا باعتزاله عنهم بل أرادوه ليخوض معهم فامتنع فهاجموه

واهانوه وآذوه وكالوا له انواع التهم حتى الجؤوه الى أن يقف منهم

موقف المعارض فانقسم الناس فرقتين

فرقتين مؤيدة ومعارضة والدعايات المغرية لعبت دورها

فكانت تمني الشعب الايراني بان المشروطة ستفيض عليهم

الحرية والرفاهية والامن والعدل تحت ظل الدستور الجديد فاستهوت

هذه الدعايات الاكثرية الساحقة واستقطبتهم، فانصرف وجوه

الناس عن السيد وتركوا التردد عليه فانزوى في بيته ووجد فراغاً

فاستغله لتأليف العروة الوثقى فهو حصيلة هذه الفترة

وما ان نجحت الثورة وطبقت المشروطة ونفذ النظام الدستوري

إلا وتراجع الناس عنه شيئاً فشيئاً وخابت الآمال واكذبت الظنون

وخسرت الصفقة وندم المغفلون وفشل المهرجون

وبان للناس ان السيد كان هو المحق المصيب وأدركوا فطنته

وذكائه الحاد لمكيدة الدجالين والمموهين فعدلوا اليه فما نالوا عليه

وقويت شوكته وعظم في اعين الناس وألقي اليه مقاليد الزعامة العلمية

وتفرد بالمرجعية العامة

بخط رحمه الله رأيتها عند ابنه الشيخ شريف حفظه الله

١٤/ ٢٦٤ رقم ٢٥٠٩ رسالة الشيب والخضاب لأبي الاسود ... اسمه احمد بن علويه الكوانى الاصفهانى ...

هو احمد بن علويه الاصفهانى الكرانى المشتهر بابن الأسود، الكاتب الشاعر الناثر الاديب المعمر المولود في حدود ٢١٢ والمتوفى في حدود سنة ٣٢٠

والصحيح فيه ابن الاسود، لا ابو الاسود وانما نشأ هذا الخطأ من تأسيس الشيعة ص ٧٨

والصحيح فيه: الكرانى كما هو مصحح في تأسيس الشيعة لا الكوانى والكرانى نسبة الى احدى محلات اصفهان القديمة، وعلويه بفتح العين وتشديد اللام وضمها وفتح الياء.

ترجم له ياقوت في معجم الادباء ٢/ ٣ وفي طبعة ٤/ ٧٢ وذكر له كتابه هذا وترجم له الصفدي في الوافي بالوفيات ٧/ ٢٥٣ وذكر له كتابه هذا باسم: الخضاب والشيب. وترجم له شيخنا رحمه الله في اعلام القرن الرابع، وراجع تعاليقنا عليه

نموذج من خط المحقّق الطباطبائي لكتابه المخطوط أضواء على الذريعة

٣ / ٢٠٩ رقم ٧٧٢ تاج المواليد في الانساب للمفسر ابي علي .. الطبرسي المتوفى سنة ٥٤٨
[أمين الاسلام] [interlinear addition above the line]

اقول: الذي هو في الانساب هو تاج المواليد للطبرسي صاحب الاحتجاج كما تقدم

واما تاج المواليد لابي علي الطبرسي المفسر فهو في تاريخ النبي والائمة عليهم السلام مواليدهم ووفياتهم وسائر تواريخهم

اوله: الحمد لله حق حمده .. الى مختص في ذكر مولد النبي .. ومواليد الائمة .. المرجع [illegible] على وجه الاختصار والايجاز .. مبوبا اربعة عشر بابا على عدة المعصومين من النبي الى صاحب الزمان يتضمن كل باب منها عشرة فصول ...

نسخة كتبت سنة ١٢٤٥ باول المجموعة رقم ٥٠١٠١٩ في المكتبة المركزية لجامعة طهران. ذكرت في فهرسها ١٦ / ١٣٢

نموذج آخر من خط المحقّق الطباطبائي ﷺ لكتابه المخطوط

أضواء على الذريعة

كتاب الغيبة

للشيخ المفيد ابي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المفيد المتوفى ٤١٣ هـ
وهو يتناول البحث حول حديث رسول الله صلى الله عليه وآله من مات ولم
يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية

نسخة بخط هذا الجاني عبد العزيز بن السيد جواد الطباطبائي اليزدي
كتبها في مكتبة المرحوم الحجة ميرزا محمد الطهراني في سامراء في رجب عام ١٣٦٨
ضمن مجموعة اولها نغمات الاعجاز تسلسل ٧٨٧
١٣٧٣/٥

نموذج من خط المحقّق الطباطبائي لكتابه المخطوط فهرس
مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام العامّة في النجف الأشرف

من فيض

الغدير

يشتمل على حديث الغدير ورواته من الصحابة والتابعين
ومن أخرجه من الحفاظ والمحدثين بالاسناد العالية والطرق الصحيحة
والموثوقة في الصحاح والسنن والمسانيد والمعاجم حتى نهاية القرن
الرابع فقط

أمير المؤمنين عليه السلام

روى عنه عليه السلام حديث الغدير من التابعين: وأبو الطفيل عامر بن واثلة (ابنه عمر بن علي)
وزيد بن يثيع

أخرج ابن أبي عاصم في كتاب السنة ١٣٦٧: حدثنا أبو مسعود الرازي ثنا
عبد الرحمان بن مصعب ثنا فطر عن أبي الطفيل
عن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ألست أولى بالمؤمنين من
أنفسهم؟ قالوا: بلى نعم، قال: فمن كنت وليه فهذا وليه.

نموذج من خط المحقق الطباطبائي ﭬ لكتابه المخطوط من

فيض الغدير

١٢٠

ابو عمرو بشر بن حرب الازدي الندبي البصري من رجال النسائي وابن ماجه مات بعد المئتين

ترجم له ابن حجر في تهذيب التهذيب ١/٤٤٦ وقال: توفي في ولاية يوسف على العراق

وقال ابن عدي: ولا اعرف في رواياته حديثاً منكراً وهو عندي لا بأس به قلت: وقال

عبد الله بن احمد قلت لابي: تعتمد على حديثه؟ فقال ليس هو ممن يترك حديثه.

وقال في التقريب ١/٩٨: صدوق فيه لين

اخرج الحافظ الطبراني في المعجم الكبير (١) قال: حدثنا علي بن سعيد الرازي نا الحسن

ابن صالح بن زريق العطار نا محمد بن عون ابو عون الزيادي نا حرب بن سريج عن

بشر بن حرب

عن جرير بن عبد الله البجلي قال: شهدنا الموسم في حجة مع رسول الله صلى الله عليه وسلم

وهي حجة الوداع فبلغنا مكاناً يقال له غدير خم فنادى الصلاة جامعة فاجتمعنا

المهاجرون والانصار، فقام رسول الله صلى الله عليه وسلم وسطنا فقال:

ايها الناس بم تشهدون؟ قالوا نشهد ان لا اله الا الله قال: ثم مه؟ قالوا وان

محمداً عبده ورسوله قال: فمن وليكم؟ قالوا: الله ورسوله مولانا، قال: فمن وليكم؟

ثم ضرب بيده الى عضد علي فاقامه فنزع عضده فاخذ بذراعيه فقال:

من يكن الله ورسوله مولياه فان هذا مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه

اللهم من احبه من الناس فكن له حبيباً ومن ابغضه فكن له مبغضاً، اللهم

اني لا اجد احداً استودعه في الارض بعد العبدين الصالحين غيرك فاقض له فيه

بالحسنى.

قال بشر: قلت: من هذين العبدين الصالحين؟ قال: لا ادري.

---

(١) في مسند جرير في الورقة ١١٨/ب ١١٩/أ من المجلد الاول من مخطوطة دار الكتب الظاهرية بدمشق

رقم ١٠٧٣

نموذج من خط المحقّق الطباطبائي ﷺ لكتابه المخطوط على

ضفاف الغدير

[illegible] - علي

علي بن حبشي بن قوني، له كتاب الهدايا، أخبرنا أحمد بن عبدون عن علي بن حبشي.

[illegible] - علي

علي بن مهرويه القزويني، له كتاب، رواه أبو نعيم عنه.

هو علي بن محمد بن مهرويه أبو الحسن القزويني الصامغاني المولود حدود ٢٣٤ والمتوفى ٣٣٥ وقد نيف على المائة سنة وصامغان قرية مشهورة على رأس فرسخين في شرقي قزوين، له ترجمة مفصلة في كتاب ضيافة الإخوان ص ٢٧ رقم ٥٠١ وترجم له الخليل الحافظ في تاريخ قزوين والرافعي في التدوين ووصفه بالبزاز وقال ويعرف بعلان. قال الخليل الحافظ انه مشهور، كتب الحديث الكثير ... وتوفي سنة ٣٣٥ وقد نيف على المائة ولم يكن له ولد ذكر.

ورحل عام ٣٢٣ إلى بغداد وحدث بها وسمع منه بها جماعة وترجم له الخطيب في تاريخ بغداد ١٢/٦٩ وعدد شيوخه ومن سمع منه ببغداد. وهو يحكي عن صالح بن أحمد التميمي الحافظ انه قال: علي بن محمد بن مهرويه أبو الحسن القزويني قدم علينا [همدان] سنة ٣١٨ روى عن هارون بن هزاري وداود بن سليمان الغازي نسخة علي بن موسى الرضا ... سمعت منه مع أبي، وكان يأخذ عليه نسخة علي بن موسى الرضا وكان شيخا مسنا محله الصدق.

~~ويظهر~~ ان كتابه المذكور هنا هو نسخته عن الإمام الرضا عليه السلام المعروف بمسند الرضا وصحيفة الرضا وقد رواه عنه أكثر أعلام قزوين والطارئين عليها ممن أدركه كما تجده منثورا في كتاب التدوين مذكورا في تراجمهم وربما استوفيناهم وأحصينا شيوخه في ترجمة مستوفاة في كتابنا معجم أعلام الشيعة ومن شاء فليراجع ضيافة الإخوان فقد طول في ترجمته وتعداد من روى عنه كتابه هذا.

وأما أبو نعيم المذكور في المتن انه روى عنه كتابه فليس هو الحافظ أبو نعيم الأصبهاني فإن ولادته كما ترجم بعد علي بن مهرويه بسنة كانت في سنة ٣٣٦ بل هو أبو نعيم القزويني أحمد بن محمد بن إسحاق بن يزيد بن كيسان الكيساني المترجم في التدوين وضيافة الإخوان وغيرهما.

نموذج من خط المحقق الطباطبائي رحمه الله لتحقيقه كتابه

الفهرست للشيخ الطوسي

أخرج عنه

٢ ثنا ابن ابي داود، وزكريا الساجي قالا ثنا احمد بن يحيى الصوفي، ثنا إسماعيل بن أبي الحكم الثقفي، ثنا شاذان عن عمران بن مسلم عن سهيل بن أبي صالح عن ابيه عن ابي هريرة؛

عن عمر، مرفوعاً: من كنت مولاه فعلي مولاه.

---

٢ - في الاصل: عمران بن سليم، وهو خطأ والصحيح باتفاق المصادر ما أثبتناه.

والحديث اخرجه ابو عثمان البحيري سعيد بن محمد النيسابوري المتوفى ٤٥١ في الجزء الثاني من فوائده المخرجة من اصل مسموعاته الموجود في الظاهرية في المجموع رقم ٧٤ ب، ورواه زاهر بن طاهر عنه، أخرجه فيه باسناده عن احمد بن يحيى الصوفي بالاسناد واللفظ وفيه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كنت مولاه فعلي مولاه.

واخرجه ابن المغازلي ٣١ باسناده عن احمد بن يحيى، وأخرجه الحافظ ابن عساكر ٥٧٨ عن زاهر بن طاهر عن البحيري.

كما ذكره القرافي وأخرج ابو بكر الشيرازي المتوفى ٤٠٧ في كتاب الألقاب حديث الغدير باسناده عن عمر،

قال القرافي في نفحات العبير الساري عندما روى حديث الغدير عن أبي أيوب الانصاري وعدد جلة من مصادر الحديث قال في الورقة ٧٦/أ: رواه ابن ابي شيبة والطبراني في الكبير عن أبي أيوب، والامام احمد والحاكم عن ابن عباس، وابن ابي شيبة واحمد عن ابن عباس عن بريدة، واحمد وابن ماجة عن البراء، والطبراني في الكبير عن جرير وأبو نعيم عن جندع الانصاري وابن قانع عن حبشي بن جنادة، والترمذي - وقال: حسن غريب - والنسائي والطبراني في الكبير والضياء المقدسي عن ابي الطفيل عن زيد بن ارقم أو حذيفة بن اسيد الغفاري، وابن ابي شيبة وابن ابي عاصم والضياء عن سعد بن ابي وقاص، والشيرازي في الالقاب عن عمر...

وقال شمس الدين الدمشقي في السيرة الشامية ج ٢ ورق ٢٠٤ في كلامه على حديث الغدير ورواته من الصحابة بعد ان عدد مصادر كثيرة قال: والطبراني في الكبير وابن ابي شيبة عن ابي أيوب وجماعة من الصحابة، وابن ابي شيبة وابن ابي عاصم والضياء عن سعد بن أبي وقاص والشيرازي في الألقاب عن عمر...

نموذج من خط المحقق الطباطبائي قدس سره لتحقيقه رسالة طرق حديث الغدير للذهبي

شرحها الساهيجي ... سماها تحفة الهداية فكتب الساهيجي في جوابه الدرة

السنية في جواب المسائل الدشتستانية وذكر في اوله انه افرد هذه الاجوبة

عن الشرح المذكور يعني تحفة الهداية ملخصاً للعبارة مقتصراً على الاشارة

تحفة اليمن تم في فهرس الرضوي والظاهر انه تحفة بالحاء ذكر انه طبع كشمير (٢١٦ ا)

كتاب النفس للشريف ابي القاسم علي بن احمد العلوي الكوفي المتوفى (٣٥٢)

وهو غير كتابه في مهجة النفس على ما يظهر من ... شي

النفس في شأنها تصنيف فلسفية اخلاقية وشرح الشيخ جواد بن علي الجزائري

النجفي استخرجها من كتابه الآثار والحكم وقد طبع

نفس ارسطو ترجمة عن الاصل العربي الذي عرب عن اليونانية والمترجم

الحكيم افضل الدين الكاشاني مؤلف جاودان نامه وغيره ...

ضمن مجموعة مصنفاته

نفس الرحمان في فضائل سيدنا سلمان لشيخنا العلامة النوري الحاج

ميرزا حسين بن الميرزا محمد تقي بن الميرزا علي محمد النوري الطبرسي المتوفى

ليلة الاربعاء لثلاث بقين من جمادى الآخرة (١٣٢٠) وهو اول

ما برز منه من المؤلفات الجليلة وفيه فوائد كثيرة اوله (الحمد

نموذج من خط المحقق الطباطبائي ﴿ره﴾ لاستنساخه كتاب الذريعة

ما آتاني وسألته الشكر على ما أولاني وأن يزيدني ما أعطاني.

٩٤٨ أخبرنا أبو غالب ابن البنا قال: نا أبو محمد الجوهري أنا أبو الفضل عبيد الله ابن عبد الرحمان بن محمد الزهري نا أبو محمد يحيى بن محمد بن صاعد نا بكر بن عبد الوهاب المدني حدثني هارون بن يحيى الحاطبي - وهو ابن هارون ابن يحيى بن عبد الرحمان بن حاطب - حدثني سعيد بن عبد الله بن الفضيل مولى الحرميين عن أبي حازم بن دينار عن سهل بن سعد الساعدي عن علي بن أبي طالب قال: جلست مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا أبا حسن أيما أحب إليك خمس مائة شاة ورعاتها أحب إليك أو خمس كلمات علمكهن تدعو بهن؟ فقلت له: بأبي أنت وأمي أما من يريد الدنيا فيريد خمسمائة شاة ورعاتها. وأما من يريد الآخرة فيريد خمس كلمات. قال: فأيهما تريد؟ قلت: الخمس كلمات قال: فقل: اللهم اغفر لي ذنبي وطيب لي كسبي ووسع لي في خلقي وقنعني بما قسمت لي ولا تذهب بنفسي إلى شيء تصرفه عني.

٩٤٩ أخبرنا أبو القاسم بن أبي الأسمرقندي أنا عاصم بن الحسن أنا أبو عمر ابن مهدي أنا أبو العباس ابن عقدة نا محمد بن أحمد بن الحسن القطواني

---

٩٤٨ - ورواه الخطيب في التدوين بغير: محمد بن الحسن بن يوسف جنجو سمع أبا منصور نا صر بن أحمد الغازي جزءً سمعا تبريز بتبريز، وفيه: نا أبو حفص عمر بن محمد بن علي العدل نا مهيرة بن علي نا عبد الرحمان بن أبي حاتم الرازي نا أبو الحسين بن أحمد النيسابوري بكم نا هارون بن يحيى بن هارون...

٩٤٩ - ورواه الحافظ الكنجي في كفاية الطالب ٢٤٤ عن شيخه الخشوعي عن المؤلف ثم قال: هكذا رواه محدث الشام في كتابه بطرق شتى وذكرها محدث العراق ومؤرخها

نموذج من خط المحقق الطباطبائي تِتِّئُ لتحقيقه كتاب ترجمة أمير المؤمنين عليه السلام لابن عساكر

صورة حجة وقفية مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام
العامة في النجف الاشرف التي اسسها سماحة الحجة شيخنا
العلامة الاميني حشره الله تعالى مع مواليه وهي الوقفية
الرسمية المسجلة في محكمة النجف الأشرف تحت رقم ٩٦٧/٣٣

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله المنعم المحسن المجمل المتطول المتفضل المنان الواقف
على الضمائر المطلع على السرائر، والصلاة والسلام على
أفضل خليقته وأكمل إنسان ارتضاه ربه رسولا و
اصطفاه هاديا ودليلا ومبشراً ونذيراً، وعلى آله
الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا
وبعد فان أجل ما ينفع المرء في نشأتيه
حيا وميتا ويجدي مجتمعه انما هو الصدقة الجارية
والعمل البار الذي يعد من الباقيات الصالحات و
قد قال الله تعالى في محكم كتابه الكريم: والباقيات
الصالحات خير عند ربك ثوابا وخير أملا، و
قال تعالى: وأما ما ينفع الناس فيمكث في الارض
وجاء في السنة الشريفة: اذا مات ابن آدم انقطع
عمله الا من ثلاث صدقة جارية او علم ينتفع به

صورة وقفية مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام العامة في النجف الأشرف، التي استنسخها المحقق الطباطبائي بخطه عن نسخة الأصل

او ولد صالح يدعو له ، فأخذاً بسنة الله وسنة رسوله
وجرياً على سيرة العترة الطاهرة في الوقف والصدقات
الجارية يقول موقع هذه الورقة عبد الحسين بن احمد
الاميني النجفي ان الدار المرقمة تسلسل ١/١٥٥ ، الكائنة
في محلة الحويش في النجف الأشرف المحدودة من الشمال الشرقي
بدار عبد الرزاق الشيخ هادي الصائغ تسلسل ٢/١٥٥
ومن الشمال الغربي بدار ورثة حمادي بن دورك تسلسل
٩٦٥ ومن الجنوب الشرقي بدار ورثة السيد ماجد
المرقمة ٩/٦٨ ومن الجنوب الغربي بالطريق العام
والتي انشئت فيها بناية فخمة وشيدت عليها مكتبة
عامة قد وقفتها ارضاً وبناء مع كل ما تحويها المكتبة
المذكورة من الكتب المطبوعة والمخطوطة والمصورة
وأفلام المصورات وجميع ما يوجد في المكتبة من غال
ورخيص وثقل وزهيد كأجهزة التصوير والآت
الطباعة والتحرير وما هنالك من أثاث ورياش و
امتعة وأفرش وابسطة وستائر وكراسي ومناضد
وثريات مشروحة في السجلات الخاصة بها فقد

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

حبستها ووقفتها في سبيل وقفاً باتاً مؤبداً و
حبساً دائماً مخلداً بحيث لا تباع ولا ترهن ولا
تبدل ولا تغير ومن بدله بعدما سمعه فانما اثمه
على الذين يبدلونه وجعلت التولية في الطبقة
الاولى الى جمع اناس يهمهم امر المكتبة وكانت لهم
خطوة واسعة وشوط بعيد في تأسيسها وتوطيدها
وصرف الهمة وراءها . ألا وهم العراقيون :

١ - الحاج حسين محمد الشاكري
٢ - وهاشم الحاج عبد الباقي الطيار
٣ - وعبد الحسين الحاج علي النجم

والمحتم على المتولين رعاية ما يلي :

١ - الاجتماع في المكتبة كل شهر مرة والمفاوضة
في شؤونها وايقاف الهيئة المشرفة على مهام المكتبة
واعلامهم بكل ما جرى من مفاوضات وصدور من
قرار وأخذ آرائهم بها .

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

٢ - على المتولين في كل طبقة قبل كل شيء انتخاب
رجال التولية في الطبقة التي تليهم، فان توفي احدهم
او انفصل عن التولية او تقاعس باختيار منها
او غاب ولم يمكنه التصدي لها او اجمع المتولون
على عزله لما وجدوا فيه ما لا يصلح معه التولية
ينتخب مكانه عندئذ احد المنتخبين الذين هم في
الطبقة التالية.

٣ - يلزم الزاما باتا على المتولين الثلاثة في
كل طبقة تأسيس هيئة للرقابة تشرف على اعمالهم
وتراقب كل ما قرروه حول المكتبة. ويشترط
أن تكون هذه الهيئة المراقبة المشرفة في كل
طبقة بيد فئة صالحة ممن لهم سابق صلة بالمكتبة
بتبرع المال سنويا او اهداء مكتبتهم الى المكتبة فينتخب
منهم الاولى فالاولى أخذاً ابهم من سجل الحساب الذي
يخطه المؤسس، ويشترط ايضا أن لا تقل عدتهم
عن ستة اشخاص وعليهم ما على المتولين من تعيين

رجال الرقابة في الطبقة الثالثة بعدهم قبل كل شئ.
وعلى المتولين رعاية حرمتهم واكبارهم تقديراً لجهودهم
الجبارة في هذه الخدمة الناجحة الهامة لعالم العلم
والدين. وهم في الطبقة الاولى كل من:

١ - الحاج فرج موحدى
٢ - والسيد مصطفى عالى نسب
٣ - والحاج ابراهيم الرمضانى
٤ - والحاج اسماعيل مجيد السيغارى
٥ - والحاج مجيد الحاج اصغر بن محمدعلى پرگار
٦ - والحاج حسين الكاشانى

وفوضت رئاسة اللجان الى ولدنا الحاج الشيخ رضا
الامينى مدير المكتبة اليوم، واذا اكتسب ولدنا الشيخ
رضا الجنسية العراقية فيكون رابع المتولين المذكورين
اعلاه ورئيسهم!

٤ - على المتولين تأسيس لجنة الشورى في كل طبقة
شريطة أن لا تنقص عدتها من خمسة أشخاص على أن
يكونوا ممن لهم عرفان وحيطة والمام بالمكتبة وشؤنها

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

ولكن في عدتهم المدير العام للمكتبة، وقد عينت في الطبقة الاولى كلا من سماحة الشيخ الاكبر الشيخ محسن آقا بزرگ الطهراني والسيد محمد صادق بحر العلوم والسيد محمد تقي الحكيم والسيد عبد العزيز الطباطبائي اليزدي والسيد محمد النوري والشيخ محمد هادي الاميني والشيخ رضا الاميني.

وعلى لجنة الاستشارة الاجتماع في غرفة تخص لهم داخل المكتبة في كل اسبوع مرة واحدة، وعند الضرورة والحاجة اكثر من مرة، ولهم حق الاشراف على ما تنوي المكتبة شراءه من الكتب باقسامها المخطوطة و المطبوعة والمصورة أو طبع نشرة حولية او اصدار مجلة شهرية او طبع كتاب. ويبادر الى تنفيذ هذه الاعمال بعد موافقة اكثرهم على ذلك.

٥ - تشترط في المتولين والهيئة المشرفة ولجنة الشورى وموظفي المكتبة وعمالها ومستخدميها جميعا عدم الانتماء الى الاحزاب، والكتل والمنظمات السياسية وعدم التدخل فيما يضر بسمعة المكتبة

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

وتجنب الفتن ولكن أحدهم واضعاً نصب عينيه قول إمنا أمير المؤمنين سلام الله عليه: كن في الفتنة كابن اللبون لا ظهر له فيركب ولا لبن فيضرع.

٦ - وإذا تعسرت ادارة المكتبة المالية على المتولين ولم يسعهم القيام بسيرها وتدبير شؤونها او انقرض المتولون يرفع امرها الى مكتبة الامام علي بن موسى الرضا عليه السلام في خراسان ويوكل اليها تسيير هذه المكتبة والقيام بادارتها وتنظيم امورها والصرف عليها. ولا يسوغ لمتوليها قط نقلها من النجف الاشرف أو نقل جزء يسير وحتى كتاباً واحداً او اي شيء كان كما لا يجوز تغيير نظامها وبرنامجها والتصرف بموقفيتها.

٧ - ويحق للمتولين تعيين مدير داخلي تقوم بحراسة مخزن الكتب وما تحويها المكتبة من آثار واموال وتوجيه العمال في تسيير العمل وتكون تصرفاته بحدود ما ذكرنا تحت اشراف المدير العام.

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

٨- من اللازم المحتم جرد الكتب الموجودة في المكتبة برمتها مخطوطها ومطبوعها ومصوراتها واموالها المنقولة من طرف عمال المكتبة تحت اشراف المدير العام وذلك في العطلة الصيفية (اي في شهري تموز وآب) من كل سنة وبعد توقيع المدير العام على نتيجة الجرد وبيان ما طرأ على كل صنف من اموال المكتبة خلال السنة من نقص او تلف توزع خلاصته نسخة على كل واحد من المتولين والهيئة المشرفة ولجنة الشورى.

٩- المدير العام للمكتبة في كل طبقة مسؤول عن كل ما تحويه المكتبة من الكتب والاثاث والامتعة. ويحق لكل واحد من المتولين وهيئة الرقابة مطالبته بالكشف عنها والوقوف عليها جزئيا وكليا في كل وقت وزمان، كما يحق لكل واحد من المتولين واللجنة المشرفة المطالبة بالوقوف على السجلات العامة والخاصة بالكتب المطبوعة والمخطوطة والمصورة وسجل الافلام وسجل الامتعة وسجل الوارد والصادر اليومي وكذلك سجل الرسائل الصادرة وان ظهر نقص في شيء من

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

الكتب او سائر الأموال وكان النقص والتلف هذا
طارئاً عن اهمال من قبل المسؤلين الداخليين فتقع
غرامته على عهدة المدير العام او اى فرد تقع تبعته عليه
ويتم التحكيم على هذا من طرف المتولين بعد وقوفهم على
جلية الامر واصدار قرار دونها.

١٠ - لا يحق للمدير العام شراء ملك او عقار او احداث
بناء في المكتبة من ريعها الا بعد اخذ موافقة جميع المتولين
واعضاء لجنة الرقابة المشرفة، كما لا يجوز له اصدار نشرة
أو طبع كتاب او نشر صحيفة الا بعد عرضها على هيئة
الشورى اولا واُخذ موافقة المتولين عليها ثانياً

١١ - الرسائل والقوائم ووصولات النقود
الصادرة من المكتبة الى اية جهة كانت توقع
من طرف المدير العام ولا يجوز له اصدار اى كتاب
عار عن الرقم وعليه ضبط صورة من الرسائل
الصادرة في ملفاتها الخاصة كما تشترط عليه اعطاء
وصل بما يرد المكتبة من الكتب والاموال على اختلاف

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

اشكالها وأنواعها وتسجيلها في سجلاتها الخاصة فور تسلمها.

١٢ - على المتولين اصدار نشرة بالوارد والصادر السنوي. واعطاء صورة تفصيلية لسير المكتبة عند رأس كل سنة او سنتين او اكثرهما تقتضيه المصلحة ورآه المتولون من صالح المكتبة.

١٣ - يفرض على مديرا المكتبة وعلى جميع موظفيها والعمال فيها رعاية حرمة المكتبة وحرمة مطالعيها وعدم الاستصغار باي فرد منهم والقيام بواجبهم باحسن صورة بهمة عالية ونشاط. واستقبال المطالعين بحسن السيرة ولكن للمؤلفين الكرام الاعلام مقام محمود ومكانة رفيعة وعز وكرامة وعليهم الترحيب بالوافدين الى المكتبة واكبارهم واعزازهم وتلقيهم بوجه طلق وخلق حسن وادب بارع

١٤ - لا يحق لأي فرد من المتولين وغيرهم التصرف

في بناية المكتبة أو ممتلكاتها وأموالها المنقولة وأثاثها

في أغراضه الخاصة كما لا يحق لأي شخص كان إخراج شيء منها أو

اعارتها ولو مضمونة وان اقتضت الضرورة الى ذلك لغسله

او تصليحه فليشترط أن يكون تحت اشراف ومسؤلية المدير

العام والمدير الداخلي وأن لا يتأخر في خارج المكتبة

اكثر من خمسة أيام.

١٥ – لا يجوز لأحد اقامة الفراتح او عقد جلسات

دينية اوغير ذلك في بناية المكتبة وممتلكاتها وان

عزمت ادارة المكتبة على عقد حفل تأبيني او اجتماع

ديني في الاعياد المذهبية فعلى المدير العام طلب

موافقة اعضاء التولية قبل بدئه بالعمل.

١٦ – لاولادي الذكور الموجودين ولأولادهم

ما تعاقبوا وتناسلوا الاولوية والتقدم في ادارة

المكتبة ومديريتها وفي كل وظيفة من وظائفها متى

رغبوا فيها مع رعاية صلاحهم وصلاحيتهم في ذلك

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

وأملي في المتولين ورجال هيئة الرقابة وأعضاء
لجنة الشورى في جميع الطبقات أن يكون نظرهم نفياً
وإثباتاً على ما تقتضيه مصلحة المكتبة والاهتمام
في هذا الشأن والعمل بجد وإخلاص لوجه الله تعالى
والله أسأل أن يفيض عليهم من لطفه وكرمه ورعايته
وعطفه ما يستوجبون به سعادة الدنيا والآخرة وأن
يأخذ بناصرهم ويوفقهم لمرضاته وأن يكفيهم المهمات
من أمور الدين والدنيا إنه خير الناصرين.
وقد جعلت لنفسي ولاية التغيير والتبديل ما دمت
حياً وما توفيقي إلا بالله عليه توكلت وإليه أنيب،
حرر في مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام
العامة في النجف الأشرف في اليوم الأول من شهر
صفر سنة ألف وثلاثمائة وسبعة وثمانين للهجرة

صورة وقفية مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام

صورة وصية جدنا آية الله العظمى الفقيه الأكبر السيد محمد كاظم
الطباطبائي اليزدي رحمه الله تعالى المتوفى في ٢٧ رجب ١٣٣٧
وقد نقلناها بخطي عن صورتها الفتوغرافية المأخوذة عن
نسخة الأصل المحفوظة عند سلالة ارصيانه من آل كاشف
الغطاء وقد استعرتها منهم فنقلتها عنها مباشرة وهي محفوظة
في مكتبتهم العامة في النجف الأشرف

بسم الله الرحمن الرحيم

حمداً لله رب العالمين وصلاة وسلاماً على محمد وآله الطاهرين
وبعد فاني قد صالحت بالصلح الصحيح الشرعي
المشتمل على الايجاب والقبول وسائر شرائط الصحة و
اللزوم داري الكبيرة الواقعة في محلة البراق من محلات
النجف الأشرف المنتقلة الي بالشراء من ورثة المرحوم أمين
آقا ابن المرحوم نظام الدولة هي والدار الصغيرة الملاصقة
لها المعلومة الحدود والجهات مع ما فيها من الاسباب
والاثاث والفرش والكتب وغيرها من جزئي و
كلي وكذا ما في دار شريعة الكوفة الوقف من الاسباب

صورة وصيّة آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم الطباطبائي اليزدي التي استنسخها المحقّق الطباطبائي ﷺ عن نسخة الأصل بخطالشيخ محمّد حسين كاشف الغطاء

والارض الواقعة في شريعة الكوفة المنتقلة الي بالشراء من الحاج احمد اللاري مع ما فيها من العمارة لولدي المحروس سيد أسد أدام الله توفيقه و حراسته ولوالدته واخواته منها له من ذلك حصتان والباقي لهم على السوية، وقد صالحت وأجريت عقد الصلح الصحيح معهم عن جميع ذلك وحصل القبض والاقباض وقبل الكبار منهم وقبلت وقبضت عن الصغار بحسب الولاية. وشرطت في ضمن عقد الصلح أن الخيار بيني وبلساني بحيث لا ينتقل الى ورثتي من الآن الى مدة عشر سنوات متى شئت فسخت ذلك العقد وقد أوقفت المدرسة الكبيرة الشهيرة مع توابعها ولواحقها وكتبها على المشتغلين بتحصيل العلوم الدينية واوقفت نصف الحمام الواقع في شريعة الكوفة مع توابعه من الدكاكين وكذا الحصص التي في [الكوفة] والدكاكين الواقعة في شريعة الكوفة المشتركة بين المدرسة وبين ورثة ولدي المرحوم السيد أحمد وغيرهم اوقفت جميع ذلك ما يلزم

صورة وصية آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم اليزدي

للمدرسة من تعمير وماء وغيره بعد اخراج العشر ولد بر دانها للمتولي
وقد جعلت المتولي جميع الذكور من أولاد ولدي المرحوم السيد محمد -
مرتبين طبقة بعد طبقة لا يشارك الثاني من البطون الأول ولو بقي
واحد من البطن السابق لا يشاركه اللاحق ولكن بشرط الرشد والتقوى
وحق التولية مشترك بين جميع الطبقة التي لها حق الولاية وكذلك أوقفت
الخان الواقع في النجف الأشرف في محلة العمارة على الزوار وأوقفت لواحقه
من الدكاكين المتصلة به والدارين الملاصقين له على ما يلزم من تعميره
وسائر لوازمه من الضياء والماء وغيره كل ذلك وقفاً صحيحاً شرعياً
مشتملاً على الايجاب والقبول والقبض والاقباض وجعلت تولية
الخان وأوقافه لولدي السيد أسد وله حق التولية العشر من الواردات
ثم لأولاده وأولادهم مرتبين وكذا الدار القديمة في شريعة الكوفة أوقفتها
على تعزية سيد الشهداء عليه السلام والتولية للسيد أسد وأولاده وأما
ما عدى ما جرى عليه عقد الصلح والوقف من الأملاك الراجعة لي فهي
على ما فرض الله للذكور والاناث وقد جعلت الأوصياء عني على تنفيذ
تلك الأمور وعلى ابراء ذمتي وقضاء ديوني وأداء الحقوق التي علي
واستيفاء الديون التي لي على الناس بموجب السندات التي باسمي
وغيرها من الحقوق الشرعية وغيرها جناب الشيخ أحمد آل كاشف الغطاء
وأخاه الشيخ محمد حسين والحاج ميرزا محمود آغا الهندي التبريزي
والشيخ علي المازندراني دام تأييدهم وجعلت هؤلاء الأوصياء النظارة
على تلك الأوقاف جميعاً وعلى المتولي عليها وعزله وعلى صرف عائداتها
في مصارفها اللازمة بنظره ونظرهم وجعلت لهم أن يجعلوا ناظراً

صورة وصية آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم اليزدي

من بعدهم على ذلك ومتوليًا وأما الأموال التي تحت يدي وفي حجرتي في النجف الأشرف
أو الجسر أو عند التجار من نوط أو نقود وكذا الديون التي على الناس باسمي ما كان
فيها سندات أم لا فقد عهدت إلى الأوصياء المذكورين أن يخرجوا منها أولاً الصوم
والصلاة والحج والكفارات الراجعة للناس حسبما هو مقيد في دفاتر الخاصة
التي يلزم تسليمها مع سائر الأوراق والسندات إليهم ثم يصرفون من بقيته أصحابه
مع إضافة مقدار زائد عليه احتياطًا من السهو في عدم تقييد بعض الموارد وما
ينفصل من ذلك نصرفه في الحقوق الشرعية وقد عهدت إلى الأوصياء أن يطبعوا منه
تكملة العروة الوثقى والسؤال والجواب المجموع من الفتاوى المنسوبة إلي ويصرفون
الباقي على الفقراء والمشتغلين بإدامة إعطاء الخبز في شهري شعبان ورمضان
من هذه السنة على نحو ما كنت أعطيه فيما مضى وإن بقي شيء يصرف على
المستحقين على سبيل التوزيع والترسيع وأما الصغار من أولادي وأولاد
أولادي من الذكور والإناث فقد جعلت القيم عليهم والمتولي لإصلاح
شؤونهم أمهاتهم بنظارة الأوصياء المذكورين وقد جرى جميع ما ذكر
من الصلح والوقف والوصية في حال الصحة والاختيار وليس لأحد من
أولادي ولا غيرهم المعارضة والمناقشة في شيء مما سطر ورجائي
أن يتفقوا ولا يختلفوا وعلى فرض حصول الاختلاف فالعمل على رأي الشيخ
أحمد وأخيه الشيخ محمد حسين أدام الله تأييدهما

بسم الله الرحمن الرحيم
بعونه تعالى
نعم قد اعترف جناب مولانا حجة الإسلام
وآية الله في الأنام السيد محمد كاظم دام ظله
بصحة ما حرر ورقم في الورقة لدى الأقل
كليدار روضة الحيدرية ١٧ رجب ١٣٢٧
التوقيع
الختم (عباس ... الموسوي)

جميع ما في الورقة صحيح الأحقر
محمد كاظم الطباطبائي في ٢٧
رجب سنة ١٣٢٧

نعم قد اعترف حضرة مولانا حجة الإسلام
السيد محمد كاظم الطباطبائي مد ظله
العالي بما حرر وسطر لدى الأقل الحسين الحاج ...
١٧ رجب ١٣٢٧
(حسين ابن علي)

صورة وصية آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم اليزدي

نعم اعترف حجة الاسلام السيد محمد كاظم
طباطبائي روحي فداه بما جاء في رقيم
لدى الأقل العبد السيد هاشم نجل المرحوم
السيد محمد نوري ١٧ رجب ١٣٢٧

عبده الراجي
هاشم الحسيني

نعم اعترف حضرة آية الله السيد ... بها
بما فيها لدى الأقل محمد رؤوف ...
يوم ١٧ رجب ١٣٢٧ هـ ترقيم
ختم

رؤوف ... العباد

اين جناب حجة الاسلام والمسلمين ...
آقاي آقا سيد محمد كاظم آية الله شنيدم
كه صحيح است اقل السادات ابو القاسم

عبده الراجي
ابو القاسم ...

بسمه تعالى
نعم اعترف حضرة آية الله السيد
دام ظله العالي بجميع ما في الورقة
لدى الأقل نظام العلماء زاده ١٧
رجب ١٣٢٧ هـ ترقيم
عبد الحسين

P. 7. Norbury major.
Off. Political Officer

26. IV. 1919 Shamiyah Division

صورة وصية آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم اليزدي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين . وبعد فاني لما أوقعت
بعض المصالحات في ورقة سابقة على هذه وقد أوقعت بعدها مصالحات أخرى
لزم ذكرها تفصيلاً منها أني قد صالحت وملكت بالتمليك الشرعي الصحيح
الدارين الواقعتين في محلة الحويش من النجف الأشرف القديمتين لمجموع أولاد
أولادي الذكور والاناث على السواء وهم أولاد السيد محمد وأولاد السيد أحمد
وابن السيد حسن وأولاد السيد محمود لكل واحد حصة ذكراً كان أو انثى
ومنها أني قد صالحت وملكت نصف الدار الواقعة في شريعة الكوفة
المنتقلة اليّ من الحاج علي أصغر اليزدي من ولدي السيد محمود وهو
السيد حسين والنصف الآخر لأولادي وأولاد أولادي جميعاً ذكوراً و
اناثاً على السواء ومنها أني قد صالحت وملكت الدارين الواقعتين في محلة
المشراق من النجف الأشرف الدار الواقعة على جبل المشراق والأخرى الصغيرة
من بنتي الكبيرة عيال السيد اسمعيل ومنها أني قد صالحت وملكت الدارين
الواقعتين في كربلاء دار الحاج سكر المنتقلة من ورثته لي والدار الأخرى
الصغيرة من ولدي السيد علي وخليصته عيال السيد اسماعيل ثلثان
للسيد علي وثلث لأخته المزبورة وأما البستان الواقعة في قرب علوة
النخل وقطعة الأرض الواقعة في طرف البلد من شريعة الكوفة والحصة
من الطرادة فقد نقلت الجميع بالنقل الشرعي الى الحاج حسين [illegible] في شرح

صورة وصية آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم اليزدي

أن يدفع مثل واردانها الى الاوصياء واصرفونه على مقبرة اولادي واولادهم بها من عيب وغيره

الأعيان وتبديلها بالأحسن كان لهم الفسخ وبيعها على الأخير وشراء ما هو خير منها لتلك الجهة وقد نقلت جميع ما استعمرنا من السود في تركة اولاد السيد محمد والسيد احمد والسيد حسن والسيد محمود الى اولادهم الذكور والاناث على حسب حصصهم ليس لأحد من ذريتي مطالبتهم وقد جعلت الخيار في جميع هذه المصالحات المذكورة لنفسي ولبنتها بحيث لا ينتقل الى الورثة من تاريخ الورقة الى ربع عشر سنة واما الاوصياء غير الاربعة المرقومين في الورقة السابقة جناب الشيخ احمد كاشف الغطاء واخوه الشيخ محمد حسين والحاج محمود آقا الهندي والشيخ علي المازندراني اذ دام اقتدارنا بيدهم وتصرفاتهم بعدي نافذة مقبولة في اموري على حسب ما سطر في هذه الورقة وسابقتها وقد عهدت اليهم بملاحظة ذريتي المحتاجين من الوجوه الشرعية لا سيما في زواج غير المتزوج وجميع ما في الورقة السابقة من الوصايا فهي صحيحة نافذة وقد جعلت ايضا للاوصياء المذكورين خيار الفسخ في جميع ما في الورقتين حسب المصلحة مع رعاية تمام الجهات وقد عهدت اليهم والى جميع ذريتي بتقوى الله الذي لا الرجوع والالتزام بالورع والصلاح وقد عينت الاوصياء المذكورين لنصف الخان الذي فيه الحاج حسين البهبهاني الذي هو راجع لثلث الحاج ابراهيم نيل فروش وصرف عائداته في مصارفه وغير ذلك من جميع ما هو بيدي نقدا رجعت منه اليهم واذا وفت الوجوه الشرعية بعد اخراج الصوم والصلاة والحج والكفارات تعمير ابن الحسن الراجعة لسيد اسد والخزائن

صورة وصية آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم اليزدي

ورالته ووجد الاوصياء المصلحة فليعمروها بحيث تحصل الفائدة منها
وقد وكلت الاوصياء المزبورين وكالة مطلقة وفوضتهم على جميع ما
يعود لي ولورثتي وما بيدي مما يرجع الى امور المسلمين من الولاية على الاوقاف
وعلى الصغار وغير ذلك مما يرجع لحكام الشرع الشريف محمد كاظم الطباطبائي
حررت في يوم ٢٠ رجب سنة ١٣٢٧ للختم

اعترف بما فيه الداعي النائني اقل الحاج ابو الحسن الاصفهاني (ختم)

اعترف بما فيه الداعي الجاني اقل الحاج محمد حسين الزنجاني (ختم)

بسم اعترف حضرة مولانا اية الله الطباطبائي بما فيها الداعي الاقل الحاج
حسين بهبهاني (ختم)

بسم الله تعالى اعترف حضرت سيدنا دام ظله العالي بجميع ما فيها
بمحضر الاحقر عبود بن حسن اليزدي (ختم)

بسمه تعالى قد اعترف حضرة سيدنا دام ظله بصحة جميع ما حرر ورقم
وسطر فيها الداعي الاقل كليدار روضة الحيدرية ٢٠ رجب ١٣٢٧
التوقيع (المختم)

بسم الله الرحمن الرحيم اعترف حضرة الاستاذ اية الله ظله بما في الورقة
للداعي الاحقر السيد علي اكبر اليزدي

بسم الله الرحمن الرحيم اقر واعترف سيدنا السيد دام ظله العالي بما فيها الى
خطه المبارك وخاتمه الشريف عندي الاحقر محمد رضا الحسيني المرعشي الرفيع
٢٢ رجب ١٣٢٧

26.12.1919
F. F. Nalbury(?) Major
Pol. Political Officer
Hamiyah Division

صورة وصية آية الله العظمى السيّد محمّد كاظم اليزدي

صورت متن وصيتنامه مرحوم علامه أميني صاحب الغدير
قدس الله نفسه الزكية كه از روى فتوكپى كه از روى نسخه
أصل بخط خود آن مرحوم بوده است عيناً در اينجا درج مى‌شود

بسم الله الرحمن الرحيم ١٨/٢/١٣٤٦

٢٨ محرم الحرام ١٣٨٧

أحمد الله وأشكره على نعمائه والصلاة على سيد المرسلين وآله
الطاهرين وبعد هذا ما أوصى به عبد الحسين أحمد
الأميني النجفي وهو يشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له
إلهاً واحداً أحداً فرداً صمداً حياً قيوماً، ويشهد أن محمداً عبده
ورسوله أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين
كله ولو كره المشركون ويشهد أن ما جاء به صلى الله عليه
وآله حق وأن الكتاب والسنة والصراط والميزان
والحساب والحشر والنشر والجنة والنار حق لا ريب
فيها وأن الله يبعث من في القبور وإليه النشور
ويشهد أن علياً أمير المؤمنين حجة الله وخليفة رسوله
وأن الأئمة من ولده كلمة التقوى وأعلام الهدى،

صورة وصيّة العلّامة الأميني تَيْرُ التي استنسخها المحقّق الطباطبائي تَيْرُ عن نسخة الأصل

والعروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين.

وصي خود نمودم در حال صحت واختيار و شعور دو پسر عزيز فاضل خودم جنابان آقا شيخ محمد هادى وآقاى حاج شيخ محمد رضا را كه پس از وفات و انتقالم بجوار حضرت پروردگار مهربان مراتب مفصله ذيل را چنانچه نوشته مى شود معمول داشته وانجام داده وجابجا نمايند:

١ - أثاثيه ومخلفاتيكه در منزل طهران دارم كائنا ما كان قسمتى از ان مال طلق شخصى بانو أشرف السادات است وآنچه راجع به من است پنج هزار تومان از ان بابت طلب ايشان يعنى بانو اشرف السادات به ايشان بپردازند، وبقيه را مصالحه كردم بر نور چشمي احمد آقا ومحمد آقا وبقيهٔ اولادم ابداً حقى در او ندارند وبايد در تحويل مادرشان بوده باشد ومادرشان قيم شرعي ايشان است واولاد خودم را

صورة وصيّة العلّامة الأميني

خاصه نور چشمان آقا هادی وحاج آقا رضا را اکیداً
وصیت می نمایم که هرچه توانند احترام علویه اشرف
السادات را مرعی داشته وباکمال ادب وحسن
معامله با او واولادش رفتار نمایند وایشان را وسیله
اتصال با حضرت ختمی مرتبت شمرده وهرچه ملتمس
شود به ایشان رسیدگی نمایند که موجب فرح وسرور
روح من ورضای حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها است

۲ ـ هرچه از اثاثیه ومخلفات وکتاب در نجف اشرف
دارم بالمصالحة الشرعیة راجع با قا هادی وحاج
آقا رضا وآقا صادق وخواهران ایشان میباشد
ونور دیده گانم احمد ومحمد وخانم مادرشان اصلاً حقی
در او ندارند وباید علی ما فرض الله درمیان اولادم
قسمت شود.

۳ ـ منزل سکنی که در نجف اشرف دارم چون
عمده قیمت از وجهش از مال کتابخانه پرداخت شده
تمام خانه را باسم کتابخانه ثبت کنند واز مستغلات

صورة وصيّة العلّامة الأميني

کتابخانه محسوب گردد بشرط اینکه مدیر کتابخانه از اولادم وبقیه اولاد ذکورم نسلا بعد نسل در او ساکن بوده واز کتابخانه تحفظ نمایند.

٤ - منزلی که در تهران دارم ملک طلق خالص خودم است آن وتمامی مجلدات الغدیر که در تهران موجود است یا دوره کامل یا مفردات مجلدات پس از تخریج مصارف آینده میان تمام ورثه پنج پسر وسه دختر علی ما فرض الله تقسیم شود وتمام ثمن بدون تنصیف به علویه اشرف السادات باید داده شود،

وتفصیل مصارف باین قرار است:

مخارج دفن وکفن ومجلس فاتحه بصورت عادی

ده سال نماز ودو ماه روزه استیجاری.

اطعام چهل نفر از سادات، ووحدت مجلس شرط نیست.

ده سال برای زیارت نائب گرفته شود که مرتبه کربلا رفته بود

صورة وصية العلّامة الأميني

وبجا آورند.

ده سال برای حضرت صدیقه سلام الله علیها إقامهٔ عزا به نام آن بی بی عالم شود در یکی از دو جمادی

چهار صد دینار عراقی به نور چشمی آقا صادق جهت عروسی بپردازند.

صد دینار به دو پسران مرحوم آقا سید هادی خلف بپردازند که بالمناصفه قسمت نمایند.

پنجاه دینار به بی بی فاطمه خانم مادر اولاد عزیزم بپردازند.

مبلغ هفتصد و پنجاه دینار عراقی جناب ثقة الاسلام آقای حاج غلامرضا کسائی پیش حقیر امانت دارند که به نور چشمی حاج آقا رضا تحویل داده ام و به دست ایشان می باشد.

وهمچنین هزار تومان جناب آقا شیخ حسین اخلمدی خراسانی پیش حقیر امانت گذاشته که باز به نور چشمی حاج آقا رضا داده شد که نگهدارند.

برشتهٔ وجه امانتی جناب آقای کسائی به خود ایشان پرداخت گردید بوسیلهٔ نور چشمی آقای حاج آقا رضا عبدالحسین الامینی

صورة وصية العلّامة الأميني

۵ - اولاد خود را وصیت مینمایم حتی الامکان از جوار مولی امیرالمؤمنین علیه السلام دور نشده و تا زنده هستند خدمت آن بزرگوار را فرض خودشان شمرده و با جان و دل آنچه توانند خدمت کنند و از کتابخانه مبارکه امام علیه السلام نگهداری نمایند تا زحمات من تباه نبوده و بی نتیجه نگردد

۶ - اگر اجل در خارج نجف اشرف مرا درک نمود از اولاد و از رفقای خود تقاضا مینمایم که هرچه توانند فعالیت کنند که جنازه من نقل بر آستان قدس امیرالمؤمنین نجف اشرف بوده باشد و این منت را بمن گذاشته و در حمل جنازه من کمال همراهی و مساعدت و محبت را مصروف دارند و از دعای خیر فراموشم ننمایند و در مجالس تعزیه و توسل و دعا یادی از حقیر بنمایند و هرکسی که در ذمه حقیر هرگونه حقی داشته باشد مرا بخشیده و عفو نماید.

و در صورت تحقق دفن حقیر در نجف اشرف در سرداب زمین حمزه بحر در زاویه که الآن اطاق ظهور تصاویر است دفن نمایند چون این زمین بالفقیر

صورة وصيّة العلّامة الأميني

مرحوم حاج سید رضا خان اخوی خریده شده و آن مرحوم زیاد طالب بود که حقیر در آن خاک مدفون شوم.

۷ - طلبهائی که در تمامی دفاتر بغلی خودم از هر کس دارم و نوشته شده کائنا من کان کم و زیاد همه بری الذمه بوده و نباید از احدی طلبی مطالبه شود و حسابی با کسی در میان ندارم غیر از جناب دوست عزیزم آقای دستمالچی حاج کریم آقا و نور چشمی عزیزم جندم حاج آقا رضا و هر دو مورد اعتماد م بوده و هر چه گویند صحیح و ممضی است.

در خاتمه اولاد و احفاد عزیز خودم و دوستان و علاقمندان محترم و کافه ذراری آل عصمت را بخدا سپرده و از همه ایشان خداحافظی می نمایم.

و آخر کلامی أن الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین والسلام علی عباد الله الصالحین

العبد المذنب العاصي الحقير الذليل
عبد الحسين احمد الاميني النجفي

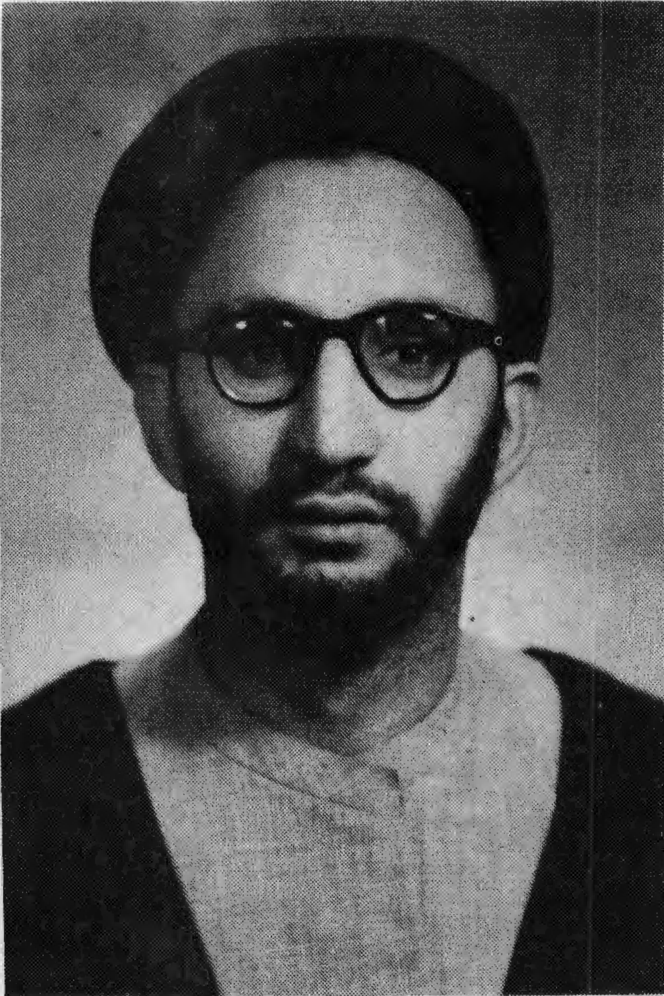
صورة وصيّة العلّامة الأميني

الصـور



المحقّق الطباطبائي في السادسة عشر من عمره

١٨ شعبان ١٣٦٤ هـ



صاحب الذكرىٰ في ريعان شبابه



في مجلس مع العلماء



في مجلس مع العلماء

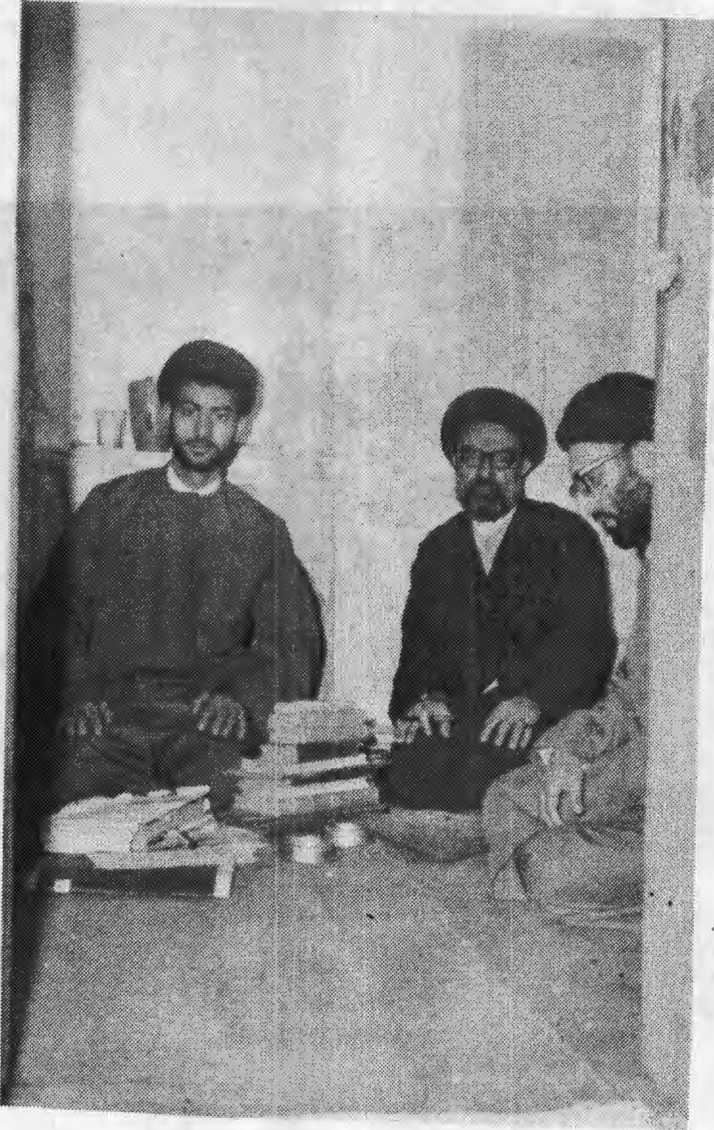


في المؤتمر الألفي للشيخ الطوسي في مشهد المقدسة

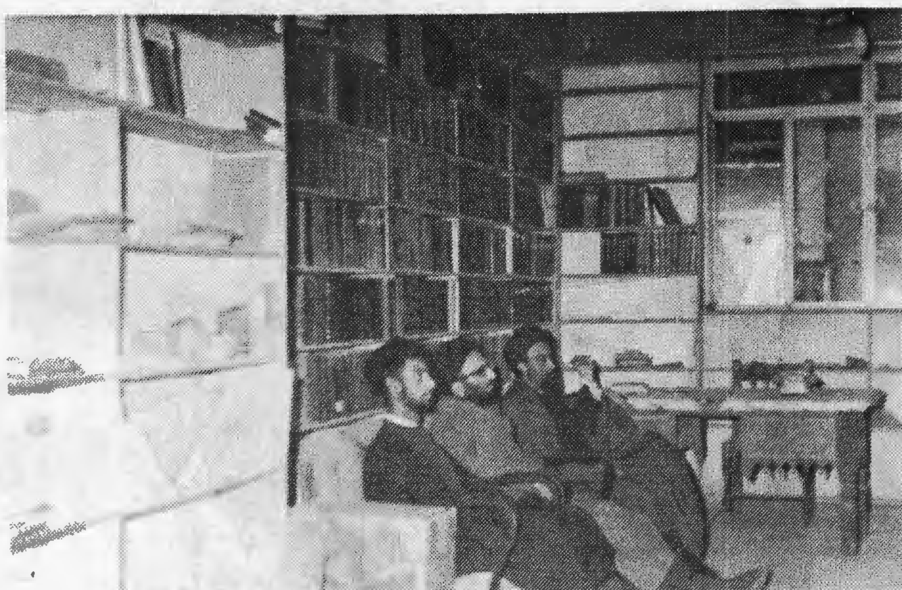


في الجلسة الختامية للمؤتمر الألفي للشيخ الطوسي

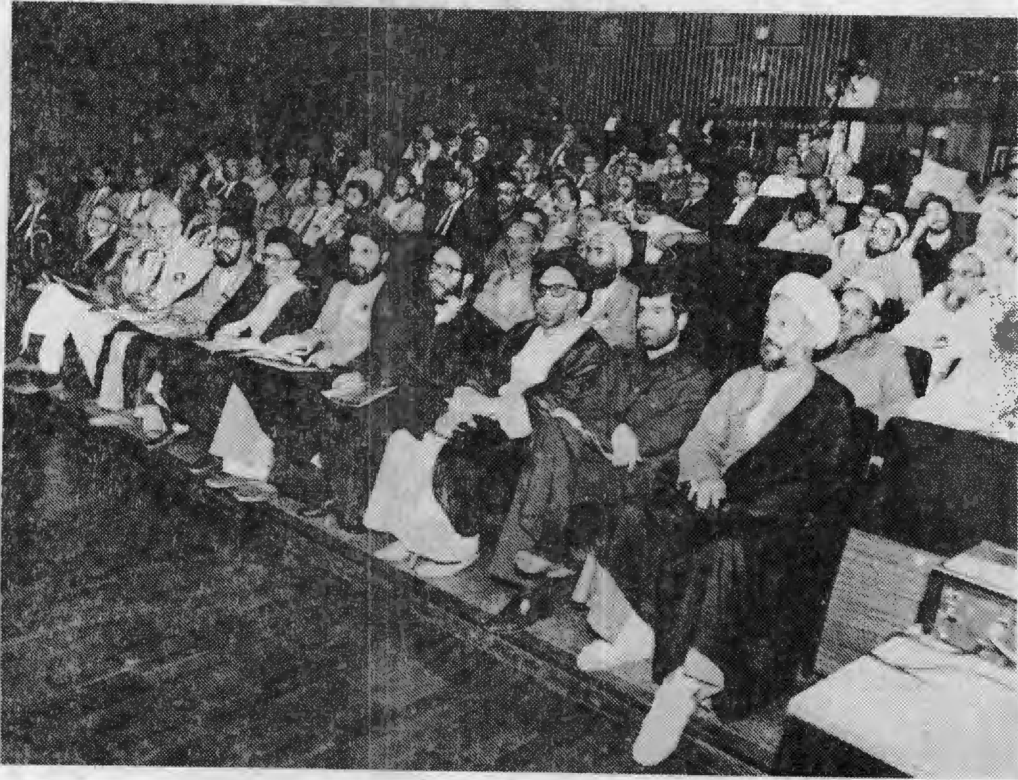
١٦٢٢



مع العلّامة السيّد مهدي الخرسان في النجف الأشرف



مع العلّامة الخرسان في النجف الأشرف



في مؤتمر الغدير الأغرّ في لندن



في العقد الخامس من عمره

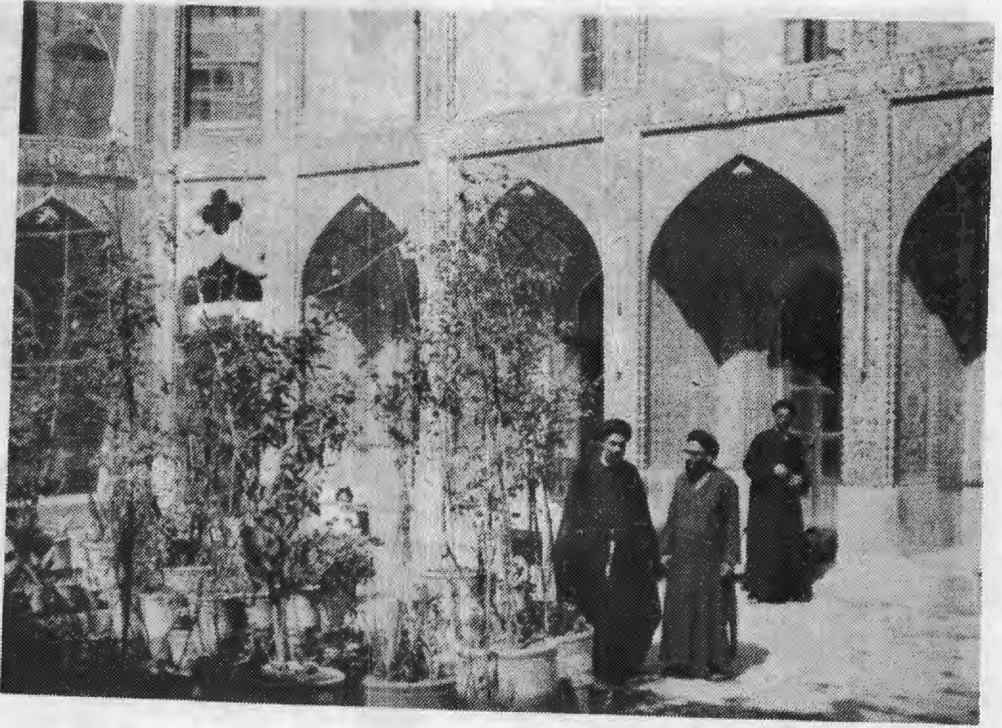


في مدرسة السيّد اليزدي في النجف الأشرف



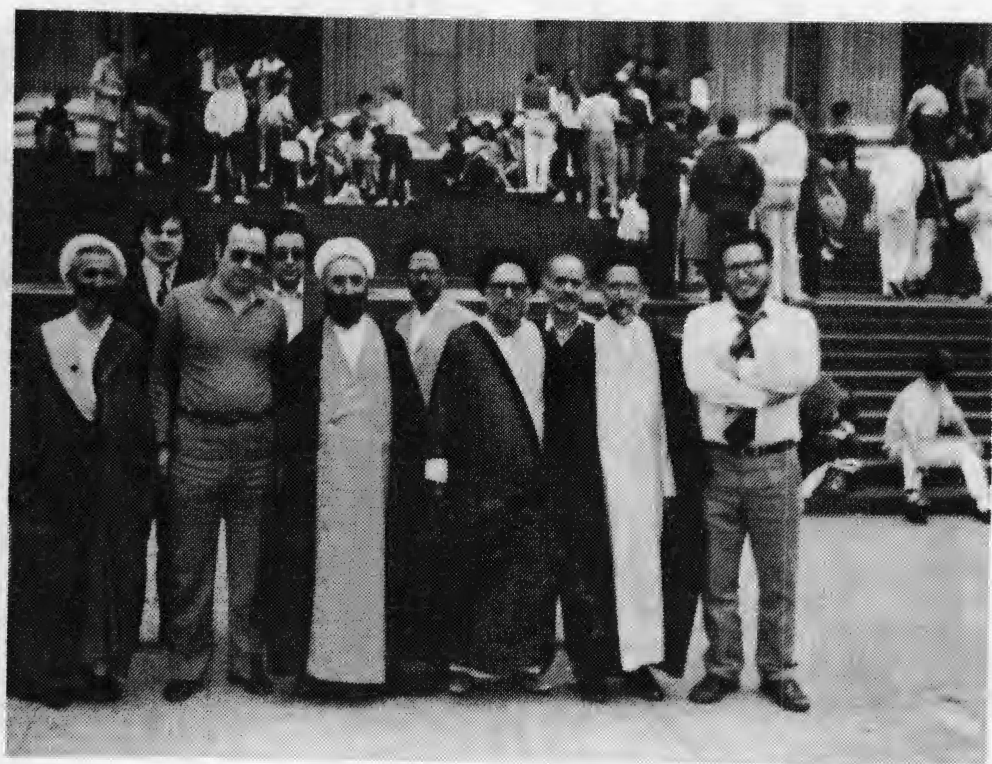
مع العلّامة السيّد مهدي الخرسان

١٦٢٨



في مدرسة السيّد اليزدي في النجف الأشرف مع العلّامة الخرسان

١٦٢٩



في مؤتمر الإمام الحسين عليه السلام في لندن



في مؤتمر الغدير الأغرّ في لندن



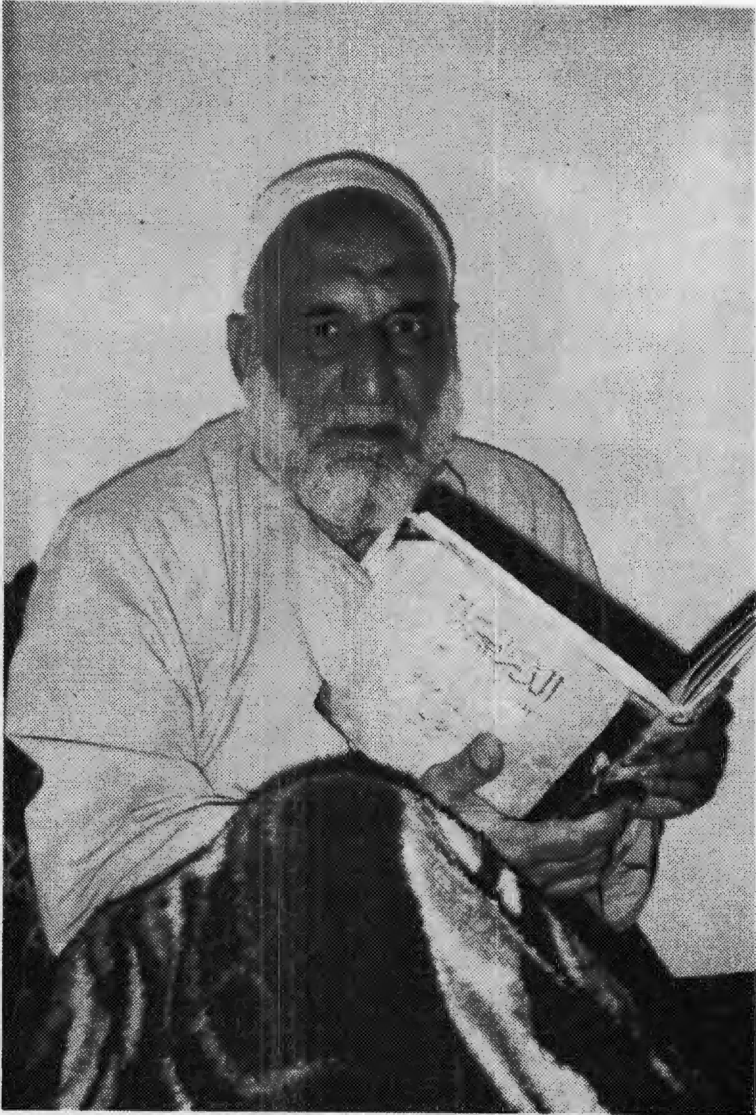
مع العلّامة السيّد سعيد أختر الرضوي



في جلسة مع ثلّة من الأعلام



مع أولاده



في أخريات أيام حياته المباركة



أيام قبل وفاته



مقدمة موكب تشييع جثمان الفقيد الراحل في صحن السيّدة
فاطمة المعصومة عليها السلام